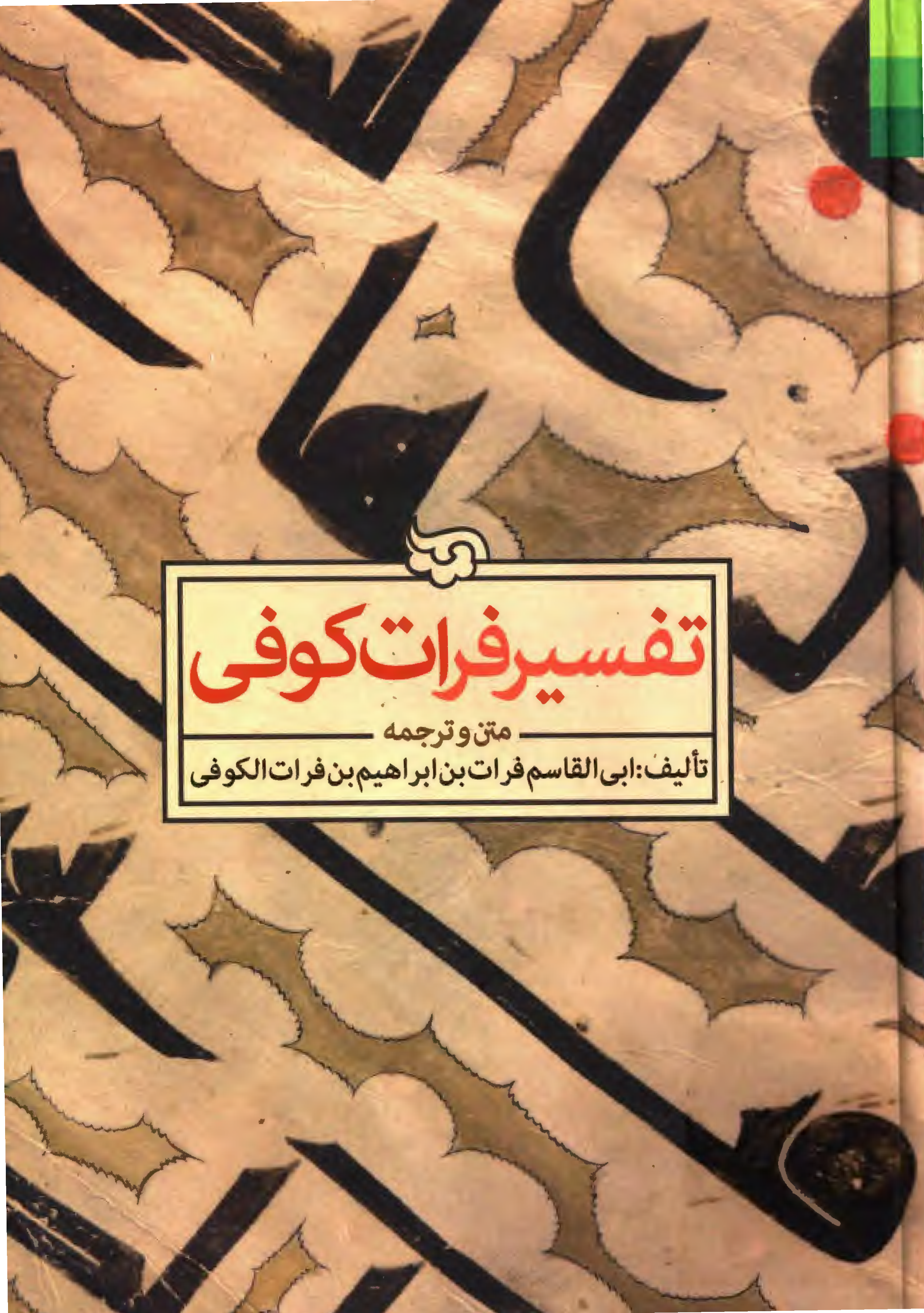
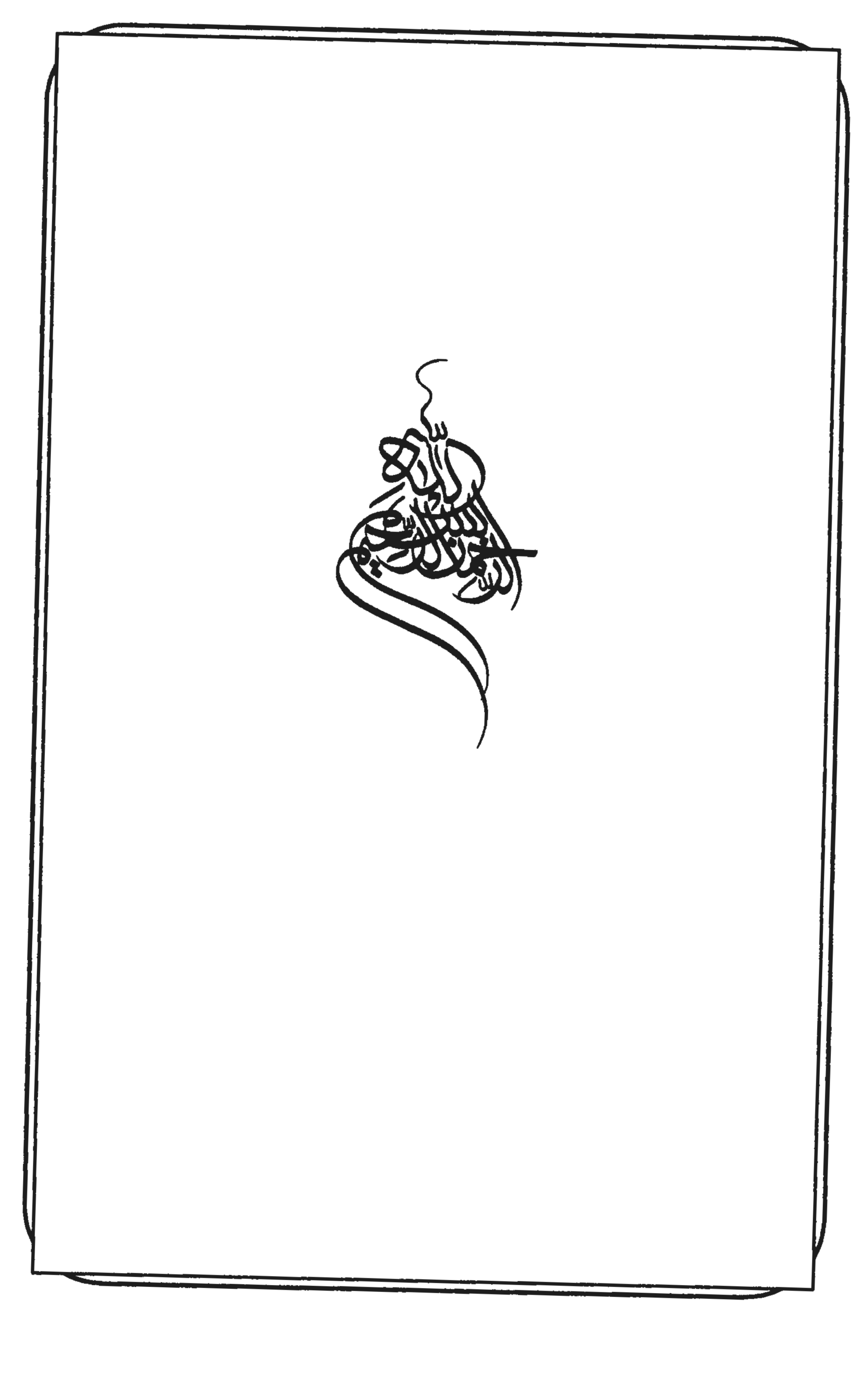


تفسیر فرات کوفی
متن و ترجمه
تألیف: ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی


بسم الله الرحمن الرحيم

▼
متن و ترجمه تفسیر فرات کوفی
تألیف: ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی
محقق: محمد الکاظم
مترجمین: معصومه آ عبدالله - حکیمه حاجی علی‌اکبر
ویراستار: حسام حاج مؤمن
انتشارات دلیل‌ما
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: پرتوشمس
چاپخانه: نگارش
شابک: ۴ _ ۷۹۲ _ ۳۹۷ _ ۹۶۴ _ ۹۷۸
تلفن و نمابر: ۷۷۳۳۴۱۳ _ ۷۷۴۴۹۸۸ (۹۸۲۵۱+)
قم، صندوق پستی: ۱۱۵۳ _ ۳۷۱۳۵
www.Dalilema.com
Dalilema@yahoo.com

مراکز پخش:
۱) قم، خیابان صفائیه، روبروی کوچه ۳۸، پلاک ۷۵۹،فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ _ ۷۷۳۷۰۰۱
۲) تهران، خ انقلاب، خ فخررازی، فروشگاه دلیل‌ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۶۴۱۴۱
۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل‌ما، تلفن ۵ _۲۲۳۷۱۱۳

سرشناسه	:کوفی، فرات بن ابراهیم، - ۳۰۷؟ ق.
عنوان قراردادی	:تفسیر فرات الکوفی. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	:متن و ترجمه تفسیر فرات کوفی / تالیف ابی القاسم فرات بن فرات الکوفی، مترجم: معصومه آ عبدالله، حکیمه حاجی علی اکبر؛ ویراستار حسام حاج مومن.
مشخصات نشر	:قم :دلیل ما، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:۷۲۸ ص.
شابک	:978-964-397-792-4
وضعیت فهرستنویسی	:فیپا
شناسه افزوده	:آ عبدالله، معصومه، مترجم
شناسه افزوده	:حاجی علی‌اکبر، حکیمه، مترجم
شناسه افزوده	:حاج مومن، حسام، ویراستار
رده بندی کنگره	:BP ۹۳/ ک ۹ ت ۷۰۴۱ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	:۲۹۷/ ۱۷۲۶
شماره کتابشناسی ملی	:۲۶۹۷۱۰۶



تقدیم به ساحت مقدس کریمه اهل بیت،

محدّثه آل طهَ، فاطمه معصومه عليها السلام

السلام علیكِ یا بـنتَ مُوسَیبنِ جَعفرٍ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ. السلام علیكِ عَرَّفَ اللهُ بَیننَا و بَینَکُم فِی الجَنَّةِ وَحَشَرَنا فی زُمرَتِکُم و اَورَدنا حَوضَ نَبِیِّکُم و سَقَانا بِکَأسِ جَدِّکُم، مِن یَدِ عَلیِّ بن اَبیطَالِبٍ صلواتُ اللهِ علیکمُ، اَسئَلُ اللهَ اَن یُرِیَنا فیکُمُ السُّرورَ والفَرَجَ و اَن یَجمَعَنا و اِیّاکُم فی زُمرَةِ جَدِّکُم مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و اَن لا یَسلُبَنا مَعرِفَتَکُم، اِنَّهُ وَلِیٌّ قَدِیرٌ.



فهرست

پیش‌گفتار

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * ن وَ الْقَلَمِ وَ مٰا يَسْطُرُونَ ﴾[1]

فَالقَلَمُ قَلَمٌ مِن نُورٍ وَ كِتَابٌ مِن نُورٍ فِی لُوحٍ مَحفُوظٍ يَشهَدُهُ المُقَرَّبونَ وَ كَفى بِاللهِ شَهِيدًا[2].

وَ بِحَقِّ القَلَمِ وَ مَا جَرَى وَ اللُّوحِ وَ مَا اَحصَى[3].

سپاس و ستایش خدای را که اصل خیر و سرچشمهٔ فیض است و جان و خرد را مالک و مراد.

و سلام و تحیّت بی‌کران بر «محمّد» مصطفی ﷺ آن مصطفای دار وجود که از نام «حمید» حقّ ساطع، و در سرای ملکوت احمد[4] و به دار مُلک «محمّد» ﷺ نام گرفت. و درود بی‌کران بر وصیّ او «امیرِ عوالم»، آن موجود عرشی که در کوتاه مدتی بر فرش فرود آمد. تنها کعبه می‌توانست تجلّی وجودش را پذیرا باشد و تنها محراب

---

۱. قلم، ۱

۲. *نورالثقلین*، ج ۵، ص ۳۸۷.

۳. اعمال شب عرفه، ۵۱۵.

۴. *تفسیر قمی*، ج ۲، ص ۳۴۶؛ *ترجمهٔ تفسیر البرهان*، ج ۸، ص ۸۲۲.

مسجد کوفه توان تحمل بار سنگین شهادتش را داشت. و سلام و صلوات بر خاندان معصومش، ائمهٔ اطهار ﷺ، آنان که کاخ ملکوت را با نام خویش روشن ساختند. خداوند جان و خرد به وجودشان بنازد و ماسوا به هستی‌شان ببالند.

کتاب ارزشمند تفسیر فرات یکی از قدیمی‌ترین ذخایر شیعه و گنجی از انوار الهیه و معارف قرآنیه است. جناب ابراهیم‌بن فرات کوفی مؤلف این اثر ماندگار، یکی از اصحاب ائمه ﷺ و از علمای عصر غیبت صغری محسوب می‌شوند.

در این تفسیر مأثوره،[۱] بر جای مانده از قرن سوم و اوایل قرن چهارم مفسر فقط به ذکر روایت یا روایاتی ذیل برخی از آیات از بعضی سوره‌ها بسنده کرده و هیچ‌گونه اظهارنظری دربارهٔ روایت یا آیه نداشته است[۲]. بیش از دویست نفر از راویان احادیث این تفسیر «ثقه» بوده و این اثر مورد تأیید بسیاری از علمای بزرگ از جمله علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی بوده است.

نکاتی در مورد کتاب حاضر

در تدوین مطالب این تفسیر، از نسخهٔ فرات کوفی تحقیق شیخ محمّدکاظم محمودی از عالمان سرزمین عراق، که انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران آن را به چاپ رسانده است، استفاده کرده‌ایم. محقق محترم در مجموع از ۸ نسخهٔ خطی این کتاب و دو نسخهٔ چاپی نجف و افست ایران، که در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد، استفاده کرده است که عباتند از:

ـ نسخهٔ کتابخانهٔ امیرالمؤمنین ﷺ در نجف اشرف

---

۱. نوعی از تفسیر قرآن را تفسیر به مأثور گویند و آن تفسیر به کمک نقل و اثر است. از نظر شیعه حدیث پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ در شمار مدارک تفسیر اثری هستند. (*مناهل العرفان*، عبدالعظیم رزقانی، به نقل از: *تاریخ عمومی حدیث*، معارف، ۲۹) اثر عبارت است از نقل حدیث و روایت آن. (*القاموس المحیط*، فیروزآبادی، به نقل از: *تاریخ عمومی حدیث*، معارف، ۲۸)

۲. پاورقی‌های درون متنی از مترجمان است.

ـ نسخهٔ کتابخانهٔ آیت‌الله بروجردی (نسخهٔ میرزای نوری)
ـ نسخهٔ احمدبن محمّدرضا علوی حسینی خوانساری در کتابخانهٔ نجلهٔ قم
ـ نسخهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم
ـ نسخهٔ کتابخانهٔ رضوی در مشهد
ـ نسخهٔ کتابخانهٔ آقای روضاتی در اصفهان
ـ نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران
ـ نسخهٔ دوم در کتابخانهٔ ملک تهران

اعراب‌گذاری روایات، به فرمودهٔ امام جعفر صادق علیه السلام در حدیث جمیل‌بن درّاج، انجام گرفت:

اَعْرِبُوا حَدیثَنا فَاِنّا قَومٌ فُصَحاءُ[1].

«حدیث ما را اعراب دهید (صحیح تلفظ کنید و درست بخوانید)؛ زیرا ما خانواده، مردمی فصیح زبانیم».

در نسخهٔ حاضر سلسله راویان حدیث[2] تا راوی قبل از امام معصوم علیه السلام را به خاطر سهولت در امر مطالعه حذف نمودیم.

در مواضعی که ذیل یک آیه، چند حدیث مشابه یا تکرار مطلب قبلی بیان شده بود به‌خاطر عدم ملالت و خستگی خواننده آن را حذف کردیم؛ مگر در مواردی که ضرورت بازگویی داشته و حدیث مورد نظر حاوی نکتهٔ جدیدی بوده است.

تفسیر فرات و مبحث تأویل

بیشتر روایات این کتاب جنبهٔ تأویلی دارند. در تأویل رجوع به غایت و حقیقت

---

۱. کافی، فضل العلم، ۶۷/۱
۲. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در مورد این اثر نفیس، تحقیقی تحت عنوان بازشناسی میراث کهن شیعه توسط خانم میرقبادی انجام داده است. مخاطبان خاصی که علاقه‌مند به اطلاعات بیشتری هستند در زمینهٔ نقد و بررسی و سلسله راویان می‌توانند به این کتاب رجوع نمایند.

امر نهفته است[۱]. به عبارت دیگر، هر آیه‌ای علاوه بر معنای ظاهری آن، معنای باطنی نیز دارد؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ در این مورد فرمود:

لَيْسَ مِنَ الْقُرآنِ آيَةٌ إلّا وَلَها ظَهْرٌ وَبَطْنٌ[۲].

در قرآن آیه‌ای نیست مگر این‌که ظاهری دارد و باطنی.

فضیل بن یسار از امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ این روایت سؤال کرد. امام علیه‌السلام فرمود: «ظاهرش تنزیل آن و باطنش تأویل آن است. تأویل بخشی از آنها آمده و گذشته، و زمان تأویل برخی دیگر هنوز نرسیده است. قرآن و آیات آن همانند خورشید و ماه همواره در حرکت و پویایی‌اند. همان‌گونه که تأویل بخشی از بطون قرآن که دربارهٔ گذشتگان است، دربارهٔ آیندگان نیز خواهد بود[۳].»

از امام محمّدباقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

وَلَوْ اَنَّ الآيَةَ اِذا نَزَلَتْ في قَوْمٍ ثُمَّ ماتَ اُولٰئِكَ الْقَومُ ماتَتِ الآيَةُ لَما بَقِيَ مِنَ الْقُرآنِ شَيْءٌ وَلٰكِنَّ الْقُرآنَ يَجري اَوَّلُهُ عَلىٰ آخِرِهِ ماداٰمَتِ السَّمٰواتُ وَالاَرْضُ وَلِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتْلُونَها هُمْ مِنْها مِنْ خَيْرٍ اَوْ شَرٍّ[۴].

«چنانچه آیه‌ای در مورد گروهی [خاص] نازل شود سپس آن گروه از دنیا بروند، آیه نیز از بین خواهد رفت و از قرآن چیزی باقی نخواهد ماند، ولی قرآن [زنده است] اول آن بر آخر آن جریان دارد تا زمانی که آسمان و زمین برقرار است. برای هر گروه آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنند[اینان] یا جایگاه خیر دارند یا جایگاه شرّ».

بر طبق روایات معصومین علیهم‌السلام قرآن بر مدار ولایت می‌گردد و انسان‌ها را به سوی

---

۱. مانند داستان خضر و موسی علیهما‌السلام که حضرت خضر علیه‌السلام از حقیقت اموری آگاه بود که حضرت موسی علیه‌السلام از آن باخبر نبودند.

۲. **بحارالانوار**، ۱۵۵/۳۲

۳. محمّدبن الحسن الصفار، ۲۱۶

۴. العیاشی، ۱۰/۱؛ الفیض الکاشانی، *التفسیر الصافی*، ۱۴/۱

امام راهنمایی می‌نماید. رسول خدا ﷺ اولین مخاطب قرآن و افضل راسخان در علم است و پس از ایشان ائمهٔ هدی علیهم السلام که اوصیای آن‌حضرتند، چنین هستند.

امام محمّدباقر علیه السلام فرمود: «جز اوصیای پیغمبر کسی را نرسد که ادّعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست[1].» ظاهر قرآن کریم دعوت به توحید و نبوت است و باطن آن دعوت به امامت و ولایت ائمه طاهرین علیهم السلام. ایمان و اعتقاد به ظواهر و بواطن قرآن از مسلّمات قطعی مکتب تشیع است. در این خصوص به لحاظ تأویل، سنن و قصص امّت‌های پیشین با امّت رسول خدا ﷺ نیز ارتباط پیدا می‌کند و بسیاری از اعمال آنها با اعمال این امّت، قابل انطباق است.

قرآن کتابی ذووجوه و ذوبطون بوده و حقایق آن پایان‌ناپذیر است. مفاد آیات قرآن منحصر بر اهل زمان خاصی نیست و همان‌طور که شب و روز و خورشید و ماه جریان دارد قرآن نیز زنده است و محتوای آن بر اهل هر زمان جاری و ساری است. به عبارت دیگر، قرآن از نظر تطبیق مفاهیم با مصادیق و بیان وضعیت آنان گستره‌ای بس وسیع دارد، بدین‌معنا که مفاهیم و مقاصد آیات تنها به مورد نزول و شأن نزول آن‌ها منحصر و خلاصه نمی‌شود.

سنن الهی همگی بر پایهٔ حکمت الهی بنا نهاده شده است و خدای متعال حقایق قرآنی و بسیاری علوم و معارف آن را در لایه‌ها و پرده‌های نهانی مخفی داشت تا به تناسب ظرفیت افراد، از این کتاب مبین استفاده گردد. دیگران به میزانی که به حضرات معصومین علیهم السلام نزدیک شوند و با ایشان سنخیت یابند، از آن حقایق بهره‌مند می‌شوند و در مسیر حق، به رشد و تعالی می‌رسند.

□

هدف از ترجمهٔ این تفسیر

۱. شناخت فضایل اهل بیت علیهم السلام و به‌خصوص حضرت امیر علیه السلام در قرآن کریم از

---

۱. **کافی**، ۳۳۲/۱

دلایل عمدهٔ ترجمهٔ این اثر کهن شیعی بوده است.

۲. احیای علوم آل محمّد ﷺ و توجه به حدیث و کلام نورانی معصومین ﷺ

همان‌گونه که در زیارت جامعهٔ کبیره می‌خوانیم «**کلامکم نور و امرکم رشد**» کلام معصوم ﷺ نور است و امر ایشان مایهٔ رشد و تعالی.

۳. توجه به تفاسیر روایی و رویکرد تأویل در قرآن.

از آنجا که مفسران حقیقی قرآن ذوات مقدسهٔ معصومین ﷺ هستند و علم به تفسیر و تأویل نزد ایشان است، دستیابی به گوهر مکنون این کتاب آسمانی تنها از طریق اهل بیت ﷺ که عِدل و شریک قرآن‌اند، میسر می‌گردد.

در روایتی از امام جعفر صادق ﷺ پایه گذار مکتب تشیع این مطلب به وضوح بیان شده است: «وظیفهٔ مردم آن است که قرآن را آن‌گونه که نازل شده است، قرائت کنند و هرگاه به تفسیر آن محتاج شدند، منحصراً به «ما» و به سوی «ما» روانه شوند[۱].

۴. فراهم آوردن زمینهٔ تدبّر در آیات الهی.

در تعالیم اسلام و مکتب امام صادق ﷺ ظرفیت و جامعیتی نهفته است که به روح انسان تعالی بخشیده و برای اندیشه و تفکر ارزش ویژه‌ای قائل است. محدث بزرگوار جناب فرات کوفی روایاتی راکه از جانب معصوم ﷺ آمده است ذیل آیه قرار داده و هیچ اظهارنظری و توضیحی نیاورده است. این مطلب زمینه‌ای برای تأمل و تدبّر بیشتر در آیات الهی را فراهم می‌سازد.

توضیحی دربارهٔ روایات نقل شده در نسخهٔ فرات

اینک ممکن است برای خوانندگان محترم این پرسش پیش آید که آیا همهٔ روایاتی که در این تفسیر آمده است صحیح و معتبر است؟

بدون شک چنین نیست و شاید نتوان در مورد هیچ کتاب روایی و حدیثی این‌گونه

---

۱. *وسائل الشیعه*، ۲۰۲/۲۷

ادعا نمود. اما باید متذکر شویم که نسبت به صحت و عدم صحت روایات دو رویکرد وجود دارد:

الف) رویکرد مشهور علما و محدثان و فقهای شیعه از آغاز تا کنون، که صحت یک روایت را منحصر در کامل بودن و قابل اعتماد بودن سلسله راویان آن روایت نمی‌دانند بلکه اگر حدیث در کتب شناخته شده و متداول بین علمای شیعه آمده باشد و مضمون آن با شواهد و قراینی چون عدم مخالفت با قرآن و عقل قطعی و روایات دیگر، و پیدا کردن شواهدی از قرآن و روایاتی دیگر در تأیید آن و یا بلندی مضمون و دیگر شواهد و قراینی که در کتب مربوطه ذکر شده است تأیید شود، هرچند واجد سلسله سند کامل و درست و معلوم نباشد بازهم آن روایت را معتبر دانسته و به آن در مقام نظر و یا عمل ترتیب اثر می‌دادند.

ب) رویکرد غیرمشهور که صحیح بودن روایات را منوط به داشتن سلسله سند کامل و صحیح می‌داند.

به ادلّه مختلف، رویکرد اول منطقی و قابل قبول است. پذیرش رویکرد دوم به مفهوم بی‌اعتبار دانستن حجمی عظیم از روایات و احادیث شیعه حتی در کتب معتبری چون کافی است، و التزام به چنین نتیجه‌ای، پیامدهای سهمگینی برای معارف اسلامی و شیعی خواهد داشت[۱].

از آنجا که این اثر روایی همچون دیگر آثار دستخوش فراز و نشیب‌هایی بوده است به‌خصوص با در نظر گرفتن موقعیت خاص کوفه و اختلافات فرقه‌ای و شرایط ویژهٔ آن، ممکن است روایات غیرمعتبری نیز در بین روایات معتبر وارد شده باشد، که صدور آن از اهل بیت ﷺ منتفی یا مورد تردید باشد. از این لحاظ بعضی از احادیث که صدور آن از اهل بیت ﷺ منتفی بوده و یا گرایش زیدیه داشته‌اند و همچنین بعضی از احادیثی که از جانب زید بن علی صادر شده بود را از این کتاب، منقح و پاکسازی نمودیم و نام کتاب را «منتخبی از تفسیر فرات» نهادیم.

---

۱. ترجمه *البرهان*، ۱۹/۱

شرح و ترجمه‌های تفسیر فرات

کتابی به نام «ثمرة الفؤاد در شرح فرات» توسط عالم بزرگوار شیخ یوسف البنانی به چاپ رسیده است، که فقط به مجلد اول آن در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم دست یافتیم. این کتاب به سبک قدیم و با خلوص و محبت نسبت به ساحت مقدس ائمهٔ معصومین ﷺ نگاشته شده است. مجلد اول این کتاب در ۴۹۳ موضوع عنوان‌بندی شده و تا آخر سورهٔ مبارکهٔ نساء را شامل می‌شود.

عالم بزرگوار شیخ یوسف البنانی در تأیید روایات فرات احادیثی از کتب اربعه شیعه به نقل از «وافی» فیض بیان نموده است. مؤلف این کتاب در مقدمهٔ کتاب چنین آورده است:

«تفسیر فرات تفسیر قویم و قدیمی است که همواره رؤیت آن مورد اشتیاق اکابر و اعیان اسلام بوده و با آن کوچکی حجم بر مطالب نفیسه بسیاری مشتمل است که مطابقت تامه دارد با مذهب اهل بیت عصمت ﷺ و با اخبار نبویه و ائمهٔ هدی - صلوات الله علیهم اجمعین».[۱]

---

۱. *ثمرة الفؤاد*، ۳/۱

فرات کوفی کیست؟

ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، یکی از محدثان و رجال حدیث در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم هجری و دههٔ نخست قرن چهارم است. به استناد گزینش نوع روایات ـ تطبیق برخی آیات قرآن با اهل بیت ـ فرات را می‌توان از جمله عالمان بزرگی دانست که در مکتب اهل بیت پرورش یافته است. او همچنین از نخستین مفسرانی است که با درک دقیق و عمیق از میزان اهمیت و حساسیت آموزه‌های خاندان اهل بیت در عرصهٔ قرآن و معارف قرآنی به تنظیم و نگارش تفسیری با رویکردی متفاوت از صحابیان و تابعان، و در ساختاری روایی به نقل از پیامبر و امامان اهل بیت همت گماشته است. نکتهٔ دیگر این‌که فرات نخستین فردی است که از او مجموعه‌ای روایی ـ تطبیقی به اهل بیت در تفسیر و تأویل قرآن با این بافت و ترکیب خاص باقی مانده است[1].

در منابع تاریخی، رجالی و شرح حال نگاری متقدمان، کمترین اطلاعی از تاریخ ولادت و وفات، موقعیت و شرایط زندگی، افکار و اندیشه‌ها و آثار احتمالی دیگر وی (جز تفسیر فرات) در اختیار نیست. این‌که فرات در کدامین سرزمین ولادت و یا وفات یافته به روشنی پیدا نیست؛ تنها نکته‌ای که مسلم و قطعی است، لقب «کوفی» اوست.

---

۱. *بازشناسی میراث کهن شیعه*، ۷۲

تنها راه به دست آوردن اطلاعات دربارهٔ زمان ولادت و مرگ وی، استفاده از قراین مختلف در مقطع زمانی مورد نظر و تحلیل آن داده‌ها است. بر همین اساس، محققان به استناد برخی قراین (از جمله سال‌مرگ جعفربن محمّد الفزاری (۳۰۰ ق.) از مشایخ فرات) نتیجه گرفته‌اند که او تا پس از این تاریخ زنده بوده است[1]. از این رو، می‌بایست امامت امام هادی علیه‌السلام (۲۵۴ ق.) و امام حسن عسکری علیه‌السلام (۲۶۰ ق.) را درک کرده باشد، و این اظهارنظر صرفاً براساس یک برآورد کلی از حداقل عمر ۶۰ یا ۷۰ ساله در شرایط عادی و متعارف برای اوست.

بنابراین، به استناد قراینی از این دست یعنی زمان مرگ برخی از مشایخ فرات، دوران بالندی و شکوفایی و ثمردهی علمی فرات در دورهٔ غیبت صغری قرار دارد، دوره‌ای نسبتاً کوتاه ـ حدود ۷۰ ساله ـ به عنوان حد فاصل دورهٔ حضور امامان علیهم‌السلام تا دورهٔ غیبت کبری، که یکی از سخت‌ترین روزگاران شیعه به لحاظ اعتقادی، و نیز دشوار به لحاظ فشارهای سیاسی و آشفتگی‌های فرهنگی بوده است.

فرات و عالمان هم‌عصرش

فرات با محدثان بزرگی از سرزمین قم چون علی‌بن ابراهیم و محمّدبن حسن فروخ صفار هم‌عصر است. تفاسیر باقی‌مانده از علی‌بن ابراهیم و فرات تا حدودی به لحاظ محتوا و نیز سبک و سیاق به هم نزدیک‌اند. در طبقهٔ بعد، شیخ کلینی در ری، عیاشی در سمرقند و ابن عقده در کوفه معاصران فرات هستند.

فرات و عالمان پس از وی

عالمانی چون صدوق، حسکانی و... به نقل روایاتی از فرات پرداخته‌اند، بدین

1. Meir M., Bar-Asher, ***Scripture & Exegesis in Early Imami shiism***, Brill, Ledien, 1999, p. 29

«براشر» به منابعی چون تنقیح المقال، روضات الجنات، فوائد الرضویه و الذریعه استناد کرده است. سخن وی دربارهٔ سال‌مرگ جعفربن محمّد الفزاری صحیح است.

ترتیب که چندی پس از مرگ فرات دو تن از مشایخ صدوق ـ حسن‌بن محمّد بن سعید هاشمی و احمدبن حسن القطان ـ برخی از روایات کتاب فرات را برای شیخ صدوق روایت کرده‌اند و این نخستین مورد از اثرگذاری فرات در آثار عالمان بعدی است.

صدوق از دو طریق و در ۲۴ مورد از فرات روایت کرده است:

الف) ۲۱ مورد از طریق استادش، حسن‌بن محمّدبن سعید هاشمی.

ب) ۳ مورد از طریق احمدبن حسن القطان. از جمله در کتاب‌های امالی (۸ مورد)، معانی الاخبار (۴ مورد)، خصال (۲ مورد)، کمال الدین (یک مورد)، علل الشرایع (۵ مورد)، عیون اخبار الرضا عليه السلام (۲ مورد) از فرات نقل شده‌اند.

عبیدالله بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم الحسکانی از علمای عامه قرن پنجم نیز در کتابش، شواهد التنزیل حدود ۷۰ روایت از کتاب فرات نقل کرده است. عبدالله العلوی در کتاب فضل زیارة الحسین مجموعاً در ۱۳ مورد از فرات حدیث نقل کرده است.

کتاب تفسیر فرات از قرن یازدهم به دست بزرگانی چون ملا محسن فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، قاضی سعید قمی، علامه مجلسی، شیخ محمّد قمی مشهدی و ابوالحسن عاملی اصفهانی رسیده است. این عالمان، فرات و تفسیر او را ستوده‌اند. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه از کتاب فرات به عنوان منبعی مورد اعتماد یاد کرده است.

شیخ محمّدالمشهدی در تفسیر کنزالدقائق که علامه مجلسی بر آن تقریظ نوشته است، ۱۲ مورد، و شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در ۱۲ مورد از فرات‌بن ابراهیم روایت آورده‌اند. محدث نوری در مستدرک وسائل ۳۷ مورد، و علامه مجلسی تقریباً تمام روایات کتاب فرات را یا به‌طور مستقیم از کتابش یا از طریق برخی کتاب‌های شیخ صدوق، در بحارالانوار روایت کرده است.

در قرون بعدی پس از علامه مجلسی، میرزای خوانساری تفسیر فرات را با تفاسیری چون تفسیر عیاشی، تفسیر قمی و... همسان و همسنگ شمرده و آن را تفسیری «کبیر»

خوانده است. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در الفوائد الرضویه آورده است: «فرات کوفی محدث حمید و مفسر عمید صاحب تفسیر کبیر بر قرآن مجید[۱].»

مامقانی از عالمان سدهٔ چهاردهم است که بر محتوای روایات آمده در تفسیر فرات تکیه و تأکید کرده و آن را مهم‌ترین دلیل اعتبار کتاب و راوی آن شمرده است و ضمن تأکید بر اعتماد شیخ صدوق، شیخ حر عاملی و علامه مجلسی به فرات، سخن مجلسی را در این باره بازگو کرده و از این اعتمادها بالاترین درجهٔ حسن را برای فرات نتیجه گرفته است[۲].

سید محسن امین صاحب اعیان الشیعه، او را از اصحاب امام رضا علیه‌السلام دانسته[۳] و در نگاه عده‌ای دیگر، وی از اصحاب امام جواد علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام شمرده شده[۴] و برخی دیگر وی را از رجال و اصحاب عصر امام جواد علیه‌السلام دانسته‌اند[۵].

کلام آخر

تفسیر فرات، بیان تفسیر و تأویل قرآن از کلام معصوم است، رود فراتی را مانَد که در کویر همیشهٔ زمان جاری است؛ ماء معین و چشمهٔ زلالی که روح تشنهٔ دوستداران امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را سیراب می‌کند، و قطره‌ای از دریای فضایل اوصیای پیامبر است. احیای این کتاب گام کوچکی در جهت تحقق ابلاغ مهم[۶] نبی‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خطبهٔ

---

۱. *الفوائد الرضویه*، ۳۴۹

۲. عبدالله المامقانی، *تنقیح المقال*، چاپ سنگی، ابواب فاء، ج ۳، ص ۳.

۳. سید محسن امین، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، مطبعة الانصاف، ۱۳۷۸ ق.، ۱۹۵۸ م.، ج ۴۲، ص ۲۷۱-۲۷۰.

۴. مسلم الداوری، *اصول علم الرجال بین النظریة و التطبیق*، تقریر محمّدعلی علی صالح المعلم، بی‌جا، نشر المؤلف، ۱۴۱۶ ق.، ص ۲۸۹.

۵. اردوبادی، ص ۲؛ السید الحسن الصدر، *تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام*، بغداد، مرکز النشر و الطباعة العراقیة المحدودة، ۱۳۸۱ ق.، ۱۳۴۱ ش.، ص ۳۳۲.

۶. اشاره به آیهٔ ۶۷ سورهٔ مائده: «یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیك من ربّك...»

غدیر است. خطبهٔ غدیری که شناسنامهٔ شیعه و هویت اسلام است[۱].

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

مَعَاشِرَ النّاسِ! اِنَّ فَضَائِلَ عَلِیِّ بنِ أبی طَالِبٍ علیه السلام عِندَاللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَد اَنزَلَها فِی القُرانِ اَکثَرُ مِن اَن اُحصِیَها فِی مَقامٍ وَاحِدٍ، فمن اَنبَأکُم بِها و عَرَّفَها فَصَدِّقُوهُ[۲].

ای مردم! به راستی فضایل علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نزد خداوند عزّوجلّ است که در قرآن آن فضایل را نازل فرموده و بیشتر از آن است که همه را در یک مجلس بشمارم، پس هر کس دربارهٔ آنها به شما خبر داد و آنها را برای شما تعریف کرد، تصدیقش نمایید.

ما نیز با استمداد از سیرهٔ سخاوتمندانهٔ صاحب لوای «**سلونی قبل ان تفقدونی**[۳]» توفیق کتابت یافته و با اعتماد به لطف ویژهٔ علوی برآن شدیم تا آیینه‌دار شعاعی از انوار مقدس امام المتقین، قائد الغرّ المحجّلین[۴]، حبل الله المتین[۵]، صراط مستقیم و نبأ عظیم[۶] در قرآن کریم باشیم.

---

۱. برای آشنایی بیشتر با راویان حدیث غدیر و صحت اعتبار آن به کتاب **خطبهٔ غدیر** جناب آقای توحیدی صفحات چهارده تا بیست‌وپنجم مقدمه رجوع فرمایید. (مقتبس از *الغدیر* علامه امینی)

۲. خطبهٔ غدیر، ۸۰

۳. *نهج‌البلاغه*، ۱۸۹

۴. زیارت ششم حضرت امیر علیه السلام، ۷۰۱

۵. زیارت حضرت امیر علیه السلام در روز مولود

۶. زیارت حضرت امیر علیه السلام در روز غدیر، ۷۱۷

تشکر و قدردانی

«رَحِمَ اللهُ مَنْ اَحْيَا اَمْرَنَا اَهْلَ الْبَيْتِ»[1]

خداوند سبحان و ذوات مقدسه محمّد و آل محمّد ﷺ را بسیار شاکر و سپاس‌گزاریم که ما را مورد لطف و مرحمت خویش قرار دادند تا یکی از آثار کهن شیعی را احیا نموده و منتخبی از آن را به دوستان آل محمّد تقدیم داریم.

بدون تردید این اثر مرهون تلاش بی‌دریغ علمایی است که در دوران سخت نگاهبانی از حریم معارف اهل‌بیت ﷺ با رنج و زحمت فراوان احادیث ائمه ﷺ را به دست ما رسانده و از حریم دین پاسداری نموده‌اند. به همین جهت درود و سپاس بی‌کران خود را تقدیم ایشان نموده و از خداوند منان علو درجاتشان را خواستاریم.

از آنجا که آشنایی با این کتاب به پیشنهاد و مساعدت استاد گرامی جناب آقای دکتر امیر توحیدی از اساتید حوزهٔ علوم

---

۱. دعوات راوندی، ص ۲۲۵

قرآن و حدیث انجام گرفت، ضمن تشکر و قدردانی از زحمات ایشان، از خداوند متعال برای ایشان توفیقات روزافزون در احیای آثار علمی شیعه را خواهانیم.

همچنین از همهٔ بزرگوارانی که ما را در این امر یاری نموده، به ویژه انتشارات «دلیل ما» صمیمانه سپاس‌گزاری نموده و از حسن توجه و عنایت همهٔ کارشناسان و اساتید فن، تشکر می‌نمایم.

«اللهم زد فی قلوبنا مَحَبَّةَ مولانا امیرالمؤمنین علیه‌السلام
و عَجِّل فی فرج مولانا صاحب العصرِ و الزَّمان
و اجعلنا من خیر اعوانه و انصاره و الذّابّین عنه
و المستشهدین بین یدیه ـ آمین»

آعبدالله

اول ذی القعدة الحرام ۱۴۳۲
مطابق با ولادت با سعادت
محدثه آل طه فاطمه معصومه علیهاالسلام

فَهَذَا تَفسِيرُ آيَاتِ القُرآنِ مَروِيٌّ عَنِ الأَئِمَّةِ عليهم السلام

این تفسیر آیات قرآن کریم است

که از [لسان مبارک] ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است.

١ . عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُبَاتَةَ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِی طالِبٍ عليه السلام: نَـزَلَ القُـرآنُ أَربَـاعاً: رُبـعٌ فِـينا وَ رُبعٌ فِی عَدُوِّنَا و رُبعٌ سُنَنٌ وَ أَمثَالٌ وَ رُبعٌ فَرَائِضُ وَ أَحكَامٌ وَ لَناكَرائِمُ القُرآنِ.

وَ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: قَالَ النَّبِیُّ صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللهَ تَعالَی أَنزَلَ فِی عَلِیٍّ كَرَائِمَ القُرآنِ.

اصبغ بن نباته گفت: حضرت علی عليه السلام فرمود: قرآن در چهار بخش نازل شده است؛ بخشی دربارهٔ ما، بخشی دربارهٔ دشمنان ما، بخشی دربـارهٔ سنّت‌ها و مثل‌ها و بخشی دربارهٔ واجبات و احکام که گرانبهاترین بخش آن دربـارهٔ ماست. ابن عباس گفت: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: همانا خداوند متعال گرانبهاترین بخش قرآن را دربارهٔ علی عليه السلام نازل فرمود.

٢ . عَنِ ابنِ عَبَاسٍ قَالَ: مَا نَزَلَت ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ﴾ إِلّا كَانَ عَلِيُّ بنُ أَبِی طالِبٍ رَأسَـهَا وَ أَمِيرَهَا وَ شَرِيفَهَا، وَ لَقَد عَاتَبَ اللهُ أَصحَابَ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله فَمَا ذَكَرَ عَلِيّاً إِلّا بِخَيرٍ.

ابن عباس گفت: هرگاه آیهٔ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» نازل شد، حضرت علی عليه السلام سرآمد و امیر و ارجمند مخاطبان آن بود. خداوند متعال

همهٔ اصحاب پیامبر را سرزنش کرده امّا از حضرت علی ﷺ تنها به نیکی یاد کرده است.

۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: مَا فِی القُرآنِ آیَةُ ﴿ **یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا** ﴾ إِلّا وَ عَلِیٌّ أَمِیرُهَا وَ شَرِیفُهَا وَ مُقَدَّمُهَا وَ لَقَد عَاتَبَ اللهُ أَصحَابَ النَّبِیِّ ﷺ وَ مَا ذَکَرَ عَلِیّاً إِلّا بِخَیرٍ. قَالَ: قُلتُ: وَ أَینَ عَاتَبَهُم؟ قَالَ: قَولُهُ: ﴿ **إِنَّ الَّذِینَ تَوَلَّوْا مِنْکُمْ یَوْمَ الْتَقَی الْجَمْعَانِ** ﴾[1] لَم یَبقَ مَعَهُ أَحَدٌ غیرُ عَلِیٍّ وَ جَبرَئیلَ.

ابن عباس گفت: هر جا در قرآن آیهٔ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» هست، حضرت علی ﷺ امیر و ارجمند و پیشرو مخاطبان آن است. خداوند اصحاب پیامبر ﷺ را سرزنش کرده امّا از حضرت علی ﷺ تنها به نیکی یاد کرده است. کسی پرسید: کجا آنان را سرزنش کرده است؟ گفت: آنجا که فرمود: «کسانی از شما که در روز برخورد دو گروه با یکدیگر [در جنگ احد] روی‌گردان شدند.» در آن روز هیچ کس جز حضرت علی ﷺ و جبرئیل در کنار پیامبر ﷺ نماند.

---

۱. آل عمران، ۱۵۵



وَ مِن سُورةِ فَاتِحَةِ الكِتَابِ

(فاتحة كتاب، ۶ ـ ۷)

﴿ إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ ﴾

ما را به راه راست هدایت فرما؛ راه کسانی که به آنها نعمت دادی، نه کسانی که مورد خشم قرار گرفته‌اند، و نه گمراهان.

۴. مُحَمَّدُبنُ الحُسَينِ عَن أَبيهِ عَن جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِي قَولِهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ **﴿ إِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾** دِينَ اللهِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جَبرَئِيلُ علیه السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله **﴿ صِراطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لاَ الضَّالِّينَ ﴾** قَالَ: شِيعَةُ عَلِيٍّ الَّذِينَ أَنعَمتَ عَلَيهِم بِوَلايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طَالِبٍ علیه السلام لَم تَغضِب عَلَيهِم وَ لَم يَضِلُّوا.

محمّدبن حسین از پدر بزرگوارش علیه السلام از جد بزرگوارش علیه السلام نقل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ کلام حق تعالی فرمود: «ما را به راه راست هدایت فرما» یعنی همان دین خداوند که جبرئیل بر محمّد صلی الله علیه و آله نازل کرد. و دربارهٔ «راه کسانی که به آنها نعمت دادی، نه کسانی که مورد خشم قرارگرفته‌اند؛ و نه گمراهان» فرمود: شیعیان علی علیه السلام کسانی‌اند که با ولایت علی‌بن ابی‌طالب به آنها نعمت دادی و بر آنان خشم نگرفتی و گمراه نشدند.





وَ مِنَ السُّورَةِ الَّتِی تُذکَرُ فِیهَا البَقَرَةُ

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵)

﴿ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴾

[ای پیامبر] به آنان‌که ایمان آورده‌اند وکارهای نیک انجام داده‌اند، بشارت ده.

۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: فِیمَا نَزَلَ مِنَ القُرانِ خَاصَّةً فِی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ وَ أَهلِ بَیتِهِ علیهم السلام دُونَ النَّاسِ مِن سُورَةِ البَقَرَةِ ﴿ و بشّرِ ﴾ الآیَةُ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ حَمزَةَ وَ جَعفَرٍ وَ عُبَیدَةَ بنِ الحَارِثِ بنِ عَبدِالمُطَّلِبِ.

ابن عباس گفت: از جمله آیاتی که به‌طور خاص دربارهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و اهل بیت ایشان و نه سایر مردم نازل شده است آیهٔ ﴿ وَبَشِّر ﴾ می‌باشد. این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام، حمزه، جعفر و عبیدة‌بن حارث‌بن عبدالمطلب نازل شده است.

۶. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ ﴿ وَ بَشِّرِ الصَّالِحَاتِ ﴾ قَالَ: الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ وَ الأَوصِیاءُ مِن بَعدِهِ وَ شِیعَتُهُم قَالَ اللهُ تعالی فِیهِم ﴿ انَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجرِی مِن تَحتِهَا الانهَارُ کُلَّمَا رُزِقُوا مِنهَا مِن ثَمَرَةٍ رِزْقاً ﴾ إِلی آخِرِ الآیَةِ.

جابر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که ایشان دربارهٔ آیهٔ ﴿ وَ بَشِّر ﴾ فرمود:

منظور از «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند» حضرت علی عليه‌السلام و جانشینان پس از او و شیعیانش می‌باشند؛ که خداوند دربارهٔ ایشان فرموده: «برای آنها باغ‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. هر گاه از میوه‌ای روزی آنان شود، گویند: این همان است که پیش از این [در دنیا] به ما روزی داده شده بود. و همانند آن نیز برای آنها آورده شود، و در آنجا همسران پاک و پاکیزه‌ای دارند و در آنجا جاودان‌اند.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶)

﴿ يُضِلُّ بِهِ كَثيرًا وَ يَهْدي بِهِ كَثيرًا وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقينَ ﴾

بسیاری را با آن گمراه می‌گرداند و بسیاری را هدایت می‌کند، و حال آن‌که جز بیرون روندگان [از حدود الهی] را با آن گمراه نمی‌کند.

۷. عَن جَابِرٍ عَنِ البَاقِرِ عليه‌السلام: وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ يُضِلُّ بِهِ الْفاسِقينَ ﴾. قَالَ: فَهُوَ عَلِيٌّ عليه‌السلام يُضِلُّ اللّٰهُ بِهِ مَن عَادَاهُ وَ يَهدِي مَن وَالَاهُ قَالَ: ﴿ وَ ما يُضِلُّ بِهِ ﴾ يَعنِی عَلِيّاً ﴿ الّا الفَاسِقِينَ ﴾ يَعنِی مَن خَرَجَ مِن وِلايَتِهِ فَهُوَ فَاسِقٌ.

جابر از امام محمّد باقر عليه‌السلام روایت کرده که ایشان دربارهٔ آیهٔ ﴿ يُضِلُّ بِهِ ﴾ فرمود: منظور، حضرت علی عليه‌السلام است که خداوند به وسیلهٔ او کسانی را که با او دشمنی می‌ورزند، گمراه می‌کند و کسانی را که با او دوستی می‌ورزند، هدایت می‌کند. و نیز کلام حق تعالی «و حال آن‌که جز بیرون روندگان [از حدود الهی] را با آن گمراه نمی‌کند» حضرت علی عليه‌السلام را منظور دارد؛ یعنی هر که از ولایت او خارج شود، او (از حدود الهی) بیرون رفته است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۰)

﴿ وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً قالُوا

أَ تَجْعَلُ فيهٰا مَنْ يُفْسِدُ فيهٰا وَ يَسْفِكُ الدِّمٰاءَ﴾

و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟

۸. عَن صَالِحِ بنِ مِيثَم عَن أَبِيهِ قَالَ: بَينَا أَنَا فِى السُّوقِ إِذَا أَتَانِى الأَصبَغُ بنُ نُبَاتَةَ فَقَالَ لِى: وَيحَكَ يَا مِيثَمُ لَقَد سَمِعتُ مِن أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام آنِفاً حَدِيثاً صَعباً شَدِيدًا فَأَن يَكُونَ كَمَا ذُكِرَ قُلتُ: وَ مَا هُوَ؟ قَالَ: سَمِعتُهُ يَقُولُ: إِنَّ حَدِيثَنَا أَهلَ البَيتِ صَعبٌ مُستَصعَبٌ لَا يَحتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، أَو نَبِيٌّ مُرسَلٌ، أَو مُؤمِنٌ قَدِ امتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمَانِ. قَالَ: فَقُمتُ مِن فَورِى فَأَتَيتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ فَقُلتُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ جُعِلتُ فِدَاكَ حَدِيثٌ أَخبَرَنِى بِهِ الأَصبَغُ عَنكَ قَد ضِقتُ بِه ذَرعاً. قَالَ: فَمَا هُوَ؟ فَأَخبَرتُهُ بِهِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ لِى: إِجلِس يَا مِيثَمُ أَوَ كُلُّ عِلمِ العُلَمَاءِ يُحتَمَلُ؟ قَالَ اللهُ لِمَلَائِكَتِهِ: ﴿**إِنِّى جَاعِلُ الدِّمَاء**﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَهَل رَأَيتَ المَلَائِكَةَ احتَمَلُوا العِلمَ؟ قَالَ: قُلتُ: هَذِهِ وَ اللهِ أَعظَمُ مِن تِلكَ. قَالَ: وَ الأُخرَى مِن مُوسَى عليه السلام أَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ التَّوراةَ فَظَنَّ أَن لَا أَحَدَ فِى الأَرضِ أَعلَمُ مِنهُ فَأَخبَرَهُ اللهُ تَعَالَى أَنَّ فِى خَلقِى مَن هُوَ أَعلَمُ مِنكَ وَ ذَاكَ إِذ خَافَ عَلَى نَبِيِّهِ العُجبَ. قَالَ: فَدَعَا رَبَّهُ أَن يُرشِدَهُ إِلَى ذَلِكَ العَالِمِ. قَالَ: فَجَمَعَ اللهُ بَينَهُ وَ بَينَ الخِضرِ عليه السلام فَخَرَقَ السَّفِينَةَ فَلَم يَحتَمِل ذَلِكَ مُوسَى وَ قَتَلَ الغُلَامَ فَلَم يَحتَمِلهُ و أَقَامَ الجِدَارَ فَلَم يَحتَمِل ذَلِكَ. وَ أَمَّا المُؤمِنُ فَإِنَّ نَبِيَّنَا مُحَمَّدُ صلى الله عليه وآله أَخَذَ بِيَدِى يَومَ غَدِيرِ خُمٍّ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ، فَهَل رَأَيتَ المُؤمِنِينَ احتَمَلُوا ذلك إِلَّا مَن عَصَمَهُمُ اللهُ مِنهم. أَلَا فَأَبشِرُوا ثُمَّ أَبشِرُوا فَإِنَّ اللهَ قَد خَصَّكُم بِمَا لَم يَخُصَّ بِهِ المَلَائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ وَ المُؤمِنِينَ بِمَا احتَمَلتُم مِن أَمرِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

صالح پسر میثم به نقل از پدرش گفت: هنگامی که در بازار بودم، اصبغ‌بن نباته نزد من آمد و گفت: وای بر تو ای میثم! هم‌اکنون حدیثی دشوار و سخت از حضرت علی عليه السلام شنیدم که به راستی هم چنین است. گفتم: چه حدیثی؟ گفت:

شنیدم که فرمود: «همانا حدیث ما اهل بیت دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و جز فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری فرستاده شده یا مؤمنی که خداوند قلبش را از برای ایمان آزموده باشد، هیچ کس آن را نمی‌پذیرد.» من بی‌درنگ برخاستم و نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم و عرض کردم: ای امیرمؤمنان! فدایت شوم! اصبغ حدیثی از شما برایم بازگفت که سینه‌ام از شنیدنش به تنگ آمد. فرمود: چه حدیثی؟ چون ایشان را از آن سخن آگاه کردم، لبخندی زد و فرمود: بنشین ای میثم! آیا تمام دانش علما پذیرفته می‌شود؟ خداوند به فرشتگانش فرمود: «من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟» به نظر تو آیا فرشتگان این دانش را می‌پذیرفتند؟ عرض کردم: به خدا سوگند این سخن بزرگ‌تر از آن است. فرمود: نمونهٔ دیگر موسی علیه السلام است که خداوند تورات را بر او نازل فرمود و او پنداشت که هیچ کس بر زمین از او داناتر نیست. از این رو خداوند او را خبر داد که در میان آفریدگان من کسی هست که از تو داناتر است؛ چراکه از این‌که پیامبرش به خودبینی درافتد، بیم داشت. آن‌گاه موسی از پروردگارش خواست که آن دانا را به او بنمایاند. و خداوند او را با خضر رویارو کرد و او آن کشتی را سوراخ کرد و موسی امر را تحمل نکرد و باز او آن پسر بچه را کشت و موسی برنتابید و باز او آن دیوار را برپا داشت و موسی صبر نکرد. و امّا دربارهٔ مؤمنان؛ پیامبر ما حضرت محمّد صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم دست مرا گرفت و فرمود: خداوندا! هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. آیا به جز کسانی که خداوند آنان را در پناه خود داشت، مؤمنان این سخن را برتابیدند؟ بدانید و مژده دهید و نوید دهید؛ چراکه خداوند شما را به امری اختصاص داد که هیچ‌کس از فرشتگان و پیامبران و مؤمنان را به آن اختصاص نداد: شما امر رسول خدا صلی الله علیه و آله را پذیرفتید؟

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۱)

﴿ وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمٰاءَ كُلَّهٰا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلاٰئِكَةِ ﴾

و به آدم همهٔ نام‌ها را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت.

۹. عَن عَبدِ الرَّحمنِ بنِ يَزيدَ: عَن أبي عَبدِ اللهِ عليه السلام قالَ: إنَّ اللهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالَى ـ كانَ وَ لا شيءَ فَخَلَقَ خَمسَةً مِن نورِ جَلالِهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنهُم اسماً مِنَ اسمائِهِ المُنزَلَةِ؛ فَهُوَ الحَميدُ وَ سَمَّى النَّبِيَّ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله، وَ هُوَ الأعلى وَ سَمَّى أميرَ المُؤمِنينَ عَلِيًّا، وَ لَهُ الأسماءُ الحُسنى فَاشتَقَّ مِنهَا حَسَناً وَ حُسَيناً، وَ هُوَ فاطِرٌ فَاشتَقَّ لِفاطِمَةَ مِن اسمائِهِ اسماً، فَلَمّا خَلَقَهُم جَعَلَهُم فِي المِيثاقِ فَإنَّهُم عَن يَمينِ العَرشِ وَ خَلَقَ المَلائِكَةَ مِن نورٍ فَلَمّا أن نَظَرُوا إلَيهِم عَظَّمُوا أمرَهُم وَ شَأنَهُم وَ لَقِنُوا التَّسبيحَ فَذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ **وَ إِنّٰا لَنَحْنُ الصّٰافُّونَ * وَ إِنّٰا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ** ﴾[1] فَلَمّا خَلَقَ اللهُ تَعالَى آدَمَ عليه السلام نَظَرَ إلَيهِم عَن يَمينِ العَرشِ فَقالَ: يا رَبِّ مَن هؤلاءِ؟ قالَ: يا آدَمُ هؤلاءِ صَفوَتي وَ خاصَّتي خَلَقتُهُم مِن نورِ جَلالي وَ شَقَقتُ لَهُم اسماً مِنَ اسمائي، قالَ: يا رَبِّ فَبِحَقِّكَ عَلَيهِم عَلِّمني اسماءَهُم، قالَ: يا آدَمُ فَهُم عِندَكَ أمانَةٌ، سِرٌّ مِن سِرّي، لا يَطَّلِعُ عَلَيهِ غَيرُكَ إلّا بِإذني، قالَ: نَعَم يا رَبِّ، قالَ: يا آدَمُ أعطِني عَلى ذَلِكَ العَهدَ، فَأخَذَ عَلَيهِ العَهدَ ثُمَّ عَلَّمَهُ أسماءَهُم ثُمَّ عَرَضَهُم عَلَى المَلائِكَةِ وَ لَم يَكُن عَلَّمَهُم بِأسمائِهِم ﴿ **فَقٰالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمٰاءِ هٰؤُلاٰءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ قٰالُوا سُبْحٰانَكَ لاٰ عِلْمَ لَنٰا إِلاّٰ مٰا عَلَّمْتَنٰا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * قٰالَ يٰا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمٰائِهِمْ فَلَمّٰا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمٰائِهِمْ** ﴾[2] عَلِمَتِ المَلائِكَةُ أنَّهُ مُستَودَعٌ وَ أنَّهُ مُفَضَّلٌ بِالعِلمِ، وَ أُمِروا بِالسُّجودِ إذ كانَت سَجدَتُهُم لِآدَمَ تَفضيلاً لَه وَ عِبادَةً لِلّهِ إذ كانَ ذَلِكَ بِحَقٍّ لَهُ، وَأبى إبليسُ الفاسِقُ عَن أمرِ رَبِّهِ فَقالَ: ﴿ **مٰا مَنَعَكَ أَلاّٰ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قٰالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ** ﴾[3]. قالَ: فَقَد فَضَّلتُهُ عَلَيكَ حَيثُ أمَرَ بِالفَضلِ لِلخَمسَةِ الَّذينَ لَم أجعَل لَكَ عَلَيهِم سُلطانًا

---

۱. صافات، ۱۶۶-۱۶۵

۲. بقره، ۳۳-۳۲

۳. اعراف، ۱۲

وَلَا مِن شِيعَتِهِم فَذَلِكَ استِثنَاءُ اللَّعِينِ ﴿ اِلّا عِبادَكَ مِنهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴾[1]. قَالَ: ﴿ إِنَّ عِبادي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطانٌ ﴾[2] وَ هُم الشِّيعَةُ.

عبدالرحمن‌بن یزید از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود: خداوند تبارک و تعالی بود و هیچ چیز نبود. آن‌گاه از نور جلال خویش پنج تن را آفرید و از نام‌های نازل شدهٔ خود بر هر یک از آنان نامی نهاد: او حمید است و پیامبر صلی الله علیه و آله را محمّد نامید، او اعلی است و امیرمؤمنان را علی نامید؛ برای او نام‌های حُسناست و نام‌های حسن و حسین را از آن برگرفت؛ او فاطر است و برای حضرت فاطمه علیها السلام نامی از نام‌های خود برگرفت. چون ایشان را بیافرید، ایشان را مورد میثاق قرار داد و در آن هنگام ایشان سمت راست عرش بودند. سپس فرشتگان را از نوری بیافرید و وقتی فرشتگان دیده سوی ایشان گشودند، امر و شأن ایشان را بزرگ داشتند و تسبیح گفتن را آموختند و این همان کلام حق تعالی است: «و به راستی ما صف‌زدگانیم و به راستی ما تسبیح‌گویانیم.» چون خداوند متعال آدم علیه السلام را بیافرید، از سمت راست عرش به ایشان نگریست و گفت: پروردگارا! اینان کیستند؟ فرمود: ای آدم! اینان برگزیدگان من و خاصّان من هستند که از نور جلال خویش آفریدمشان و نامی از نام‌های خویش برایشان برگرفتم. گفت: پروردگارا! تو را به حق خود بر ایشان نامشان را به من بیاموز. فرمود: ای آدم! پس این امانتی نزد تو باشد و سری از اسرارم باشد که جز تو هیچ کس نبایست از آن آگاه شود مگر آن‌که خود اجازه دهم. گفت: پذیرفتم ای پروردگار من! و خداوند فرمود: ای آدم! در این باره با من عهد ببند. این‌گونه خداوند از او عهد گرفت و سپس نام‌های ایشان را به او آموخت و آن‌گاه ایشان را بر فرشتگان عرضه داشت

---

۱. حجر، ۴۰

۲. حجر، ۴۲

و حال آن‌که نام‌هایشان را به آنان نیاموخته بود. «پس فرمود: اگر راست می‌گویید مرا از نام‌های ایشان باخبر کنید. [فرشتگان] گفتند: منزهی تو! ما هیچ نمی‌دانیم مگر آن‌چه را که خود به ما آموخته‌ای. همانا تو دانای حکیمی. [خداوند] فرمود: ای آدم! آنان را از نام‌های ایشان آگاه کن.» این‌چنین فرشتگان دانستند که امانتی نزد او به ودیعه نهاده شده و او به سبب علمی از آنان برتری داده شده است. از این رو به آنان امر شد که سجده کنند تا با سجده به او برتری‌اش را بپذیرند و خدا را بپرستند؛ چراکه این حق او بود، اما ابلیس بدکار از امر پروردگارش سرپیچید. خداوند فرمود: «هنگامی که به تو امر کردم، چه چیز تو را بازداشت که سجده نکردی؟ [ابلیس] گفت: من از او بهترم.» خداوند فرمود: من او را بر تو برتری بخشیده‌ام؛ چراکه او برتری آن پنج تن را پذیرفت؛ همان پنج‌تنی که تو را بر آنان و شیعیانشان مسلط نگرداندم. و این همان استثنایی است که ابلیس ملعون گفت: «به‌جز آن بندگانت که از میان دیگر بندگان خالص شده‌اند.» و خداوند فرمود: «مسلماً تو بر بندگان من تسلّطی نداری.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۷)

﴿ فَتَلَقّٰی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمٰاتٍ فَتٰابَ عَلَيْهِ ﴾

سپس آدم کلماتی را از پروردگارش فراگرفت، و خداوند توبه‌اش را پذیرفت.

۱۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمَّا نَزَلَتِ الخَطِيئَةُ بِآدَمَ وَ أُخرِجَ مِنَ الجَنَّةِ أَتَاهُ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: يَا آدَمُ ادعُ رَبَّكَ قَالَ: حَبِيبِي جَبرَئِيلُ مَا أَدعُو؟ قَالَ: قُل: رَبِّ أَسأَلُكَ بِحَقِّ الخَمسَةِ الَّذِينَ تُخرِجُهُم مِن صُلبِي آخِرَ الزَّمَانِ إِلَّا تُبتَ عَلَيَّ وَ رَحِمتَنِي فَقَالَ لَهُ آدَمُ عليه السلام يَا جَبرَئِيلُ سَمِّهِم لِي قَالَ: قُل: رَبِّ اَسأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ وَصِيِّ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنتِ نَبِيِّكَ وَ بِحَقِّ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ سِبطَي نَبِيِّكَ إِلَّا

تُبتَ عَلَيَّ وَ رَحِمتَنِي. فَدَعَا بِهِنَّ آدَمُ فَتَابَ اللهُ عَلَيهِ وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ﴾ وَ مَا مِن عَبدٍ مَكرُوبٍ يُخلِصُ النِّيَّةَ وَ يَدعُو بِهِنَّ إِلَّا استَجَابَ اللهُ لَهُ.

ابن عباس گفت: پیامبر ﷺ فرمود: زمانی که آدم خطا کرد و از بهشت بیرون شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای آدم! پروردگارت را بخوان. گفت: ای دوست من جبرئیل! چگونه او را بخوانم؟ گفت: بگو خدایا! به حق آن پنج تنی که از پشت من در آخرالزمان خارج می‌کنی، از تو می‌خواهم که توبهٔ مرا بپذیری و به من رحم کنی. آدم گفت: ای جبرئیل! آنها را برای من نام ببر. جبرئیل گفت: بگو پروردگارا! به حقّ پیامبرت محمّد ﷺ و به حقّ وصیّ او علی ؑ و به حقّ دختر پیامبرت فاطمه ؑ و به حقّ حسن و حسین ؑ دو نوهٔ پیامبرت از تو تقاضا دارم که توبه‌ام را بپذیری و به من رحم کنی.

این‌چنین آدم به این نام‌ها خدا را خواند و خداوند توبهٔ او را پذیرفت و این همان سخن خداوند متعال است: «سپس آدم کلماتی را از پروردگارش فرا گرفت و خداوند توبه‌اش را پذیرفت.» پس هر بندهٔ گرفتاری خداوند را با نیّت خالص به این نام‌ها بخواند، خداوند دعایش را مستجاب می‌فرماید.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى ﴾

پس اگر هدایتی از من به سوی شما بیاید.

۱۱. عَن أَبِي جَعفَرٍ البَاقِرِ ؑ: وَ قَولُهُ: ﴿ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى ﴾ قَالَ: فَهُوَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ.

جابر گفت: از امام محمّد باقر ؑ شنیدم که فرمود: منظور از هدایت در این آیه، علی بن ابی طالب ؑ است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ ﴾

و به عهد و پیمان من وفا کنید، تا [من نیز] به عهد و پیمان شما وفا کنم.

۱۲. عَن سَمَاعَةَ بنِ مِهرَانَ: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قَولُ اللهِ تَعالَی: ﴿ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ ﴾ قَالَ: أَوفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فَرضٌ مِنَ اللهِ أُوفِ لَكُم بِالجَنَّةِ.

سماعة‌بن مهران گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور این است که بر پیمان ولایت علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام که از واجبات الهی است، وفا کنید تا من نیز به عهد خویش با شما که همانا بهشت است، وفا کنم.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۳)

﴿ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴾

و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید.

۱۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ ﴿ وَ ارْكَعُوا ﴾ أَنَّهَا نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام خَاصَّةً وَ هُمَا أَوَّلُ مَن صَلَّی وَ رَكَعَ.

ابن عباس گفت: آیهٔ ﴿ وَ ارْكَعُوا ﴾ دربارهٔ پیامبر صلى الله عليه وآله و حضرت علی عليه السلام نازل شد و آن دو، نخستین کسانی بودند که نماز گزاردند و رکوع به جای آوردند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۴۵)

﴿ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴾

و به وسیلهٔ صبر (روزه) و نماز یاری بجویید، و به راستی که آن (نماز) دشوار است مگر بر فروتنان.

۱۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ ﴾ الخَاشِعُ الذَّلِيلُ فِی صَلَاتِهِ المُقبِلُ

عَلَیها رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ؈.

ابن عباس دربارهٔ آیهٔ ﴿وَ اسْتَعینُوا﴾ گفت: منظور از خاشع و فروتن در نماز و کسی که روی به نماز می‌آورد، رسول خدا ﷺ و علی ؈ است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۸۲)

﴿وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِكَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فیها خالِدُونَ﴾

و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند، ایشان اهل بهشت‌اند و در آن جاودان‌اند.

۱۵. قَولُهُ: ﴿وَ الَّذینَ آمَنُوا﴾، نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ خاصَّةً وَ هُوَ أَوَّلُ مُؤمِنٍ وَ أَوَّلُ مُصَلٍّ مَعَ النَّبِیِّ ﷺ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: این آیه مخصوص حضرت علی ؈ نازل شد و او نخستین کسی بود که ایمان آورد و با پیامبر ﷺ نماز گزارد.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۹۰)

﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ یَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللهُ بَغْیًا أَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلىٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباءُو بِغَضَبٍ عَلىٰ غَضَبٍ﴾

خود را به بد چیزی فروختند [و آن این] که به آن‌چه خدا نازل کرده بود از روی حسد کافر شدند، که [چرا] خدا از فضلش به هر یک از بندگانش که خواهد نازل می‌کند. پس [از سوی خداوند] مستحقّ خشمی بر خشم دیگر شدند.

۱۶. عَن جابِرٍ عَن أَبی جَعفَرٍ الباقِرِ ؈: وَ قالَ: نَزَلَ جَبرَئیلُ ؈ بِهٰذِهِ الآیَةِ وَ قَولُهُ: ﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا... بَغْیًا﴾ فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ؈ وَ قالَ اللهُ فِی عَلِیٍّ ؈ ﴿أَنْ یُنَزِّلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلىٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ﴾ یَعنی عَلِیًّا. قالَ اللهُ تَعالَی: ﴿فَباءُو بِغَضَبٍ عَلىٰ غَضَبٍ﴾ یَعنی

بَنِی‌اُمَیَّةَ وَ ﴿ لِلْکٰافِرِینَ عَذٰابٌ مُهِینٌ ﴾ فِی حَقِّهِم.

جابر گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: جبرئیل علیه‌السلام این آیه را دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام نازل کرد. خداوند دربارهٔ او فرمود: «خداوند از فضلش به هر یک از بندگانش که خواهد نازل می‌کند.» یعنی حضرت علی علیه‌السلام. خداوند متعال فرمود: «مستحق خشمی بر خشم دیگر شدند.» یعنی بنی‌امیّه و «برای کافرین عذابی خوارکننده است» در حق بنی‌امیه است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۹۸)

﴿ مَنْ کٰانَ عَدُوًّا لِلّٰهِ وَ مَلاٰئِکَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِیلَ وَ مِیکٰائِیلَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ لِلْکٰافِرِینَ ﴾

بگو: هر کس دشمن خدا و فرشتگان و پیامبرانش و جبرئیل و میکائیل باشد، [کافر است و باید بداند که] خداوند به یقین دشمن کافران است.

۱۷. عَن أَبِی کَهمَسٍ قَالَ: قَالَ عَلِیُّ‌بنُ أَبِی‌طالِبٍ علیه‌السلام: یَنجُو فِیَّ ثَـلاثَةٌ وَ یَـهلِكُ فِـیَّ ثَـلاثَةٌ، یَهلِكُ اللّاعِنُ وَ المُستَمِعُ وَ المُقِرُّ وَ المَلِكُ المُترَفُ الَّذِی یُبرَأُ عِندَهُ مِن دِینِی وَ یُغضَبُ عِندَهُ مِن نَسَبِی وَ یُتَقَرَّبُ إِلَیهِ بِلَعنِی، إِنَّمَا نَسَبِی نَسَبُ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ دِینِی دِینُ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ یَنجُو فِیَّ ثَلاثَةٌ: المُحِبُّ المُوَالِی وَ المُعَادِی مَن عَادَانِی وَ المُحِبُّ مَن أَحَبَّنِی، فَإِذَا أَحَبَّنِی عَبدٌ أَحَبَّ مُحِبِّی وَ شَایَعَ فِیَّ، فَلیَمتَحِنِ الرَّجُلُ مِنکُم قَلبَه فَإِنَّ اللهَ لَم یَجعَل لِرَجُلٍ مِن قَلبَینِ فِی جَوفِهِ فَیُحِبَّ بِهَذَا وَ یُبغِضَ بِهَذَا، إِنَّهُ مَن أَشرَبَ قَلبَهُ حُبَّ غَیرِنَا قَاتَلَنَا أَو أَلَّبَ عَلَینَا فَلیَعلَم اَنَّ اللهَ عَدُوُّهُ وَ جَبرَئیلُ وَ مِیکائِیلُ وَاللهُ عَدُوٌّ لِلکَافِرِینَ.

ابن کهمس می‌گوید: حضرت علی علیه‌السلام فرمود: سه گروه از مردم در ارتباط با من نجات می‌یابند و سه گروه به هلاکت می‌رسند. و اما هلاک شوندگان:

لعنت‌کنندهٔ بر من؛ کسی که لعنت بر من را می‌شنود و آن را می‌پذیرد؛ پادشاه

ستمگری که نزد او از دین من برائت می‌جویند و نسبت به نسب من خشمگین می‌شوند و با لعنت بر من به او تقرّب می‌جویند، و حال آن‌که نسب من نسب رسول خدا ﷺ و دین من دین رسول خدا ﷺ است. و اما نجات‌یافتگان: کسی که مرا دوست می‌دارد و پیرو من است؛ دشمن کسی که با من دشمنی می‌کند؛ دوستدار کسی که مرا دوست می‌دارد.

پس اگر بنده‌ای مرا دوست بدارد، دوستان مرا نیز دوست می‌دارد و از من پیروی می‌کند. هر یک از شما باید دل خود را بیازماید؛ زیرا خداوند در سینهٔ هیچ کس دو دل قرار نداده تا با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمنی ورزد. کسی که قلبش را از محبّت غیر ما سیراب کرده، به جنگ با ما برخاسته و یا با دشمن ما متّحد شده است. پس باید بداند که خداوند و جبرئیل و میکائیل دشمن او هستند و خداوند دشمنِ کافران است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۳۸)

﴿ صِبْغَةَ اللهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً ﴾

صبغة الله [را بپذیرید] و چه کسی از نظر صبغه از خدا بهتر است؟

۱۸. مُحَمَّدُبنُ عَلِيٍّ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ ؑ فِی قَولِهِ تَعَالی: ﴿ صِبْغَةَ اللهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللهِ صِبْغَةً ﴾ قَالَ: صِبغَةُ المُؤمِنِینَ بِالوَلَایَةِ فِی المِیثَاقِ.

محمّد بن علی از امام جعفر صادق ؑ روایت کرده است که ایشان دربارهٔ این کلام حق تعالی فرمود: منظور، صبغه است که مؤمنان در روز میثاق از ولایت پذیرفتند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۴۳)

﴿ وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾

و این‌گونه شما را امّتی میانه‌رو قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر [نیز] بر شما گواه باشد.

۱۹. وَ قولُهُ تعالَی: ﴿ و كذلك ﴾ قَالَ: نَحنُ أُمَّةُ الوَسَطِ وَ نَحنُ شُهَداءُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِی أَرضِهِ.

محمّدبن علی گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ما همان امت میانه‌رو هستیم و ما گواهان خداوند بر آفریدگانش و حجت او در زمینش هستیم.

۲۰. عَن مَیمُونِ البَانِ مَولَی بَنِی هِشَامٍ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ و كذلك ﴾ قَالَ أَبوجَعفَرٍ: مِنَّا شَهِیدُ عَلَی کُلِّ زَمانٍ: عَلِیُّ‌بنُ أَبِی‌طالِبٍ فِی زَمَانِهِ وَ الحَسَنُ فِی زَمَانِهِ وَ الحُسَینُ فِی زَمانِهِ ، وَ كُلُّ مَن یَدعُو مِنَّا إِلَی أَمرِ اللهِ تَعالَی.

از میمون البان بنده بنی‌هاشم روایت شده، امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: از ما اهل بیت علیهم‌السلام در هر زمان شاهد و گواهی هست؛ علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام گواه زمان خود؛ امام حسن علیه‌السلام گواه زمان خود؛ و امام حسین علیه‌السلام گواه زمان خویش بودند. همچنان است هر که از ما اهل بیت علیهم‌السلام به سوی امر خداوند متعال دعوت کند.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۵)

﴿ یُرِیدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لاٰ یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ ﴾

خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد.

۲۱. عَن یُونُسَ‌بنِ یَعقُوبَ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ جَعفَرٍ الصَادِقِ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ یُرِیدُ اللهُ بِکُمُ الْیُسْرَ ﴾ الآیَةُ قَالَ: فَذَلِكَ الیسرُ أَمِیرُالمُؤمِنین عَلِیُّ‌بنُ أَبِی‌طالِبٍ علیه‌السلام.

یونس‌بن یعقوب گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور از «آسانی» امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۸۹)

﴿ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهٰا وَ لٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقىٰ وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوٰابِهٰا ﴾

و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آنها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آنها شوید، و از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار گردید.

۲۲. عَنِ الحُسَينِ بنِ أَبى العَلاءِ عَن أَبى عبد الله عليه السلام فِى قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ ﴾[1] وَ قَولُه: ﴿ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهٰا وَ لٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقىٰ وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوٰابِهٰا ﴾ قالَ: مُطِرُوا بِالمَدِينَةِ فَلَمّا تَقَشَّعَتِ السَّماءُ وَ خَرَجَتِ الشَّمسُ خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله فِى أُناسٍ مِنَ المُهاجِرينَ وَ الأَنصارِ فَجَلَسَ وَ جَلَسُوا حَولَهُ إِذ أَقبَلَ عَلِىُّ بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام فَقالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله لِمَن حَولَهُ: هَذا عَلِىٌّ قَد أَتاكُم نَقِىُّ القَلبِ نَقِىُّ الكَفَّينِ، هَذا عَلِىُّ بنُ أَبى طالِبٍ كَمالاً وَ يَقُولُ صَواباً تَزُولُ الجِبالُ وَ لا يَزُولُ عَن دِينِهِ. قالَ: فَلَمّا دَنا مِن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه و آله أَجلَسَهُ بَينَ يَدَيهِ فَقالَ: يا عَلِىُّ أَنا مَدِينَةُ الحِكمَةِ وَ أَنتَ بابُها فَمَن أَتَى المَدِينَةَ مِنَ البابِ وَصَلَ يا عَلِىُّ أَنتَ بابِىَ الَّذِى أُوتِىَ مِنهُ وَ أَنا بابُ اللهِ فَمَن أَتانِى مِن سِواكَ لَم يَصِل وَ مَن أَتَى سِواىَ لَم يَصِل. فَقالَ القَومُ بَعضُهُم لِبَعضٍ: ما يَعنِى بِهَذا؟ إِسأَلُوا بِهِ عَلَينا قُرآناً، قالَ: فَأَنزَلَ اللهُ بِهِ قُرآناً: ﴿ لَيْسَ الْبِرُّ ﴾، إِلَى آخِرِ الآيَةِ.

حسین بن ابی‌علاء از امام جعفر صادق عليه السلام روایت کرده است که ایشان دربارهٔ این آیه و نیز کلام خداوند متعال «نیکی آن نیست که رو سوی مشرق و مغرب بگردانید» فرمود: در مدینه بارانی بارید. چون آسمان صاف و خورشید پدیدار شد، رسول خدا صلى الله عليه و آله در میان جمعی از مهاجران و انصار بیرون آمد و ایشان نشست و آن جمع کنار ایشان حلقه زدند. در آن دم حضرت علی عليه السلام از

---

۱. بقره، ۱۷۷

راه رسید و رسول خدا ﷺ رو به اطرافیان خود فرمود: این مرد علی ؑ است که با دلی پاک و دستانی پاک نزدتان آمده است، این مرد، علی‌بن ابی‌طالب ؑ که صاحب کمال و گفتاری نیک است و اگر کوه‌ها از جا شـوند، او از دیـنش بیرون نمی‌شود. چون حضرت علی ؑ به رسول خدا ﷺ نزدیک شد، ایشان وی را روبه‌روی خود نشانید و فرمود: ای علی! من شهر حکمت هستم و تو درِ آن هستی، پس هر که از در به شهر آید، به آن می‌رسد. ای علی! تو باب من هستی که از آن وارد می‌شوند و من باب خداوند هستم، پس هر که جز از راه تو سوی من آید، نخواهد رسید و هر که سوی کسی جز من آید، نخواهد رسید. در آن دم آن جماعت به یکدیگر گفتند: منظور چیست؟ از ایشان آیه‌ای در این باره بخواهید. آن‌گاه خداوند در این باره آیه‌ای نازل فرمود: «و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آنها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آنها شوید و از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار گردید.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۹۹)

﴿ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ﴾

پس از آنجا که مردم باز می‌گردند، شما هم باز گردید.

۲۳. عَنِ الحُسَینِ‌بنِ عُلوَانَ عَن جَعفَرٍ عَن أَبیهِ عَن عَلِیِّ‌بنِ الحُسَینِ ؑ قَالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَی عَلِیٍّ فَقَالَ: یَا أَمِیرَالمُؤمِنِینَ أَخبِرنَا عَنِ النَّاسِ وَ أَشبَاهِ النَّاسِ وَ النَّسنَاسِ؟ قَالَ: فَقَالَ عَلِیٌّ: أَجِبهُ یَا حَسَنُ قَالَ: فَقَالَ لَهُ الحَسَنُ ؑ: سَأَلتَ عَنِ النَّاسِ فَرَسُولُ اللهِ ﷺ النَّاسُ لِأَنَّ اللهَ تَعَالَی یَقُولُ: ﴿ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ﴾ وَ نَحنُ مِنهُ، وَ سَأَلتَ عَن أَشبَاهِ النَّاسِ فَهُم شِیعَتُنَا وَ هُم مِنَّا وَ هُم أَشبَاهُنَا، وَ سَأَلتَ عَنِ النَّسنَاسِ فَهُم هَذَا السَّوَادُ الأَعظَمُ وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ ﴿ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالأَنعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴾[1].

---

۱. فرقان، ۴۴

حسین بن علوان گفت: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل فرمود: مردی سوی حضرت علی علیه السلام برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از مردم و همانندانِ مردم و نسناس آگاه سازید. حضرت علی علیه السلام فرمود: ای حسن! پاسخش را بده. امام حسن علیه السلام فرمود: از مردم پرسیدی؛ منظور از مردم [در اینجا]، رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «پس از آنجا که مردم باز می‌گردند، شما هم بازگردید و ما نیز از او هستیم. و اما دربارهٔ همانندانِ مردم پرسیدی؛ ایشان شیعیان ما می‌باشند که از ما هستند و همانند ما هستند. و اما دربارهٔ نسناس پرسیدی؛ آنان همین سیاهی‌لشکر انبوه هستند و این کلام خداوند متعال در کتابش است: «آنان فقط همچون چهارپایان هستند، بلکه آنان در راه (خود) گمراه‌ترند.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۷)

﴿وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَءُوفٌ بِالْعِبادِ﴾

و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد
و خداوند به بندگان [خاصّ خود] مهربان است.

۲۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ﴾ قالَ: نَزَلَ فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طالِبٍ علیه السلام حِينَ باتَ عَلَى فِراشِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله حَيثُ طَلَبَهُ المُشرِكُونَ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: چون مشرکان قصد جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کردند و حضرت علی علیه السلام شب را در بستر ایشان گذراند، این آیه دربارهٔ وی نازل شد.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۸)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی به صلح و سازش درآیید.

۲۵. عَن شَرِيكٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ﴾ قَالَ: فِی وَلَايَةِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

شریک دربارهٔ این آیه گفت: منظور از «صلح و سازش» ولایت حضرت علی علیه السلام است.

۲۶. عَن أَبِی بَکرٍ الکَلبِیِّ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ﴾ قَالَ: فِی وَلَايَتِنَا.

ابی‌بکر کلبی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور، درآمدن به ولایت ما اهل بیت است.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۱۰)

﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللهُ في ظُلَلٍ مِنَ الْغَمٰامِ وَ الْمَلائِكَةُ ﴾

آیا جز این انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنها بیایند؟

۲۷. عَن عَبدِ الوَاحِدِبنِ عَلِیٍّ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ‌بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام: أَنَا أُؤَدِّی مِنَ النَّبِيِّينَ إِلَی الوَصِيِّينَ وَ مِنَ الوَصِيِّينَ إِلَی النَّبِيِّينَ، وَ مَا بَعَثَ اللهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ أَنَا أَقضِی دَينَهُ وَ أُنجِزُ عِدَاتِهِ، وَ لَقَدِ اصطَفَانِی رَبِّی بِالعِلمِ وَ الظَّفَرِ، وَ لَقَد وَفَدتُ إِلَی رَبِّیَ اثنَتَی عَشرَةَ وِفَادَةً فَعَرَّفَنِی نَفسَهُ وَ أَعطَانِی مَفَاتِيحَ الغَيبِ. ثُمَّ قَالَ: يَا قَنبَرُ مَن عَلَی البَابِ؟ قَالَ: مِيثَمُ التَّمَّارِ مَا تَقُولُ أَن أُحَدِّثَكَ فَإِن أَخَذتَهُ كُنتَ مُؤمِنًا وَ إِن تَرَكتَهُ كُنتَ كَافِرًا. قَالَ: أَنَا الفَارُوقُ الَّذِی أُفَرِّقُ بَينَ الحَقِّ وَ البَاطِلِ، أَنَا أُدخِلُ أَولِيَائِی الجَنَّةَ وَ أَعدَائِی النَّارَ، أَنَا! قَالَ اللهُ ﴿ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللهُ في ظُلَلٍ مِنَ الْغَمٰامِ وَ الْمَلائِكَةُ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ

وَإِلَى اللهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾.

عبدالواحدبن علی گفت: امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ فرمود: من از پیامبران به اوصیا و از اوصیا به پیامبران می‌رسم. خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد جز آن‌که من دِین او را می‌پردازم و وعده‌هایش را عملی می‌سازم. پروردگارم مرا در علم و پیروزی برگزیده است. من دوازده مرتبه بر درگاه پروردگارم وارد شدم و او خود را به من شناسانید و کلیدهای غیب را به من عطا فرمود. ناگاه حضرت ﷺ فرمود: ای قنبر! چه کسی بر در است؟ عرض کرد: میثم تمار. فرمود: چه می‌گویی اگر تو را حدیثی گویم که اگر به آن عمل کنی، مؤمن باشی و اگر آن را واگذاری، کافر باشی؟ سپس فرمود: من آن جدا کننده‌ام که میان حق و باطل را جدا می‌کنم و دوستانم را به بهشت و دشمنانم را به دوزخ وارد می‌کنم؛ من! خداوند متعال فرمود: «آیا جز این انتظار دارند که خدا و فرشتگان، در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنها بیایند؟ و حال آن‌که همه کارها انجام شده و همه چیزها سوی خدا بازگردانده می‌شود.»

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۴۸)

﴿بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَ آلُ هارُونَ﴾

بازمانده‌ای است از آن‌چه خاندان موسی و هارون بر جای نهاده‌اند.

۲۸. عن سُلَيمِ بنِ قَيسٍ قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ المُؤمِنين عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ ﷺ وَ نَحنُ قُعودٌ فِي المَسجِدِ بَعدَ رُجُوعِهِ مِن صِفِّينَ وَ قَبلَ يومِ النَّهرَوانَ فَقَعَدَ عَلِيٌّ وَ احتَوَشناهُ فَقالَ لَهُ رَجُلٌ يا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ أَخبِرنا عَن أَصحابِكَ فَقالَ: سَل فَذَكَرَ قِصَّةً طَوِيلَةً وَ قالَ إِنِّي سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ فِي كَلامٍ لَهُ طَوِيلٍ إِنَّ اللهَ أَمَرَنِي بِحُبِّ أَربَعَةِ رِجالٍ مِن أَصحابِي وَ أَمَرَنِي أَن أُحِبَّهُم وَ الجَنَّةُ تَشتاقُ إِلَيهِم فَقِيلَ مَن هُم يا رَسُولَ اللهِ؟ فَقالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ، ثُمَّ سَكَتَ فَقالُوا مَن هُم يا رَسُولَ اللهِ؟ فَقالَ عَلِيٌّ ثُمَّ سَكَتَ فَقالُوا مَن هُم

يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ: عَلِيٌّ وَ ثَلاثَةٌ مَعَهُ وَ هُوَ إِمَامُهُم وَ قَائِدُهُم وَ دَلِيلُهُم وَ هَادِيهِم لا يَثْنُونَ وَ لا يَضِلُّونَ وَ لا يَرجِعُونَ وَ لا يَطُولُ عَلَيهِمُ الأَمَدُ فَتَقسُو قُلُوبُهُم سَلمَانُ وَ أَبُوذَرٍّ وَ المِقدَادُ فَذَكَرَ قِصَّةً طَوِيلَةً ثُمَّ قَالَ ادعُوا لِي عَلِيًّا فَأَكبَبتُ عَلَيهِ فَأَسَرَّ إِلَى أَلفَ بَابٍ يَفتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلفَ بَابٍ ثُمَّ أَقبَلَ إِلَينَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ قَالَ: سَلُونِي قَبلَ أَن تَفقِدُونِي فَوَ الَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالتَّورَاةِ مِن أَهلِ التَّورَاةِ وَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالإِنجِيلِ مِن أَهلِ الإِنجِيلِ وَ إِنِّي لَأَعلَمُ بِالقُرانِ مِن أَهلِ القُرآنِ وَ الَّذِي فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا مِن فِئَةٍ تَبلُغُ مِائَةَ نَاسٍ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ إِلَّا وَ أَنَا عَارِفٌ بِقَائِدِهَا وَ سَائِقِهَا وَ سَلُونِي عَنِ القُرآنِ فَإِنَّ فِي القُرآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيءٍ فِيهِ عِلمُ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ وَ إِنَّ القُرآنَ لَم يَدَع لِقَائِلٍ مَقَالاً ﴿ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلاَّ اللهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ ﴾[1] لَيسَ بِوَاحِدٍ رَسُولُ اللهِ ﷺ مِنهُم أَعلَمَهُ اللهُ إِيَّاهُ فَعَلَّمَنِيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثُمَّ لا تَزَالُ فِي عَقِبِنَا إِلَى يَومِ القِيَامَةِ ثُمَّ قَرَأَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ﴿ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسىٰ وَ آلُ هارُونَ ﴾ وَ أَنَا مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ بِمَنزِلَةِ هارُونَ مِن مُوسَى وَ العِلمُ فِي عَقِبِنَا إِلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ.

سُلیم بن قیس گفت: پس از بازگشت امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام از صفین و پیش از فرارسیدن جنگ نهروان ما در مسجد نشسته بودیم که حضرت علیه‌السلام آمد و ما ایشان را در میان گرفتیم. مردی عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما را از یاران خود خبر دهید. چون آن مرد این سؤال پرسید، حضرت علیه‌السلام قصه‌ای دراز بیان کرد و فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در سخنی طولانی فرمود: همانا خداوند مرا به دوستی چهار تن از اصحابم فرمان داد و امر فرمود تا ایشان را دوست بدارم و البته بهشت به آنان شوق می‌ورزد. عرض شد: آنان کیستند ای رسول خدا؟! فرمود: علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام. و دیگر چیزی نفرمود. باز عرض کردند: آنان کیستند ای رسول خدا؟! فرمود: علی علیه‌السلام و سه تن که با اویند و او امام و رهبر و راهنما و هدایتگر آنان است، به بیراهه نمی‌روند و گمراه

---

۱. آل عمران، ۷

نمی‌شوند و از راه بازنمی‌گردند و آرزوها نزدشان به درازا نمی‌کشد تا مبادا که دل‌هایشان سخت شود؛ ایشان سلمان و ابوذر و مقداد هستند. سپس رسول خدا ﷺ قصه‌ای دراز بیان کرد و فرمود: علی ؑ را نزد من فراخوانید. من سوی ایشان رهسپار شدم و ایشان هزار باب دانش را که هر یک رو به هزار باب گشوده می‌شد، در گوش من نجوا کرد. در آن دم حضرت علی ؑ رو سوی ما کرد و فرمود: از من بپرسید پیش از آن‌که مرا از دست دهید، چه به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید من به تورات از اهل تورات آگاه‌ترم و من به انجیل از اهل انجیل آگاه‌ترم و من به قرآن از اهل قرآن آگاه‌ترم و به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید تا به روز قیامت هیچ گروهی شمارش به صد تن نخواهد رسید جز آن‌که من کنون رهبر و فرمانده‌اش را می‌شناسم. از من دربارهٔ قرآن بپرسید چه در قرآن بیان همه چیز آمده و در آن دانش پیشینیان و پسینیان همه آمده و البته قرآن جای هیچ سخنی برای هیچ سخنوری نگذاشته است، که «تأویل آن را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند». ایشان یک نفر نیستند و رسول خدا ﷺ یکی از آنهاست که خداوند این دانش را به او آموخت و او آن را به من آموخت و از آن پس این دانش تا به روز قیامت به همراه ماست. سپس امیرمؤمنان ؑ قرائت فرمود: «بازمانده‌ای است از آن‌چه خاندان موسی و هارون به جای نهاده‌اند.» من نسبت به پیامبر ﷺ همچون هارون نسبت به موسی ؑ می‌باشم و تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، دانش به همراه ماست.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۴۹)

﴿ إِنَّ اللهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ ﴾

خداوند شما را به رودخانه‌ای می‌آزماید.

۲۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إِنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ ؑ فِي كِتَابِ اللهِ اِسمًا لَا يَعرِفُهُ النَّاسُ قُلتُ:

وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: سَمَّاهُ نَهرًا فَقَالَ: ﴿إِنَّ اللهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ﴾ كَمَا ابتَلىٰ بَنِي‌إِسرَائِيلَ إِذ خَرَجُوا إِلَى قِتَالِ جَالُوتَ فَابتَلاهُم بِنَهَرٍ فَابتَلاكُم بِوَلَايَةِ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طَالِبٍ عليه‌السلام العَارِفُ فِيهَا نَاجٍ وَ المُقَصِّرُ فِيهَا مُذنِبٌ وَ التَّارِكُ لَهَا هَالِكٌ.

ابن عباس گفت: در کتاب خدا برای حضرت علی عليه‌السلام اسمی هست که مردم آن را نمی‌دانند. به او گفتم: آن چیست؟ گفت: خداوند او را «رودخانه» نامیده است؛ آنجا که می‌فرماید: «خداوند شما را به رودخانه‌ای می‌آزماید.» و همان‌گونه که بنی‌اسرائیل را هنگامی که به جنگ با جالوت رفتند به آن رودخانه آزمود، شما را نیز به ولایت حضرت علی عليه‌السلام آزمود. پس هر که او را بشناسد، نجات یابد، و هر که در حق او کوتاهی کند، به گناه درافتد و هر که او را ترک کند، هلاک شود.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۵۳)

﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنا بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجاتٍ وَ آتَيْنا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّناتِ وَ أَيَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّناتُ وَ لٰكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لٰكِنَّ اللهَ يَفْعَلُ ما يُريدُ﴾

آنان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری دادیم، از ایشان کسی هست که خدا با او سخن گفته است، و درجات بعضی را بالا برده است و به عیسی پسر مریم نشانه‌های روشن دادیم و او را بـه روح القـدس تأیید کردیم و اگر خدا می‌خواست، کسانی که پس از ایشان بودند، بعد از آن‌که نشانه‌های روشنی برای آنها آمد با یکدیگر جنگ نمی‌کردند؛ ولی اختلاف کردند. پس بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کافر شدند. و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند، ولی خداوند آن‌چه را می‌خواهد انجام می‌دهد.

۳۰. عَن أَصْبَغَ بنِ نُبَاتَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ المُؤمِنينَ عَلِيِّ بنِ أَبی طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: بِمَا نُسَمِّي هَؤُلَاءِ القَومَ الَّذِينَ تُقَاتِلُ، الدِّينُ وَاحِدٌ وَ الصَّلَاةُ وَاحِدَةٌ وَ المَنَاسِكُ وَاحِدَةٌ، ثُمَّ قَد نَادَينَا إِلَى الصَّلَاةِ فَنَادَوا بِمِثلِ مَا قَد نَادَينَا فَبِمَا نُسَمِّيهِم قَالَ: نُسَمِّيهِم بِمَا سَمَّاهُمُ اللهُ تَعَالَى. قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنينَ مَا كُلُّ مَا قَالَ اللهُ نَعلَمُهُ. قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنينَ عليه السلام: ﴿ **تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ** ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ **فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ** ﴾ فَلَمَّا وَقَعَ الإِختِلَافُ مِن مُؤمِنٍ وَ كَافِرٍ كُنَّا نَحنُ أَولَى بِاللهِ وَ بِالنَّبِيِّ وَ بِكِتَابِهِ وَ بِالقُرآنِ وَ بِالحَقِّ ﴿ **وَ لَوْ شَاءَ اللهُ مَا اقْتَتَلُوا** ﴾ قَاتَلنَاهُم بِمَشِيَّةِ اللهِ وَ إِرَادَتِهِ وَلَكِنَّ اللهَ يَفعَلُ مَا يُرِيدُ فَقَالَ الأَصبَغُ: قَالَ الرَّجُلُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنينَ كُفَّارٌ وَ رَبِّ الكَعبَةِ. قَالَ: فَرَأَيتُهُ يَحمِلُ بِالسَّيفِ حَتَّى يَضرِبَ بِهِ الكَتِيبَةَ.

اصبغ بن نباته گفت: مردی به خدمت امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام رسید و عرض کرد: ما این قومی را که با آنان به جنگ برخاسته‌ای چه بنامیم حال آن‌که میان ما دین یکی و نماز یکی و مناسک یکی است و وقتی ما از برای نماز ندا سردهیم، آنان نیز همچون ندای ما را سر می‌دهند؛ حال ما اینان را چه بنامیم؟ حضرت عليه السلام فرمود: ما همان نامی را بر اینان می‌نهیم که خداوند به آن نامیدشان. آن مرد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ما همه آن‌چه را که خداوند فرموده نمی‌دانیم! امیرمؤمنان عليه السلام فرمود: «آنان پیامبرانی هستند که بعضی را بر بعضی برتری دادیم» تا آنجا که «بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کافر شدند». پس هنگامی که میان مؤمن و کافر در حقانیت اختلاف افتد، بی‌تردید ما به خداوند و پیامبر و کتاب و قرآن و حق سزاوارتریم. «و اگر خدا می‌خواست با هم جنگ نمی‌کردند» ما با خواست و ارادهٔ خداوند با آنان جنگیدیم، با این حال خداوند آن‌چه را خود می‌خواهد، انجام می‌دهد. در آن دم آن مرد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! به پروردگار کعبه سوگند که اینان کافرند و من دیدم که او این بگفت و شمشیر برکشید و به دل آن سپاه زد.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۶۵)

﴿ مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ ﴾

مثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا انفاق می‌کنند...

۳۱. عَنِ الصّادِقِ علیه السلام قَولُهُ: ﴿ مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ ﴾: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شده است[1].

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۷۴)

﴿ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ ﴾

آنان که اموال خویش را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداششان نزد پروردگارشان [محفوظ است] و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

۳۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً ﴾ قالَ: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام وَ کانَ لَهُ أَربَعُ دَراهِمَ فَتَصَدَّقَ بِدِرهَمٍ لَیلاً وَ بِدِرهَمٍ نَهارًا وَ بِدِرهَمٍ سِرًّا وَ بِدِرهَمٍ عَلانِیَةً فَنَزَلَت فِیهِ هَذِهِ الآیَةُ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شد. او چهار درهم داشت که درهمی از آن را در شب و درهمی را در روز و درهمی را پنهان و درهمی را آشکار صدقه داد و این‌چنین این آیه دربارهٔ ایشان نازل شد.

۳۳. عَن أَبی عَبدِالرَّحمَنِ السُّلَمِیِّ قالَ: إِنّی لَأَحفَظُ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام أَربَعَ مَناقِبَ ما

---

۱. در ترجمهٔ جلد هفتم بحارالانوار آمده است: در این آیه منظور از «مَثَلُ الَّذینَ یُنفِقُونَ أموالَهُم ابتِغاءَ مَرضاتِ اللهِ» کسانی هستند که اموال خود را در راه علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام صرف می‌کنند. (ترجمه جلد هفتم، ص ۲۵۷)

یَمنَعُنِی أَن أَذکُرَهَا إِلَّا الحَسَدُ قَالَ: فَقِیلَ لَهُ أُذکُرهَا فَقَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ ذَاتَ یَوم ﴿ **الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ قَالَ: وَ مَا کَانَ یَملِكُ یَومَهُ ذَلِكَ إِلَّا أَربَعَةَ دَرَاهِمَ فَأَعطَی دِرهَمًا بِاللَّیلِ وَ دِرهَمًا بِالنَّهارِ وَ دِرهَمًا سِرًّا وَ دِرهَمًا عَلَانِیَةً.

ابی عبدالرحمن سُلّمی گفت: من از حضرت علی علیه السلام چهار فضیلت را به یاد دارم که تنها حسادت مرا از بیان آنها باز می‌دارد. کسی گفت: آنها را بازگو. و روزی ابی‌عبدالرحمن این آیه را قرائت کرد: «آنان که اموال خویش را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند» تا به پایان آیه؛ سپس گفت: روزی حضرت علی علیه السلام چهار درهم بیشتر نداشت؛ درهمی را در شب، درهمی را در روز، درهمی را پنهان و درهمی را آشکار بخشید.

۳۴. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی ﴿ **الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوٰالَهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِیَةً** ﴾ قَالَ نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ ذَلِكَ أَنَّهُ أَنفَقَ أَربَعَ دَرَاهِمَ، أَنفَقَ فِی سَوَادِ اللَّیلِ دِرهَمًا وَ فِی وُضُوحِ النَّهارِ دِرهَمًا وَ سِرًّا دِرهَمًا وَ عَلَانِیَةً دِرهَمًا، فَلَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَیُّکُم صَاحِبُ هَذِهِ النَّفَقَةِ؟ فَأَمسَكَ القَومُ فَأَعَادَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَقَامَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ قَالَ أَنَا یَا رَسُولَ اللهِ، فَتَلَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله ﴿ **فَلَهُم اَجْرُهُم** ﴾ یَعنِی ثَوَابَهُم ﴿ **عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ** ﴾ مِن قِبَلِ العَذَابِ ﴿ **وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ** ﴾ مِن قِبَلِ المَوتِ یَعنِی فِی الآخِرَةِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شد؛ از این قرار که او چهار درهم انفاق کرد: در سیاهی شب درهمی، در روشنایی روز درهمی، پنهانی درهمی و آشکارا درهمی. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کدام‌یک از شما این‌گونه انفاق کرده است؟ هیچ کس از یاران پاسخ نداد. پیامبر صلی الله علیه و آله باز پرسید. این بار حضرت علی علیه السلام برخاست و عرض کرد: من ای رسول خدا! آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله تلاوت فرمود، «پاداششان نزد پروردگارشان

[محفوظ است]. » یعنی ثواب ایشان «و نه بیمی بر آنان است» از عذاب «و نه اندوهگین می‌شوند» به خاطر مرگ یعنی در آخرت.

(سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۸۵)

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمٰا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴾

پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده و مؤمنان [نیز].

۳۵. عَن جَابِربنِ يَزيدَ عَن أَبى جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسرِيَ بى إِلَى السَّمَاءِ قَالَ لِىَ العَزيزُ ﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمٰا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ﴾ قُلتُ: ﴿ وَ الْمُؤْمِنُونَ ﴾ قَالَ: صَدَقتَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيكَ السَّلَامُ مَن خَلَّفتَ لِأُمَّتِكَ مِن بَعدِكَ؟ قُلتُ: خَيرَهَا لِأَهلِهَا، قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبى طَالِبٍ؟ قُلتُ: نَعَم يَا رَبِّ. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّى اِطَّلَعتُ إِلَى الأَرضِ إِطِّلَاعَةً فَاختَرتُكَ مِنهَا وَ اشتَقَقتُ لَكَ اسمًا مِن أَسمَائِى لَا أُذكَرُ فِى مَكَانٍ إِلَّا ذُكِرتَ مَعِىَ فَأَنَا مَحمُودُ وَ أَنتَ مُحَمَّدُ، ثُمَّ اطَّلَعتُ الثَّانِيةَ فَاختَرتُ عَلِيًّا وَ اشتَقَقتُ لَهُ اسمًا مِن أَسمَائِى فَأَنَا الأَعلَى وَ هُوَ عَلِيٌّ. يَا مُحَمَّدُ إِنِّى خَلَقتُكَ وَ خَلَقتُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ وَ الأَئِمَّةَ مِن وُلدِهِ أَشبَاحَ نُورٍ مِن نُورِى وَ عَرَضتُ وِلَايَتَكُم عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ أَهلِهَا وَ عَلَى الأَرضِينَ وَ مَن فِيهِنَّ فَمَن قَبِلَ وَلَايَتَكُم كَانَ عِندِى مِنَ المُقَرَّبِينَ وَ مَن جَحَدَهَا كَانَ عِندِى مِنَ الكُفَّارِ. يَا مُحَمَّدُ لَو أَنَّ عَبدًا عَبَدَنِى حَتَّى يَنقَطِعَ أَو يَصِيرَ كَالشَّنِّ البَالِى ثُمَّ أَتَانِى جَاحِدًا لِوَلَايَتِكُم مَا غَفَرتُ لَهُ حَتَّى يُقِرَّ بِوَلَايَتِكُم. يَا مُحَمَّدُ تُحِبُّ أَن تَرَاهُم؟ قُلتُ: نَعَم يَا رَبِّ قَالَ: إِلتَفِت عَن يَمِينِ العَرشِ فَالتَفَتُّ فَإِذَا أَنَا بِالأَشبَاحِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ وَ الأَئِمَةِ كُلِّهِم حَتَّى بَلَغَ المَهدِيَّ ـ صَلَوَاتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيهِم أَجمَعِينَ ـ فِى ضَحضَاحٍ مِن نُورٍ قِيَامٌ يُصَلُّونَ وَ المَهدِيُّ فِى وَسَطِهِم كَأَنَّهُ كَوكَبٌ دُرِّيٌّ، فَقَالَ لِى: يَا مُحَمَّدُ هٰؤُلَاءِ الحُجَجُ وَ هُوَ الثَّائِرُ مِن عِترَتِكَ فَوَ عِزَّتِى وَ جَلَالِى إِنَّهُ لَحُجَّةٌ وَاجِبَةٌ لِأَولِيَائِى مُنتَقِمٌ مِن أَعدَائِى.

جابر بن یزید از امام محمّد باقر عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود:

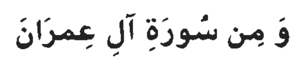
رسـول خـدا ﷺ فـرمود: چـون شـبانه مـرا بـه آسـمان بـردند، خـداونـد شکست‌ناپذیر به من فرمود: «پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده.» من گفتم: «[و نیز] مؤمنان.» فرمود: راست گفتی ای محمّد! سلام بـر تـو، چـه کسـی را پس از خـودت بـرای ایـن امت جـانشین گذارده‌ای؟ گفتم: کسی که برای امت بهترین است. فرمود: علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام؟ گفتم: بله‌ای پروردگارم! فرمود: من سـوی زمـین نگـریستم و تـو را از آنـجا برگزیدم و برایت نامی از نام‌های خود برگرفتم و این‌چنین در هیچ کجا از من یاد نمی‌شود جز آن‌که از تو نیز به همراه من یاد شود؛ من محمود هستم و تـو محمّد. سپس بار دیگر نگریستم و علی علیه السلام را برگزیدم و برایش نامی از نام‌های خود برگرفتم؛ من اعلی هستم و او علی. ای محمّد! من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان زادهٔ وی را علیهم السلام چونان اشـباح نـور از نـور آفـریدم و ولایت شما را بر آسمان‌ها و اهلشان و بر زمین‌ها و هر که در آنهاست، عرضه داشتم؛ پس هر که ولایت شما را پذیرفت، از نزدیکان درگاه من شد و هر که آن را انکار کرد، از کافران درگاه من شد. ای محمّد! اگر بنده‌ای مرا چونان عبادت کند که بند بندش بگسلد یا همچون مشکی پوسیده شود، سپس در حالی نزد من بیاید که منکر ولایت شماست، هیچ او را نخواهـم آمـرزید تـا ایـن‌که بـه ولایت شما اقرار کند. ای محمّد! آیا دوست داری که ایشان را به تو نشان دهم؟ گفتم: بله ای پروردگار من! فرمود: رو سوی سمت راست عرش کن. من چنین کردم و ناگاه اشباح علی و فاطمه و حسن و حسـین و دیگـر امـامان را تـا بـه مهدی علیهم السلام ـ که سلام و درود خداوند بر همهٔ ایشان باد ـ در موجی از نور دیدم که به نماز ایستاده‌اند و مهدی علیه السلام را چون ستاره‌ای درخشان در میان گرفته‌اند. آن‌گاه خداوند فرمود: ای محمّد! اینان حجت‌های من هستند و این مرد منتقم خاندان توست که به عزت و جلالم سوگند او از بـرای دوسـتان مـن حـجتی واجب است و از دشمنان من انتقام می‌گیرد.

۳۶. عَن حُذَيفَةَ بنِ اليمانِ قالَ: دَخَلَت عائِشَةُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ هُوَ يُقَبِّلُ فاطِمَةَ ﷺ وَقالَت: يا رَسُولَ اللهِ أَتُقَبِّلُها وَ هِيَ ذاتُ بَعلٍ؟ فَقالَ لَها: أَما وَ اللهِ لَو عَرَفتِ وُدّي لَها لازدَدتِ لَها وُدّاً، إِنَّهُ لَمّا عُرِجَ بي إِلَى السَّماءِ الرّابِعَةِ أَذَّنَ جَبرَئيلُ ﷺ وَ أَقامَ ميكائيلُ ثُمَّ قالَ لي: أُدنُ قُلتُ أَدنو وَ أَنتَ حاضِرٌ؟ فَقالَ: نَعَم إِنَّ اللهَ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ فَضَّلَ أَنبياءَهُ المُرسَلينَ عَلى مَلائِكَتِه المُقَرَّبينَ وَ فَضَّلَكَ أَنتَ خاصَّةً يا مُحَمَّدُ. فَدَنَوتُ فَصَلَّيتُ بِأَهلِ السَّماءِ الرّابِعَةِ فَلَمّا صِرتُ إِلَى السَّماءِ السّادِسَةِ إِذا أَنا بِمَلَكٍ مِن نورٍ عَلى سَريرٍ مِن نورٍ وَ حَولَهُ صَفٌّ مِنَ المَلائِكَةِ فَسَلَّمتُ عَلَيهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلامَ وَ هُوَ مُتَّكِئٌ فَأَوحَى اللهُ تَعالى إِلَيهِ أَيُّهَا المَلَكُ سَلَّمَ عَلَيكَ حَبيبي وَ خِيَرَتي مِن خَلقي فَرَدَدتَ عَلَيهِ السَّلامَ وَ أَنتَ مُتَّكِئٌ؟ فَوَ عِزَّتي وَ جَلالي لَتَقومَنَّ وَ لَتُسَلِّمَنَّ عَلَيه وَ لا تَقعُدُ إِلى يَومِ القِيامَةِ فَقامَ المَلَكُ وَ عانَقَني ثُمَّ قالَ: ما أَكرَمَكَ عَلى رَبِّ العالَمينَ! فَلَمّا صِرتُ إِلَى الحُجُبِ نوديتُ ﴿ **آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ** ﴾ فَأُلهِمتُ وَ قُلتُ ﴿ **وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ** ﴾ ثُمَّ أَخَذَ جَبرَئيلُ ﷺ بِيَدي فَأَدخَلَني الجَنَّةَ وَ أَنا مَسرُورٌ فَإِذا أَنا بِشَجَرَةٍ مِن نورٍ مُكَلَّلَةٍ بِالنُّورِ في أَصلِها مَلَكانِ يَطوِيانِ الحُلِيَّ وَ الحُلَلَ إِلى يَومِ القِيامَةِ ثُمَّ تَقَدَّمتُ أَمامي فَإِذا أَنا بِتُفّاحٍ لَم أَرَ تُفّاحاً أَعظَمَ مِنهُ فَأَخَذتُ واحِدَةً فَفَلَقتُها فَخَرَجَت عَلَيَّ مِنها حَوراءُ كَأَنَّ أَجناحَها مَقاديمُ أَجنِحَةِ النُّسورِ فَقُلتُ: لِمَن أَنتِ؟ فَبَكَت وَ قالَت: لِابنِكَ المَقتولِ ظُلماً الحُسَينِ بنِ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ﷺ ثُمَّ تَقَدَّمتُ أَمامي فَإِذا أَنا بِرُطَبٍ أَليَنَ مِنَ الزُّبدِ وَ أَحلى مِنَ العَسَلِ فَأَخَذتُ رُطَبَةً فَأَكَلتُها وَ أَنا أَشتَهيها فَتَحَوَّلَتِ الرُّطَبَةُ نُطفَةً في صُلبي فَلَمّا هَبَطتُ إِلَى الأَرضِ واقَعتُ خَديجَةَ فَحَمَلَت بِفاطِمَةَ، فَفاطِمَةُ حَوراءُ إِنسِيَّةٌ فَإِذا اشتَقتُ إِلى رائِحَةِ الجَنَّةِ شَمِمتُ رائِحَةَ ابنَتي فاطِمَةَ ﷺ.

حذیفةبن یمان گفت: عایشه نزد پیامبر ﷺ رسید و حال آن‌که ایشان حضرت فاطمه ﷺ را می‌بوسید. عایشه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا هنوز او را می‌بوسی، حال آن‌که شوهر دارد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: به خدا سوگند اگر

می‌دانستی چقدر دوستش دارم، تو نیز بیش از پیش دوستش می‌داشتی؛ چراکه چون مرا به آسمان چهارم فراز بردند، جبرئیل اذان سر داد و میکائیل اقامه گفت و سپس جبرئیل به من گفت: نزدیک بیا! گفتم: من بیایم حال آن‌که تو خود هستی؟ گفت: بله، خداوند عزوجل پیامبران فرستاده‌شده‌اش را بر فرشتگان مقرب خود برتری بخشیده و تو را ای محمّد به گونه‌ای ویژه برتری داده است. من جلو رفتم و پیشاپیش اهل آسمان چهارم نماز گزاردم. در آن دم فرشته‌ای از نور را دیدم که پیرامونش فرشتگان صف زده بودند. من به او سلام کردم و او سلامم را پاسخ گفت و حال آن‌که بر تخت تکیه زده بود. ناگهان خداوند متعال به او وحی فرمود: ای فرشته! حبیب من و برگزیدهٔ من از میان آفریدگانم بر تو سلام کرد و تو در حالی پاسخش را دادی که بر تخت تکیه زده بودی. به عزت و جلالم سوگند که بایست بایستی و بر او سلام گویی و تا به روز قیامت هیچ ننشینی. آن‌گاه آن فرشته برخاست و مرا در آغوش کشید و گفت: چقدر نزد پروردگار جهانیان ارجمند هستی! وقتی به حجاب‌ها رسیدم، به من ندا داده شد: «پیامبر به آن‌چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است، ایمان آورده.» آن‌گاه من الهام گرفتم و گفتم: «[و نیز] مؤمنان همگی به خداوند و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.» سپس جبرئیل دست مرا که شادمان بودم گرفت و به بهشت درآورد و ناگاه من آنجا درختی از نور و آراسته به نور دیدم که دو فرشته تا به قیامت بر پایش دیبا و حریر می‌پوشاندند. من پیش رفتم و ناگهان سیبی دیدم که هرگز سیبی بزرگ‌تر از آن ندیده بودم. آن را برداشتم و میانش را شکافتم. در آن دم از میانش حوریه‌ای بیرون آمد که بال‌هایش همچون بال‌های پرندگان تیزپرواز بود. گفتم: تو از برای کیستی؟ ناگاه گریست و گفت: از برای حسین‌بن علی ﷺ پسر تو که به ستم کشته می‌شود. من باز پیش رفتم و ناگهان رطبی نرم‌تر از کره و شیرین‌تر از

عسل دیدم. آن را برداشتم و با میل بسیار خوردم و در آن دم آن رطب به نطفه‌ای در پشتم دگرگون شد. وقتی بر زمین فرود آمدم، با خدیجه همبستر شدم و او فاطمه ﷺ را باردار شد. پس فاطمه ﷺ فرشته‌ای از جنس انسان است کـه مـن هرگاه دلتنگ بوی بهشت می‌شوم، دخترم فاطمه ﷺ را می‌بویم.




وَ مِن سُورَةِ آلِ عِمرَانَ

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵ ـ ۱۶)

﴿ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ ﴾

بگو: آیا شما را به بهتر از این (متاع دنیا) خبر دهم؟

۳۷. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: ﴿ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَتَينِ قَالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام وَ حَمزَةَ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ وَ عُبَيدَةَ بنِ الحَارِثِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ علی بن ابی طالب عليه السلام و حمزة بن عبدالمطلب و عبیده پسر حارث نازل شده است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸)

﴿ شَهِدَ اللّهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾

خداوند که برپادارندهٔ عدل و داد است، گواهی داد که هیچ معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان علم نیز [گواهی دادند] که او قیام به قسط دارد و جز او که توانای حکیم است، هیچ معبودی نیست.

۳۸. عَن أَبی جَعفرٍ عليه السلام فِی قَولِه: ﴿ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ وَ الْمَلاٰئِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قٰائِمًا بِالْقِسْطِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ قَالَ أَبو جَعفرٍ عليه السلام: هُوَ كَمَا شَهِدَ لِنَفسِهِ، وَ أَمَّا قَولُه ﴿ وَ الْمَلاٰئِكَةُ ﴾ فَأَقَرَّتِ المَلائِكَةُ بِالتَّسليم لِرَبِّهِم وَ صَدَّقُوا وَ شَهِدُوا أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ كَمَا شَهِدَ لِنَفسِهِ، وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قٰائِمًا بِالْقِسْطِ ﴾ فَإِنَّ أُولِى العِلمِ الأَنبِيَاءُ ـ عَلَيهِمُ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ ـ وَ الأَوصِيَاءُ عليهم السلام وَ هُم قِيَامٌ بِالقِسطِ كَمَا قَالَ اللهُ وَ القِسطُ هُوَ العَدلُ فِی الظَّهرِ، وَ العَدلُ فِی البطنِ هُوَ عَلِیُّ بنُ أَبی طَالِبٍ عليه السلام.

امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: او همچنان است که خود برای خویش گواهی داده است. و امّا آنجاکه فرمود «و فرشتگان»؛ آنان به تسلیم بودن برای پروردگارشان اقرار کردند و تصدیق نمودند و گواهی دادند که هیچ خدایی جز او نیست همچنانکه خود برای خویش گواهی داده است. و اما آنجاکه فرمود «و صاحبان علم نیز [گواهی دادند] که او قیام به قسط دارد»، صاحبان علم همان پیامبران و اوصیا هستند ـ که سلام و درود بر ایشان باد ـ و ایشان‌اند که قیام به قسط دارند و قسط در ظاهر عدالت است و عدالت در باطن حضرت علی عليه السلام است[1].

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۳۳ ـ ۳۴)

﴿ إِنَّ اللهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرٰاهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ عَلَى الْعٰالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾

بی تردید خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست.

۳۹. عَن خَيثَمَةَ الجُعفِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفرٍ عليه السلام: جُعِلتُ فِدَاكَ أَخبِرنی عَن آدَمَ وَ نُوحٍ كَانَا عَلَى مَا نَحنُ عَلَيهِ؟ قَالَ: يَا خَيثَمَةُ لَيسَ أَحَدٌ مِنَ الأَنبِياءِ وَ الرُّسُلِ إِلّا وَ قَد كَانُوا عَلَى

---

۱. در تفسیر عیاشی مانند همین حدیث به نقل از جابر و نیز در **بحارالانوار**، ۱۳۲/۳۶ آمده است.

مَا نَحنُ عَلَيه، يَا خَيثَمَةُ إِنَّ المَلَائِكَةَ فِي السَّمَاءِ هُم عَلَى مَا أَنتُم عَلَيهِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعَالَى ﴿ **إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرٰاهِيمَ وَ آلَ عِمْرٰانَ عَلَى الْعٰالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ** ﴾ إِنَّمَا هُمُ الصَّفوَةُ الَّذِينَ ارتَضَاهُم لِنَفسِهِ.

خیثمه جعفی گفت: به امام محمّد باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! مرا از آدم و نوح علیهما السلام خبر دهید، آیا ایشان بر راه ما بودند؟ حضرت علیه السلام فرمود: ای خیثمه! فرشتگان آسمان نیز بر راه شما هستند و این همان کلام حق تعالی است: «بی تردید خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و نیز آل‌عمران را بر جهانیان برگزید. فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند.» ایشان همان برگزیدگان‌اند که خداوند آنان را برای خود پسندیده است.

۴۰. عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِلحَسَنِ: يَا بُنَيَّ قُم فَاخطُب حَتَّى أَسمَعَ كَلَامَكَ. قَالَ: يَا أَبَتَاه كَيفَ أَخطُبُ وَ أَنَا أَنظُرُ إِلَى وَجهِكَ استَحيِي مِنكَ. قَالَ: فَجَمَعَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أُمَّهَاتِ أَولَادِهِ ثُمَّ تَوَارَى عَنهُ حَيثُ يَسمَعُ كَلَامَهُ فَقَامَ الحَسَنُ علیه السلام فَقَالَ: الحَمدُ لِلّٰهِ الوَاحِدِ بِغَيرِ تَشبِيهٍ، الدَّائِمِ بِغَيرِ تَكوِينٍ، القَائِمِ بِغَيرِ كُلفَةٍ، الخَالِقِ بِغَيرِ مَنصَبَةٍ، المَوصُوفِ بِغَيرِ غَايَةٍ، المَعرُوفِ بِغَيرِ مَحدُودِيَّةٍ، العَزِيزِ لَم يَزَل قَدِيمًا فِي القِدَمِ، رُدِعَتِ القُلُوبُ لِهَيبَتِهِ، وَ ذَهَلَتِ العُقُولُ لِعِزَّتِهِ، وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِقُدرَتِهِ، فَلَيسَ يَخطُرُ عَلَى قَلبِ بَشَرٍ مَبلَغُ جَبَرُوتِهِ، وَ لَا يَبلُغُ النَّاسُ كُنهَ جَلَالِهِ، وَ لَا يُفصِحُ الوَاصِفُونَ مِنهُم لِكُنهِ عَظَمَتِهِ، وَ لَا تَبلُغُهُ العُلَمَاءُ بِأَلبَابِهَا، وَ لَا أَهلُ التَّفَكُّرِ بِتَدبِيرِ أُمُورِهَا، أَعلَمُ خَلقِهِ بِهِ الَّذِي بِالحَدِّ لَا يَصِفُهُ، يُدرِكُ الأَبصَارَ وَ لَا تُدرِكُهُ الأَبصَارُ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الخَبِيرُ.

أَمَّا بَعدُ، فَإِنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَن دَخَلَهُ كَانَ مُؤمِنًا وَ مَن خَرَجَ مِنهُ كَانَ كَافِرًا، أَقُولُ قَولِي هَذَا وَ أَستَغفِرُ اللهَ العَظِيمَ لِي وَ لَكُم.

فَقَامَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ ثُمَّ قَالَ: ﴿ **ذُرِّيَّةً بَعْضُهٰا مِنْ بَعْضٍ وَ اللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** ﴾.

امام جعفر صادق ؈ فرمود: حضرت علی ؈ به امام حسن مجتبی ؈ فرمود: پسرم برخیز و خطبه‌ای بخوان تا سخنرانی تو را بشنوم. امام حسن ؈ فرمود: ای پدر! چه‌طور خطبه بخوانم حال آن‌که بر روی شما می‌نگرم و از شما شرم دارم. از این رو حضرت علی ؈ مادران فرزندان خود را گرد آورد و خود را در مکانی که سخن او را می‌شنید، پنهان کرد. آن‌گاه امام حسن ؈ برخاست و فرمود: سپاس خداوند یگانه را که مانندی ندارد، پایداری است که ایجاد نشده و بی‌هیچ تکلّفی برجاست و بی‌هیچ زحمتی می‌آفریند و موصوفی است که برای وصفش غایتی نیست و معروفی است که برای شناختش حدّی نیست و عزیزی است که همواره در قدمتش قدیم است. قلب‌ها از هیبتش در هراس و عقل‌ها در برابر عزتش سرگشته و گردن‌ها در برابر قدرتش خاضع‌اند. اندازهٔ جبروتش بر قلب هیچ بشری خطور نمی‌کند و مردم به ژرفای جلالش نمی‌رسند و بیان ژرفای عظمتش خارج از فصاحت واصفان است و دانشمندان با خردهایشان و ارباب اندیشه با تدبیر امورشان به او نخواهند رسید. داناترین آفریدگانش به او کسی است که او را به حدّ و اندازه وصف نمی‌کند. دیدگان را در می‌یابد و دیدگان او را در نمی‌یابند و او لطیف و آگاه است. امّا بعد، همانا علی ؈ بابی است که هر کس به آن درآید، مؤمن است و هر کس از آن بیرون رود، کافر است. این سخن را می‌گویم و از خداوند برای خود و شما آمرزش خواستارم. آن‌گاه حضرت علی ؈ برخاست و میان دو دیدهٔ ایشان را بوسید و فرمود: «فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست.»

۴۱. عَن أَبی مُسلِمِ الخُولَانِیِّ قَالَ: دَخَلَ النَّبِیُّ ﷺ عَلَی فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ ؊ وَ عَائِشَةَ وَ هُمَا یَفتَخِرَانِ وَ قَدِاحمَرَّت وُجُوهُهُمَا فَسَأَلَهُمَا عَن خَبَرِهِمَا فَأَخبَرَتَاهُ فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: یَا عَائِشَةُ اَوَ مَا عَلِمتِ أَنَّ اللهَ اصطَفَی آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبرَاهِیمَ وَ آلَ عِمرَانَ وَ عَلِیًّا

وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ حَمزَةَ وَ جَعفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِیجَةَ عَلَی العَالَمِینَ؟

ابی مسلم خولانی گفت: پیامبر ﷺ بر حضرت فاطمه و عایشه وارد شد در حالی‌که آنان بر یکدیگر مفاخره می‌کردند و چهره‌هاشان سرخ شده بود. حضرت از ماجرا جویا شد و آنان ایشان را خبر دادند. پیامبر ﷺ به عایشه فرمود: ای عایشه! آیا نمی‌دانی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی ؑ و حسن و حسین ؑ و حمزه و جعفر و فاطمه ؑ و خدیجه ؑ را بر جهانیان برگزید؟

۴۲. عَن بُرِیدَةَ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیَّ بنَ أَبی‌طَالِبِ ؑ إِلَی الیَمَنِ وَ خَالِدًا إِلَی الخَیلِ وَ قَالَ: إِذَا اجتَمَعتُمَا فَعَلِیُّ عَلَی النَّاسِ. قَالَ: فَلَمَّا قَدِمنَا إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فُتِحَ عَلَی المُسلِمِینَ وَ أَصَابُوا مِنَ الغَنَائِمِ غَنَائِمَ کَثِیرَةً وَ أَخَذَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طَالِبِ ؑ جَارِیَةً مِنَ الخُمسِ. قَالَ: فَقَالَ خَالِدُ: یَا بُرَیدَةُ اغتَنِمهَا إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فَأَخبِرهُ وَ إِنَّهُ یَسقُطُ مِن عَینَیهِ. فَقَالَ بُرَیدَةُ: فَقَدِمتُ المَدِینَةَ وَ دَخَلتُ المَسجِدَ فَأَتَیتُ مَنزِلَ النَّبِیِّ ﷺ، وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی بَیتِهِ وَ نَفَرُ عَلَی بَابِهِ جُلُوسُ قَالَ: وَ إِلَیكَ المَفَرُّ عِندَ النَّاسِ أَئِمَّةُ! قَالَ: فَقَالُوا: یَا بُرَیدَةُ مَا الخَبَرُ؟ قَالَ: خَبَرُ فَتحِ اللهِ عَلَی المُسلِمِینَ فَأَصَابُوا مِنَ الغَنَائِمِ مَا لَم یُصِیبُوا مِثلَهَا. قَالُوا: فَمَا أَقدَمَكَ؟ قَالَ: بَعَثَنِی خَالِدُ أُخبِرَ النَّاسَ ﷺ بِجَارِیَةٍ أَخَذَهَا عَلِیُّ بنُ أَبی‌طَالِبِ ؑ مِنَ الخُمسِ قَالَ: فَأَخبِرهُ فَإِنَّهُ یَسقُطُ مِن عَینَیهِ. قَالَ: وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ یَسمَعُ الکَلَامَ.

بریده گفت: رسول خدا ﷺ علی ؑ را سوی یمن و خالد را سوی خیل فرستاد و فرمود: زمانی که هر دو لشکر به هم رسیدید، علی ؑ امیر باشد. بریده گفت: وقتی به حضور پیامبر ﷺ می‌آمدیم، مسلمانان پیروز شده و غنایم بسیاری به‌دست آورده بودند و علی ؑ کنیزی را از خمس برداشت. خالد گفت: ای بریده! این فرصت را غنیمت شمار و به نزد پیامبر ﷺ برو و به ایشان خبر بده. بی‌تردید علی ؑ از چشمان پیامبر می‌افتد. بریده گفت: به

مدینه آمدم و داخل مسجد پیامبر ﷺ شدم و به درِ منزل ایشان رفتم. پیامبر در منزل بود و چند نفری هم کنار در نشسته بودند. آن‌ها گفتند: ای بریده! چه خبر؟ بریده گفت: خبر فتح و ظفری که خداوند به مسلمانان کرامت فرموده و ایشان غنایم بسیاری به دست آورده‌اند که تا به‌حال همانندش به دست ایشان نرسیده است. گفتند: چه چیز تو را واداشت که نزد پیامبر ﷺ بیایی؟ بریده گفت: خالد مرا فرستاده تا به پیامبر ﷺ خبر دهم که علی ؑ از غنایم بابت خمس کنیزی برداشته است. گفتند: این خبر را به حضرت بگو، بی‌تردید علی ؑ از چشم پیامبر ﷺ می‌افتد. بُریده گفت: رسول خدا ﷺ کلام ما را می‌شنید.

قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ مُغضِبًا كَأَنَّمَا يفقأُ فِي حُبِّ الرُّمَّانِ فَقَالَ: مَا بَالُ أَقوامٍ يَنتَقِصُونَ عَلِيًّا؟! مَن يَنقُص عليًّا فَقَد يَنقُصِنِي، وَ مَن فَارَقَ عَلِيًّا فَقَد فَارَقَنِي، إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَ أَنَا مِنهُ، خَلَقَهُ اللهُ مِن طِينَتِي وَ خُلِقتُ مِن طِينَةِ إِبرَاهِيم، وَ أَنَا أَفضَلُ مِن إِبرَاهِيمَ وَ فَضلُ إِبرَاهِيمَ لِي، ذُرِّيَّةً بَعضُهَا مِن بَعضٍ، وَيحَكَ يَا بُرَيدَةُ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ ؑ فِي الخُمسِ أَفضَلَ مِنَ الجَارِيَةِ أَلَّتِي أَخَذَهَا وَ أَنَّهُ وَلِيُّكُم مِن بَعدِي.

قَالَ: فَلَمَّا رَأَيتُ شِدَّةَ غَضَبِ رَسُولِ اللهِ ﷺ قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ أَسأَلُكَ بِحَقِّ الصُّحبَةِ إِلَّا بَسَطتَ لِي يَدَكَ حَتَّى أُبَايِعَكَ عَلَى الإِسلَامِ جَدِيدًا. قَالَ: فَمَا فَارَقتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ حَتَّى بَايَعتُهُ عَلَى الإِسلَامِ جَدِيدًا.

حضرت خشمگین بیرون آمد و گویی چون اناری سرخ شده بود و فرمود: چه می‌پندارند کسانی که از منزلت علی ؑ می‌کاهند؟ هر که از منزلت علی بکاهد، از منزلت من کاسته و هر که از علی جدا شود، از من جدا شده است. علی از من است و من از اویم. خداوند او را از گل من و مرا از گل ابراهیم سرشته و حال آن‌که من از ابراهیم برترم و برتری ابراهیم از آنِ من است. «فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند.» وای بر تو ای بریده! آیا ندانستی که حقّ علی ؑ در خمس بیشتر از کنیزی است که برای خود اختیار کرده و او بعد از

من ولیّ شماست؟ بریده گفت: چون شدّت خشمگینی رسول خدا را دیدم، عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ دست مبارکتان را باز کنید تا با شما از نو بر اسلام بیعت کنم.

من از پیامبر ﷺ جدا نشدم تا این‌که با ایشان از نو بر اسلام بیعت کردم[1].

۴۳. عَن عُبَیدِ بنِ وَایِلٍ قالَ: رَأَیتُ أَبَاذَرٍ الغِفَارِیَّ بِالمَوسِمِ وَ قَد أَقبَلَ بِوَجهِهِ عَلَی النَّاسِ وَ هُوَ یَقُولُ: یا أَیُّهَا النَّاسُ مَن عَرَفَنِی فَقَد عَرَفَنِی وَ مَن لَم یَعرِفنِی فَأَنَا جُندَبُ بنُ السَّکَنِ[2] أَبُوذَرٍ الغِفَارِیُّ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ: کَمَا قَالَ اللهُ تَعَالَی: ﴿ **إِنَّ اللهَ اصْطَفَیٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ * ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ** ﴾ فَمُحَمَّدٌ ﷺ مِن نُوحٍ وَ الآلُ مِن إِبرَاهِیمَ وَ الصَّفوَةُ وَ السُّلالَةُ مِن إِسمَاعِیلَ وَ العِترَةُ الهَادِیَةُ مِن مُحَمَّدٍ ـ عَلَیهِمُ الصَّلاةِ وَ السَّلامُ وَ التَّحِیَّةُ وَ الإِکرَامُ ـ بِهِ شُرِّفَ شَرِیفُهُم وَ بِهِ استَوجَبُوا الفَضلَ عَلَیٰ قَومِهِم، فَأَهلُ بَیتِ النَّبِیِّ فِینَا کَالسَّمَاءِ المَرفُوعَةِ وَ الأَرضِ المَبسُوطَةِ وَ الجِبَالِ المَنصُوبَةِ وَ الکَعبَةِ المَستُورَةِ وَ الشَّمسِ المُشرِقَةِ وَ القَمَرِ السَّارِی وَ النُّجُومِ الهَادِیَةِ وَ الشَّجَرَةِ الزَّیتُونَةِ أَضَاءَ زَیتُهَا وَ بُورِکَ فِی زَبَدِهَا. وَ مِنهُم وَصِیُّ مُحَمَّدٍ ﷺ فِی عِلمِهِ وَ مَعدِنُ العِلمِ بِتَأوِیلِهِ وَ قَائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَ الصِّدِّیقُ الأَکبَرُ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؑ، إِلَّا أَیَّتُهَا الأُمَّةُ المُتَحَیِّرَةُ بَعدَ نَبِیِّهَا أَمَ وَ اللهِ لَو قَدَّمتُم مَن قَدَّمَ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَخَّرتُم مَن أَخَّرَ اللهُ وَ رَسُولُهُ مَا عَالَ وَلِیُّ اللهِ وَ لَا طَاشَ سَهمٌ مِن

---

۱. در تفسیر *البرهان* ذیل تفسیر آیه ۲۴ سورهٔ «ق» روایتی شبیه آن آورده است که از ابوذر روایت شده و مضمون آن چنین است: من همراه جعفر به حبشه هجرت کردیم. کنیزی به قیمت چهار هزار درهم به جعفر هدیه شد. وقتی به مدینه آمدیم جعفر کنیز را به علی ؑ هدیه کرد تا به او خدمت کند. حضرت کنیز را به خاطر رضای خدا آزاد کرد و چهارصد درهم صدقه داد. جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: چون کنیز را به خاطر رضای فاطمه آزاد کردی بهشت را به تو عطا کردم و به خاطر آن چهارصد درهم که صدقه دادی جهنم را در اختیار تو نهادم. پس هر که را خواستی با رحمت من به بهشت وارد و با بخشش و عفو من هر که را خواستی از جهنم آزاد کن.

۲. در بعضی از نسخ جندب‌بن الیمان آمده است.

فَرائِضِ اللهِ وَ لا تَنازَعَت هَذِهِ الأُمَّةُ فِی شَیءٍ بَعدَ نَبِیِّهَا إِلّا وَ عِلمُ ذَلِكَ عِندَ أَهلِ بَیتِ نَبِیِّكُم فَذُوقُوا وَبالَ ما كَسَبتُم ﴿ وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ ﴾.

عبیدبن وایل گفت: ابوذر غفاری را در موسم حج دیدم در حالی‌که رو به مردم کرده بود و چنین می‌گفت: ای مردم! هر که مرا می‌شناسد که می‌شناسد، و هر که مرا نمی‌شناسد بداند که من جندب پسر سکن، ابوذر غفاری هستم و از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: همچنان‌که خداوند متعال فرمود: «بی تردید خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید، فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خدا شنوای داناست»، محمّد ﷺ از نوح است و آل از ابراهیم است و برگزیدگان و دودمان از اسماعیل علیه‌السلام هستند و عترتِ هدایت‌کننده از محمّد ﷺ است که این شریفان از وجود او شرافت یافته‌اند و به واسطهٔ او مستوجب فضل و برتری بر قوم خود شده‌اند. پس اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام در میان ما همچون آسمان برافراشته و زمین گسترده و کوه‌های استوار و کعبه پنهان و خورشید درخشان و ماه جاری و ستارگان هدایتگرند. ایشان همچون درخت زیتون‌اند که روغنش نورافشان و عصاره‌اش بابرکت است. وصیّ پیامبر ﷺ در علم و نیز معدن علم تأویل او و پیشوای سپیدرویان عالم و صدّیق اکبر، علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام از ایشان است. ای امت متحیّر و سرگردان پس از پیامبر! به خدا سوگند اگر آن کسی را که خدا و رسولش مقدّم داشتند، مقدّم می‌داشتید و آن را که خدا و رسولش پس راندند، باز پس می‌زدید؛ هیچ ولی خدایی فقیر نمی‌شد و هیچ تیری از فرایض الهی به خطا نمی‌رفت و این امّت پس از پیامبرشان در هیچ چیزی اختلاف نمی‌کردند مگر این‌که علم آن نزد اهل بیت پیامبرتان بود. پس بچشید وبال آن‌چه را کسب کردید: «زود باشد که بدانند آنان که ستم کردند به کجا خواهند رفت.»

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۳۷)

﴿كُلَّمٰا دَخَلَ عَلَيْهٰا زَكَرِيَّا الْمِحْرٰابَ وَجَدَ عِنْدَهٰا رِزْقًا قٰالَ يٰا مَرْيَمُ أَنّٰى لَكِ هٰذٰا قٰالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ﴾

هرگاه زكريّا در محراب بر او وارد می‌شد رزق و روزی نزد او می‌یافت، گفت: ای مریم! این (روزی) از کجا به تو می‌رسد؟ مریم گفت: این از نزد خداوند است. خداوند به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد.

۴۴. عَن أَبی سَعیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: أَصبَحَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ ذاتَ یَومٍ قَالَ: یَا فَاطِمَةُ عِندَكِ شَیءٌ تُغَذِّینیهِ؟ قَالَت: لَا وَ الَّذِی أَکرَمَ أَبی بِالنُّبُوَّةِ وَ أَکرَمَكَ بِالوَصِیَّةِ مَا أَصبَحَ الغَداةَ عِندِی شَیءٌ وَ مَاکَانَ شَیءٌ أُطعِمنَاهُ یَومَینِ إِلَّا شَیءٌ کُنتُ أُوثِرُكَ بِهِ عَلَی نَفسِی وَ عَلَی ابنَیَّ هَذَینِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ فَقَالَ عَلِیٌّ ﷺ: یَا فَاطِمَةُ إِلَّا کُنتِ أَعلَمتِنی فَأَبغِیَکُم شَیئًا. فَقَالَت یَا أَبَا الحَسَنِ إِنِّی لَأَستَحیِی مِن إِلَهِی أَن أُکَلِّفَ نَفسَكَ مَا لَا تَقدِرُ عَلَیهِ.

ابی سعید خُدری گفت: یک روز صبح حضرت علی ﷺ به حضرت فاطمه ﷺ فرمود: ای فاطمه! آیا چیزی داریم تا برای خوردن به من بدهی؟ فرمود: خیر، سوگند به خدایی که پدرم را به پیامبری و تو را به جانشینی او گرامی داشت، امروز هیچ خوراکی ندارم. از دو روز پیش نیز هر خوراکی بود، من تو را در خوردن آن بر خودم و بر دو فرزندم، حسن و حسین ﷺ برگزیدم. علی ﷺ فرمود: ای فاطمه! چرا مرا آگاه نساختی تا چیزی برایتان تهیه کنم؟ فاطمه ﷺ فرمود: ای اباحسن! از خدای خود شرم دارم تا تو را به امری ناچار کنم که در توان نیست!

فَخَرَجَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ مِن عِندِ فَاطِمَةَ ﷺ وَاثِقًا بِاللهِ بِحُسنِ الظَّنِّ فَاستَقرَضَ دِینَارًا، فَبَینَا الدِّینَارُ فِی یَدِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ یُرِیدُ أَن یَبتَاعَ لِعِیَالِهِ مَا یُصلِحُهُم فَتَعَرَّضَ لَهُ المِقدادُ بنُ الأَسوَدِ فِی یَومٍ شَدِیدِ الحَرِّ؛ قَد لَوَّحَتهُ الشَّمسُ مِن فَوقِهِ وَ آذَتهُ

مِن تَحتِهِ ، فَلَمَّا رَآهُ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام أَنكَرَ شَأنَهُ فَقالَ: یا مِقدادُ ما أَزعَجَكَ هٰذِهِ السّاعَةَ مِن رَحلِكَ؟ قالَ: یا أَبَا الحَسَنِ خَلِّ سَبیلی وَ لا تَسأَلنی عَمّا وَرائی فَقالَ: یا أَخی إِنَّهُ لا یَسَعُنی أَن تُجاوِزَنی حَتّی أَعلَمَ عِلمَكَ فَقالَ: یا أَبَا الحَسَنِ رَغبَةً إِلَی اللهِ وَ إِلَیكَ أَن تُخَلِّیَ سَبیلی وَ لا تَكشِفَنی عَن حالی فَقالَ لَهُ: یا أَخی إِنَّهُ لا یَسَعُكَ أَن تَكتُمَنی حالَكَ فَقالَ: یا أَبَا الحَسَنِ أَمّا إِذا أَبَیتُ فَوَ الَّذی أَكرَمَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله بِالنُّبُوَّةِ وَ أَكرَمَكَ بِالوَصِیَّةِ ما أَزعَجَنی مِن رَحلی إِلَّا الجُهدُ وَ قَد تَرَكتُ عِیالی یَتَضاغَونَ جوعًا ، فَلَمّا سَمِعتُ بُكاءَ العِیالِ لَم تَحمِلنی الأَرضُ فَخَرَجتُ مَهمومًا راكِبًا رَأسی ، هٰذِهِ حالی وَ قِصَّتی. فَانهَمَلَت عَینا عَلِیٍّ عليه السلام بِالبُكاءِ حَتّی بَلَّت دَمعَتُهُ لِحیَتَهُ فَقالَ لَهُ: أَحلِفُ بِالَّذی خَلَقَكَ ما أَزعَجَنی إِلَّا الَّذی أَزعَجَكَ مِن رَحلِكَ وَ قَدِ استَقرَضتُ دینارًا فَقَد آثَرتُكَ عَلی نَفسی. فَدَفَعَ الدّینارَ إِلَیهِ.

علی عليه السلام با امیدواری و توکّل بر خداوند از نزد فاطمه بیرون رفت و یک دینار قرض کرد. در آن‌هنگام که دینار در دستش بود و می‌خواست برای خانواده‌اش چیزی بخرد که به کارشان آید، در روزی بسیار گرم با مقدادبن اسود روبه‌رو شد و حال آن‌که خورشید سرش را سوزانده بود و پایش را آزار داده بود. چون حضرت وی را دید، خود را از یاد برد و فرمود: ای مقداد! چه چیز تو را در چنین ساعتی از روز از منزل خارج کرده؟ عرض کرد: ای اباحسن! مرا به حال خود واگذار و از حال دلم مپرس. حضرت فرمود: ای برادر! شایسته نیست که از نزد من بگذری و حال تو را جویا نشوم. عرض کرد: ای اباحسن! از خدا و تو خواهانم که مرا به حال خود واگذاری و از حال من مپرسی. حضرت فرمود: ای برادر! روا نیست که حال خود را از من پنهان کنی. عرض کرد: ای اباحسن! حال که اصرار دارید، می‌گویم، سوگند به خدایی که محمّد صلى الله عليه وآله را به پیامبری و شما را به جانشینی او گرامی داشت، فشار زندگی مرا واداشته که این ساعت از روز از منزل خارج شوم، خانواده‌ام را در حالی ترک کرده‌ام که از گرسنگی

تلف می‌شدند، چون گریه آنان را شنیدم، نتوانستم برجا بمانم و اندوهناک و از خود بی‌خود بیرون آمدم؛ این حال و قصهٔ من بود. اشک از چشمان حضرت جاری شد، تا جایی که محاسن ایشان تر گشت. سپس به مقداد فرمود: سوگند به خدایی که تو را آفرید، همین امر نیز مرا از منزل بیرون آورده است. یک دینار قرض کرده‌ام و تو را در استفاده از آن بر خود مقدّم می‌دارم. سپس دینار را به او داد.

وَ رَجَعَ حَتَّى دَخَلَ مَسجِدَ النَّبِیِّ ﷺ فَصَلَّى فِیهِ الظُّهرَ وَ العَصرَ وَ المَغرِبَ، فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللهِ ﷺ المَغرِبَ مَرَّ بِعَلِیِّ بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷺ وَ هُوَ فِی الصَّفِّ الأَوَّلِ فَغَمَزَهُ بِرِجلِهِ فَقَامَ عَلِیٌّ ﷺ مُتَعَقِّبًا خَلفَ رَسُولِ اللهِ ﷺ حَتَّى لَحِقَهُ عَلَى بَابٍ مِن أَبوَابِ المَسجِدِ فَسَلَّمَ عَلَیهِ فَرَدَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقالَ: یَا أَبَا الحَسَنِ هَل عِندَكَ شَیءٌ نَتَعَشَّاهُ فَنَمِیلُ مَعَكَ؟ فَمَكَثَ مُطرِقًا لا یُحِیرُ جَوابًا حَیاءً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ یَعلَمُ مَا كَانَ مِن أَمرِ الدِّینَارِ وَ مِن أَینَ أَخَذَهُ وَ أَینَ وَجَّهَهُ، وَ قَد كَانَ أَوحَى اللهُ تَعالَى إِلَى نَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَن یَتَعَشَّى اللَّیلَةَ عِندَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷺ، فَلَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى سُكُوتِهِ فَقَالَ: یَا أَبَا الحَسَنِ مَا لَكَ لَا تَقُولُ لَا فَانصَرِفُ اَو تَقُولُ نَعَم فَأَمضِی مَعَكَ. قَالَ: حَیاءً وَ تَكَرُّمًا فَاذهَب بِنَا.

حضرت بازگشت و داخل مسجد شد و نماز ظهر و عصر و مغرب را به جا آورد، پس از آن‌که رسول خدا ﷺ نماز مغرب را به پایان رسانید، از مقابل حضرت علی ﷺ عبور کرد و در حالی‌که حضرت در صف اول بود، با پا به او اشاره کرد. حضرت علی ﷺ برخاست و پشت سر ایشان به راه افتاد و در یکی از درهای مسجد به ایشان رسید و سلام کرد. پیامبر سلامش را پاسخ داد و فرمود: ای اباحسن! آیا برای شام غذایی دارید تا به نزد شما آییم؟ حضرت علی ﷺ سر به زیر انداخت و درنگ کرد و از شرم رسول خدا در جواب ماند. حال آن‌که رسول خدا ﷺ از ماجرای دینار و این‌که او آن را از کجا آورده و به

کجا رسانده بود، خبر داشت و خداوند به ایشان وحی کرده بود که آن شب شام را نزد علی‌بن ابی‌طالب ﷺ تناول فرماید. وقتی پیامبر ﷺ سکوت علی ﷺ را دید فرمود: ای اباحسن! چه چیز مانع توست که بگویی نه، تا من بروم یا بگویی آری، تا با تو بیایم؟! حضرت علی ﷺ فرمود: به خاطر تکریم و شرم است، با ما بیایید.

فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَدَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ﷺ فَانطَلَقَا حَتَّى دَخَلا عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ ﷺ وَ هِيَ فِی مُصَلَّاهَا قَد قَضَت صَلَاتَهَا وَ خَلفَهَا جَفنَةٌ تَفُورُ دُخَانًا فَلَمَّا سَمِعَت كَلَامَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی رَحلِهَا خَرَجَت مِن مُصَلَّاهَا فَسَلَّمَت عَلَيهِ، وَ كَانَت أَعَزَّ النَّاسِ عَلَيهِ، فَرَدَّ السَّلَامَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ عَلَى رَأسِهَا وَ قَالَ لَهَا: يَا بِنتَاه كَيفَ أَمسَيتِ رَحِمَكِ اللهُ تَعَالَى عَشِّينَا غَفَرَ اللهُ لَكِ وَ قَد فَعَلَ. فَأَخَذَتِ الجَفنَةَ فَوَضَعَتهَا بَينَ يَدَيِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ﷺ.

قَالَ: فَوَضَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَفَّهُ الطَّيِّبَةَ المُبَارَكَةَ بَينَ كَتِفَی عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ﷺ فَغَمَزَهَا ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ هَذَا بَدَلُ دِينَارِكَ هَذَا جَزَاءُ دِينَارِكَ ﴿ **مِنْ عِنْدِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ** ﴾.

ثُمَّ استَعبَرَ النَّبِيُّ ﷺ بَاكِيًا ثُمَّ قَالَ: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی هُوَ أَبَى لَكُم أَن تَخرُجَا مِنَ الدُّنيَا حَتَّى يَجزِيَكُمَا هَذَا يَا عَلِيُّ فِی المَنَازِلِ الَّذِی جُزِیَ فِيهَا زَكَرِيَّا وَ يَجزِيَكِ يَا فَاطِمَةُ فِی الَّذِی جُزِيَت فِيهِ مَريَمُ بِنتُ عِمرَانَ: ﴿ **كُلَّمٰا دَخَلَ عَلَيْهٰا زَكَرِيَّا الْمِحْرٰابَ وَجَدَ عِنْدَهٰا رِزْقًا** ﴾.

رسول خدا ﷺ دست علی ﷺ را گرفت و با هم به راه افتادند تا به خانهٔ فاطمه ﷺ وارد شدند. فاطمه ﷺ در مصلای خویش بود و نمازش را خوانده بود و پشت سرش کاسه‌ای بود که بخار از آن برمی‌خاست. وقتی صدای پیامبر ﷺ را در خانه‌اش شنید از مصلایش خارج شد و سلام کرد و حال آن‌که حضرت فاطمه عزیزترین افراد نزد رسول خدا ﷺ بود. پیامبر سلامش را پاسخ داد و دستی بر سرش کشید و به او فرمود: دخترم! روزت را چگونه

گذرانده‌ای؟ خدایت رحمت کند، شام ما را بده، خدا تو را بیامرزد و البته چنین کرده است. حضرت فاطمه ﷺ کاسهٔ غذا را برداشت و در مقابل حضرت رسول خدا ﷺ و علی ﷺ قرار داد.

رسول خدا ﷺ دست پاک و مبارک خود را بین دو کتف علی ﷺ گذاشت و با اشاره به او فرمود: ای علی! این به جای دینار توست، این پاداش دینار توست «از نزد خداوند است. خداوند به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد». در این هنگام اشک از چشمان مبارک رسول‌خدا ﷺ جاری شد و فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که نپذیرفت از دنیا بروید تا این‌که پاداشتان را بدهد. ای علی! خداوند در آن جایگاه‌هایی که به زکریا پاداش داد به تو پاداش می‌دهد. همچنین به تو ای فاطمه در آن جایگاهی پاداش می‌دهد که به مریم پاداش داد.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۵۹ ـ ۶۱)

﴿ إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ * الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرينَ * فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَى الْكاذِبينَ ﴾

در حقیقت، مَثَل عیسی نزد خدا همچون مَثَل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد. حق از جانب پروردگار توست، پس از شک‌کنندگان مباش. پس بعد از آن‌که علم برای تو حاصل شد، هر کس در مورد آن (حق) با تو محاجّه کند بگو: بیایید تا پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان (کسی که به منزلهٔ خود ماست) و خودتان را بخوانیم، سپس تضرّع و زاری نماییم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

۴۵. عَن أَبی جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **أَبْنٰاءَنٰا وَ أَبْنٰاءَكُمْ** ﴾ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهما السلام ﴿ **وَ أَنْفُسَنٰا وَ أَنْفُسَكُمْ** ﴾ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِیٌّ عليه السلام ﴿ **وَ نِسٰاءَنٰا وَ نِسٰاءَكُمْ** ﴾ **فَاطِمَةُ** عليها السلام.

امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ آیهٔ مباهله فرمود: منظور از ﴿ **أَبنٰاءَنٰا** ﴾ امام حسن و امام حسین عليهما السلام و منظور از ﴿ **أَنفُسَنٰا** ﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله و علی عليه السلام و منظور از ﴿ **نِسٰاءَنٰا** ﴾ فاطمه عليها السلام است.

۴۶. عَنِ الشَّعبِیِّ قَالَ: جَاءَ العَاقِبُ وَ السَّیِّدُ النَّجرَانِیَّانِ إِلَی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله فَدَعَاهُم إِلَی الإِسلَامِ فَقَالَا: إِنَّنَا مُسلِمَانِ. فَقَالَ: إِنَّهُ یَمنَعُكُمَا مِنَ الإِسلَامِ ثَلَاثٌ أَكلُ الخِنزِیرِ وَ تَعلِیقُ الصَّلِیبِ وَ قَولُكُم فِی عِیسَی بنِ مَریَمَ عليه السلام فَقَالَا: وَ مَن أَبُو عِیسَی؟ فَسَكَتَ فَنَزَلَ القُرآنُ: ﴿ **إِنَّ مَثَلَ عیسیٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرٰابٍ** ﴾ الآیَةُ ثُمَّ نَبتَهِلْ ﴿ **فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَی الْكٰاذِبِینَ** ﴾ فَقَالَا: نُبَاهِلُكَ. فَتَوَاعَدُوا لِغَدٍ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: لَا تُلَاعِنهُ فَوَاللهِ لَإِن كَانَ نَبِیًّا لَا تَرجِعُ إِلَی أَهلِكَ وَ لَكَ عَلَی وَجهِ الأَرضِ أَهلٌ وَ لَا مَالٌ. فَلَمَّا أَصبَحَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ قَدَّمَهُم وَ جَعَلَ فَاطِمَةَ وَرَاءَهُم ثُمَّ قَالَ لَهُمَا: تَعَالَیَا فَهَذَا أَبنَاءُنَا الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ هَذَا نِسَاءُنَا فَاطِمَةُ وَ أَنفُسُنَا لَعَلِیٌّ فَقَالَا: لَا نُلَاعِنُكَ.

شعبی گفت: عاقب و سیّد نصرانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و حضرت آنان را به اسلام دعوت کرد. عرض کردند: ما مسلمانیم. حضرت فرمود: سه چیز مانع مسلمانی شماست: خوردن گوشت خوک، آویزان کردن صلیب و سخن شما دربارهٔ عیسی‌بن مریم. عرض کردند: چه کسی پدر عیسی عليه السلام است؟ حضرت ساکت شد تا این‌که این آیه نازل شد: «در حقیقت، مثل عیسی نزد خدا همچون مَثَل آدم است که او را از خاک آفرید.»

عرض کردند: با تو مباهله می‌کنیم؛ و برای فردای آن روز قرار گذاشتند. یکی از آن‌دو به رفیقش گفت: با او مباهله نکن، به خدا سوگند اگر او پیامبر باشد، به سوی اهلت بر نمی‌گردی و برای تو در روی زمین خانواده و مالی باقی

نمی‌ماند. چون صبح شد، پیامبر دست علی ﷺ و حسنین ﷺ را گرفت و آن‌ها را در جلو و فاطمه ﷺ را در پشت سر ایشان قرار داد. سپس به آن‌دو فرمود: بیایید؛ این پسران ما حسن و حسین ﷺ و این زنان ما فاطمه ﷺ و این خودمان که علی ﷺ است. آن‌گاه عرض کردند: با تو در این لعنت کردن شرکت نمی‌کنیم.

۴۷. عَنِ الشَّعبِیِّ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الآیَةُ ﴿ قُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ﴾ أَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَتَّكِأُ عَلی عَلِيٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ تَبِعَتهُم فَاطِمَةُ قَالَ: فَقَالَ: هَؤُلَاءِ أَبنَاءُنَا وَ هَذِهِ نِسَاءُنَا وَ هَذِهِ أَنفُسُنَا ﷺ.
فَقَالَ رَجُلٌ لِشَرِیكٍ: یَا أَبَاعَبدِ اللهِ: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَيِّناتِ وَ الْهُدى[1] ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ. قَالَ: یَلعَنُهُم كُلُّ شَیءٍ حَتَّی الخَنَافِسُ فِی جُحرِهَا. ثُمَّ غَضِبَ شَرِیكٌ وَ استَشَاطَ فَقَالَ: یَا مُعَافَا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ یُقَالُ لَهُ ابنُ المُقعَدِ: یَا أَبَاعَبدِ اللهِ أَنَّهُ لَم یَعنِكَ فَقَالَ: أَیَقَعُ إِنَّما أَرَادَنِی تَرَكتَ ذِكرَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ﷺ.
شعبی گفت: زمانی که این آیه نازل شد، پیامبر خدا ﷺ بر علی ﷺ و حسن و حسین ﷺ پشت زد و فاطمه ﷺ در پی ایشان بود و فرمود: ایشان پسران ما و این زنان ما و این خودمان.
مردی گفت: ای اباعبدالله! «به راستی کسانی که دلایل روشن و نشانه‌های هدایتی را که ما نازل کرده‌ایم، پنهان می‌کنند»، آنان‌اند که خدا و لعنت‌کنندگان لعنتشان می‌کنند. فرمود: هر چیزی آنان را لعن می‌کند حتی سوسک در سوراخش....

۴۸. أَحمَدُبنُ جَعفَرٍ مُعنعَنًا*: عَن عَلِيٍّ ﷺ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ وَفدُ نَجرَانَ عَلَی النَّبِیِّ ﷺ قَدِمَ

---

۱. بقره، ۱۵۹.

* معنعن: حدیثی است که در تمام سلسله سند به لفظ «عن فلان» تصریح شده باشد. (*علم الحدیث*، ۱۷۹) از لوازم مهم سند، افزون بر مشخص و معروف بودن راویان، ضرورت بیان چگونگی دریافت و تلقی حدیث از مشایخ است. تعابیری چون «سمعت»، «قرأت علیه»، «اخبرنی اجازةً» و... شناسه‌هایی هستند که نحوهٔ تلقی حدیث را از مشایخ نشان می‌دهند و یکی از راه‌های اعتبار بخشیدن به حدیث و اثبات وثاقت صدور آن به شمار می‌روند.

فِیهِم ثَلاثَةٌ مِنَ النَّصارَی مِن کِبارِهِم العَاقِبُ وَ قَیسٌ وَ الأُسقُفُ فَجَاؤُوا إِلَی الیَهُودِ وَ هُم فِی بَیتِ المَدارِسِ فَصَاحُوا بِهِم یَا إِخوَةَ القِردَةِ وَ الخَنازِیرِ هَذَا الرَّجُلُ بَینَ ظَهرَانِیکُم قَد غَلَبَکُم إِنزِلُوا إِلَینَا. فَنَزَلَ إِلَیهِم ابنُ صُورِیَا الیَهُودِیّ وَ کَعبُبنُ الاَشرَفِ الیَهُودِیّ فَقَالُوا لَهُم: إِحضِرُوا غَدًا نَمتَحِنُهُ. قَالَ: وَ کَانَ النَّبِیُّ ﷺ إِذَا صَلَّی الصُّبحَ قَالَ: هَاهُنَا مِنَ المُمتَحِنَةِ أَحَدٌ؟ فَإِن وَجَدَ أَحَدًا أَجَابَهُ وَ إِن لَم یَجِد أَحَدًا قَرَأَ عَلَی أَصحَابِهِ مَا نَزَلَ عَلَیهِ فِی تِلکَ اللَّیلَةِ، فَلَمَّا صَلَّی الصُّبحَ جَلَسُوا بَینَ یَدَیهِ فَقَالَ لَهُ الأُسقُفُ: یَا أَبَا القَاسِمِ فِدَاکَ أَبِی مُوسَی مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: عِمرَانُ. قَالَ: فَیُوسُفُ مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: یَعقُوبُ. قَالَ: فَأَنتَ فِدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی مَن أَبُوکَ؟ قَالَ: عَبدُ اللّهِبنُ عَبدِالمُطَّلِبِ. قَالَ: فَعِیسَی مَن أَبُوهُ؟ قَالَ: فَسَکَتَ النَّبِیُّ ﷺ وَ کَانَ رَسُولُ اللّهِ ﷺ رُبَّمَا إِحتَاجَ إِلَی شَیءٍ مِنَ المَنطِقِ فَیَنقَضُّ عَلَیهِ جَبرَئِیلُ ﷺ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَیَصِلُ لَهُ مَنطِقَهُ فِی أَسرَعَ مِن طَرفَةِ العَینِ فَذَاکَ قَولُ اللّهِ تَعَالَی: ﴿ **وَ ما أَمرُنا إِلَّا واحِدَةٌ کَلَمحٍ بِالبَصَرِ**[1] ﴾.

احمد بن جعفر روایت کرده است: حضرت علی ﷺ فرمود: چون جماعت نصارای نجران به حضور پیامبر ﷺ آمدند، پیشاپیش آنان سه تن از بزرگانشان به نام عاقب و قیس و اسقف به نزد یهودیانی که در بیت المدارس بودند، رفتند و فریاد برآوردند که ای برادران میمون و خوک! این مرد در میان شماست و بر شما چیره گشته است؟ بیایید پایین! ابن صوریای یهودی و کعب‌بن اشرف یهودی به سوی آنان آمدند و گفتند: فردا حاضر شوید تا او را بیازماییم. پیامبر اکرم ﷺ هرگاه نماز صبح را می‌خواند، می‌فرمود: از طایفه ممتحنه کسی اینجا هست؟ اگر کسی بود، حضرت به پرسش او می‌پرداخت و اگر کسی نبود، بر یاران خود هر آن‌چه را که در آن شب نازل شده بود، قرائت می‌فرمود. چون پیامبر نماز صبح را به جا آورد، نصارای نجران روبه‌رویش نشستند و اسقف عرض کرد: ای اباقاسم! پدرم به فدایت! پدر موسی که بود؟

---

۱. قمر، ۵۰.

فرمود: عمران. عرض کرد: پدر یوسف که بود؟ فرمود: یعقوب. گفت: پدر و مادرم به فدایت، پدر شما چه کسی بود؟ فرمود: عبد الله‌بن عبدالمطلب. عرض کرد: پدر عیسی که بود؟ پیامبر ﷺ سکوت فرمود؛ چرا که هرگاه ایشان در جست‌وجوی لفظی بود، جبرئیل در چشم به هم زدنی خود را از آسمان هفتم به ایشان می‌رساند و لفظ را در اختیارش می‌گذاشت و این کلام خداوند متعال است که «و فرمان ما جز یک بار نیست؛ همچون یک چشم بر هم زدن».

قَالَ: فَجَاءَ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: هُوَ رُوحُ اللهِ وَ كَلِمَتُهُ فَقَالَ لَهُ الأُسقُفُ: يَكُونُ رُوحُ بِلا جَسَدٍ؟ قَالَ: فَسَكَتَ النَّبِيُّ ﷺ. قَالَ: فَأَوحَى اللهُ إِلَيهِ ﴿**إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِندَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**﴾ قَالَ: فَنَزَأَ الأُسقُفُ نَزوَةً إِعظَامًا لِعِيسَى عليه السلام أَن يُقَالَ لَهُ مِن تُرَابٍ. ثُمَّ قَالَ: مَا نَجِدُ هَذَا يَا مُحَمَّدُ فِي التَّوراةِ وَ لَا فِي الإِنجِيلِ وَ لَا فِي الزَّبُورِ وَ لَا نَجِدُ هَذَا إِلَّا عِندَكَ! قَالَ: فَأَوحَى اللهُ إِلَيهِ: ﴿**قُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ**﴾ فَقَالُوا: أَنصَفتَنَا يَا أَبَاالقَاسِمِ فَمَتَى مَوعِدُكَ؟ قَالَ: بِالغَدَاةِ إِن شَاءَ اللهُ. قَالَ فَانصَرَفَ اليَهُودُ وَ هُم يَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مَا نُبَالِي أَيُّهُمَا أَهلَكَ اللهُ: النَّصرَانِيَّةَ أَوِ الحَنِيفِيَّةَ إِذَا هَلَكُوا غَدًا.

در آن دم جبرئیل آمد و عرض کرد: او روح خدا و کلمه او بوده است. اسقف عرض کرد: آیا روح بی جسد می‌شود؟ حضرت سکوت کرد و خداوند متعال به او وحی فرمود: «در حقیقت مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید.» اسقف از شنیدن نام عیسی عليه السلام تکان خورد و برای بزرگداشت عیسی عليه السلام که گفته شد از خاک است، برجست. سپس عرض کرد: ای محمّد ﷺ! ما این مطلب را در تورات و انجیل و زبور نیافته‌ایم و جز از تو نشنیده‌ایم. آن‌گاه خداوند متعال به آن‌حضرت وحی فرمود: «بگو: بیایید تا پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان (کسی که به منزلهٔ خود ماست) و خودتان را بخوانیم.» عرض کردند: ای اباقاسم! منصفانه است، چه وقت وعده ما

خواهد بود؟ حضرت فرمود: فردا ان‌شاءالله. یهودیان برگشتند و می‌گفتند: لا اله الا الله، فرقی ندارد کدام‌یک از این دو گروه هلاک شوند، نصرانی یا حنیفیه!
قَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ﷺ: فَلَمَّا صَلَّی النَّبِیُّ ﷺ الصُّبحَ أَخَذَ بِیَدِیَّ فَجَعَلَنِی بَینَ یَدَیهِ وَ أَخَذَ فاطِمَةَ ﷺ فَجَعَلَهَا خَلفَ ظَهرِهِ، وَ أَخَذَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ عَن یَمِینِهِ وَ عَن شِمَالِهِ ثُمَّ بَرَّكَ لَهُم بَارِكًا فَلَمَّا رَأَوهُ قَد فَعَلَ ذَلِكَ نَدِمُوا وَ تَوَامَرُوا فِیمَا بَینَهُم وَ قَالُوا: وَ اللهِ إِنَّهُ لَنَبِیٌّ وَ لَئِن بَاهَلَنَا لَیَستَجِیبَنَّ اللهُ لَهُ عَلَینَا فَیُهلِكُنَا وَ لَا یُنجِینَا مِنهُ شَیءٌ إِلَّا أَن نَستَقِیلَهُ. قَالَ: فَأَقبَلُوا یَستَتِرُونَ فِی خَشَبٍ كَانَ فِی المَسجِدِ حَتَّی جَلَسُوا بَینَ یَدَیهِ ثُمَّ قَالُوا: یَا أَبَا القَاسِمِ أَقِلنَا. قَالَ: نَعَم قَد أَقَلتُكُم، أَمَّا وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ لَو بَاهَلتُكُم مَا تَرَكَ اللهُ عَلَی ظَهرِ الأَرضِ نَصرَانِیًّا وَ لَا نَصرَانِیَّةً إِلَّا أَهلَكَهُ.
حضرت علی ﷺ فرمود: چون پیامبر ﷺ نماز صبح را به‌جا آورد، دست مرا گرفت و پیش روی خود قرار داد و فاطمه ﷺ را پشت سر خود و حسن و حسین ﷺ را در راست و چپ خود قرار داد و برایشان از خدا برکت خواست. چون نصارا این کار را از حضرت دیدند، پشیمان شدند و در میان خود مشورت کردند و گفتند: به خدا سوگند که او پیامبر است و اگر با ما مباهله کند، هر آینه خدا دعایش را مستجاب می‌کند و ما را به هلاک خواهد رساند و هیچ چیزی ما را از آن نجات نخواهد بخشید، مگر این‌که ما از مباهله برگردیم.
آنان در حالی که خود را با چوب‌های درون مسجد پوشانده بودند پیش آمدند تا این‌که در حضور حضرت نشستند و عرض کردند: ای اباقاسم! از آن مباهله که با ما دارید، منصرف شوید.
ایشان فرمود: آری، منصرف شدم، امّا سوگند به خدایی که مرا بر حق برانگیخت، اگر با شما مباهله می‌کردم، خداوند بر زمین هیچ مرد و زن نصرانی بر جا نمی‌گذاشت مگر آن‌که او را هلاک می‌کرد.

۴۹. عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: قَدِمَ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ عَبدُ المَسِیحِ بنِ أَبقَی وَ مَعَهُ العَاقِبُ وَ قَیسُ أَخُوهُ وَ مَعَهُ حَارِثُ بنُ عَبدِ المَسِیحِ وَ هُوَ غُلَامٌ وَ مَعَهُ أَربَعُونَ حَبرًا فَقَالَ: یَا

مُحَمَّدُ كَيفَ تَقُولُ فِي المَسِيحِ فَوَاللهِ إِنّا لَنُنكِرُ مَا تَقُولُ. قَالَ: فَأَوحَى اللهُ تَعَالَى إِلَيهِ: ﴿ **إِنَّ مَثَلَ عيسىٰ عِنْدَ اللهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** ﴾ قَالَ: فَنَخَرَ نَخرَةً فَقَالَ إِجلالاً لَهُ مِمَّا يَقُولُ: بَل هُوَ اللهُ. فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ **فَمَنْ حاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ، فَلَمَّا سَمِعَ بِذِكرِ الأَبنَاءِ غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا وَ دَعَا الحَسَنَ وَ الحُسَينَ وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ عليهم السلام فَأَقَامَ الحَسَنَ عَن يَمِينِهِ وَ الحُسَينَ عَن يَسَارِهِ وَ عَلِيًّا إِلَى صَدرِهِ وَ فَاطِمَةَ إِلَى وَرَائِهِ فَقَالَ: هٰؤُلَاءِ أَبنَاؤُنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أَنفُسُنَا، فَائتِنَا لَهُ بِأَكفَاءٍ. قَالَ: فَوَثَبَ العَاقِبُ فَقَالَ: أَذكُرُكَ اللهَ أَن تَلاعَنَ هٰذَا الرَّجُلَ فَوَاللهِ إِن كَانَ كَاذِبًا مَا لَكَ فِي مُلاعَنَتِهِ خَيرٌ وَ إِن كَانَ صَادِقًا لَا يَحُولُ الحَولَ وَ مِنكُم نَافِخُ ضَرمَةٍ قَالَ: فَصَالَحُوهُ كُلَّ الصُّلحِ.

شهر بن حوشب گفت: عبدالمسیح بن ابقی به همراه عاقب و برادرش قیس و حارث بن عبدالمسیح که جوان بود و چهل نفر از نصارا به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای محمّد! دربارهٔ مسیح چه می‌گویی؟ به خدا سوگند ما آن‌چه را می‌گویی رد می‌کنیم. آن‌گاه خداوند به حضرت وحی فرمود: «در حقیقت مثل عیسی نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد.»

در آن دم او خرّه‌ای کشید و برای تجلیل از عیسی در برابر آن‌چه حضرت فرمود، عرض کرد: خیر، او خداست. آن‌گاه خداوند متعال نازل فرمود: «پس بعد از آن‌که علم برای تو حاصل شد، هر کس در مورد آن (حق) با تو محاجّه کند بگو: بیایید تا بخوانیم....» رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در آیه ذکر پسران را شنید، خشمناک شد و حسن و حسین علیهما السلام و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را فراخواند و حسن را از راست و حسین را از چپ و علی علیه السلام را در مقابل سینه و فاطمه را در پشت سر خود قرار داد. سپس فرمود اینان پسران و زنان و خود ما هستند، کسانی را بیاورید که با ایشان برابر باشند. در آن دم عاقب به سوی عبدالمسیح

جلو دوید و گفت: خدا را به یادت می‌آورم که با این مرد در لعنت کردن شرکت نکنی. به خدا سوگند اگر او دروغگو باشد، برای ما در ملاعنه با او خیری نیست و اگر راستگو باشد، سالی به سر نیامده هیچ جانداری از شما بر جا نمی‌ماند. این شد که با حضرت بی هیچ کم و کاست صلح کردند.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۳)

﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا ﴾

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

۵۰. عَن أَبِی‌الجَارُودِ: عَن أَبِی جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ فِی هَیئَةِ أَعرَابِیٍّ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِی أَنتَ وَ أُمِّی مَا مَعنَی: **﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا ﴾** فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: أَنَا نَبِیُّ اللهِ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ حَبلُهُ. فَخَرَجَ الأَعرَابِیُّ وَ هُوَ یَقُولُ: آمَنتُ بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ اعتَصَمتُ بِحَبلِهِ.

امام محمّد باقر علیه السلام از قول جدّ بزرگوارشان علیه السلام فرمود: مردی با ظاهر یک اعرابی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! معنی این آیه چیست؟ حضرت فرمود: من پیامبر خدا و علی علیه السلام ریسمان خداوند است. اعرابی خارج شد، در حالی‌که می‌گفت: به خدا و رسولش ایمان آوردم و به ریسمان او چنگ زدم.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۰۶)

﴿ یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ ﴾

روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد.

۵۱. عَن أَبَانِ بنِ تَغلِبَ قَالَ: أَبُوجَعفَرٍ علیه السلام: وَلَایَةُ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ علیه السلام الحَبلُ الَّذِی قَالَ اللهُ تَعَالَی فِیهِ **﴿ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعًا وَ لاٰ تَفَرَّقُوا ﴾** فَمَنْ تَمَسَّکَ بِهِ کَانَ مُؤمِنًا

وَ مَن تَرَكَهُ خَرَجَ مِنَ الإِيمَانِ.

ابان‌بن تغلب گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: ولایت علی‌بن ابی‌طالب همان ریسمانی است که خداوند متعال دربارهٔ آن فرمود: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.» پس هر که به آن تمسّک جوید، مؤمن است و هر که آن را رها کند، از ایمان خارج شده است.

۵۲. الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: يُحشَرُ يَومَ القِيَامَةِ شِيعَةُ عَلِيٍّ رَوَاءً مَروِيِّينَ مُبيَضَّةً وُجوهُهُم، وَ يُحشَرُ أَعداءُ عَلِيٍّ يَومَ القِيَامَةِ وُجُوهُهُم مُسوَدَّةُ ظَامِئِينَ. ثُمَّ قَرَأَ ﴿ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ ﴾ مِثلَهُ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: شیعیان علی ﷺ در روز قیامت، سیراب شده و سیراب کننده با چهره‌هایی سفید و دشمنان ایشان عطشان و سیاه‌روی محشور می‌گردند. سپس این آیه را قرائت فرمود: «روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه گردد.»

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۱۲)

﴿ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ ﴾

هر کجا یافت شوند، [مهر] خواری و ذلت بر آنان زده شده است،
مگر به ریسمانی از خدا و ریسمانی از مردم چنگ زنند.

۵۳. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ ﷺ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ ﴾ قَالَ: مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهَا؟ قَالَ: قُلتُ: مَا تَقُولُ فِيهَا؟ قَالَ: فَقَالَ لِي: حَبلٌ مِنَ اللهِ كِتَابُهُ وَ حَبلٌ مِنَ النَّاسِ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.

ابان بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود:

مردم دربارهٔ آن چه می‌گویند؟ عرض کردم: شما درباره‌اش چه می‌فرمایید؟ فرمود: ریسمانی از خدا کتاب او و ریسمانی از مردم علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۲۸)

﴿ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ ﴾

هیچ چیزی از این امر به دست تو نیست.

۵۴. عَن جَابِرِبنِ يَزِيدِ الجُعفِيِّ قَالَ: قَرَأتُ عِندَ أَبِی جَعفَرٍ ﷺ: ﴿ **لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ** ﴾ قَالَ: فَقَالَ: أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: بَلَى وَ اللهِ لَقَد كَانَ لَهُ مِنَ الأَمرِ شَیءٌ وَ شَیءٌ. فَقُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ فَمَا تَأوِيلُ قَولِهِ: ﴿ **لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ** ﴾؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ حَرَصَ أَن يَكُونَ الأَمرُ لِأَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِی طَالِبٍ ﷺ مِن بَعدِهِ فَأَبَى اللهُ. ثُمَّ قَالَ: وَ كَيفَ لَا يَكُونُ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ مِنَ الأَمرِ شَیءٌ وَ قَد فَوَّضَ إِلَيهِ فَمَا أَحَلَّ كَانَ حَلَالاً إِلَى يَومِ القِيَامَةِ وَ مَا حَرَّمَ كَانَ حَرَامًا إِلَى يَومِ القِيَامَةِ.

جابر بن یزید جعفی گفت: نزد امام محمّد باقر ﷺ این آیه را قرائت کردم. ایشان فرمود: بله، به خدا سوگند چیزی و چیزی از این امر نزد او بود. به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! تأویل آن چیست؟ فرمود: رسول خدا ﷺ می‌خواست بعد از ایشان علی‌بن ابی طالب ﷺ امیر باشد، خداوند نپذیرفت. سپس فرمود: چگونه هیچ چیز از این امر به دست او نباشد در حالی‌که خداوند این مهم را به او تفویض کرده: هر چه او حلال کند، حلال است و هر چه حرام کند، حرام است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۴۳ ـ ۱۴۴)

﴿ وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ * وَ مٰا مُحَمَّدٌ إِلاّٰ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلىٰ أَعْقٰابِكُمْ ﴾

و مسلّماً شما پیش از آن‌که با مرگ روبه‌رو شوید، آرزوی آن را می‌کردید، سپس [اسباب] آن را [در جنگ احد] دیدید، در حالی‌که [فقط به کشته‌شده‌ها] نگاه می‌کردید [و به شهادت تن در نمی‌دادید] و محمّد ﷺ جز پیامبری که پیش از او پیامبران دیگری گذشتند، نیست. پس اگر بمیرد و یا کشته شود به عقب بر می‌گردید؟ [یعنی از دین خود بر می‌گردید؟]

۵۵. عَن حُذَيفَةَ بنِ اليَمانيِّ إنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ أَمَرَ بِالجِهادِ يَومَ أُحُدٍ فَخَرَجَ النّاسُ سِرَاعًا يَتَمَنَّونَ لِقَاءَ العَدُوِّ عَدُوِّهِم وَ بَغَوا فِی مَنطِقِهِم وَ قَالُوا: وَ اللهِ لَئِن لَقِينا عَدُوَّنا لَا نُوَلِّی حَتَّی نُقتَلَ عَن آخِرِنا رَجُلٌ أَو يَفتَحُ اللهُ لَنا. قَالَ: فَلَمَّا أَتَوا القَومَ إبتَلاهُمُ اللهُ بِالَّذی كَانَ مِنهُم وَ مِن بَغيِهِم فَلَم يَلبَثُوا إلَّا يَسِيرًا حَتَّی إنهَزَمُوا عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ إلَّا عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ وَ أَبُودُجَانَةَ سِمَاكُ بنُ خَرَشَةَ الأَنصارِیِّ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللهِ ﷺ مَا قَد نَزَلَ بِالنَّاسِ مِنَ الهَزِيمَةِ وَ البَلاءِ رَفَعَ البَيضَةَ عَن رَأسِهِ وَ جَعَلَ يُنادِی: أَيُّهَا النَّاسَ أَنا لَم أُمُت وَ لَم أُقتَل. وَ جَعَلَ النَّاسُ يَركَبُ بَعضُهُم بَعضًا لَا يَلوُونَ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ لَا يَلتَفِتُونَ إلَيهِ، فَلَم يَزَالُوا كَذَلِكَ حَتَّی دَخَلُوا المَدِينَةَ فَلَم يَكتَفُوا بِالهَزِيمَةِ حَتَّی قَالَ أَفضَلُهُم رَجُلٌ فِی أَنفُسِهِم: قُتِلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَلَمَّا آيَسَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مِنَ القَومِ رَجَعَ إلَی مَوضِعِهِ الَّذی كَانَ فِيهِ فَلَم يَزَل عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ وَ أَبُودُجَانَةَ الأَنصارِیِّ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يا أَبادُجَانَةَ ذَهَبَ النَّاسُ فَالحَق بِقَومِكَ. فَقَالَ أَبُودُجَانَةَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا عَلَی هَذا بَايَعنَاكَ وَ بَايَعنَا اللهَ وَ لَا عَلَی هَذَا خَرَجنَا يَقُولُ اللهُ تَعَالَی ﴿ **إنَّ الَّذينَ يُبايِعُونَكَ إنَّما يُبايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْديهِمْ**[1] ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يَا أَبادُجَانَةَ أَنتَ فِی حِلٍّ مِن بَيعَتِكَ فَارجِع. فَقَالَ أَبُودُجَانَةَ: يَا رَسُولَ اللهِ لَا تُحَدِّثُ نِساءُ الأَنصارِ فِی الخُدُورِ أَنّی أَسلَمتُكَ وَ رَغِبتُ نَفسِی عَن نَفسِكَ يَا رَسُولَ اللهِ لَا خَيرَ فِی العِيشِ بَعدَكَ.

حذیفة بن یمانی گفت: رسول خدا ﷺ در روز احد مسلمانان را به جهاد امر

---

۱. فتح، ۱۰

کرد و مردم هم در پی دستور ایشان با سرعت تمام بیرون آمدند و حال آن‌که آرزوی دیدار با دشمنشان را داشتند، در گفتارشان زیاده‌روی کردند و گفتند: به خدا سوگند اگر دشمنمان را ملاقات کنیم، هرگز به آن‌ها پشت نمی‌کنیم تا یا همگی کشته شویم یا خداوند پیروزی را نصیب ما گرداند. هنگامی‌که مسلمانان با دشمن روبه‌رو شدند، خداوند آن‌ها را با همان سخنان و آرزوهایی که می‌گفتند، آزمود. ولی آن‌ها فقط مدت کوتاهی توانستند در میدان جنگ بمانند و پس از مدتی به جز حضرت علی علیه السلام و ابودجانه سماک‌بن خرشه انصاری بقیه از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله گریختند. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرار مسلمانان را دید، کلاه خود را از سر مبارکش برداشت و مردم را این‌گونه ندا داد: ای مردم! من نمرده‌ام و کشته نشده‌ام. اما مردم فرار می‌کردند و بر یکدیگر سوار می‌شدند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله توجهی نمی‌کردند و همین‌گونه در اضطراب و فرار بودند تا داخل مدینه شدند، آن‌ها به این فرار و شکست هم اکتفا نکردند و آن کس که به گمانشان برترین آن‌ها بود، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته شده است.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن قوم ناامید شد، به سوی جایگاه قبلی خود بازگشت و حضرت علی علیه السلام و ابودجانه را دید که هنوز آنجا بودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابادجانه! مردم رفتند، تو هم به قومت بپیوند. ابودجانه عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ما این‌گونه با تو و با خدا بیعت نکرده بودیم و با این نیت از شهر بیرون نیامده‌ایم. مگر نه این است که خداوند می‌فرماید: «در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آنان است»؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابادجانه تو در بیعتت بر جایی، تو هم بازگرد. ابودجانه گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا زنان انصار در خانه‌هایشان نمی‌گویند که من اسلام آوردم اما برای حفظ جانم از شما روگرداندم؟ ای رسول خدا! بعد از شما در زندگی خیری نخواهد بود.

قَالَ: فَلَمَّا سَمِعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَلامَهُ وَ رَغبَتَهُ فِي الجِهَادِ إِنتَهَى رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى صَخرَةٍ فَاستَتَرَ بِهَا لِيَتَّقِى بِهَا مِنَ السِّهَامِ سِهَامِ المُشرِكِينَ ، فَلَم يَلبَث أَبُودُجَانَة إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى أَثخَنَ جِرَاحَةً فَتَحَامَلَ حَتَّى إِنتَهَى إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَجَلَسَ إِلَى جَنبِهِ مُثخِنًا لَا حَرَاكَ بِهِ.

قَالَ: وَ عَلِيٌّ لَا يُبَارِزُ فَارِسًا وَ لَا رَاجِلاً إِلَّا قَتَلَهُ اللهُ عَلَى يَدَيهِ حَتَّى انقَطَعَ سَيفُهُ ، فَلَمَّا انقَطَعَ سَيفُهُ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ انقَطَعَ سَيفِى وَ لَا سَيفَ لِى. فَخَلَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَيفَهُ ذَا الفَقَارِ فَقَلَّدَ عَلِيًّا وَ مَشَى إِلَى جَمعِ المُشرِكِينَ فَكَانَ لَا يَبرُزُ لَهُ أَحَدٌ إِلَّا قَتَلَهُ ، فَلَم يَزَل عَلَى ذَلِكَ حَتَّى وُهِيَت دُرَّاعَةُ فَفَرِقَ رَسُولَ اللهِ ﷺ ذَلِكَ فِيهِ ، فَنَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ:

اللّٰهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا عَبدُكَ وَ رَسُولُكَ جَعَلتَ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَزِيرًا مِن أَهلِهِ لِتَشُدَّ بِهِ عَضُدَهُ وَ تُشرِكَهُ فِي أَمرِهِ ، وَ جَعَلتَ لِى وَزِيرًا مِن أَهلِى ، عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ أَخِى ، فَنِعمَ الأَخُ وَ نِعمَ الوَزِيرُ ، اللّٰهُمَّ وَعَدتَنِى أَن تَمُدَّنِى بِأَربَعَةِ آلَافٍ مِنَ المَلَائِكَةِ مُردِفِينَ ، اللّٰهُمَّ وَعدَكَ وَعدَكَ إِنَّكَ لَا تُخلِفُ المِيعَادَ ، وَعَدتَنِى أَن تُظهِرَ دِينَكَ عَلى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَو كَرِهَ المُشرِكُونَ.

چون رسول خدا ﷺ سخنان او را شنید و اشتیاقش را به جهاد دید، به سوی صخره‌ای رفت تا از تیرهای مشرکان در امان باشد. ابودجانه هم دیری نپایید که زخمی سخت خورد و طاقت آورد و به سختی خود را به پیامبر رسانید و در کنار ایشان نشست، او از شدت ضعف قادر به حرکت نبود. ولی حضرت علی ؑ همچنان مبارزه می‌کرد و با هیچ پیاده و سواره‌ای روبه‌رو نمی‌شد مگر آن‌که خداوند با دستان مبارک او وی را نابود می‌کرد. این مبارزه ادامه یافت تا این‌که شمشیر حضرت شکست. حضرت علی ؑ به سوی رسول خدا ﷺ آمد و فرمود: ای رسول خدا! شمشیرم شکست و دیگر شمشیری ندارم. رسول خدا ﷺ شمشیر خود ذوالفقار را باز کرد و به کمر حضرت علی ؑ بست و او دوباره به مشرکان حمله برد و با هر کس که مبارزه می‌کرد او را از پا

در می‌آورد، تا این‌که زره‌اش پاره شد و همچنان بر جا ماند تا آن‌که بالاپوش او نیز پاره شد. رسول خدا ﷺ از این صحنه برای علی علیه‌السلام نگران شد و سوی آسمان نگریست و فرمود: «خداوندا! همانا محمّد ﷺ بنده و رسول توست. برای هر پیامبری از خویشانش وزیری قرار داده‌ای تا یاورش و شریک امورش باشد. برای من نیز وزیری از خویشانم، برادرم علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را قرار دادی، آری او چه برادر خوب و چه نیکو وزیری است. پروردگارا! به من وعده داده‌ای تا مرا با چهار هزار فرشته پی در پی یاری کنی. خداوندا! وعده‌ات را خواهانم که می‌دانم تو خلف وعده نمی‌کنی. به من وعده داده‌ای که دین خودت را بر همه ادیان چیره گردانی؛ هر چند که مشرکان نخواهند.»

قَالَ: فَبینَمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ یدعُو رَبَّهُ وَ یَتضَرَّعُ اِلَیهِ اِذ سَمِعَ دَوِیًّا مِنَ النَّاسِ فَرَفَعَ رَأسَهُ فَإِذَا جَبرَئِیلُ علیه‌السلام عَلَی کُرسِیٍّ مِن ذَهَبٍ وَ مَعَهُ أَربَعَةُ آلَافٍ مِنَ المَلَائِکَةِ مُردِفِینَ وَ هُوَ یَقُولُ: لَا فَتَی إِلَّا عَلِیٌّ وَ لَا سَیفَ إِلَّا ذُوالفَقَارِ، فَهَبَطَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام عَلَی الصَّخرَةِ وَ حَفَّتِ المَلَائِکَةُ بِرَسُولِ اللهِ فَسَلَّمُوا عَلَیه فَقَالَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام: یَا رَسُولَ اللهِ وَ الَّذِی أَکرَمَكَ بِالهُدَی لَقَد عَجِبَتِ المَلَائِکَةُ المُقَرَّبُونَ لِمُوَاسَاةِ هَذَا الرَّجُلِ لَكَ بِنَفسِهِ. فَقَالَ: یَا جَبرَئِیلُ مَا یَمنَعُهُ یُوَاسِینِی بِنَفسِهِ وَ هُوَ مِنِّی وَ أَنَا مِنهُ. فَقَالَ جَبرَئِیلُ: وَ أَنَا مِنکُمَا ـ حَتَّی قَالَهَا ثَلَاثًا.

ثُمَّ حَمَلَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام وَ حَمَلَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام وَ المَلَائِکَةُ ثُمَّ إِنَّ اللهَ تَعَالَی هَزَمَ جَمعَ المُشرِکِینَ وَ تَشَتَّتَ أَمرَهُم فَمَضَی رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام بَینَ یَدَیهِ وَ مَعَهُ اللِّوَاءُ قَد خَضَبَهُ بِالدَّمِ وَ أَبُودُجَانَةَ خَلفَهُ فَلَمَّا أَشرَفَ عَلَی المَدِینَةِ فَإِذَا نِسَاءُ الأَنصَارِ یَبکِینَ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ استَقبَلَهُ أَهلُ المَدِینَةِ بِأَجمَعِهِم وَ مَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَی المَسجِدِ وَ نَظَرَ إِلَیهِ النَّاسُ فَتَضَرَّعُوا إِلَی اللهِ وَ إِلَی رَسُولِهِ وَ اَقَرُّوا بِالذَّنبِ وَ طَلَبُوا التَّوبَةَ فَأَنزَلَ اللهُ فِیهِم قُرآنًا یَعِیبُهُم بِالبَغیِ الَّذِی کَانَ مِنهُم وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَی: ﴿ **وَ لَقَدْ کُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ**

رَأَيْتُمُوهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴾ يَقُولُ: قَد عَايَنتُمُ المَوتَ وَ العَدُوَّ فَلِمَ نَقَضتُمُ العَهدَ وَ جَزِعتُم مِنَ المَوتِ وَ قَد عَاهَدتُمُ اللهَ أَن لَا تَنهَزِمُوا حَتَّى قَالَ بَعضُكُم قُتِلَ مُحَمَّدٌ ﷺ، فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى ﴿ **وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ.

هنوز پیامبر ﷺ در دعا و تضرع به سوی پروردگار بود که بانگی از مردم شنید. سر برآورد و جبرئیل ؑ را بر کرسی زرینی دید که چهارهزار فرشته پشت سر هم به همراه دارد و می‌گوید: «هیچ جوانمردی جز علی ؑ و هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.» جبرئیل بر آن صخره فرود آمد و فرشتگان اطراف پیامبر ﷺ را گرفتند و بر ایشان سلام کردند. جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ سوگند به آن کس که تو را با هدایت گرامی داشت، فرشتگان مقرب الهی از حمایت این مرد با جان خویش از تو در شگفتی‌اند. حضرت فرمود: چرا با جان خویش از من حمایت نکند حال آن‌که او از من و من از اویم. جبرئیل گفت: من نیز از شما هستم و این جمله را سه بار تکرار کرد.

سپس حضرت علی ؑ همراه با جبرئیل و فرشتگان به مشرکان حمله کردند و خداوند متعال آن‌ها را در هم شکست و پراکنده شدند و امورشان در هم ریخت.

پس از آن رسول خدا ﷺ راهی مدینه شد، در حالی‌که حضرت علی ؑ در مقابل ایشان با پرچمی آغشته به خون می‌رفت و ابودجانه نیز پشت سرش می‌آمد. هنگامی‌که نزدیک مدینه شدند، زنان انصار که برای رسول خدا ﷺ می‌گریستند، چون ایشان را دیدند، همگی به استقبال ایشان رفتند. رسول خدا ﷺ به سوی مسجد رفت و مردم در حالی‌که به ایشان می‌نگریستند، به سوی خداوند و رسولش تضرع و زاری می‌کردند و به گناه خویش اعتراف و طلب توبه می‌کردند. در این هنگام خداوند آیه‌ای نازل فرمود که آن‌ها را به خاطر آن سرکشی و سخنانی که در ابتدا داشتند، سرزنش کرد و فرمود: «و شما مرگ را پیش از آن‌که با آن روبه‌رو شوید، سخت آرزو می‌کردید، پس آن را دیدید و همچنان نگاه می‌کردید.»

یعنی شما مرگ و دشمن را نظاره کردید، پس چرا عهد خود شکستید و از مرگ گریختید؟ در حالی‌که با خداوند عهد کرده بودید که فرار نکنید و حتی گفتید: محمّد صلی الله علیه و آله کشته شده است. خداوند متعال نیز این آیه را نازل فرمود: «و محمّد، جز فرستاده‌ای که پیش از او هم پیامبرانی آمده و گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود از عقیدهٔ خود برمی‌گردید؟ و هر کس از عقیدهٔ خود بازگردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد.»

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: أَیُّها النَّاسُ إِنَّکُم رَغِبتُم بِأَنفُسِکُم عَنِّی، وَ وَازَرَنِی عَلِیٌّ وَ وَاسَانِی، فَمَن أَطَاعَهُ فَقَد أَطَاعَنِی، وَ مَن عَصَاهُ فَقَد عَصَانِی وَ فَارَقَنِی فِی الدُّنیَا وَ الآخِرَةِ.

قَالَ: وَ قَالَ حُذَیفَةُ: لَیسَ یَنبَغِی لِأَحَدٍ یَعقِلُ یَشُکُّ فِیمَن لَم یُشرِک بِاللهِ أَنَّهُ أَفضَلُ مِمَّن أَشرَکَ بِه، وَ مَن لَم یَنهَزِم عَن رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله أَفضَلُ مِمَّن اِنهَزَمَ، وَ أَنَّ السَابِقَ إِلَی الإِیمَانِ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ أَفضَلُ، وَ هُوَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! شما جان‌های خود را از من و یاری من دریغ داشتید و تنها حضرت علی علیه السلام با جان خود مرا حمایت کرد. هر که از او اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر که از او روی گرداند، از من روی گردانده است و در دنیا و آخرت از من جداست. حذیفه گفت: بر انسان عاقل سزاوار نیست در این شک کند که کسی که به خدا شرک نورزیده برتر از کسی است که به او شرک ورزیده و کسی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرار نکرده، برتر از کسی است که از ایشان فرار کرده و آن کس که در ایمان آوردن به خدا و رسولش پیشی جسته است، او برترین است و همانا او علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۵۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: کَانَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام یَقُولُ فِی حَیَاةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللهَ تَعَالَی یَقُولُ فِی کِتَابِهِ: ﴿أَ فَإِنْ مٰاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلیٰ أَعْقٰابِکُمْ﴾ وَ اللهِ لَا نَنقَلِبُ عَلَی أَعقَابِنَا بَعدَ إِذ هَدَانَا اللهُ، وَ اللهِ لَئِن مَاتَ أَو قُتِلَ لَأُقَاتِلَنَّ عَلَی مَا قَاتَلَ عَلَیهِ، وَ مَن أَولَی بِهِ مِنِّی وَ أَنَا أَخُوهُ وَ وَارِثُهُ وَ ابنُ عَمِّهِ علیه السلام.

ابن عباس گفت: حضرت علی علیه‌السلام در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمود: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیدهٔ خود برمی‌گردید؟» به خدا سوگند که بعد از آن‌که خداوند هدایتمان کرد از عقیدهٔ خود باز نمی‌گردیم و به خدا سوگند اگر پیامبر بمیرد یا کشته شود، من در راه آن‌چه او برایش جنگید، می‌جنگم. کیست که از من به او نزدیک‌تر باشد در حالی‌که من برادر و وارث و پسرعموی او هستم.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۳)

﴿ إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لاٰ تَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ ﴾

[و به یاد آورید] هنگامی‌که راه خویش را در پیش گرفته و می‌گریختید و به کسی توجّه نمی‌کردید و پیامبر شما را فرا می‌خواند.

۵۷. عَنِ الحَسَنِ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ يَقُولُ: حِينَ انجَفَلَ عَنهُ يَومَ أُحُدٍ فِى قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ إِذْ تُصْعِدُونَ وَ لاٰ تَلْوُونَ عَلىٰ أَحَدٍ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ ﴾ فَلَم يَبقَ مَعَهُ مِنَ النَّاسِ غَيرُ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عليه‌السلام وَ رَجُلٌ مِنَ الأَنصَارِ فَقَالَ النَّبِىُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله: يَا عَلِيُّ قَد صَنَعَ النَّاسُ مَا تَرَى فَقَالَ: لَا وَاللهِ يَا رَسُولَ اللهِ لَا أَسأَلُ عَنكَ الخَبَرَ مِن وَرَاءٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِىُّ أَمَّا فَاحمِل عَلَى هَذِهِ الكَتِيبَةِ، فَحَمَلَ عَلَيهَا فَفَضَّهَا، فَقَالَ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ هَذِهِ لَهِىَ المُوَاسَاةُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: إِنِّى مِنهُ وَ هُوَ مِنِّى. فَقَالَ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام: وَ أَنَا مِنكُمَا.

ثُمَّ أَقبَلَ وَ قَالَ: مَا صَنَعتُ مَا حَدَّثتُ بِهَذَا الحَدِيثِ مُنذُ سَمِعتُهُ عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ مَعَ حَدِيثٍ آخَرَ سَمِعتُهُ فِى عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عليه‌السلام، وَ مَا حَدَّثتُ بِهَذَينِ الحَدِيثَينِ مُنذُ سَمِعتُهُمَا وَ مَا أَخبَرُ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ أَن يَكُونَ أَشَدَّ حُبًّا لِعَلِيٍّ مِنِّى وَ لَا أَعرَفَ بِفَضلِهِ مِنِّى وَلَكِنِّى أَكرَهُ أَن يَسمَعَ هَذَا مِنِّى هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَغلُونَ وَ يَفرُطُونَ فَيَزدَادُوا شَرًّا. فَلَم أَزَل بِهِ أَنَا وَ أَبُو خَلِيفَةَ صَاحِبُ مَنزِلِهِ يَطلُبُ إِلَيهِ حَتَّى أَخَذَ عَلَينَا أَن لَا نُحَدِّثَ بِهِ مَادَامَ حَيًّا فَأَقبَلَ فَقَالَ:

حَدَّثَنِی عَبدُ اللهِ بنُ عَبَّاسٍ إنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ دَعَا عَلِيًّا فَقَالَ: يَا عَلِيُّ إحفِظ عَلَيَّ البَابَ فَلا يَدخُلَنَّ أَحَدُ اليَومَ فَإِنَّ مَلَائِكَةً مِن مَلَائِكَةِ اللهِ استَأذَنُوا رَبَّهُم أَن يَتَحَدَّثُوا إِلَى اليَومَ إِلَى اللَّيلِ فَاقعُد. فَقَعَدَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ عَلَى البَابِ فَجَاءَ عُمَرُ بنُ الخَطَّابِ فَرَدَّهُ ثُمَّ جَاءَ وَسَطَ النَّهَارِ فَرَدَّهُ ثُمَّ جَاءَ عِندَ العَصرِ فَرَدَّهُ وَ أَخبَرَهُ أَنَّهُ قَدِ استَأذَنَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ سِتُّونَ وَ ثَلَاثِمَائَةِ مَلَكٍ.

فَلَمَّا أَصبَحَ عُمَرُ غَدًا إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ بِمَا قَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَدَعَا رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِيًّا فَقَالَ: وَ مَا أَعلَمَكَ أَنَّهُ قَدِ استَأذَنَ عَلَيَّ ثَلَاثِمَائَةٍ وَ سِتُّونَ مَلَكٍ؟ فَقَالَ: وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالحَقِّ مَا مِنهُم مَلَكٌ استَأذَنَ عَلَيكَ إِلَّا وَ أَنَا أَسمَعُ صَوتَهُ بِأُذُنِي وَ أَعقِدُ بِيَدِي حَتَّى عَقَدتُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ سِتُّونَ سِتِّينَ وَ ثَلَاثِمَائَةٍ. قَالَ: صَدَقتَ يَرحَمُكَ اللهُ. حَتَّى أَعَادَهَا رَسُولُ اللهِ ثَلَاثًا.

حسن گفت: از عبدالله‌بن عبّاس شنیدم که می‌گفت: هنگامی که در روز احد مردم از کنار پیامبر پراکنده شدند، چنان‌که خداوند نیز می‌فرماید «[و به یاد آورید] هنگامی که راه خویش را در پیش گرفته و می‌گریختید و به کسی توجه نمی‌کردید و پیامبر شما را فرا می‌خواند» و تنها حضرت علی ﷺ و مردی از انصار در کنار حضرت باقی ماندند، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای علی! می‌بینی مردم چه کردند؟! حضرت علی ﷺ فرمود: به خدا سوگند دربارهٔ پشت سر هیچ خبری نمی‌خواهم. پیامبر ﷺ به او فرمود: بر این سپاه حمله کن. حضرت حمله کرد و آن‌ها را پراکنده کرد. جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! این همان مواساتی است که در حق شما ادا نمود؟ پیامبر ﷺ پاسخ داد: علی از من و من از علی‌ام. جبرئیل عرض کرد: من هم از شمایم. بعد از آن راوی رو به ما کرد و گفت: از زمانی که این حدیث و حدیث دیگری را از ابن عبّاس دربارهٔ حضرت علی ﷺ شنیده‌ام، این‌دو را برای کسی نگفته بودم؛ حال آن‌که در میان مردم کسی را نمی‌شناسم که علی ﷺ را بیشتر از من دوست بدارد و بیشتر از من از برتری او آگاه باشد؛ ولی ناخرسندم از این‌که این را کسانی که غلوّ می‌کنند

و افراط می‌ورزند، از من بشنوند و شرّشان بیشتر شود.
راوی گفت: من و ابوخلیفه که صاحب منزل او بود، رهایش نکردیم و از او خواهش کردیم که آن حدیث را نیز برایمان بگوید، او نیز از ما عهد گرفت که تا زمانِ زنده بودنش این حدیث را به کسی نگوییم. آن‌گاه رو به ما کرد و گفت: عبدالله بن عباس برایم نقل کرده است که رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را فراخواند و به او فرمود: ای علی! امروز بر درِ خانه‌ام بنشین و مواظب باش تا کسی داخل نشود؛ چراکه امروز تا شب فرشتگانی از فرشتگان خداوند از پروردگارشان اجازه خواسته‌اند تا امروز نزد من آیند و تا شب با من سخن بگویند.
حضرت علی علیه‌السلام در کنار در نشست، در این هنگام عمربن خطاب آمد، حضرت علی علیه‌السلام او را بازگرداند. دوباره هنگام ظهر آمد، حضرت او را بازگرداند. بار دیگر هنگام عصر آمد، حضرت باز هم او را بازگرداند و به او خبر داد که سیصدوشصت فرشته از رسول خدا ﷺ اجازهٔ ورود خواسته‌اند.
صبح فردا عمر نزد حضرت رسول ﷺ آمد و آن‌چه را که حضرت علی علیه‌السلام به او گفته بود، به پیامبر ﷺ خبر داد. رسول خدا ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را صدا زد و فرمود: ای علی! از کجا می‌دانستی که سیصدوشصت فرشته نزد من آمده بودند؟ فرمود: سوگند به خدایی که شما را به حق برانگیخت، فرشته‌ای از شما اجازه ورود نمی‌خواست مگر آن‌که صدایش را با گوش خود می‌شنیدم و با دستانم آن‌ها را می‌شمردم تا به سیصدوشصت رسید. پیامبر ﷺ فرمود: راست گفتی خدا تو را رحمت کند. و رسول خدا ﷺ این کلام را سه بار بازگفت.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۴)

﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا ﴾

سپس بعد از آن اندوه، آرامشی (به صورت خواب سبکی) بر شما فرو فرستاد.

۵۸. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى ﴿ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا ﴾ نَزَلَت فِي

عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ غَشِیَهُ النُّعَاسُ یومَ أُحُدٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی ﷺ نازل شد که در روز احد به خواب سبکی رفت.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۷)

﴿ وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ في سَبيلِ اللهِ أَوْ مُتُّمْ ﴾

و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید.

۵۹. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ﷺ قالَ: سَأَلتُهُ عَن هَذِهِ الآیَةِ ﴿ وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ في سَبيلِ اللهِ أَوْ مُتُّمْ ﴾ قَالَ: قَالَ: أَتدرُونَ مَا سَبِیلُ اللهِ؟ قَالَ: قُلتُ: لَا وَاللهِ إِلّا أَن أَسمَعَهُ مِنكَ. فَقَالَ سَبِیلُ اللهِ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ وَ ذُرِّیَّتُهُ وَ مَن قُتِلَ فِی وَلَایَتِهِ قُتِلَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ مَن مَاتَ فِی وَلَایَتِهِ مَاتَ فِی سَبِیلِ اللهِ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: شخصی از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه پرسید، ایشان فرمود: آیا می‌دانی منظور از راه خدا چیست؟ عرض کرد: به خدا سوگند نمی‌دانم مگر آن‌که از شما بشنوم. فرمود: منظور از راه خدا حضرت علی بن ابی‌طالب ﷺ و فرزندان اوست، هر که در پناه ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده و هر که در پناه ولایت او درگذرد، در راه خدا درگذشته است.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۷۲)

﴿ الَّذينَ اسْتَجابُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا أَجْرٌ عَظيمٌ ﴾

کسانی‌که دعوت خدا و رسول را پس از آن‌که [در اُحد] زخمی شدند، پذیرفتند، برای کسانی از آنان که نیکویی کردند و پرهیزکاری نمودند، پاداشی بزرگ است.

۶۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ: ﴿ الَّذينَ اسْتَجابُوا لِلّهِ وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ ما أَصابَهُمُ الْقَرْحُ ﴾ يَعنِي الجِراحَةَ. ﴿ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقَوْا أَجْرٌ عَظيمٌ ﴾ قالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه‌السلام وَ تِسعةِ نَفَرٍ مَعَهُ بَعَثَهُم رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فِي أَثَرِ أَبِي سُفيانَ حِينَ ارتَحَلَ فَاستَجابُوا لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

ابن عباس گفت: «قرح» به معنای جراحت و زخم است و این آیه دربارهٔ حضرت علی عليه‌السلام و نُه نفر از همراهانش نازل شد، زمانی که رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله آنان را در پی ابوسفیان فرستاد و آن‌ها دعوت خدا و رسول او را اجابت کردند[1].

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸۶)

﴿ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثيرًا ﴾

و از کسانی‌که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و (نیز) از کسانی‌که شرک آورده‌اند، آزار بسیار خواهید شنید.

۶۱. وَ أَيضًا عَنهُ: وَ قَولُهُ: ﴿ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثيرًا ﴾: نَزَلَت فِي رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله خاصَّةً وَ فِي أَهلِ بَيتِهِ خاصَّةً عليهم‌السلام.

ابن عباس گفت: این آیه به‌طور اخص دربارهٔ رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله و اهل بیت ایشان عليهم‌السلام نازل شده است.

---

۱. **تفسیر قمی**، ج ۱، ص ۱۲۴؛ **تفسیر صافی**، ج ۲، ص ۱۳۰. قمی روایت کرده است که وقتی پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بعد از جنگ احد وارد مدینه شد، جبرئیل عليه‌السلام بر او نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! خداوند تو را امر می‌کند به سمت و دنبال قوم قریش خارج شوی و با تو خارج نشود مگر کسی که جراحتی دارد. پس رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله با ایشان قریش را دنبال کردند... آن‌گاه جبرئیل بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! برگرد خداوند قریش را ترساند و فرار کردند و هرگز بر نمی‌گردند. این‌گونه رسول خدا به مدینه بازگشت و خداوند این آیه را نازل فرمود.

(سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۲۰۰)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! شکیبایی کنید و در شکیبایی پایدار باشید، و [از مرزها] محافظت کنید و از خدا پروا نمایید. باشد که رستگار شوید.

۶۲. وَ عَنهُ أَیضًا وَ قَولُهُ: ﴿ اصْبِرُوا ﴾ فِی أَنفُسِكُم ﴿ وَ صابِرُوا ﴾ عَدُوَّكُم ﴿ وَ رابِطُوا ﴾ فِی سَبیلِ اللهِ ﴿ وَ اتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام وَ حَمزَةَ بنِ عَبدِ المُطَّلِبِ.

ابن عباس گفت: «شکیبایی کنید» در وجودتان «و در شکیبایی پایدار باشید» در برابر دشمنتان «و [از مرزها] حفاظت کنید» در راه خدا «و از خدا پروا نمایید، باشد که رستگار شوید»؛ این آیه دربارهٔ رسول خدا ﷺ و علی بن ابی طالب علیه السلام و حمزة بن عبدالمطّلب نازل شد.




وَ مِن سُورَةُ النِّسَاءِ

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱)

﴿ وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ إِنَّ اللهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقيبًا ﴾

و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.

۶۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَهلِ بَیتِهِ وَ ذَوِی أَرحامِهِ وَ ذٰلِكَ أَنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ یَنقَطِعُ یَومَ القِیامَةِ إِلَّا مَن کانَ مِن سَبَبِهِ وَ نَسَبِهِ ﴿ إِنَّ اللهَ كانَ عَلَيْكُمْ رَقيبًا ﴾ یَعنِی حَفِیظًا.

ابن عبّاس گفت: کلام خداوند متعال «و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید» دربارهٔ رسول خدا ﷺ و اهل بیت و خویشاوندان ایشان نازل شد؛ چراکه تمامی خویشی‌های سببی و نسبی در روز قیامت قطع خواهد شد مگر آن‌چه از سبب و نسب حضرت محمّد ﷺ باشد. «همانا خداوند مراقب شماست»؛ یعنی خداوند شما را بسیار محافظت می‌کند.

۶۴. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ؈ قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِنَّ اللهَ تَعَالَى خَلَقَنِی وَ أَهلَ بَیتِی مِن طِینَةٍ لَم یَخلُقِ اللهُ مِنهَا أَحَدًا غَیرَنَا وَ مَن یَتَوَلَّانَا، فَکُنَّا أَوَّلُ مَنِ ابتَدَأَ مِن خَلقِهِ، فَلَمَّا خَلَقَنَا فَتَقَ بِنُورِنَا کُلَّ طِینَةٍ طَیِّبَةٍ وَ أَحیَا بِنَا کُلَّ طِینَةٍ طَیِّبَةٍ، ثُمَّ قَالَ اللهُ تَعَالَى: هٰؤُلاءِ خِیارُ خَلقِی وَ حَمَلَةُ عَرشِی وَ خُزَّانُ عِلمِی وَ سَادَةُ أَهلِ السَّمَاءِ وَ سَادَةُ أَهلِ الأَرضِ، هٰؤُلاءِ هُدَاةُ المُهتَدِینَ وَ المُهتَدَاءُ بِهِم، مَن جَاءَنِی بِوَلَایَتِهِم أَوجَبتُهُم جَنَّتِی وَ أَبَحتُهُم کَرَامَتِی، وَ مَن جَاءَنِی بِعَدَاوَتِهِم أَوجَبتُهُم نَارِی وَبَعَثتُ عَلَیهِم عَذَابِی.

ثُمَّ قَالَ ؈: وَ نَحنُ أَصلُ الإِیمَانِ بِاللهِ وَ مَلَائِکَتِهِ وَ تَمَامِهِ، وَ مِنَّا الرَّقِیبُ عَلَى خَلقِ اللهِ، وَ بِهِ إِسدَادُ أَعمَالِ الصَّالِحِینَ، وَ نَحنُ قَسَمُ اللهِ الَّذِی یُسأَلُ بِهِ وَ نَحنُ وَصِیَّةُ اللهِ فِی الأَوَّلِینَ وَ وَصِیَّتُهُ فِی الآخِرِینَ وَ ذٰلِکَ قَولُ اللهِ ـ جَلَّ جَلَالُهُ: ﴿**اتَّقُوا اللهَ الَّذِي تَسَائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا**﴾.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق ؈ از قول پیامبر ﷺ فرمود: خداوند متعال من و اهل بیتم را از گلی سرشت که هیچ کس جز ما و دوستداران ما را از آن نیافریده است. ما نخستین کسانی بودیم که خداوند آفرینش ایشان را آغاز کرد. چون ما را آفرید، از نور ما هر سرشت پاکی را پدید آورد و از ما هر سرشت پاکی را زنده گرداند. سپس خداوند متعال فرمود: ایشان بهترین آفریدگان من و حاملان عرش من و نگاهبانان علم من و سرور اهل آسمان و زمین‌اند. اینان هدایتگران هدایت یافته‌اند که هدایتِ هدایت یافتگان از ایشان است. هر که با ولایت ایشان سوی من آید، بهشتم را بر او واجب خواهم ساخت و کرامتم را به او خواهم بخشید و هر که با دشمنی اینان به سوی من آید، جهنّمم را بر او واجب می‌کنم و عذابم را بر آنان می‌فرستم.

امام جعفر صادق ؈ در ادامه فرمود: ما اصل ایمان بـه خـدا و فـرشتگان او و تمامیّت او هستیم و مراقبت بر آفریدگان خدا از جانب ماست و قـوام اعـمال نیکوکاران با حضرت علی ؈ انجام می‌گیرد و ما سوگند خدا هستیم که از آن

سؤال می‌شود و ما به پیشینیان و سفارش او به پسینیان هستیم. و این کلام خداوند جلّ جلاله است که فرمود: «و از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و از (بریدن پیوند با) خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.»

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۲۹)

﴿ وَ لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴾

خودتان را نکشید [و در معرض خطر قرار ندهید] بی‌تردید خداوند به شما مهربان است.

۶۵. عُبَيدُبنُ كَثيرٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فِی قَولِ اللّٰهِ تَعالَی: ﴿ لاٰ تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ﴾ قالَ: أَهلَ بَيتِ نَبِيِّكُم عليهم السلام.

عبیدبن کثیر گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «خودتان را نکشید» فرمود: یعنی اهل بیت پیامبرتان را.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۳۱)

﴿ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبٰائِرَ مٰا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئٰاتِكُمْ وَ نُدْخِلْكُمْ مُدْخَلاً كَرِيمًا ﴾

اگر از گناهان بزرگی که از [ارتکاب] آن‌ها نهی شده‌اید، دوری کنید، بدی‌های شما را می‌زداییم و شما را به جایگاه شایسته‌ای وارد می‌کنیم.

۶۶. عَن مُعَلَّی‌بنِ خُنَيسٍ قالَ: سَمِعتُ أَباعَبدِ اللّٰهِ جَعفَرَ الصّادِقَ عليه السلام يَقُولُ: الكَبائِرُ سَبعٌ فِينَا نَزَلَت وَ مِنّا استُحِلَّت فَأَكبَرُ الكَبائِرِ الشِّركُ بِاللّٰهِ وَ قَتلُ النَّفسِ الَّتِی حَرَّمَ اللّٰهُ وَ قَذفُ المُحصِنَةِ وَ عُقوقُ الوالِدَينِ وَ أَكلُ مالِ اليَتِيمِ وَ الفِرارُ مِنَ الزَّحفِ وَ إِنكارُ حَقِّنَا.

فَأَمَّا الشِّركُ بِاللّٰهِ فَقَد أَنزَلَ اللّٰهُ فِينَا ما أَنزَلَ وَ قالَ النَّبِیُّ فِينَا ما قالَ فَكَذَّبُوا اللّٰهَ وَ كَذَّبُوا بِرَسُولِهِ.

وَ أَمّا قَتلُ النَّفسِ الَّتِی حَرَّمَ اللّٰهُ فَقَد قَتَلُوا الحُسَينَ عليه السلام وَ أَهلَ بَيتِهِ.

وَ أَمَّا قَذفُ المُحصِنَةِ فَقَد قَذَفُوا فَاطِمَةَ بِنتَ رَسُولِ اللهِ ﷺ عَلى مَنَابِرِهِم.
وَ أَمَّا عُقُوقُ الوَالِدَينِ فَقَد عَقُّوا رَسُولَ اللهِ ﷺ فِي ذُرِّيَّتِهِ.
وَ أَمَّا أَكلُ مَالَ اليَتِيمِ فَقَد مَنَعُوا حَقَّنَا مِن كِتَابِ اللهِ.
وَ أَمَّا الفِرَارُ مِنَ الزَّحفِ فَقَد أَعطَوا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ بَيعَتَهُ طَائِعِينَ غَيرَ كَارِهِينَ ثُمَّ فَرُّوا عَنهُ وَ خَذَلُوهُ. وَ أَمَّا إِنكَارُ حَقِّنَا فَوَاللهِ مَا يَتَعَاجَمُ فِي هَذَا أَحَدٌ.

معلّی بن خنیس گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هفت کبیره در مورد ما نازل شد و آن‌چه حلال شمرده شد، از ماست. بزرگ‌ترین کبیره‌ها شرک به خداوند است و قتل نفسی که خدا حرام کرده و بدگویی کردن از زن همسردار و نافرمانی از والدین و خوردن مال یتیم و فرار از جنگ و انکار حق ما. و امّا شرک به خداوند؛ خداوند آن‌چه را می‌دانید دربارهٔ ما نازل کرد و پیامبر آن‌چه را می‌دانید دربارهٔ ما گفت، امّا آنان خدا را دروغگو برشمردند و رسول او را دروغگو برشمردند. و امّا قتل نفسی که خداوند حرام کرد؛ آنان حسین علیه السلام و اهل بیتش را کشتند. و امّا بدگویی کردن از زن همسردار؛ آنان از حضرت فاطمه علیها السلام بر روی منبرهاشان بد گفتند. و امّا نافرمانی والدین؛ آنان از رسول خدا ﷺ در مورد فرزندانش نافرمانی کردند. و امّا خوردن مال یتیم؛ آنان ما را از حقّ خود در کتاب خدا به دور داشتند. و امّا فرار از جنگ؛ کسانی که با رغبت و بدون اجبار با امیر مؤمنان علیه السلام بیعت کردند، از او فرار کردند و تنهایش گذاشتند. و امّا انکار حق ما؛ به خدا سوگند این بر هیچ کس پوشیده نیست.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۳۶)

﴿ وَ اعْبُدُوا اللهَ وَ لاٰ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوٰالِدَيْنِ إِحْسٰانًا وَبِذِي الْقُرْبىٰ ﴾

و خدا را پرستش کنید؛ و چیزی را شریک او نسازید، و به پدر و مادر و خویشاوندان نیکی کنید.

۶۷. مُحَمَّدُبنُ سَعیدِ الأَحمَسِیُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرٍ الصَّادِقِ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ اعْبُدُوا اللهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْسانًا ﴾ قالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ عَلِيَّ بنَ أَبی طالِبٍ ﷺ هُمَا الوالِدانِ ﴿ وَ بِذِي الْقُرْبىٰ ﴾ قالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَینُ ﷺ.

محمّدبن سعید احمسی گفت: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و خدا را پرستش کنید و چیزی را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشاوندان نیکی کنید» فرمود: رسول خدا ﷺ و علی‌بن ابی‌طالب ﷺ همان والدین هستند و ذی القربی امام حسن و امام حسین ﷺ می‌باشد.

۶۸. عَن أَبی بَصیرٍ قالَ: سَمِعتُ أَباعَبدِ اللهِ ﷺ یَقُولُ: إِنَّ المُؤمِنَ إِذا ماتَ رَأی رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ عَلِیًّا ﷺ یَحضُرانَهُ، وَ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَنا أَحَدُ الوالِدَینِ وَ عَلِیُّ الآخَرُ. قالَ: قُلتُ: وَ أَیُّ مَوضِعِ ذٰلِكَ مِن کِتابِ اللهِ؟ قالَ: قَولُهُ ﴿ اعْبُدُوا اللهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوالِدَيْنِ إِحْسانًا ﴾.

ابی‌بصیر گفت: از امام جعفر صادق ﷺ شنیدم که فرمود: مؤمن به هنگام مرگ، رسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ را می‌بیند که هر دو بر پیکرش حاضر می‌شوند. رسول خدا ﷺ فرمود: من یکی از والدین و علی ﷺ والد دیگر است. ابی‌بصیر گفت: عرض کردم: این کلام در کجای کتاب خداست؟ امام جعفر صادق ﷺ فرمود: کلام حق تعالی: ﴿ اعْبُدُوا اللهَ وَ لا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْسانًا ﴾.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۷)

﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقًا لِما مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّها عَلىٰ أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَما لَعَنّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ كانَ أَمْرُ اللهِ مَفْعُولاً ﴾

ای کسانی‌که کتاب به شما داده شده است! به آنچه نازل کرده‌ایم که

تصدیق کنندهٔ آن چیزی (کتابی) است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن‌که صورت‌هایی را محو کنیم و به پشت سرشان بازگردانیم، یا آن‌ها را لعنت کنیم همان‌گونه که اصحاب سَبْت [کسانی که حرمت روز شنبه را شکستند] را لعنت کردیم و امر خدا [در هر حال] انجام می‌شود.

۶۹. عَن جَابِرٍ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ ﷺ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ بِهٰذِهِ الآيَةِ هٰكَذَا: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا** ﴾ فِي عَلِيٍّ ﴿ **مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: جبرئیل ﷺ این آیه را بر محمّد ﷺ این‌گونه نازل کرد: «ای کسانی‌که کتاب به شما داده شده است! ایمان آورید به آن‌چه نازل کرده‌ایم» دربارهٔ علی ﷺ «که تصدیق‌کننده آن چیزی است که با شماست» تا پایان آیه.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۴۸)

﴿ إِنَّ اللهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ﴾

بی‌تردید، خداوند این [گناه] را که به او شرک آورند، نمی‌آمرزد و به جز آن را برای کسی که بخواهد می‌آمرزد.

۷۰. عَن جَابِرٍ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ ﷺ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **إِنَّ اللهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ** ﴾ قَالَ: يَا جَابِرُ إِنَّ اللهَ لَا يَغفِرُ أَن يُشرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ طَاعَتِهِ، وَأَمَّا قَولُهُ: ﴿ **وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ** ﴾ فَإِنَّهُ وَلَايَةُ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.

جابر گفت: دربارهٔ کلام خداوند متعال ﴿ **إِنَّ اللهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ** ﴾ از امام محمّد باقر ﷺ پرسیدم، ایشان فرمود: ای جابر! خداوند این گناه را که به ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ و اطاعت از او شرک آورند، نمی‌آمرزد و نیز آنجا که فرمود: «و به جز آن را برای کسی که بخواهد می‌آمرزد» منظور، ولایت علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۴)

﴿ **أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاسَ عَلىٰ مٰا آتٰاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبرَاهِيمَ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا** ﴾

یا بر مردم به خاطر این‌که خدا از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌برند؟ ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم.

۷۱. عَن بُرَيدَةَ قَالَ: كُنتُ عِندَ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَسَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **أَمْ يَحْسُدُونَ النّٰاسَ عَلىٰ مٰا آتٰاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ** ﴾ قَالَ: فَنحنُ النَّاسُ وَ نَحنُ المَحسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللهُ مِنَ الإِمَامَةِ دُونَ خَلقِ اللهِ جَمِيعًا ﴿ **فَقَدْ آتَيْنٰا آلَ إِبرَاهِيمَ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا** ﴾ جَعَلنَا مِنهُمُ الرُّسُلَ وَ الأَنبِيَاءَ وَ الأَئِمَّةَ عليهم السلام فَكَيفَ يُقِرُّونَ بِهَا فِي آلِ إِبرَاهِيمَ وَيُكَذِّبُونَ بِهَا فِي آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ﴿ **فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا**[1] ﴾.

بُریده گفت: نزد امام محمّد باقر عليه السلام بودم و دربارهٔ کلام خداوند متعال «یا بر مردم به خاطر این‌که خدا از فضل خویش به آنان داده است، حسد می‌ورزند؟» پرسیدم. ایشان فرمود: مردم ما هستیم و ما مورد حسادت واقع شدیم بر آن‌چه که خداوند از امامت به ما و نه هیچ‌یک از دیگر آفریدگان عطا فرمود. «ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم». از آنان رسولان و پیامبران و امامان عليهم السلام را قرار دادیم، پس چگونه است به آن‌چه در مورد آل ابراهیم گفته شد، اقرار می‌کنند، ولی در مورد آل محمّد عليهم السلام آن را تکذیب می‌نمایند؟ «پس از ایشان کسانی هستند که به او ایمان می‌آورند و کسانی از ایشان از او اعراض دارند و آن‌ها را جهنم افروخته بس است».

۷۲. عَن إِبرَاهِيمَ قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام: جُعِلتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الآيَةِ:

---

۱. نساء، ۵۵

﴿ أَمْ يَحْسُدُونَ النّاسَ عَلىٰ ما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾ قالَ: نَحنُ النّاسُ الَّذِينَ قالَ اللهُ وَ نَحنُ المَحسُودُونَ وَ نَحنُ أَهلُ المُلكِ وَ نَحنُ وَرِثنَا النَّبِيِّينَ وَ عِندَنا عَصىٰ مُوسَى، وَ إِنّا لَخُزّانُ اللهِ فِي الأَرضِ لا بِخُزّانٍ عَلَى ذَهَبٍ وَ لا فِضَّةٍ، وَ إِنَّ مِنّا رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ عليهما السلام.

ابراهیم گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! دربارهٔ این آیه چه می‌فرمایید؟

ایشان فرمود: ما همان مردمی هستیم که خداوند فرمود و ما مورد حسادت واقع شدیم و ما صاحب فرمانروایی هستیم و ما از پیامبران ارث برده‌ایم و عصای موسی نزد ماست و ما خزانه‌داران خدا در زمین هستیم و نه خزانه‌داران طلا و نقره و همانا رسول خدا ﷺ و امام حسن و امام حسین علیهما السلام از ما هستند.

۷۳. مُحَمَّدُ بنُ القاسِمِ بنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ علیه السلام: قَولُهُ فِي آلِ إِبراهِيمَ ﴿ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴾ قالَ: المُلكُ العَظِيمُ أَن جَعَلَ مِنهُم أَئِمَّةً مَن أَطاعَهُم أَطاعَ اللهَ وَ مَن عَصاهُم عَصَا اللهَ فَهٰذَا المُلكُ العَظِيمُ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال دربارهٔ آل ابراهیم «و به آنان فرمانروایی بزرگ ارزانی داشتیم» فرمود: فرمانروایی بزرگ این است که امامان علیهم السلام را از ایشان قرار دادیم، هر که ایشان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر که از ایشان نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است؛ پس فرمانروایی بزرگ این است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۸)

﴿ إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلىٰ أَهْلِها ﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان برگردانید.

۷۴. عَنِ الشَّعبِيِّ عَن قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلىٰ أَهْلِها ﴾ قالَ: أَقُولُها

وَ لاأَخَافُ إِلَّا اللهَ ، هِیَ وَاللهِ وَلَایَةُ عَلِیِّ‌بْنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام.

شعبی دربارهٔ این آیه گفت: این را می‌گویم و جز از خدا نمی‌ترسم: به خدا سوگند امانت همان ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۵۹)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید.

۷۵. عَن زَیدِبنِ الحَسَنِ الأَنماطِیِّ قَالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنَ عَبدِ اللهِ‌بنِ الحَسَنِ وَ هُوَ یَخطُبُنا بِالمَدینَةِ وَ یَقُولُ: ﴿ **أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ﴾ قالَ: الأَمرُ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیُ عَنِ المُنكَرِ.

زید بن حسن انماطی گفت: از محمّدبن عبدالله‌بن حسن در حالی‌که در مدینه برای ما خطبه می‌خواند، شنیدم که گفت: «خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید» یعنی صاحبان امر که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۷۶. عُبیدُبنُ کَثیرٍ مُعَنعَنًا: أَنَّهُ سَأَلَ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ﴾ قالَ: أُولِی الفِقهِ وَ العِلمِ. قُلنا: أَخاصٌّ أَم عامٌّ؟ قالَ: بَل خاصٌّ لَنا.

عبید بن کثیر گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه سؤال شد. ایشان فرمود: صاحبان امر، صاحبان فقه و علم هستند. عرض کردیم: این عام است یا خاص؟ فرمود: فقط مخصوص ماست.

۷۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **أَطیعُوا اللهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ﴾ قالَ: فَأُولِی الأَمرِ فِی هَذِهِ الآیَةِ هُم آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: صاحبان امر در این آیه خاندان محمّد علیهم السلام هستند.

۷۸. عَن أَبی مَریَمَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی **﴿أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** أَكَانَت طَاعَةُ عَلِيٍّ علیه السلام مُفتَرَضَةً؟ قَالَ: كَانَت طَاعَةَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله خَاصَّةً مُفتَرَضَةً لِقَولِ اللهِ تَعالَی **﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ[1]﴾** وَ كَانَت طَاعَةُ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام طَاعَةَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم که آیا اطاعت از امام علی علیه السلام واجب است؟ فرمود: اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله به‌طور اخصّ به استناد آیه «هر کس پیامبر را اطاعت کند، خدا را اطاعت نموده است» واجب است و اطاعت از علی علیه السلام اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۷۹. عَن عَبدِاللهِ‌بنِ جَرِیرٍ قَالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنِ عُمَرِبنِ عَلِيٍّ وَ سَأَلَهُ أَبانُ‌بنُ تَغلِبَ عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: **﴿أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** قَالَ: أُمَراءُ سَرَایَا وَ كَانَ أَوَّلُهُم عَلِيَّ بنَ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

عبدالله‌بن جریر گفت: از محمّدبن عمربن علی شنیدم که چون ابان‌بن تغلب دربارهٔ این آیه از او پرسید، در پاسخ گفت: صاحبان امر فرماندهان سپاه هستند و نخستین ایشان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است.

۸۰. الحُسَینُ‌بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام **﴿أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** قَالَ: عَلِيٌّ علیه السلام.

حسین‌بن سعید گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: منظور از **﴿أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** علی علیه السلام است.

۸۱. عُبَیدُ بنُ کَثِیرٍ مُعَنعَنًا: عَن سَلمَانَ الفَارِسِيِّ ـ رَحمَةُ اللهِ عَلَیهِ ـ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یا عَلِيُّ مَن بَرِءَ عَن وَلَایَتِكَ فَقَد بَرِءَ عَن وَلَایَتِی، وَ مَن بَرِءَ مِن وَلَایَتِی فَقَد بَرِءَ مِن وَلَایَةِ اللهِ.

---

۱. نساء، ۸۰

يَا عَلِيُّ طَاعَتُكَ طَاعَتِي وَ طَاعَتِي طَاعَةُ اللهِ ، فَمَن أَطَاعَكَ فَقَد أَطَاعَنِي وَ مَن أَطَاعَنِي فَقَد أَطَاعَ اللهَ ، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالحَقِّ نَبِيًّا لَحُبُّنَا أَهلَ البَيتِ أَعَزُّ مِنَ الجَوهَرِ وَ مِنَ اليَاقُوتِ الأَحمَرِ وَ مِنَ الزُّمُرُّدِ ، وَ قَد أَخَذَ اللهُ مِيثَاقَ مُحِبِّينَا أَهلَ البَيتِ فِي أُمِّ الكِتَابِ لَا يَزِيدُ فِيهِم رَجُلٌ وَ لَا يَنقُصُ مِنهُم رَجُلٌ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ** ﴾ فَهُوَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام.

عبیدبن کثیر روایت کرده است: سلمان فارسی گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! هر که از ولایت تو بیزاری جوید، از ولایت من بیزاری جسته و هر که از ولایت من بیزاری جوید، از ولایت خدا بیزاری جسته است.

ای علی! اطاعت از تو اطاعت من است و اطاعت من اطاعت از خداست؛ پس هر که تو را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. سوگند به خدایی که به حق مرا به پیامبری برانگیخت، دوستی ما اهل بیت از گوهر و یاقوت قرمز و زمرّد عزیزتر است و خداوند میثاق دوستداران ما اهل بیت علیهم‌السلام را در «ام الکتاب» محفوظ داشته است در حالی‌که تا روز قیامت یک نفر به آن افزوده نمی‌شود و یک نفر هم کم نمی‌گردد.

و این کلام خداوند متعال است که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند، اطاعت کنید.» او علی بن ابی طالب علیه‌السلام است.

۸۲. عَن عِيسَى بنِ السَّرِيِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ عليه‌السلام: أَخبِرنِي عَن دَعَائِمِ الإِسلَامِ الَّتِي لَا يَسَعُ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ التَّقصِيرُ عَن مَعرِفَةِ شَيءٍ مِنهَا الَّتِي مَن قَصُرَ عَن مَعرِفَةِ شَيءٍ مِنهَا فَسَدَ عَلَيهِ دِينُهُ وَ لَم يُقبَل مِنهُ عَمَلُهُ وَ لَم يُضَيِّق مِمَّا هُوَ فِيهِ بِجَهلِ شَيءٍ جَهلُهُ. قَالَ: شَهَادَةُ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ الإِيمَانُ بِرَسُولِهِ وَ الإِقرَارُ بِمَا جَاءَ مِن عِندِ اللهِ وَ الزَّكَاةُ وَالوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللهُ بِهَا وَلَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله. قَالَ قُلتُ: هَل فِي الوَلَايَةِ شَيءٌ دُونَ شَيءٍ فَضلٌ يُعرَفُ لِمَن أَخَذَ بِهِ؟ قَالَ: نَعَم قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ**

وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ فَكَانَ أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

عیسی‌بن سری گفت: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: مرا از پایه‌های دین آگاه سازید که هیچ کس مجاز نیست در شناخت آن‌ها کوتاهی کند و هر که در شناخت آن‌ها کوتاهی کند، دینش تباه می‌شود و عملش از او پذیرفته نمی‌شود و ندانستن او را از نادانی‌اش معذور نمی‌دارد.

فرمود: گواهی دادن به لا اله الا الله و ایمان به رسول خدا و اقرار بـه آن‌چـه از جانب خدا آورده و زکات و ولایتی که خداوند به آن امر فـرموده و آن هـمانا ولایت آل محمّد عليهم السلام است. عرض کردم: آیا در ولایت فضیلتی هست که برای کسی که بدان پایبند باشد، شناخته شود؟ فرمود: بله؛ کلام خداوند متعال «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و صاحبان امر را که از شـما هسـتند اطاعت کنید» که منظور از صاحبان امر علی‌بن ابی طالب عليه السلام است.

۸۳. مُحَمَّدُبنُ عُمَرَ الزُّهرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَـولِ اللهِ تَـعَالَى: **﴿أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** قَالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ‌بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

قُـلتُ: إِنَّ النَّـاسَ يَـقُولُونَ فَـمَا مَـنَعَهُ أَن يُسَـمِّي عَـلِيًّا وَ أَهـلَ بَـيتِهِ فِـي كِـتَابِهِ؟ قَـالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: فَتَقُولُونَ لَهُم إِنَّ اللهَ أَنزَلَ عَلَى رَسُولِهِ الصَّلَاةَ وَ لَم يُسَـمِّ ثَـلَاثًا وَ أَربَـعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُم، وَ أَنزَلَ الحَجَّ فَـلَم يُـنزِل: طُـوفُوا أُسبوعًا فَفَسَّرَ لَهُم ذَلِكَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ أَنزَلَ اللهُ **﴿أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾** قَالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ‌بنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ عليهم السلام فَقَالَ فِيهِ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ.

محمّدبن عمر زهری روایت کـرده است: امـام مـحمّد بـاقر عليه السلام دربـارهٔ کـلام خداوند متعال «خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند اطاعت کنید» فرمود: این آیه دربارهٔ علی بن ابی طالب عليه السلام نازل شد. عرض کردم: مردم مـی‌گویند چرا خداوند نام علی عليه السلام و اهل بیتش را در کتاب خود نیاورده است؟ فرمود: بـه

آنان بگویید که خداوند نماز را بر رسولش نازل کرد، ولی از سه رکعت یا چهار رکعت نام نبرد و این پیامبر ﷺ بود که آن را برای مردم تفسیر کرد و نیز حج را نازل کرد، ولی نازل نکرد که هفت دور طواف کنید و رسول خدا ﷺ آن را برای آنان تفسیر کرد و نیز نازل کرد «خدا و رسول و صاحبان امر را که از شما هستند اطاعت کنید» که این آیه دربارهٔ علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد و پیامبر دربارهٔ آن فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أُوصِيكُم بِكِتَابِ اللهِ وَ أَهلِ بَيتِى؛ إِنِّى سَأَلتُ اللهَ أَن لا يُفَرِّقَ بَينَهُمَا حَتَّى يُورِدَهُمَا عَلَيَّ الحَوضَ؛ فَأَعطَانِى ذَلِكَ. فَلا تُعَلِّمُوهُم فَهُم أَعلَمُ مِنكُم، إِنَّهُم لَم يُخرِجُوكُم مِن بَابِ هُدًى وَ لَن يُدخِلُوكُم فِى بَابِ ضَلالَةٍ، وَ لَو سَكَتَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ لَم يُبَيِّن أَهلَهَا لَأَدَّعَاهَا آلُ عَبَّاسٍ وَ آلُ عَقِيلٍ وَ آلُ فُلانٍ وَ آلُ فُلانٍ، وَلَكِنَّ اللهَ أَنزَلَ فِى كِتَابِهِ: ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**[1] ﴾ فَكَانَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ فَاطِمَةُ علیهم السلام تَأوِيلَ هَذِهِ الآيَةِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ ﷺ بِيَدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ علیهم السلام فَأَدخَلَهُم تَحتَ الكِسَاءِ فِى بَيتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ ثِقلاً وَ أَهلاً فَهَؤُلاءِ ثِقلِى وَ أَهلِى. فَقَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَلَستُ مِن أَهلِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّكِ إِلَى خَيرٍ وَلَكِنَّ هَؤُلاءِ ثِقلِى وَ أَهلِى. فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَانَ عَلِيٌّ أَولَى النَّاسِ بِهَا لِكِبَرِهِ وَ لِمَا بَلَّغَ فِيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَقَامَهُ وَ أَخَذَهُ بِيَدِهِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم، که من از خداوند خواسته‌ام میان آن‌دو جدایی نیفکند تا آنکه آن‌دو را در قیامت بر حوض کوثر بر من وارد کند و خداوند پذیرفت. پس به خاندان من تعلیم ندهید که آنان از شما داناترند، خاندان من شما را از راه حق به در نمی‌کنند و به راه گمراهی نمی‌کشانند.

---

۱. احزاب، ۳۳

اگر رسول خدا ﷺ لب فرو می‌بست و خـاندان خـود را مـعرفی نـمی‌کرد، خاندان عباس و عقیل و فلان کس و فلان کس مـدعی مـی‌شدند کـه خـاندان ایشان‌اند. اما خداوند در کتابش نازل فرمود: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاک و مطهر سازد، پاک گرداندنی کامل که مخصوص شماست.»

که علی‌بن ابی‌طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام تأویل این آیه بودند و از این رو رسول خدا ﷺ دست علی و فـاطمه و حسـن و حسـین علیهم السلام را گـرفت و ایشان را در خانهٔ امّ سلمه به زیر عبا گرد آورد و فرمود: خداوندا! هر پیامبری چیزی گرانبها و خاندانی دارد و اینان داشتهٔ گرانبها و خاندان من هستند.

ام‌سلمه عرض کرد: مگر من از خاندان شما نیستم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو به راه خیر هستی، ولی اینان داشتهٔ گرانبهای من و خاندان من هستند.

از این رو چون رسول خـدا ﷺ درگـذشت، حـضرت عـلی علیه السلام بـه واسـطهٔ عظمتش و آن‌چه رسول خدا ﷺ دربارهٔاش ابلاغ کرده و بـرپا داشـته بـود و دستش را گرفته بود، از همهٔ مردم به امیری سزاوارتر بود.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۹)

﴿ وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَ الصِّدّيقينَ وَ الشُّهَدٰاءِ وَ الصّالِحينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفيقًا ﴾

و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، اینان با کسانی هستند که خداوند بر آنان نعمت [خاص] داده (یعنی) پیامبران و صدق‌پیشگان و شـهیدان و نیکوکاران، و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.

۸۴. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قالَ: لَمّا هَزَمنا أَهلَ البَصرَةِ جاءَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ علیه السلام حَتّى اِستَنَدَ

إِلَى حَائِطٍ مِن حِيطَانِ البَصرَةِ فَاجتَمَعنَا حَولَهُ وَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ رَاكِبٌ وَ النَّاسُ نُزُولٌ ، فَيَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَأتِيهُ ثُمَّ يَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَاتِيهُ ثُمَّ يَدعُو الرَّجُلَ بِاسمِهِ فَيَاتِيهُ حَتَّى وَافَاهُ بِهَا سِتُّونَ شَيخًا كُلُّهُم قَد صَفَرُوا اللِّحَى و عَقَصُوهَا وَ أَكثَرُهُم يَومَئِذٍ مِن هَمدانَ ، فَأَخَذَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ طَرِيقًا مِن طَرِيقِ البَصرَةِ وَ نَحنُ مَعَهُ وَ عَلَينَا الدُّرُوعُ وَ المَغَافِرُ ، مُتَقَلِّدِي السُّيُوفَ مُتَنَكِّبِي الأَترُسَةَ ، حَتَّى انتَهَى إِلَى دَارٍ قَورَاءَ عَظِيمَةٍ فَدَخَلنَا فَإِذَا فِيهَا نِسوَةٌ يَبكِينَ ، فَلَمَّا رَأَينَهُ صِحنَ صَيحَةً وَاحِدَةً وَ قُلنَ: هَذَا قَاتِلُ الأَحِبَّةِ فَأَسكَتَ عَنهُنَّ ثُمَّ قَالَ: أَينَ مَنزِلُ عَائِشَةَ فَاومَؤُوا إِلَى حُجرَةٍ فِي الدَّارِ فَحَمَلنَا عَلِيًّا ﷺ عَن دَابَّتِهِ فَأَنزَلنَاهُ فَدَخَلَ عَلَيهَا فَلَم أَسمَع مِن قَولِ عَلِيٍّ شَيئًا إِلَّا عَائِشَةَ إِمرَأَةٌ كَانَت عَالِيَةُ الصَّوتِ فَسَمِعتُ كَهَيئَةِ المَعَاذِيرِ: أَنِّي لَم أَفعَل.

اصبغ بن نباته گفت: وقتی اهل بصره را شکست دادیم، حضرت علی ﷺ به یکی از دیوارهای شهر بصره تکیه داد و ما اطراف ایشان جمع شدیم و امیرمؤمنان سوار و مردم پیاده بودند. ایشان هر شخصی را با اسمش می‌خواند و آن کس که اسمش خوانده شده بود، نزد حضرت می‌رفت. حضرت اسامی را خواند تا این‌که شصت نفر از بزرگان نزد ایشان حضور یافتند و محاسن آنان زرد شده بود و آن را بافته بودند و اکثر آن‌ها اهل همدان بودند. آن‌گاه امیرمؤمنان راهی از راه‌های بصره را پیش گرفت و ما نیز همراه ایشان بودیم و زره‌ها و کلاهخود بر تن داشتیم و شمشیر بر کمر بسته بودیم و سپر در دست داشتیم، تا این‌که حضرت وارد خانه‌ای فراخ و عظیم شد و ما هم داخل شدیم. در آنجا زنانی گریه می‌کردند و چون حضرت را دیدند، یکصدا فریاد برآوردند و گفتند: این مرد همان قاتل عزیزان ماست. حضرت سکوت کرد و به آن‌ها فرمود: منزل عایشه کدام است؟ آن‌ها سوی حجره‌ای که در آن خانه بود، اشاره کردند. حضرت علی ﷺ از مرکب پایین آمد و به منزل عایشه وارد شد. اصبغ گفت: من از سخنان حضرت علی ﷺ چیزی نشنیدم، جز صدای عایشه را که بلند بود و مانند عذرخواهی می‌گفت: من نکردم.

ثُمَّ خَرَجَ عَلَینا أَمیرُ الْمُؤمِنینَ عَلِیٌّ ﷺ فَحَمَلناهُ عَلی دابَّتِهِ فَعارَضَتهُ إمرأةٌ مِن قِبَلِ الدّارِ فَقالَ: أَینَ صَفِیَّةُ؟ قالَت: لَبَّیکَ یا أَمیرَ الْمُؤمِنینَ. قالَ: أَلا تَکفِینَ عَنِّی هؤُلاءِ الکَلَباتِ اللّاتی یَزعَمنَ أَنِّی قَتَلتُ الأَحِبَّةَ لو قَتَلتُ الأَحِبَّةَ لَقَتَلتُ مَن فِی تِلکَ الدّارِ ـ وَ أَومَیَ بِیَدِهِ إلَی ثَلاثِ حُجَرٍ فِی الدّارِ. فَضَرَبنا بِأَیدِینا عَلی قَوائِمِ السُّیوفِ وَ ضَرَبنا بِأَبصارِنا إلَی الحُجَرِ الَّتی أَومَی إلَیها، فَوَ اللهِ ما بَقِیَت فِی الدّارِ باکِیَةٌ إلّا سَکَتَت وَ لا قائِمَةٌ إلّا جَلَسَت.

سپس امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ از منزل عایشه سوی ما بیرون آمد و ما ایشان را بر مرکب خود سوار کردیم که ناگاه زنی از جلوی آن خانه جلوی ایشان را گرفت. حضرت فرمود: صفیّه کجاست؟ عرض کرد: من هستم ای امیرمؤمنان! حضرت به او فرمود: چرا جلوی این سگان را که گمان می‌کنند من عزیزانشان را کشته‌ام نمی‌گیری؟ اگر من عزیزان آن‌ها را کشته بودم، همه اهل این خانه را نیز می‌کشتم. و با دست مبارک خود به آن سه حجره اشاره کرد. ما نیز دست به قبضهٔ شمشیر بردیم و چشم دوختیم که حضرت به آن حجره اشاره کرد. به خدا سوگند همه گریه کنان در آن خانه ساکت شدند و هر کس ایستاده بود، بر جای خود نشست.

قُلتُ: یا أَبا القاسِمِ فَمَن کانَ فِی تِلکَ الثَّلاثِ حُجَرٍ قالَ: أَمّا واحِدَةٌ فَکانَ فِیها مَروانُ بنُ الحَکَمِ جَرِیحًا وَ مَعَهُ شَبابُ قُرَیشٍ جَرحَی، وَ أَمَّا الثّانِیَةُ فَکانَ فِیها عَبدُ اللهِ بنُ الزُّبَیرِ وَ مَعَهُ آلُ الزُّبَیرِ جَرحَی، وَ أَمَّا الثّالِثَةُ فَکانَ فِیها رَئِیسُ أَهلِ البَصرَةِ یَدُورُ مَعَ عائِشَةَ أَینَ ما دارَت. قُلتُ: یا أَبا القاسِمِ هؤُلاءِ أَصحابُ القَرحَةِ فَلا مِلتُم عَلَیهِم بِهذِهِ السُّیوفِ؟ قالَ: یا ابنَ أَخِی أَمیرُ الْمُؤمِنینَ کانَ أَعلَمَ مِنکَ وَسِعَهُم أَمانُهُ، إنّا لَمّا هَزَمنا القَومَ نادی مُنادِیهِ: لا یُدَفَّف عَلی جَرِیحٍ، وَ لا یُتبَع مُدبِرٌ، وَ مَن أَلقَی سِلاحَهُ فَهُوَ آمِنٌ، سُنَّةٌ یُستَنُّ بِها بَعدَ یَومِکُم هذا.

ثُمَّ مَضَی وَ مَضَینا مَعَهُ حَتَّی انتَهَینا إلَی العَسکَرِ فَقامَ إلَیهِ ناسٌ مِن أَصحابِ النَّبِیِّ ﷺ

مِنهُم أَبو أَيُّوبَ الأَنصارِيُّ وَ قَيسُ‌بنُ سَعدٍ وَ عَمّارُبنُ يَاسِرٍ وَ زَيدُبنُ حَارِثَةَ وَ أَبُولَيلَى فَقَالَ: أَلا أُخبِرُكُم بِسَبعَةٍ مِن أَفضَلِ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُهُمُ اللهُ تَعالَى؟ قَالَ أَبُوأَيُّوب: بَلَى وَاللهِ فَاخبِرنَا يَا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ فَأَنَّكَ كُنتَ تَشهَدُ وَ نَغِيبُ قَالَ: فَإِنَّ أَفضَلَ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُهُمُ اللهُ سَبعَةٌ مِن بَنِى عَبدِالمُطَّلِبِ لَا يُنكِرُ فَضلَهُم إِلَّا كَافِرٌ وَ لَا يَجحَدُ إِلَّا جَاحِدٌ.

گفتم: ای ابا قاسم (کنیه اصبغ)، در آن خانه‌ها چه کسانی بودند؟ گفت: در یکی از آن‌ها مروان‌بن حکم با جوانان قریش بود که همگی مجروح بودند و در حجرهٔ دوم عبدالله‌بن زبیر و فرزندان زبیر بودند که آن‌ها نیز زخمی بودند و در حجره سوم رئیس بصره بود که هر کجا عایشه می رفت، همراه او بود. گفتم: ای اباقاسم چرا آن دشمنان زخمی را نکشتید؟ گفت: ای فرزند برادرم، امیرمؤمنان عليه‌السلام از تو آگاه‌تر است، ایشان به آنان امان داد. هنگامی که اهل بصره را شکست دادیم، منادی حضرت این‌گونه ندا سر داد: «در کشتن زخمی شتاب نمی‌شود و فراری تعقیب نمی‌شود و هر کس سلاح زمین نهاد، در امان است؛ این سنّتی است که از امروز به بعد اجرا می‌شود.» سپس حضرت به راه افتاد و ما همراه او بودیم تا به لشکرگاه رسیدیم. گروهی از اصحاب پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله مانند ابوایوب انصاری و قیس‌بن سعد و عماربن یاسر و زیدبن حارثه و ابولیلی برخاستند و به نزد حضرت آمدند. حضرت علی عليه‌السلام فرمود: آیا شما را از هفت تن خبر دهم که در روزی که خداوند آفریدگان را گرد می‌آورد، آنان برترین ایشان‌اند؟ ابوایوب عرض کرد: ای امیرمؤمنان شما را به خدا سوگند به ما بگو، چراکه شما در پیشگاه پیامبر حاضر بودی و ما غایب بودیم. حضرت فرمود: در روزی که خداوند آفریدگان را گرد آورد، برترین آن‌ها هفت تن از فرزندان عبدالمطلب هستند که برتری آن‌ها را جز کافر و جاحد انکار نمی‌کند.

قَالَ عَمّارُبنُ يَاسِرٍ: سَمِّهِم يَا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ لِنَعرِفَهُم قَالَ: إِنَّ أَفضَلَ الخَلقِ يَومَ يَجمَعُ اللهُ الرُّسُلُ، وَ إِنَّ أَفضَلَ الرُّسُلِ مُحَمَّدٌ صلى‌الله‌عليه‌وآله ثُمَّ إِنَّ أَفضَلَ كُلِّ أُمَّةٍ بَعدَ نَبِيِّهَا وَصِيُّ نَبِيِّهَا حَتَّى

يُدرِكَهُ نَبِيٌّ وَ إِنَّ أَفضَلَ الأَوصِيَاءِ وَصِيُّ مُحَمَّدٍ ﷺ ثُمَّ إِنَّ أَفضَلَ النَّاسِ بَعدَ الأَوصِيَاءِ الشُّهَدَاءُ وَ إِنَّ أَفضَلَ الشُّهَدَاءِ حَمزَةُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعفَرُ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ذَا الجَنَاحَينِ يَطِيرُ بِهَا مَعَ المَلَائِكَةِ لَم يَحِلَّا بِحِليَتِهِ أَحَدٌ مِنَ الآدَمِيِّينَ فِي الجَنَّةِ شَيءٌ شَرَّفَهُ اللهُ بِهِ، وَ السِّبطَانِ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ سَيِّدَي شَبَابِ أَهلِ الجَنَّةِ وَ مَن وَلَدَت إِيَّاهُمَا وَ المَهدِيُّ يَجعَلُهُ اللهُ مَن أَحَبُّ مِنَّا أَهلَ البَيتِ.

ثُمَّ قَالَ: أَبشِرُوا ـ ثَلَاثًا: **﴿وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقًا * ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَ كَفىٰ بِاللهِ عَلِيمًا﴾**[1].

عماربن یاسر گفت: ای امیرمؤمنان نام آن‌ها را بگو تا بشناسیمشان. حضرت فرمود: در روزی که خداوند آفریدگان را گرد می‌آورد، برترین آن‌ها رسولان الهی هستند که برترین رسولان حضرت محمّد ﷺ است.

سپس برترین هر امّتی پس از پیامبرش وصیّ آن پیامبر است تا زمانی که پیامبری دیگر آن قوم را دریابد و برترین اوصیا وصیّ محمّد ﷺ است. سپس برترین مردم پس از اوصیا، شهیدان‌اند و برترین شهیدان حمزه سیّدالشهدا می‌باشد و نیز جعفربن ابی‌طالب که با دو بال به همراه فرشتگان پرواز می‌کند و هیچ‌یک از آدمیان آراستگی او را ندارند و این چیزی است که خداوند وی را با آن گرامی داشته است و نیز دو نوهٔ پیامبر، حسن و حسین ﷺ سروران جوانان اهل بهشت و نیز آن‌که ایشان را به دنیا آورد و همچنین حضرت مهدی ﷺ که خداوند او را دوست داشتنی‌ترین ما اهل بیت قرار می‌دهد. سپس سه بار فرمود: بشارت باد بر شما و این آیه را تلاوت فرمود: «و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، اینان با کسانی هستند که خداوند بر آنان نعمت [خاص] داده (یعنی) پیامبران و صدق‌پیشگان و شهیدان و نیکوکاران، و آنان چه نیکو

---

۱. نساء، ۷۰-۶۹

رفیقانی هستند. این فضل از جانب خداست و خدا در دانایی [به احوال خلق] کافی است.»

۸۵. عَن سُلیمَانَ الدَّیلَمِیِّ قَالَ: کُنتُ عِندَ أَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام إذ دَخَلَ عَلَیهِ أَبُوبَصِیرٍ وَ قَد حَضَرَهُ النَّفسُ فَلَمَّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ علیه السلام: یا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هَذَا النَّفَسُ العَالِی؟ قَالَ: جُعِلتُ فِدَاکَ یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ کَبُرَ سِنِّی وَ دَقَّ عَظمِی وَ اقتَرَبَ أَجَلِی وَ لَستُ أَدرِی مَا أَرِدُ عَلَیهِ مِن أَمرِ آخِرَتِی. فَقَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ علیه السلام: یَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا؟! فَقَالَ: وَ کَیفَ لَا أَقُولُ هَذَا؟! وَ ذَکَرَ کَلَامًا ثُمَّ قَالَ: یَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَد ذَکَرَکُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ المُبِینِ: ﴿ **أُولٰئِكَ مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَدٰاءِ وَ الصّٰالِحینَ وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفیقًا** ﴾ فَرَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِی الآیَةِ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ نَحنُ فِی هَذَا المَوضِعِ ﴿ **الصدیقین والشهداء** ﴾ وَأَنتُمُ الصَّالِحُونَ، فَتَسَمُّوا بِالصَّلَاحِ کَمَا سَمَّاکُمُ اللهُ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ.

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفس نفس می‌زد، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام جعفر صادق علیه السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد! چرا بلند نفس می‌کشی؟ ابوبصیر عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام علیه السلام فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ ابوبصیر عرض کرد: چرا نگویم؟ امام علیه السلام فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده: «آنان همدم کسانی هستند که خدا نعمتشان داده؛ از پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران و چه نیکو رفیقانی هستند.» در این آیه مقصود از پیامبران رسول خدا صلی الله علیه و آله است و راستگویان و شهیدان ما هستیم و نیکوکاران شمایید. پس به نیکوکاری معروف شوید، همان‌گونه که خداوند شما را ای ابامحمّد، چنین نامیده است.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۸۳)

﴿ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ﴾

و حال آن‌که اگر آن را به پیامبر و یا صاحبان امر که از ایشان هستند، بازگردانند، قطعًا اهل استنباط از آن، آن را در می‌یافتند.

۸۶. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ عليه السلام قالَ: يا جابِرُ إِنَّ حَديثَ آلِ مُحَمَّدٍ صَعبٌ مُستَصعَبٌ ذَكوانٌ أَجرَدُ ذُعرٌ، لا يُؤمِنُ وَاللهِ بِهِ إِلّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَو نَبِيٌّ مُرسَلٌ أَو عَبدٌ مُؤمِنٌ اِمتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمانِ، وَ إِنَّمَا الشَّقِيُّ الذّامُ الهالِكُ مِنكُم مَن تَرَكَ الحَديثَ عَلَيهِ مِن حَديثِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَعَرَفتُموهُ وَ لانَت لَهُ قُلوبُكُم فَتَمَسَّكُوا بِهِ فَإِنَّهُ الحَقُّ المُبينُ وَ ما ثَقُلَ عَلَيكُم فَلَم تُطيقُوهُ وَ كَبُرَ عَلَيكُم فَلَم تَحمِلُوهُ فَرُدُّوا إِلَينا فَإِنَّ الرّادَّ عَلَينا مُخبَثٌ أَلَم تَسمَعِ اللهَ يَقولُ: **﴿ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ ﴾**.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: ای جابر! همانا حدیث ما خاندان محمّد عليهم السلام دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و تیز و صریح و هراسناک است و به خدا سوگند به آن ایمان نمی‌آورد مگر فرشته‌ای مقرّب یا پیامبری مرسل یا بندهٔ مؤمنی که خداوند قلب او را به ایمان آزموده است. هر که حدیث آل محمّد عليهم السلام را رها کند، بدبخت و گنهکار و هلاک شده است. اگر آن را شناختید و قلب‌هاتان به آن نرم گردید، به سوی آن تمسّک جویید که آن حقیقت روشنگر است. امّا اگر بر شما سنگین آمد و طاقتش را نداشتید و بر شما سخت آمد و تحمل پذیرش آن را نداشتید، آن را به ما برگردانید. پس بدانید کسی که حدیث ما خاندان محمّد عليهم السلام را ردّ کند، پلید است. آیا نشنیدی که خداوند فرمود: «و حال آن‌که اگر آن را به پیامبر و یا صاحبان امر که از ایشان هستند، بازگردانند، قطعاً اهل استنباط از آن، آن را درمی‌یافتند.»

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۱۹)

﴿ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطٰانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرٰانًا مُبِينًا ﴾

و هر کس شیطان را به جای خدا، سرپرست (خود) بگیرد مسلمًا زیانی آشکار کرده است.

۸۷. عَن سُفيَانَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُوعَبدِ اللهِ جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام: يَا سُفيَانُ لَا تَذهَبَنَّ بِكَ المَذَاهِبُ، عَلَيكَ بِالقَصدِ، وَ عَلَيكَ أَن تَتَّبِعَ الهُدَى. قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ وَ مَا اتِّبَاعُ الهُدَى؟ قَالَ: كِتَابُ اللهِ وَ لُزومُ هَذَا الرَّجُلِ. فَقَالَ لِی: يَا سُفيَانُ أَنتَ لَا تَدرِی مَن هُوَ. قُلتُ: لَا وَاللهِ مَا أَدرِی مَن هُوَ. قَالَ: فَقَالَ لِی: وَ اللهِ لَكِنَّكَ آثَرتَ الدُّنيَا عَلَى الآخِرَةِ وَ مَن آثَرَ الدُّنيَا عَلَى الآخِرَةِ حَشَرَهُ اللهُ يَومَ القِيَامَةِ أَعمَى. قَالَ: قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ أَخبِرنِی عَن هَذَا الرَّجُلِ؟ لَعَلَّ اللهَ يَنفَعُنِی بِهِ. قَالَ: يَا سُفيَانُ هُوَ وَ اللهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه‌السلام مَنِ اتَّبَعَهُ فَقَد أُعطِیَ مَا لَم يُعطَ أَحَدٌ وَ مَن لَم يَتَّبِعهُ فَقَد خَسِرَ خُسرَانًا مُبِينًا هُوَ وَاللهِ جَدُّنَا عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه‌السلام، يَا سُفيَانُ إِن أَرَدتَ العُروَةَ الوُثقَى فَعَلَيكَ بِعَلِیٍّ فَإِنَّهُ وَاللهِ يُنجِيكَ مِنَ العَذَابِ، يَا سُفيَانُ لَا تَتَّبِع هَوَاكَ فَتَضِلَّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ.

سفیان گفت: امام جعفر صادق عليه‌السلام به من فرمود: ای سفیان! مبادا راه‌های گوناگون تو را با خود ببرند، راه میانه را پی گیر و از هدایت پیروی کن. عرض کردم: پیروی از هدایت چیست؟ فرمود: کتاب خدا و پیروی از این مرد. سپس فرمود: سفیان! تو نمی‌دانی آن مرد کیست؟ عرض کردم: به خدا سوگند نمی‌دانم. امام فرمود: به خدا سوگند تو دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌ای و هر که دنیا را بر آخرت مقدّم دارد، خداوند روز قیامت او را کور محشور می‌کند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! بگویید آن مرد کیست؟ امید است خداوند از او مرا بهره‌مند کند. فرمود: سفیان! به خدا سوگند آن مرد امیرمؤمنان حضرت علی‌بن ابی‌طالب عليه‌السلام است. هر که پیرو او باشد، نعمتی دارد که به هیچ کس چنان نعمتی داده نشده و هر که از او سر باز زند، زیانی آشکار کرده است، به خدا سوگند او جدّ ما علی‌بن ابی طالب عليه‌السلام است. ای سفیان! اگر می خواهی به

دستاویز محکمی چنگ زنی، دست به دامان علی علیه‌السلام بینداز که به خدا سوگند او تو را از عذاب نجات می‌بخشد. ای سفیان! از هوای نفست پیروی مکن که از راه منحرف خواهی شد.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۵۹)

﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهيدًا ﴾

و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.

۸۸. عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن أَبی عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ علیه‌السلام قالَ: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ به ﴾ قالَ: لا يَبقى أَحَدٌ يَرُدُّ عَلى عِيسَى‌بنِ مَريَمَ علیه‌السلام ما جاءَ بِهِ فِيهِ إِلّا كانَ كافِرًا، وَ لا يَرُدُّ عَلى عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه‌السلام أَحَدٌ ما قالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِلّا كانَ كافِرًا.

ابان بن تغلب گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: آن‌که هر چه عیسی بن مریم از جانب خداوند آورد را انکار کرد، کافر بود و هر آن‌کس که آن‌چه را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره حضرت علی علیه‌السلام آورده است، انکار کند، کافر است.

۸۹. عُبَيدُبنُ كَثيرٍ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبيه علیه‌السلام قالَ: قالَ رَسولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: يا عَلِيُّ إِنَّ فِيكَ مَثَلَ مِن عِيسَى‌بنِ مَريَمَ علیه‌السلام قالَ اللهُ تَعالَى: ﴿ وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهيدًا ﴾، يا عَلِيُّ إِنَّهُ لا يَموتُ رَجُلٌ يَفتَري عَلى عِيسَى‌بنِ مَريَمَ علیه‌السلام حَتّى يُؤمِنَ بِهِ قَبلَ مَوتِهِ وَ يَقولُ فِيهِ الحَقَّ حَيثُ لا يَنفَعُهُ ذٰلِكَ شَيئًا، وَ إِنَّكَ عَلى مِثلِهِ لا يَموتُ عَدُوُّكَ حَتّى يَراكَ عِندَ المَوتِ فَتَكونُ عَلَيهِ غَيظًا وَ حُزنًا حَتّى يُقِرَّ بِالحَقِّ مِن أَمرِكَ وَ يَقولُ فِيكَ الحَقَّ وَ يُقِرُّ بِوَلايَتِكَ حَيثُ لا يَنفَعُهُ ذٰلِكَ شَيئًا وَ أَمّا وَلِيُّكَ فَإِنَّهُ يَراكَ عِندَ المَوتِ فَتَكونُ لَهُ شَفِيعًا وَ مُبَشِّرًا وَ قُرَّةَ عَينٍ.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! مثل تو همانند عیسی بن مریم است. خداوند می‌فرماید: «و هیچ‌یک از اهل کتاب نیست مگر این‌که پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود.»

ای علی! هر که بر عیسی‌بن مریم دروغ بست، پیش از مرگش به او ایمان آورد و دربارهٔ او حق را گفت، اما هنگامی بود که دیگر هیچ سودی برایش نداشت. تو هم مانند عیسی‌بن مریم هستی. دشمنت در هنگام مرگ تو را می‌بیند و تو بر او خشمناک و اندوهگین هستی تا این‌که او به ولایت تو اقرار می‌کند، ولی هنگامی است که دیگر هیچ سودی برایش ندارد، امّا دوستت تو را به هنگام مرگ می‌بینند و تو شفیع و بشارت‌دهنده و روشنی چشم او هستی.

(سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۷۴)

﴿ قَدْ جاءَكُم بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبينًا ﴾

از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و نوری آشکار را به سوی شما فرستادیم.

۹۰. أَحمَدُبنُ مُحَمَّدِبنِ طَلحَةَ الخُرَاسَانِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ علیه السلام قالَ: نَزَلَ جَبرَئيلُ علیه السلام عَلى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بِهذِهِ الآيَةِ ﴿ **يا أَيُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبينًا** ﴾ فِي عَلِيٍّ وَ البُرهَانُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله قَولُهُ: ﴿ **فَأَمَّا الَّذينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ**[1] ﴾ قَالَ: بِوَلايَةِ عَلِيِّ‌بنِ أَبي‌طالِبٍ علیه السلام.

احمد بن محمّد بن طلحه خراسانی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: جبرئیل بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله این آیه را نازل کرد: «ای مردم، از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و نوری آشکار را به سوی شما فرستادیم» که

---

۱. نساء، ۱۷۵

نوری آشکار در وجود علی ﷺ و برهان، رسول خدا ﷺ است «پس اما کسانی‌که به خدا ایمان آوردند و به (ریسمان الهی) چنگ زدند» یعنی به ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ تمسک جستند.



وَ مِنْ سُورَةِ المَائِدَةِ

(سورۀ مائده، آیۀ ۳)

﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاٰمَ دِينًا ﴾

امروز دين شما را برايتان كامل كردم، و نعمتم را بر شما تمام كردم و اسلام را به عنوان دين براى شما پسنديدم.

۹۱ . عَن فُرَاتِ بنِ أَحنَفَ: عَن أَبى عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ لِلمُسلِمينَ عِيدٌ أَفضَلُ مِنَ الفِطرِ وَ الأَضحَى وَ يَوم الجُمُعَةِ وَ يَوم عَرَفَةَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِى: نَعَم أَفضَلُهَا وَ أَعظَمُهَا وَأَشرَفُهَا عِندَاللهِ مَنزِلَةً، وَ هُوَ اليَومُ الَّذى أَكمَلَ اللهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَنزَلَ عَلى نَبِيِّهِ **﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاٰمَ دينًا ﴾** قَالَ: قُلتُ: وَ اَىُّ يَوم هُوَ؟ قَالَ: فَقَالَ لِى: إِنَّ أَنبِيَاءَ بَنِى إِسرَائِيلَ كَانُوا إِذَا أَرَادَ أَحَدُهُم أَن يَعقِدَ الوَصِيَّةَ وَالإِمَامَةَ لِلوَصِىِّ مِن بَعدِهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ جَعَلُوا ذَلِكَ اليَومَ عِيدًا، وَ إِنَّهُ اليَومُ الَّذِى نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله عَلِيًّا لِلنَّاسِ عَلَمًا وَ أَنزَلَ فِيهِ مَا أُنزِلَ، وَ كَمَلَ فِيهِ الدِّينُ وَ تَمَّت فِيهِ النِّعمَةُ عَلَى المُؤمِنِينَ. قَالَ: قُلتُ: وَ أَىُّ يَوم هُوَ فِى السَّنَةِ؟ قَالَ: فَقَالَ لِى: إِنَّ الأَيَّامَ تَتَقَدَّمُ وَتَتَاخَّرُ فَرُبَّمَا كَانَ يَومَ السَّبتِ وَ الأَحَدِ وَ الإِثنَينِ إِلَى آخِرِ الأَيَّامِ. قَالَ: قُلتُ: فَمَا يَنبَغِى

لَنا أن نَعمَلَ فِی ذَلِكَ الیوم؟ قَالَ: هُوَ یَومُ عِبادَةٍ وَ صَلاةٍ وَ شُکرٍ لله تَعالَی وَ حَمدٍ لَهُ وَ سُرُورٍ لِمَا مَنَّ اللهُ بِهِ عَلَیکُم مِن وَلایَتِنا وَ إِنِّی أُحِبُّ لَکُم أَن تَصُومُوهُ.

فرات‌بن احنف گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مسلمانان عیدی برتر از عید فطر و قربان و یا روز جمعه و روز عرفه دارند؟ امام به من فرمود: بله؛ برترین و بزرگ‌ترین و شریف‌ترین اعیاد از نظر منزلت نزد خداوند همان روزی است که دین را کامل و این آیه را نازل فرمود: «امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.» به امام عرض کردم: این روز، چه روزی است؟ امام فرمود: هرگاه یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل می‌خواست پیمان وصایت و امامت برای وصی خود ببندد و چنین می‌کرد، آنان آن روز را عید قرار می‌دادند و این روز همان روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را پیشوای مردم قرار داد و آن‌چه راکه دربارهٔ ایشان نازل شده بود، اعلام کرد و در این روز دین کامل و نعمت بر مؤمنان تمام گشت. عرض کردم: آن، چه روزی در سال است؟ فرمود: روزها پیش و پس می‌رود، شاید شنبه باشد و شاید یک‌شنبه یا دوشنبه یا روزی دیگر. عرض کردم: شایسته است در آن روز چه اعمالی انجام دهیم؟ فرمود: این روز، روز عبادت و نماز و شکرگزاری و حمد خداوند است و این روز، روز شادمانی است؛ چراکه خداوند به واسطه ولایت ما اهل بیت بر شما منت نهاده است و من دوست دارم که شما این روز را روزه بگیرید.

۹۲. حَدَّثَنَا یَقطِینُ الجَوالِیقِیّ: عَن جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ علیهما السلام فِی قَولِهِ: ﴿**الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی**﴾ قَالَ: نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام خَاصَّةً دُونَ النَّاسِ.

یقطین جوالیقی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان علیه السلام فرمود: خداوند این آیه را به‌طور خاص دربارهٔ حضرت علی علیه السلام و نه کس دیگر نازل فرمود.

۹۳. عَن أَبی الجارُودِ قالَ: سَمِعتُ أَباجَعفَرٍ ﷺ یَقُولُ: حِینَ أَنزَلَ اللهُ تَعالَی: ﴿ **الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِي** ﴾ قالَ: فَکانَ کَمالُ الدِّینِ بِوَلایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ.

ابی جارود گفت: از امام محمّدباقر ﷺ شنیدم که فرمود: زمانی که خدای متعال این آیه را نازل فرمود، کمال دین با ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ صورت گرفت.

۹۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قالَ: بَینَما النَّبِیُّ ﷺ وَ عَلِیٌّ ﷺ بِمَکَّةَ أَیّامَ الموسمِ إِذِ التَفَتَ النَّبِیُّ ﷺ إِلی عَلِیٍّ ﷺ وَ قالَ هَنِیئًا لَکَ وَ طُوبیٰ لَکَ یا أَبَا الحَسَنِ إِنَّ اللهَ قَدْ أَنزَلَ عَلَیَّ آیَةً مُحکَمَةً غَیرَ مُتَشابِهَةٍ ذِکرِی وَ إِیّاکَ فِیها سَواءٌ فَقالَ: ﴿ **الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا** ﴾ بِیَومِ عَرَفَةٍ وَ یَومِ جُمْعَةٍ.

ابن عباس گفت: زمانی که پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ در موسم حج در مکه بودند، پیامبر ﷺ به علی ﷺ رو کرد و فرمود: گوارا باد بر تو! خوشا به حالت ای اباحسن! خداوند بر من آیه‌ای محکم و غیرمتشابه نازل کرد که در آن ذکر من و تو یکسان است و فرمود «امروز دین شما را برایتان کامل کردم» در روز عرفه و روز جمعه.

هَذا جَبرَئیلُ ﷺ یُخبِرُنی عَنِ اللهِ أَنَّ اللهَ یَبعَثُکَ أَنتَ وَ شِیعَتَکَ یَومَ القِیامَةِ رُکبانًا غَیرَ رِجالَةٍ عَلَی نَجائِبَ فَرحلُها مِنَ النُّورِ فَتَناخَ عِندَ قُبورِهِم فَیُقالُ لَهُم: اِرکَبُوا یا أَولِیاءَ اللهِ فَیَرکَبُونَ صَفًّا مُعتَدِلاً أَنتَ أَمامُهُم إِلَی الجَنَّةِ حَتّی إِذا صارُوا إِلَی الفَحصِ ثارَت فِی وُجُوهِهِم رِیحٌ یُقالُ لَها المثیرةُ فَتَذرِی فِی وُجُوهِهِم المِسکُ الأَذفَرُ فَیُنادُونَ بِصَوتٍ لَهُم نَحنُ العَلَوِیُّونَ فَیُقالُ لَهُم: إِن کُنتُم العَلَوِیُّونَ فَأَنتُم الآمِنُون ﴿ **وَ لا خَوفٌ عَلَیکُمُ الیَومَ وَ لا اَنتُم تَحزَنُونَ** ﴾.

جبرئیل ﷺ مرا از سوی خداوند خبر داد که همانا او در روز قیامت تو و شیعیانت را سوار بر اشترانی که رحل‌های آن‌ها از نور است، برخواهد انگیخت. آن اشتران را نزد قبور ایشان می‌خوابانند و به ایشان گفته می‌شود: ای دوستان خدا! سوار شوید. آن‌گاه آنان در صف‌هایی آراسته سوار می‌شوند و در

حالی‌که تو پیشاپیش ایشان هستی، به سوی بهشت می روید، تا این‌که به آرامگاه می رسند و بر چهره‌هایشان بادی می وزد که آن را نسیمی اثربخش می‌گویند که بر روی آنان مشک تند بوی می‌افشاند و آن‌گاه ایشان به آوازی ندا سر می‌دهند: ما علویّون هستیم. در آن دم به ایشان می‌گویند: اگر شما علویون هستید، در امانید: «و در این روز نه ترسی بر شماست و نه اندوهناک می‌شوید».

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵)

﴿ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمٰانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰاسِرِينَ ﴾

و هر کس به ایمان کافر شود، قطعًا عملش تباه می‌گردد

و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

۹۵. عَن ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام فِی کِتابِ اللهِ أَسمَاءُ لا یَعرِفُهَا النّاسُ قُلنَا: وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: سَمّاهُ الإیمَانَ فَقَالَ: **﴿ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمٰانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰاسِرِينَ ﴾** الآیَة.

ابن عباس گفت: برای حضرت علی علیه السلام در کتاب خدا نام‌هایی است که مردمان نمی‌شناسند. گفتیم: آن نام‌ها چیست؟ گفت: خدا او را ایمان نامید و فرمود: «و هر کس به ایمان کافر شود، قطعًا عملش تباه می‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود».

۹۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزارِیُّ مُعنعنًا عَن أَبی جَعفَرٍ البَاقِرِ علیه السلام فِی قَولِهِ: **﴿ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمٰانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰاسِرِينَ ﴾** قَالَ: فَالإِیمَانُ فِی بَطنِ القُرآنِ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام فَمَن کَفَرَ بِوَلایَتِهِ فَقَد حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الآخِرَةِ مِنَ الخَاسِرِینَ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ایمان در باطن قرآن علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است، پس هر که به ولایت او کافر شود، عملش تباه گردیده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۱۱)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه
که گروهی قصد کردند که بر شما دست یازند و [خداوند]
دست آنان را از شما بازداشت.

۹۷. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: ﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴾ نَزَلَت فِی رَسُولِ اللّٰهِ ﷺ وَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷻ وَزیرِهِ حینَ أَتاهُم یَستَعینُهُم فِی القَتیلَینِ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ رسول خدا ﷺ و علی‌بن ابی‌طالب ﷻ وزیر ایشان نازل شد، زمانی که خداوند در جنگ به یاری مسلمانان آمد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۳۷)

﴿ وَ مٰا هُمْ بِخٰارِجينَ مِنْهٰا ﴾

و حال آن‌که از آن بیرون آمدنی نیستند.

۹۸. عَن حِمرانَ قالَ: سَأَلتُ اَباعَبدِ اللّٰهِ ﷻ عَن قَولِ اللّٰهِ تَعالَی: ﴿ وَ مٰا هُمْ بِخٰارِجينَ مِنْهٰا ﴾ قالَ: كَأَنَّكَ تُريدُ الآدَمِيّينَ؟ قُلتُ: نَعَم. قالَ: كانُوا حُوسِبُوا وَ عُذِبُوا وَ أَنتُمُ المُخَلَّدُونَ فِی الجَنَّةِ قالَ اللّٰهُ إِنَّ أَعداءَ عَلِیٍّ هُمُ المُخَلَّدُونَ فِی النّارِ أَبَدَ الآبِدینَ وَ دَهرَ الدّاهِرینَ هٰكَذا تَنزیلُها.

حمران گفت: از امام جعفر صادق ﷻ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: گویی ظاهری را از آن اراده کردی؟ عرض کردم: بله. فرمود: حساب پس دهید و شادمان باشید که شما در بهشت، جاودان هستید. خداوند فرمود: دشمنان علی ﷻ تا ابد در آتش جاودان هستند و چنین بود که این آیه نازل شد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۴)

﴿ فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ ﴾

به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند.

۹۹. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ فَسَوْفَ يَأْتِي اللهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ ﴾ قَالَ: عَلِیٌّ وَ شِیعَتُهُ.

فرات به نقل از حسین‌بن سعید گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: منظور از این آیه حضرت علی عليه السلام و شیعیان ایشان است.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۵)

﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ﴾

جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند، همانانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

۱۰۰. عَنِ عَبدِ اللهِ بنِ عَطَاءٍ قَالَ: کُنتُ جَالِسًا مَعَ أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام فِی مَسجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وآله وَ عَبدُ اللهِ بنُ سَلَام جَالِسٌ فِی صَحنِ المَسجِدِ، قَالَ: فقلت: جُعِلتُ فِدَاكَ هَذَا الَّذِی عِندَهُ عِلمُ الکِتَابِ؟ قَالَ: لَا وَلکِنَّهُ صَاحِبُکُم عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام نَزَلَ فِیهِ: ﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا ﴾ إِلَی آخِرِ الآیةِ، وَ نَزَلَ فِیهِ ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ. فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِیَدِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام یَومَ غَدِیرِ خُمٍ وَ قَالَ: مَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ.

عبدالله‌بن عطاء گفت: با امام محمّد باقر عليه السلام در مسجد پیامبر صلى الله عليه وآله نشسته بودم، در حالی‌که عبدالله‌بن سلام نیز در صحن مسجد نشسته بود. عرض کردم: فدایت شوم! آیا این فرد، همان کسی است که علم کتاب نزد اوست؟ امام فرمود: خیر، بلکه چنین کسی ولیّ شما علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است که درباره‌اش

نازل شد: ﴿ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا** ﴾ تا آخر آیه و نیز ﴿ **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ** ﴾ تا آخر آیه. پس پیامبر ﷺ دست حضرت علی ؑ را در روز غدیر خم گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم، علی ؑ مولای اوست.

۱۰۱. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحسینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِی جعفرٍ ؑ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَانَ يُصَلِّی ذَاتَ يَومٍ فِی مَسجِدٍ فَمَرَّ بِهِ مِسكِينٌ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هَل تُصُدِّقَ عَلَيكَ بِشَیءٍ؟ قَالَ: نَعَم مَرَرتُ بِرَجُلٍ راكعٍ فَأَعطَانِی خَاتَمَهُ. وَأَشَارَ بِيَدِهِ فَإِذَا هُوَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ؑ فَنَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاٰةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هُوَ وَلِيُّكُم مِن بَعدِی.

فرات گفت: حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ فرمود: روزی پیامبر در مسجد نماز می‌خواند که مسکینی از کنار ایشان گذشت. پیامبر از او پرسید: آیا کسی به تو چیزی صدقه داد؟ عرض کرد: بله، از کنار مردی عبور کردم که در رکوع بود و انگشترش را به من عطا کرد و با دست به علی‌بن ابی‌طالب ؑ اشاره کرد. در آن دم این آیه نازل شد: «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند، همانانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.» پیامبر ﷺ فرمود: او پس از من ولیّ شماست.

۱۰۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاٰةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** ﴾ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ ؑ خَاصَّةً.

ابن عباس گفت: این آیه به‌طور خاصّ دربارهٔ حضرت علی ؑ نازل گشت.

۱۰۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا** ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ **وَ هُمْ رَاكِعُونَ** ﴾ قَالَ: أَتَى عَبدُ اللهِ بنِ سَلامٍ وَ رَهطٌ مَعَهُ مِن أَهلِ الكِتَابِ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ عِندَ الظُّهرِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ بُيُوتُنَا قَاصِيَةٌ وَ لَا مُتَحدَّثُ دُونَ هَذَا المَسجِدِ وَ إِنَّ قَومَنَا لَمَّا أَن رَأَونَا قَد صَدَّقنَا اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ تَرَكنَا دِينَهُم أَظهَرُوا لَنَا العَدَاوَةَ، وَ أَقسَمُوا

أَن لَا يُخَالِطُونَا وَ لَا يُجَالِسُونَا وَ لَا يُكَلِّمُونَا فَشَقَّ عَلَينَا. فَبينَاهُم يَشكُونَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ إِذ نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا** ﴾ فَتَلَا عَلَيهِم فَقَالُوا: رَضِينَا بِاللهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِالمُؤمِنِينَ.

وَ أَذَّنَ بِلَالٌ بِالصَّلَاةِ وَ خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى المَسجِدِ وَ النَّاسُ يُصَلُّونَ بَينَ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَاعِدٍ وَ إِذَا مِسكِينٌ يَسأَلُ فَدَعَاهُ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ: هَل أَعطَاكَ أَحَدٌ شَيئًا؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: مَاذَا؟ قَالَ: خَاتَمُ فِضَّةٍ. قَالَ: مَن أَعطَاكَ؟ قَالَ: ذَاكَ الرَّجُلُ القَائِمُ. فَإِذَا هُوَ عَلِيٌّ قَالَ: أَنَّى أَعطَاكَ؟ قَالَ: أَعطَانِيهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ. فَزَعَمُوا أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَبَّرَ عِندَ ذَلِكَ يَقُولُ: ﴿ **وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغَالِبُونَ**[1] ﴾ الآيَةُ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: عبد اللّه‌بن سلام به همراه گروهی از اهل کتاب نزدیک نماز ظهر خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! خانه‌های ما دور است و جز در این مسجد هم‌سخنی نداریم. قوممان وقتی دیدند که ما خداوند و رسولش را تصدیق کرده‌ایم و دین آنان را ترک کرده‌ایم، آشکارا با ما دشمنی کردند و سوگند خوردند که با ما همراهی نکنند و با ما همنشین نشوند و با ما سخن نگویند و از این رو ما به سختی افتاده‌ایم. در همان حال که آنان به پیامبر ﷺ گلایه می‌کردند، ناگاه این آیه نازل شد «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آورده‌اند» و پیامبر آن را برای ایشان تلاوت فرمود و آنان عرض کردند: از خدا و رسولش و مؤمنان خشنود هستیم.

در آن دم بلال اذان گفت و رسول خدا ﷺ سوی مسجد بیرون رفت و حال آن‌که مردم نماز می‌خواندند و برخی در رکوع و برخی در سجود و برخی در قعود بودند و در همان هنگام که فرد مسکین در حال گدایی بود، پیامبر ﷺ او را فراخواند و فرمود: آیا کسی چیزی به تو عطا کرده است؟ عرض کرد: بله.

---

۱. مائده، ۵۶

فرمود: چه؟ عرض کرد: انگشتری نقره. فرمود: چه کسی به تو عطا کرد؟ عرض کرد: آن مرد که در قیام است. و آن مرد حضرت علی ﷺ بود. پیامبر ﷺ فرمود: چگونه به تو عطا کرد؟ عرض کرد: در حالی‌که در رکوع بود به من عطا کرد. در آن هنگام همه متوجه شدند که رسول خدا ﷺ تکبیر گفت و فرمود: «و هر کس خداوند و پیامبرش و کسانی را که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد، [بداند که] بی تردید گروه خداوند پیروز است.»

۱۰۴. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى المَسجِدِ فَإِذَا سَائِلٌ فَدَعَاهُ قَالَ: مَن أَعطَاكَ مِن هَذَا المَسجِدِ؟ قَالَ: مَا أَعطَانِي إِلَّا هَذَا الرَّاكِعُ وَ السَّاجِدُ - يَعنِي عَلِيًّا. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الحَمدُ للهِ الَّذِي جَعَلَها فِيَّ وَ فِي أَهلِ بَيتِي. قَالَ: وَ كَانَ فِي خَاتَمِ عَلِيٍّ الَّذِي أَعطَاهُ السَّائِلَ: سُبحَانَ مَن فَخرِي بِأَنِّي لَهُ عَبدٌ.

ابن عباس گفت: زمانی که این آیه نازل شد، حضرت محمّد ﷺ به سوی مسجد آمد و سائلی را دید، او را فراخواند و فرمود: آیا کسی به تو چیزی داده است؟ عرض کرد: فقط آن مردی که در رکوع و سجود است - یعنی علی ﷺ. پیامبر ﷺ فرمود: سپاس خدایی را که این را درباره من و اهل بیتم قرار داد. بر روی انگشتری که حضرت علی ﷺ به سائل داد، این جمله بود: پاک و منزه است خدایی که افتخارم بندگی اوست.

۱۰۵. عَلِيُّ بنُ زِيَادٍ القَصَّارُ مُعنعَنًا: عن أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَنَّهُ كَانَ يَقولُ: مَن أَحَبَّ اللهَ أَحَبَّ النَّبِيَّ، وَ مَن أَحَبَّ النَّبِيَّ أَحَبَّنَا، وَ مَن أَحَبَّنَا أَحَبَّ شِيعَتَنَا، فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ وَ نَحنُ وَ شِيعَتَنَا مِن طِينَةٍ وَاحِدَةٍ وَ نَحنُ فِي الجَنَّةِ لَا نَبغَضُ مَن يُحِبُّنَا وَ لَا نُحِبُّ مَن أَبغَضَنَا، إِقرَؤُوا إِن شِئتُم: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذين امنوا﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ. قَالَ الحَادِثُ: صَدَقَ وَ اللهِ مَا نَزَلَت إِلَّا فِيهِ.

علی بن زیاد قصار روایت کرده است: حضرت علی ﷺ فرمود: هر که خدا را

دوست بدارد، پیامبرش را دوست دارد و هر که پیامبر را دوست بدارد، ما را دوست دارد و هر که ما را دوست بدارد، شیعیان ما را دوست دارد؛ چراکه پیامبر ﷺ و ما اهل بیت و شیعیان ما از یک سرشت آفریده شده‌ایم و همگی در بهشت هستیم. آنکه را دوستمان بدارد، دشمن نمی‌داریم و آنکه را دشمنمان بدارد، دوست نمی‌داریم. اگر می‌خواهید، بخوانید: «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آوردند» تا آخر آیه.

حارث گفت: به خدا سوگند راست گفت، این آیه تنها در مورد او نازل شد.

۱۰۶. حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ عِیسَی‌بنِ زَکَرِیَّا الدِّهقَانِ مُعَنعَنًا: عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: دَخَلتُ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ یَقرَءُ سُورَةَ المَائِدَةِ فَقَالَ: أُکتُب. فَکَتَبتُ حَتَّی انتَهیتُ إِلَی هَذِهِ الآیَةِ: ﴿**إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا**﴾ ثُمَّ أَتَی رَسُولُ اللهِ ﷺ یَخفِقُ بِرَأسِهِ کَأَنَّهُ نَائِمٌ وَ هُوَ عَلَی بِلِسَانِهِ حَتَّی فَرَغَ مِن آخِرِ السُّورَةِ المَائِدَةِ ثُمَّ انتَبَهَ فَقَالَ لِی: أُکتُب فَأَملَی عَلَیَّ مِنَ المَوضِعِ الَّذِی خَفَقَ عِندَهَا فَقُلتُ: أَلَم تُملِ عَلَیَّ حَتَّی خَتَمتُهَا فَقَالَ: اللهُ أَکبَرُ ذَلِکَ الَّذِی أَملَی عَلَیکَ جَبرَئِیلُ علیه السلام ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَأَملَی عَلَیَّ رَسُولُ اللهِ ﷺ سِتِّینَ آیَةٍ وَ أَملَی عَلَیَّ جَبرَئِیلُ أَربَعًا وَ سِتِّینَ آیَةٍ.

محمّد بن عیسی بن زکریای دهقان روایت کرده است: حضرت علی علیه السلام فرمود: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم در حالی‌که ایشان سورهٔ مائده را قرائت می‌کرد. فرمود: بنویس. من نوشتم تا این‌که به این آیه رسیدم: «جز این نیست که سرپرست شما خداست و پیامبرش و کسانی که ایمان آوردند.» سپس رسول خدا ﷺ سر تکان داد و گویی در خواب بود و این سوره را بر لب داشت تا این‌که آن را به پایان رساند و آنگاه به خود آمد و به من فرمود: بنویس. و از آنجایی که شروع به سر تکان دادن کرده بود بر من املا کرد. عرض کردم: آیا املا نکردید و من به پایانش رساندم؟ فرمود: الله اکبر، آن‌که بر تو املا کرد، جبرئیل بود. سپس حضرت علی علیه السلام فرمود: و رسول خدا شصت آیه را بر من املاکرد و جبرئیل شصت و چهار آیه را املاکرد.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۵۶)

﴿ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغالِبُونَ ﴾

و هر کس خدا و پیامبرش و کسانی را که ایمان آورده‌اند، دوست بدارد [بداند که] بی تردید گروه خداوند پیروزند.

۱۰۷. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ وَ قَولُهُ: ﴿ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْغالِبُونَ ﴾ عَلیُّ بنُ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

ابن عباس گفت: منظور این آیه حضرت علی بن ابی طالب عليه السلام است.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۶۷)

﴿ يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ ﴾

ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم نگاه می‌دارد.

۱۰۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَطاءٍ قالَ: كُنتُ جالِسًا مَعَ أَبی جعفرٍ عليه السلام فَرَأَيتُ ابنًا لِعَبدِاللهِ بنِ سَلامٍ جالِسًا فی ناحِيَةٍ فَقُلتُ لِأَبی جعفرٍ: زَعَمُوا أَنَّ أَبا هذَا الَّذی عِندَهُ عِلمٌ مِنَ الكِتابِ. قالَ: لا ذلِكَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ أَميرُ المُؤمِنينَ قالَ: أوحِیَ إِلی رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله: قُل لِلنّاسِ مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ، فَما بَلَّغَ بِذلِكَ وَ خافَ النّاسَ فَأُوحِیَ إِلَيهِ: ﴿ يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النّاسِ ﴾ فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام يَومَ غَديرِ خُمٍّ وَ قالَ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ.

عبد الله بن عطا گفت: نزد امام محمّد باقر عليه السلام نشسته بودم که یکی از پسران عبد الله بن سلام را دیدم در گوشه‌ای نشسته است. به امام محمّد باقر عليه السلام عرض کردم: مردم می‌پندارند پدر این مرد کسی است که علمی از کتاب دارد. فرمود:

خیر، آن کس، علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است. به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وحی شد: به مردم بگو: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. امّا پیامبر این را ابلاغ نکرد و از مردم ترسید. در آن دم به ایشان وحی شد: «ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم نگاه می‌دارد.» پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روز غدیر خم دست علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

۱۰۹. جَعفَرُبنُ أَحمَدَبنِ یُوسُفَ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **یٰا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللهِ حِینَ أَتَتهُ عَزمَةٌ مِنَ اللهِ فِی یَوم شَدِیدِ الحَرِّ فَنُودِیَ فِی النَّاسِ فَاجتَمِعُوا وَ أَمَرَ بِشَجَرَاتٍ فَقِم مَا تَحتَهُنَّ مِنَ الشَّوکِ ثُمَّ قَالَ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ مَن وَلِیُّکُم أَولَی بِکُم مِن أَنفُسِکُم؟ قَالُوا: اللهُ و رَسُولُهُ. فَقَالَ: مَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

جعفر بن احمدبن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: چون اراده این امر از سوی خداوند به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید، ایشان در روزی بسیار گرم بیرون رفت و در میان مردم ندا سرداد و چون گرد آمدند، فرمان داد تا بوته‌هایی آوردند و بر خار تپه کردند. سپس فرمود: ای مردم! ولی شما کیست که از شما به خودتان سزاوارتر است؟ عرض کردند: خدا و رسولش. فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری کند و خوار کن هر که او را خوار کند. و سه بار این سخن را باز گفت.

۱۱۰. عَنِ مُحَمَّدِ بنِ کَعبِ القُرَظِیِّ قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله یَتَحَارَسُهُ أَصحَابُهُ فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ **یٰا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمٰا بَلَّغْتَ رِسٰالَتَهُ وَ اللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ**

النّاسِ﴾ فَتَرَكَ الحَرَسَ حِينَ أَخبَرَهُ اللهُ أَنَّهُ يَعصِمُهُ مِنَ النَّاسِ.
محمّدبن کعب قرظی گفت: پیامبر ﷺ را یاران ایشان نگاهبانی می‌کردند که خداوند این آیه را نازل فرمود، چون خداوند پیامبر ﷺ را خبر داد که او را از گزند مردم نگاه می‌دارد، پیامبر ﷺ نگاهبانان را ترک گفت.

(سورهٔ مائده، آیهٔ ۸۷)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تُحَرِّمُوا طَيِّبٰاتِ مٰا أَحَلَّ اللهُ لَكُمْ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما حلال کرده، حرام مکنید.

۱۱۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ وَ قَولُهُ: ﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تُحَرِّمُوا طَيِّبٰاتِ مٰا أَحَلَّ اللهُ لَكُمْ ﴾ الآيَةُ نَزَلَت فِی عَلِيٍّ وَ أَصحَابِهِ مِنهُم عُثمَانُ بنُ مَظعُونٍ وَ عَمَّارُ بنُ يَاسِرٍ وَ سَلمَانُ حَرَّمُوا عَلَى أَنفُسِهِم الشَّهَوَاتِ وَ هَمُّوا بِالإِخصَاءِ.
ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ حضرت علی ؑ و یارانش همانند عثمان‌بن مظعون و عماربن یاسر و سلمان نازل شد، که شهوات را بر خویشتن حرام کرده بودند و تجرّد پیش گرفته بودند.




وَ مِن سُورَةِ الأنعام

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۴۴ ـ ۴۵)

﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ أَبْوٰابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى إِذٰا فَرِحُوا بِمٰا أُوتُوا أَخَذْنٰاهُمْ بَغْتَةً فَإِذٰا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دٰابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ﴾

پس چون آن‌چه را که به آنان یادآوری شده بود به فراموشی سپردند، درهای همه چیز را بر آنان گشودیم، تا این‌که به آن‌چه به آن‌ها داده شد شادمان شدند. ناگهان آنان را [به عذاب] گرفتیم، پس آن‌گاه ناامید شدند. پس ریشهٔ آن گروهی که ستم کردند قطع گردید. و سپاس از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

۱۱۲. عَن جابِرٍ قالَ: سَأَلتُ أَباجعفرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَى ﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنٰا عَلَيْهِمْ أَبْوٰابَ كُلِّ شَيْءٍ ﴾ إِلَى ﴿ رَبِّ الْعٰالَمِينَ ﴾ قالَ أَبو جَعفرٍ عليه السلام: أَمّا قَولُهُ: ﴿ فَلَمّٰا نَسُوا مٰا ذُكِّرُوا بِهِ ﴾ يَعنِى فَلَمّا تَرَكُوا وَلايَةَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِى طالِبٍ عليه السلام وَ قَد أُمِرُوا بِها.

جابر گفت: دربارهٔ این آیه از امام محمّد باقر عليه السلام پرسیدم. ایشان فرمود: کلام حق تعالی «پس چون آن‌چه را که به آنان یادآوری شده بود به فراموشی سپردند»، یعنی آن هنگام که ولایت علی‌بن ابی طالب عليه السلام را ترک کردند، حال آن‌که به آن امر شده بودند.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۵۴)

﴿ وَ إِذٰا جٰاءَكَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِآيٰاتِنٰا فَقُلْ سَلاٰمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ﴾

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان بر خویش رحمت را مقرّر داشته است.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۸۲)

﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إيمٰانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ ﴾

کسانی‌که ایمان آورده‌اند و ایمانشان را به ظلم درنیامیخته‌اند، آنان‌اند که ایمنی از آن آنهاست و ایشان هدایت‌یافتگان‌اند.

۱۱۳. عَنِ أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ عليه السلام فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إيمٰانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ ﴾ قَالَ أَبُوجَعفَرٍ عليه السلام: يا أَبانُ أَنتُم تَقُولُونَ هُوَ الشِّركُ بِاللهِ وَ نَحنُ نَقُولُ هَذِهِ الآيَةُ نَزَلَت فِی أَمِيرِالمُؤمِنينَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام لِأَنَّهُ لَم يُشرِك بِاللهِ طَرفَةَ عَينٍ قَطُّ وَ لَم يَعبُدِ اللّاتَ وَ العُزَّی وَ هُوَ أَوَّلُ مَن صَلَّی مَعَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ أَوَّلُ مَن صَدَّقَهُ فَهَذِهِ الآيَةُ نَزَلَت فِيهِ.

ابان بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: ای ابان! شما می‌گویید که آن شرک به خداست و ما می‌گوییم این آیه در مورد امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است؛ زیرا لحظه‌ای به خدا شرک نورزید و هرگز لات و عُزّی را نپرستید و او نخستین کسی بود که با پیامبر نماز گزارد و او نخستین کسی بود که پیامبر را تصدیق کرد، پس این آیه در مورد او نازل گشت.

۱۱۴. عَنِ أَبی مَريَمَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَمْ

يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ﴾ قَالَ: يَا أَبَا مَرْيَمَ هَذِهِ وَ اللهِ نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام خَاصَّةً مَا أَلبَسَ إِيمَانَهُ بِشِركٍ وَ لَا ظُلمٍ وَ لَا كِذبٍ وَ لَا سِرقَةٍ وَلَا خِيَانَةٍ.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: ای ابامریم! به خدا سوگند این آیه به‌طور خاص دربارهٔ علی بن ابی طالب عليه السلام نازل شد؛ چراکه هرگز ایمانش به شرک و دروغ و دزدی و خیانت آمیخته نشد.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۱۲)

﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ﴾

و این‌چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انسی و جنّی قرار دادیم.

۱۱۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ وَ فِي قَولِهِ: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا﴾ نَزَلَت فِي النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ فِي أَبِي جَهلٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ پیامبر صلى الله عليه وآله و ابوجهل نازل شد.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۲۲)

﴿أَوَ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برای او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همچون کسی است که در تاریکی‌هاست و از آن‌ها بیرون‌آمدنی نیست؟ این‌گونه برای کافران، آن‌چه انجام می‌دادند، آراسته شده است.

۱۱۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ: ﴿أَوَ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ أَبُو جَهلِ بنِ هِشَامٍ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ ابوجهل بن هشام است.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۳)

﴿ وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ ﴾

و این راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او جدا می‌سازد.

۱۱۷. عَن حَمرَانَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ فِي قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذٰلِكُمْ وَصّٰاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾ قَالَ: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الأَئِمَّةُ مِن وُلدِ فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ عليهم السلام هُم صِرَاطُ اللهِ فَمَن أَتَاهُ سَلَكَ السَّبِيلَ.

حمران گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که دربارهٔ این آیه فرمود: امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام و امامان زاده فاطمه زهرا عليها السلام همان راه خداوند هستند که هر که به آن بپیوندد، راه را درمی‌نوردد.

۱۱۸. مُحَمَّدُبنُ الحَسَنِ بنِ إِبرَاهِيم مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُوبَرزَةَ قَالَ: بَينَمَا نَحنُ عِندَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله إِذ قَالَ ـ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: ﴿ وَ أَنَّ هٰذٰا صِرٰاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لاٰ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ ﴾ فَقَالَ رَجُلٌ: أَلَيسَ إِنَّمَا يَعنِي اللهُ فَضَّلَ هَذَا الصِّرَاطَ عَلَى مَا سِوَاهُ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: هَذَا جَوابُكَ يَا فِلَانُ: أَمَّا قَولُكَ: فَضَّلَ الإِسلَامَ عَلَى مَا سِوَاهُ كَذَلِكَ، وَ أَمَّا قَولُ اللهِ: ﴿ هٰذٰا صِرٰاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ[1] ﴾ فَإِنِّي قُلتُ لِرَبِّي مُقبِلاً عَن غَزوَةِ تَبُوكَ الأُولَى: اللّهُمَّ إِنِّي جَعَلتُ عَلِيًّا بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نُبُوَّةَ لَه مِن بَعدِي، فَصَدِّق كَلَامِي وَ أَنجِز وَعدِي، وَ اذكُر عَلِيًّا بِالقُرآنِ كَمَا ذَكَرتَ هَارُونَ، فَإِنَّكَ قَد ذَكَرتَ اسمِي فِي القُرآنِ. فَقَرأَ آيَةً فَأَنزَلَ تَصدِيقَ قَولِي فَرَسَخَ جَسَدُهُ مِن أَهلِ هَذِهِ القِبلَةِ وَ تَكذِيبِ المُشرِكِينَ حَيثُ حِينَ شَكُوا فِي مَنزِلِ

---

۱. حجر، ۴۱

عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ؈. فَنَزَلَ: ﴿ هٰذا صِراطُ عَلَيَّ مُسْتَقيمٌ ﴾ وَ هُوَ جالِسٌ عِندي فَأَقبِلُوا نَصيحَتَهُ وَ اسمَعُوا قَولَهُ، فَإِنَّهُ مَن يَسُبُّني يَسُبُّ اللهَ وَ مَن سَبَّ عَلِيًّا فَقَد سَبَّني.

محمّد بن حسن بن ابراهيم روایت کرده است: امام محمّد باقر ؈ فرمود: ابوبرزه برای ما چنین گفت: ما نزد رسول خدا ﷺ بودیم که ایشان با دست به حضرت علی ؈ اشاره کرد و فرمود: «این راه راست من است، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید.» مردی عرض کرد: مگر منظور از این آیه این نیست که خداوند این راه را بر دیگر راه‌ها فضیلت بخشید؟ پیامبر ﷺ فرمود: ای فلانی! این جواب توست: این‌که گفتی خداوند اسلام را بر دیگر دین‌ها فضیلت بخشید، همین‌گونه است. و اما کلام خداوند متعال «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهده من است»، هنگامی که از غزوه تبوک اول باز می‌گشتم، به پروردگارم گفتم: خداوندا! من علی را برای خود به منزلهٔ هارون برای موسی قرار دادم، جز آن‌که پس از او دیگر پیامبری نیست، پس کلامم را تصدیق کن و وعده‌ام را به انجام برسان و از علی در قرآن یاد کن؛ همچنان‌که از هارون یاد کردی و از نام من در قرآن یاد کردی. آن‌گاه آیه‌ای قرائت فرمود. پس تصدیق سخنم را نازل کرد و این‌گونه در آن زمان که آنان در منزلت علی‌بن ابی طالب ؈ شک کردند، تن او در برابر اهل این قبله و تکذیب مشرکان استوار گشت، و نازل شد «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهدهٔ من است» و آن کس کنار من نشسته است، پس نصیحتش را بپذیرید و کلامش را بشنوید که هر کس مرا ناسزا گوید، خداوند را ناسزا گفته و هر کس علی ؈ را ناسزا گوید، مرا ناسزا گفته است.

۱۱۹. عَن أَبي مالِكٍ الأَسَدِيِّ قالَ: قُلتُ لِأَبي جَعفَرٍ ؈ عَن قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ وَ أَنَّ هٰذا صِراطي مُسْتَقيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ ﴾ قالَ: فَبَسَطَ أَبو جَعفَرٍ ؈ يَدَهُ اليَسارَ ثُمَّ دَوَّرَ فيها يَدَهُ اليُمنَى ثُمَّ قالَ: نَحنُ صِراطُهُ المُستَقيمُ فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُم عَن سَبيلِهِ يَمينًا وَ شِمالاً ـ ثُمَّ خَطَّ بِيَدِهِ.

ابی‌مالک اسدی گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان دست چپ خود را گشود و دست راستش را حلقه کرد و در آن نهاد و فرمود: ما راه راست او هستیم، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که از چپ و راست شما را از راه او جدا می‌سازد. سپس حضرت با دستش خطی کشید.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۵۸)

﴿ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا ﴾

روزی که بعضی از آیات پروردگار تو بیاید ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده و یا در حال ایمانش کار خیری نکرده است، سودی به او نمی‌بخشد.

۱۲۰. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبی جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا ﴾** يَعنِی صَفوَتَنا وَ نُصرَتَنا. قُلتُ: إِنَّما قَدَّرَ اللهُ عَنهُ بِاللِّسانِ وَ اليَدَينِ وَ القَلبِ. قالَ: يا خَيثَمَةُ إِنَّ نُصرَتَنا بِاللِّسانِ كَنُصرَتِنا بِالسَّيفِ وَ نُصرَتَنا بِاليَدَينِ أَفضَلُ وَ القِيامُ فِيها!

يا خَيثَمَةُ إِنَّ القُرآنَ نَزَلَت أَثلاثًا فَثُلثٌ فِينا وَ ثُلثٌ فِی عَدُوِّنا وَ ثُلثٌ فَرائِضُ وَ أَحكامٌ، وَ لَو أَنَّ آيَةً نَزَلَت فِی قَومٍ ثُمَّ ماتُوا أُولَئِكَ ماتَتِ الآيَةُ إِذًا ما بَقِیَ مِنَ القُرآنِ شَیءٌ، إِنَّ القُرآنَ يَجری مِن أَوَّلِهِ إِلَی آخِرِهِ و آخِرِهِ إِلَی أَوَّلِهِ ما قامَتِ السَّماواتُ وَ الأَرضُ، فَلِكُلِّ قَومٍ آيَةٌ يَتلُونَها.

يا خَيثَمَةُ إِنَّ الإِسلامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلغُرَباءِ وَ هَذا فِی أَيدِی النّاسِ فَكُلٌّ عَلَی هَذا.

يا خَيثَمَةُ سَيَأتِی عَلَی النّاسِ زَمانٌ لا يَعرِفُونَ اللهَ ما هُوَ وَ التَّوحِيدَ حَتَّی يَكُونَ خُرُوجُ الدَّجّالِ وَ حَتَّی يَنزِلَ عِيسَی بنُ مَريَمَ علیه السلام مِنَ السَّماءِ وَ يَقتُلَ اللهُ الدَّجّالَ عَلَی يَدَيهِ وَ يُصَلِّی بِهِم رَجُلٌ مِنّا أَهلَ البَيتِ، أَلا تَرَی أَنَّ عِيسَی يُصَلِّی خَلفَنا وَ هُوَ نَبِیٌّ أَلا وَ نَحنُ أَفضَلُ مِنهُ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: یعنی برگزیدهٔ ما و پیروزساز ما ـ که خداوند فرجش را نزدیک گرداند. عرض کردم: خداوند برای یاری او زبان‌ها و دستان و قلب‌هایی مقدّر فرموده است. فرمود: ای خیثمه! یاری ما با زبان همچون یاری ما با شمشیر است و یاری ما با دست و به پا خاستن در راه ما برتر است. ای خیثمه! قرآن در سه ثلث نازل شد، ثلثی دربارهٔ ما و ثلثی دربارهٔ دشمن ما و ثلثی دربارهٔ واجبات و احکام. اگر چنین بود که آیه‌ای دربارهٔ قومی نازل شود و سپس آنان بمیرند و آن آیه نیز بمیرد، آنگاه هیچ چیز از قرآن باقی نمی‌ماند. همانا قرآن از آغاز تا پایانش و از پایان تا آغازش تا آسمان‌ها و زمین برپاست، در جریان است. پس برای هر قومی آیه‌ای است که آن را تلاوت می‌کنند.

ای خیثمه! اسلام غریب آغاز شد و غریب باز خواهد گشت، پس خوشا به حال غریبان که این به دست مردم است و همه بر این روش‌اند.

ای خیثمه! به زودی زمانی بر مردم می‌آید که خدا و یگانگی او را نمی‌شناسند؛ تا این‌که بیرون شدن دجّال فرا می‌رسد و عیسی‌بن مریم علیه السلام نازل می‌شود و خداوند دجّال را به دستان او هلاک می‌کند و مردی از ما اهل بیت پیشاپیش ایشان نماز می‌گذارد. آیا نمی‌دانی که عیسی پشت ما نماز می‌گذارد و حال آن‌که او پیامبر است؟ بدان که ما برتر از اوییم.

(سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۶۰)

﴿ مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزىٰ إِلاّٰ مِثْلَها ﴾

هر کس کار نیکی به جای آورد، برای او ده برابر آن است و هر کس کار بدی به جای آورد جز به مانند آن جزا داده نمی‌شود.

۱۲۱. عَنْ إِسحاقَ بنِ عَمّارٍ الصَّيرَفِيِّ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ مَنْ جاءَ

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلاٰ يُجْزىٰ إِلاّٰ مِثْلَهٰا ﴾ فَمَا الحَسَنَةُ وَ مَا السَّيِّئَةُ؟ قَالَ: قُلتُ: أَخبِرنِی یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ. قَالَ: الحَسَنَةُ السِّترُ وَالسَّيِّئَةُ إِذاعَةُ حَدِيثِنَا.

اسحاق‌بن عمار صیرفی گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: کار نیک و کار بد چیست؟ عرض کردم: مرا آگاه ساز ای پسر رسول خدا! فرمود: کار نیک پنهان داشتن و کار بد افشاکردن حدیث ماست.

۱۲۲. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَیدٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام أَنَّهُ قَرَأَ ﴿ **مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثٰالِهٰا** ﴾ فَإِذَا جَاءَ بِهَا مَعَ الوَلَایَةِ فَلَهُ عَشرُ أَمثَالِهَا، ﴿ **وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النّٰارِ**[1] ﴾ جَهَنَّمُ لَا یَخرُجُ مِنهَا وَ لَا یُخَفَّفُ عَنهَا العَذَابُ ﴿ **وَ مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ** ﴾ مِن غَیرِهِم لَا یُجَازَی إِلَّا مِثلَهَا.

وَ سَأَلتُهُ عَن قَولِهِ: ﴿ **مَنْ جٰاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خیر منها وَ هُم مِن فَزَعٍ یَومَئِذٍ اٰمِنُونَ** ﴾ مَا هِیَ الحَسَنَةُ الَّتِی مَن جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِن فَزَعِ یَومَ القِیَامَةِ؟ قَالَ: الحَسَنَةُ وَلَایَتُنَا وَ حُبُّنَا ﴿ **و مَنْ جٰاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُم فِی النّارِ** ﴾ وَ لَم یُقبَل لَهُم عَمَلاً وَ لَا صِرفًا وَ لَا عِدلاً فَهُوَ بُغضُنَا أَهلَ البَیتِ هَل یُجزَونَ إِلَّا مَا کَانُوا یَعمَلُونَ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام آیهٔ «هر کس کار نیکی به جای آورد، برای او ده برابر آن است» را خواند و فرمود: با ولایت است که برای او ده برابر آن است. «و کسی که کار بدی به جای آورد به رو در آتش افکنده خواهد شد» جهنمی که هرگز از آن خارج نمی‌گردد به او از عذاب آن تخفیف داده نخواهد شد «و هر کس کار بدی به جای آورد» کسی جز آن کسان، تنها همانند کار بدش مجازات می‌شود. پرسیدم: آن کار نیکی که هر کس انجام دهد از هراس روز قیامت در امان است، چیست؟ فرمود: آن کار نیک ولایت و دوست داشتن ماست. «و هر کس بدی آورد چهره‌هایشان در آتش واژگون شود.» و هیچ‌گونه عملی از آنان پذیرفته نمی‌شود، آن کار بد، دشمنی

---

۱. نحل، ۹۰

کردن با ما اهل بیت است؛ آیا به چیزی جز کردارشان جزا داده می‌شوند؟

۱۲۳. عَن أَبی حَنِیفَةَ سَابِقِ الحَاجِّ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ الحَسَنِ یَقُولُ: ﴿**وَ أَحَاطَت بِهِ خَطِیئَتُهُ**﴾ قَالَ: الإِذَاعَةُ عَلَینَا حَدِیثَنَا ﴿**وَ مَن جَاءَ بِالحَسَنَةِ**﴾ حُبُّنَا أَهلَ البیتِ وَ السَّیِّئَةُ بُغضُنَا أَهلَ البیتِ.

ابی حنیفه سابق الحاج گفت: از عبدالله بن حسن شنیدم که می‌گفت: حضرت دربارهٔ کلام حق تعالی «گناهانشان آنان را احاطه کرد» فرمود: منظور افشا کردن حدیث ماست. و «هر کس کار نیکی به جای آورد» کار نیک، دوست داشتن ما اهل بیت و کار بد دشمنی کردن با ما اهل بیت است.

وَ مِن سُورَةِ الأَعرَافِ

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ لاٰ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يَلِجَ الْجَمَلُ في سَمِّ الْخِيٰاطِ ﴾

و وارد بهشت نمی‌شوند تا این‌که شتر در سوراخ سوزن درآید.

۱۲۴. عَنِ أَبِی الطُّفَیلِ قَالَ: سَمِعتُ أَمِیرَالمُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبِی طالِبٍ علیه السلام یَقُولُ: لَقَد عَلِمَ المُستحفَظُون مِن أَصحابِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ عَائِشَةُ بِنتُ أَبِی بَکرٍ أَنَّ أَصحَابَ الجَمَلِ وَ أَصحَابَ النَّهرَوَانِ مَلعُونُونَ عَلَی لِسانِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ لَا یَدخُلُونَ الجَنَّةَ حَتَّی یَلِجَ الجَمَلُ فِی سَمِّ الخِیاطِ.

ابی‌طفیل گفت: شنیدم امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: حافظان احادیث پیامبر در میان اصحاب ایشان صلی الله علیه و آله و عایشه دختر ابوبکر می‌دانند که اصحاب جمل و اصحاب نهروان بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله مورد لعنت قرار گرفتند و وارد بهشت نمی‌شوند تا این‌که شتر در سوراخ سوزن درآید.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۴)

﴿ وَ نٰادىٰ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابَ النّٰارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنٰا مٰا وَعَدَنٰا

رَبُّنا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمينَ ﴾

و اهل بهشت اهل جهنم را ندا دهند که «ما آن‌چه را پروردگارمان به ما وعده داده بود حق یافتیم؛ آیا شما [نیز] آن‌چه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟ گویند: آری.» در این هنگام بانگ زننده‌ای در میان آن‌ها بانگ می‌زند که «لعنت خدا بر ستمکاران باد».

۱۲۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إنَّ لِعَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام فِی کِتابِ اللهِ أَسمَاءً لَا یَعرِفُهَا النَّاسُ. قَالَ: قُلنَا: وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: سَمَّاهُ اللهُ فِی القُرآنِ مُؤَذِّنًا وَ أَذَانًا، فَأَمَّا قَولُهُ تَعَالَى ﴿ **فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمينَ** ﴾ فَهُوَ المُؤَذِّنُ بَینَهُم یَقُولُ: أَلَا لَعنَةُ اللهِ عَلَى الظَّالِمِینَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِوَلایَتِی وَ استَخَفُّوا بِحَقِّی.

ابن عباس گفت: برای علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام در کتاب خدا نام‌هایی است که مردم نمی‌دانند. گفتیم: کدام نام‌ها؟ فرمود: خداوند در قرآن او را مؤذّن و اذان نامید، و اما منظور از کلام خداوند متعال در آیه «در این هنگام بانگ‌زننده‌ای در میان آن‌ها بانگ می زند که لعنت خدا بر ستمکاران باد» علی عليه السلام است که بین ایشان مؤذن است و می‌فرماید: همانا لعنت خدا بر ستمکاران، همان کسانی که ولایت مرا تکذیب کردند و حق مرا سبک شمردند.

۱۲۶. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا أَحَدٌ فِی التَّوراةِ وَ لَا فِی الإِنجِیلِ وَ لَا فِی الزَّبُورِ إِلَّا عِندَنَا اسمُهُ وَ اسمُ أَبِیهِ وَ إِنَّ فِی التَّورَاةِ مَکتُوبٌ: أَلَا لَعنَةُ اللهِ عَلَى الظَّالِمِینَ.

فرات گفت: حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: در تورات و انجیل و زبور احدی نیست مگر آن‌که اسم او و پدرش نزد ماست و در تورات نوشته شده: «لعنت خدا بر ستمکاران باد.»

فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحَسَنُ بنُ عَلِیِّ بنِ بَزِیعٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: ﴿ **فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ**

بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى الظّالِمينَ ﴾ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ.

فرات گفت: حسن‌بن علی‌بن بزیع روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: «در این هنگام بانگ‌زننده‌ای در میان آنها بانگ می‌زند.» منظور، علی‌بن ابی طالب ﷺ است.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۴۶)

﴿ وَ بَیْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ یَعْرِفُونَ كُلاً بِسیماهُمْ ﴾

و بر اعراف (بلندی‌های آن حایل) مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند.

عَنِ الأَصبَغِ‌بنِ نُباتَةَ قالَ: کُنتُ جالِسًا عِندَ أَمیرِالمُؤمِنینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ ﷺ فَجاءَهُ ابنُ‌الکَوّاءِ فَقالَ: یا أَمیرَالمُؤمِنینَ أَخبِرنی عَن قَولِ اللهِ تَعالَی ـ عَزَّوَجَلَّ: ﴿ لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقیٰ وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها[1] ﴾ فَقالَ لَهُ أَمیرُالمُؤمِنینَ: نَحنُ البُیوتُ الَّتی أَمَرَ اللهُ أَن تُؤتَی مِن أَبوابِها، وَ نَحنُ بابُ اللهِ وَ بُیوتُهُ الَّتی یُؤتَی مِنهُ، فَمَن یَأتِینا وَ امَنَ بِوَلایَتِنا فَقَد أَتَی البُیوتَ مِن أَبوابِها، وَ مَن خالَفَنا وَ فَضَّلَ عَلَینا غَیرَنا فَقَد أَتَی البُیوتَ مِن ظُهورِها.

اصبغ‌بن نباته گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ نشسته بودم که ابن کَوّاء وارد شد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! مرا از کلام خداوند عزّوجلّ باخبر ساز: «نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد آن‌ها شوید، بلکه نیکی آن است که کسی پرهیزکار باشد و از درِ خانه‌ها وارد آن‌ها شوید.»

امیرمؤمنان ﷺ فرمود: ما خانه‌هایی هستیم که خداوند امر فرمود تا از درهای آن وارد شوید و ما باب الله و خانه‌های خداوند هستیم که از آنجا وارد می‌شوند. پس کسی که به سوی ما آید و به ولایت ما ایمان آورد، از درها وارد خانه‌ها شده است و کسی که با ما مخالفت نماید و دیگران را بر ما برتری دهد،

---

۱. بقره، ۱۸۹

از پشت خانه‌ها وارد آن‌ها شده است.

فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿ **وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيماهُمْ** ﴾؟ فَقَالَ: نَحنُ الأَعرَافُ، نَعرِفُ أَنصَارَنَا بِأَسمَائِهِم، وَ نَحنُ الأَعرَافُ الَّذِينَ لَا يُعرَفُ اللهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعرِفَتِنَا، وَ نَحنُ الأَعرَافُ نُوقِفُ يَومَ القِيَامَةِ بَينَ الجَنَّةِ وَ النَّارِ فَلَا يَدخُلُ الجَنَّةَ إِلَّا مَن عَرَفَنَا وَ عَرَفنَاهُ، وَ لَا يَدخُلُ النَّارَ إِلَّا مَن أَنكَرَنَا وَ أَنكَرنَاهُ، رِزقٌ مِنَ اللهِ، لَو شَاءَ عَرَفَ النَّاسُ نَفسَهُ حَتَّى يَعرِفُوا حَدَّهُ وَ يَأتُوهُ مِن بَابِهِ، وَلَكِنَّا جَعَلَنَا أَبوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ بَابَهُ الَّذِي يُؤتَى مِنهُ.

عرض کرد «و بر اعراف مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند» چه؟ فرمود: ما اعراف هستیم که یارانمان را به نام‌هایشان می‌شناسیم و ما اعراف هستیم که خداوند تنها از راه ما شناخته می‌شود و ما اعراف هستیم که در روز قیامت میان بهشت و جهنم می‌ایستیم و تنها کسی وارد بهشت می‌شود که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و تنها کسی وارد جهنم می‌شود که ما را نشناسد و ما او را نشناسیم. این رزقی از جانب خداوند است، اگر می‌خواست مردم او را می‌شناختند و حدّ او را می‌دانستند و از درش وارد می‌شدند؛ امّا ما را ابواب خویش و راه و طریق خود و دری که از آن به سویش وارد می‌شوند، قرار داد.

قَالَ: فَمَن عَدَلَ عَن وَلَايَتِنَا وَ فَضَّلَ عَلَينَا غَيرَنَا فَإِنَّهُم ﴿ **عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ**[1] ﴾ فَلَا سَوَاءُ مَا اعتَصَمَ بِهِ المُعتَصِمُونَ، وَ لَا سَوَاءُ مَا اعتَصَمَ بِهِ النَّاسُ، وَ لَا سَوَاءُ حَيثُ ذَهَبَ مَن ذَهَبَ فَإِنَّمَا ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونٍ كَدِرَةٍ يُفرَغُ بَعضُهَا فِي بَعضٍ، وَ ذَهَبَ مَن ذَهَبَ إِلَينَا إِلَى عُيُونٍ صَافِيَةٍ تَجرِي عَلَيهِم بِإِذنِ اللهِ تَعَالَى لَا انقِطَاعَ لَهَا وَ لَا نَفَادَ.

فرمود: هر که از ولایت ما روی گرداند و غیر ما را بر ما برتری دهد، آنان «از راه راست منحرف‌اند»؛ آن‌چه که پناه آورندگان به آن چنگ می‌اندازند، همه یکسان نیست و آن‌چه که مردم به آن چنگ می‌اندازند، همه یکسان نیست

---

۱. مؤمنون، ۷۴

و چنین نیست که هر که به هر کجا رفت یکسان باشد، بلکه مردم سوی چشمه‌هایی گل‌آلود رفته‌اند که یکی در دیگری می‌ریزد؛ امّا آنان که سوی ما آمده‌اند، سوی چشمه‌هایی زلال آمده‌اند که به اذن خداوند متعال بی‌هیچ گسست و پایانی بر ایشان جاری‌اند.

۱۲۷. عَن حَبَّةَ العُرَنِیِّ أَنَّ ابنَ الکَوَّاءِ أَتی عَلِیًّا فَقالَ: یا أَمیرَ المُؤمِنینَ ما آیَتانِ فی کِتابِ اللهِ تَعالی قَد أَعیَتانی وَ شَکَّکَتانی فی دینی. قالَ: وَ ما هُما؟ قالَ: قَولُ اللهِ تَعالی ﴿ **وَ عَلَى الْأَعْرٰافِ رِجٰالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيمٰاهُمْ** ﴾. قالَ: وَ ما عَرَفتَ هٰذِهِ إِلَی السّاعَةِ؟ قالَ: لا. قالَ: نَحنُ الأَعرافُ مَن عَرَفَنا دَخَلَ الجَنَّةَ وَ مَن أَنکَرَنا دَخَلَ النّارَ.

حبه عرنی گفت: ابن کوّاء خدمت امام علی ﷺ آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! این دو آیه در کتاب خداوند متعال چیست که مرا در دینم سرگشته کرده و به تردید درانداخته است؟ امام فرمود: کدام آیه‌ها؟ عرض کرد: کلام خداوند متعال: «و بر اعراف مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند»؟ فرمود: تاکنون معنی آن را نفهمیده‌ای؟ عرض کرد: نه. فرمود: اعراف ما هستیم، هر که ما را بشناسد، وارد بهشت می‌شود و هر که ما را انکار کند، وارد جهنم می‌گردد.

قالَ: وَ قَولُهُ: ﴿ **وَ الطَّيْرُ صَافّٰاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاٰتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ**[۱] ﴾ قالَ: وَ ما عَرَفتَ هٰذِهِ إِلَی السّاعَةِ؟ قالَ: لا. قالَ: إِنَّ اللهَ خَلَقَ مَلائِکَةً عَلی صُوَرٍ شَتّی فَمِنهُم مَن صَوَّرَهُ عَلی صُورَةِ الأَسَدِ، وَ مِنهُم مَن صَوَّرَهُ عَلی صُورَةِ نَسرٍ، وَ لِلّٰهِ مَلَکٌ عَلی صُورَةِ دیکٍ بَراثِنُهُ تَحتَ الأَرضِ السّابِعَةِ السُّفلی وَ عُرفُهُ مَثنِیٌّ تَحتَ العَرشِ نِصفُهُ مِن نارٍ وَ نِصفُهُ مِن ثَلجٍ، فَلا الَّذی مِنَ النّارِ یُذیبُ الَّذی مِنَ الثَّلجِ وَ لَا الَّذی مِنَ الثَّلجِ یُطفِئُ الَّذی مِنَ النّارِ، فَإِذا کانَ کُلُّ سَحَرٍ خَفَقَ بِجَناحَیهِ وَ صاحَ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ المَلائِکَةِ وَ الرُّوحِ، مُحَمَّدٌ خَیرُ البَشَرِ وَ عَلِیٌّ خَیرُ الوَصِیّینَ فَصاحَتِ الدِّیکَةُ.

عرض کرد: و کلام حق تعالی «و پرندگان بال گشاده خدای را تسبیح می‌گویند،

---

۱. نور، ۴۱

هر یک نماز و تسبیح خود را می‌داند» چه؟ فرمود: معنی آن را نیز تا کنون نفهمیده‌ای؟ عرض کرد: خیر. فرمود: خداوند فرشتگان را بر صورت‌های گوناگونی آفرید، برخی از آنان را صورت شیر بخشید و برخی را صورت عقاب بخشید. خداوند فرشته‌ای بر صورت خروس دارد که چنگال‌هایش به زیر زمین زیرین هفتم است و تاجش به زیر عرش دو نیم شده است؛ نیمی از آتش و نیمی از برف که نه آن‌که از آتش است، آن برفی را آب می‌کند و نه آن‌که از برف است، آن آتشی را خاموش می‌کند. به هنگام هر سحرگاه او بال می‌زند و بانگ برمی‌آورد که پاک و مقدّس است پروردگار فرشتگان و روح، محمّد ﷺ برترین آدمی است و علی علیه‌السلام برترین اوصیاست. آن‌گاه دیگر خروس‌ها نیز بانگ برمی‌آورند.

۱۲۸. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيماهُمْ﴾ قالَ: النَّبِیُّ ﷺ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ وَ فاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم‌السلام عَلی سُورِ الجَنَّةِ وَ النّارِ یَعرِفُونَ المُحِبِّینَ لَهُم بِبَیاضِ الوُجُوهِ وَ المُبغِضِینَ لَهُم بِسَوادِ الوُجُوهِ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «و بر اعراف مردانی هستند که همگی را با سیمایشان می‌شناسند» گفت: ایشان پیامبر ﷺ و علی علیه‌السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهماالسلام هستند که بر دیوار میان بهشت و جهنّم دوستداران خویش را از سپیدی چهره‌هایشان و کینه‌توزان خویش را از سیاهی چهره‌هایشان می‌شناسند.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۴۵)

﴿وَ كَتَبْنا لَهُ فِي الْأَلْواحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾

و برای او (موسی) در آن لوح‌ها از هر چیزی نگاشتیم.

۱۲۹. عَلِیُّ بنُ أَحمَدَبنِ عَتّابٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ علیهماالسلام قالَ: ما بَعَثَ اللهُ نَبِیًّا إِلّا أَعطاهُ مِنَ العِلمِ بَعضَهُ ما خَلا النَّبِیَّ ﷺ فَإِنَّهُ أَعطاهُ مِنَ العِلمِ کُلَّهُ فَقالَ: ﴿تِبیانًا لِکُلِّ شَیءٍ[1]﴾

---

۱. نحل، ۸۹.

و قَالَ: ﴿ وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ﴾ وَ قَالَ: ﴿ الَّذِى عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ[1] ﴾ وَلَم يُخبِر أَنَّ عِندَهُ عِلمَ الكِتابِ وَ مَن لايَقَعُ مِنَ اللهِ عَلَى الجَمِيعِ وَ قَالَ مُحَمَّدٍ ﷺ: ﴿ ثُمَّ اوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا[2] ﴾ فَهَذَا الكُلُّ وَ نَحنُ المُصطَفَونَ، وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ﴿ رَبِّ زدنى علمًا ﴾ فَهِيَ الزِّيَادَةُ الَّتِى عِندَنَا مِنَ العِلمِ الَّذِى لَم يَكُن عِندَ أَحَدٍ مِنَ الأَوصِيَاءِ وَ الأَنبِياءِ وَ لَا ذُرِّيَّةِ الأَنبِيَاءِ غَيرِنَا، فَبِهَذَا العِلم عَلِمنَا البَلايَا وَ المَنَايَا وَ فَصلَ الخِطَابِ.

علی بن احمد بن عتاب روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام از پدر بزرگوارشان علیه‌السلام نقل فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر آن‌که بخشی از علم را به او عطا فرمود؛ به‌جز پیامبر ﷺ که از علم، تمامی آن را به ایشان عطا کرد و فرمود: «بیان کننده هر چیزی است». خداوند فرمود: «و برای او (موسی) در آن لوح‌ها از هر چیزی نگاشتیم»، و فرمود: «کسی که نزد او دانشی از علم کتاب بود» و حال آن‌که چنین خبر نداد که نزد او تمامی علم کتاب بود و کسی از سوی خدا بر تمام دست نیافت، امّا دربارهٔ حضرت محمّد ﷺ فرمود: «سپس این کتاب را به آن کسانی از بندگانمان که برگزیدیم، به میراث دادیم» و این تمامی آن بود و ما برگزیدگان هستیم، پیامبر ﷺ فرمود: «پروردگارا! مرا از علم بیفزا» و این همان افزوده‌ای است که از علم نزد ماست، علمی که نزد هیچ‌یک از اوصیا و پیامبران و یا فرزندان پیامبران جز ما نیست و ما از این علم بلاها و مرگ‌ها و فصل الخطاب را دانستیم.

(سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۷۲)

﴿ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ ﴾

---

۱. نمل، ۴۰ ۲. فاطر، ۳۲

و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذرّیه
آن‌ها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا [من]
پروردگار شما نیستم؟

۱۳۰. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بنُ عَتَّابٍ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: لَو أَنَّ الجُهَّالَ مِن هَذِهِ الأُمَّةِ يَعرِفُونَ مَتَى سُمِّيَ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ لَم يُنكِرُوا، إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعَالَى حِينَ أَخَذَ مِيثَاقَ ذُرِّيَّةِ آدَمَ ﷺ وَ ذَلِكَ فِيمَا أَنزَلَ اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ فِي كِتَابِهِ، قَالَ اللهُ فَنَزَلَ بِهِ جَبرَئِيلُ ﷺ كَمَا قَرَأنَاهُ يَا جَابِرُ أَلَم تَسمَعِ اللهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ** ﴾ وَ إِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَ إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُالمُؤمِنِينَ. فَوَاللهِ لَسَمَّاهُ اللهُ تَعَالَى أَمِيرَالمُؤمِنِينَ فِي الأَظِلَّةِ حَيثُ أَخَذَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ مِيثَاقَ.

فرات گفت: علی‌بن عتاب روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: اگر نادانان این امّت می‌دانستند چه هنگام حضرت علی ﷺ امیرمؤمنان نام گرفت، او را انکار نمی‌کردند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی از فرزندان آدم پیمان گرفت، و این در آن‌چه خداوند بر محمّد ﷺ در کتابش نازل کرده، آمده است، خداوند چنین فرمود و جبرئیل آن را نازل کرد؛ همچنان‌که خود خوانده‌ایم ای جابر! آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: «هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: آری. و این‌که محمّد ﷺ رسول خداست و علی ﷺ امیرمؤمنان است. پس به خدا سوگند خداوند متعال در عالم اظلّه به آن هنگام که از فرزندان آدم پیمان گرفت، او را امیرمؤمنان نام نهاد.

۱۳۱. عَنِ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: قَالَ مُحَمَّدُبنُ عَلِيٍّ ﷺ: لَو عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ مَا اختَلَفَ فِيهِ اثنَانَ. قَالَ: قُلتُ: مَتَى؟ قَالَ: فَقَالَ لِي: فِي الأَظِلَّةِ حِينَ

أَخَذَ اللهُ المِیثَاقَ مِن بَنِی آدمَ مِن ظُهُورِهِم ذُرِّیَّتَهُم وَ أَشهَدَهُم عَلَی أَنفُسِهِم أَلَستُ بِرَبِّکُم؟ قَالُوا: بَلَی. مُحَمَّدٌ نَبِیُّکُم عَلِیٌّ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ وَلِیُّکُم.

ابی خدیجه گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه هنگام حضرت علی علیه السلام امیرمؤمنان نام گرفت، هیچ دو نفری دربارهٔ او اختلاف پیدا نمی‌کردند. عرض کردم: چه هنگام؟ فرمود: در عالم اظلّه، هنگامی که خداوند از فرزندان آدم، در پشت ایشان، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. و محمّد صلی الله علیه و آله پیامبر شماست و علی علیه السلام امیرمؤمنان ولیّ شماست.

۱۳۲. فُرَاتٌ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسمَاعِیلُ بنُ إِسحَاقَ بنِ إِبرَاهِیمَ الفَارِسِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ قَالَ: لَبَّیکَ! قَالَ لَهُ أَتَی الشَّیطَانُ الوَادِیَ فَأتِ الوَادِیَ فَانظُر مَن فِیهِ فَأَتَی الوَادِیَ فَدَارَ فِیهِ فَلَم یَرَ أَحَدًا حَتَّی إِذَا صَارَ عَلَی بَابِهِ لَقِیَ شَیخًا فَقَالَ: مَا تَصنَعُ هُنَا؟ قَالَ: أَرسَلَنِی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: تَعرِفُنِی؟ قَالَ: یَنبَغِی أَن تَکُونَ أَنتَ هُوَ یَا مَلعُونُ قَالَ: نَعَم قَالَ: فَمَا بُدَّ مِن أَن أُصَارِعَكَ. قَالَ: لَابُدَّ مِنهُ، فَصَارَعَهُ فَصَرَعَهُ عَلِیٌّ علیه السلام قَالَ: قُم عَنِّی یَا عَلِیُّ حَتَّی أُبَشِّرَكَ، فَقَامَ عَنهُ فَقَالَ: بِمَ تُبَشِّرُنِی یَا مَلعُونُ؟ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ صَارَ الحَسَنُ عَن یَمِینِ العَرشِ وَ الحُسَینُ عَن یَسَارِ العَرشِ یُعطُونَ شِیعَتَهُم الجَوَائِزَ مِنَ النَّارِ.

فرات گفت: اسماعیل بن اسحاق بن ابراهیم فارسی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! ایشان فرمود: گوش به فرمانم. فرمود: شیطان به این صحرا می‌آید؛ سوی این صحرا برو و بنگر تا چه کسی آنجاست. حضرت علی علیه السلام به صحرا رفت و چرخی زد، امّا هیچ کس را ندید. چون سوی خانه راهی شد، پیرمردی را دید که به ایشان عرض کرد: اینجا چه می‌کنی؟ فرمود: مرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاده است. عرض کرد: مرا می‌شناسی؟ فرمود: بایست تو همان ملعون باشی. عرض کرد: آری. فرمود: باید با تو مبارزه کنم. عرض کرد: گریزی نیست. حضرت با او مبارزه کرد و بر

زمینش زد. عرض کرد: ای علی! برخیز تا تو را مژده‌ای بدهم. حضرت برخاست و فرمود: چه مژده‌ای ای ملعون؟! عرض کرد: چون روز قیامت فرارسد، حسن علیه السلام بر سمت راست عرش و حسین علیه السلام بر سمت چپ عرش می‌ایستند و به شیعیان خویش امان‌نامه جهنّم می‌دهند.

قَالَ: فَقَامَ إِلَیهِ فَقَالَ: أُصَارِعُكَ مَرَّةً أُخرَی، قَالَ: نَعَم، فَصَرَعَهُ أَمِیرُ المؤمنینَ علیه السلام. قَالَ: قُم عَنِّی حَتَّی أُبَشِّرَكَ فَقَامَ عَنهُ فَقَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ عَلَیهِ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ أَخرَجَ ذُرِّیَّتَه مِن ظَهرِهِ مِثلَ الذَّرِّ، قَالَ: فَأَخَذَ مِیثَاقَهُم فَقَالَ: أَلَستُ بِرَبِّكُم؟ قَالُوا بَلَی. قَالَ: فَأَشهَدَهُم عَلَی أَنفُسِهُم فَأَخَذَ مِیثَاقَ مُحَمَّدٍ وَ مِیثَاقَكَ فَعَرَّفَ وَجهَكَ الوُجُوهَ وَ رُوحَكَ الأَروَاحَ، فَلا یَقُولُ لَكَ أَحَدٌ أُحِبُّكَ إِلَّا عَرَفتَهُ، وَ لا یَقُولُ لَكَ أَحَدٌ أُبغِضُكَ إِلَّا عَرَفتَهُ.

حضرت سوی او رفت و فرمود: باری دیگر با تو مبارزه می‌کنم. امیرمؤمنان بر زمینش زد. عرض کرد: برخیز تا تو را مژده‌ای دهم. از رویش برخاست. عرض کرد: چون خداوند آدم علیه السلام را آفرید، ذریّه‌اش را همچون ذرّات از پشتش خارج کرد و از آنان پیمان گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. پس خداوند آنان را بر خودشان گواه ساخت و دربارهٔ محمّد صلی الله علیه و آله از آنان پیمان گرفت و دربارهٔ تو از آنان پیمان گرفت و چهره‌ها را به چهرهٔ تو و روح‌ها را به روح تو شناسانید. پس هیچ کس به تو نمی‌گوید دوستت دارم جز آن‌که تو او را می‌شناسی و هیچ کس به تو نمی‌گوید با تو دشمنم جز آن‌که تو او را می‌شناسی.

قَالَ: قُم صَارِعنِی، قَالَ: ثَالِثَةً؟ قَالَ: نَعَم، فَصَارَعَهُ فَأَعرَقَهُ ثُمَّ صَرَعَهُ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه السلام، فَقَالَ: یَا عَلِیُّ لَا تُبغِضنِی قُم عَنِّی حَتَّی أُبَشِّرَكَ، قَالَ: بَلَی وَ أَبرَءُ مِنكَ وَ أَلعَنُكَ، قَالَ: وَ اللهِ یَابنَ أَبِی طَالِبٍ مَا أَحَدٌ یُبغِضُكَ إِلَّا أَشرَكتُ فِی رَحِمِ أُمِّهِ وَ فِی وَلَدِهِ فَقَالَ لَهُ: أَمَّا قَرَأتَ كِتَابَ اللهِ: ﴿وَ شَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عِدْهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا[1]﴾.

حضرت فرمود: برخیز و مبارزه کن. عرض کرد: برای بار سوم؟ فرمود: آری.

---

۱. الاسراء، ۶۴

پذیرفت و عرق از او به راه افتاد و سپس امیرمؤمنان بر زمینش زد. عرض کرد: ای علی! با من دشمنی مکن، برخیز تا تو را مژده‌ای دهم. فرمود: چیست ای کسی که از تو بیزارم و لعنت بر تو! عرض کرد: ای پسر ابی‌طالب! به خدا سوگند هیچ کس با تو دشمنی نمی‌کند جز آن‌که در رحم مادرش و با پدرش شریک شده‌ام، مگر در کتاب خدا نخوانده‌ای: «و در اموال و فرزندان با آنها شریک شو، و به آنان وعده بده و شیطان آنان را جز به فریب وعده نمی‌دهد.»

۱۳۳. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ مُعنعَنًا: عَنِ أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام قَولُهُ تَعالَی: ﴿ **وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلىٰ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ قَالَ: أَخرَجَ اللهُ مِن ظَهرِ آدَمَ ذُرِّیَّتَهُ إِلَی یَومِ القِیَامَةِ فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَّفَهُم نَفسَهُ وَ أَرَاهُم نَفسَهُ، وَ لَولَا ذَلِكَ لَم یَعرِف أَحَدٌ رَبَّهُ قَالَ: أَلَستُ بِرَبِّكُم؟ قَالُوا: بَلَی. قَالَ: فَإِنَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله عَبدِی وَ رَسُولِی وَ إِنَّ عَلِیًّا أَمِیرَالمُؤمِنِینَ خَلِیفَتِی وَ أَمِینِی. وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: كُلُّ مُولُودٍ یُولَدُ عَلَی المَعرِفَةِ إِنَّ اللهَ تَعَالَی خَالِقُهُ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَی: ﴿ **وَلَئِنْ سَأَلْتَهُم مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللهُ**[1] ﴾.

فرات گفت: محمّدبن قاسم روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و [به یاد آور] هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنان را بر خودشان گواه ساخت که آیا [من] پروردگار شما نیستم؟» فرمود: خداوند از پشت آدم ذریّه‌اش را تا روز قیامت بیرون آورد و آنان چون ذرّات بیرون آمدند و او خود را به آنان شناسانید و خود را به آنان و اگر چنین نبود، هیچ کس پروردگارش را نمی‌شناخت فرمود:: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: پس همانا محمّد صلی الله علیه و آله بندهٔ من و رسول من است و علی امیرمؤمنان علیه السلام، خلیفه من و امین من است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر نوزادی بر این شناخت زاده

---

۱. زخرف، ۸۷

می‌شود که خداوند متعال آفرینندهٔ اوست و این کلام حق تعالی است: «و اگر از آنها بپرسی چه کسی ایشان را آفریده، می‌گویند: خدا.»

۱۳۴. عَنِ مِنهَالِبنِ عَمروٍ قَالَ: دَخَلنَا عَلَى عَلِيِّبنِ الحُسَينِبنِ عَلِيٍّ ﷺ بَعدَ مَا قُتِلَ الحُسَينُ ﷺ فَقُلتُ لَهُ: كَيفَ أَمسَيتَ؟ قَالَ: وَيحَكَ يَا مِنهَالُ أَمسَينَا كَهَيئَةِ آلِ مُوسَى فِي آلِ فِرعُونَ يُذَبِّحُونَ أَبنَاءَهُم وَ يَستَحيُونَ نِسَاءَهُم، أَمسَتِ العَرَبُ تَفتَخِرُ عَلَى العَجَمِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنهَا وَ أَمسَت قُرَيشٌ تَفتَخِرُ عَلَى العَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّدًا مِنهَا وَ أَمسَى آلُ مُحَمَّدٍ ـ عَلَيهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ ـ مَخذُولِينَ مَقهُورِينَ مَقبُورِينَ، فَإِلَى اللهِ نَشكُو غِيبَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَ تَظَاهُرَ الأَعدَاءِ عَلَينَا.

منهال‌بن عمرو گفت: پس از آن‌که امام حسین ﷺ به شهادت رسید، بر امام سجاد ﷺ وارد شدیم و من به ایشان عرض کردم: چگونه شب را گذرانده‌اید؟ فرمود: وای بر تو ای منهال! همچون خاندان موسی در میان خاندان فرعون که فرزندان ایشان را سر می‌بریدند و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند، شب را عرب در حالی سپری کرد که بر عجم می‌بالید و می‌گفت محمّد ﷺ از اوست و قریش شب را در حالی سپری کرد که بر عرب می‌بالید و می‌گفت محمّد ﷺ از آنان است و خاندان محمّد که سلام و صلوات و درود و ارج و رحمت و برکات خداوند بر ایشان باد، در حالی شب را سپری کردند که بی‌کس واگذاشته شده بودند و غم‌زده بودند و به خاک سپرده شده بودند، پس به سوی خدا از نبود پیامبرمان محمّد ﷺ و از همدستی دشمنان علیه ما شکوه می‌کنیم.



وَ مِن سُورَةِ الأنفَالِ

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفٰالِ قُلِ الْأَنْفٰالُ لِلّٰهِ وَ الرَّسُولِ ﴾

به نام خداوند بخشاینده مهربان * از تو دربارهٔ انفال سؤال می‌کنند. بگو انفال از آنِ خدا و پیامبر است.

۱۳۵. أَبَانُ بنُ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفٰالِ قُلِ الْأَنْفٰالُ لِلّٰهِ وَ الرَّسُولِ ﴾** فِيمَن نَزَلَت؟ قَالَ: فِينَا وَاللهِ نَزَلَت خَاصَّةً مَا شَرِكنَا فِيهَا أَحَدٌ.

قُلتُ: فَإِنَّ أَبَا الجَارُودِ رَوَى عَن زَيدِبنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: الخُمسُ لَنَا مَا احتَجنَا إِلَيهِ فَإِذَا استَغنَينَا عَنهُ فَلَيسَ لَنَا أَن نَبنِيَ الدُّورَ وَ القُصُورَ. قَالَ: فَهُوَ كَمَا قَالَ زَيدٌ وَ قَالَ: إِنَّمَا سَأَلتَ عَنِ الأَنفَالِ فَهِيَ لَنَا خَاصَّةً.

ابان‌بن تغلب گفت: از امام جعفر صادق عليه‌السلام پرسیدم: این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شده است؟ ایشان فرمود: به خدا سوگند مخصوص ما خاندان پیامبر و احدی در آن با ما شریک نیست. عرض کردم: اباجارود از زیدبن علی روایت

کرد که وی گفت: خمس برای ما اهل بیت است تا زمانی‌که به آن نیازمندیم و هنگامی‌که از آن بی‌نیاز شدیم، در پی آن نیستیم که خانه‌ها و قصرها بنا کنیم. امام فرمود: همان‌طور است که زید گفته، و از انفال پرسیدی، بدان که مخصوص ما خاندان [اهل بیت] است.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۱۱)

﴿ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدٰامَ ﴾

و از آسمان آبی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار سازد.

۱۳۶. جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدٰامَ** ﴾ قالَ: أَمّا قولُهُ: ﴿ **وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً** ﴾ فَإِنَّ السَّماءَ فِی البَطنِ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ الماءَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام جَعَلَ عَلِيًّا مِن رَسولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ **وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً** ﴾ وَ أَمّا قَولُهُ: ﴿ **لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ** ﴾ فَذَلِكَ عَلِيُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام يُطَهِّرُ اللهُ بِهِ قَلبَ مَن وَالاهُ فَذَلِكَ قَولُهُ ﴿ **لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ** ﴾ وَ أَمّا قَولُهُ ﴿ **وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطٰانِ** ﴾ فَإِنَّهُ يَعنِی مَن وَالَی عَلِيَّ‌بنَ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام أَذهَبَ اللهُ عَنهُ الرِّجسَ وَ تابَ عَلَيهِ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی «و از آسمان آبی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار سازد» فرمود: و امّا کلام حق تعالی «و از آسمان بارانی بر شما فرو فرستاد»،

آسمان در باطن، رسول خدا ﷺ است و آب، امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام است که خداوند او را از رسول خدا ﷺ قرار داد و این کلام حق تعالی است «و از آسمان بارانی بر شما فرو فرستاد». و امّا کلام حق تعالی «تا شما را با آن پاک گرداند» منظور، حضرت علی علیه السلام است که خداوند با او قلب دوستدارانش را پاک گرداند و این کلام او تبارک و تعالی است «تا شما را با آن پاک گرداند»، و امّا کلام حق تعالی «و وسوسهٔ شیطان را از شما بزداید» یعنی حضرت علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند پلیدی را از او می‌زداید و توبه‌اش را می‌پذیرد.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۱)

﴿ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾

و بدانید هر غنیمتی به دست آورید، یک پنجم آن از آنِ خدا و پیامبر و خویشاوندان [پیامبر] است.

۱۳۷. عَن دَيلَمِ بنِ عُمَرَ قَالَ: إنَّا لَقِيَامٌ بِالشَّامِ إذ جِيءَ بِسَبيِّ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ حَتَّى أُقِيمُوا عَلَى الدَّرَجِ إذ جَاءَ شَيخٌ مِن أَهلِ الشَّامِ فَقَالَ: الحَمدُللهِ الَّذِي قَتَلَكُم وَ قَطَعَ قَرنَ الفِتنَةِ. فَقَالَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ علیهما السلام: أَيُّهَا الشَّيخُ فَقَد أَنصَتُّ لَكَ حَتَّى أَبدَيتَ لِي عَمَّا فِي نَفسِكَ مِنَ العَدَاوَةِ، هَل قَرَأتَ القُرآنَ؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: هَل وَجَدتَ لَنَا فِيهِ حَقًّا خَاصَّةً دُونَ المُسلِمِينَ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: مَا قَرَأتَ القُرآنَ. قَالَ: بَلَى قَد قَرَأتُ القُرآنَ. قَالَ: فَمَا قَرَأتَ الأَنفَالَ: **﴿ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾** أَتَدرُونَ مَن هُم؟ قَالَ: لَا. قَالَ: فَإنَّا نَحنُ هُم، قَالَ: إنَّكُم لَأَنتُم هُم؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: فَرَفَعَ الشَّيخُ يَدَهُ إلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إنِّي أَتُوبُ إلَيكَ مِن قَتلِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مِن عَدَاوَةِ آلِ مُحَمَّدٍ.

از دیلم بن عمر نقل است که گفت: هنگامی که اسیران آل محمّد ﷺ را به شام آوردند ما آنجا بودیم، آنان علیهم السلام را بر پلّکان مسجد برپای داشتند که ناگاه

پیرمردی شامی نزد ایشان آمد و گفت: سپاس خداوندی را که شما را کشت و شاخ فتنه را برید! امام سجاد علیه السلام به او فرمود: ای پیرمرد! من سکوت کردم تا آن‌چه در دل از دشمنی داشتی آشکار کردی. آیا قرآن خوانده‌ای؟ عرض کرد: آری. فرمود: آیا به حقّی که مخصوص ماست و شامل دیگر مسلمانان نمی‌شود، برخورده‌ای؟ عرض کرد: نه. فرمود: پس قرآن نخوانده‌ای. عرض کرد: بارها خوانده‌ام. امام فرمود: آیا این آیه سوره انفال را نخوانده‌ای: «و بدانید هر غنیمتی به دست آورید، یک‌پنجم آن از آنِ خدا و پیامبر و خویشاوندان پیامبر است.» آیا می‌دانی آن‌ها چه کسانی هستند؟ عرض کرد: نه. فرمود: ما همان خویشاوندان پیامبر می‌باشیم. پیرمرد عرض کرد: آیا واقعًا شما آنان هستید؟ فرمود: آری. پیرمرد شامی دستش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خداوندا به درگاهت از کشتن خاندان محمّد صلی الله علیه و آله و دشمنی با خاندان محمّد علیهم السلام توبه می‌کنم.

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۴۲)

﴿ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ ﴾

تا هر کس که هلاک (گمراه) می‌شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آن‌که زنده (هدایت) می‌شود از روی دلیل روشنی زنده شود.

عَن سُلَيمَانَ بنِ يَسَارٍ قَالَ: رَأَيتُ ابنَ عَبَّاسٍ لَمَّا تُوُفِّيَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِالكُوفَةِ وَ قَد قَعَدَ فِي المَسجِدِ مُحتَبِيًا وَ وَضَعَ مِرفَقَهُ عَلَى رُكبَتَيهِ وَ أَسنَدَ يَدَهُ تَحتَ خَدِّهِ وَ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَائِلٌ فَاسمَعُوا ﴿ **مَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُر**[1] ﴾ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: إِذَا مَاتَ عَلِيٌّ وَ أُخرِجَ مِنَ الدُّنيَا ظَهَرَت فِي الدُّنيَا خِصَالٌ لَا خَيرَ فِيهَا. فَقُلتُ: وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: تَقِلُّ الأَمَانَةُ وَ تَكثُرُ

---

۱. کهف، ۲۹.

الخِیانَةُ حَتّی یَرکَبَ الرَّجُلُ الفَاحِشَةَ وَ أَصحَابُهُ یَنظُرُونَ إِلَیهِ، وَاللهِ لَتَضَایَقُ الدُّنیَا بَعدَهُ بِنَکبَةٍ، أَلَا وَ إِنَّ الأَرضَ لَایَخلُو مِنِّی مَادَامَ عَلِیٌّ حَیًّا فِی الدُّنیَا بَقِیَّةٌ مِن بَعدِی، عَلِیٌّ فِی الدُّنیَا عِوَضٌ مِنِّی بَعدِی، عَلِیٌّ کَجِلدِی، عَلِیٌّ کَلَحمِی، عَلِیٌّ عَظمِی، عَلِیٌّ کَدَمِی، عَلِیٌّ عُرُوقِی، عَلِیٌّ أَخِی وَ وَصِیِّی فِی أَهلِی وَ خَلِیفَتِی فِی قَومِی وَ مُنجِزُ عِدَاتِی وَ قَاضِی دَینِی، قَد صَحِبَنِی عَلِیٌّ فِی مُلِمَّاتِ أَمرِی، وَ قَاتَلَ مَعِی أَحزَابَ الکُفَّارِ، وَ شَاهَدَنِی فِی الوَحیِ وَ أَکَلَ مَعِی طَعَامَ الأَبرَارِ، وَ صَافَحَهُ جَبرَئِیلُ ﷺ مِرَارًا نَهَارًا جِهَارًا وَ قَبَّلَ جَبرَئِیلُ ﷺ خَدَّ عَلِیٍّ الیَسَارَ وَ شَهِدَ جَبرَئِیلُ وَ أَشهَدَنِی أَنَّ عَلِیًّا مِنَ الطَّیِّبِینَ الأَخیَارِ، وَ أَنَا أَشهَدُکُم مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَتَسَاءَلُونَ مِن عِلمِ أَمرِکُم مَادَامَ عَلِیٌّ فِیکُم، فَإِذَا فَقَدتُمُوهُ فَعِندَ ذَلِكَ تَقُومُ الآیَةُ ﴿ لِیَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَیِّنَةٍ وَ یَحْییٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَیِّنَةٍ ﴾.

سلیمان‌بن یسار گفت: در زمان وفات امیرمؤمنان ﷺ در کوفه ابن عباس را دیدم، که در مسجد نشسته است. دامن لباس را روی پایش انداخته بود و آرنجش را روی زانوانش گذاشته بود و دستش را به زیر گونه‌اش نهاده بود و گفت: ای مردم، منم که سخن می‌گویم، بشنوید: «پس هرکه خواهد ایمان بیاورد و هرکه خواهد کفر ورزد.» از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: هرگاه حضرت علی ﷺ درگذشت و از دنیا برده شد، در دنیا خصلت‌هایی ظاهر می‌شود که هیچ خیری در آن نیست. عرض کردم: ای رسول خدا! این خصلت‌ها چیست؟ حضرت ﷺ فرمود: امانتداری کم و خیانت بسیار می‌شود تا جایی که مرد نزد زن بدکار می رود و دوستانش به او نگاه می‌کنند، به خدا سوگند پس از او [حضرت رسول ﷺ] هر آینه دنیا به نکبت تنگ خواهد شد. بدانید که زمین از من خالی نیست تا آن زمان که علی ﷺ زنده است و او باقی‌ماندهٔ من است، پس از من علی در این دنیا جایگزین من است و علی همچون پوست من است و علی همچون گوشت من است و علی همچون استخوان من است و علی همچون خون من است و علی رگ‌های من است

و علی برادر من است و وصیّ من در میان خاندانم و جانشین من در میان قومم و به انجام‌رسان وعده‌های من و قاضی دین من است. علی در دشواری‌های کارم با من همراه بوده و با من با گروه‌های کافران نبرد کرده است و در وحی شاهد من بوده و با من غذای نیکان را خورده و جبرئیل بارها در روز روشن دست در دست او نهاده و جبرئیل بر گونهٔ چپ علی بوسه زده و جبرئیل شهادت داد و من شهادت می‌دهم که علی از پاکان برگزیده است و من ای جماعت مردم برایتان گواهی می‌دهم که تا علی در میانتان است، نزد یکدیگر جویای علم امرتان نشوید که چون او را از دست دهید، در آن هنگام این آیه بر پا می‌شود: «تا هر کس که هلاک می‌شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آن‌که زنده می‌شود، از روی دلیل روشنی زنده شود.»

(سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۶)

﴿ الْآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فيكُمْ ضَعْفًا ﴾

اکنون خداوند بار شما را سبک کرد و معلوم داشت که شما در سستی هستید.

عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قالَ: قالَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام: لا يَكُونُ النّاسُ فِي حالِ شِدَّةٍ إِلّا كانَ شيعَتي أَحسَنَ النّاسِ حالاً، أَما سَمِعتُم اللهَ يَقُولُ فِي كِتابِهِ المُبينِ **﴿ الْآنَ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فيكُمْ ضَعْفًا ﴾** فَخَفَّفَ عَنهُم ما لايُخَفِّفُ عَن غَيرِهِم.

اصبغ بن نباته گفت: امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام فرمود: مردم بر حالی سخت دچار نمی‌شوند جز آن‌که شیعیان من بهترین حال را در میان مردم دارند، آیا نشنیده‌اند که خداوند در کتاب روشنگر خویش می‌فرماید: «اکنون خداوند بار شما را سبک کرد و معلوم داشت که شما در سستی هستید»، خداوند از آنان باری را می‌کاهد که از غیر ایشان نمی‌کاهد.



وَ مِن سُورَةِ التَّوبَةِ

(سورة توبه، آية ۱ ـ ۱۲)

﴿ بَرٰاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذينَ عٰاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكينَ * فَسيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ أَنَّ اللهَ مُخْزِي الْكٰافِرينَ * وَ أَذٰانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النّٰاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَريءٌ مِنَ الْمُشْرِكينَ وَ رَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ بَشِّرِ الَّذينَ كَفَرُوا بِعَذٰابٍ أَليمٍ * إِلاَّ الَّذينَ عٰاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظٰاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلٰى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقينَ * فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ وَ احْصُرُوهُمْ وَ اقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تٰابُوا وَ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ فَخَلُّوا سَبيلَهُمْ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحيمٌ * وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكينَ اسْتَجٰارَكَ فَأَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ كَلاٰمَ اللهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاٰ يَعْلَمُونَ * كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللهِ وَ عِنْدَ

رَسُولِهِ إِلاَّ الَّذِينَ عاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ فَمَا اسْتَقامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ * كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لا يَرْقُبُوا فيكُمْ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً يُرْضُونكُمْ بِأَفْواهِهِمْ وَ تَأْبىٰ قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فاسِقُونَ * اشْتَرَوْا بِآياتِ اللهِ ثَمَنًا قَلِيلاً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ ساءَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ * لا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلاًّ وَ لا ذِمَّةً وَ أُولٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ * فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * وَ إِنْ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا في دِينِكُمْ فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لا أَيْمانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴾

[این آیات اعلام] بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید. پس چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید، و خداوند خوارکنندهٔ کافران است. و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حجّ اکبر که خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند، پس اگر توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید، و کسانی را که کافر شدند به عذابی دردناک بشارت ده؛ مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بسته‌اید، و چیزی از آن (پیمان) را نکاستند، و کسی را بر ضدّ شما پشتیبانی نکردند، پس پیمان آنان را تا پایان مدّتشان تمام کنید، بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. پس هرگاه ماه‌های حرام به پایان رسید، مشرکان را هر کجا که یافتید بکشید یا آنان را [به اسارت] بگیرید و حبس کنید و در هر کمینگاهی به کمینشان بنشینید؛ پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند [دست از آنان بردارید و] راهشان را باز کنید؛ زیرا خداوند آمرزندهٔ مهربان است. و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد او را پناه بده، تا سخن خدا را بشنود، سپس او را به جای امنش برسان، این (امان دادن) به سبب آن است که

آن‌ها گروهی هستند که نمی‌دانند. چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد پیامبرش [محترم] خواهد بود؟ [و حال آن‌که در دل نیّت پیمان‌شکنی دارند، پس با آن‌ها پیمانی محترم نخواهد بود] مگر [در مورد] کسانی که با آن‌ها کنار مسجدالحرام پیمان بستید. پس تا زمانی که [بر سر پیمانشان] برای شما پایدار ماندند، شما نیز برای آن‌ها [بر سر پیمانتان] پایدار بمانید، به راستی خداوند پرهیزکاران را دوست دارد. چگونه [برای مشرکان عهد و پیمانی است؟] و حال آن‌که اگر بر شما چیره شوند نه خویشاوندی را در مورد شما رعایت می‌کنند و نه پیمانی را، شما را با زبان خود خشنود می‌کنند و حال آن‌که دلشان ابا دارد و بیشتر آن‌ها بیرون روندگان [از دایرهٔ ایمان] هستند. آیات خدا را به بهای اندکی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند، و به راستی بد است آن‌چه می‌کردند. در مورد هیچ مؤمنی خویشاوندی و پیمانی را رعایت نمی‌کنند و آن‌ها همان تجاوزکاران‌اند. پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات بدهند، برادران دینی شما هستند و اما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌نماییم. و اگر سوگندهای خود را پس از پیمانشان بشکنند و در دین شما زبان به طعنه گشایند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها [هیچ تعهدی به] سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.

۱۳۸. عَن حَكِيمِ بنِ جُبَيرٍ عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه‌السلام قَالَ: إِنَّ لِعَلِيٍّ عليه‌السلام إِسمًا فِي القُرانِ مَا يَعرِفُونَهُ. قَالَ: قُلتُ: أَيُّ اسمٍ؟ قَالَ: ﴿ **وَ أَذَانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ** ﴾ قَالَ: فَقَالَ: الأَذَانُ مِنَ اللهِ هُوَ وَاللهِ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام.

حکیم‌بن جبیر گفت: امام سجاد عليه‌السلام فرمود: در قرآن برای حضرت علی عليه‌السلام اسمی است که آن را نمی‌دانند. عرض کردم: کدام اسم؟ فرمود: «و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.» به خدا سوگند آن اعلام از سوی خدا همان علی‌بن ابی‌طالب عليه‌السلام است.

۱۳۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** *

فَسيحُوا فِي الْأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾ يَقُولُ: بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ مِنَ العَهدِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُم مِنَ المُشرِكِينَ غَيرَ أَربَعَةِ أَشهُرٍ كَانَ بَينَ النَّبِيِّ وَ بَينَ المُشرِكِينَ وَلَثٌ مِن عُقُودٍ فَأَمَرَ اللهُ رَسُولَهُ أَن يَنبِذَ إِلَى كُلِّ ذِي عَهدٍ عَهدَهُم إِلّا مَن أَقَامَ الصَّلاةَ وَ أَتَى الزَّكَاةَ، فَلَمَّا كَانَت غَزوَةُ تَبُوكَ وَ دَخَلَت سَنَةُ تِسعٍ فِي شَهرِ ذِي الحَجَّةِ الحَرَامِ مِن مُهَاجَرَةِ رَسُولِ اللهِ ﷺ نَزَلَت هَؤُلاءِ الآيَاتُ وَكَانَ رَسُولُ اللهِ ﷺ حِينَ فَتحَ مَكَّةَ لَم يُؤمَر أَن يَمنَعَ المُشرِكِينَ أَن يَحُجُّوا، وَكَانَ المُشرِكُونَ يَحُجُّونَ مَعَ المُسلِمِينَ فَتَرَكَهُم عَلَى حَجِّهِمُ الأَوَّلِ فِي الجَاهِلِيَّةِ وَ عَلَى أُمُورِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيهَا فِي طَوَافِهِم بِالبَيتِ عُرَاةً وَ تَحرِيمِهِمُ الشُّهُورَ الحَرَامِ و القَلائِدَ و وُقُوفِهِم بِالمُزدَلِفَةِ، فَأَرَادَ الحَجَّ فَكَرِهَ أَن يَسمَعَ تَلبِيَةَ العَرَبِ لِغَيرِ اللهِ وَ الطَّوَافَ بِالبَيتِ عُرَاةً، فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَبَابَكرٍ إِلَى المُوسِمِ، وَ بَعَثَ مَعَهُ بِهؤُلاءِ الآيَاتِ مِن بَرَاءَةٍ وَ أَمَرَهُ أَن يَقرَأَهَا عَلَى النَّاسِ يَومَ الحَجِّ الأَكبَرِ وَ أَمَرَهُ أَن يَرفَعَ الخَمسَ مِن قُرَيشٍ و كِنَانَةَ وَ خُزَاعَةَ إِلَى عَرَفَات، فَسَارَ أَبُوبَكرٍ حَتَّى نَزَلَ بِذِي الحُلَيفَةِ، فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ ﷺ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ يَقُولُ: إِنَّه لَن يُؤَدِّي عَنِّي غَيرُكَ أَو رَجُلٌ مِنكَ. يَعنِي عَلِيًّا فَبَعَثَ النَّبِيُّ ﷺ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فِي أَثَرِ أَبِي بَكرٍ لِيَدفَعَ إِلَيهِ هَؤُلاءِ الآيَاتِ مِن بَرَاءَةٍ وَ أَمَرَهُ أَن يُنَادِيَ بِهِنَّ يَومَ الحَجِّ الأَكبَرِ وَ هُوَ يَومُ النَّحرِ وَ أَن يَبرَءَ ذِمَّةَ اللهِ وَ رَسُولَهُ مِن كُلِّ عَهدٍ، وَ حَمَلَهُ عَلَى نَاقَتِهِ العَضبَاءِ.

ابن عباس درباره كلام خداوند متعال «[این آیات اعلام] بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید، پس چهار ماه در زمین بگردید» گفت: بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به پیمانی است که در غیر از آن چهار ماه با آن مشرکان بسته‌اید. میان پیامبر و مشرکان پیمان‌هایی سست برقرار بود. پس خداوند به رسولش امر کرد تا با هر کس که با او پیمانی دارد، پیمان رها کند مگر با کسانی که نماز به پا دارند و زکات بپردازند.

هنگام غزوه تبوک و در ذی الحجه در سال ۹ هجری این آیات نازل شد. چون رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد، از جانب خدا فرمانی به ایشان داده نشد که

مشرکان را از حج گزاردن منع کند، بلکه مشرکان همراه با مسلمانان حج می‌گزاردند و پیامبر ﷺ هم آنان را رها کرده بود تا به همان شیوه جاهلیت حج گزارند. آن‌ها بر اساس عقاید جاهلی خود عریان حج می‌گزاردند و ماه‌های حرام، قلائد و وقوف در مزدلفه را هم ممنوع کرده بودند. هنگامی که رسول خدا ﷺ اراده حج فرمود، دوست نداشت که «لبیک» عرب را برای غیر خدا بشنود، و عریان طواف کردن آنان را ببیند. از این رو ابوبکر را همراه این آیات از سورهٔ برائت به موسم حج فرستاد و به او امر فرمود تا این آیات را در روز حج اکبر برای مردم بخواند و تا روز عرفات پنج چیز را از قریش، کنانه و خزاعه بردارد.
ابوبکر به راه افتاد تا به ذی الحلیفه[۱] رسید. در این هنگام جبرئیل علیه‌السلام بر پیامبر ﷺ نازل شد و به ایشان عرض کرد: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «جز خودت یا شخصی که از خودت باشد، کس دیگری این پیام و آیات را از سوی من ابلاغ نکند.» یعنی علی علیه‌السلام. پیامبر ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را به دنبال ابوبکر فرستاد تا وی آیات سوره برائت را به او بسپارد و به حضرت فرمان داد تا در روز حج اکبر که همان روز قربانی است، مردم را فراخواند و بگوید که خدا و رسولش از هر عهدی با مشرکان برائت می‌جویند. این چنین پیامبر ﷺ حضرت علی علیه‌السلام را بر شتر خویش که «عضباء» نام داشت، سوار کرد.
فَسَارَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي‌طَالِبٍ علیه‌السلام عَلَى نَاقَةِ الرَّسُولِ فَأَدرَكَهُ بِذِي الْحُلَيفَةِ، فَلَمَّا رَآهُ أَبُوبَكرٍ قَالَ: أَمِيرٌ أَو مَأمُورٌ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ علیه‌السلام بَعَثَنِي رَسُولُ اللهِ ﷺ لِتَدفَعَ إِلَى بَرَاءَةً. قَالَ: فَدَفَعَهَا إِلَيهِ وَ انصَرَفَ أَبُوبَكرٍ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا لِي نَزَعتَ مِنِّي بَرَاءَةَ؟! أُنزِلَ فِيَّ شَيءٌ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ جَبرَئِيلَ نَزَلَ عَلَيَّ فَأَخبَرَنِي أَنَّ اللهَ يَأمُرُنِي أَنَّهُ لَن يُؤَدِّي غَيرِي أَو رَجُلٌ مِنِّي، وَ أَنَا وَ عَلِيٌّ مِن شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَ النَّاسُ مِن شَجَرٍ شَتَّى، أَمَا تَرضَى يَا أَبَابَكرٍ أَنَّكَ صَاحِبِي فِي الغَارِ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ.

---

۱. مکانی که اکنون به مسجد شجره معروف شده است.

حضرت علی ﷺ سوار بر شتر پیامبر ﷺ به راه افتاد، تا این‌که در ذی الحلیفه به ابوبکر رسید. زمانی که ابوبکر حضرت علی ﷺ را دید، به ایشان عرض کرد: امیری یا مأمور؟ فرمود: پیامبر ﷺ مرا فرستاده تا سورهٔ برائت را به من بدهی. ابوبکر سورهٔ برائت را به ایشان داد و به نزد رسول خدا ﷺ بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! چه شد که مرا از ابلاغ این سوره بی‌نصیب ساختی؟ آیا دربارهٔ من چیزی نازل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و به من خبر داد که خداوند به من امر کرده است که این سوره را جز من یا شخصی که از من باشد، کس دیگری ابلاغ نکند. من و علی ﷺ از یک درخت واحدیم و مردم از درختان گوناگون دیگر هستند. آیا خشنود نیستی که تو یار من در غار بوده‌ای؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا!

كَانَ يَومَ الحَجِّ الأَكبرِ وَ فَرَغَ النَّاسُ مِن رَميِ جَمرَةِ الكُبرَى قَامَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ عِندَ الجَمرَةِ فَنَادَى فِي النَّاسِ فَاجتَمَعُوا إِلَيهِ فَقَرَءَ عَلَيهِمُ الصَّحِيفَةَ بِهَؤُلَاءِ الآيَاتِ: ﴿ **بَرَاءَةٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**[1] ﴾ إِلَى قَولِهِ: ﴿ **فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ**[2] ﴾، ثُمَّ نَادَى أَلَا لَا يَطُوفَنَّ بِالبَيتِ عُريَانٌ وَ لَا يَحُجَّنَّ مُشرِكٌ بَعدَ عَامِهِ هَذَا وَ أَنَّ لِكُلِّ ذِي عَهدٍ عَهدَهُ إِلَى مُدَّتِهِ وَ أَنَّ اللهَ لَا يُدخِلُ الجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ مُسلِمًا وَ أَنَّ أَجَلَكُم أَربَعَةُ أَشهُرٍ إِلَى أَن تَبلِغُوا بُلدَانَكُم فَهُوَ قَولُهُ ﴿ **فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ**[3] ﴾ وَ أَذَّنَ النَّاسَ كُلَّهُم بِالقِتَالِ إِن لَم يُؤمِنُوا فَهُوَ قَولُهُ: ﴿ **وَ أَذَانٌ مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ** ﴾ قَالَ: إِلَى أَهلِ خُزَاعَةَ وَ بَنِي مُدلِجٍ وَ مَن كَانَ لَهُ عَهدٌ غَيرُهُم، ﴿ **يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ** ﴾ قَالَ: فَالأَذَانُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ النِّدَاءُ الَّذِي نَادَى بِهِ.

روز حج اکبر بود و مردم از رمی جمرهٔ کبری فارغ شده بودند که امیرمؤمنان

---

۱. توبه، ۱

۲. توبه، ۵

۳. توبه، ۳

علی بن ابی‌طالب ﷺ در کنار جمره ایستاد و در میان مردم ندا سرداد. مردم به دور حضرت جمع شدند و ایشان نامه را با این آیات برای آن‌ها قرائت فرمود: «[این آیات] اعلام بیزاری از سوی خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی است که با آن‌ها پیمان بسته‌اید.» تا آنجا که فرمود: «راهشان را باز کنید.» سپس ندا سر داد: بدانید از این پس دیگر کسی برهنه طواف نکند و از سال بعد مشرکی به حج نمی‌آید و هر کس با رسول خدا ﷺ پیمانی بسته است تا انقضای مدت آن پیمان برقرار است، بدانید که خداوند تنها مسلمانان را وارد بهشت می‌کند و شما فقط چهار ماه فرصت دارید تا به شهرهای خود برسید؛ چرا که خداوند می‌فرماید: «پس چهار ماه در زمین بگردید.» و اگر از این پس ایمان نیاورید، خداوند به همه اجازه پیکار داده است، خداوند می‌فرماید: «و [این پیام] اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر.» به اهل خزاعه و بنی‌مدلج و کسانی که عهدی با پیامبر دارند، «روز حج اکبر» آن اعلام، امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب ﷺ است، همان ندایی که وی برآورد.

قَالَ: فَلَمَّا قَالَ: ﴿ **فَسِيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ** ﴾ قَالُوا: وَ عَلَى مَا تُسِيرُنَا أَربَعَةَ أَشهُرٍ؟ فَقَد بَرِئنَا مِنكَ وَ مِن ابنِ عَمِّكَ إِن شِئتَ الآنَ الطَّعنَ وَ الضَّربَ، ثُمَّ استَثنَى اللهُ مِنهُم فَقَالَ: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ** ﴾ فَقَالَ: العَهدُ مَن كَانَ بَينَهُ وَ بَينَ النَّبِى ﷺ وَلثٌ مِن عُقُودٍ عَلَى المُوادَعَةِ مِن خُزَاعَةَ، وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ **فَسِيحُوا فِي الأَرضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ** ﴾ قال: هذَا لِمَن كَانَ لَهُ عَهدٌ وَ لِمَن خَرَجَ عَهدُهُ فِى أَربَعَةِ أَشهُرٍ لِكَى يَتَفَرَّقُوا عَن مَكَّةَ وَ تِجَارَتِها فَيَبلَغُوا إِلَى أَهلِيهِم ثُمَّ إِن لَقِيهُم بَعدَ ذَلِكَ قَتَلُوهُم، وَ الأَربَعَةُ أَشهُرِ الَّتِى حَرَّمَ اللهُ فِيهَا دِمَاءَهُم: عِشرُونَ مِن ذِى الحَجَّةِ وَ المُحَرَّمُ وَ صَفَرُ وَ رَبِيعُ الأَوَّلُ وَ عَشرٌ مِن رَبِيعِ الآخِرِ فَهَذِهِ أَربَعَةُ أَشهُرِ المَسِيحَاتِ مِن يَومِ قَرَاءَةِ الصَّحِيفَةِ الَّتِى قَرَأَهَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِىُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ ﷺ.

هنگامی که حضرت علی ﷺ فرمود: «پس چهار ماه در زمین بگردید»،

مشرکان گفتند: به چه دلیل ما فقط چهار ماه فرصت داریم؟ ما از تو و پسرعمویت بیزاریم و اگر تو بخواهی با تو نبرد خواهیم کرد. سپس خداوند گروهی از آن‌ها را استثنا کرد و فرمود: «مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بسته‌اید.» حضرت علی علیه‌السلام نیز فرمود: عهد کسانی از خزاعه که با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای صلح پیمانی سست بسته‌اند.

و اما کلام خداوند متعال: «پس چهار ماه در زمین بگردید»، این برای کسانی است که با ایشان عهدی داشتند نیز کسانی که در طی چهار ماه عهدشان به پایان می‌رسد تا از مکه خارج شوند و تجارتشان را به پایان رسانند و به خانواده خود ملحق شوند. پس اگر بعد از این چهار ماه آنان را دیدند، آنان را بکشند.

و آن چهار ماهی که خداوند در آن‌ها خون آنان را حرام کرد، بیست روز از ذی الحجّه و محرّم و صفر و ربیع الاول و ده روز از ربیع الآخر است. این همان چهار ماه حرام است، از روزی که امیرمؤمنان این نامه را قرائت فرمود.

ثُمَّ قَالَ: ﴿**وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللهِ وَ أَنَّ اللهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ**﴾ يَا نَبِيَّ اللهِ قَالَ: فَيُظهِرُ نَبِيَّهُ عَلَيهِ وَ آلِهِ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ قَالَ: ثُمَّ استَثنَى فَنَسَخَ مِنهَا فَقَالَ: ﴿**إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**﴾ هَؤُلَاءِ بَنُو ضَمرَةَ وَ بَنُو مُدلِجٍ حَيَّانٍ مِن بَنِی كِنَانَةَ كَانُوا حُلَفَاءَ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِی غَزوَةِ بَنِی العَشِيرَةِ مِن بَطنِ تُبَّعٍ ﴿**ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا**﴾ يَقُولُ: لَم يَنقَضُوا عَهدَهُم بِغَدرٍ، ﴿**وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا**﴾ قَالَ: لَم يُظَاهِرُوا عَدُوَّكُم عَلَيكُم، ﴿**فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ**﴾ يَقُولُ: أَجَلُهُمُ الَّذِی شَرَطتُم لَهُم، ﴿**إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ**﴾ قَالَ: الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللهَ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيهِم وَ يُوفُونَ بِالعَهدِ. قَالَ: فَلَم يُعَاهِدِ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله بَعدَ هَؤُلَاءِ الآيَاتِ أَحَدًا.

سپس فرمود: «و بدانید که شما عاجزکنندهٔ خدا نیستید و خداوند خوارکنندهٔ کافران است.» ای رسول خدا! و این‌گونه پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله را پشتیبانی کرد. سپس استثنایی قایل شد و بخشی از آیه را نسخ کرد و فرمود: «مگر کسانی از مشرکان

که با آن‌ها پیمان بسته‌اید». ایشان همان بنوضمره و بنومدلج حیّان از بنی‌کنانه از هم‌پیمانان پیامبر در غزوه بنی‌عشیره از جمله تابعه بودند. «و چیزی از آن (پیمان) را نکاستند»، یعنی عهد و پیمانشان را با مکر و نیرنگ نشکستند، «و کسانی را بر ضد شما پشتیبانی نکردند» یعنی از دشمنانتان بر ضد شما پشتیبانی نکردند، «پس پیمان آن‌ها را تا پایان مدتشان تمام کنید». یعنی پایانی که با آنان شرط کرده‌اید، «بی‌تردید خداوند پرهیزکاران را دوست دارد» یعنی کسانی که در آن‌چه بر آنان حرام گشته بود، تقوا پیشه کردند و به عهد خود وفا کردند. حضرت در ادامه فرمود: پس از نزول این آیات پیامبر ﷺ با احدی از مشرکان پیمان نبست.

قالَ: قالَ: ثُمَّ نَسخَ ذٰلِكَ فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ **فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ** ﴾ قالَ: هٰذِهِ الَّذی ذَکَرنا مُنذُ یومِ قَرَأَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ؑ الصَّحیفَةَ یَقولُ: فَإذا مَضَت أَربَعَةُ أَشهُرٍ قاتِلُوا الَّذینَ انقَضَی عَهدُهُم فِی الحِلِّ وَ الحَرامِ ﴿ **حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ.

ثُمَّ استَثنَی فَنَسخَ مِنهُم فَقالَ: ﴿ **وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللهِ** ﴾ قالَ: مَن بُعِثَ إِلَیكَ مِن أَهلِ الشِّركِ یَسأَلُكَ لِتُؤمِنَهُ حَتَّی یَلقاكَ فَیَسمَعَ ما تَقولُ وَ یَسمَعَ ما أُنزِلَ إِلَیكَ فَهُوَ آمِنٌ فَأَجِرهُ ﴿ **حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللهِ** ﴾ وَ هُوَ کَلامُكَ بِالقُرآنِ فَآمِنهُ ﴿ **ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ** ﴾ یَقولُ: حَتَّی یَبلُغَ مَأمَنَهُ مِن بِلادِهِ.

ثُمَّ قالَ: ﴿ **كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآیَةِ فَقالَ: هُما بَطنانِ بَنو ضَمرَةَ وَ بَنو مُدلِجٍ فَأَنزَلَ اللهُ هٰذا فِیهِم حِینَ غَدَرُوا، ثُمَّ قالَ تَعالَی: ﴿ **كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَ لَا ذِمَّةً** ﴾ إِلَی ثَلاثِ آیاتٍ قالَ: هُم قُرَیشٌ نَکَثُوا عَهدَ النَّبِیِّ ﷺ یَومَ الحُدَیبِیَةِ وَ کانُوا رُؤُوسَ العَرَبِ فِی کُفرِهِم ثُمَّ قالَ: ﴿ **قَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ** ﴾.

حضرت فرمود: سپس آن سخن نسخ شد و خداوند نازل فرمود: «پس هرگاه ماه‌های حرام به پایان رسید.» این آیه همان آیه‌ای است که گفتیم حضرت

علی ﷺ در آن روز از صحیفه خواند، می‌گوید: هنگامی که این چهار ماه به پایان رسید، با کسانی که عهدشان را در حلال و حرام نقض کردند، «هرکجا که آنان را یافتید» پیکار کنید، تا پایان آیه. سپس استثنا شد و از میان آنان نیز برخی نسخ شد: «و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد، او را پناه بده تا سخن خدا را بشنود» یعنی اگر کسی از مشرکان به سوی تو آمد و از تو خواست تا پناهش دهی تا تو را ببیند و سخنان تو و آن‌چه را بر تو نازل شده بشنود، او در امان است، پس پناهش ده «تا سخن خدا را بشنود» که همان کلام تو از قرآن است، پس او را ایمن دار، «سپس او را به جای امنش برسان» تا به مأمن خود در سرزمینش برسد.

سپس فرمود: «چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد پیامبرش [محترم] خواهد بود؟» تا پایان آیه. منظور، دو گروه بنی‌ضمره و بنی‌مدلج است که چون حیله‌گری کردند، خداوند این آیه را دربارهٔ آنان نازل کرد و سپس فرمود: «چگونه [برای مشرکان عهد و پیمانی است؟] و حال آن‌که اگر بر شما چیره شوند نه خویشاوندی را در مورد شما رعایت می‌کنند و نه پیمانی را» تا سه آیه بعد. منظور، قریشیان هستند که در جنگ حدیبیه پیمان خود با پیامبر را شکستند و عرب‌ها را در کفرشان رهبری کردند. سپس فرمود: «با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.»

۱۴۰. الحَسَنُ بنُ عَلِیِّ بن بَزیعٍ معنعنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ: یا مَعشَرَ المُسلِمِینَ ﴿ **قَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لاٰ أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ** ﴾ ثُمَّ قَالَ: هَؤُلَاءِ هُم وَ رَبُّ الكَعبَةِ یَعنِی أَهلَ صَفِّینَ وَ البَصرَةِ وَ الخَوارِجِ.

حسن بن علی بن بزیع روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: امیرمؤمنان علی ﷺ فرمود: ای جماعت مسلمانان! «با پیشوایان کفر پیکار کنید، به راستی آن‌ها سوگندی ندارند، باشد که باز ایستند.» سپس حضرت فرمود: سوگند به پروردگار کعبه که آن‌ها همان اهل صفین و بصره و خوارج هستند.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۶)

﴿ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللهِ وَ لاٰ رَسُولِهِ وَ لاَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ﴾

آیا گمان کرده‌اید که [به حال خود] واگذار می‌شوید و حال آن‌که خداوند هنوز کسانی را که از میان شما جهاد کردند و غیر از خدا و پیامبرش و مؤمنان همرازی نگرفتند، مشخص نساخته است؟

۱۴۱. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیه‌السلام: إنَّ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَالَ لِأَنَسَ: یَا أَنَسُ اِنطَلِق فَادعُ لِی سَیِّدَ العَرَبِ ـ یَعنِی عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام فَقَالَت عَائِشَةُ: أَلَستَ سَیِّدَ العَرَبِ؟ قَالَ: أَنَا سَیِّدُ وُلدِ آدَمَ وَ لَا فَخرَ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ سَیِّدُ العَرَبِ. فَلَمَّا جَاءَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام بَعثَ النَّبِیُّ إِلَی الأَنصَارِ فَلَمَّا صَارُوا إِلَیهِ قَالَ لَهُم: مَعشَرَ الأَنصَارِ أَلَا أَدُلُّکُم عَلَی مَا إِن تَمَسَّکتُم بِهِ لَن تَضِلُّوا بَعدِی؟ هَذَا عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ فَحُبُّوهُ کَحُبِّی وَ الزَمُوهُ کَإِلزَامِی فَمَن أَحَبَّهُ فَقَد أَحَبَّنِی وَ مَن أَحَبَّنِی فَقَد أَحَبَّ اللهَ وَ مَن أَحَبَّ اللهَ أَبَاحَهُ جَنَّتَهُ وَ أَذَاقَهُ بَردَ عَفوِهِ، وَ مَن أَبغَضَهُ فَقَد أَبغَضَنِی وَ مَن أَبغَضَنِی فَقَد أَبغَضَ اللهَ وَ مَن أَبغَضَ اللهَ أَکَبَّهُ اللهُ عَلَی وَجهِهِ فِی النَّارِ وَ أَذَاقَهُ أَلِیمَ عَذَابِهِ، فَتَمَسَّکُوا بِوَلَایَتِهِ وَ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّهُ مِن دُونِهِ وَلِیجَةً فَیَغضَبُ عَلَیکُمُ الجَبَّارُ.

جعفر بن محمّد بن سعید روایت کرده است: امام سجاد علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به انس فرمود: ای انس! سرور عرب را نزد من فراخوان ـ یعنی حضرت علی علیه‌السلام ـ عایشه عرض کرد: مگر شما سرور عرب نیستید؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من سرور فرزندان آدم علیه‌السلام هستم و این فخرفروشی نیست و علی بن ابی طالب علیه‌السلام سرور عرب است. چون حضرت علی علیه‌السلام آمد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دنبال انصار فرستاد و هنگامی که آمدند به آن‌ها فرمود: ای جماعت انصار! آیا می‌خواهید شما را به چیزی هدایت کنم که اگر به آن تمسک جویید بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد؟ این شخص علی بن ابی طالب علیه‌السلام است. همچون من دوستش بدارید و

همچون من همراهی‌اش کنید. هر که او را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته است و هر که خدا را دوست بدارد، خداوند بهشت خود را به او ارزانی می‌دارد و بخشش شیرین خود را به او می‌چشاند و هر که با او دشمنی کند، با من دشمنی کرده و هر که با من دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده و هر که با خدا دشمنی کند، خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند، و عذاب دردناکش را به او می‌چشاند. پس به ولایت او تمسک جویید و به‌جای او با دشمن او دمساز نشوید که خداوند جبّار بر شما خشم می‌گیرد.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۹ ـ ۲۲)

﴿ أَ جَعَلْتُمْ سِقٰايَةَ الْحٰاجِّ وَ عِمٰارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرٰامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جٰاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لاٰ يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ لاٰ يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰالِمِينَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَهٰاجَرُوا وَ جٰاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوٰالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَ أُولٰئِكَ هُمُ الْفٰائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوٰانٍ وَ جَنّٰاتٍ لَهُمْ فِيهٰا نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خٰالِدِينَ فِيهٰا أَبَدًا إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴾

آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! نزد خدا برابر نیستند و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کردند، نزد خدا مرتبه‌ای بزرگ‌تر دارند و آنان همان رستگاران‌اند. پروردگارشان به آنان بشارت رحمتی از سوی خود و خشنودی و باغ‌هایی را می‌دهد که در آن‌ها نعمت برای آنان پایدار است. همیشه در آن‌ها جاودان‌اند، به راستی نزد خداوند پاداشی بزرگ است.

۱۴۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إِفتَخَرَ شَيبَةُ بنُ عَبدِالدّارِ وَ العَبّاسُ بنُ عَبدِالمُطلِبِ فَقالَ شَيبَةُ: فِی

أَيدِينَا مَفَاتِيحُ الكَعبَةِ نَفتَحُهَا إِذَا شِئنَا وَ نُغلِقُها إِذَا شِئنَا فَنحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ. وَ قَالَ العَبَّاسُ: فِى أَيدِينَا سِقَايَةُ الحَاجِّ وَ عِمَارَةُ المَسجِدِ الحَرَامِ فَنحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ ، اِذ مَرَّ عَلَيهِمَا أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عَلِىُّ بنُ أَبِى‌طالِبٍ ﷺ فَأَرادَا أَن يَفتخِرَا فَقَالَا لَه: يَا أَبَا الحَسَنِ نُخبِرُكَ بِخَيرِ النَّاسِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ ﷺ؟ ها أَنَا ذَا فَقَالَ شَيبَةُ: فِى أَيدِينَا مَفَاتِيحُ الكَعبَةِ نَفتَحُهَا إِذَا شِئنَا وَ نُغلِقُهَا إِذَا شِئنَا فَنحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ النَّبِىِّ ، وَ قَالَ العَبَّاسُ: فِى أَيدِينَا سِقَايَةُ الحَاجِّ وَ عِمَارَةُ المَسجِدِ الحَرَامِ فَنحنُ خَيرُ النَّاسِ بَعدَ النَّبِىِّ ﷺ.

ابن عباس گفت: شیبه پسر عبدالدار و عباس پسر عبدالمطلب فخر می‌ورزیدند. شیبه گفت: کلیدهای کعبه در دست ماست، هرگاه بخواهیم آن را می‌گشاییم و هرگاه بخواهیم آن را می‌بندیم، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم. عباس گفت: آب دادن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام در دستان ماست، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم. در آن هنگام امیرمؤمنان ﷺ بر آن‌دو گذر کرد، خواستند تا بر ایشان فخر بفروشند و عرض کردند: ای اباحسن! تو را از بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ خبر دهیم؟! ما هستیم. شبیه عرض کرد: کلیدهای کعبه در دست ماست، هرگاه بخواهیم آن را می‌گشاییم و هرگاه بخواهیم آن را می‌بندیم، پس ما بهترین مردمان پس از پیامبریم. عباس عرض کرد: آب‌دادن به حاجیان و آبادکردن مسجدالحرام به دست ماست، پس ما بهترین مردمان پس از رسول خدا ﷺ هستیم.

فَقَالَ لَهُمَا عَلِىُّ بنُ أَبِى‌طالِبٍ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ ﷺ: أَلَا أَدُلُّكُمَا عَلَى مَن هُوَ خَيرٌ مِنكُمَا؟ قَالَا لَهُ: وَ مَن هُوَ؟ قَالَ: الَّذِى ضَرَبَ رَقَبَتَكُمَا حَتَّى أَدخَلَكُمَا فِى الإِسلامِ قَهرًا ، قَالَا: وَ مَن هُوَ؟ قَالَ: أَنَا فَقَامَ العَبَّاسُ مُغضِبًا حَتَّى أَتَى النَّبِىُّ ﷺ فَأَخبَرَهُ بِمَقَالَةِ عَلِىِّ بنِ أَبِى‌طالِبٍ ﷺ فَلَم يَردِ النَّبِىُّ شَيئًا فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ يَقرَؤُكَ السَّلامَ وَيَقُولُ لَكَ: ﴿ أَ جَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ

الْآخِرِ وَجاهَدَ في سَبيلِ اللهِ لا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللهِ » إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَدَعَا النَّبِيُّ ﷺ العَبَّاسَ فَقَرَأَ عَلَيهِ الآيَةَ فَقَالَ: يَا عَمِّ قُم أُخرُج هَذَا الرَّحمانُ يُخَاصِمُكَ فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ.

امیرمؤمنان علی ؑ به آن‌دو فرمود: آیا کسی را به شما معرفی کنم که از شما بهتر است؟ عرض کردند: کیست؟ فرمود: کسی که شمشیر بر گردن شما گذاشت تا این‌که شما را به اجبار به اسلام واداشت. عرض کردند: او کیست؟ فرمود: من. عباس عصبانی برخاست و نزد پیامبر ﷺ رفت و ایشان را از سخن حضرت علی ؑ باخبر کرد. پیامبر هیچ پاسخش را نداد تا این‌که جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! خداوند سلامت رسانید و فرمود: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟ نزد خدا برابر نیستند.» تا آخر آیه. پیامبر ﷺ عباس را فراخواند و این آیه را برایش خواند. سپس فرمود: ای عمو! برخیز و خارج شو که خدای رحمان با تو در مورد علی ؑ مخاصمه کرد.

۱۴۳. عَنِ الكَلبِيِّ قَالَ: تَفَاخَرَ بَنوشَيبَةَ وَ بَنُو العَبَّاسِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ: لَنَا السِّقَايَةُ، وَ قَالَ هَؤُلَاءِ: لَنَا الحِجَابَةُ، فَنَزَلَ **« أَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَ عِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جاهَدَ في سَبيلِ اللهِ »** فِي عَلِيٍّ قَالَ جَابِرُ بنُ الحِرِّ: قُلتُ لِلكَلبِيِّ: نَزَلَت فِي عَلِيٍّ خَاصَّةً؟ قَالَ: نَعَم.

کلبی گفت: بنوشیبه و بنوعباس تفاخر می‌کردند، آنان گفتند: آب دادن حاجیان با ماست و اینان گفتند: پرده‌داری کعبه با ماست. تا این‌که این آیه در مورد حضرت علی ؑ نازل شد: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟!» جابربن حرّ گفت: به کلبی گفتم: آیا این آیه مخصوص حضرت علی ؑ است؟ گفت: بلی.

۱۴۴ . عَلِیُّ بنُ مُحمَّدِ الزَّهرِیُّ مُعنعَنًا: عَنِ جعفرٍ عَن أَبیه علیه السلام قَالَ: لَمّا فَتحَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله مَکَّةَ أَعطَی العَبَّاسَ السِّقَایَةَ وَ أَعطَی عُثمانَ بنَ طَلحَةَ الحِجَابَةَ وَ لَم یُعطِ عَلِیًّا شَیئًا. فَقِیلَ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام: إِنَّ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله أَعطَی العَبَّاسَ السِّقَایَةَ وَ أَعطَی عُثمَانَ بنَ طَلحَةَ الحِجَابَةَ وَ لَم یُعطِكَ شَیئًا. قَالَ: مَا ارضَانِی بِمَا فَعَلَ اللهُ وَ رَسُولُهُ.

قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی هَذِهِ الآیةِ: ﴿ **أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِیلِ اللهِ لَا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللهِ** ﴾ إِلَی ﴿ **أَجْرٌ عَظِیمٌ** ﴾ نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

محمد زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله مکه را فتح کرد، آب دادن به حاجیان را به عباس و پرده‌داری کعبه را به عثمان‌بن طلحه واگذار کرد و به علی علیه السلام چیزی واگذار نکرد. آن‌گاه به علی علیه السلام عرض شد: پیامبر صلی الله علیه و آله سقایت را به عباس و پرده‌داری را به عثمان‌بن طلحه واگذار کرد، ولی به شما چیزی واگذار نکرد. حضرت علی علیه السلام فرمود: به آن‌چه خدا و رسولش انجام دادند، بسیار خشنودم. آن‌گاه خداوند متعال این آیات را در مورد حضرت علی علیه السلام نازل فرمود.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۰)

﴿ وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ ﴾

و پیشی گیرندگان نخستین از مهاجران و انصار.

۱۴۵ . جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدِ بنِ هِشَامٍ مُعنعَنًا: عَنِ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّهُ حَمِدَ اللهَ تَعَالَی وَ أَثنَی عَلَیهِ وَ قَالَ ﴿ **وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ** ﴾ فَكَمَا أَنَّ لِلسَّابِقِینَ فَضلَهُم عَلَی مَن بَعدَهُم كَذلِكَ لِأَبی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام فَضِیلَتُهُ عَلَی السَّابِقِینَ بِسَبقِهِ السَّابِقِینَ.

وَ قَالَ: ﴿ **أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ**

وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللهِ﴾ وَاستَجَابَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ وَ وَاسَاهُ بِنَفسِهِ، ثُمَّ عَمُّهُ حَمزَةُ سَيِّدُالشُّهَدَاءِ وَ قَدكَانَ قُتِلَ مَعَهُ كَثِيرٌ فكَانَ حَمزَةُ سَيِّدَهُم بِقَرَابَتِهِ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، ثُمَّ جَعَلَ اللهُ لِجَعفَرٍ جَنَاحَينِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ المَلَائِكَةِ فِى الجَنَّةِ حَيثُ يَشَاءُ وَ ذٰلِكَ لِمَكَانِهِمَا وَ قَرَابَتِهِمَا مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ مَنزِلَتِهِمَا مِنهُ، وَ صَلَّى رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى حَمزَةَ سَبعِينَ صَلَاةً مِن بَينِ الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ استُشهِدُوا مَعَهُ، وَ جَعَلَ لِنِسَاءِ النَّبِيِّ فَضلاً عَلَى غَيرِهِم لِمَكَانِهِنَّ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، وَ فَضَّلَ اللهُ الصَّلَاةَ فِى مَسجِدِ النَّبِيِّ ﷺ بِأَلفِ صَلَاةٍ عَلَى سَائِرِ المَسَاجِدِ إِلَّا المَسجِدِ الَّذِى إِبتَنَاهُ إِبرَاهِيمُ ﷺ بِمَكَّةَ لِمَكَانِ رَسُولِ اللهِ ﷺ و فَضلِهِ، وَ عَلَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ النَّاسَ الصَّلَوَاتِ فَقَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيتَ عَلَى إِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَحَقُّنَا عَلَى كُلِّ مُسلِمٍ أَن يُصَلِّيَ عَلَينَا مَعَ الصَّلَاةِ فَرِيضَةً وَاجِبَةً مِنَ اللهِ، وَ أَحَلَّ اللهُ لِرَسُولِهِ الغَنِيمَةَ وَ أَحَلَّهَا لَنَا وَ حَرَّمَ الصَّدَقَاتِ عَلَيهِ وَ حَرَّمَهَا عَلَينَا، كَرَامَةً أَكرَمَنَا اللهُ وَ فَضِيلَةً فَضَّلَنَا اللهُ بِهَا.

جعفربن محمّدبن هشام روایت کرده است: امام حسن ﷺ پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود: «و پیشی گیرندگان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکی از آنان پیروی کردند.» همچنان‌که پیشی‌گیرندگان بر کسانی که پس از ایشان هستند برتری دارند، پدرم حضرت علی ﷺ نیز بر پیشی‌گیرندگان برتری دارد؛ چراکه وی از آنان پیشی گرفت.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همچون [عمل] کسی پنداشتید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است» و دعوت رسول خدا ﷺ را پاسخ گفته و با جان خویش به ایشان قوّت قلب داده است؟ پس از آن حمزه سرور شهیدان عموی پیامبر است که به همراه او بسیاری کشته شدند، ولی حمزه به جهت نزدیکی که با پیامبر اکرم ﷺ داشت، سرور آن‌ها بود. پس از آن خداوند به جعفر طیّار دو

بال داد که به وسیلهٔ آن‌دو با فرشتگان در بهشت هرجا بخواهد پرواز می‌کند و این موقعیت به واسطه مقام آن‌دو در نزد پیامبر ﷺ و نزدیکی آن‌ها با ایشان بود.

پیامبر اکرم ﷺ در بین شهیدانی که با حمزه علیه‌السلام به شهادت رسیدند، تنها بر پیکر حمزه علیه‌السلام هفتاد نماز خواند و خداوند زنان پیامبر ﷺ را به سبب جایگاه آنان نسبت به رسول خدا ﷺ بر زنان دیگر برتری بخشید و نماز در مسجد پیامبر ﷺ را برابر با هزار نماز در دیگر مساجد به‌جز مسجدالحرام که ابراهیم علیه‌السلام در مکه بنا کرد، قرار داد.

رسول خدا ﷺ به مردم صلوات آموخت و فرمود: بگویید خداوندا درود بفرست بر محمّد و خاندان محمّد همان‌گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم درود فرستادی، همانا که تو ستودنی و بزرگ هستی. پس حقّ ما بر هر مسلمانی این است که به همراه نماز خود بر ما صلوات بفرستد که این از سوی خداوند متعال فرض و واجب است. خداوند غنیمت را برای پیامبر نیز برای ما حلال کرد و صدقه را برای پیامبر و نیز برای ما حرام کرد، این کرامتی است که خداوند بدان ما را ارج نهاد و فضیلتی است که خداوند بدان ما را برتری بخشید.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۲)

﴿ وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلاً صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ﴾

و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند، کاری نیک را با [کار] دیگری که بد است، به هم آمیختند، امید است خداوند توبه آنان را بپذیرد.

۱۴۶. عَن خَيثَمَةَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ عليه‌السلام فَقَالَ لِي: يَا خَيثَمَةُ أَبلِغ مَوَالِينَا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُم أَنَّهُم لَم يَنَالُوا مَا عِندَ اللهِ إِلَّا بِالعَمَلِ، وَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَلمَانُ مِنَّا أَهلَ البَيتِ إِنَّمَا عَنَى بِمَعرِفَتِنَا وَ إِقرَارِهِ بِوَلَايَتِنَا وَ هُوَ قَولُهُ تَعَالَى: ﴿ **خَلَطُوا عَمَلاً**

صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ﴾ وَالعَسَى مِنَ اللهِ وَاجِبٌ وَ إِنَّمَا نَزَلَت فِي شِيعَتِنَا المُذنِبِينَ.

خیثمه جعفی گفت: بر امام محمّد باقر علیه السلام وارد شدم، ایشان به من فرمود: ای خیثمه! به دوستان ما سلام ما را برسان و ایشان را آگاه کن که به آن‌چه نزد خداست نمی‌رسند مگر با عمل. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سلمان از ما اهل بیت است، و این به خاطر شناخت ما و اقرار به ولایت ما بود؛ این همان کلام خداوند متعال است: «کار نیک را با [کار] دیگری که بد است، به‌هم آمیختند، امید است خداوند توبهٔ آنان را بپذیرد.» امید به خداوند واجب است و این آیه در حقّ شیعیان گناهکار ما نازل شده است.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱)

﴿ إِنَّ اللهَ اشْتَرىٰ مِنَ الْمُؤْمِنينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوٰالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقٰاتِلُونَ في سَبيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰاةِ وَ الْإِنْجيلِ وَ الْقُرْآنِ ﴾

به راستی خداوند از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] این‌که بهشت از آن آنان باشد، خریده است؛ [اینان] در راه خدا کارزار می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند [خداوند به آن‌ها وعده بهشت داده] و عده‌ای که [وفای به آن] در تورات و انجیل و قرآن بر او واجب است.

۱۴۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ الحُسَينُ علیه السلام مَعَ أُمِّهِ تَحمِلُهُ فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ: لَعَنَ اللهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللهُ سَالِبَكَ وَ أَهلَكَ اللهُ المُتَوَازِرِينَ عَلَيكَ وَ حَكَمَ اللهُ بَينِي وَ بَينَ مَن أَعَانَ عَلَيكَ.

قَالَت فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ علیها السلام: يَا أَبَةِ أَيَّ شَيءٍ تَقُولُ؟ قَالَ: يَا بِنتَاهُ ذَكَرتُ مَا يُصِيبُ بَعدِي وَبَعدَكِ مِنَ الأَذَى وَالظُّلمِ وَالغَدرِ وَالبَغيِ، وَهُوَ يَومَئِذٍ فِي عُصبَةٍ كَأَنَّهُم نُجُومُ السَّمَاءِ

يَتَهَادَونَ إِلَى القَتلِ وَ كَأَنِّي أَنظُرُ إِلَى مُعَسكَرِهِم وَ إِلَى مَوضِعِ رَحَالِهِم وَ تُربَتِهِم.
قَالَت: يَا أَبَةُ وَ أَينَ هَذَا المَوضِعُ الَّذِي تَصِفُ؟ قَالَ: مَوضِعُ يُقَالُ لَهُ كَربَلاءُ وَ هِيَ دَارُ كَربٍ وَ بَلاءٍ عَلَينَا وَ عَلَى الأُمَّةِ، يَخرُجُ عَلَيهِم شِرَارُ أُمَّتِي وَ لَو أَنَّ أَحَدَهُم شَفَعَ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الأَرَضِينَ مَا شُفِّعُوا فِيهِ وَ هُمُ المُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ.
جعفربن محمّد فزاری از امام جعفر صادق عليه السلام روايت كرده است كه ايشان فرمود: امام حسين عليه السلام در آغوش مادرش بود كه پيامبر صلى الله عليه و آله امام حسين عليه السلام را گرفت و فرمود: خداوند قاتلت را و آن‌كه تو را چپاول می‌كند لعنت گويد، خدا كسانی راكه عليه تو دست در دست هم می‌دهند، هلاک كند و بين من و كسانی كه دشمنت را ياری می‌كنند، حكم فرمايد. حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: پدر جان چه می‌گوييد؟ فرمود: دخترم! به ياد آن آزار و ظلم و ستم و مكری افتادم كه بعد از من و تو دچار حسين خواهد شد، او در آن روز در ميان گروهی است كه گويی ستارگان آسمان‌اند و به سوی شهادت می‌شتابند و گويی من لشكرگاه و خيمه و تربت آنان را می‌بينم. حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: پدر! اين محلّی كه شما آن را توصيف می‌كنيد، كجاست؟ فرمود: جايی است كه آن را كربلا می‌نامند و آنجا برای ما و اين امت خانهٔ كرب و بلاست. اشرار امّت من عليه ايشان خروج می‌كنند و اگر همهٔ كسانی كه در آسمان‌ها و زمين‌ها هستند برای احدی از آن‌ها نزد خدا شفاعت كنند، پذيرفته نخواهد شد و آنان در آتش جاودان خواهند بود.
قَالَت: يَا أَبَةُ فَيُقتَلُ؟ قَالَ: نَعَم يَا بِنتَاهُ وَ مَا قُتِلَ قِتلَتَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبلَهُ، وَ تَبكِيهِ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرَضُونَ وَ المَلَائِكَةُ وَ الوَحشُ وَ النَّبَاتَاتُ وَ البِحَارُ وَ الجِبَالُ، وَ لَو يُؤذَنُ لَهَا مَا بَقِيَ عَلَى الأَرضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ يَأتِيهِ قَومٌ مِن مُحِبِّينَا لَيسَ فِي الأَرضِ أَعلَمُ بِاللهِ وَ لَا أَقوَمُ بِحَقِّنَا مِنهُم، وَ لَيسَ عَلَى ظَهرِ الأَرضِ أَحَدٌ يَلتَفِتُ إِلَيهِ غَيرُهُم، أُولَئِكَ مَصَابِيحُ فِي ظُلُمَاتِ الجَورِ، وَ هُمُ الشُّفَعَاءُ، وَ هُم وَارِدُونَ حَوضِي غَدًا أَعرِفُهُم إِذَا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسِيمَاهُم،

وَ كُلُّ أَهلِ دِينٍ يَطلُبونَ أَئِمَّتَهُم وَ هُم يَطلُبُونَا وَ لَا يَطلُبُونَ غَيرَنَا ، وَ هُم قِوامُ الأَرضِ ، وَ بِهِم يُنَزِّلُ الغَيثُ.

فَقالَت فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ ؈: يا أَبَةِ إِنَّا لِلّٰهِ ، وَبَكَت. فَقَالَ لَهَا: يَا بِنتَاهُ إِنَّ أَهلَ الجِنَانِ هُمُ الشُّهَدَاءُ فِي الدُّنيا بَذَلُوا ﴿ **أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوٰالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقٰاتِلُونَ فِي سَبيلِ اللهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا** ﴾ فَمَا عِندَ اللهِ خَيرٌ مِنَ الدُّنيا وَ مَا فِيهَا ، قَتلَةٌ أَهوَنُ مِن مِيتَةٍ ، مَن كُتِبَ عَلَيهِ القَتلُ خَرَجَ إِلَى مَضجَعِهِ ، وَ مَن لَم يُقتَل فَسَوفَ يَمُوتُ.

حضرت فاطمه ؈ فرمود: پدر! آیا او کشته خواهد شد؟ فرمود: آری دخترم! چنان‌که هیچ کس پیش از او همچون او کشته نشده است. آسمان‌ها و زمین‌ها و فرشتگان و وحوش و گیاهان و دریاها و کوه‌ها بر او می‌گریند و اگر خدا اجازه می‌داد دیگر هیچ کس بر روی زمین بر جا نمی‌ماند که نفس بکشد. گروهی از دوستداران ما نزدش می‌آیند که در روی زمین به خدا عالم‌تر و به حقّ ما ثابت‌تر از ایشان نخواهد بود و در روی زمین هیچ کس جز ایشان رو سوی او نمی‌کند. آنان در تاریکی‌های ستم چراغ‌های درخشنده‌اند و صاحب مقام شفاعت‌اند. چون فردا بر حوض من وارد شوند، آنان را از سیمایشان خواهم شناخت و چون اهل هر دینی امامان خود را بطلبند، آنان غیر از ما کسی را نخواهند طلبید. آنان باعث قوام زمین‌اند و باران به‌خاطر آنان نازل می‌شود. در آن دم حضرت فاطمه ؈ فرمود: ای پدر! ما از برای خداییم، و گریست. پیامبر ﷺ فرمود: اهل بهشت کسانی هستند که در دنیا از جان و مالشان گواهانی هستند که در دنیا مال و جان خود بخشیدند. «[اینان] در راه خدا کارزار می‌کنند و می‌کشند و کشته می‌شوند [خداوند به آن‌ها وعده بهشت داده است] وعده‌ای که وفای به آن بر او واجب است.» آن‌چه نزد خداست بهتر است از دنیا و آن‌چه در آن است و شهید شدن از مردن آسان‌تر است. هر کس کشته شدن برایش رقم خورده باشد، به قتلگاه خود خواهد رفت و کسی که کشته نشود، یقینًا خواهد مرد.

يَا فَاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ! أَمَا تُحِبِّينَ أَن تَأمُرِينَ غَدًا بِأَمرٍ فَتُطَاعِينَ فِي هَذَا الخَلقِ عِندَ الحِسَابِ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ ابنُكِ مِن حَمَلَةِ العَرشِ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ أَبُوكِ يَأتُونَهُ يَسأَلُونَهُ الشَّفَاعَةَ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ بَعلُكِ يَذُودُ الخَلقَ يَومَ العَطَشِ عَنِ الحَوضِ فَيَسقِي مِنهُ أَولِيَاءَهُ وَ يَذُودُ عَنهُ أَعدَاءَهُ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ بَعلُكِ قَسِيمَ النَّارِ يَأمُرُ النَّارَ فَتُطِيعُهُ يُخرِجُ مِنهَا مَن يَشَاءُ وَ يَترُكُ مَن يَشَاءُ، أَمَا تَرضَينَ أَن تَنظُرِينَ إِلَى المَلَائِكَةِ عَلَى أَرجَاءِ السَّمَاءِ يَنظُرُونَ إِلَيكِ وَ إِلَى مَا تَأمُرِينَ بِهِ وَ يَنظُرُونَ إِلَى بَعلِكِ قَد حَضَرَ الخَلَائِقُ وَ هُوَ يُخَاصِمُهُم عِندَ اللهِ فَمَا تَرِينَ اللهُ صَانِعٌ بِقَاتِلِ وُلدِكِ وَ قَاتِلِيكِ إِذَا أُفلِجَت حُجَّتُهُ عَلَى الخَلَائِقِ وَ أُمِرَتِ النَّارُ أَن تُطِيعَهُ، أَمَا تَرضَينَ أَن تَكُونَ المَلَائِكَةُ تَبكِي لِإبنِكِ وَ يَأسَفُ عَلَيهِ كُلُّ شَيءٍ، أَمَا تَرضَينَ أَن يَكُونَ مَن أَتَاهُ زَائِرًا فِي ضَمَانِ اللهِ وَ يَكُونَ مَن أَتَاهُ بِمَنزِلَةِ مَن حَجَّ إِلَى بَيتِ اللهِ وَاعتَمَرَ وَ لَم يَخلُوا مِنَ الرَّحمَةِ طَرفَةَ عَينٍ وَ إِذَا مَاتَ مَاتَ شَهِيدًا وَ إِن بَقِيَ لَم تَزَلِ الحَفَظَةُ تَدعُو لَهُ مَابَقِيَ وَ لَم يَزَل فِي حِفظِ اللهِ وَ أَمنِهِ حَتَّى يُفَارِقَ الدُّنيَا.

قَالَت: يَا أَبَةِ سَلَّمتُ وَ رَضِيتُ وَ تَوَكَّلتُ عَلَى اللهِ، فَمَسَحَ عَلَى قَلبِهَا وَ مَسَحَ عَينَيهَا فَقَالَ: إِنِّي وَ بَعلَكِ وَ أَنتِ وَ أَبنَيكِ فِي مَكَانٍ تَقَرُّ عَينَاكِ وَ يَفرَحُ قَلبُكِ.

ای فاطمه دختر محمّد ﷺ! آیا دوست نداری فردا به هنگام حساب از هر فرمانی که دربارهٔ این خلق دادی، اطاعت شود، آیا راضی نیستی که پسرت از حاملان عرش باشد، آیا راضی نیستی که مردم نزد پدرت بیایند و طلب شفاعت کنند، آیا راضی نیستی شوهرت خلق را در روز تشنگی از حوض کوثر بازدارد تا دوستانش را از آن بنوشاند و دشمنانش را از آن براند، آیا راضی نیستی شوهرت قسیم دوزخ باشد و به دوزخ فرمان دهد و آن از او اطاعت کند و او هر که را بخواهد از آن بیرون آورد و هر که را بخواهد در آن رها کند، آیا راضی نیستی فرشتگان را بنگری که در جای‌جای آسمان ایستاده‌اند و به تو و آن‌چه دستور می‌دهی می‌نگرند، و نیز به شوهرت می‌نگرند که با خلایقی که حاضر

شده‌اند، نزد خدا مخاصمه می‌کند، چه می‌بینی که خداوند با قاتل فرزندت و قاتلان خودت چه می‌کند؛ در آن هنگام که حجّتش را بر تمامی آفریدگان آشکار می‌سازد و دوزخ فرمان می‌گیرد که از او اطاعت کند. آیا راضی نیستی که فرشتگان بر پسرت گریه کنند و همه چیز برای او اندوهناک شود، آیا راضی نیستی که هر کس به زیارت او برود، در امان خدا باشد و همچون کسی باشد که حجّ کعبه به جا آورده و عمره رفته است و یک چشم بر هم زدن از رحمت خدا دور نباشد و هرگاه بمیرد، شهید مرده باشد و مادامی که زنده باشد، فرشتگان برایش دعا کنند و پیوسته در حفظ و امان خدا باشد تا دنیا را ترک گوید.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پدر! تسلیم و راضی شدم و بر خدا توکل کردم. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر قلب و چشمان حضرت فاطمه علیها السلام کشید و فرمود: من و شوهرت و تو و دو فرزندت در جایگاهی خواهیم بود که چشم تو روشن و قلب تو خوشحال شود.

(سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۹)

﴿ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

۱۴۸. عَن أَبانِ بنِ تَغلِبَ عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ** ﴾ قالَ: مَعَ عَلِیٍّ علیه السلام.

ابان‌بن تغلب گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» یعنی با حضرت علی علیه السلام.

۱۴۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ: ﴿ **یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقینَ** ﴾ قالَ: مَعَ عَلِیٍّ علیه السلام وَ أَصحابِهِ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید» گفت: یعنی با حضرت علی علیه السلام و یارانش.

۱۵۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ: وَ قَولُهُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ** ﴾ نَزَلَت فِي أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طالِبٍ وَ أَهلِ بَيتِهِ علیهم السلام خاصَّةً.

ابن عباس گفت: آیه ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ** ﴾ ویژهٔ حضرت علی علیه السلام و اهل بیتش نازل گشت.

۱۵۱. عَنِ أَبِي‌سَعِيدٍ قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله لَمّا نَزَلَتِ الآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ علیه السلام: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ** ﴾ إلتَفتَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إلَى أَصحابِهِ فَقالَ: أَتَدرُونَ فِيمَن نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ؟ قالُوا: لا يا رَسُولَ اللهِ ما نَدرِي فَقالَ أَبُودُجانَةَ: يا رَسُولَ اللهِ كُلُّنا مِنَ الصّادِقِينَ آمَنّا بِكَ وَ صَدَّقناكَ، قالَ: لا يا أَبادُجانَةَ هَذِهِ نَزَلَت فِي ابنِ عَمِّي أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي‌طالِبٍ علیه السلام خاصَّةً دُونَ النّاسِ وَ هُوَ مِنَ الصّادِقِينَ.

ابی‌سعید گفت: چون آیهٔ ﴿ **اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقِينَ** ﴾ نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله رو به اصحاب خود کرد و فرمود: آیا می‌دانید این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ عرض کردند: خیر ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ما نمی‌دانیم. ابودجانه عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! همهٔ ما از راستگویان هستیم که به تو ایمان آوردیم و تو را تصدیق کردیم. حضرت فرمود: ای ابادجانه! این آیه به‌طور خاص و بدون شراکت دیگران دربارهٔ پسر عموی من امیرمؤمنان علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نازل شد و او از راستگویان است.



وَ مِن سُورَةِ يُونُس

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۱۵)

﴿ وَ إِذٰا تُتْلىٰ عَلَيْهِمْ آيٰاتُنٰا بَيِّنٰاتٍ قٰالَ الَّذينَ لاٰ يَرْجُونَ لِقٰاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مٰا يَكُونُ لي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقٰاءِ نَفْسي إِنْ أَتَّبِعُ إِلاّٰ مٰا يُوحىٰ إِلَيَّ ﴾

و هرگاه آیات ما که روشن است بر آنان خوانده شود، کسانی که به دیدار [ثواب و عقاب] ما امید ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن. بگو: برای من ممکن نیست که آن را از پیش خودم عوض کنم. جز از آن‌چه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم.

۱۵۲. عَنِ أَبی حَمزَةَ الثُمالِیِّ قالَ: سَأَلتُ أَباجعفرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ ﴾ فَقالَ أَبوجعفرٍ عليه السلام: ذَلِكَ قَولُ أَعداءِ اللهِ لِرَسُولِ اللهِ مِن خَلفِهِ ـ وَ هُم یَرونَ أَنَّ اللهَ لا یَسمَعُ قَولَهُم: لَو أَنَّهُ جَعَلَ إِمامًا غَیرَ عَلِیٍّ أَو بَدَّلَهُ مَکانَهُ فَقالَ اللهُ رَدًّا عَلَیهِم قَولَهُم: ﴿ قُلْ مٰا يَكُونُ لي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقٰاءِ نَفْسي ﴾ یَعنِی أَمیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاّٰ مٰا يُوحىٰ إِلَيَّ ﴾ مِن رَبِّی فِی عَلِیٍّ، فَذَلِكَ قَولُهُ ﴿ ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هٰذٰا أَوْ بَدِّلْهُ ﴾.

ابوحمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن» پرسیدم. ایشان فرمود: این سخن دشمنان خداوند است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند و گمان می‌کردند که خداوند سخن آن‌ها را نمی‌شنود: ای کاش او امامی جز علی می‌نهاد یا جایگاه او را عوض می‌کرد! خداوند در پاسخ آنان فرمود: «بگو: برای من ممکن نیست که آن را از پیش خودم عوض کنم.» یعنی امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام را و «جز از آن‌چه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم» یعنی از سوی پروردگارم دربارهٔ حضرت علی عليه السلام، پس این بود کلام خداوند متعال: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را عوض کن».

۱۵۳ . عَنِ زیدِبنِ عَلِیٍّ فِی هَذِهِ الآیَةِ:

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۲۵)

﴿ وَاللّٰهُ يَدْعُوا إِلىٰ دٰارِ السَّلاٰمِ وَ يَهْدي مَنْ يَشٰاءُ إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقيمٍ ﴾

و خداوند به سرای سلامت (بهشت) فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

قَالَ: إِلَی وَلَایَةِ أَمِیرِ المُؤمِنِین عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ عليه السلام.

زیدبن علی گفت: در این آیه ولایت حضرت علی عليه السلام منظور است.

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۳۲)

﴿ فَمٰا ذٰا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاٰلُ فَأَنّٰى تُصْرَفُونَ ﴾

بعد از حق جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟

۱۵۴ . عَبدُالرَّحمَانِ بنِ الحَسَنِ التَمِیمِیِّ البَزّازُ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: خَطَبَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام عَلَی مِنبَرِ الکُوفَةِ وَ کَانَ فِیمَا قَالَ:

وَ اللهِ إِنّی لَدَیّانُ النّاسِ یومَ الدِّینِ وَ قَسِیمُ بینَ الجَنَّةِ وَ النّارِ ، لاَ یدخُلُهَا الدّاخِلُ إلّا عَلی أَحَدِ قِسمَیَّ ، وَ إِنِّی الفَارُوقُ الأَکبرُ ، إِنَّ جَمِیعَ الرُّسلِ وَ المَـلاَئِکَةِ وَ الأَرواحِ خُـلِقُوا لِخَلقِنَا لَقَد أُعطِیتُ التِّسعَ الَّتِی لَمَ یَسبِقَنِی إِلَیهَا أَحَدُ ، عُلِمتُ فَصلَ الخِطَابِ ، وَ بُصِّرتُ سَبِیلَ الکِتَابِ ، و ازجَلُ إِلَی السَّبَحاتِ وَ عَلِمتُ عِلمَ المَنَایَا وَ البَلاَیَا وَ القَضَایَا ، وَ بی کَمالُ الدِّینِ ، وَ أَنَا النِّعمَةُ الَّتِی أَنعَمَها اللهُ عَلَی خَلقِهِ ، کُلُّ ذٰلِكَ مَنٌّ مَنَّ اللهُ بِهِ عَلَیَّ ، و مِنَّا الرَّقِیبُ عَلَی خَلقِ اللهِ ، وَ نَحنُ قَسَمُ اللهِ وَ حُجَّتُهُ بَینَ العِبَادِ إِذ یَقُولُ اللهُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ الَّذي تَسٰائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحٰامَ إِنَّ اللهَ کٰانَ عَلَیْکُمْ رَقِیبًا**[1] ﴾.

عبدالرحمان بن حسن تمیمی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدّ بزرگوارش علیهم السلام نقل کرد که ایشان فرمود: حضرت علی علیه السلام در کوفه بر منبر خطبه‌ای خواند و در آن فرمود: به خدا سوگند منم مزددهندهٔ مردم در روز جزا و منم قسمت‌کنندهٔ بهشت و دوزخ، هیچ کس داخل بهشت و دوزخ نمی‌شود مگر به تقسیم من و من جداکنندهٔ بین حق و باطل هستم و همهٔ فرستادگان و فرشتگان و ارواح برای ما خلق شده‌اند. به من نُه چیز عطا شده که هیچ کس سوی آن‌ها بر من پیشی نگرفته است؛ به من فصل الخطاب تعلیم داده شده است و من به راه‌های کتاب بینا شده‌ام و به راندن و به صدا درآوردن ابرها آشنا شده، علم به مرگ‌ها و بلاها و قضاها به من داده شده است و حکومت‌ها و کمال دین به وجود من است و من آن نعمتی هستم که خدا بر خلق خود ارزانی داشته است و همهٔ این‌ها منّت‌های خداوند است که به من ارزانی داشته است و نگهبان بر خلق خدا از ما قرار داده شده است و ماییم سوگند خدا و حجت او در میان بندگان. خداوند می‌فرماید: «از خدا که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و از [بریدن پیوند با] خویشاوندان پروا نمایید. همانا خداوند مراقب شماست.»

---

۱. نساء، ۱.

فَنحنُ أَهلُ بَيتٍ عَصَمَنا اللهُ مِن أَن نَكُونَ فَتّانِينَ أَو كَذّابِينَ أَو سَاحِرِينَ أَو زَيّافِينَ ، فَمَن كَانَ فِيه شيءٌ مِن هَذِهِ الخِصَالِ فَلَيسَ مِنّا وَ لاَ نَحنُ مِنهُ ، إِنّا أَهلُ بَيتٍ طَهَّرَنا اللهُ مِن كُلِّ نَجِسٍ ، نَحنُ الصّادِقُونَ إِذَا نَطَقنا ، وَ العَالِمُونَ إِذَا سُئِلنا ، أَعطَانَا اللهُ عَشرَ خِصَالٍ لَم تَكُن لِأَحدٍ قَبلَنا وَ لاَ تَكونُ لِأَحدٍ بَعدَنَا: الحِلمُ وَ العِلمُ وَ اللُّبُّ وَ الفُتُوَّةُ و الشَّجاعَةُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبرُ وَ الصِّدْقُ وَ العِفَافُ وَ الطَّهارَةُ ، فَنَحنُ كَلِمَةُ التَّقوى وَ سَبيلُ الهُدى وَ المَثَلُ الأَعلَى وَ الحُجَّةُ العُظمَى وَ العُروَةُ الوُثقَى وَ الحَقُّ الَّذِى أَقَرَّ اللهُ بِهِ ﴿ **فَما ذٰا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاٰلُ فَأَنّٰى تُصْرَفُونَ** ﴾.

ماییم اهل بیتی که خداوند ما را از این‌که فتنه‌گر و دروغ‌پرداز و جادوگر و تقلّب‌کار باشیم معصوم داشته است. پس کسی که در او اندکی از این خصال باشد از ما نیست و ما از او نیستیم. خدا ما اهل بیت را از هرگونه ناپاکی طهارت بخشید. چون به سخن درآییم راستگویانیم و چون از ما پرسیده شود دانایان. خداوند به ما ده خصلت عطا کرده که به هیچ کس پیش و پس از ما آن را نداده است: بردباری و علم و خردمندی و جوانمردی و شجاعت و سخاوت و صبر و صدق و عفاف و طهارت. ماییم کلمهٔ تقوا و راه هدایت و نمونهٔ والا و حجّت عظما و ریسمان استوار و آن حقّی که خداوند مقرّر داشت: «بعد از حق جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟»

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۵۸)

﴿ قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمّٰا يَجْمَعُونَ ﴾

بگو: تنها باید به فضل و رحمت خدا شاد باشند، که آن بهتر است از آن‌چه [دشمنان] فراهم می‌آورند.

۱۵۵ . جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعَنعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفَرٍ ﷺ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **قُلْ بِفَضْلِ اللهِ**

وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ». قَالَ: فَضلُ اللهِ النَّبِيُّ ﷺ وَبِرَحمَتِهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ فرمود: در آیه «بگو تنها باید به فضل و رحمت خدا شاد باشند، که آن بهتر است از آن‌چه فراهم می‌آورند» فضل خدا پیامبر ﷺ و رحمت او، امیرمؤمنان حضرت علی ؑ است.

۱۵۶. عَن زَيدِبنِ أَرقَمَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «**قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ**» فَمَن قَسَمَ اللهُ حُبَّنَا أَهلَ البَيتِ فَهُوَ خَيرٌ لَهُ مِن سُلطَانِ هَؤُلَاءِ خَيرٌ مِمَّا يَجمَعُونَ.

زیدبن ارقم گفت: پیامبر ﷺ فرمود: «بگو تنها باید به فضل و رحمت خدا [شاد باشید]» کسی که خداوند دوستی ما اهل بیت را قسمتش کرده باشد، این برایش بهتر است از سلطنت آنان و بهتر است از آن‌چه که آنان فراهم می‌آورند.

۱۵۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعنَعَنًا: عَنِ أَبِي جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ ؑ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ذَاتَ يَومٍ وَ هُوَ رَاكِبٌ وَ خَرَجَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ وَ هُوَ يَمشِي فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا الحَسَنِ إِمَّا أَن تَركَبَ وَ إِمَّا أَن تَنصَرِفَ فَإِنَّ اللهَ أَمَرَنِي أَن تَركَبَ إِذَا رَكِبتُ و تَمشِيَ إِذَا مَشَيتُ وَ تَجلِسَ إِذَا جَلَستُ إِلَّا أَن يَكُونَ حَدًّا مِن حُدُودِ اللهِ لَا بُدَّ لَكَ مِنَ القِيَامِ وَ القُعُودِ فِيهِ، وَ مَا أَكرَمَنِيَ اللهُ بِكَرَامَةٍ إِلَّا و قَد أَكرَمَكَ بِمِثلِهَا خَصَّنِي بِالنُّبُوَّةِ وَ الرِّسَالَةِ وَ جَعَلَكَ وَلِيَّ ذَلِكَ تَقُومُ فِي صَعبِ أُمُورِهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالحَقِّ نَبِيًّا مَا آمَنَ بِي مَن كَفَرَ بِكَ وَ لَا أَقَرَّ بِي مَن جَحَدَكَ، وَ لَا آمَنَ بِاللهِ مَن أَنكَرَكَ وَ إِنَّ فَضلَكَ لَمِن فَضلِي وَ إِنَّ فَضلِي لِفَضلِ اللهِ وَ هُوَ قَولُ رَبِّي: «**قُلْ بِفَضْلِ اللهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ**».

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است امام محمّد باقر ؑ فرمود: روزی رسول خدا ﷺ از منزل خارج شد در حالی‌که سواره بود. حضرت علی ؑ نیز ایشان را همراهی می‌کرد در حالی‌که پیاده راه می‌رفت. پیامبر ﷺ فرمود: ای

اباحسن! یا سوار شو و یا برگرد؛ چراکه خداوند به من امر کرده که چون من سوار باشم تو نیز سوار باشی و چون من پیاده باشم تو نیز پیاده باشی و چون من نشستم تو نیز بنشینی؛ جز آن‌که حدّی از حدود خدا در کار باشد و چاره‌ای جز قیام و قعود در آن نداشته باشی. خداوند به هیچ ارجی مرا ارجمند نداشته جز آن‌که به همانندش تو را نیز ارج نهاده است. مرا ممتاز به نبوت و رسالت نمود و تو را ولی و جانشین آن قرار داد که به کارهای دشوارش رسیدگی می‌کنی. سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، آن‌که به تو کافر باشد، به من ایمان ندارد و آن‌که تو را تکذیب کند، مرا تصدیق نکرده و آن‌که تو را انکار کند، به خداوند ایمان نیاورده است. فضل تو از فضل من و فضل من از فضل خداست. و این همان کلام پروردگارم است: «بگو: باید به فضل و رحمت خدا شاد باشد که آن بهتر است از آن‌چه [دشمنان] فراهم می‌آورند.»

وَ اللهِ یَا عَلِیُّ مَا خُلِقتَ إِلَّا لِیُعرَفَ بِكَ مَعَالِمُ الدِّینِ وَ یُصلَحَ بِكَ دَارِسُ السَّبِیل، وَ لَقَد ضَلَّ مَن ضَلَّ عَنكَ، وَلَم یَهتَدِ إِلَی اللهِ مَن لَم یَهتَدِ إِلَیكَ وَ إِلَی وَلَایَتِكَ وَ هُوَ قَولُ رَبِّی: ﴿ وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ[1] ﴾؛ یَعنِی إِلَی وَلَایَتِكَ.

وَ لَقَد أَمَرَنِی رَبِّی أَن أَفتَرِضَ مِن حَقِّكَ مَا أَمَرَنِی أَن أَفتَرِضَهُ مِن حَقِّی، فَحَقُّكَ مَفرُوضٌ عَلی مَن آمَنَ بِی كَإِفتِرَاضِ حَقِّی عَلَیهِ، وَ لَولَاكَ لَم یُعرَف حِزبُ اللهِ، وَ بِكَ یُعرَفُ عَدُوُّ اللهِ، وَ لَو لَم یَلقَوهُ بِوَلَایَتِكَ مَا لَقَوهُ بِشَیءٍ، وَ إِنَّ مَكَانِی لَأَعظَمُ مِنْ مَكَانِ مَن تَبِعَنِی.

ای علی! به خدا سوگند تو تنها از آن رو آفریده شده‌ای که نشانه‌های دین از تو شناخته شود و راه‌های فرسوده از تو بهبود یابد، به راستی آن‌که از تو گمراه شود، گمراه است و آن‌که سوی تو و ولایت تو راه نیابد، سوی خدا راه نیافته است و این همان کلام پروردگارم است: «و به راستی من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد.» یعنی

---

۱. طه، ۸۲.

سوی ولایت تو هدایت شود. خداوند مرا امر کرده تا آن حقی را که برای خود واجب گرداندم، برای تو نیز واجب گردانم. پس هر که به من ایمان آورد، همچنان که حقّ من بر او واجب است، حقّ تو نیز بر او واجب گردد. اگر تو نبودی حزب خدا شناخته نمی‌شد و به وسیلهٔ تو دشمن خدا شناخته می‌شود و هر که خدا را بدون ولایت تو ملاقات کند، بدون هیچ چیز او را ملاقات کرده است و بی‌تردید جایگاه من والاتر است از جایگاه کسی که در پی من می‌آید.
وَ لَقد أَنزَلَ اللهُ فِيكَ: ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ[1] ﴾ يَعنِى مِن وَلَايَتِكَ يَا عَلِىُّ ﴿ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ[2] ﴾ ، فَلَولَم أُبَلِّغ مَا أُمِرتُ بِهِ لَحَبِطَ عَمَلِى وَ مَن لَقِىَ اللهَ بِغَيرِ وَلايَتِكَ فَقَدَ حَبِطَ عَمَلُهُ ، مُوعُودٌ مَا أَقُولُ لَكَ إِلَّا مَا يَقُولُ رَبِّى ، وَإِنَّ الَّذِى أَقُولُ لَكَ لَمِنَ اللهِ نَزَلَ فِيكَ ، فَإِلَى اللهِ أَشكُو تَظَاهُرَ أُمَّتِى عَلَيكَ وَ إِلَى اللهِ أَشكُو مَا يَركَبُونَكَ بِهِ بَعدِى.
أَمَّا أَنَّهُ يَا عَلِىُّ مَا تَرَكَ قِتَالِى مَن قَاتَلَكَ ، وَ لَا سِلمَ لِى مَن نَصَبَ لَكَ وَ إِنَّكَ لَصَاحِبُ الأَكوَابِ و صَاحِبُ المَوَاقِفِ المَحمُودَةِ فِى ظِلِّ العَرشِ أَينَمَا أَوقَفُ فَتُدعَى إِذَا دُعِيتُ وَ تُحيَى إِذَا حُيِيتُ وَ تُكسَى إِذَا كُسِيتُ ، حَقَّت كَلِمَةُ العَذَابِ عَلَى مَن لَمْ يُصَدِّق قَولِى فِيكَ ، وَ حَقَّت كَلِمَةُ الرَّحمَةِ لِمَن صَدَّقَنِى ، وَ مَا رَكِبتُ بِأَمرٍ إِلَّا وَ قَد رَكِبتَ بِهِ ، وَ مَا اغتَابَكَ مُغتَابٌ وَ لَا أَعَانَ عَلَيكَ إِلَّا هُوَ فِى حَيِّزِ إِبلِيسَ ، وَ مَن وَالَاكَ وَ وَالَى مَن هُوَ مِنكَ مِن بَعدِكَ كَانَ مِن حِزبِ اللهِ وَ حِزبُ اللهِ هُمُ المُفلِحُونَ.
و خداوند این آیه را دربارهٔ تو نازل فرمود: «ای پیامبر! آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن». یعنی ولایت تو را ای علی! «و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای». اگر آن‌چه را که بدان امر شده بودم ابلاغ نمی‌کردم، هر آینه عملم تباه می‌شد و هرکس خدا را بدون

---

۱. مائده، ۶۷

۲. همان

ولایت تو ملاقات کند، عملش تباه شده است. چنین است که هر آن‌چه برایت می‌گویم، همه سخن پروردگارم است که دربارهٔ تو نازل شده است. از روی‌گرداندن امتم بر تو و از آن‌چه که پس از من در حق تو روا می‌دارند، به سوی خدا شکایت می‌کنم. ای علی! آن‌که با تو بجنگد، از جنگ با من کناره نگرفته و آن‌که با تو جنگ افروزد، با من در آشتی نیست. همانا تو صاحب اکواب و مواقف محموده در زیر سایه عرش خدایی. هر کجا بایستم و مرا فراخوانند، تو نیز فراخوانده می‌شوی و چون زنده شوم، تو نیز زنده می‌شوی و چون لباس بر تنم شود، تو نیز پوشانده می‌شوی. کلمهٔ عذاب برای کسی که قول مرا در مورد تو تصدیق نمی‌کند، راست است و کلمه رحمت برای کسی که مرا تصدیق کند، حق است. پا در امری نگذاشته‌ام جز آن‌که تو در آن پا گذاشته‌ای. هیچ غیبت‌کننده‌ای تو را بد نمی‌گوید و هیچ کس دشمن تو را یاری نمی‌دهد جز آن‌که در جرگه ابلیس است و آن کس که تو را یار باشد و پس از تو نیز با یاران تو باشد، او در گروه حزب الله است و ایشان رستگارند.

(سورهٔ یونس، آیهٔ ۹۴)

﴿ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمّٰا أَنْزَلْنٰا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتٰابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾

و اگر نسبت به آن‌چه به سوی تو نازل کرده‌ایم در شکّی، پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.

۱۵۸. عَن زُرارَةَ بنِ أَعيَنَ قالَ: قُلتُ لأَبی جعفرٍ عليه السلام آيَةً فِی كِتابِ الله تَعالَی نسأَلُكَ قالَ: وَ ما هِیَ؟ قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمّٰا أَنْزَلْنٰا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتٰابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾ مَن هَؤُلاءِ الَّذينَ أُمِرَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِسُؤَالِهِم فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله لَمّا أُسرِیَ بِهِ إِلَی السَّمَاءِ فَصَارَ فِی السَّماءِ الرّابِعَةِ جَمَعَ اللهُ لِی النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ

وَ المَلائِکَةِ، فَأَذَّنَ جبرَئِیلُ عليه السلام وَ أَقامَ الصَّلاةَ ثُمَّ تَقَدَّمَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَصَلّی بِهِم فَلَمّا انصَرَفَ قَالَ: بِمَ تَشهَدُونَ؟ قَالُوا: نَشهَدُ أَن لاَ إِلـه إِلَّا اللهُ وَ إِنَّكَ رَسُولُ اللهِ و إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فَهُوَ مَعنَی قَولُه: ﴿ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ ﴾.

زرارةبن اعین گفت: به امام محمّد باقر عليه السلام عرض کردم: دربارهٔ آیه‌ای از کتاب خدا سؤالی داریم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: کلام حق تعالی «و اگر نسبت به آن‌چه به سوی تو نازل کرده‌ایم در شکّی، پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.» آنان چه کسانی‌اند که رسول خدا صلى الله عليه وآله به سؤال کردن از آنان امر شده است؟ ایشان فرمود: چون رسول خدا صلى الله عليه وآله را شبانه سوی آسمان بردند و ایشان به آسمان چهارم رسید، خداوند پیامبران و صدّیقان و فرشتگان را برای ایشان گرد آورد. آن‌گاه جبرئیل عليه السلام اذان گفت و نماز به پا داشت و رسول خدا صلى الله عليه وآله پیش آمد و نماز آنان را امامت کرد و چون نماز را به پایان رسانید فرمود: به چه چیز شهادت می‌دهید؟ عرض کردند: شهادت می‌دهیم که هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و تو رسول خدایی و علی عليه السلام امیرمؤمنان است. این همان معنی کلام خداوند است که فرمود: «پس از کسانی که کتاب [آسمانی] را پیش از تو می‌خواندند، سؤال کن.»





وَ مِن سُورَةِ هُودَ

(سورهٔ هود، آیهٔ ۷)

﴿ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ﴾

و عرش او بر آب بود.

۱۵۹ . عُبَيدُبنُ كَثِيرٍ مُعنعَنًا: عَنِ الحَسَنِ بنِ عَلِيِّ بنِ أَبِى طالِبٍ عليهما السلام قالَ: شَهِدتُ أَبِى عِندَ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ وَ عِندَهُ كَعبُ الأَحبَارِ وَ كَانَ رَجُلاً قد قَرَأَ التَّورَاةَ وَ كُتُبَ الأَنبِيَاءِ عليهم السلام فَقالَ لَهُ عُمَرُ: يَا كَعبُ مَن كَانَ أَعلَمَ بَنِى إِسرَائِيلَ بَعدَ مُوسَى بنِ عِمرَانَ عليه السلام؟ قَالَ: كَانَ أَعلَمُ بَنِى إِسرَائِيلَ بَعدَ مُوسَى بنِ عِمرَانَ يُوشَعَ بنَ نُونٍ وَ كَانَ وَصِيَّ مُوسَى بنِ عِمرَانَ بَعدَهُ وَ كَذلِكَ كُلُّ نَبِيٍّ خَلا مِن قَبلِ مُوسَى بنِ عِمرَانَ وَ مِن بَعدِهِ كَانَ لَهُ وَصِيٌّ يَقُومُ فِى أُمَّتِهِ مِن بَعدِهِ.

فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَمَن وَصِيُّ نَبِيِّنَا وَ عَالِمُنا؟ أَبُوبَكرٍ؟ قَالَ: وَ عَلِيٌّ سَاكِتٌ لَايَتَكَلَّمُ فَقَالَ كَعبُ: مَهلاً فَإِنَّ السُّكُوتَ عَن هَذا أَفضَلُ، كَانَ أَبُوبَكرٍ رَجُلًا حَظِى بِالصَّلاحِ فَقَدَّمَهُ المُسلِمُونَ لِصَلاحِهِ، وَ لَم يَكُن بِوَصِيٍّ، فَإِنَّ مُوسَى بنَ عِمرَانَ لَمَّا تُوُفِّيَ أَوصَى إِلَى يُوشَعَ بنِ نُونٍ فَقَبِلَهُ طَائِفَةٌ مِن بَنِى إِسرَائِيلَ وَ أَنكَرَت فَضلَهُ طَائِفَةٌ فَهِىَ الَّتِى ذَكَرَ اللهُ فِى القُرآنِ: ﴿ **فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ**

فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ[1] ﴾ وَ كَذَلِكَ الأَنبِياءُ السَّالِفَةُ وَ الأُمَمُ الخَالِيَةُ لَم يَكُن نَبِيٌّ إِلَّا وَ قَد كَانَ لَهُ وَصِيٌّ يَحسُدُهُ قَومُهُ وَ يَدفَعُونَ فَضلَهُ.

عبیدبن کثیر روایت کرده است: امام حسن علیه‌السلام فرمود: پدرم را نزد عمربن خطاب دیدم حال آن‌که کعب الاحبار نیز آنجا بود و او مردی بود که تورات و کتب پیامبران را خوانده بود. عمر به او گفت: ای کعب! پس از موسی‌بن عمران چه کسی داناترین بنی اسرائیل بود؟ گفت: داناترین مرد بنی‌اسرائیل پس از موسی، یوشع‌بن نون بود که پس از موسی‌بن عمران وصی او بود. هر پیامبری که پیش از موسی و پس از او بود، جانشینی داشت که پس از او به کار امتش می‌پرداخت. عمر به او گفت: وصی پیامبر ما و دانای ما کیست؟ ابوبکر؟ در این هنگام حضرت علی علیه‌السلام ساکت بود و سخنی نمی‌گفت. کعب گفت: آرام باش که در این باره سکوت بهتر است. ابوبکر مردی نیکوکار بود که مسلمانان برای نیکوکاری‌اش او را مقدم داشتند، امّا وصیّ نبود. هنگامی‌که موسی‌بن عمران درگذشت، یوشع‌بن نون را وصیّ خود قرار داد. گروهی از بنی‌اسرائیل او را پذیرفتند و گروهی برتری او را منکر شدند و این همان است که خداوند در قرآن از آن یاد کرد: «پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند، آن‌گاه کسانی را که ایمان آوردند [ضدّ] دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شوند.» در میان پیامبران گذشته و امت‌های پیشین هر پیامبری یک وصی داشت که قومش بر او حسد می‌بردند و برتری او را انکار می‌کردند.

فَقَالَ: وَيحَكَ يَا كَعبُ فَمَن تَرَى وَصِيَّ نَبِيِّنَا؟ قَالَ كَعبُ: مَعرُوفٌ فِي جَمِيعِ كُتُبِ الأَنبِيَاءِ وَالكُتُبِ المُنزَلَةِ مِنَ السَّمَاءِ عَلِيٌّ أَخُو النَّبِيِّ العَرَبِيِّ يُعِينُهُ عَلَى أَمرِهِ وَ يُوَازِرُهُ عَلَى مَن نَاوَاهُ، لَهُ زَوجَةٌ مُبَارَكَةٌ وَ لَهُ مِنهَا ابنَانِ يَقتُلُهُمَا أُمَّتُهُ مِن بَعدِهِ، وَ يَحسُدُ وَصِيَّهُ كَمَا حَسَدَتِ الأُمَمُ أَوصِيَاءَ أَنبِيَائِهَا، فَيَدفَعُونَهُ عَن حَقِّهِ وَ يَقتُلُونَ وُلدَهُ مِن بَعدِهِ كَحَذوِ الأُمَمِ المَاضِيَةِ.

---

۱. صف، ۱۴

قَالَ: فَأَفحَمَ عُمَرُ عِندَهَا وَ قَالَ: يَا كَعبُ لَئِن صَدَقتَ فِي كِتَابِ اللهِ المُنزَلِ قَلِيلاً لَقَد كَذَبتَ كَثِيرًا. فَقَالَ كَعبُ: وَاللهِ مَا كَذَبتُ فِي كِتَابِ اللهِ قَطُّ وَلكِن سَأَلتَنِي عَن أَمرٍ لَم يَكُن لِي بُدٌّ مِن تَفسِيرِهِ وَ الجَوَابِ فِيهِ، فَإِنِّي لَأَعلَمُ أَنَّ أَعلَمَ هَذِهِ الأُمَّةِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بَعدَ نَبِيِّهَا لِأَنِّي لَم أَسأَلهُ عَن شَيءٍ إِلَّا وَ جَدتُ عِندَهُ عِلمًا تُصَدِّقُهُ بِهِ التَّورَاةُ وَ جَمِيعُ كُتُبِ الأَنبِيَاءِ.

فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: أُسكُت يَا ابنَ اليَهُودِيَّةِ فَوَاللهِ إِنَّكَ لَكَثِيرُ التَّخَرُّصِ بِكَذِبٍ فَقَالَ كَعبُ: وَاللهِ مَا عَمِلتُ أَنِّي كَذَبتُ فِي شَيءٍ مِن كِتَابِ اللهِ مُنذُ جَرَى لِلّهِ عَلَيَّ الحُكمُ، وَ لَئِن شِئتَ لَأُلقِيَنَّ عَلَيكَ شَيئًا مِن عِلمِ التَّورَاةِ فَإِن فَهِمتَهُ فَأَنتَ أَعلَمُ مِنهُ وَ إِن فَهِمَهُ فَهُوَ أَعلَمُ مِنكَ. فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: هَاتِ بَعضَ هَنَاتِكَ.

عمر گفت: وای بر تو ای کعب! پس به نظر تو وصیّ پیامبر ما کیست؟ کعب گفت: او در کتب همهٔ پیامبران و کتب آسمانی معروف است، او همان علی عليه السلام برادر پیامبر عربی است که در امورش یاور او و در برابر دشمنانش، پشتیبان اوست. او همسری بزرگوار و از او دو پسر دارد که امتش پس از او آن دو را می‌کشند و به وصیّ او حسد می‌برند؛ همان‌گونه که امت‌های گذشته به اوصیای پیامبرانشان حسد بردند، پس به دنباله‌روی از امت‌های پیشین او را از حقّش باز می‌دارند و فرزندانش را به قتل می‌رسانند. عمر مبهوت شد و گفت: ای کعب! اگر دربارهٔ کتاب خدا کمی راست گفتی، در کنار آن بسیار هم دروغ گفتی.

کعب گفت: من هرگز درباره کتاب خدا دروغ نگفته‌ام، ولی از من چیزی پرسیدی که چاره‌ای جز بیان پاسخ و توضیح آن را نداشتم.

من خوب می‌دانم که داناترین این امت پس از پیامبرشان، امیرمؤمنان علی عليه السلام است؛ زیرا من هر چه از او پرسیدم، دانشی نزد او یافتم که تورات و کتب همهٔ پیامبران تصدیق‌کنندهٔ آن بود. عمر به او گفت: ای یهودی زاده! ساکت شو، به خدا سوگند که تو حدس و گمان‌های دروغ بسیاری داری. کعب گفت: به خدا

سوگند از زمانی که مکلف شده‌ام، یاد ندارم که دربارهٔ چیزی از کتاب خدا دروغ گفته باشم، اگر می‌خواهی گوشه‌ای از دانش تورات را بر تو عنوان می‌کنم، اگر فهمیدی، تو از او داناتری و اگر او آن را فهمید، پس او از تو داناتر است. عمر به او گفت: برخی از آن‌چه نزدت است بیاور.

فَقَالَ کَعبُ: أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **وَ کَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْماءِ** ﴾ فَأَینَ کَانَتِ الأَرضِ وَ أَینَ کَانَتِ السَّماءُ وَ أَینَ کَانَ جَمِیعُ خَلقِهِ؟ فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: وَ مَن یَعلَمُ غَیبَ اللهِ مِنّا إِلّا مَا سَمِعَهُ رَجُلٌ مِن نَبِیِّنا قالَ: وَلکِن أَخاكَ أَبا حَسَنٍ أَخالُ لَو سُئِلَ عَن ذَلِكَ لَشَرَحَهُ بِمِثلِ مَا قَرَأناهُ فِی التَّوراةِ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَلُونَکَه إِذَا اختَلَفَ المَجلِسُ.

قَالَ: فَلَمَّا دَخَلَ عَلَی عُمَرَ أَصحابُهُ أَرادُوا إِسقاطَ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ فَقَالَ کَعبُ: یا أَبا الحَسَنِ أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ تَعالَی فِی کِتابِهِ: ﴿ **وَ کَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْماءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً** ﴾ قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ: نَعَم.

کَانَ عَرشُهُ عَلَی المَاءِ حِینَ لا أَرضَ مَدحِیَّةٌ، وَلَا سَماءَ مَبنِیَّةٌ، وَلَا صَوتَ یُسمَعُ، وَلَا عَینَ تَنبُعُ، وَ لا مَلَكَ مُقَرَّبُ، وَ لا نَبِیَّ مُرسَلُ، وَ لا نَجمَ یَسرِی، وَلا قَمَرَ یَجرِی، وَلا شَمسَ تُضِیءُ، وَ عَرشُهُ عَلَی المَاءِ، غَیرُ مُستَوحِشٍ إِلَی أَحَدٍ مِن خَلقِهِ، یُمَجِّدُ نَفسَهُ وَ یُقَدِّسُها کَما شَاءَ أَن یَکُونَ کَانَ.

کعب گفت: درباره این آیه که خداوند می‌فرماید: «و عرش او بر آب بود» برایم توضیح بده؛ در این هنگام، زمین و آسمان و همهٔ آفریدگان الهی کجا بوده‌اند؟ عمر به او گفت: تنها کسی از ما امور غیبی را می‌داند که از پیامبرمان چیزی شنیده باشد. گفت: ولی گمان می کنم که اگر این مسئله از اباحسن ﷺ پرسیده شود، آن را همان گونه که ما در تورات خوانده‌ایم، بیان کند. عمر به او گفت: پس هنگامی که به مجلس وارد شد، نزدیک او شو و از او بپرس. هنگامی که علی ﷺ بر عمر و یارانش وارد شد، خواستند که امیرمؤمنان علی ﷺ شکست بخورد، کعب گفت: ای اباحسن! درباره این سخن خداوند که می فرماید

«و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام‌یک از شما نیکوکارتر است» برایم توضیح بده. امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ فرمود: آری؛ عرش او بر آب بود، آن‌گاه که هیچ زمینی گسترده نبود و هیچ آسمانی بنا نشده بود و هیچ آوایی شنیده نمی‌شد و هیچ چشمه‌ای نمی‌جوشید و هیچ فرشتهٔ مقرّبی نبود و هیچ پیامبر فرستاده‌شده‌ای نبود و هیچ ستاره‌ای شب‌روی نمی‌کرد و هیچ ماهی در گردش نبود و هیچ خورشیدی نمی‌تابید و عرش او بر آب بود بدون آن‌که دلتنگ هیچ‌یک از آفریدگانش باشد، خود را بزرگ می‌داشت و تقدیس می‌نمود و آن‌چنان‌که می‌خواست باشد، بود.

ثُمَّ بَدَأَ أَن یَخلُقَ الخَلقَ فَضَرَبَ بِأَموَاجِ البُحُورِ فَثَارَ مِنهَا مِثلُ الدُّخَانِ کَأَعظَمِ مَا یَکُونُ مِن خَلقِ اللهِ فَبَنَی بِهَا سَمَاءً رَتقًا، ثُمَّ دَحَی الأَرضَ مِن مَوضِعِ الکَعبَةِ وَ هِیَ وَسَطُ الأَرضِ فَطَبَقَت إِلَی البِحَارِ، ثُمَّ فَتَقَهَا بِالبُنیَانِ وَ جَعَلَهَا سَبعًا بَعدَ إِذ کَانَت وَاحِدَةً ثُمَّ استَوَی إِلَی السَّمَاءِ وَ هِیَ دُخَانٌ مِن ذَلِکَ المَاءِ الَّذِی أَنشَأَهُ مِن تِلکَ البُحُورِ فَخَلَقَهَا سَبعًا طِبَاقًا بِکَلِمَتِهِ الَّتِی لَا یَعلَمُهَا غَیرُهُ، وَ جَعَلَ فِی کُلِّ سَمَاءٍ سَاکِنًا مِنَ المَلَائِکَةِ خَلَقَهُم مَعصُومِینَ مِن نُورٍ مِن بُحُورٍ عَذبَةٍ وَ هُوَ بَحرُ الرَّحمَةِ، وَ جَعَلَ طَعَامَهُمُ التَّسبِیحَ وَ التَّهلِیلَ وَ التَّقدِیسَ.

فَلَمَّا قَضَی أَمرَهُ وَ خَلقَهُ استَوَی عَلَی مُلکِهِ فَمُدِحَ کَمَا یَنبَغِی لَهُ أَن یُحمَدَ، ثُمَّ قَدَّرَ مُلکَهُ فَجَعَلَ فِی کُلِّ سَمَاءٍ شُهُبًا مُعَلَّقَةً کَوَاکِبَ کَتَعلِیقِ القَنَادِیلِ مِنَ المَسَاجِدِ مَا لَا یُحصِیهَا غَیرُهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی، وَ النَّجمُ مِن نُجُومِ السَّمَاءِ کَأَکبَرِ مَدِینَةٍ فِی الأَرضِ.

سپس خواست که خلق را بیافریند، موج دریاها را به راه انداخت و چیزی چون دود که گویی بزرگ‌ترین آفریده خدا بود برخاست و آن‌گاه آسمانی بسته از آن بنا کرد و سپس زمین را از زیر جای کعبه برکشید و پهن کرد که آن قسمت وسط زمین است. سپس آن را با دریاها متصل کرد و بعد از آن‌که یکی شدند، آن‌ها را هفت طبقه قرارداد. سپس به آسمان پرداخت و آن، دودی بود برخاسته

از آبی که از آن دریاها برپایش داشته بود، آن‌گاه به کلمه‌ای که هیچ کس جز او آن را نمی‌داند، آسمان را در هفت طبقه بیافرید و در هر آسمانی فرشتگانی را قرارداد که آن‌ها معصوم بودند از گناه و از نوری برگرفته از دریاهای خوشگوار که همان دریای رحمت است خلق شده بودند و طعام آن‌ها را تسبیح و تهلیل و تقدیس قرار داد. پس از این‌که کارش و خلقتش انجام گرفت، بر ملک خود استوار شد و آن چنان که شایستهٔ او بود، ستوده شد؛ سپس ملک خود را مقدّر فرمود و در هر آسمانی اخترانی فروزان مانند چراغ‌هایی که در مساجد آویزانند آویخت و جز ذات بلند مرتبه خودش کسی بر شمار آن‌ها آگاه نیست. ستاره‌ای از ستارگان آسمان بزرگ‌تر از شهری در زمین است.

ثُمَّ خَلَقَ الشَّمسَ وَ القَمَرَ فَجَعَلَهُمَا شَمسَینِ فَلَو تَرَکَهُمَا تَبَارَکَ وَ تَعَالَی کَمَا کَانَ إِبتِدَائُهُمَا فِی أَوَّلِ مَرَّةٍ لَم یُعرَف خِلقَةُ اللَّیلِ مِنَ النَّهَارِ وَ لَا عُرِفَ الشَّهرُ وَ لَا السَّنَةُ وَ لَا عُرِفَ الشِّتَاءُ مِنَ الصَّیفِ وَ لَا عُرِفَ الرَّبِیعُ مِنَ الخَرِیفِ، وَ لَا عَلِمَ أَصحَابُ الدِّینِ مَتَی یَحُلُّ دَینُهُم، وَ لَا عَلِمَ العَامِلُ مَتَی یَنصَرِفُ فِی مَعِیشَتِهِ، وَ مَتَی یَسکُنُ لِرَاحَةِ بَدَنِهِ، فَکَانَ اللهُ تَبَارَکَ أَرأَفَ بِعِبَادِهِ وَ أَنظَرَ لَهُم، فَبَعَثَ جَبرَئِیلَ إِلَی إِحدَی الشَّمسَینِ فَمَسَحَ بِهَا جَنَاحَهُ فَأَذهَبَ مِنهَا الشُّعَاعَ وَ النُّورَ وَ تَرَکَ فِیهَا الضُّوءَ فَذَلِکَ قَولُهُ: ﴿ **وَ جَعَلْنَا اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ آیَتَیْنِ فَمَحَوْنَا آیَةَ اللَّیْلِ وَ جَعَلْنَا آیَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِینَ وَ الْحِسَابَ وَ کُلَّ شَیْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِیلاً**[1] ﴾ وَ جَعَلَهُمَا یَجرِیَانِ فِی الفَلَکِ وَ الفَلَکُ یَجرِی فِیمَا بَینَ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ مُستَطِیلُ فِی السَّمَاءِ إِستِطَالَتُهُ ثَلَاثَةُ فَرَاسِخَ یَجرِی فِی غَمرَةِ الشَّمسِ وَ القَمَرِ، کُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَی عَجَلَةٍ یَقُودُهُمَا ثَلَاثُمِائَةِ مَلَکٍ بِیَدِ کُلِّ مَلَکٍ مِنهَا عُروَةُ یَجُرُّونَهَا فِی غَمرَةِ ذَلِکَ البَحرِ، لَهُم رِجلُ بِالتَّهلِیلِ وَ التَّسبِیحِ وَ التَّقدِیسِ، لَو بَرَزَ وَاحِدُ مِنهَا مِن غَمرِ ذَلِکَ البَحرِ لَاحتَرَقَ کُلُّ شَیءٍ عَلَی وَجهِ الأَرضِ حَتَّی الجِبَالُ وَ الصُّخُورُ وَ مَا خَلَقَ اللهُ مِن شَیءٍ.

---

۱. الاسراء، ۱۲

سپس خورشید و ماه را آفرید و هر دو را تابنده قرار داد و اگر خداوند تبارک و تعالی آن‌ها را همچون آفرینش آغازین آن‌ها رها کرده بود، دیگر شب از روز و ماه از سال شناخته نمی‌شد و دیگر زمستان از تابستان و بهار از پاییز جدا نمی‌گردید. دینداران نیز وقت اعمال و وظایف دینی خود را نمی‌دانستند و کارگر نمی‌دانست چه زمانی باید به دنبال کسب روزی خود برود و چه زمانی استراحت کند. اما خداوند تبارک و تعالی به بندگانش مهربان و رئوف بود و در کارشان نگریست و جبرئیل را سوی یکی از آن‌دو ستارهٔ تابان فرستاد و او پر خود را بر آن کشید و این‌گونه تابش و نور را از آن برد و روشنی را در آن برجا گذاشت و این همان کلام خداوند متعال است: «شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، سپس نشانه شب [نور ماه] را محو کردیم و نشانه روز را روشن قرار دادیم تا از پروردگارتان فزونی طلبید و تا شمارش سال‌ها و حساب [چیزهای دیگر] را بدانید، و هر چیزی را که به آن نیاز دارید به تفصیل بیان کردیم.» و آن‌دو را در فلک به جریان انداخت و فلک را میان آسمان و زمین جاری ساخت و درازایش را به اندازهٔ سه فرسخ رو به آسمان نهاد و آن در فراز و نشیب خورشید و ماه در جریان است و هر یک از این‌دو بر چرخی است و سیصد فرشته آن دو چرخ را می‌رانند که در دست هر یک از آنان حلقه‌ای است که آن را در ژرفای آن دریا می‌کشند و با تهلیل و تسبیح و تقدیس در راه‌اند و اگر یکی از آنان سر از ژرفای آن بحر بیرون کند، هر آینه همه آن‌چه بر روی زمین است، در آتش بسوزد، حتی کوه‌ها و صخره‌ها و هر آن‌چه خداوند متعال آفریده است.

فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضَ وَ اللَّيلَ وَ النَّهارَ وَ النُّجومَ وَ الفَلَكَ وَ جَعَلَ الأَرضِينَ عَلَى ظَهرِ حُوتٍ أَثقَلَهَا فَاضطَرَبَت فَأَثبَتَهَا بِالجِبَالِ.

فَلَمَّا استَكمَلَ خَلقَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ يَومَئِذٍ خَالِيَةٌ لَيسَ فِيهَا أَحَدٌ قَالَ **﴿ لِلمَلائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الأَرضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَ تَجعَلُ فِيهَا مَن يُفسِدُ فِيهَا وَ يَسفِكُ الدِّمَاءَ**

وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قالَ إِنِّي أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ[۱] ﴾، فَبَعَثَ اللهُ جَبرَئيلَ فَأَخَذَ مِن أَديمِ الأَرضِ قَبضَةً فَعَجَنَهُ بِالمَاءِ العَذبِ وَ المَالِحِ وَ رَكَّبَ فِيهِ الطَّبائِعَ قَبلَ أَن يَنفُخَ فِيهِ الرُّوحَ فَخَلَقَهُ مِن أَديمِ الأَرضِ فَلِذَلِكَ سُمِّيَ آدمَ لِأَنَّهُ لَمَّا عُجِنَ بِالمَاءِ استَأدَمَ فَطَرَحَهُ فِي الجَبَلِ كَالجَبَلِ العَظِيمِ وَ كَانَ إِبلِيسُ يَومَئِذٍ خَازِنًا عَلَى السَّمَاءِ الخَامِسَةِ يَدخُلُ فِي مَنخِرِ آدمَ ثُمَّ يَخرُجُ مِن دُبُرِهِ ثُمَّ يَضرِبُ بِيَدِهِ فَيَقُولُ لِأَيِّ أَمرٍ خُلِقتَ لَئِن جُعِلتَ فَوقِي لَا أَطَعتُكَ وَ لَئِن جُعِلتَ أَسفَلَ مِنِّي لَا أُعِينُكَ فَمَكَثَ فِي الجَنَّةِ أَلفَ سَنَةٍ مَا بَينَ خَلقِهِ إِلَى أَن يُنفَخَ فِيهِ الرُّوحُ فَخَلَقَهُ مِن مَاءٍ وَ طِينٍ وَ نُورٍ وَ ظُلمَةٍ وَ رِيحٍ، وَ النُّورُ مِن نُورِ اللهِ، فَأَمَّا النُّورُ فَيُورِثُهُ الإِيمَانَ، وَ أَمَّا الظُّلمَةُ فَتُورِثُهُ الضَّلالَ وَ الكُفرَ، وَ أَمَّا الطِّينُ فَيُورِثُهُ الرِّعدَةَ وَ الضَّعفَ وَ الإِقشِعرَارَ عِندَ إِصَابَةِ المَاءِ فَيَنبَعِثُ بِهِ عَلَى أَربَعِ الطَّبائِعِ عَلَى الدَّمِ وَ البَلغَمِ وَ المِرَارِ وَ الرِّيحِ فَذَلِكَ قَولُهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: ﴿ أَ وَ لا يَذْكُرُ الْإِنْسانُ أَنّا خَلَقْناهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً[۲] ﴾.

هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین و شب و روز و ستارگان و فلک را آفرید و زمین‌ها را بر پشت ماهی قرار داد، بر او سنگینی کرد و لرزید، از این رو خداوند به وسیلهٔ کوه‌ها آن را آرام کرد. زمانی که آفرینش آن‌چه در آسمان‌ها بود به پایان رسید، حال آن‌که آن روز زمین خالی بود و هیچ کس در آن نبود، خداوند به فرشته‌ها فرمود: «من در زمین جانشینی قرار خواهم داد [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد؟ و حال آن‌که ما به ستایش تو تسبیح می گوییم؛ و تو را به پاکی یاد می کنیم [خداوند] فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» خداوند جبرئیل را فرستاد تا از سطح زمین مشتی خاک بیاورد، آن‌گاه آن را با آب شیرین و آب شور خمیر کرد و پیش از آن‌که روح در آن دمیده شود، طبایع را در آن

---

۱. بقره، ۳۰

۲. مریم، ۶۷

درآمیخت و این‌گونه او را از ادیم زمین (یعنی سطح زمین) آفرید و از این رو او آدم نام گرفت و چون با آب آمیخته شد، صورت آدم گرفت و خداوند او را همچون کوهی سترگ بر کوهی نهاد. در آن روز ابلیس دربان آسمان پنجم بود... و با دست خود بر او می‌زد و می‌گفت: از برای چه آفریده شده‌ای؟ اگر فراتر از من قرار گیری از تو فرمان نمی‌برم و اگر فروتر از من قرار گیری، تو را یاری نمی‌رسانم. از روزی که خلق شد تا جان در او دمیده شد، هزار سال در بهشت ماند، سپس خداوند او را از آب و گل و نور و تاریکی و باد و پرتوی از نور خود آفرید. نور، ایمان را در او به ارمغان نهاد و تاریکی، گمراهی و کفر را و گل، لرز و ناتوانی و تب را به هنگام برخورد با آب. در حقیقت او دارای چهار طبع است؛ از این رو خداوند می‌فرماید: «آیا آدمی به یاد نمی‌آورد که ما او را پیش از این [حالت] آفریدیم در حالی‌که چیزی نبود.»

قَالَ: فَقَالَ كَعبُ: يَا عُمَرُ بِاللهِ أَتعلَمُ كَعِلمِ عَلِيٍّ؟ فَقَالَ: لَا. فَقَالَ كَعبُ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ وَصِيُّ الأَنبِيَاءِ وَ مُحَمَّدُ خَاتَمُ الأَنبِيَاءِ عليهم السلام وَ عَلِيٌّ خَاتَمُ الأَوصِيَاءِ عليهم السلام وَ لَيسَ عَلَى الأَرضِ اليَومَ مَنفُوسَةٌ إِلَّا وَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ أَعلَمُ مِنهُ، وَ اللهِ مَا ذَكَرَ مِن خَلقِ الإِنسِ وَ الجِنِّ وَ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ وَ المَلَائِكَةِ شَيئًا إِلَّا وَ قَد قَرَأتُهُ فِي التَّورَاةِ كَمَا قَرَأَ.

قَالَ: فَمَا رُئِيَ عُمَرُ غَضِبَ قَطُّ مِثلَ غَضَبِهِ ذَلِكَ اليَومَ.

کعب گفت: ای عمر تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تو دانشی همانند دانش علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام داری؟ گفت: نه. کعب گفت: علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام وصی تمام پیامبران است و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران الهی است و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نیز خاتم اوصیا علیهم السلام است. امروز هیچ موجود زنده‌ای در عالم نیست مگر آن‌که علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام از او داناتر است. به خدا سوگند آن‌چه علی علیه السلام از آفرینش آدم و جن و آسمان و زمین و فرشتگان ذکر کرد، من در تورات خوانده بودم همان‌گونه که او خوانده است. امام حسن علیه السلام فرمود: هیچ روزی عمر را خشمگین‌تر از آن روز ندیده بودم.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۱۲)

﴿ فَلَعَلَّكَ تارِكُ بَعْضَ ما يُوحىٰ إِلَيْكَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ ﴾

پس شاید قسمتی از آن‌چه راکه به تو وحی شده است، ترک کنی و سینه‌ات از آن تنگ شود.

۱۶۰. عَن أَبِی‌الجارُودِ: عَن أَبِی‌جعفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ سَأَلتُ رَبِّی مُوَاخَاةَ عَلِیٍّ وَ مُوازَرَتَهُ وَ إِخلَاصَ قَلبِهِ وَ نَصِیحَتَهُ فَأَعطَانِی. قَالَ: فَقَالَ رَجُلٌ مِن أَصحابِهِ یَا عَجَبًا لِمُحَمَّدٍ. وَاللهِ لَشَنَّةٌ بَالِیَةٌ فِیهَا صَاعٌ مِن تَمرٍ أَحَبُّ إِلَی مِمَّا سَأَلَ، أَلَا سَأَلَ مُحَمَّدٌ رَبَّهُ مَلَکًا یُعِینُهُ أَو کَنزًا یَتَقَوَّی بِهِ عَلَی عَدُوِّهِ. قَالَ: فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِیَّ ﷺ فَضَاقَ مِن ذَلِكَ صَدرُهُ قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی: ﴿ **فَلَعَلَّكَ تارِكُ بَعْضَ ما يُوحىٰ إِلَيْكَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّما أَنْتَ نَذِيرٌ وَ اللهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ** ﴾ قَالَ: فَکَانَ النَّبِیُّ ﷺ یُسَلِّی مَا بِقَلبِهِ.

ابی جارود از امام محمّد باقر ﷺ روایت کرده است که ایشان فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: «از خدای خویش برادری علی و پشتیبانی و اخلاص قلب و نهایت خیرخواهی او را درخواست کردم و پروردگار آن‌چه را که خواستم به من عطا فرمود.»

مردی از اصحاب پیامبر گفت: شگفتا از محمّد ﷺ که چنین دعاهایی می‌کند. به خدا سوگند، سبدی فرسوده که در آن یک صاع خرما باشد، نزد من محبوب‌تر است از آن‌چه او خواسته است. چرا محمّد ﷺ دعا نکرد تا فرشته و ملکی او را یاری دهد، یا چرا گنجی طلب نکرد تا با آن قوی شود و بر دشمنانش غالب گردد؟! هنگامی که این سخنان به گوش پیامبر ﷺ رسید، غمگین شد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «پس شاید از [بیم] این‌که بگویند چرا گنجی بر او نازل نشده یا چرا فرشته ای به همراه او نیامده است؟ قسمتی از آن‌چه را که به تو وحی شده است، ترک کنی و سینه‌ات از آن تنگ شود. تو تنها

بیم‌دهنده‌ای و خداوند بر هر چیزی نگاهبان است.»
و این‌چنین قلب پیامبر ﷺ تسلّی یافت.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۱۷)

﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتلُوهُ شَاهِدُ مِنهُ ﴾

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و بـه دنـبال او شاهدی از [جنس] او می‌آید [همچون کسی است که این‌چنین نیست؟].

۱۶۱. عَن زَاذَانَ قَالَ: سَمِعتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ: لَو ثُنِيَت لِيَ الوِسَادَةُ فَجَلَستُ عَلَيهَا لَحَكَمتُ بَينَ أَهلِ التَّورَاةِ بِتَورَاتِهِم وَ بَينَ أَهلِ الإِنجِيلِ بِإِنجِيلِهِم وَ بَينَ أَهلِ الزَّبُورِ بِزَبُورِهِم وَ بَينَ أَهلِ الفُرقَانِ بِفُرقَانِهِم بِقَضَاءٍ يَزهَرُ يَصعَدُ إِلَى اللهِ، وَاللهِ مَا نَزَلَت آيَةٌ فِي لَيلٍ أَو فِي نَهَارٍ، وَ لَا سَهلٍ وَ لَا جَبَلٍ، وَ لَا بَرٍّ وَ لَا بَحرٍ، إِلَّا وَ قَد عَرَفتُ أَيَّ سَاعَةٍ نَزَلَت وَ فِيمَن نَزَلَت، وَ مَا مِن قُرَيشٍ رَجُلٌ جَرَى عَلَيهِ المُوَاسِي إِلَّا وَ قَد نَزَلَت فِيهِ آيَةٌ مِن كِتَابِ اللهِ تَسُوقُهُ إِلَى جَنَّةٍ أَو تَقُودُهُ إِلَى نَارٍ.

قَالَ: فَقَالَ قَائِلٌ: فَمَا نَزَلَت فِيكَ يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ؟ قَالَ: **﴿ أَ فَمَنْ كٰانَ عَلىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شٰاهِدُ مِنْهُ ﴾** فَمُحَمَّدٌ ﷺ عَلَى بَيِّنَةٍ مِن رَبِّهِ وَ أَنَا الشَّاهِدُ مِنهُ أَتلُو آثَارَهُ.

زاذان گفت: از حضرت علی عليه السلام شنیدم که فرمود: اگر کرسی قـضاوت بـرایـم گذاشته شود تا بر آن بنشینم و بر آفریدگان حکم کنم، هر آینه می‌توانم مـیان پیروان تورات به کتاب تورات و میان پیروان انجیل بـه کـتاب انـجیل و مـیان پیروان زبور به کتاب زبور و میان پیروان فرقان به فرقان حکم کـنم. بـه خـدا سوگند به هر آیه‌ای که در شب یا روز، در بیابان یا کوه، در خشکی یا دریا نازل شده است، تا آنجا آگاهم که می‌دانم در چه روز و ساعتی و دربارهٔ چه کسـی نازل شده است. هیچ‌یک از قریشیان نیست که برایش حادثه‌ای روی داده باشد جز آن‌که آیه‌ای در کتاب خدا دربارهٔ او نازل شده است که یا او را سوی بهشت

می‌برد و یا سوی دوزخ می‌راند. در این میان مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! چه آیه‌ای دربارهٔ شما نازل شده است؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و به دنبال او شاهدی از [جنس] او می‌آید [همچون کسی است که این چنین نیست؟]» حضرت محمّد صلی الله علیه و آله حجّت روشن از جانب پروردگارش است و من آن شاهد هستم که به دنبال او می‌آیم.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ مٰا آمَنَ مَعَهُ إِلاّٰ قَلِيلٌ ﴾

و جز اندکی به او ایمان نیاوردند.

۱۶۲. عَن زَيدِ بنِ سَلامٍ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلى أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَقُلتُ: أَصلَحَكَ اللهُ إِنَّ خِيثَمَةَ الجُعفِيِّ حَدَّثَنِي عَنكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَن قَولِ اللهِ: **﴿ وَ مٰا آمَنَ مَعَهُ إِلاّٰ قَلِيلٌ ﴾** فَأَخبَرتَهُ أَنَّهَا جَرَت فِي شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ. فَقَالَ: صَدَقَ وَاللهِ خِيثَمَةُ لَهَا كَذَا حَدَّثتُهُ.

زید بن سلام جعفی گفت: بر امام محمّد باقر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: خدایت شایسته داشت! خیثمه جعفی برای من از شما روایتی دربارهٔ کلام خداوند متعال «و جز اندکی به او ایمان نیاوردند» نقل کرده است؛ او می‌گوید: شما فرموده‌اید این آیه دربارهٔ شیعیان خاندان محمّد علیهم السلام جاری شد. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند خیثمه راست گفته است، من برایش چنین گفته‌ام.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۵۰)

﴿ وَ إِلىٰ عٰادٍ أَخٰاهُمْ هُودًا ﴾

و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم]....

(سورهٔ هود، آیهٔ ۶۱)

﴿ وَ إِلىٰ ثَمُودَ أَخاٰهُمْ صٰالِحًا ﴾

و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم]....

(سورهٔ هود، آیهٔ ۸۴)

﴿ وَ إِلىٰ مَدْيَنَ أَخاٰهُمْ شُعَيْبًا ﴾

و به سوی [ساکنان شهر] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم]....

۱۶۳. عَن يَحيَى بنِ مُساوِرٍ قالَ: أَتى رَجُلٌ مِن أَهلِ الشّامِ إِلى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه السلام فَقالَ لَهُ: أَنتَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: أَبوكَ قَتَلَ المُؤمِنينَ! فَبَكى عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ قالَ: ثُمَّ مَسَحَ وَجهَهُ وَ قالَ: وَيلَكَ وَ بِما قَطَعتَ عَلى أَبي أَنَّهُ قَتَلَ المُؤمِنينَ؟ قالَ: بِقَولِهِ: اِخوانُنا بَغَوا عَلَينا فَقاتَلناهُم عَلى بَغيِهِم. قالَ: أَما تَقرَأُ القُرآنَ؟ قالَ: إِنّي أَقرَأُ، قالَ: أَما سَمِعتَ قَولَهُ: **﴿ وَ إِلىٰ عاٰدٍ أَخاٰهُمْ هُودًا، وَ إِلىٰ مَدْيَنَ أَخاٰهُمْ شُعَيْبًا، وَ إِلىٰ ثَمُودَ أَخاٰهُمْ صٰالِحًا ﴾**؟ قالَ: بَلى. قالَ: كانَ أَخاهُم فِي عَشيرَتِهِم أَو في دينِهِم؟ قالَ: في عَشيرَتِهِم ثُمَّ قالَ: فَرَّجتَ عَنّي فَرَّجَ اللهُ عَنكَ.

یحیی بن مساور گفت: مردی از اهالی شام نزد امام سجاد عليه السلام آمد و عرض کرد: آیا شما علی‌بن حسین عليه السلام هستید؟ ایشان فرمود: آری. عرض کرد: پدر شما مؤمنان را کشت. حضرت گریست و سپس دست بر صورت مبارکش کشید و فرمود: وای بر تو، از کجا قاطعانه می‌گویی که پدر من مؤمنان را کشته است؟ عرض کرد: به خاطر سخنش که گفت: برادرانمان بر ما ستم کردند و ما هم آنان را به خاطر ستمشان کشتیم. امام عليه السلام فرمود: آیا قرآن می‌خوانی؟ عرض کرد: بله، می‌خوانم. حضرت فرمود: آیا این سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «وبه سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم] و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] و به سوی [ساکنان شهر] مدین

برادرشان شعیب را [فرستادیم].» عرض کرد: بله، شنیده‌ام. امام سجاد ﷺ فرمود: آیا برادری هود و صالح و شعیب با قومشان از جهت قبیله‌ای بود یا از جهت دینی؟ عرض کرد: قبیله‌ای. حضرت فرمود: اندوهم را زدودی، خداوند اندوهت را بزداید.

(سورهٔ هود، آیهٔ ۸۶)

﴿ بَقِيَّتُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾

اگر مؤمن باشید، باقی‌مانده خدا برای شما بهتر است.

۱۶۴. عَن عُمَرَبنِ زَاهِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِجَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ﷺ: نُسَلِّمُ عَلَى القَائِمِ بِإِمرَةِ المُؤمِنِينَ؟ قَالَ: لَا ذَلِكَ اسمٌ سَمَّى اللهُ بِهِ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ﷺ لَا يُسَمَّى بِهِ أَحَدٌ قَبلَهُ وَ لَا بَعدَهُ إِلَّا كَافِرٌ. قَالَ: فَكَيفَ نُسَلِّمُ عَلَيهِ؟ قَالَ: تَقُولُ: السَّلامُ عَلَيكَ يَا بَقِيَّةَ اللهِ. قَالَ: ثُمَّ قَرَأَ جَعفَرٌ ﷺ: ﴿ بَقِيَّتُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾.

عمربن زاهر گفت: مردی به امام جعفر صادق ﷺ عرض کرد: آیا بر حضرت قائم ﷺ به عنوان امیرمؤمنان سلام کنیم؟ ایشان فرمود: خیر، خداوند این نام را مخصوص امیرمؤمنان علی ﷺ قرار داده و هیچ کس پیش یا پس از او این نام را نگرفته جز این‌که کافر باشد. عرض کرد: پس چگونه بر ایشان سلام کنیم؟ امام ﷺ فرمود: می‌گویی: سلام بر تو ای بقیة الله! سپس امام این آیه را تلاوت فرمود: «اگر مومن باشید، باقیمانده خدا برای شما بهتر است.»

(سورهٔ هود، آیهٔ ۹۸)

﴿ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴾

و [آتش] بد محلّ ورودی است که به آن وارد می‌شوند.

۱۶۵. عَلِيُّ بنُ حَمدونَ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: قَالَ أَبو جَعفَرٍ قَالَ اللهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عَلِيًّا

فِی طَبَقَتِكَ فَجَعَلتُهُ أَفضَلَ الوَصِيِّينَ وَ خَيرَ مُعتَمَدٍ لِلمُؤمِنِينَ وَ جَعَلتُهُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ وَ جَعَلتُهُ إِمَامَ المُتَّقِينَ وَ جَعَلتُهُ ضِيَاءً وَ نُورًا لِلمُتَوَسِّمِينَ وَ جَعَلتُهُ صِرَاطَ المُستَقِيمِ وَ جَعَلتُهُ سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَ جَعَلتُ لِمَن عَادَاهُ ﴿ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴾.

علی‌بن حمدون گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرمود: ای محمد! به راستی که علی در طبقه توست و من او را برترین اوصیا و بهترین معتمد برای مؤمنان و امیر ایشان و امام پرهیزکاران و روشنایی و نور سفیدرویان و راه راست و راه نیکوکاران قرار دادم و برای هر که با او دشمنی کند، چنین قرار دادم: «[آتش] بد محل ورودی است که به آن وارد می شوند».

(سورهٔ هود، آیهٔ ۱۰۹)

﴿ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴾

و مسلّمًا ما بهرهٔ آنان را به تمام و کمال بی‌هیچ کاستی به ایشان خواهیم داد.

۱۶۶. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴾ يَعنِی: بَنِی‌هَاشِمٍ نُوَفِّيهِم مُلكَهُمُ الَّذِی أَوجَبَ اللهُ لَهُم غَيرَ مَنقُوصٍ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: وَ هُوَ سِتُّونَ وَ مِائَةُ سَنَةٍ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال در آیه «و مسلما ما بهره آنان را به تمام و کمال بی هیچ کاستی به ایشان خواهیم داد» گفت: یعنی به بنی‌هاشم بهره ملکی را که خداوند بر آنان بی‌هیچ کاستی واجب کرده است، خواهیم داد و آن یکصدوشصت سال است.



وَ مِن سُورَةِ يُوسُفَ



(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۳۸)

﴿ وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبٰائي إبرٰاهِيم وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ ﴾

و از آیین پدرانم إبرَاهِیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام.

۱۶۷. عَن أَبِى الطُّفَيلِ عامِربنِ وَاثِلَةَ قَالَ: خَطَبَ الحَسَنُ بنُ عَلِيّ بنِ أَبى طالِبٍ عليهما السلام بَعدَ وَفاةِ أَبيهِ فَحَمَدَ اللهَ وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: مَن عَرَفَنِى فَقَد عَرَفَنِى وَ مَن لَم يَعرِفنِى فَأَنَا الحَسَنُ ابنُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ثُمَّ تَلا هَذِهِ الآيَةَ قَولَ يُوسُفَ النَّبِيِّ عليه السلام: ﴿ وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبٰائي إبرٰاهِيم وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ ﴾ فَالجَدُّ فِى كِتَابِ اللهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ: أَنَا إِبنُ البَشِيرِ وَ أَنَا إِبنُ النَّذِيرِ، وَ أَنَا إِبنُ الَّذِى أُرسِلَ رَحمَةً لِلعَالَمِينَ، وَ أَنَا مِن أَهلِ البَيتِ الَّذِينَ أَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرَهُم تَطهِيرًا، وَ أَنَا مِن أَهلِ البَيتِ الَّذى كَانَ جَبرَئِيلُ عليه السلام يَنزِلُ فِيهِم وَ مِنهُم كَانَ يَعرُجُ، وَ أَنَا مِن أَهلِ البَيتِ الَّذِينَ افتَرَضَ اللهُ مَوَدَّتَهُم وَ وَلَايَتَهُم فَقَالَ فِيمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيهٰا حُسْنًا إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ**[1] ﴾ وَ إِقتِرَافُ الحَسَنَةِ مَوَدَّتُنَا.

ابی‌طفیل عامربن واثله گفت: امام حسن عليه السلام پس از وفات پدر بزرگوارش عليه السلام

---

۱. شوری، ۲۳

خطبه‌ای ایراد فرمود و خداوند را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: هرکه مرا می‌شناسد که می‌شناسد و اگر کسی مرا نمی‌شناسد، همانا من حسن‌بن محمّد ﷺ هستم. سپس این آیه را که سخن حضرت یوسف ﷺ است، تلاوت فرمود: «و از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده‌ام.» و در ادامه فرمود: من فرزند آن مژده‌دهنده‌ام و من فرزند آن هشداردهنده‌ام و من فرزند کسی هستم که او رحمتی برای جهانیان بود و من از اهل بیتی هستم که خداوند هرگونه ناپاکی را از ایشان زدود و آنان را به تمام پاک گردانید و من از اهل بیتی هستم که جبرئیل در میان ایشان نازل می‌شد و از میان ایشان عروج می‌کرد و من از اهل بیتی هستم که خداوند مودّت و ولایت ایشان را واجب ساخت. و در آن‌چه بر حضرت محمّد ﷺ نازل کرد، فرمود: «بگو: از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم]. و هر کس حسنه‌ای کسب کند برایش در آن (حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم. به راستی خداوند آمرزنده شکرگزار است.» و کسب حسنه، دوستی ماست.

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۷۶)

﴿نَرْفَعُ دَرَجاتٍ مَنْ نَشاءُ وَ فَوْقَ كُلِّ ذي عِلْمٍ عَليمٌ﴾

مراتب هرکه را بخواهیم بالا می‌بریم و برتر از هر صاحب علمی عالمی است.

۱۶۸. عَبدُ اللهِ‌بنُ مُحَمَّدِبنِ‌هاشِمِ الدُّورِيُّ مُعنعَنًا: عَن مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عَن آبائِهِ ﷺ قالَ: هَبَطَ جَبرَئيلُ ﷺ عَلَى النَّبيِّ ﷺ وَ هُوَ فِي بَيتِ أُمِّ سَلَمَةَ فَقالَ: يا مُحَمَّدُ إنَّ مَلأً مِن مَلائِكَةِ السَّماءِ الرّابِعَةِ يُجادِلُونَ فِي شَيءٍ حَتَّى كَثُرَ بَينَهُم الجِدالُ فِيهِ وَ هُم مِنَ الجِنِّ مِن قَومِ إبليسَ الَّذِينَ قالَ اللهُ فِي كِتابِهِ: ﴿كانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ[1]﴾ فَأَوحَى اللهُ تَعالَى

---

۱. کهف، ۵۰

إِلَى الْمَلَائِكَةِ قَدْ كَثُرَ جِدَالُكُم فَتَرَاضَوا بِحُكمٍ مِنَ الآدَمِيِّينَ يَحكُمُ بَينَكُم، قَالُوا: قَد رَضِينَا بِحُكمٍ مِن أُمَّةِ مُحَمَّدٍ قَالُوا: رَضِينَا بِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَأَهبَطَ اللهُ مَلَكاً مِن مَلَائِكَةِ سَمَاءِ الدُّنيَا بِبِسَاطٍ وَ أَرِيكَتَينِ فَهَبَطَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَأَخبَرَهُ بِالَّذِي جَاءَ فِيهِ، فَدَعَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله بِعَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ أَقعَدَهُ عَلَى البِسَاطِ وَ وَسَّدَهُ بِالأَرِيكَتَينِ ثُمَّ تَفَلَ فِي فَمِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَبَّتَ اللهُ قَلبَكَ وَ صَيَّرَ حُجَّتَكَ بَينَ عَينَيكَ ثُمَّ عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا نَزَلَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ يَقرَؤُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: ﴿ **نَرْفَعُ دَرَجاتٍ مَنْ نَشاءُ وَ فَوْقَ كُلِّ ذي عِلْمٍ عَليمٌ** ﴾.

عبد الله بن محمّد بن هاشم دوری روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام از قول پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: در حالی‌که پیامبر صلی الله علیه و آله در خانهٔ ام سلمه بود، جبرئیل بر ایشان نازل شد و گفت: ای محمّد! گروهی از فرشتگان آسمان چهارم دربارهٔ امری مشاجره کردند، تا جایی که مشاجره میانشان بالا گرفت و آنان از جنیان قوم ابلیسی بودند که خداوند در کتابش فرمود: «(جز ابلیس) که از جنّ بود و از [دایرهٔ] فرمان پروردگارش بیرون رفت» خداوند به فرشتگان وحی فرمود که جدال میانتان بالا گرفته است، با یکدیگر توافق کنید تا یکی از آدمیان میان شما قضاوت کند. گفتند: ما به قضاوت یکی از امّت محمّد صلی الله علیه و آله رضایت می‌دهیم و گفتند: به علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام رضایت می‌دهیم. از این رو خداوند فرشته‌ای از آسمان دنیا را با یک فرش و دو اورنگ فرو فرستاد و او بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و به ایشان خبر داد که به چه دلیل آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام را فراخواند و او را بر آن فرش نشانید و بر آن دو اورنگ بر بالش نهاد و از دهان خویش دهان او را عطرآگین کرد و فرمود: ای علی! خداوند قلبت را استوار سازد و حجّت تو را بین دو چشمانت قرار دهد. سپس حضرت را سوی آسمان بالا بردند و چون حضرت فرود آمد، عرض کرد: ای محمّد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «مراتب هرکه را بخواهیم بالا می‌بریم و برتر از هر صاحب علمی عالمی است.»

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۶)

﴿ وَ مٰا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ إِلاّٰ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴾

و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر این‌که [حقیقتاً] مشرک‌اند.

۱۶۹. عَن أَبِي‌ذَرٍ الغِفَارِيِّ قَالَ: كُنتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَهُوَ بِبَقِيعِ الغَرقَدِ فَقَالَ: وَالَّذِي نَفسِي بِيَدِهِ إِنَّ فِيكُم رَجُلاً يُقَاتِلُ النَّاسَ عَلَى تَأوِيلِ القُرآنِ كَمَا قَاتَلتُ المُشرِكِينَ عَلَى تَنزِيلِهِ وَ هُم فِي ذَلِكَ يَشهَدُونَ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ **﴿ وَ مٰا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ إِلاّٰ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴾** فَيَكبُرُ قَتلُهُم عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَطعَنُوا عَلَى وَلِيِّ اللهِ وَ يَسخَطُوا عَمَلَهُ كَمَا سَخَطَ مُوسَى مِن أَمرِ السَّفِينَةِ وَ قَتلِ الغُلَامِ و إِقَامَةِ الجِدَارِ وَ كَانَ خَرقُ السَّفِينَةِ وَ قَتلُ الغُلَامِ وَ إِقَامَةُ الجِدَارِ لِلّهِ رِضَا وَ سَخَطَ ذَلِكَ مُوسَى.

ابوذر غفاری گفت: همراه رسول خدا ﷺ در قبرستان بقیع بودم که ایشان فرمود: سوگند به آن‌که جانم به دست اوست، در میان شما مردی است که با مردم به خاطر تأویل قرآن می‌جنگد؛ همان‌گونه که من با مشرکان به خاطر تنزیل آن جنگیدم و حال آن‌که آنان در آن جنگ به یگانگی خدا شهادت می‌دهند. «و بیشتر آنان به خدا ایمان نمی‌آورند مگر این‌که [حقیقتًا] مشرک‌اند». قتل آنان بر مردم دشوار می‌نماید تا آنجا که به ولیّ خدا زخم‌زبان می‌زنند و از کارش به خشم می‌آیند، چنان‌چه موسی ؈ در امر کشتی و قتل پسر بچه و برپا نمودن دیوار به خشم آمد؛ در حالی‌که سوراخ کردن کشتی و قتل پسر بچه و برپا نمودن دیوار همه برای رضای خدا انجام گرفت، ولی موسی ؈ از آن به خشم آمد.

(سورهٔ یوسف، آیهٔ ۱۰۸)

﴿ قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللّٰهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني ﴾

بگو: این راه من است، من و کسی که از من پیروی می‌کند با بینایی به سوی خدا فرامی‌خوانیم.

۱۷۰. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ: عَن جَعفَربنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فِی هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني** ﴾ قَالَ: هِیَ وَاللهِ وَلایَتُنَا أَهلَ البَیتِ لا یُنکِرُهُ أَحَدٌ إِلَّا ضَالٌّ وَ لَا یَنتَقِصُ عَلِیًّا علیه السلام إِلَّا ضَالٌّ.

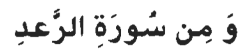
ابان‌بن تغلب گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: آن راه به خدا سوگند ولایت ما اهل بیت است که هیچ کس جز گمراه آن را انکار نمی‌کند و هیچ کس از منزلت حضرت علی علیه السلام نمی‌کاهد جز گمراه.

۱۷۱. عَن عَبدِالحَمِیدِ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا نَالَتنِی شَفَاعَةُ جَدِّی اِن لَم تَکُن هَـذِهِ الآیَـةُ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ خَاصَّةً: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني وَ سُبْحانَ اللهِ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ** ﴾.

عبدالحمید گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: شفاعت جدّم مرا درنمی‌یافت اگر نبود که این آیه به‌طور اخص دربارهٔ حضرت علی علیه السلام نازل شد: «بگو: این راه من است، من و کسی که از من پیروی می‌کند با بینایی به سوی خدا فرامی‌خوانیم، و خداوند منزه است و من از مشرکان نیستم.»

۱۷۲. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **قُلْ هٰذِهِ سَبيلي أَدْعُوا إِلَى اللهِ عَلىٰ بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَني** ﴾ قَالَ: مَنِ اتَّبَعَنِی عَلِیُّ‌بنُ أَبِی‌طَالِبٍ علیه السلام.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: منظور از کسی که از من پیروی می‌کند، علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است.

وَ مِن سُورَةِ الرَّعدِ

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۷)

﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾

تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.

۱۷۳. عَن عَبدِ اللّهِبنِ عَطاءٍ قَالَ: کُنتُ جَالِسًا مَعَ أَبی‌جَعفَرٍ (ع) قَالَ: نَزَلَ فِی عَلِیٍّ (ع): **﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾** فَالنَّبِیُّ (ص) قَالَ أَنَا المُنذِرُ وَ بِعَلِیٍّ یَهتَدِی المُهتَدُونَ.

عبد اللهبن عطاء گفت: با امام محمّد باقر (ع) نشسته بودم که ایشان فرمود: این آیه دربارهٔ حضرت علی (ع) نازل شد: «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» پس پیامبر (ص) فرمود: من بیم‌دهنده‌ام و هدایت‌شوندگان با علی (ع) هدایت می‌شوند.

۱۷۴. البَرَاءُبنُ عِیسَی التَّمِیمِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ (ع) فِی قَولِهِ: **﴿ إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ ﴾** قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ (ص): أَنَا المُنذِرُ وَ أَنتَ یَا عَلِیُّ الهَادِی إِلَی أَمرِی.

براء بن عیسی تمیمی روایت کرده است: امام محمّد باقر (ع) دربارهٔ این آیه فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: من بیم‌دهنده‌ام و تو ای علی هدایت‌کننده به سوی امر من هستی.

۱۷۵ . عَنِ ابنِ مَسعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمَّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ لَم یَكُن بَینِی وَ بَینَ رَبِّی مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِیٌّ مُرسَلٌ وَ لَا سَأَلتُ رَبِّی حَاجَةً إِلَّا أَعطَانِی خَیرًا مِنهَا فَوَقَعَ فِی مَسَامِعِی: ﴿إِنَّمٰا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هٰادٍ﴾ فَقُلتُ: إِلَهِی أَنَا المُنذِرُ فَمَنِ الهَادِی؟ فَقَالَ اللهُ ذَاكَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ غَایَةُ المُهتَدِینَ وَ إِمَامُ المُتَّقِینَ وَ قَائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَ مَن یَهدِی مِن أُمَّتِكَ بِرَحمَتِی إِلَی الجَنَّةِ.

ابن مسعود گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، میان من و پروردگارم حتی فرشته‌ای مقرب یا پیامبری مرسل نبود و هر آنچه از پروردگارم خواستم، بهتر از آن را به من عطا فرمود و آن‌گاه در گوشم پیچید: «تو فقط بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی هدایت‌کننده‌ای است.» پرسیدم: خداوندا! من بیم‌دهنده‌ام، چه کسی هدایت‌کننده است؟ خدا فرمود: او علی بن ابی طالب ؑ است که غایت هدایت‌پیشه‌گان و امام پرهیزکاران و سرور روسفیدان است و همان کسی است که امّتِ تو را با رحمت من به بهشت هدایت می‌کند.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۱۱)

﴿لَهُ مُعَقِّبٰاتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ﴾

برای او [آدمی] فرشتگانی هستند که پی‌درپی او را از پیش رو و از پشت سر به فرمان خدا محافظت می‌کنند.

۱۷۶ . عَن أَبِی الجَوَازَةِ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿لَهُ مُعَقِّبٰاتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ﴾ قَالَ: هَذِهِ لِلنَّبِیِّ ﷺ خَاصَّةً.

ابی‌جوازه گفت: این آیه مخصوص پیامبر ﷺ است.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۸)

﴿الَّذینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللهِ أَلٰا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

[همان] کسانی‌که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید! که دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد.

۱۷۷. مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **الَّذینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللهِ أَلاٰ بِذِکْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** ﴾ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه‌السلام: تَدرِی فِیمَن نَزَلَت؟ قَالَ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ، قَالَ: فِیمَن صَدَّقَ لِی وَ آمَنَ بِی وَ أَحَبَّکَ وَ عِترَتَکَ مِن بَعدِکَ وَ سَلَّمَ الأَمرَ لَکَ وَ لِلأَئِمَّةِ مِن بَعدِکَ.

محمّدبن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: می‌دانی این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ حضرت علی علیه‌السلام فرمود: خدا و رسولش داناترند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: دربارهٔ کسی است که مرا تصدیق کند و به من ایمان بیاورد و تو را و پس از تو خاندانت را دوست بدارد و تسلیم امر تو و امامان پس از تو باشد.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۹)

﴿ **الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ** ﴾

کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، زندگیِ خوش و نیکوییِ بازگشت، از آنِ آن‌هاست.

۱۷۸. فُراتُ‌بنُ إبرَاهِیمَ الکُوفِیُّ مُعنعَنًا: عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ** ﴾ قَالَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله: لَمَّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ فَدَخَلتُ الجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ کُلُّ وَرَقَةٍ مِنهَا تَغطِی الدُّنیا وَ مَا فِیهَا تَحمِلُ الحُلِیَّ وَ الحُلَلَ وَ الطَّعَامَ مَاخَلا الشَّرَابَ، وَ لَیسَ فِی الجَنَّةِ قَصرٌ وَ لَا دَارٌ وَ لَا بَیتٌ إِلَّا فِیهِ غُصنٌ مِن أَغصَانِها، وَ صَاحِبُ القَصرِ وَ الدَّارِ وَ البَیتِ حَلیُهُ وَ حُلَلُهُ وَ طَعَامُهُ فَهُوَ مِنهَا. فَقُلتُ: یَا جَبرَئِیلُ مَا هٰذِهِ الشَّجَرَةُ؟ قَالَ: هٰذِهِ طُوبَی، فَطُوبَی لَکَ وَ لِکَثِیرٍ مِن أُمَّتِکَ. قُلتُ: فَأَینَ مُنتَهَاهَا ـ یَعنِی أَصلَهَا ـ قَالَ: فِی دَارِ عَلِیِّ‌بنِ أَبی طالِبٍ اِبنِ عَمِّکَ.

فرات بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: پیامبر ﷺ فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، به بهشت درآمدم و در آنجا درختی را دیدم که هر برگ از آن دنیا را با هر آن‌چه در آن است، می‌پوشانید و انواع زیورها و جامه‌ها و غذاها را به‌جز شراب بر خود داشت و در بهشت هیچ کاخ و سرا و خانه‌ای نیست مگر آن‌که در آن شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت بر اهل آن سایه افکنده و زیور و جامه‌ها و غذای صاحب آن سرا و خانه از آن شاخه است. گفتم: ای جبرئیل! این چه درختی است؟ گفت: درخت طوبی است، خوشا به حال تو و بسیاری از امتّت. گفتم: پایان آن کجاست؟ یعنی ریشهٔ آن. فرمود: در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب ؑ پسرعمویت.

۱۷۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِنَّ فِی الجَنَّةِ لَشَجَرَةً يُقَالُ لَهَا: طُوبَى، مَا فِی الجَنَّةِ دَارٌ إِلَّا وَ فِيهَا غُصنٌ مِن أَغصَانِهَا أَحلَى مِنَ الشَّهدِ وَ أَلينُ مِنَ الزَّبدِ، أَصلُهَا فِی دَارِی وَ فَرعُهَا فِی دَارِ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ.

ابن عباس گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: در بهشت درختی است که به آن طوبی می‌گویند. هیچ خانه‌ای در بهشت نیست مگر آن‌که شاخه‌ای از شاخه‌های طوبی در آن آمده است که شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره است و ریشهٔ آن در خانهٔ من و شاخهٔ آن در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب ؑ است.

۱۸۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فی قولِ اللهِ تَعالَی: ﴿**الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ قَالَ: شَجَرَةٌ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ ؑ فِی الجَنَّةِ وَ فِی كُلِّ دَارِ مُؤمِنٍ مِنهَا غُصنٌ يُقَالُ لَهَا شَجَرَةُ طُوبَى لَهُم وَ حُسنُ مَآبٍ بِحُسنِ المَرجَعِ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: درختی است که ریشهٔ آن در خانهٔ علی ؑ در بهشت است و در خانهٔ هر مؤمنی شاخه‌ای از آن است و به آن درخت، طوبی گفته می‌شود که با نیکویی بازگشت و نیکویی جایگاه بازگشت برای آنان است.

۱۸۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی كَلَامٍ ذَكَرَهُ وَ مَا طُوبَى فَطُوبَى لَهم وَ حُسنُ مَآبٍ

قَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ غَرَسَهَا اللهُ بِيَدِهِ وَ نَفَخَ فِيهَا مِن رُوحِهِ ، تُنبِتُ الحُلِیَّ وَ الحُلَلَ وَ الثِّمَارَ مُتَدَلِّيَةً عَلَی أَفوَاهِ أهلِ الجَنَّةِ ، وَ إِنَّهُ لَيَقَعُ عَلَيهَا الطَّيرُ المُشتَهِی مِنهُ شِوَاءً وَ قَدِيدًا فَيأتِيهِ عَلَی مَا يَشتَهِی ، وَ إِنَّ أَغصَانَهَا لَتُرَی مِن وَرَاءِ سُورِ الجَنَّةِ وَ هِیَ فِی مَنزِلِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ عليه السلام لَن يُحَرِّمَهَا وَلِيَّهُ وَ لَن يَنَالَهَا عَدُوَّهُ.

ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ طوبی و این آیه فرمود: طوبی درختی در بهشت است که خداوند به دست خود آن را کاشته است و از روح خود در آن دمیده است و زیورها و جامه‌ها و میوه‌هایی می‌رویاند که همه در دسترس بهشتیان است و هر آینه بر آن پرندگانی با گوشت‌های کبابی و قطعه‌ای لذیذ به هر گونه‌ای که دل بخواهد، می‌نشینند و هر آینه شاخه‌های آن از ورای پرچین‌های بهشت دیده می‌شود و آن در منزل علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام است که او آن را بر دوستدارش حرام نمی‌کند و دست دشمنش هرگز به آن نمی‌رسد.

۱۸۲. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَن قَولِهِ: ﴿ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ ﴾ قَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ أَصلُهَا فِی دَارِی وَ فَرعُهَا عَلَی أَهلِ الجَنَّةِ ، ثُمَّ سُئِلَ بَعدَ ذَلِكَ فَقَالَ: شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ وَ فَرعُهَا عَلَی أَهلِ الجَنَّةِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللهِ سَأَلنَاكَ فَقُلتَ: أَصلُهَا فِی دَارِی ثُمَّ سَألنَاكَ فَقُلتَ أَصلُهَا فِی دَارِ عَلِیٍّ؟ فَقَالَ: إِنَّ دَارِی وَ دَارَ عَلِیٍّ وَاحِدَةٌ.

فرات گفت: محمّدبن احمد روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: دربارهٔ کلام خداوند متعال ﴿ طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ ﴾ از پیامبر پرسیده شد. حضرت فرمود: درختی در بهشت است که ریشهٔ آن در خانهٔ من و شاخهٔ آن در خانهٔ بهشتیان است. پس از آن دوباره درباره‌اش پرسیدند، حضرت فرمود: درختی در بهشت است که ریشهٔ آن در خانهٔ علی و شاخهٔ آن در خانهٔ بهشتیان است. پرسیدند: ای رسول خدا! ما از شما دو بار پرسیدیم، یک بار فرمودید ریشهٔ این درخت در خانهٔ من است و بار دیگر فرمودید در خانهٔ علی عليه السلام؟

حضرت فرمود: خانهٔ من و خانهٔ علی یکی است.

۱۸۳. إسمَاعِيلُ بنُ إسحَاقَ بنِ إبرَاهِيمَ الفَارِسِيّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ عَن آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسرِیَ بِی إلَی السَّمَاءِ فَصِرتُ فِی سَمَاءِ الدُّنیا حَتَّی صِرتُ فِی السَّمَاءِ السَّادِسَةِ فَإذَا أَنَا بِشَجَرَةٍ لَم أَرَ شَجَرَةً أَحسَنَ مِنهَا وَ لَا أَکبَرَ مِنهَا فَقُلتُ یَا حَبِیبِی مَا هَذِهِ الشَّجَرَةُ؟ قَالَ: هَذِهِ طُوبَی یَا حَبِیبِی. قَالَ: فَقُلتُ: مَا هَذَا الصَّوتُ العَالِیُ الجُهورِیُّ؟ قَالَ: هَذَا صَوتُ طُوبَی، قُلتُ: أَیُّ شَیءٍ یَقُولُ؟ قَالَ: یَقُولُ: وَا شَوقَاهُ إلَیكَ یَا عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

اسماعیل بن اسحاق بن ابراهیم فارسی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام از قول پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، از آسمان دنیا گذشتم تا این‌که به آسمان ششم رسیدم و در آنجا درختی را دیدم که تا پیش از آن درختی به آن بزرگی و نیکویی ندیده بودم. عرض کردم: ای حبیب من! این چه درختی است؟ فرمود: حبیب من این درخت طوبی است. عرض کردم: این صدای بلند و رسا از کجاست؟ فرمود: این صدای طوبی است. عرض کردم: چه می‌گوید؟ فرمود: می‌گوید ای علی! چقدر مشتاق تو هستم!

۱۸۴. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ إبرَاهِیمَ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿**الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ فَبَلَّغَنِی أَنَّ طُوبَی شَجَرَةٌ فِی الجَنَّةِ ثَابِتَةٌ فِی دَارِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ هِیَ لَهُ وَ لِشِیعَتِهِ، وَ عَلَی تِلكَ الشَّجَرَةِ أَسفَاطٌ فِیهَا حُلَلٌ مِن سُندُسٍ وَ إستَبرَقٍ یَکُونُ لِلعَبدِ مِنهَا أَلفُ أَلفِ سَفطٍ فِی کُلِّ سَفطٍ مِائَةُ أَلفِ حُلَّةٍ لَیسَ مِنهَا حُلَّةٌ إلَّا مُخَالِفَةً لَونَ الأُخرَی إلَّا أَنَّ أَلوَانَهَا کُلَّهَا خُضرٌ مِن سُندُسٍ وَ إستَبرَقٍ، فَهَذَا أَعلَی تِلكَ الشَّجَرَةِ وَ وَسطُهَا ظِلُّهُم یَظِلُّ عَلَیهِم یَسِیرُ الرَّاکِبُ فِی ظِلِّ تِلكَ الشَّجَرَةِ مِائَةَ عَامٍ قَبلَ أَن یَقطَعَهَا وَ أَسفَلُهَا ثَمَرُهَا مُتَدَلٍّ عَلَی بُیُوتِهِم یَکُونُ مِنهَا القَضِیبُ مِثلَ القَصَبَةِ فِیهَا مِائَةُ لَونٍ مِنَ الفَوَاکِهِ،

مَا رَأَيتُ وَ لَم تَرَ وَ مَا سَمِعتُ وَ لَم تَسمَع ، مُتَدَلٍّ عَلَى بُيُوتِهِم كُلَّمَا قَطَعُوا مِنهَا ثُمَّ يُنبِتُ مَكَانَهُ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى ﴿ لاٰ مَقْطُوعَةٍ وَ لاٰ مَمْنُوعَةٍ[1] ﴾ وَ تُدعَى تِلكَ الشَّجَرَةُ طُوبَى وَ يَخرُجُ نَهرُ مِن أَصلِ تِلكَ الشَّجَرَةِ فَيَسقَى جَنَّةَ عَدنٍ وِ هِيَ قَصرُ مِن لُؤلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ لَيسَ فِيهَا صَدعُ وَ لَا وَ صلُ لَواجتَمَعَ أَهلُ الإِسلَامِ كُلَّها عَلَى ذَلِكَ القَصرِ لَهُم فِيهِ سِعَةُ ، لَهَا أَلفُ أَلفِ بَابٍ وَ كُلُّ بَابٍ مِصرَاعَينِ مِن زِبَرجَدٍ وَ يَاقُوتٍ عَرضُهَا اثنَى عَشَر مِيلاً لَا يَدخُلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ صِدِّيقٌ أَو شَهِيدٌ أَو مُتَحَابٌ فِي اللهِ أَو ضَيفُ مِنَ الْمُؤمِنِينَ ، تِلكَ مَنازِلُهم وَ هِيَ جَنَّةُ عَدنٍ.

فرات گفت: محمّدبن حسن‌بن ابراهیم روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: به من چنین رسیده که طوبی درختی است در بهشت که در خانهٔ علی‌بن ابی‌طالب ﷺ استوار شده و از برای او و شیعیان اوست. بر آن درخت سبدهایی است پُر از دیباهایی ابریشمین و زربافت که هزار هزار سبد از آن برای یک تن از آنان است و در هر سبد صد هزار دیباست که هر یک رنگی متفاوت از دیگری دارد و حال آن‌که تمامی آن‌ها رنگی سبز از ابریشم و زربافت دارند و این فراز آن درخت بود. این همه در میان آن درخت بر او و شیعیانش سایه می‌افکند و حال آن‌که اگر سوارکار در سایه آن درخت صد سال ره بسپرد، باز در سایهٔ آن درخت است. بر پای آن درخت میوه‌هایش بر خانه‌های ایشان آویخته است و هر ترکه‌ای از آن همچون نی است و صد رنگ میوه دارد که نه من دیده‌ام و نه شما و نه من شنیده‌ام و نه شما؛ هر آن‌چه از آن بچینند، باز جایش می روید، چنان‌که خداوند متعال فرمود: «نه قطع شود و نه باز داشته شود». به آن درخت، طوبی گویند که رودی از ریشه آن بیرون می‌آید که فردوس برین را سیراب می‌کند و آنجا قصری از مرواریدی یگانه است که هیچ کدورت در آن نیست و هیچ همتا ندارد و اگر تمامی اهل اسلام در آن قصر

---

۱. واقعه، ۳۳

گرد آیند، برای ایشان گشاده باشد و هزار هزار در دارد و هر در از آن دو لنگه از زبرجد و یاقوت دارد و دوازده میل عرض دارد و تنها پیامبران و صدّیقان و شهیدان و جانبازان راه خدا و مهمانی از مؤمنان به آن درمی‌آیند؛ آنجا منزلگاه‌های ایشان است و همان بهشت عدن است.

۱۸۵. عَن سَلمَانَ قَالَ: قَالَت بَعضُ أَزوَاجِ النَّبِیِّ ﷺ یا رَسُولَ اللهِ مَا لَكَ یُحِبُّ فَاطِمَةَ حُبًّا مَا تُحِبُّهُ أَحَدًا مِن أَهلِ بَیتِكَ؟ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا أُسرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ إِنتَهَی بِی جَبرَئِیلُ إِلَی شَجَرَةِ طُوبَی فَعَمَدَ إِلَی ثَمَرَةٍ مِن أَثمَارِ طُوبَی فَفَرَكَهُ بَینَ أَصبِعِیهِ ثُمَّ أَطعَمَنِیهِ ثُمَّ مَسَحَ یَدَهُ بَینَ کِتفِی، ثُمَّ قَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی یُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةَ مِن خَدِیجَةَ بنتِ خُوَیلِدٍ، فَلَمَّا أَن هَبَطتُ إِلَی الأَرضِ فکَانَ الَّذِی کَانَ فَعُلِقَت خَدِیجَةُ بِفَاطِمَةَ، فَإِذَا أَنَا اشتَقتُ إِلَی الجَنَّةِ أَدنَیتُهَا فَشَمَمتُ رِیحَ الجَنَّةِ فَهِیَ حَورَاءُ إِنسِیَّةٌ.

سلمان گفت: یکی از همسران پیامبر ﷺ به ایشان عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! چگونه است که شما فاطمه علیها السلام را بسیار دوست می‌دارید و هیچ‌یک از اهل بیتتان را این‌گونه دوست نمی‌دارید؟! حضرت فرمود: چون شبانه مرا سوی آسمان بردند، جبرئیل علیه السلام مرا به سمت درخت طوبی برد. میوه‌ای از میوه‌های درخت طوبی را چید و آن را بین انگشتانش فشرد و از آن به من داد تا بخورم. سپس میان دو کتفم را نوازش کرد و گفت: ای محمّد! خداوند متعال تو را به وجود فاطمه علیها السلام از خدیجه دختر خویلد مژده می‌دهد. زمانی‌که سوی زمین فرود آمدم، خدیجه علیها السلام فاطمه علیها السلام را باردار شد. هنگامی‌که دلتنگ بهشت می‌شوم، به کنار او می‌آیم و بوی بهشت را از او استشمام می‌کنم، او فرشته‌ای از جنس آدمی است.

۱۸۶. عِیسَی بنُ مِهرَانَ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن آبَائِهِ علیهم السلام عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ ﴿**طُوبَیٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ**﴾ قَامَ المِقدَادُ بنُ الأَسوَدِ الکِندِیُّ إِلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ وَ مَا طُوبَی؟ قَالَ:

يَا مِقدَادُ شَجَرَةٌ فِي الجَنَّةِ لَو يَسِيرُ الرَّاكِبُ الجَواءِ لَسارَ فِي ظِلِّها مِائَةَ عَامٍ قَبلَ أَن يَقطَعَهَا ، وَرَقُهَا وَ بُسرُهَا بُرُودٌ خُضرٌ ، وَ زَهرُهَا رِيَاضٌ صُفرٌ ، وَ أَقنَاءُهَا سُندُسٌ وَإِستَبرَقٌ ، وَ ثَمَرُهَا حُلَلٌ خُضرٌ ، وَ صَمغُهَا زَنجَبِيلٌ وَ عَسَلٌ ، وَ بَطحَاءُهَا يَاقُوتٌ أَحمَرُ وَ زُمُرُّدٌ أَخضَرُ ، وَ تُرَابُهَا مِسكٌ وَ عَنبَرٌ وَحَشِيشُهَا زَعفَرَانٌ وَ الخُوخُ يَتَأَجَّجُ مِن غَيرِ وَقُودٍ ، يَتَفَجَّرُ مِن أَصلِهَا السَّلسَبِيلُ وَ الرَّحِيقُ وَ المَعِينُ ، وَ ظِلُّهَا مَجلِسٌ مِن مَجَالِسِ شِيعَةِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ، وَ يَتَحَدَّثُ بِجَمعِهِم ، وَ بَينَاهُم فِي ظِلِّهَا يَتَحَدَّثُونَ اِذ جَاءَتهُمُ المَلَائِكَةُ يَقُودُونَ نُجُبًا جُبِلَت مِنَ اليَاقُوتِ ، ثُمَّ نُفِخَ الرُّوحُ فِيهَا ، مَزمُومَةً بِسَلَاسِلَ مِن ذَهَبٍ كَأَنَّ وُجُوهَهَا المَصَابِيحُ نَضَارَةً وَ حُسنًا ، وَبرُهَا خَزٌّ أَحمَرُ وَ مِرعِزِّيٌّ أَبيَضُ مُختَلِطَانِ لَم يَنظُرِ النَّاظِرُونَ إِلَى مِثلِهَا حُسنًا وَ بَهَاءً وَ ذُلُكٌ ذُلُلٌ مِن غَيرِ مَهَانَةٍ نُجَبَاءُ مِن غَيرِ رِيَاضَةٍ ، عَلَيهَا رِحَالٌ أَلوَانُهَا مِنَ الدُّرِّ وَ اليَاقُوتِ مُفَضَّضَةً بِاللُّؤلُؤِ وَ المَرجَانِ ، صَفَائِحُهَا مِنَ الذَّهَبِ الأَحمَرِ ، مُلَبَّسَةً بِالعَبقَرِيِّ وَالأُرجُوَانِ ، فَأَنَاخُوا تِلكَ النُّجَابِي إِلَيهِم ثُمَّ قَالُوا لَهُم: رَبُّكُم يُقرِءُكُمُ السَّلَامَ فَتَزُورُونَهُ وَ يَنظُرُ إِلَيكُم وَيُحِبُّكُم وَ تُحِبُّونَهُ وَ يَزِيدُكُم مِن فَضلِهِ وَ سَعَتِهِ فَإِنَّهُ ذُو رَحمَةٍ وَاسِعَةٍ وَ فَضلٍ عَظِيمٍ.

عیسی بن مهران گفت: امام جعفر صادق ﷺ از قول پدران بزرگوارش ﷺ از حضرت علی ﷺ فرمود: هنگامی که این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد، «زندگی خوش و نیکویی بازگشت، از آنِ آن‌هاست»، مقدادبن اسود کندی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ، طوبی در این آیه شریفه به چه معناست؟ حضرت فرمود: ای مقداد! در بهشت درختی هست که اگر سوار تیزتک در سایه آن درخت صد سال راه بسپرد، باز هم به زیر سایه آن درخت است. برگ و خرمای آن درخت گوارا و سبز است و گل‌های آن بوستانی زرد و خوشه‌های آن ابریشمین و زربافت است و میوه آن زیورهای سبز و شیره آن زنجبیل و عسل است و دشت پیرامونش یاقوت سرخ و زمرّد سبز و خاکش مشک و عنبر است و گیاهش زعفران است که بی‌هیچ افروختنی برافروزد

و از ریشه‌اش چشمهٔ سلسبیل و رحیق و معین می‌جوشد و سایه‌اش مجلسی از مجالس شیعیان علی‌بن ابی‌طالب ؛ است که وی در آنجا با ایشان سخن می‌گوید و هنگامی‌که ایشان در سایهٔ آن درخت به گفت‌وگو نشسته‌اند ناگاه فرشتگان، سوار بر شترانی برگزیده که از یاقوت پدید آمده‌اند، نزد ایشان می‌رسند و آن‌گاه روح در آن شتران دمیده می‌شود؛ به زنجیرهایی زرین لگام شده‌اند و گویی چهره‌هاشان از سرزندگی و زیبایی چراغ‌هایی روشن است و پشمشان آمیزه‌ای است از خز سبز و موی مجعّد سپید که هیچ کس در زیبایی و درخشندگی همانندشان را ندیده است. شترانی رام بی‌آن‌که خوار شده باشند و شترانی پرورده بی‌آن‌که به سختی درافتاده باشند و جهازهایی به رنگ درّ و یاقوت و نقره‌کوب با مروارید و مرجان بر آن‌ها نهاده شده و پوستشان از طلای سرخ با پوشش رنگارنگ و ارغوان است. آنان را نزد ایشان بر زمین می‌نشانند و به ایشان گویند: پروردگارتان بر شما سلام می‌رساند، شما او را می‌نگرید و او سوی شما می‌نگرد و او دوستتان می‌دارد و شما دوستش می‌دارید و سپس او از فضل و بخشش بر شما می‌افزاید؛ چراکه او صاحب رحمت فراخ و فضل بزرگ است.

قَالَ: فَيَتَحَوَّلُ كُلُّ رَجُلٍ مِنهُم عَلَى رَاحِلَتِهِ فَيَنطَلِقُونَ صَفًّا وَاحِدًا مُعتَدِلاً لا يُفَوِّتُ مِنهُم شَيءٌ شَيئًا وَ لَا يُفَوِّتُ أُذُنُ نَاقَةٍ نَاقَتَها وَ لا بَرَكَةُ نَاقَةٍ بَرَكَها وَ لَا يَمُرُّونَ بِشَجَرَةٍ مِن أَشجَارِ الجَنَّةِ إِلَّا أَتحَفَتهُم بِأَثمَارِهَا وَ رَحَلَت لَهُم عَن طَرِيقِهِم كَرَاهِيَةُ أَن تَنثَلِمَ طَرِيقُهُم وَ أَن يُفَرَّقَ بَينَ الرَّجُلِ وَ رَفِيقِهِ.

فَلَمَّا رُفِعُوا إِلَى الجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ قَالُوا: رَبَّنَا أَنتَ السَّلَامُ وَ مِنكَ السَّلَامُ وَ لَكَ يَحِقُّ الجَلَالُ وَ الإِكرَامُ. قَالَ فَيقُولُ اللهُ أَنَا السَّلَامُ وَ مَعِيَ السَّلَامُ وَ لِي يَحِقُّ الجَلَالُ وَ الإِكرَامُ فَمَرحَبًا بِعِبَادِيَ الَّذِينَ حَفِظُوا وَصِيَّتِي فِي أَهلِ بَيتِ نَبِيِّي وَ رَعَوا حَقِّي وَ خَافُونِي بِالغَيبِ وَ كَانُوا مِنِّي عَلَى كُلِّ حَالٍ مُشفِقِينَ.

فَقَالُوا: اَمَا وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ مَا قَدَرنَاكَ حَقَّ قَدرِكَ ، وَ مَا اَدَّينَا اِلَيكَ كُلَّ حَقِّكَ فَائذَن

لَنا فِی السُّجُودِ، قَالَ لَهُم رَبُّهُم: إِنِّی قَد وَضَعتُ عَنکُم مُؤنَةَ العِبَادَةِ وَ أَرَحتُ عَلَیکُم أبدَانَکُم وَ طَالَ مَا أَنصَبتُم لِیَ الأَبدَانَ وَ عَنِتُّم لِیَ الوُجُوهَ، فَالآنَ أَفضَیتُم إِلَی رُوحِی وَ رَحمَتِی، فَاسأَلُونِی مَا شِئتُم وَ تَمَنَّوا عَلَیَّ أُعطِکُم أَمَانِیَّکُم فَإِنِّی لَن أَجزِیَکُمُ الیَومَ بِأَعمَالِکُم وَ لکِن بِرَحمَتِی وَ کَرَامَتِی وَ طَولِی وَ عَظِیمِ شَأنِی وَبِحُبِّکُم أَهلَ بَیتِ نَبِیِّی.

آن‌گاه هریک از ایشان بر مرکب خود سوار می‌شوند و در صفی آراسته که هیچ‌یک جلو و عقب نباشند، به راه می‌افتند و حتی گوش و سینه‌های شتران نیز در کنار هم حرکت می‌کنند. به هر درخت از درختان بهشتی که می‌رسند، از میوه‌هایش به آن‌ها پیشکش می‌کند و از سر راه آن‌ها دور می‌رود تا مبادا وجود آن درخت باعث شود تا راهشان پیچ و خمی پیدا کند و یا آن‌ها یکدیگر را گم کنند و بین دوستان جدایی افتد. چون به درگاه خداوند جبار بزرگ‌مرتبه رسند، گویند: پروردگارا تویی سلام و سلام از توست، جلال و بزرگواری شایستهٔ توست. خداوند می‌فرماید: من سلامم و سلام با من است و جلال و بزرگواری شایستهٔ من است. خوش آمدند بندگان من که سفارش مرا دربارهٔ خاندان پیامبر من حفظ کردند و حق مرا پاس داشتند و به غیب از من خوف کردند و در هر حال دلشان با من بود.

آنان گویند: به عزت و جلالت سوگند ما چنان‌که باید، قدر تو را ندانستیم و آن‌گونه که باید حق تو را ادا نکردیم. به ما اجازه بده تا تو را سجده کنیم. پروردگارشان به آن‌ها می‌فرماید: من زحمت عبادت را از شما برداشتم و بدن‌های شما را در آسایش قرار دادم و شما مدت طولانی بدن‌های خود را برای عبادت من رنج دادید و چهره‌هایتان را برایم به خاک نهادید و هم‌اکنون به لطف و رحمت من رسیدید. حال هرچه دوست دارید از من بخواهید و آرزوهایتان را از من درخواست کنید تا برآورده سازم؛ زیرا من امروز فقط پاداش اعمال شما را نمی‌دهم، بلکه با رحمت و کرامت و بخشش و مقام بزرگم و به اندازهٔ دوستی شما با اهل بیت پیامبرم ﷺ به شما پاداش می‌دهم.

فَلا يَزالُونَ يَا مِقدَادُ مُحِبُّو عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فِي العَطَايَا وَ المَوَاهِبِ حَتَّى أَنَّ المُقَصِّرَ مِن شِيعَتِهِ لَيَتَمَنَّى فِي أُمنِيَّتِهِ مِثلَ جَمِيعِ الدُّنيَا مُنذُ يَومِ خَلَقَ اللهُ إِلَى يَومِ أَفنَائِهَا. قَالَ لَهُم رَبُّهُم: لَقَد قَصَّرتُم فِي أَمَانِيِّكُم وَ رَضِيتُم بِدُونِ مَا يَحِقُّ لَكُم، فَانظُرُوا إِلَى مَوَاهِبِ رَبِّكُم. فَإِذَا بِقِبَابٍ وَ قُصُورٍ فِي أَعلَى عِلِّيِّينَ مِنَ اليَاقُوتِ الأَحمَرِ وَالأَخضَرِ وَ الأَصفَرِ وَ الأَبيَضِ يَزهَرُ نُورُهَا فَلَولَا أَنَّهُ مُسَخَّرٌ إِذًا لَلَمَعَتِ الأَبصَارُ مِنهَا، فَمَا كَانَ مِن تِلكَ القُصُورِ مِنَ اليَاقُوتِ الأَحمَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالعَبقَرِيِّ الأَحمَرِ وَ مَا كَانَ مِنهَا مِنَ اليَاقُوتِ الأَخضَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالسُّندُسِ الأَخضَرِ، وَ مَا كَانَ مِنهَا مِنَ اليَاقُوتِ الأَبيَضِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالحَرِيرِ الأَبيَضِ، وَ مَا كَانَ مِنهَا مِنَ اليَاقُوتِ الأَصفَرِ فَهُوَ مَفرُوشٌ بِالرِّيَاضِ الأَصفَرِ، مَبثُوثَةٌ بِالزُّمُرُّدِ الأَخضَرِ وَ الفِضَّةِ البَيضَاءِ وَ الذَّهَبِ الأَحمَرِ، قَوَاعِدُهَا وَ أَركَانُهَا مِنَ الجَوهَرِ، يُنَوِّرُ مِن أَبوَابِهَا وَ أَعرَاضِهَا بِنُورٍ مِثلِ شُعَاعِ الشَّمسِ عِندَهُ مِثلُ الكَوكَبِ الدُّرِّيِّ فِي النَّهَارِ المُضِيءِ، وَ إِذَا عَلَى بَابِ كُلِّ قَصرٍ مِن تِلكَ القُصُورِ ﴿ جَنَّتَانِ[۱] مُدْهَامَّتَانِ[۲] فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ[۳] فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ[۴] ﴾.

ای مقداد! از آن پس، دوستداران علی‌بن ابی‌طالب عليه السلام غرقِ در عطاها و بخشش‌های پروردگارند، تا آنجا که کمترین فرد شیعه مثل تمام دنیا را از اول خلقت تا انتهای آن آرزو می‌کند، ولی پروردگارشان به آن‌ها می‌فرماید: در آرزوهایتان کوتاهی کردید و به کمتر از شایستگی خود راضی شدید، حال به بخشش‌های پروردگارتان بنگرید. ناگهان شیعیان گنبدها و قصرهایی بر فراز آسمان هفتم از یاقوت سرخ و سبز و زرد و سفید می‌بینند که نورشان چنان می‌درخشد که اگر آن نور در تسخیر نبود، چشم‌ها را سفید می‌کرد. آن قصرهایی که از یاقوت سرخ است با نقش و نگار سرخ فرش شده و آن‌هایی که

---

۱. الرحمن / ۶۲

۲. رحمن، ۶۴

۳. رحمن، ۶۶

۴. رحمن، ۵۲

از یاقوت سبز است با ابریشم سبز فرش شده و آن‌هایی که از یاقوت سفید است با حریر سفید فرش شده و آن‌هایی که از یاقوت زرد است با گل‌های زرد فرش شده است و در سراسرشان زمرد سبز و نقره سفید و طلای سرخ گسترده شده است.

پایه‌ها و ستون‌های قصرها از جواهر است و از درها و دیوارهایشان نوری می‌درخشد که نور شعاع آفتاب در برابر آن همچون نور ستاره درخشانی در روز روشن است.

در مقابل هر قصری دو بوستان است. «دو بهشت... از [شدّت] سرسبزی به سیاهی زند... در آن [دو بهشت] دو چشمهٔ جوشان‌اند... در آن دو از هر میوه‌ای دو نوع است.»

فَلَمَّا أَرَادُوا أَن يَنصَرِفُوا إِلَى مَنَازِلِهِم حَوِّلُوا عَلَى بَرَاذِينَ مِن نُورٍ بِأَيدِي وِلدَانٍ مُخَلَّدِينَ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنهُم حَكَمَةُ بِرذَونٍ مِن تِلكَ البَرَاذِينِ، لُجُمُهَا وَ أَعِنَّتُهَا مِنَ الفِضَّةِ البَيضَاءِ وَ أَثفَارُهَا مِنَ الجَوهَرِ، فَإِذَا دَخَلُوا مَنَازِلَهُم وَجَدُوا المَلَائِكَةَ يُهَنُّونَهُم بِكَرَامَةِ رَبِّهِم، إِذَا استَقَرُّوا قَرَارَهُم قِيلَ لَهُم: ﴿ **هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ**[1] ﴾ رَبَّنَا رَضِينَا فَارضَ عَنَّا. قَالَ: بِرِضَایَ عَنكُم وَبِحُبِّكُم أَهلَ بَيتِ نَبِيِّ حَلَلتُم دَارِي وَ صَافَحتكُمُ المَلَائِكَةُ فَهَنِيئًا هَنِيئًا ﴿ **عَطَاءً غَيرَ مَجذُوذٍ**[2] ﴾ لَيسَ فِيهِ تَنغِيصٌ، فَعِندَهَا قَالُوا: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ**[3] ﴾.

هنگامی‌که شیعیان حضرت علی علیه السلام می‌خواهند به منزل‌های خود بازگردند، آن‌ها را بر مرکب‌هایی از نور سوار می‌کنند که مهار آن‌ها به دست پسرانی زیبا و جاویدان است که در دست هریک دهنهٔ یکی از آن مرکب‌هاست که مهار و افسار آن از نقره سفید و زین آن از جواهر است. چون به منزل‌هایشان وارد شوند،

---

۱. اعراف، ۴۴

۲. هود، ۱۰۸

۳. فاطر، ۳۵-۳۴

فرشتگان با کرامت خداوند به ایشان تبریک و تهنیت می‌گویند و هنگامی که در محل خود قرار گیرند، به آن‌ها خطاب می‌شود: «آیا شما [نیز] آن‌چه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟» می‌گویند: پروردگارا! ما خشنودیم تو نیز از ما خشنود باش. خطاب می‌شود: به خاطر رضایت و خشنودی‌ام از شما و دوستی شما با اهل بیت پیامبرم به خانهٔ من درآمدید و فرشتگان دست در دستانتان نهادند؛ گوارایتان باد، گوارایتان باد! «[خداوند به آن‌ها] بخششی قطع‌ناشدنی [عطا می‌کند].» که در آن هیچ ناگواری نیست. در این هنگام می‌گویند: «سپاس و ستایش از آن خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد، در اینجا نه رنجی به ما می رسد و نه خستگی».

قَالَ عِیسَی بنُ مِهرَانَ: فَحَدَّثتُ بِهِ أَصحَابَ الحَدِیثِ عَن هَؤُلَاءِ الثَّمَانِیَةِ فَقُلتُ لَهُم: أَنَا أَبرَءُ إِلَیکُم مِن عُهدَةِ هَذَا الحَدِیثِ لِأَنَّ فِیهِ قَومٌ مَجهُولُونَ وَ لَعَلَّهُم إِن یَکُونُوا صَادِقِینَ، فَرَأَیتُ مِن لَیلَتِی أَو بَعدَ کَأَنَّ أَتَانِی آتٍ وَ مَعَهُ کِتَابٌ فِیهِ مِن مَخُولِ بنِ إِبرَاهِیمَ وَ الحَسَنِ بنِ الحُسَینِ وَ یَحیَی بنِ الحَسَنِ بنِ فُرَاتٍ وَ عَلِیِّ بنِ القَاسِمِ الکِندِیِّ وَ لَم أَلقَ عَلِیَّ بنَ القَاسِمِ وَ عِدَّةٌ بَعدَهُ لَم أَحفَظ أَسَامِیَهُم کَتَبنَا إِلَیكَ مِن تَحتِ شَجَرَةِ طُوبَی فَقَد أَنجَزَ لَنَا رَبُّنَا مَا وَعَدَنَا فَاستَمسِك بِهَذَا الکُتُبِ فَإِنَّكَ لَن تَقرَءَ مِنهَا کِتَابًا إِلَّا أَشرَقَت لَهُ الجَنَّةُ.

عیسی بن مهران گفت: این حدیث را به روایت آن هشت راوی بر اهل حدیث بازگفتم و به آنان گفتم: من از ضمانت این حدیث نزد شما شانه تهی می‌کنم؛ چراکه کسانی در آن ناشناس‌اند و امید است که ایشان راستگو بوده باشند؛ چراکه در شبی از این شب‌ها در خواب دیدم که کسی نزد من آمد و نوشته‌ای در دست داشت از محول‌بن ابراهیم و حسن‌بن حسین و یحیی بن حسن بن فرات و علی بن قاسم کندی، حال آن‌که علی‌بن قاسم را ندیده‌ام، و چند تن پس از وی که نام‌هایشان را به یاد ندارم، نوشته بود: ما از زیر درخت طوبی برایت نگاشته‌ایم و پروردگارمان وعده‌مان را به انجام رسانید، این نگاشته‌ها را نگاه

دار که هر گاه نگاشته‌ای از آن‌ها را بخوانی، بهشت از آن نورانی می‌شود.

۱۸۷. مُحَمَّدُبنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه‌السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله ذاتَ یَومٍ: یَا عَلِیُّ عَلِمتَ أَنَّ جَبرَئیلَ عليه‌السلام أَخبَرَنی أَنَّ أُمَّتی تَغدِرُ بِكَ مِن بَعدی فَوَیلٌ ثُمَّ وَیلٌ ثُمَّ وَیلٌ لَهُم ثَلاثَ مَرّاتٍ. قُلتُ: یا رَسُولَ اللهِ وَ ما وَیلٌ؟ قالَ: وادٍ فی جَهَنَّمَ أَكثَرُ أَهلِهِ مُعادُوكَ وَ القاتِلُونَ لِذُرِّیَّتِكَ وَ النّاكِثُ لِبَیعَتِكَ، فَطُوبَی ثُمَّ طُوبَی ثُمَّ طُوبَی ثَلاثَ مَرّاتٍ لِمَن أَحَبَّكَ وَ وَفَی لَكَ. قُلتُ: یا رَسُولَ اللهِ وَ ما طُوبَی؟ قالَ: شَجَرَةٌ فی دارِكَ فِی الجَنَّةِ لَیسَ دارٌ مِن دُوَرِ شیعَتِكَ فِی الجَنَّةِ إِلّا وَ فیها غُصنٌ مِن تِلكَ الشَّجَرَةِ تَهدِی عَلَیهِم بِكُلِّ ما یَشتَهُونَ.

محمّدبن احمد گفت: حضرت علی عليه‌السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به من فرمود: ای علی! بدان جبرئیل عليه‌السلام به من خبر داد که امتم پس از من با تو نیرنگ می‌کنند، پس وای بر آنان و سه بار تکرار فرمود: ویل برای آنان است. عرض کردم: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! ویل چیست؟ فرمود: بیابانی است در جهنم که بیشتر اهل آن دشمنان تو و قاتلان فرزندان تو و پیمان‌شکنان بیعت با تو هستند. سپس سه بار فرمود: خوشا به حال آنان، طوبی برای کسی است که تو را دوست دارد و به عهد تو وفادار است. گفتم: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! طوبی چیست؟ فرمود: درختی در خانهٔ تو در بهشت است که خانه‌ای از خانه‌های شیعیان تو در بهشت نیست، مگر آن‌که شاخه‌ای از آن درخت در خانهٔ ایشان است و هر آن‌چه را دلشان بخواهد، سوی ایشان می‌فرستد.

(سورهٔ رعد، آیهٔ ۳۸)

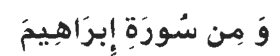
﴿ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجًا وَ ذُرِّيَّةً ﴾

و بی‌تردید پیامبرانی را پیش از تو فرستادیم، و برای آن‌ها همسران و فرزندانی قرار دادیم.

۱۸۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ الوَلیدِ قالَ: دَخَلنا عَلی أَبی عَبدِ اللهِ عليه‌السلام فَقالَ لَنا: مِمَّن أَنتُم؟ فَقُلنا لَهُ: مِن

أَهلِ الكُوفَةِ ، فَقَالَ لَنا: إِنَّهُ لَيسَ بَلَدُ مِنَ البُلدَانِ وَ لَا مِصرُ مِنَ الأَمصَارِ أَكثَرَ مُحِبًّا لَنا مِن أَهلِ الكُوفَةِ ، إِنَّ اللهَ هَدَاكُم لِأَمرٍ جَهِلَهُ النَّاسُ فَأَحبَبتُمُونا وَ أَبغَضَنَا النَّاسُ وَ صَدَّقتُمُونَا وَ كَذَّبَنا النَّاسُ وَ اتَّبَعتُمُونَا وَ خَالَفَنَا النَّاسُ ، فَجَعَلَ اللهُ مَحيَاكُم مَحيَانَا وَ مَمَاتَكُم مَمَاتَنَا ، فَأَشهَدُ عَلى أَبِي إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَا بَينَ أَحَدِكُم وَ بَينَ أَن يُغتَبَطَ وَ يَرى مَا تَقَرُّ بِهِ عَينَيهِ إِلَّا أَن تَبلُغَ نَفسُهُ هَا هُنَا ـ و أَومَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلقِهِ ـ وَ قَد قَالَ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجًا وَ ذُرِّيَّةً** ﴾ فَنَحنُ ذُرِّيَّةُ رَسُولِ اللهِ صلّی الله علیه و آله.

عبد اللّه‌بن ولید گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدیم، حضرت فرمود: شما از کدام طایفه هستید؟ عرض کردیم: ما از اهل کوفه هستیم. فرمود: اهل هیچ شهر و دیاری بیشتر از کوفه، دوستدار ما خاندان نیستند. خداوند شما را به راهی هدایت نموده که دیگران به آن جاهل‌اند، شما ما را دوست می‌دارید، در حالی‌که مردم به ما کینه می‌ورزند و شما ما را تصدیق می‌کنید، در حالی‌که مردم ما را تکذیب می‌کنند و شما ما را پیروی می‌کنید، در حالی‌که مردم از ما سرپیچی می‌کنند، خداوند زندگی شما را زندگی ما و مرگ شما را مرگ ما قرار دهد. من بر پدرم گواه هستم که می‌فرمود: فاصله بین شما و بین این‌که دیگران حسرت مقامتان را بخورند و این‌گونه از آیندهٔ خود شاد و خرم شوید، وقتی آشکار می‌شود که جانتان به اینجا برسد و سپس به گلوی مبارک خود اشاره کرد و فرمود: خداوند در کتاب خود فرموده است: «و بی‌تردید پیامبرانی را پیش از تو فرستادیم، و برای آن‌ها همسران و فرزندانی قرار دادیم.» ما فرزندان رسول خدا صلّی الله علیه و آله هستیم.

وَ مِن سُورَةِ إبراهِيمَ

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۴ ـ ۲۵)

﴿ أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهٰا ثٰابِتٌ وَ فَرْعُهٰا فِي السَّمٰاءِ * تُؤْتِي أُكُلَهٰا كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّهٰا ﴾

آیا ندیدی که خداوند چگونه مثل زده است؟ [و در آن مَثَل] سخن پاکیزه‌ای را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه‌اش [در زمین] ثابت و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را در هر زمانی به اذن پروردگارش می‌دهد.

۱۸۹. عَن عُمَرَبنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: **﴿ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهٰا ثٰابِتٌ وَ فَرْعُهٰا فِي السَّمٰاءِ ﴾** فَقَالَ: النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَصلُهَا وَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فَرعُهَا وَ الأَئِمَّةُ مِن ذُرِّيَّتِهِمَا أَغصَانُهَا وَ عِلمُ الأَئِمَّةِ ثَمَرُهَا وَ شِيعَتُهُم وَرَقُهَا، فَهَل تَرَى فِيهَا فَضلاً؟ فَقُلتُ: لَا وَاللهِ إِنَّ المُؤمِنَ لَيَمُوتُ فَيَسقُطُ وَرَقَةٌ مِن تِلكَ الشَّجَرَةِ وَ إِنَّهُ لَيُولَدُ فَتُورِقُ بِوَرَقَةٍ مِنهَا. فَقُلتُ: قَولُهُ: **﴿ تُؤْتِي أُكُلَهٰا كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّهٰا ﴾** قَالَ: يَعنِى مَا يَخرُجُ إِلَى النَّاسِ مِن عِلمِ الإِمَامِ حين يُسأَلُ عَنهُ.

عمربن یزید گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند عزّوجلّ

«[سخن پاکیزه] را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه‌اش در آسمان است» پرسیدم، ایشان فرمود: پیامبر ﷺ ریشهٔ آن و حضرت علی ؑ شاخهٔ آن و امامان ؑ از فرزندان ایشان شاخه‌های آن و میوه آن علم امامان و برگ آن شیعیان ایشان هستند. آیا چیز دیگری در آن می‌بینی؟ وقتی یکی از مؤمنان شیعه از دنیا می‌رود، یک برگ از درخت فرو می‌افتد و هر فرزندی از ایشان که زاده می‌شود یک برگ بر درخت می‌روید. عرض کردم: «میوه‌اش را در هر زمانی به اذن پروردگارش می‌دهد» چه؟ فرمود: منظور آن چیزی است که از علم امام سوی مردم بیرون می‌آید، چون آنان از وی بپرسند.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۷)

﴿ يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ﴾

خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، با سخن ثابت، محکم و استوار می‌گرداند.

۱۹۰. **عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ يُثَبِّتُ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ ﴾ قَالَ: بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؑ.**

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: یعنی با ولایت علی بن ابی طالب ؑ.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۸)

﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴾

آیا کسانی را که نعمت خدا را به کفران [نعمت] مبدّل کردند و قوم خود را در سرای هلاکت جای دادند، ملاحظه نکردی؟

۱۹۱. **عَن هُبَيرَةِ بنِ يَرِيمَ قَالَ: كُنَّا عِندَ أَمِيرِ الْمُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؑ فَقَرَأَ: ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْرًا ﴾ قَالَ: تَدرِی فِیمَن نَزَلَت؟ قُلتُ: لَا. قَالَ: نَزَلَت فِی الْأَفجَرِينِ**

مِن قُرَیشٍ فِی بَنِی‌أُمَیَّةَ وَ بَنِی المُغِیرَةِ فَأَمَّا بَنُو المُغِیرَةِ فَقَطَعَ اللهُ دَابِرَهُم یومَ بَدرٍ وَ أَمَّا بَنُواُمَیَّةَ فَمُتِّعُوا إِلَی حِینٍ.

هبیرةبن یریم گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام بودیم که ایشان قرائت فرمود: «آیا کسانی را که نعمت خدا را به کفران [نعمت] مبدّل کردند، ملاحظه نکردی؟» سپس فرمود: آیا می‌دانی در چه مورد نازل شد؟ عرض کردم: خیر. فرمود: در مورد فاجران قریش، دربارهٔ بنی‌امیه و بنی‌مغیره نازل شد. بنی‌مغیره را خدا در روز بدر مقطوع النسل کرد و بنی‌امیه تا مدتی مهلت یافتند.

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۳۵)

﴿ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴾

پروردگارا! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور بدار.

۱۹۲. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ عِیسَی‌بنِ زَکَرِیَّا مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیهما‌السلام قَالَ: إِنَّ إِبرَاهِیمَ خَلِیلُ‌اللهِ علیه‌السلام دَعَا رَبَّهُ فَقَالَ: ﴿ **رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ** ﴾ فَنَالَت دَعوَتُهُ النَّبِیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَأَکرَمَهُ اللهُ بِالنُّبُوَّةِ وَ نَالَت دَعوَتُهُ عَلِیَّ‌بنَ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام فَاختَصَّهُ اللهُ بِالإِمَامَةِ وَ الوِصَایَةِ، وَ قَالَ اللهُ تَعَالَی: یَا إِبرَاهِیمُ ﴿ **إِنِّی جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ** ﴾ إِبرَاهِیمُ: ﴿ **وَ مِن ذُرِّیَّتِی قَالَ: لَایَنَالُ عَهدِی الظَّالِمِینَ** ﴾ قَالَ: الظَّالِمُ مَن أَشرَكَ بِاللهِ وَ ذَبَحَ لِلأَصنَامِ وَ لَم یَبقَ أَحَدٌ مِن قُرَیشٍ وَ العَرَبِ مِن قَبلِ أَن یُبعَثَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِلَّا وَ قَد أَشرَكَ بِاللهِ وَ عَبَدَ الأَصنَامَ وَ ذَبَحَ لَهَا مَا خَلَا أَمِیرَالمُؤمِنِینَ عَلِیَّ‌بنَ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام فَإِنَّهُ مِن قَبلِ أَن یَجرِیَ عَلَیهِ القَلَمُ أَسلَمَ، فَلَا یَجُوزُ أَن یَکُونَ إِمَامُ أَشرَكَ بِاللهِ وَ ذَبَحَ لِلأَصنَامِ لِأَنَّ اللهَ تَعَالَی قَالَ: ﴿ **لَا یَنَالُ عَهدِی الظَّالِمِینَ** ﴾.

فرات گفت محمّدبن عیسی‌بن زکریا روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: حضرت ابراهیم خلیل الله علیه‌السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: «پروردگارا! این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور

بدار.» دعای او به پیامبر ﷺ رسید و خداوند او را به نبوّت گرامی داشت و سپس به علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام رسید و خداوند او را به امامت و وصایت اختصاص داد و خداوند فرمود: ای ابراهیم! «تو را برای مردم امام قرار دادم.» ابراهیم «گفت: و از فرزندانم. خدا گفت: عهد من به ظالمان نمی‌رسد.» ظالم کسی است که به خدا شرک بورزد و برای بت‌ها قربانی کند. پیش از بعثت پیامبر ﷺ به غیر از حضرت علی علیه السلام، تمامی عرب و قریش مشرک بودند و بت می‌پرستیدند و برای بتان قربانی می‌کردند و تنها حضرت علی علیه السلام بود که پیش از آن‌که قلم بر او جاری گردد، اسلام آورد. پس روا نیست که امام به خدا شرک ورزد و برای بتان قربانی کند؛ چراکه خداوند فرمود: «عهد من به ظالمان نمی‌رسد.»

(سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۳۷)

﴿ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ ﴾

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌آب و علف، نزدیک خانهٔ با حرمت تو سکنا داده‌ام، تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن.

۱۹۳. الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعنعنًا: قَالَ: كُنَّا فِي الفُسطَاطِ عِندَ أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام وَ فِي الفُسطَاطِ نَحوًا مِن خَمسِينَ رَجُلاً قَالَ: فَجَلَسَ بَعدَ سُكُونٍ مِنَّا طَوِيلٌ فَقَالَ: مَا لَكُم لَا تَنطِقُونَ؟! لَعَلَّكُم تَرَونَ أَنِّي نَبِيٌّ! لَا وَاللهِ مَا أَنَا كَذَلِكَ وَلَكِنَّ بِي قَرَابَةً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ قَرِيبَةً وَ وِلَادَةً مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ، فَمَن وَصَلَنَا وَصَلَهُ اللهُ وَ مَن أَكرَمَنَا أَكرَمَهُ اللهُ وَ مَن قَطَعَنَا قَطَعَهُ اللهُ، أَتَدرُونَ أَيُّ البِقَاعِ عِندَ اللهِ أَفضَلُ مَنزِلَةً؟ فَلَم يَتَكَلَّم أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ عَلَى نَفسِهِ فَقَالَ: تِلكَ مَكَّةُ الحَرَامِ الَّتِي وَضَعَهَا اللهُ لِنَفسِهِ حَرَمًا وَ جَعَلَ بَيتَهُ فِيهَا، ثُمَّ قَالَ: أَتَدرُونَ أَيُّ بُقعَةٍ فِي مَكَّةَ أَعظَمُ عِندَ اللهِ حُرمَةً؟ فَلَم يَتَكَلَّم أَحَدٌ فَكَانَ هُوَ الرَّادُّ

عَلى نَفسِهِ فَقالَ: ذٰلِكَ المَسجِدُ الحَرام، ثُمَّ قالَ: أَتدرُونَ أَیُّ بُقعَةٍ فِی المَسجِدِ الحَرامِ أَعظَمُ حُرمَةً عِندَ اللهِ؟ فَلَم یَتَکلَّم أَحَدٌ فکانَ هُوَ الرّادُّ عَلى نَفسِهِ فَقالَ: ذٰلِكَ بَینَ الرُّکنِ الأَسوَدِ إِلى بابِ الکَعبَةِ ذٰلِكَ حَطِیمُ إِسماعِیلَ النَّبیِّ نَفسِهِ الَّذی کانَ یَذُودُ فِیهِ غَنَمَهُ وَ یُصَلِّی فِیهِ فَوَاللهِ لَو أَنَّ عَبدًا صَفَّ قَدَمَیهِ فِی ذٰلِكَ المَکانِ قائِمًا بِاللَّیلِ مُصَلِّیًا حَتّى یَجِیئَهُ اللَّیلُ وَ لَم یَعرِف حَقَّنا وَ حُرمَتَنا اَهلَ البَیتِ لَم یَقبَلِ اللهُ مِنهُ شَیئًا أَبَدًا.
أَلا إِنَّ أَبانا إِبراهِیمَ خَلِیلَ اللهِ ﷺ کانَ مِمّا اشتَرَطَ عَلى رَبِّهِ أَن قالَ: ﴿ **فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ** ﴾ أَمّا أَنَّهُ لَم یَعنِ النّاسَ کُلَّهُم، فَأَنتُم أَولِیاؤُهُ وَ نُظَراؤُکُم، وَ إِنَّما مَثَلُکُم فِی النّاسِ مَثَلُ الشَّعرَةِ السَّوداءِ فِی الثَّورِ الأَبیَضِ وَ مَثَلُ الشَّعرَةِ البَیضاءِ فِی الثَّورِ الأَسوَدِ، یَنبَغِی لِلنّاسِ أَن یَحُجُّوا هٰذَا البَیتَ وَ یُعَظِّمُوهُ لِتَعظِیمِ اللهِ إِیّاهُ وَ أَن تَلقَونا حَیثُما کُنّا، نَحنُ الأَدِلّاءُ عَلَى اللهِ تَعالَى.

حسین بن سعید: حدود پنجاه مرد در زیر چادری خدمت امام محمّد باقر ؑ بودیم. حضرت نشست و بعد از سکوت طولانی ما فرمود: چرا حرف نمی‌زنید؟ شاید گمان می‌کنید من پیامبرم! نه، به خدا من پیامبر نیستم ولی خویشاوندی نزدیکی با رسول خدا ﷺ دارم و از نسل نزدیک اویم، پس هر که به ما بپیوندد، خدا به او می‌پیوندد و هر که ما راگرامی بدارد، خدایش گرامی می‌دارد و هر که از ما ببرد، خدا از او می‌برد. آیا می‌دانید کدام قطعه از زمین مقامش نزد خدا بالاتر است؟ کسی چیزی نگفت، تا این‌که ایشان خود پاسخ داد و فرمود: آن مکه است که خدا آن را برای حرم خویش پسندید و خانه‌اش را آنجا قرار داد. سپس فرمود: آیا می‌دانید کدام قطعه زمین در مکه نزد خداوند باارزش‌تر است؟ باز کسی چیزی نگفت تا این‌که ایشان خود پاسخ داد: آن مسجدالحرام است. سپس فرمود: می‌دانید کدام قطعه از مسجدالحرام نزد خداوند گرامی‌تر است؟ باز هم کسی چیزی نگفت تا این‌که ایشان خود پاسخ داد و فرمود: آن، فاصله بین حجرالاسود تا در خانهٔ کعبه است که حطیم

حضرت ابراهیم است. یعنی جایی که به گوسفندانش علف می‌داد و در آن نماز می‌خواند. به خدا سوگند اگر بنده‌ای در این مکان بر دو پای خویش شبی را تا شبی دیگر به نماز بایستد، ولی حق و حرمت ما خاندان را نشناسد، خداوند هیچ از او نمی‌پذیرد. همانا از شرط‌هایی که پدر ما حضرت ابراهیم علیه‌السلام با خدای خویش نمود این بود که گفت: بار خدایا! «تو دل‌هایی از مردمان را به سوی آن‌ها مایل گردان»، حضرت ابراهیم همهٔ مردم را منظور نداشت، آن مردم شما و افرادی همچون شمایید. همانا مثل شما در میان مردم همچون یک موی سیاه در گاو سفید یا موی سفید در گاو سیاه است. سزاوار است مردم این خانه را حج گزارند و آن را بزرگ شمرند، چون خدایش بزرگ دانسته و نیز سزاوار است ما را در هر کجا هستیم، ملاقات کنند؛ چراکه ما راهنمایان مردم به سوی خدا هستیم.

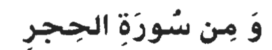
۱۹۴. أَحمدُبنُ القَاسِمِ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ یَحکِی قَولَ إِبرَاهِیمَ خَلِیلِ اللهِ علیه‌السلام: ﴿ **رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ** ﴾ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ علیه‌السلام: وَاللهِ مَا قَالَ تَهوِی إِلَیهِ ـ یَعنِی البَیتَ ـ مَا قَالَ إِلَّا إِلَیهِم، أَفَتَرَونَ أَنَّ اللهَ فَرَضَ عَلَیکُم إِتیَانَ هَذِهِ الأَحجَارِ وَ التَّمَسُّحِ بِهَا وَ لَم یَفرُض عَلَیکُم إِتیَانَنَا وَ سُؤَالَنَا وَ حُبَّنَا أَهلَ البَیتِ؟! وَ اللهِ مَا فَرَضَ عَلَیکُم غَیرَهُ.

احمد بن قاسم روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال که از قول ابراهیم خلیل الله حکایت می‌کند: «پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در درّه‌ای بی‌آب و علف، نزدیک خانهٔ با حرمت تو سکنا داده‌ام، تا نماز را بر پا دارند؛ پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن» فرمود: به خدا سوگند او نگفت به سوی آن، یعنی خانه، متمایل کن، بلکه گفت به سوی آنان متمایل کن؛ آیا می‌پندارید خداوند آمدن کنار این سنگ‌ها و مسح

آن‌ها را واجب کرده اما آمدن نزد ما و پرسیدن از ما و محبت ما را واجب نکرده است؟ به خدا سوگند جز این را واجب نکرده است.

۱۹۵. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ﴾ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ هِیَ قُلُوبُ شِیعَتِنَا تَهوِی إِلَی مَحَبَّتِنَا.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن» گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: منظور، قلوب شیعیان ماست که به سوی محبت ما متمایل‌اند.

وَ مِن سُورَةِ الحِجرِ

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۴۰ ـ ۴۲)

﴿ إلاّٰ عِبٰادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ * قٰالَ هٰذٰا صِرٰاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقيمٌ * إنَّ عِبٰادي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰانٌ ﴾

مگر آن بندگانت که از میان سایر بندگانت خالص شده‌اند. فرمود: «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهده من است. مسلمًا تو بر بندگان من تسلّط نداری

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۴۷)

﴿ إخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلينَ ﴾

... در حالی‌که با یکدیگر برادرند و بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.

۱۹۶ . عَن سَلّامِ بنِ المُستَنِيرِ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَقُلتُ: جَعَلَنِيَ اللهُ فِدَاكَ إِنِّي أَكرَهُ أَن أَشُقَّ عَلَيكَ فَإِن أَذِنتَ لِي أَن أَسأَلَكَ سَأَلتُكَ، فَقَالَ: سَلنِي عَمَّا شِئتَ، قَالَ: قُلتُ أَسأَلُكَ عَنِ القُرآنِ؟ قَالَ: نَعَم، قَالَ: قُلتُ: مَا قَولُ اللهِ ـ عَزَّ وَجَلَّ ـ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **قَالَ**

﴿ هٰذٰا صِراطُ عَلَيَّ مُسْتَقيمٌ ﴾ قالَ: صِراطُ عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام فَقُلتُ: صِراطُ عَلِيٍّ!؟ فَقالَ: صِراطُ عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام.

سلام‌بن مستنیر جعفی گفت: بر امام محمّد باقر علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: خداوند مرا فدایت گرداند، من دوست ندارم باعث زحمت شما شوم امّا اگر اجازه می‌دهید سؤالی از شما بپرسم. ایشان فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس. عرض کردم: سؤالی دربارهٔ قرآن داشتم. فرمود: بپرس. عرض کردم: منظور از این آیه قرآن که خداوند می‌فرماید «این راهی راست است که [حفظ] آن بر عهدهٔ من است» چیست؟ فرمود: منظور، راه علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام است. عرض کردم: راه حضرت علی علیه السلام؟ امام علیه السلام فرمود: آری، راه علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.

۱۹۷. عَن سُلَيمانَ الدَّيلَمِيِّ قالَ: كُنتُ عِندَ أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام إِذ دَخَلَ عَلَيهِ أَبوبَصيرٍ وَ قَد أَخَذَهُ نَفَسُهُ فَلَمّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قالَ لَهُ أَبوعَبدِ اللهِ: يا أَبا مُحَمَّدٍ ما هَذَا النَّفَسُ العالِي؟ قالَ: جُعِلتُ فِداكَ يَابنَ رَسولِ اللهِ كَبُرَ سِنّي وَ دَقَّ عَظمي وَ لَستُ أَدري ما أَرِدُ عَلَيهِ مِن أَمرِ آخِرَتي. فَقالَ أَبوعَبدِ اللهِ: يا أَبامُحَمَّدٍ إِنَّكَ لَتَقولُ هَذا!؟ فَقالَ: جُعِلتُ فِداكَ وَ كَيفَ لا أَقولُ هَذا فَذَكَرَ كَلامًا، فَقالَ: يا أَبامُحَمَّدٍ لَقَد ذَكَرَكُمُ اللهُ فِي كِتابِهِ فَقالَ: **﴿ إِخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلِينَ ﴾** وَ اللهِ ما أَرادَ بِها غَيرَكُم يا أَبامُحَمَّدٍ فَهَل سَرَرتُكَ؟ قالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِداكَ زِدني.

فَقالَ: لَقَد ذَكَرَكُمُ اللهُ فِي كِتابِهِ فَقالَ: **﴿ إِنَّ عِبادي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰانٌ ﴾** وَاللهِ ما أَرادَ بِها إِلَّا الأَئِمَّةَ وَ شيعَتَهُم فَهَل سَرَرتُكَ؟

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر، در حالی‌که نفس نفس می‌زد، بر آن‌حضرت وارد شد. هنگامی که نشست، امام علیه السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد، چرا این‌گونه نفس می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام، با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت! امام علیه السلام فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین

می‌گویی؟! عرض کرد: قربانت گردم، چرا نگوییم؟ و سخنی گفت. سپس حضرت فرمود: ای ابامحمّد! خداوند شما را در قرآن کریم یاد کرده و فرموده: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند و بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.» به خدا سوگند در این آیه جز شما قصد کس دیگری را نداشته است. فرمود: ای ابامحمّد! آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم؛ باز هم بگویید. سپس فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را در قرآن یاد کرده و فرموده «مسلّمًا تو بر بندگان من تسلّطی نداری» به خدا سوگند، در این آیه جز امامان عليهم‌السلام و شیعیانشان را قصد نداشته است، آیا خوشحالت کردم؟

۱۹۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ أَبی أَوفی قَالَ: خَرَجَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ نَحنُ فِی مَسجِدِ المَدِینَةِ فَقَامَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَی وَ أَثنَی عَلَیهِ فَقَالَ: إِنِّی مُحَدِّثُکُم حَدِیثًا فَاحفَظُوهُ وَعُوهُ وَ لیُحَدَّث مِن بَعدِکُم إِنَّ اللهَ اصطَفَی لِرِسَالَتِهِ خَلقَهُ وَ ذَلِکَ قَولُ اللهِ تَعَالَی **﴿اللهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلائِكَةِ رُسُلاً وَ مِنَ النّاسِ﴾**[1] أَسکَنَهُمُ الجَنَّةَ، وَ إِنِّی مُصطَفٍ مِنکُم مَن أَحَبُّ أَن أَصطَفِیهِ وَ أُوَاخِی بَینَکُم کَمَا آخَا اللهُ بَینَ المَلائِکَةِ، فَذَکَرَ کَلامًا فِیهِ طُولٌ فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبی طَالِبٍ علیه‌السلام: لَقَدِ انقَطَعَ ظَهرِی وَ ذَهَبَ رُوحِی عِندَمَا صَنَعتَ بِأَصحَابِکَ مَا صَنَعتَ غَیرِی فَإِن کَانَ مِن سَخَطَةٍ بِکَ عَلَیَّ فَلَکَ العُتبَی وَالکَرَامَةُ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ مَا أَنتَ مِنِّی إِلّا بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَی إِلّا أَنَّهُ لا نَبِیَّ بَعدِی، وَ مَا أَخَّرتُکَ إِلّا لِنَفسِی فَأَنَا رَسُولُ اللهِ وَ أَنتَ أَخِی وَ وَارِثِی. قَالَ: وَ مَا الَّذِی أَرِثُ مِنکَ یَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: مَا وَرِثَتِ الأَنبِیَاءُ مِن قَبلِی قَالَ: کِتَابُ رَبِّهِم وَ سُنَّةُ نَبِیِّهِم. أَنتَ مَعِیَ یَا عَلِیُّ فِی قَصرِی فِی الجَنَّةِ مَعَ فَاطِمَةَ بِنتِی، هِیَ زَوجَتُکَ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ وَأَنتَ رَفِیقِی. ثُمَّ تَلا رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: **﴿إِخْوانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقابِلينَ﴾** اَلمُتَحَابِّینَ فِی اللهِ یَنظُرُ بَعضُهُم إِلَی بَعضٍ.

عبد الله بن ابی اوفی گفت: در حالی‌که ما در مسجد مدینه بودیم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خارج شد و به پا خاست و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: سخنی برایتان

---

۱. حج، ۷۵

می‌گویم، آن را به خاطر بسپارید و نگاه دارید و به اطلاع آن‌هایی که پس از شما می‌آیند برسانید. خداوند برای رسالت خود از میان آفریدگانش برگزید، همان‌طور که خود فرمود: «خداوند از فرشتگان و از مردم، فرستادگانی را برمی‌گزیند.» و در بهشت جایشان می‌دهد. من نیز از میان شما، آن کس را که دوست دارم برمی‌گزینم و در میان شما پیمان برادری برقرار می‌کنم، همان‌گونه که خداوند میان فرشتگان خود پیمان برادری بست. سپس حضرت کلامی طولانی در این باره ایراد کرد و آن‌گاه حضرت علی علیه‌السلام فرمود: هنگامی که متوجه شدم در میان اصحابتان برادری برقرار کردید و مرا از این موقعیت محروم داشتید، چیزی نمانده بود که روح از بدنم جدا شود و پشتم بشکند. این بی‌توجهی اگر به خاطر آن است که بر من خشمگین شده‌اید، امید است که مرا مورد لطف و بخشش خود قرار بدهید!

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، جایگاه تو نسبت به من همان جایگاه هارون نسبت به موسی است، جز آن‌که بعد از من پیامبری نخواهد بود. من تو را برای خود نگه داشته‌ام، من رسول خدا هستم و تو برادر و وارث من هستی. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای رسول خدا من چه چیزی از شما ارث می‌برم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آن‌چه که از پیامبران گذشته به امتشان رسید. همان کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان. ای علی! تو با دخترم فاطمه در قصر من در بهشت همراه من هستید. فاطمه علیهاالسلام در دنیا و آخرت همسر توست و تو دوست من هستی. سپس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تلاوت فرمود: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند، بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.» و به خداوند عشق می‌ورزند و به یکدیگر می‌نگرند.

۱۹۹. عَن حَنَانِ‌بنِ سَدِیرٍ الصَّیرَفِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَی أَبِی‌عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهماالسلام وَ عَلَی کَتِفِهِ مِطرَفُ مِن خَزٍّ فَقُلتُ لَهُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ مَا یُثبِتُ اللهُ شِیعَتَکُم عَلَی مَحَبَّتِکُم

أَهلَ البَيتِ؟ فَقَالَ: أَوَ لَم يُؤمِن قَلبُكَ؟ قَالَ: بَلَى إِلّا أَنَّ فِي قَلبِي قَرحَةً. ثُمَّ قَالَ لِخَادِمٍ لَهُ: إِئتِنِي بِبَيضَةٍ بَيضَاءَ فَوَضَعَهَا عَلَى النَّارِ حَتَّى نَضِجَت ثُمَّ أَهوَى بِالقِشرِ فِي النَّارِ وَ قَالَ: أَخبَرَنِي أَبِي عَن جَدِّي أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ هَوَى مُبغِضُونَا فِي النَّارِ هٰكَذَا، ثُمَّ أَخرَجَ صُفرَةً فَأَخَذَهَا عَلَى كَفِّهِ اليُمنَى ثُمَّ قَالَ: وَاللهِ إِنَّا لَصَفوَةُ اللهِ كَمَا هٰذِهِ الصُّفرَةُ صَفوَةُ هٰذِهِ البَيضَةِ، ثُمَّ دَعَا بِخَاتَمِ فِضَّةٍ فَخَالَطَ الصُّفرَةَ مَعَ البَيَاضِ وَ البَيَاضَ مَعَ الصُّفرَةِ ثُمَّ قَالَ: أَخبَرَنِي أَبِي عَن آبَائِي عَن جَدِّي عَن رَسُولِ اللهِ ﷺ إِنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ شِيعَتَنَا هٰكَذَا بِنَا مُختَلِطِينَ ـ وَ شَبَّكَ بَينَ أَصَابِعِهِ ـ ثُمَّ قَالَ ﴿ **إِخْوٰانًا عَلىٰ سُرُرٍ مُتَقٰابِلِينَ** ﴾.

حنان بن سدیر صیرفی گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و آن‌حضرت ردایی نگارین از خز بر شانه داشت. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا ﷺ! چگونه خداوند شیعهٔ شما را در محبت شما ثابت می‌دارد؟ فرمود: مگر قلبت ایمان نیاورده است؟ عرض کردم: آری، اما مختصر گره‌ای در قلبم است. حضرت به خادم خود فرمود: یک تخم‌مرغ سفید بیاور و آن را روی آتش گذاشت تا پخت و آن‌گاه پوست تخم‌مرغ را در آتش افکند. امام علیه السلام فرمود: پدرم از قول جدم مرا آگاه ساخت که چون روز قیامت فرارسد، کینه‌توزان ما این‌چنین در آتش افکنده می‌شوند، سپس حضرت زردهٔ تخم‌مرغ را درآورد و در کف دست راست خود قرار داد و فرمود: به خدا سوگند ما برگزیدهٔ خداوندیم همان‌گونه که این زرده برگزیده این تخم‌مرغ است.

سپس حضرت فرمود تا یک انگشتر نقره آوردند و سفیده را با زرده و زرده را با سفیده درآمیخت و فرمود: پدرم از قول پدرانم از جدم از رسول خدا ﷺ مرا خبر داد که چون روز قیامت فرا رسد، شیعیان ما این‌گونه با ما در هم آمیخته‌اند. حضرت انگشتان خویش را در هم فشرد و آن‌گاه فرمود: «در حالی‌که با یکدیگر برادرند، بر روی تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگر نشسته‌اند.»

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۷۲)

﴿ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴾

به جان تو سوگند، آن‌ها در مستی خود سرگردان‌اند.

۲۰۰. عَنِ الأَعمَشِ قالَ: خَرجتُ حاجًّا إلى مَكَّةَ فَلمَّا إنصَرفتُ بَعيدًا رَأيتُ عَمياءَ عَلى ظَهرِ الطَّريقِ تَقولُ: اللَّهُمَّ إنِّي أسأَلُكَ بِحَقِّ مُحمَّدٍ وَ آلِهِ رُدَّ عَلَيَّ بَصرِي قالَ: فَتَعَجَّبتُ مِن قَولِهَا وَ قُلتُ لَها: أيُّ حَقٍّ لِمُحمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيهِ إنَّما الحَقُّ لَهُ عَلَيهِم فَقالَت لِي: مَه يالُكَعُ وَاللهِ مَا ارتَضَى هُوَ حَتَّى حَلَفَ بِحَقِّهِم فَلو لَم يَكُن لَهُم عَلَيهِ حَقٌّ مَا حَلَفَ بِهِ. قالَ: قُلتُ: وَ أيُّ مَوضِعٍ حَلَفَ؟ قالَت قولُهُ: ﴿ **لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ** ﴾ وَ العمرُ فِي كَلامِ العَرَبِ الحَياةُ.

قالَ: فَقَضَيتُ حَجِّي ثُمَّ رَجَعتُ فَإذا بِهَا مُبصِرَةً فِي مَوضِعِهَا وَ هِيَ تَقولُ: أيُّها النَّاسُ حُبُّوا عَلِيًّا فَحُبُّهُ يُنجِيكُم مِنَ النّارِ. قالَ: فَسَلَّمتُ عَلَيها وَ قُلتُ: ألَستِ العَمياءَ بِالأَمسِ تَقولِينَ اللَّهُمَّ إنِّي أسأَلُكَ بِحَقِّ مُحمَّدٍ وَ آلِهِ رُدَّ عَلَيَّ بَصرِي؟ قالَت: بَلَى. قُلتُ: حَدِّثِينِي بِقِصَّتِكِ قالَت: وَاللهِ مَا جَزتَنِي إذ وَقَفَ عَلَيَّ رَجُلٌ فَقالَ لِي: إن رَأيتِ مُحَمَّدًا وَآلِهِ ـ سَلامُ اللهِ عَلَيهِم ـ تَعرِفِينَهُ؟ قُلتُ: لا وَلكِن بِالدَّلائِلِ الَّتِي جاءَتنَا. قالَت: فَبينَا هُوَ يُخاطِبُنِي إذ أتانِي رَجُلٌ آخَرُ مُتَوَكِّئًا عَلى رِجلَينِ فَقالَ: مَا قِيامُكَ مَعَها؟ قالَ: إنَّها تَسأَلُ رَبَّهَا بِحَقِّ مُحمَّدٍ وَ آلِهِ أن يَرُدَّ عَلَيهَا بَصرَهَا فَادعُ اللهَ لَها، قالَت: فَدَعا رَبَّهُ وَ مَسَحَ عَلى عَينِي بِيَدِهِ فَأبصَرتُ فَقُلتُ: مَن أنتُم؟ فَقالَ: أنَا مُحَمَّدٌ وَ هَذا عَلِيٌّ قَد رَدَّ اللهُ عَلَيكِ بَصرَكِ أُقعُدِي فِي مَوضِعِكِ هَذا حَتَّى يَرجِعَ النَّاسُ وَ أعلِمِيهِم أنَّ حُبَّ عَلِيٍّ يُنجِيهِم مِنَ النَّارِ.

اعمش گفت: به قصد حج سوی مکه به راه افتادم و هنگامی که دور شدم، در میان راه زنی نابینا را دیدم که می‌گفت: پروردگارا از تو می‌خواهم که به حق محمّد و آل او علیهم‌السلام بینایی‌ام را به من بازگردانی. از سخنش متعجب شدم و به او گفتم: چه حقی برای محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندانش بر خداوند است؟ این خداوند است که بر آنان حق دارد. به من گفت: ساکت ای فرومایه! به خدا سوگند

خداوند خشنود نشد تا این‌که به حقّ ایشان سوگند خورد و اگر حقّی برای ایشان بر او نبود، به آن حق سوگند یاد نکرده بود. گفتم: کجا خداوند سوگند خورده است؟ گفت: در این آیه که می‌فرماید: «به جان تو سوگند، آن‌ها در مستی خود سرگردان‌اند.» و در زبان عرب، عمر به معنای زندگی است. من حجّم را ادا کردم چون بازمی‌گشتم ناگهان همان زن را دیدم که بینا شده بود و در همان‌جا نشسته بود و می‌گفت: ای مردم علی علیه‌السلام را دوست بدارید، که دوستی او شما را از آتش نجات می‌دهد. به او سلام کردم و گفتم: تو همان نابینای دیروزی نیستی که می‌گفتی خدایا از تو می‌خواهم که به حق محمّد و آل او بینایی‌ام را به من بازگردانی؟ گفت: آری. گفتم: داستانت را برایم بگو. گفت: به خدا سوگند هنوز از نزد من نرفته بودی که مردی کنار من ایستاد و گفت: اگر محمّد و خاندان او را ببینی، می‌شناسی؟ گفتم: نه؛ اما با نشانه‌هایی که برایمان گفته‌اند می‌فهمم. در این هنگام که او با من در حال سخن بود، مرد دیگری که بر دو پای خود ایستاده بود آمد و گفت: چرا اینجا ایستاده‌اید؟ آن مرد گفت: او پروردگارش را به حق محمّد و خاندانش سوگند داده است که بینایی‌اش بازگردد، برای او دعا کن. او دعا کرد و با دستش بر چشمانم کشید، و آن‌گاه من بینا شدم. گفتم: شما کیستید؟ فرمود: من محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستم و این مرد علی علیه‌السلام است، خداوند بینایی‌ات را به تو بازگرداند، در جایت بنشین تا مردم بازگردند و به آن‌ها بگو که دوستی علی علیه‌السلام آن‌ها را از آتش نجات می‌دهد.

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۷۵)

﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴾

به راستی در این [امور] برای اهل فراست نشانه‌هاست.

۲۰۱. عَن جَابِرٍ: عَن أَبِي جَعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: بَينَا أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ علیه‌السلام فِي مَسجِدِ الكُوفَةِ إِذا أَتَتهُ

إِمرَأَةٌ تَستَعدِی عَلَی زَوجِهَا فَقَضَا لِزَوجِهَا عَلَیهَا فَغَضِبَت وَ قَالَت: لَا وَاللهِ مَا الحَقُّ فِیمَا قَضَیتَ وَ مَا قَضَیتَ بِالسَّوِیَّةِ وَ لَا تَعدِلُ فِی الرَّعِیَّةِ وَ لَا قَضِیَّتُكَ عِندَ اللهِ بِالمَرضِیَّةِ. فَنظَرَ إِلَیهَا ثُمَّ قَالَ: كَذَبتِ یَا جَرِیَّةُ یَا بَذِیَّةُ یَا سَلسَعُ وَ یَا سَلفَعُ الَّتِی لَا تَحِیضُ مِن حَیثُ تَحِیضُ النِّسَاءُ.

قَالَ: فَوَلَّتِ المَرأَةُ هَارِبَةً وَ هِیَ تَقُولُ: یَا وَیلِی لَقَد هَتَكتَ یَا ابنَ أَبِی طَالِبٍ سِترًا كَانَ مَستُورًا. قَالَ: فَلَحِقَهَا عَمرُو بنُ حُرَیثٍ فَقَالَ لَهَا: یَا أَمَةَ اللهِ لَقَدِ استَقبَلتِ عَلِیًّا بِكَلَامٍ سَرَرتِنِی ثُمَّ إِنَّهُ نَزَعَكِ بِكَلِمَةٍ فَوَلَّیتِ عَنهُ هَارِبَةً تُوَلوِلِینَ! فَقَالَت: إِنَّ عَلِیًّا وَاللهِ أَخبَرَنِی بِالحَقِّ وَ بِمَا أَكتُمُهُ مِن زَوجِی مُنذُ وَلِیَ عِصمَتِی.

قَالَ: فَرَجَعَ عَمرُو إِلَی أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عليه السلام وَ أَخبَرَهُ بِمَا قَالَت فَقَالَ لَهُ فِیمَا تَقُولُ: یَا أَمِیرَ المُؤمِنِینَ مَا نَعرِفُكَ بِالكِهَانَةِ! قَالَ لَهُ: وَیلَكَ یَا عَمرُو إِنَّهَا لَیسَت بِالكِهَانَةِ مِنِّی وَ لَكِنَّ اللهَ خَلَقَ الأَروَاحَ قَبلَ الأَبدَانِ بِأَلفَی عَامٍ فَلَمَّا رَكَّبَ الأَروَاحَ فِی أَبدَانِهَا كَتَبَ بَینَ أَعیُنِهِم مُؤمِنٌ وَ كَافِرٌ وَ مَا هُم مُبتَلَینَ فِی قَدرِ أُذُنِ الفَأرَةِ ثُمَّ أَنزَلَ بِذَلِكَ قُرآنًا عَلَی نَبِیِّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: ﴿إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ﴾ فَكَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله هُوَ المُتَوَسِّمُ ثُمَّ أَنَا مِن بَعدِهِ وَ الأَئِمَّةُ مِن ذُرِّیَّتِی بَعدِی هُمُ المُتَوَسِّمُونَ فَلَمَّا تَأَمَّلتُهَا عَرَفتُ مَا هِیَ عَلَیهِ بِسِیمَاهَا.

جابر گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی عليه السلام در مسجد کوفه بود که زنی نزد او آمد و از شوهر خود شکایت کرد. امیرمؤمنان علی عليه السلام به نفع شوهر او حکم داد و از این رو آن زن خشمگین شد و گفت: به خدا سوگند که آن‌چه قضاوت کردی مطابق حق نبود و تو به‌طور مساوی حکم نکردی و در میان مردم عدالت را رعایت ننمودی و داوری تو نزد خداوند پذیرفته نیست. امام نگاهی به او کرد و سپس فرمود: دروغ گفتی ای کنیز بی‌ادب، ای دروغگو! که مثل دیگر زنان حیض نمی‌شوی.

آن زن در حالی‌که می‌گفت: ای وای، ای پسر ابوطالب سرّی را که پنهان بود

فاش کردی، پا به فرار گذاشت. عمروبن حریث به دنبال او رفت و به او گفت: ای کنیز خدا! تو با علی ﷺ آن‌چنان سخن گفتی که ما را خوشحال کردی، اما او تو را با یک کلمه از جا کند و تو فرار کردی؟ گفت: به خدا سوگند که علی ﷺ از حقیقتی خبر داد که من آن حقیقت را از وقتی که ازدواج کرده‌ام، از شوهرم پنهان می‌کردم. عمرو به سوی امیرمؤمنان علی ﷺ برگشت و از سخنان آن زن خبر داد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان نمی‌دانستم غیب‌گویی هم می‌دانی! ایشان فرمود: وای بر تو ای عمرو! این غیب‌گویی نبود، همانا خداوند تبارک و تعالی روح‌ها را دو هزار سال پیش از خلقت بدن‌ها آفرید و چون روح‌ها را در بدن‌ها قرار داد، میان دو چشم آن‌ها مؤمن یا کافر بودنشان و حتی به اندازهٔ گوش یک موش گرفتاری و آزمایش‌های آن‌ها را نوشت، آن‌گاه در قرآن که بر پیامبرش نازل نمود، فرمود: «به راستی در این [امور] برای اهل فراست نشانه‌هاست.» اهل فراست رسول خدا ﷺ و بعد از ایشان من و سپس امامان پس از من از فرزندانم می‌باشند که اهل فراست هستند. از این رو چون در او نگریستم، از آن‌چه بر رخ داشت، حالش را دریافتم.

(سورهٔ حجر، آیهٔ ۸۷)

﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنٰاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثٰاني وَ الْقُرْآنَ الْعَظيمَ ﴾

و مسلّمًا به تو سبع المثانی (سورهٔ حمد) و قرآن عظیم را دادیم.

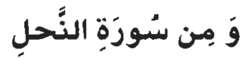
۲۰۲. عَن سَمَاعَةَ بنِ مِهرَانَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ ﷺ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنٰاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثٰاني وَ الْقُرْآنَ الْعَظيمَ ﴾** قَالَ: فَقَالَ لِي: نَحنُ وَ اللهِ السَّبعُ المَثَانِي وَ نَحنُ وَجهُ اللهِ نُزُولُ بَينَ أَظهُرِكُم مَن عَرَفَنَا وَ مَن جَهِلَنَا فَأَمَامَهُ اليَقِينُ ـ يَعنِي المَوتَ.

سماعةبن مهران گفت: از امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: به خدا سوگند ما سبع مثانی هستیم و ما همان وجه الله هستیم که در میان

شما قرار داریم، هرکه ما را بشناسد و یا نشناسد، در پیش او یقین که همان مرگ است، خواهد بود.

۲۰۳. عَن حَسَّانَ العَامِرِيِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه‌السلام عَن قَولِ اللهِ ﴿ **وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ** ﴾ قَالَ: لَيسَ هَكَذَا تَنزِيلُهَا إِنَّمَا هِيَ: وَ لَقَد آتَينَاكَ سَبعًا مِنَ المَثَانِيَ نَحنُ هُم وُلدُ الوَلَدِ وَ القُرآنَ العَظِيمَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام.

حسان عامری گفت: از امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: تنزیل این آیه چنین نیست، بلکه این‌گونه است: و مسلّماً به تو سبع المثانی را دادیم که ما زادگانِ آن فرزند هستیم و قرآن عظیم، علی بن ابی طالب عليه‌السلام است.

وَ مِن سُورَةِ النَّحلِ

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۱۶)

﴿ وَ عَلاٰمٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴾

و نشانه‌هایی [ایجاد کرد] و آن‌ها به وسیله ستارگان راه می‌یابند.

۲۰۴ . عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدٍ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ عَلاٰمٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴾ قَالَ: النَّجمُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَالعَلامَاتُ اَلوَصِیُّ بِهِ يَهتَدُونَ.

علی بن محمّد زهری گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ستاره رسول خدا صلى الله عليه وآله و نشانه‌ها جانشینان پیامبرند که مردم با آنان هدایت می‌شوند.

۲۰۵ . عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: قُلتُ لِأَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ عَلاٰمٰاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴾ قَالَ: النَّجمُ مُحَمَّدٌ وَ العَلامَاتُ الأَوصِيَاءُ عليهم السلام.

ابان‌بن تغلب گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: ستاره حضرت محمّد صلى الله عليه وآله و نشانه‌ها اوصیای او هستند.

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَ إِذٰا قِيلَ لَهُمْ مٰا ذٰا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قٰالُوا أَسٰاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴾

و هرگاه به آن‌ها گفته شود: پروردگارتان چه چیزی را نازل کرده است؟
گویند: [آن‌چه نازل کرده] افسانه‌های پیشینیان است.

۲۰۶. عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ عَن جَعفَرِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ: قَرَأَ جَبرَئیلُ ﷺ عَلی مُحَمَّدٍ ﷺ هَذِهِ الآیَةَ هَکَذَا: ﴿ وَإِذا قیلَ لَهُمْ ما ذا أَنْزَلَ رَبُّکُمْ ﴾ فِی عَلِیٍّ ﴿ قالُوا: أَساطیرُ الْأَوَّلینَ ﴾.
ابی حمزه ثمالی گفت: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: جبرئیل ﷺ این آیه را بر پیامبر ﷺ چنین خواند: « هرگاه به آن‌ها گفته شود: پروردگارتان چه چیزی را نازل کرده است » دربارهٔ علی ﷺ « گویند: افسانه‌های پیشینیان است. »

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۳۲)

﴿ الَّذینَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَةُ طَیِّبینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیْکُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾

[همان] کسانی که فرشتگان جانشان را در حالی می‌گیرند که پاک
و پاکیزه‌اند [و به آن‌ها] می گویند: « سلامتی [از هر آفتی]بر شما باد.
به پاداش آن‌چه انجام می‌دادید به بهشت در آیید »

۲۰۷. عَن زَیدِ بنِ عَلِیٍّ قَالَ: یُنَادِی مُنَادٍ یَومَ القِیَامَةِ: أَینَ الَّذِینَ تَتَوَفَّاهُمُ المَلائِکَةُ طَیِّبِینَ یَقُولُونَ سَلامٌ عَلَیکُم؟ قَالَ: فَیَقُومُ قَومٌ مُبیَاضِّینَ الوُجُوهِ فَیُقَالُ لَهُم: مَن أَنتُم؟ فَیَقُولُونَ: نَحنُ المُحِبُّونَ لِأَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ﷺ، فَیُقَالُ لَهُم: بِمَا أَحبَبتُمُوهُ؟ فَیَقُولُونَ: یَا رَبَّنَا بِطَاعَتِهِ لَكَ وَ لِرَسُولِكَ، فَیُقَالُ لَهُم: صَدَقتُم، أُدخُلُوا الجَنَّةَ بِمَا کُنتُم تَعمَلُونَ.
زید بن علی گفت: در روز قیامت منادی ندا می‌دهد: کجا هستند آنان که فرشتگان جانشان را در حالی می‌گیرند که پاک و پاکیزه‌اند و [به آن‌ها] می‌گویند: سلامتی از [هر آفتی] بر شما باد؟ پس گروهی با چهره‌های سفید بر می خیزند. از آنان پرسیده می‌شود شما چه کسانی هستید؟ آن‌ها می‌گویند: ما دوستداران

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام هستیم. به آن‌ها گفته می‌شود، به چه دلیل او را دوست می‌دارید؟ می‌گویند: پروردگارا! ما به خاطر اطاعتی که از تو و رسولت می‌داشت، او را دوست می‌داریم. به آن‌ها گفته می‌شود: راست گفتید، به پاداش آن‌چه انجام می‌داده‌اید، به بهشت در آیید.

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۴۳ و سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۷)

﴿ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ ﴾

پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.

۲۰۸. الْحُسَينُ بْنُ سَعِيدٍ مُعنعَنًا: عَنْ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ** ﴾ قَالَ: نَحنُ أَهلُ الذِّكرِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

۲۰۹. مُحَمَّدُبْنُ الحَسَنِ‌بنِ إبرَاهِيمَ مُعنعَنًا: عَنْ أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ **فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ** ﴾ قَالَ: هُم آلُ مُحَمَّدٍ.

محمّد بن حسن بن ابراهیم روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: ایشان خاندان محمّد صلی الله علیه و آله هستند.

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۶۸ ـ ۶۹)

﴿ وَ أَوْحىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمّٰا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهٰا شَرٰابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوٰانُهُ فِيهِ شِفٰاءٌ لِلنّٰاسِ ﴾

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و آن‌چه داربست می‌زنند، خانه‌هایی بساز سپس از همهٔ میوه‌ها بخور و راه‌های

پرودگارت را فرمانبردارانه در نورد. از شکم آن‌ها نوشیدنی که رنگهای گوناگون دارد، بیرون می‌آید که در آن برای مردم شفاست.

۲۱۰. عَن مُحَمَّدِبنِ الفُضَيلِ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا الحَسَنِ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ أَوْحىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا ﴾ قَالَ: هُمُ الأَوصِيَاءُ. قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبٰالِ بُيُوتًا ﴾ قَالَ: يَعنِي قُرَيشًا قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ وَ مِنَ الشَّجَرِ ﴾ قَالَ: يَعنِي مِنَ العَرَبِ. قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ وَ مِمّٰا يَعْرِشُونَ ﴾ قَالَ: يَعنِي مِنَ المَوَالِي قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ فَاسْلُكي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً ﴾ قَالَ: هُوَ السَّبِيلُ الَّذِي نَحنُ عَلَيهِ مِن دِينِهِ. قُلتُ. قَولُهُ: ﴿ فيهِ شِفٰاءٌ لِلنّٰاسِ ﴾ قَالَ: يَعنِي مَا يَخرُجُ مِن عِلمِ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَهُوَ الشِّفَاءُ كَمَا قَالَ اللهُ: ﴿ شِفٰاءٌ لِمٰا فِي الصُّدُورِ[1] ﴾.

محمّد بن فضیل گفت: از امام موسی کاظم عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که از کوه‌ها خانه‌هایی بساز» پرسیدم، فرمود: آنان اوصیا هستند. عرض کردم: «این که از کوهها خانه‌هایی بساز» چه؟ فرمود: منظور قریش است. عرض کردم: «واز درختان» چه؟ فرمود: یعنی از عرب. عرض کردم: «و آن‌چه داربست می‌زنند» چه؟ فرمود: یعنی از موالی. عرض کردم: «و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه در نورد» چه؟ فرمود: آن راهی است که دین ما بر آن استوار است. عرض کردم: «که در آن برای مردم شفاست» چه؟ فرمود: یعنی آن‌چه از علم امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام صادر می‌شود، شفاست، چنان‌چه خداوند فرمود: «شفایی برای آن‌چه در سینه‌هاست».

(سورهٔ نحل، آیهٔ ۹۰)

﴿ إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسٰانِ وَ إِيتٰاءِ ذِي الْقُرْبىٰ ﴾

به راستی خداوند به عدالت و نیکوکاری و دادن [حقّ] خویشاوندان فرمان می‌دهد.

---

۱. یونس، ۵۷

۲۱۱. الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِى جَعفَرٍ عليه السلام ﴿ **إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسٰانِ وَ إِيتٰاءِ ذِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: العَدلُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله وَالإِحسَانُ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام وَ ذِى القُربَى فَاطِمَةُ وَ أَولَادُهَا عليهم السلام.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: عدالت، رسول خدا صلى الله عليه و آله و نیکوکاری، علی بن ابی طالب عليه السلام است و منظور از خویشاوندان، حضرت فاطمه عليها السلام و اولاد ایشان عليهم السلام هستند.



وَ مِن سُورَةِ بَنِی‌اِسرَائِیلَ (الاسراء)

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۲۶)

﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ ﴾

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ ﴾

به خویشاوند حقش را بده.

۲۱۲. عَن أَبِی‌مَریَمَ قَالَ: سَمِعتُ جَعفَرٍ علیه‌السلام یَقُولُ: لَمَّا نَزَلَت هـٰذِهِ الآیَـةُ: **﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ ﴾** أَعطَی رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَاطِمَةَ فَدَكَ.

فَقَالَ أَبَانُ‌بنُ تَغلِبَ: رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله أَعطَاهَا؟ قَالَ: فَغَضِبَ جَعفَرُ علیه‌السلام ثُمَّ قَالَ: اللهُ أَعطَاهَا.

ابی‌مریم گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمود: زمانی‌که این آیه نازل شد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فدک را به فاطمه علیهاالسلام بخشید.

ابان‌بن تغلب گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او بخشید؟! امام جعفر صادق علیه‌السلام خشمگین شد و فرمود: خدا آن را به فاطمه بخشید.

۲۱۳. عَن أَبِی سَعِیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت **﴿ وَ آتِ ذَا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ ﴾** قَالَ: دَعَا

رَسُولُ اللهِ ﷺ فاطِمَةَ فَأَعطاهَا فَدَكَ.

ابوسعید خدری گفت: زمانی‌که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فاطمه ؛ را فرا خواند و فدک را به او بخشید.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۳)

﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنٰا لِوَلِيِّهِ سُلْطٰانًا فَلاٰ يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كٰانَ مَنْصُورًا ﴾

و هر کس مظلوم کشته شود، مسلمًا برای ولیّ او سلطه‌ای قرار می‌دهیم، پس او در کشتن نباید زیاده‌روی کند، بی‌تردید او یاری شده است.

۲۱۴. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ ؛ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنٰا لِوَلِيِّهِ سُلْطٰانًا ﴾** قَالَ: الحُسَينُ ؛ **﴿ فَلاٰ يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كٰانَ مَنْصُورًا ﴾** قَالَ: سَمَّی اللهُ المَهدِیَّ مَنصُورًا كَمَا سَمَّی أَحمَدَ وَ مُحَمَّدَ مَحمُودًا وَ كَمَا سَمَّی عِيسَی المَسِيحَ ؛.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ؛ دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «و هر کس مظلوم کشته شود، مسلمًا برای ولی او سلطه‌ای قرار می‌دهیم» یعنی امام حسین ؛، «پس او در کشتن نباید زیاده‌روی نماید، بی‌تردید او یاری شده است» خداوند حضرت مهدی ؛ را منصور نامیده است؛ همان‌گونه که احمد و محمّد را محمود و عیسی را مسیح ؛ نام نهاد.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۴۱)

﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنٰا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مٰا يَزِيدُهُمْ إِلاّٰ نُفُورًا ﴾

و مسلمًا در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم تا یاد کنند و پند گیرند ولی جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید.

۲۱۵ . عَن جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنا في هٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا ﴾ قَالَ: يَعنِى وَ لَقَد ذَكَرنَا عَلِيًّا فِى كُلِّ آيَةٍ فَأَبَوا وَلَايَةَ عَلِيٍّ ﷺ ﴿ وَ ما يَزِيدُهُمْ إِلاّٰ نُفُورًا ﴾.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: خداوند متعال فرمود: «در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم تا یاد کنند و پند گیرند». یعنی ما از علی ﷺ در هر آیه‌ای یاد کردیم، ولی از ولایت او سر باز زدند «و جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید».

۲۱۶ . عَن أَبِى حَمزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا جَعفَرٍ ﷺ عَن قَولِ اللهِ: ﴿ وَ لَقَدْ صَرَّفْنا في هٰذَا الْقُرْآنِ ﴾ قَالَ: يَعنِى وَ لَقَد ذَكَرنَا عَلِيًّا فِى كُلِّ القُرآنِ وَ هُوَ الذِّكرُ وَ مَا يَزِيدُهُم إِلَّا نُفُورًا.

ابی حمزه ثمالی گفت: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و مسلمًا در این قرآن [سخن را گوناگون] گردانیدیم» فرمود: یعنی ما از علی ﷺ در کل قرآن یاد کردیم و او ذکر است ولی جز نفرت به آن‌ها نمی‌افزاید.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۴۶)

﴿ وَ إِذٰا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلىٰ أَدْبارِهِمْ نُفُورًا ﴾

و هرگاه پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، در حالی‌که رمنده‌اند به پشتشان روی برمی‌گردانند.

۲۱۷ . عَن عَمرِو بنِ شِمرٍ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَ بنَ مُحَمَّدٍ ﷺ: إِنِّى أَؤُمُّ قَومِى فَأَجهَرُ بِبِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ، قَالَ: نَعَم فَاجهَر بِهَا قَد جَهَرَ بِهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ: رَسُولُ اللهِ ﷺ كَانَ مِن أَحسَنِ النَّاسِ صَوتًا بِالقُرآنِ فَإِذَا قَامَ مِنَ اللَّيلِ يُصَلِّى جَاءَ أَبُو جَهلٍ وَ المُشرِكُونَ يَستَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ فَإِذَا قَالَ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ وَضَعُوا أَصَابِعَهُم فِى آذَانِهِم وَ هَرَبُوا، فَإِذَا فَرَغَ مِن ذَلِكَ جَاؤُوا فَاستَمِعُوا قَالَ: وَ كَانَ أَبُو جَهلٍ يَقُولُ: إِنَّ ابنَ أَبِى كَبشَةَ لَيُرَدِّدُ اسمَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَيُحِبُّهُ. فَقَالَ جَعفَرُ ﷺ: صَدَقَ وَ إِن كَانَ كَذُوبًا. قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ وَ إِذٰا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلىٰ أَدْبارِهِمْ نُفُورًا ﴾ وَ هُوَ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ.

عمرو بن شمر گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم و عرض کردم: من قوم خود را در نماز امامت می‌کنم و بسم الله الرّحمن الرّحیم را با صدای بلند می‌خوانم. ایشان فرمود: بله، بلند بخوان که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را بلند می‌خواند. سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش‌صداترین مردم در تلاوت قرآن بود، زمانی که برای نماز شب بیدار می‌شد، ابوجهل و دیگر مشرکان می‌آمدند تا قرائت ایشان را بشنوند، چون به بسم الله الرحمن الرحیم می‌رسید، آنان انگشتان خود را در گوش‌هاشان می‌گذاشتند و فرار می‌کردند. وقتی پیامبر از آن رد می‌شد، برمی‌گشتند و می‌شنیدند.

ابوجهل می‌گفت: پسر ابی‌کبشه اسم پروردگارش را تکرار می‌کند، به خاطر این‌که او را دوست دارد. او راست می‌گفت، گرچه بسیار دروغگو بود. پس خداوند نازل کرد: «و هرگاه پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، در حالی‌که رمنده‌اند به پشتشان روی برمی‌گردانند.» و آن ذکر همان بسم الله الرّحمن الرّحیم است.

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۶۴)

﴿وَ شٰارِكْهُمْ فِي الْأَمْوٰالِ وَ الْأَوْلاٰدِ﴾

و در اموال و فرزندان با آن‌ها شریک شو.

۲۱۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبّاسٍ قَالَ: بَينَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله جَالِسٌ إِذ نَظَرَ إِلَى حَيَّةٍ كَأَنَّهَا بَعِيرٌ فَهَمَّ عَلِيٌّ بِضَربِهَا بِالعَصَى فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّهُ إِبلِيسُ وَ إِنِّي قَد أَخَذتُ عَلَيهِ شُرُوطًا أَلَّا يُبغِضَكَ مُبغِضٌ إِلَّا شَارَكَهُ فِي رَحِمِ أُمِّهِ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعَالَى: ﴿وَ شٰارِكْهُمْ فِي الْأَمْوٰالِ وَ الْأَوْلاٰدِ﴾.

عبد الله بن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود که ناگاه چشمش به ماری افتاد که اندازهٔ شتر بود. علی علیه السلام خواست با عصا به او ضربه‌ای وارد سازد که

پیامبر ﷺ به او فرمود: او ابلیس است و من با او شرط کرده‌ام که کسی با تو دشمنی نکند مگر این‌که ابلیس در رحم مادرش با او شریک شود، چنانچه خداوند متعال فرمود: «و در اموال و فرزندان با آن‌ها شریک شو».

(سورهٔ اسراء، آیهٔ ۷۳)

﴿ وَ إِنْ كٰادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنٰا غَيْرَهُ ﴾

و بی‌تردید نزدیک بود که تو را از آن‌چه به تو وحی کرده‌ایم فریب دهند، تا جز آن را بر ما به دروغ ببندی.

۲۱۹. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ ؑ قالَ: نَزَلَ جَبرَئيلُ عَلى مُحَمَّدٍ ﷺ بِهٰذِهِ الآيَةِ: **﴿ وَ إِنْ كٰادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنٰا غَيْرَهُ ﴾** قالَ: تَفسيرُها في عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ؑ وَ لَقَد أَرادوا أَن يَرُدّوكَ عَنِ الَّذي أَوحَينا إِلَيكَ في عَلِيٍّ، إِنَّ اللهَ أَوحى إِلَيهِ أَن أَمَرَهُم بِوَلايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ ؑ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ؑ فرمود: جبرئیل ؑ این آیه را بر پیامبر ﷺ نازل کرد که تفسیرش دربارهٔ حضرت علی ؑ است؛ آنان خواسته‌اند تو را از آن‌چه دربارهٔ علی به تو وحی کرده‌ایم، منع کنند؛ خداوند به او وحی کرده بود که آنان را به ولایت حضرت علی ؑ فرمان دهد.





وَ مِن سُورَةِ الكَهْفِ

(سورهٔ کهف، آیهٔ ۱۷)

﴿ مَنْ يَهْدِ اللهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴾

هرکه را خداوند هدایت کند او راه یافته است، و هر که را راه [بهشت] ننماید، هرگز برای او سرپرست و راهنمایی نمی‌یابی.

۲۲۰. عَن أَبی أُمَامَةَ قَالَ: كُنَّا ذَاتَ يوم عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ جُلوسًا فَجاءَنَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام وَاتَّفَقَ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ قِيامٌ فَلَمَّا رَأَى عَلِيًّا جَلَسَ فَقَالَ: يَاابنَ أَبی طالِبٍ أَتعلَمُ لِمَ جَلَستُ؟ قَالَ: اللّهُمَّ لا. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: خَتَمتُ أَنَا النَّبِيِّينَ وَ خَتَمتَ أَنتَ الوَصِيِّينَ فَحَقُّ اللهِ أَن لَا يَقِفَ مُوسَى بنُ عِمرَانَ علیه السلام مَوقِفًا إِلَّا وَقَفَ مَعَهُ يُوشَعُ بنُ نُونٍ، وَ إِنِّی أَقِفُ وَ تُوقِفُ وَ أَسأَلُ وَ تَسأَلُ فَأَعِدِ الجَوَابَ يَاابنَ أَبی طالِبٍ فَإِنَّمَا أَنتَ عُضوٌ مِن أَعضَائی تَزُولُ أَينَما زِلتُ.

فَقَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: يَا رَسُولَ اللهِ فَمَا الَّذِی تَسأَلُ حَتَّی اهتَدِیَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ مَن يَهدِ اللهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ وَ مَن يُضلِلهُ فَلا هَادِیَ لَهُ، لَقَد أَخَذَ اللهُ مِيثَاقِی وَ مِيثَاقَكَ وَ أَهلَ مَوَدَّتِكَ وَ شِيعَتَكَ إِلَی يَومِ القِيامَةِ فِيكُم شَفَاعَتِی، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿ **إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ**[1] ﴾

---

۱. زمر، ۹.

هُم شِیعَتُكَ یَا عَلِيُّ.

ابی امامه گفت: روزی نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ؑ وارد شد. ما همراه رسول خدا به پا خاستیم. رسول خدا ﷺ با دیدن حضرت علی ؑ نشست. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! می‌دانی چرا نشستم؟ حضرت پاسخ داد: به خدا نمی‌دانم. رسول خدا ﷺ فرمود: من خاتم پیامبران و تو خاتم وصیین هستی. به خدا سوگند در هر مقامی که موسی ؑ ایستاد، یوشع‌بن نون وصیّ او نیز ایستاد، هرگاه من می‌ایستم، تو نیز می‌ایستی و هر گاه من می‌پرسم، تو نیز می‌پرسی. ای علی! پاسخ مرا بده و مرا همراهی کن. تو عضوی از اعضای منی، هر جا کناره گرفتم تو نیز کناره می‌گیری، هرجا من حرکت کردم تو نیز مرا یاری کن.

حضرت علی ؑ فرمود: ای رسول خدا! چه چیز موجب هدایت خواهد شد؟ حضرت رسول ﷺ فرمود: هر که را خدا هدایت کند، گمراه نخواهد شد و هر که را خدا گمراه کند، هدایت نخواهد شد. همانا خداوند از من و تو در مورد دوستداران و شیعیانمان پیمان گرفت و شفاعت من در روز قیامت به ایشان خواهد رسید. سپس این آیه را قرائت فرمود: «تنها خردمندان پند می‌گیرند.» ای علی! خردمندان همان شیعیان تو هستند.




وَ مِن سُورَةِ مَريَمَ

(سورهٔ مریم، آیهٔ ۸۵)

﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ﴾

روزی که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان، گروهی گرد آوردیم.

فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ ؑ قَالَ: إنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ وَ عِندَهُ نَفَرٌ مِن أَصحَابِهِ وَ فِیهِم عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ؑ قَالَ: إنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالَی إِذا بَعَثَ النَّاسَ یومَ القِیامَةِ یَخرُجُ قَومٌ مِن قُبورِهِم بَیاضُ وُجُوهِهِم کَبَیاضِ الثَّلجِ، عَلَیهِم ثِیابُ بَیاضُها کَبَیاضِ اللَّبَنِ، وَ عَلَیهِم نِعالٌ مِن ذَهَبٍ شِراکُها وَاللهِ مِن نُورٍ یَتَلألَاءُ، فَیُؤتَونَ بِنُوقٍ مِن نُورٍ عَلَیها رِحالٌ مِنَ الذَّهَبِ قَد وَشَحَت بِالزَّبَرجَدِ وَ الیاقُوتِ لَزِمَةُ نُوقِهِم سَلاسِلُ الذَّهَبِ فَیَرکَبُونَها حَتَّی یَنتَهُونَ إِلَی الجَنانِ، وَ النَّاسُ یُحاسِبُونَ وَ یَغتَمُّونَ، وَ هُم یَأکُلُونَ وَ یَشرَبُونَ.

فَقالَ عَلِیٌّ ؑ: مَن هُم یا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: هُم شِیعَتُكَ وَ أَنتَ إِمامُهُم وَ هُوَ قَولُ اللهِ تَعالَی: ﴿ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ﴾ قَالَ: عَلَی النَّجائِبِ.

فرات گفت: حسین‌بن سعید روایت کرده است امام محمّد باقر ؑ فرمود: عده‌ای از اصحاب و علی بن ابی‌طالب ؑ در محضر رسول خدا ﷺ بودند که ایشان فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را بر می‌انگیزد،

گروهی از قبرهاشان خارج می‌شوند که چهره‌هایی به سفیدی برف دارند و جامه‌ای به سپیدی شیر بر تن دارند و پای‌افزاری از طلا بر پا دارند که به خدا بندهایش از نوری درخشنده است. آنان سوار بر ناقه‌ای از نور می‌شوند که جهازی از طلا بر آن است و با زبرجد و یاقوت آراسته شده و لگام ناقه‌هاشان زنجیرهایی زرین است. آن‌گاه به راه می‌افتند تا این‌که به بهشت می‌رسند و حال آن‌که مردم حساب پس می‌دهند و در دلهره‌اند، امّا اینان می‌خورند و می‌آشامند. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اینان چه کسانی اند؟ حضرت فرمود: ایشان شیعیان تواند و تو امام آنانی و این کلام خداوند متعال است که فرمود: «روزی که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان، گروهی گرد آوریم.» فرمود: آنان بر روی شتران اهلی سوارند.

(سورهٔ مریم، آیهٔ ۹۶ ـ ۹۷)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا * فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴾

به راستی کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبّتی قرار می‌دهد. جز این نیست که ما این (قرآن) را بر زبان تو آسان کردیم تا به آن پرهیزگاران را بشارت و گروهی ستیزه جو را بیم دهی.

۲۲۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: **﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴾** قَالَ: مَحَبَّةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَالَ: نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبتّی قرار می‌دهد» گفت: منظور، محبت در قلوب مؤمنان است که دربارهٔ علی بن ابی طالب علیه‌السلام نازل شده است.

۲۲۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ يَدِي وَ يَدَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَعَلَا بِنَا إِلَى ثَبِيرٍ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ مُوسَى بنَ عِمرَانَ سَأَلَكَ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ أَسأَلُكَ: أَن تَشرَحَ لِي صَدرِي وَ تُيَسِّرَ لِي أَمرِي وَ تَحلُلَ عُقدَةً مِن لِسَانِي لِيَفقَهُوا قَولِي وَاجعَل لِي وَزِيرًا مِن أَهلِي عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي، أُشدُد بِهِ أَزرِي وَ أَشرِكهُ فِي أَمرِي.

قَالَ: فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: سَمِعتُ مُنَادِيًا يُنَادِي يَا أَحمَدُ قَد أُوتِيتَ مَا قَالَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِعَلِيٍّ: يَا أَبَا الحَسَنِ إِرفَع يَدَكَ إِلَى السَّمَاءِ فَادعُ رَبَّكَ وَسَل يُعطِكَ. فَرَفَعَ عَلِيٌّ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اجعَل لِي عِندَكَ عَهدًا وَاجعَل لِي عِندَكَ وُدًّا فَأَنزَلَ اللهُ عَلَى نَبِيِّهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ**﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَتَلَاهَا النَّبِيُّ عَلَى أَصحَابِهِ فَتَعَجَّبُوا مِن ذَلِكَ عَجَبًا شَدِيدًا فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: بِمَا تُعجَبُونَ؟ إِنَّ القُرآنَ أَربَعَةُ أَربَاعٍ فَرُبعٌ فِينَا أَهلَ البَيتِ خَاصَّةً وَ رُبعٌ فِي أَعدَائِنَا وَ رُبعٌ حَلَالٌ وَ حَرَامٌ وَ رُبعٌ فَرَائِضُ وَ أَحكَامٌ، وَ إِنَّ اللهَ أَنزَلَ فِي عَلِيٍّ كَرَائِمَ القُرآنِ.

ابن عباس گفت: پیامبر ﷺ دست من و دست علی بن ابی طالب ﷺ را گرفت و ما را به منطقه‌ای به نام «ثبیر» برد، آن‌گاه چند رکعت نماز خواند و سپس دستانش را سوی آسمان بالا برد و فرمود: خدایا! موسی‌بن عمران از تو درخواست کرد و من محمّد، پیامبرِ تو نیز از تو می‌خواهم که سینه مرا فراخ گردانی و کار مرا آسان سازی و گره از زبان من بگشایی تا سخن مرا درک کنند و برای من وزیری از خاندانم قرار بده؛ علی بن ابی‌طالب ﷺ برادرم را، با او پشت مرا محکم کن و او را در کار من شریک گردان. ابن عباس گفت: شنیدم منادی ندا داد: ای احمد! آن‌چه را خواستی به تو داده شد، پیامبر به علی ﷺ فرمود: ای اباحسن! دست خود را سوی آسمان بلند کن و پروردگارت را بخوان و از او بخواه که به تو عطا خواهد کرد. علی دست خود را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! برای من نزد خودت پیمانی قرار بده و برای من نزد

خودت محبتی قرار بده. پس خداوند بر پیامبرش نازل کرد: «کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به زودی خداوند رحمان برای آنان محبتی قرار می‌دهد.» پیامبر ﷺ این آیه را بر اصحاب خود تلاوت کرد و همگی از آن به شدت تعجب کردند، پیامبر ﷺ فرمود: از چه چیزی تعجب می‌کنید، همانا قرآن چهار قسمت است؛ یک چهارم آن دربارهٔ ما اهل بیت و یک چهارم آن دربارهٔ دشمنان ما و یک چهارم آن حلال و حرام و یک چهارم آن واجبات و احکام است و همانا خداوند دربارهٔ علی، برترین‌های قرآن را نازل کرده است.

۲۲۳. عَنِ ابنِ الحَنَفِيَّةِ فِی قَولِهِ: ﴿ **سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا** ﴾ قَالَ: لَا تُلقَى مُؤمِنًا إِلَّا وَ فِی قَلبِهِ وُدٌّ لِعَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام وَ أَهلِ بَيتِهِ علیهم السلام.

ابن حنفیه گفت: منظور از این سخن خداوند «به زودی خداوند رحمان برای آنان محبّتی قرار می‌دهد» آن است که مؤمنی را ملاقات نمی‌کنی مگر آن‌که در قلبش محبّت علی بن ابی طالب علیه السلام و خاندانش قرار دارد.

۲۲۴. جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ الأَزدِیُّ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ كَيفَ أَصبَحتَ وَاللهِ يَا عَلِیُّ عَنكَ رَاضٍ وَ أَصبَحَ وَ اللهِ رَبُّكَ عَنكَ رَاضٍ وَ أَصبَحَ كُلُّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ عَنكَ رَاضُونَ إِلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ.

قَالَ: قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ قَد نَعِيتُ إِلَيكَ نَفسَكَ فَيَا لَيتَ نَفسِی المُتَوَفَّاةُ قَبلَ نَفسِكَ. قَالَ: أَبَى اللهُ فِی عِلمِهِ إِلَّا مَا يُرِيدُ. قُلتُ: فَادعُ اللهَ لِی بِدَعَوَاتٍ تُصِيبُنِی بَعدَ وَفَاتِكَ قَالَ: يَا عَلِیُّ أُدعُ لِنَفسِكَ بِمَا تُحِبُّ حَتَّى أُومِنَ فَإِنَّ تَأمِينِی لَكَ لَا يُرَدُّ.

قَالَ: فَدَعَا عَلِیٌّ اللَّهُمَّ ثَبِّت مَوَدَّتِی فِی قُلُوبِ المُؤمِنِينَ وَ المُؤمِنَاتِ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ. قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِينَ. فَقَالَ: يَا عَلِیُّ أُدعُ فَدَعَا بِتَثبِيتِ مَوَدَّتِهِ فِی قُلُوبِ المؤمِنِينَ وَ المُومِنَاتِ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ. حَتَّى دَعَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّمَا دَعَا دَعوَةٍ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِينَ. فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ علیه السلام فَقَالَ: ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا * فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا** ﴾

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْمُتَّقِينَ عَلِيٌّ وَ شِيعَتُهِ.

جعفربن احمد ازدی گفت: امام جعفر صادق ؑ به نقل از پدر بزرگوارش از پدران بزرگوارش فرمود: امیرمؤمنان حضرت علی ؑ فرمود: خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم. ایشان به من فرمود: چگونه صبح را گذرانده‌ای؟ ای علی! به خدا سوگند در حالی صبح را گذرانده‌ای که پروردگارت و هر مرد و زن مؤمنی از تو راضی‌اند تا قیامت فرارسد.

عرض کردم: ای رسول خدا! کاش جان من پیش از شما از این دنیا پر کشد. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند چنین نخواسته است. عرض کردم: پس برای من دعا کنید، آن‌چنان دعایی که پس از درگذشت شما مشمول حالم گردد. حضرت فرمود: ای علی! خودت به آن‌چه دوست می‌داری دعا کن، من ضمانت می‌کنم که رد نشود. علی ؑ چنین دعا کرد: بار خدایا دوستی مرا در قلوب مردان و زنان مؤمن تا روز قیامت پایدار فرما. آن‌گاه رسول خدا ﷺ آمین گفت و فرمود: ای علی! دعا کن. او باز برای پایدار ماندن دوستی‌اش در قلوب مؤمنان تا روز قیامت دعا کرد. و این دعا سه بار تکرار شد و هر بار پیامبر آمین گفت. آن‌گاه جبرئیل ؑ نازل شد و گفت: «کسانی‌که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به زودی خداوند رحمان برای آنان [در دلها] محبتی قرار می‌دهد جز این نیست که ما این (قرآن) را بر زبان تو آسان کردیم تا به آن پرهیزکاران را بشارت و گروهی ستیزه جو را بیم دهی.

آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: پرهیزکاران، علی و شیعیان او هستند.




وَ مِن سُورةِ طـهٰ

(سورة طـه، آية ۲۵ ـ ۳۵)

﴿ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَ أَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَ نَذْكُرَكَ كَثِيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴾

[موسی] گفت: پروردگارا! سینه‌ام را برای من گشاده گردان، و کارم را برای من آسان کن، و از زبانم گره بگشا، تا سخنم را بفهمند، و از خاندانم وزیری برای من قرار ده، هارون برادرم را، پشتم را به او محکم کن، و او را در کار من شریک گردان، تا تو را تسبیح گوییم، و تو را بسیار یاد کنیم، به راستی تو به ما بینایی.

۲۲۵. عَن أَسمَاءَ بِنتِ عُمَيسٍ قَالَت: رَأَيتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ بِإزَاءِ ثَبِيرٍ وَ هُوَ يَقُولُ: أَشرِق ثَبِيرِ، اللّٰهُمَّ إِنّي أَسأَلُكَ مَا سَأَلَكَ أَخِي مُوسَى أَن تَشرَحَ لِي صَدرِي وَ أَن تُيَسِّرَ لِي أَمرِي وَ أَن تُحَلِّلَ عُقدَةً مِن لِسَانِي يَفقَهُوا قَولِي، وَاجعَل لِي وَزِيرًا مِن أَهلِي عَلِيًّا أَخِي أُشدُد بِهِ أَزرِي وَ أَشرِكهُ فِي أَمرِي كَي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذكُرَكَ كَثِيرًا، إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا.

اسماء بنت عمیس گفت: رسول خدا ﷺ را در کوه ثبیر دیدم که می‌فرمود: بدرخش ای ثبیر! خدایا از تو می‌خواهم آن‌چه را که برادرم موسی از تو خواست؛ که سینه‌ام را گشاده گردانی و کارم را آسان نمایی و گره از زبانم بگشایی تا سخنم را بفهمند و از خاندانم وزیری برای من قرار دهی، علی علیه السلام برادرم را و پشتم را به او محکم کنی و او را در کار من شریک گردانی تا تو را تسبیح گوییم و تو را بسیار یاد کنیم، به راستی تو به ما بینایی.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۵۴ و ۱۲۸)

﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهىٰ ﴾

به راستی در این [امور] برای خردمندان نشانه‌هاست.

۲۲۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ علیه السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهىٰ ﴾ قَالَ: نَحنُ وَاللهِ أُولِي النُّهىٰ وَ نَحنُ قُوَّامُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ وَ خُزَّانُهُ عَلَى دِينِهِ، نَخزَنُهُ وَ نَستُرُهُ وَنكتُم بِهِ مِن عَدُوِّنَا كَمَا اكتَتَمَ بِهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ حَتَّى أَذِنَ اللهُ لَهُ فِي الهِجرَةِ وَ جِهادِ المُشرِكِينَ، فَنَحنُ عَلَى مِنهَاجِ رَسُولِ اللهِ ﷺ حَتَّى يَأذَنَ اللهُ تَعَالَى بِإِظهَارِ دِينِهِ بِالسَّيفِ وَ نَدعُو النَّاسَ إِلَيهِ وَ نَضرِبُهم عَلَيهِ عَودًا كَمَا ضَرَبَهُمْ عَلَيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ بَدءًا.

جعفر بن محمّد فرازی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: به خدا سوگند ما خردمندان هستیم و ما ارکان خدا در میان مردم و نگهبانان دین او هستیم که آن را نگاهبانی می‌کنیم و می‌پوشانیم و از دشمنمان پنهان می‌داریم؛ چنان‌که پیامبر ﷺ آن را پنهان داشت تا اجازه هجرت و جهاد با مشرکان به او داده شد. ما پیرو راه رسول خداییم تا خداوند متعال اجازه دهد که دینش با شمشیر آشکار شود و ما مردم را دعوت می‌کنیم و در این راه شمشیر به کار می‌بریم چنان‌که رسول خدا ﷺ در آغاز به کار برد.

(سورهٔ طٰه، آیهٔ ۶۱)

﴿ وَ قَدْ خٰابَ مَنِ افْتَرىٰ ﴾

و مسلمًا هر کس [به خدا] دروغ بندد نااميد گردد.

۲۲۷. مُحَمَّدُ بنُ عِيسَىبنِ زَكَرِيَّا الدِّهقَانُ مُعنعَنًا: عَن أَبِي جعفرٍ عَن آبائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلّٰهِ تَعَالَى قَضِيبُ مِن يَاقُوتَةٍ حَمرَاءَ، خَلَقَهُ بِقُدرَتِهِ ثُمَّ ذَرَاهُ إِلَى الاَرضِ ثُمَّ إِلَى عَلَى نَفسِهِ أَن لَا يَنَالَ القَضِيبُ إِلَّا مَن تَوَلَّى مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: مَا يَنتَظِرُ وَلِيُّنَا إِلَّا أَن يَتَبَوَّأَ مَقعَدَهُ مِنَ الجَنَّةِ، وَ مَا يَنتَظِرُ عَدُوُّنَا إِلَّا أَن يَتَبَوَّأَ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ، ثُمَّ أَومَى إِلَى أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: أَولِيَاءُ هَذَا أَولِيَاءُ اللهِ وَ أَعدَاءُ هَذَا أَعدَاءُ اللهِ، فَضلاً مِنَ اللهِ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ قَد خَابَ مَنِ افتَرَى.

محمّد بن عيسى‌بن زكريا دهقان روايت كرده است: امام محمّد باقر عليه السلام به نقل از پدران بزرگوارش عليهم السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا براى خداوند متعال شاخه‌اى از ياقوت سرخ است كه به قدرتش او را آفريد و آن را بر روى زمين پراكنده ساخت، سپس به سوى خويش بالا بردش تا آن تنها به دوستداران محمّد و آل محمّد عليهم السلام برسد. جايگاه دوستداران ما در بهشت و دشمنان ما جايگاهشان آتش است، سپس به سوى حضرت على عليه السلام اشاره نمود و فرمود: دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خدا هستند، اين فضلى از جانب خداست كه بر زبان پيامبر جارى شد و مسلمًا هر كس به خدا دروغ بندد، نااميد گردد.

(سورهٔ طٰه، آيهٔ ۸۱ ـ ۸۲)

﴿ وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوىٰ ۞ وَ إِنِّي لَغَفّٰارٌ لِمَنْ تٰابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صٰالِحًا ثُمَّ اهْتَدىٰ ﴾

وهر كس خشم من بر او فرود آيد، بى‌ترديد هلاك مى‌شود، و به راستى

من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد.

۲۲۸. قَالَ: حَدَّثَنَا فُراتُ بنُ إبرَاهِيم الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ﴾ قَالَ: إِلَی وَلَايَتِنَا.

فرات‌بن ابراهیم کوفی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد» فرمود: یعنی به سوی ولایت ما اهل بیت.

۲۲۹. عَن سَعدِبنِ طَرِيفٍ قَالَ: كُنتُ جَالِسًا عِندَ أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام فَجَاءَ عَمرُوبنُ عُبَيدٍ فَقَالَ: أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ لَا تَطْغَوْا فيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبي وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبي فَقَدْ هَوىٰ * وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدىٰ ﴾ قَالَ لَهُ أَبُوجَعفَرٍ عليه السلام إِنَّ التَوبَةَ وَ الإِيمَانَ وَ العَمَلَ الصَّالِحَ لَا يُقبَلُ إِلَّا بِالإِهتِدَاءِ أَمَّا التَوبَةُ فَمِنَ الشِّركِ بِاللهِ وَ أَمَّا الإِيمانُ فَهُوَ التَوحِيدُ لِلهِ وَ أَمَّا العَمَلُ الصَّالِحُ فَهُوَ أَدَاءُ الفَرَائِضِ، وَ أَمَّا الإِهتِدَاءُ فَبِوُلَاةِ الأَمرِ وَ نَحنُ هُم.
وَ أَمَّا قَولُهُ: ﴿ وَ مَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبي فَقَدْ هَوىٰ ﴾ فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَن يَقرَؤُا القُرآنَ كَمَا أُنزِلَ فَإِذَا احتَاجُوا إِلَی تَفسِيرِهِ فَالإِهتِدَاءُ بِنَا وَ إِلَينَا يَا عَمرُو.

سعدبن طریف گفت: خدمت امام محمّد باقر عليه السلام بودم که عمروبن عبید آمد و عرض کرد: مرا از کلام خداوند متعال «و در آن از حدّ مگذرید، و هر کس خشم من بر او فرود آید بی تردید هلاک می‌شود و به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد سپس هدایت یابد» آگاه سازید. امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: توبه و ایمان و کار نیک را نمی‌پذیرد مگر با هدایت یافتن؛ اما توبه یعنی از شرک توبه کردن و ایمان یعنی اقرار به یکتایی خدا و کار نیک انجام واجبات است و هدایت یافتن اعتقاد به صاحبان امر است و ما ایشان هستیم. و اما کلام حق تعالی «و هر کس خشم من بر او فرود آید

بی‌تردید هلاک شود»، مردم باید قرآن را آن‌طور که نازل شده بخوانند و هرگاه احتیاج به تفسیر آن پیدا کردند، راهنمایی با ما و سوی ماست.

۲۳۰. عُبَیدبنُ کَثیرٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلیٍّ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ اللهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ: ﴿ **وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدىٰ** ﴾ قَالَ: وَاللهِ لَو أَنَّهُ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَم یَهتَدِ إِلَی وَلَایَتِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ یَعرِف فَضلَنَا مَا أَغنَی عَنهُ ذَلِكَ شَیئًا.

عبیدبن کثیر روایت کرده است امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد؛ سپس هدایت یابد» به خدا سوگند اگر کسی توبه کند و ایمان آورد و کار نیک انجام دهد، اما سوی ولایت و محبّت ما هدایت نشود و فضیلت ما را نشناسد، هیچ‌یک از آن‌ها او را بی‌نیاز نمی‌کند.

۲۳۱. عَن أَبی‌ذَرٍ الغِفَارِیِّ فِی قَولِهِ تَعَالَی ﴿ **وَ إِنّي لَغَفّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحًا ثُمَّ اهْتَدىٰ** ﴾ قَالَ: آمَنَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صلی‌الله‌علیه‌وآله ﴿ **وَ عَمِلَ صالِحًا** ﴾ قَالَ: أَدَاءُ الفَرَائِضِ ﴿ **ثُمَّ اهْتَدىٰ** ﴾ اِهتَدَی إِلَی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ.

وَ سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله یَقُولُ: وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیًّا لَا یَنفَعُ أَحَدَکُم الثَّلَاثَةُ حَتَّی یَأتِیَ بِالرَّابِعَةِ فَمَن شَاءَ حَقَّقَهَا وَ مَن شَاءَ کَفَرَ بِهَا، فَإِنَّا مَنَازِلُ الهُدَی وَ أَئِمَّةُ التُّقَی وَ بِنَا یُستَجَابُ الدّعَاءُ وَ یُدفَعُ البَلَاءُ، وَ بِنَا یُنزَلُ الغَیثُ مِنَ السَّمَاءِ وَ دُونَ عِلمِنَا تَکِلُّ أَلسُنُ العُلَمَاءِ وَ نَحنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ سَفِینَةُ نُوحٍ وَ نَحنُ جَنبُ اللهِ الَّذِی یُنَادِی مَن فَرَّطَ فِینَا یَومَ القِیَامَةِ بِالحَسرَةِ وَالنَّدَامَةِ، وَ نَحنُ حَبلُ اللهِ المَتِینُ الَّذِی مَنِ اعتَصَمَ بِهِ هُدِیَ إِلَی صِرَاطٍ مُستَقِیمٍ، وَ لَا یَزَالُ مُحِبُّنَا مَنفِیًّا مُودِیًا مُنفَرِدًا مَضرُوبًا مَطرُودًا مَکذُوبًا مَحزُونًا بَاکِیَ العَینِ حَزِینَ القَلبِ حَتَّی یَمُوتَ وَ ذَلِكَ فِی اللهِ قَلِیلٌ.

ابوذر غفاری دربارهٔ کلام خداوند متعال «به راستی من آمرزندهٔ کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد، سپس هدایت یابد» گفت: به آن‌چه حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده ایمان بیاورد «و کار نیک انجام دهد» واجبات

را به جا آورد «سپس هدایت یابد» سوی دوستی خاندان حضرت محمّد ﷺ هدایت یابد. از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: سوگند به آن که مرا بر حق به پیامبری برانگیخت آن سه قسمت اوّل برایتان سودی نخواهید بخشید مگر که چهارمی را به جا آورید. هر که خواست، آن را برآورد و هر که خواست، به آن کفر ورزد. ما منزلگاه‌های هدایت و امامان پرهیزکاران هستیم و دعا به وسیلهٔ ما مستجاب می‌شود و بلا به وسیلهٔ ما دفع می‌گردد و باران از آسمان به وسیلهٔ ما می‌بارد و در مقابل علم ما زبان دانشمندان گنگ می‌شود و ما بابِ ریزش گناهان و کشتی نوح هستیم و ما جنب خداوند هستیم که در روز قیامت هر که در مورد ما کوتاهی کرده باشد، ندای حسرت و پشیمانی سر می‌دهد. ما ریسمان محکم خداوندیم که هر که به آن چنگ زند، به راه راست هدایت می‌یابد. دوستدار ما پیوسته در تبعید و آزار و تنهایی و ضربه خوردن و طردشدن و تهمت و حزن و اشک و اندوه به سر می‌برد تا از دنیا برود و این همه در راه خدا چیز اندکی است.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۱۰۸)

﴿ فَلاٰ تَسْمَعُ إِلاّٰ هَمْسًا ﴾

و جز صدایی آهسته نمی شنوی.

۲۳۲ . جَعفرُبنُ مُحمَّدٍ الفَزارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ ؑ قالَ: إذاکانَ یَومُ القِیامَةِ جَمَعَ اللهُ النّاسَ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ مِنَ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ عُرَاةً حُفَاةً فَیَقِفُونَ عَلَی طَرِیقِ المَحشَرِ حَتّی یَعرَقُوا عَرَقًا شَدِیدًا ؑ وَ تَشتَدُّ أَنفاسُهُم فَیمکُثُونَ بِذَلِكَ مِقدارَ خَمسِینَ عامًا. قَالَ: فَقالَ أَبو جَعفَرٍ ؑ فَثَمَّ قَالَ اللهُ تَعالَی ﴿ فَلاٰ تَسْمَعُ إِلاّٰ هَمْسًا ﴾.

قَالَ: ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِن تِلقَاءِ العَرشِ: أَینَ النَّبِیُّ الأُمِّیُّ؟ قَالَ: فَیَقُولُ النّاسُ: قَد أَسمَعتَ فَسَمِّ بِاسمِهِ. قَالَ: فَیُنَادِی: أَینَ نَبِیُّ الرَّحمَةِ مُحَمَّدُبنُ عَبدِ اللهِ الأُمِّیُّ ﷺ؟ قَالَ: فَیَتقَدَّمُ

رَسُولُ اللهِ ﷺ أَمَامَ النَّاسِ كُلِّهِم حَتَّى يَنتَهِيَ إِلَى الحَوضِ طُولُهُ مَا بَينَ أُبُلَّةَ إِلَى صَنعَاءَ فَيَقِفُ عَلَيهِ ثُمَّ يُنَادِي بِصَاحِبِكُم فَيَتَقَدَّمُ أَمَامَ النَّاسِ فَيَقِفُ مَعَهُ، ثُمَّ يُؤذَنُ النَّاسَ وَ يَمُرُّونَ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ ؑ: فَبَينَ وَارِدٍ يَومَئِذٍ وَ بَينَ مَصرُوفٍ عَنهُ مِن مُحِبِّينَا بَكَى وَ قَالَ: يَا رَبِّ شِيعَةُ عَلِيٍّ أَرَاهُم قَد صُرِفُوا تِلقَاءَ أَصحَابِ النَّارِ وَ مُنِعُوا عَنِ الحَوضِ.

قَالَ: فَيَقُولُ لَهُ المَلَكُ: إِنَّ اللهَ يَقُولُ لَكَ: قَد وَهَبتُهُم لَكَ يَا مُحَمَّدُ وَ صَفَحتُ لَكَ عَن ذُنُوبِهِم وَ أَلحَقتُهُم بِكَ وَ بِمَن كَانُوا يَتَوَلَّونَ وَ جَعَلتُهُم فِي زُمرَتِكَ وَ أَورَدتُهُم عَلَى حَوضِكَ.

فَقَالَ أَبُو جَعفَرٍ ؑ: فَكَم مِن بَاكٍ يَومَئِذٍ وَبَاكِيَةٍ يُنَادِي يَا مُحَمَّدَاه إِذَا رَأَوا ذَلِكَ. قَالَ: فَلَا يَبقَى أَحَدٌ يَومَئِذٍ كَانَ يُحِبُّنَا وَ يَتَوَلَّانَا وَ يَتَبَرَّءُ مِن عَدُوِّنَا وَ يُبغِضُهُم إِلَّا كَانَ فِي حَيِّزِنَا وَ وَرَدَ حَوضَنَا.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است امام محمّد باقر ؑ فرمود: هنگامی‌که روز قیامت فرا رسد، خداوند گذشتگان و آیندگان را در یک سطح گرد می‌آورد، آن‌ها درحالی‌که لخت و پا برهنه هستند، در راه محشر می‌ایستند و عرق شدیدی از آن‌ها فرو می‌ریزد و نفس‌هایشان تنگ می‌شود و پنجاه سال در همین حال بر جا می‌مانند.

امام محمّد باقر ؑ فرمود: آنجاست که خداوند متعال فرمود: «و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی». سپس ندادهنده‌ای از جانب خداوند ندا سر می‌دهد که پیامبر امّی کجاست؟ مردم می‌گویند: سخنت شنیده شد، نام ببر. ندا می‌دهد: پیامبر رحمت، محمّد بن عبدالله اُمّی ﷺ کجاست؟

در این هنگام رسول خدا ﷺ در حالی‌که پیشاپیش مردم قرارگرفته است، به راه می‌افتد تا به حوض کوثر می‌رسد؛ حوضی که بزرگی آن به اندازه فاصله‌ای است که از صنعا تا اُبله می‌باشد، رسول خدا ﷺ در کنار حوض می‌ایستد و بعد سرور شما را ندا می‌دهد و او پیشاپیش مردم می‌آید و کنار ایشان می‌ایستد، سپس به مردم اجازه می‌دهند تا عبور کنند.

در اینجا گروهی از یاران و دوستان ما عبور می‌کنند و جلو بعضی را هم می‌گیرند، هنگامی که رسول خدا ﷺ این وضع را مشاهده می‌کند، می‌گرید و می‌فرماید: بار خدایا اینک شیعیان علی ؑ را می‌بینم که سوی دوزخیان می‌روند و از حوض منع می‌شوند. در آن دم فرشته‌ای می‌آید و می‌گوید: خداوند متعال می‌فرماید: ای محمّد! من آن‌ها را به تو بخشیدم و به خاطر تو گناهان آنان را عفو کردم و آن‌ها را به طرف تو و کسانی‌که دوستشان می‌داشتند، برمی‌گردانم و با گروه تو همراه می‌کنم و به آن‌ها اجازه می‌دهم تا بر حوض وارد شوند.

آنان در آن روز می‌گریند و چون رسول خدا ﷺ را ببینند، فریاد وامحمّدا سر می‌دهند. پس در آن روز هیچ کس از آنان که ما را دوست می‌داشتند و ولایت ما را پذیرفته بودند و از دشمنمان بیزار بودند، نمی‌ماند جز آن‌که در میان ما بر حوض وارد می‌شوند.

(سورهٔ طـه، آیهٔ ۱۱۱)

﴿ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴾

و بی‌تردید هر کس بار ستم برداشت، [از رحمت الهی] نا امید گردد.

۲۳۳. عَن جَابِرِبنِ يَزِيدٍ قَالَ: قَالَ أَبوالوَردِ ـ وَ أَنَا حَاضِرٌ ـ لِمُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ ؑ رَحِمَكَ اللهُ أَخبِرنی عَن أَفضَلِ مَا عُبِدَ اللهُ بِهِ؟ فَقَالَ: شَهَادَةُ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ المُحَافِظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ الخَمسِ مَجمُوعَةً وَالدُّعَاءُ وَ التَّضَرُّعُ إِلَى اللهِ تَعَالَى وَ صِيَامُ شَهرِ رَمَضَانَ وَ أَدَاءُ الزَّكَاةِ وَ حَجُّ البيتِ وَ بِرُّ الوَالِدَينِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ وَ كَثرَةُ ذِكرِ اللهِ وَالكَفُّ عَن مَحَارِمِ اللهِ تَعَالَى وَ الصَّبرُ عَلَى البَلَاءِ وَ تِلَاوَةُ القُرآنِ وَ الأَمرُ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهيُ عَنِ المُنكَرِ وَ كَفُّ اللِّسَانِ إِلَّا أَن يَقُولَ خَيرًا وَ غَضُّ البَصَرِ.

وَاعلَم يَا أَبَا الوَردِ أَنَّ الإِجتِهَادَ فِی دِينِ اللهِ المُحَافِظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ المَجمُوعَةِ

وَ الصَّبرُ عَلى ترِكِ المَعاصِي وَ اعلَم يا أَبَا الوَردِ وَ يَا جَابِرُ إنَّكُمَا لَم تَفتَشَا مُؤمِنًا إلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ عَن ذَاتِ نَفسِهِ إلَّا عَن حُبِّ عَلِيٍّ وَ إنَّكُمَا لَم تَفتَشَا كَافِرًا إلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ عَن ذَاتِ نَفسِهِ إلَّا وَجَدتُمَاه يُبغِضُ عَلِيًّا، وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ تَعَالَى قَضَى عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله لِعَلِيٍّ عليه السلام إنَّهُ لا يُبغِضُكَ مُؤمِنٌ وَ لا يُحِبُّكَ كَافِرٌ أَو مُنَافِقٌ، ﴿ **وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا** ﴾ وَ لكِن أُحِبُّونَا حُبَّ قَصدٍ تَرشُدُوا وَ تُفلِحُوا أُحِبُّونَا مَحَبَّةَ الإِسلَامِ.

جابربن یزید گفت: ابوورد به امام محمّد باقر عليه السلام عرض کرد ـ در حالی‌که من نیز نزد آن‌ها بودم: خدایت رحمت کند، مرا از برترین گونه‌ای که خداوند به آن پرستش شده، آگاه سازید. ایشان فرمود: شهادت به یگانگی خدا و این که محمّد صلى الله عليه وآله رسول خداست و بر نمازهای پنجگانه مراقبت کردن و دعا و تضرع به سوی خدا و روزه ماه مبارک رمضان و پرداخت زکات و حجّ خانه خدا و نیکی به پدر و مادر و صله رحم و بسیاریِ یاد خدا و اجتناب از محارم الهی و صبر بر بلاء و تلاوت قرآن و امر به معروف و نهی از منکر و نگه‌داشتن زبان مگر برای سخن خیر و فرو بستن چشم. ای ابوورد باز بدان که اجتهاد در دین خدا و مراقبت بر تمامی نمازهای پنجگانه و صبر بر ترک معصیت‌ها. ای ابوورد و ای جابر! شما تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، از درونِ جانِ هیچ مؤمنی خبردار نمی‌شوید جز از راه خبرداری از دوستی او با علی عليه السلام و نیز تا آن‌گاه که قیامت برپا شود، از درونِ جانِ هیچ خبردار نمی‌شوید جز این‌که دریابید او کینه علی عليه السلام در دل دارد؛ چراکه خداوند متعال بر زبان حضرت محمّد صلى الله عليه وآله جاری ساخت و ایشان به حضرت علی عليه السلام فرمود: به راستی که هیچ مؤمنی کینه‌توز تو نیست و هیچ کافر یا منافقی تو را دوست نمی‌دارد. «هر کس بار ستم برداشت، [از رحمت الهی] نومید گردد.» پس ما را به قصد این‌که راه یابید و رستگار شوید، دوست بدارید و ما را به دوستی اسلام دوست بدارید.

(سورهٔ طه، آیهٔ ۱۲۴)

﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ أَعْمىٰ ﴾

و هر کس از یاد من رو بگرداند، به راستی برای او زندگی تنگی خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم.

۲۳۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ ﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ أَعْمىٰ ﴾ إن تَرَكَ وَلايَةَ عَلِيٍّ أَعمَاهُ اللهُ وَ أَصَمَّهُ عَنِ النِّدَاءِ، وَ ﴿ ذِكْرِي ﴾ يَعنِی ذِكرِی مِنَ الرَّسُولِ ﷺ عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: اگر کسی ولایت حضرت علی عليه السلام را واگذارد، خداوند او را در برابر ندای خود نابینا و ناشنوا می‌کند و منظور از ذکر من، ذکر خداوند از رسول خدا ﷺ دربارهٔ حضرت علی عليه السلام است.



وَ مِن سُورةِ الأَنبِيَاءِ

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۲۴)

﴿ هٰذٰا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ﴾

این [قرآن متضمن] یاد کسانی است که با من هستند و یاد کسانی است که پیش از من بودند.

۲۳۵. مُحَمَّدُ بنُ أَحمَدَ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ: إنَّ النَّبیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله أُوتِیَ عِلمَ النَّبِیِّینَ وَ عِلمَ الوَصِیِّینَ وَ عِلمَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَن تَقُومَ السَّاعَةُ، ثُمَّ تَلا هَذِهِ الآيَةَ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: **﴿ هٰذٰا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ﴾**.

محمّد بن احمد روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام به نقل از امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام فرمود: علم همهٔ پیامبران و اوصیا و علم هر آن‌چه تا به روز قیامت رخ می‌دهد، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داده شده است؛ سپس حضرت علیه‌السلام این آیه را تلاوت فرمود که خداوند به پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «این [قرآن متضمن] یاد کسانی است که با من هستند و یاد کسانی است که پیش از من بودند».

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۶۹)

﴿ يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾

ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش.

۲۳۶. مُحَمَّدُبنُ عُمَرَ الزُّهرِيِّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِى عَبدِ اللّٰهِ عليه السلام فِى قَولِ اللّٰهِ تَعَالَى: **﴿ قُلْنٰا يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾** قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَنجِنِيقٍ عَمِلَ فِى الدُّنيَا مَنجِنِيقٌ عَمِلَ لِإِبرَاهِيمَ بِسُورِ الكُوفَةِ فِى نَهرٍ يُقَالُ لَهُ كُونى وَ فِى قَريَةٍ يُقَالُ لَهَا: قِنطَانَا فَلَمَّا عَمِلَ إِبلِيسُ المَنجِنِيقَ وَ أَجلَسَ فِيهِ إِبرَاهِيمَ عليه السلام وَ أَرَادُوا أَن يَرمُوا بِهِ فِى نَارِهَا أَتَاهُ جَبرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكَ يَا إِبرَاهِيمُ وَ رَحمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَلَكَ حَاجَةٌ؟ قَالَ: مَا لِى إِلَيكَ حَاجَةٌ، بَعدَهَا قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى: **﴿ يٰا نٰارُ كُوني بَرْدًا وَ سَلاٰمًا عَلىٰ إِبرٰاهِيم ﴾**.

محمّد بن زهری روایت کرده است امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: نخستین منجنیقی که در دنیا به کار گرفته شد، منجنیقی بود که در حاشیهٔ کوفه در رودی به نام کُنی و در روستایی به نام قنطانا ساخته شد. چون ابلیس منجنیق را به کار انداخت و ابراهیم عليه السلام را در آن نشاند و خواستند او را در آتش بیندازند، جبرئیل نزدش آمد و گفت: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای ابراهیم! چیزی می‌خواهی؟ فرمود: از تو چیزی نمی‌خواهم. پس از آن خداوند متعال فرمود: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش».

(سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۸۷)

﴿ سُبْحٰانَكَ إِنّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمينَ ﴾

منزهی تو، به راستی من از ستمکارانم.

۲۳۷. مُحَمَّدُبنُ أَحمَدَ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللّٰهَ ـ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ـ عَرَضَ وَلَايَةَ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عليه السلام عَلَى أَهلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهلِ الأَرضِ فَقَبِلُوهَا مَا خَلَا يُونُسَ بنَ مَتَّى فَعَاقَبَهُ اللّٰهُ وَ حَبَسَهُ فِى بَطنِ

الحُوتِ لِإنكَارِهِ وَلَايَةَ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّبنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ حَتَّى قَبِلَهَا.
قَالَ أَبُويَعقُوبَ: فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لِإنكَارِي وَلَايَةَ عَلِيِّبنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.
قَالَ أَبُوعَبدُ اللهِ: فَأَنكَرتُ الحَدِيثَ فَأَعرَضتُهُ عَلَى عَبدِ اللهِبنِ سُلَيمَانَ المَدَنِيِّ فَقَالَ لِي: لَاتَجزَع مِنهُ فَإِنَّ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ خَطَبَ هُنَا بِالكُوفَةِ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ فَقَالَ فِي خُطبَتِهِ: فَلَولَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ المُقِرِّينَ لَلَبِثَ فِي بَطنِهِ إِلَى يَومِ يُبعَثُونَ فَقَامَ إِلَيهِ فُلَانُبنُ فُلَانٍ وَ قَالَ: يَا أَمِيرَالمُؤمِنِينَ إِنَّا سَمِعنَا اللهَ: ﴿ **فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ**[1] ﴾ فَقَالَ: اقعُد يَا بَكَّارُ فَلَولَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ المُقَرِّينَ لَلَبِثَ فِي بَطنِهِ إِلَى يَومِ يُبعَثُونَ.

محمّد بن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ از قول پدر بزرگوارش ﷺ از جد بزرگوارش ﷺ نقل کرد که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ را بر اهل آسمان‌ها و زمین عرضه داشت. آن‌ها پذیرفتند جز یونس‌بن متی که خداوند او را تنبیه کرد و به دلیل انکار ولایت علی‌بن ابی‌طالب ﷺ در شکم ماهی زندانی‌اش کرد، تا او نیز ولایت حضرت را پذیرفت.

ابویعقوب گفت: یونس در آن تاریکی فریاد زد که هیچ خدایی جز تو نیست؛ تو پاک و منزهی و من به سبب انکار ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ از ستمگران بوده‌ام. ابوعبدالله گفت: من این حدیث را انکار کردم و آن را بر عبدالله‌بن سلیمان مدنی عرضه داشتم، او به من گفت: ناراحت نشو، امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ اینجا، در کوفه برای ما خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای خداوند در خطبه خود فرمود: اگر یونس از اقرارکنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند. فلان کس از جا برخواست و گفت: ای امیرمؤمنان ما شنیده‌ایم

---
۱. صافات، ۱۴۳

که خداوند می‌فرماید: «و اگر نه این بود که او از تسبیح‌گویان بود.» حضرت فرمود: بنشین ای نابکار! اگر او از اقرارکنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی باقی می‌ماند.

(سورهٔ انبياء، آيهٔ ۱۰۱ ـ ۱۰۳)

﴿ إِنَّ الَّذينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنىٰ أُولٰئِكَ عَنْهٰا مُبْعَدُونَ * لاٰ يَسْمَعُونَ حَسيسَهٰا وَ هُمْ في مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خٰالِدُونَ * لاٰ يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقّٰاهُمُ الْمَلاٰئِكَةُ هٰذٰا يَوْمُكُمُ الَّذي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴾

و به راستی کسانی که نیکویی از سوی ما برای آنان پیشی گرفته است آن‌ها از آن (دوزخ) دور شدگان‌اند. صدای آن را نمی‌شنوند، و آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودان‌اند. آن ترس بزرگ آنان را اندوهگین نمی‌سازد و فرشتگان به استقبال آن‌ها آیند [و گویند]: «این است روز شما که [به آن] وعده داده می‌شدید.»

۲۳۸. مُحَمَّدُ بنُ الحَسَنِ بنِ إبرَاهِيمَ مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ ؑ قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يا عَلِيُّ إِنَّ اللهَ ـ تَبارَكَ وَ تَعالَى ـ وَهَبَ لَكَ حُبَّ المَساكِينِ وَ المُستَضعَفِينَ فِي الأَرضِ فَرَضِيتُ بِهِم إِخوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا، فَطُوبَى لِمَن أَحَبَّكَ وَ صَدَّقَ فِيكَ وَ وَيلٌ لِمَن أَبغَضَكَ وَ كَذَّبَ عَلَيكَ.

يَا عَلِيُّ أَنتَ العَلَمُ لِهَذِهِ الأُمَّةِ مَن أَحَبَّكَ فَازَ وَ مَن أَبغَضَكَ هَلَكَ. يَا عَلِيُّ أَنا مَدِينَةُ العِلمِ وَ أَنتَ بَابُها وَ هَل تُؤتَى المَدِينَةُ إِلَّا مِن بَابِها يا عَلِيُّ أَهلُ مَوَدَّتِكَ كُلُّ أَوّابٍ حَفِيظٍ وَ كُلُّ ذِي طِمرِينَ لَو أَقسَمَ عَلَى اللهِ لَأَبَرَّ قَسَمَهُ يا عَلِيُّ إِخوانُكَ كُلُّ طاوٍ وَ باكٍ مُجتَهِدٍ يُحِبُّ فِيكَ وَ يُبغِضُ فِيكَ، مُحتَقَرٌ عِندَ الخَلقِ، عَظِيمُ المَنزِلَةِ عِندَ اللهِ تَعالَى يا عَلِيُّ مُحِبُّوكَ جِيرَانُ اللهِ فِي دَارِ الفِردَوسِ لَا يَأسَفُونَ عَلَى مَا خَلَّفُوا فِي دَارِ الدُّنيا يا عَلِيُّ أَنا وَلِيُّ مَن

وَالَیتَ وَ أَنَا عَدُوٌّ لِمَن عَادَیتَ یَا عَلِیُّ إِخوَانُكَ الذُّبلُ الشِّفَاهُ تُعرَفُ الرَّهبَانِیَّةُ فِی وُجُوهِهِم یَا عَلِیُّ إِخوَانُكَ یَفرَحُونَ فِی ثَلَاثِ مَوَاطِنَ: عِندَ المَوتِ وَ خُرُوجِ أَنفُسِهِم وَ أَنَا وَ أَنتَ شَاهِدُهُم، وَ عِندَ المَسأَلَةِ فِی قُبُورِهِم، وَ عِندَ العَرضِ وَ الصِّرَاطِ إِذَا سُئِلَ الخَلقُ عَن إِیمَانِهِم فَلَم یُجِیبُوا.

حسن پسر ابراهیم روایت کرده است: حضرت علی علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! خداوند ـ تبارک و تعالی ـ دوستی و محبت بینوایان و مستضعفان در زمین را به تو بخشیده است. من به برادری با آن‌ها راضی شدم و به امامت تو خشنود شدند. پس خوشا به حال کسی که تو را دوست می‌دارد و تصدیقت می‌کند و وای بر کسی که با تو دشمن است و تکذیبت می‌کند. ای علی! تو راهنمای این امّتی، هر که تو را دوست بدارد، رستگار می‌شود و هر که به تو کینه ورزد، هلاک می‌شود. ای علی! من شهر علم هستم و تو دروازهٔ آن و آیا جز از راه دروازه به شهر وارد می‌شوند؟ ای علی! اهل مودت و دوستی تو کسی است که بسیار توبه کننده به درگاه الهی و بسیار نگه‌دارندهٔ نفس است و لباس‌های مندرس دارد. ولی اگر خداوند را برای امری سوگند دهد، خداوند سوگندش را می‌پذیرد. ای علی! برادران تو همگی از بدی‌ها پاک و پاکیزه‌اند و اهل تلاش و کوشش در کار خیرند. در راه تو دوستی می‌کنند و در راه تو دشمنی می‌کنند. پیش مردم بی‌مقدارند و نزد خداوند منزلتی بزرگ دارند. ای علی! دوستان تو همسایگان خداوند در فردوس برین هستند که بر آن‌چه از دنیا به جا گذاشته‌اند، افسوس نمی‌خورند. ای علی! من دوست کسی هستم که تو او را دوست داری و دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی. ای علی! برادران تو لب‌هایشان خشکیده و بی‌رغبتی نسبت به دنیا در چهره‌هایشان هویداست. ای علی! برادران تو در سه جا شاد می‌شوند؛ هنگام مرگ و جدا شدن روح از بدن‌هایشان و این در حالی است که من و تو ناظر بر آنانیم و هنگام سؤال و جواب در قبر و موقع عرضهٔ اعمال و گذشتن از پل صراط به آن هنگام که از

دیگر مردم در مورد ایمانشان سؤال می‌شود و قادر به جواب دادن نیستند.

يَا عَلِيُّ حَرْبُكَ حَرْبِي وَ سِلْمُكَ سِلْمِي وَ حِزْبُكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللهِ يَا عَلِيُّ قُلْ لِإِخْوَانِكَ إِنَّ اللهَ قَدْ رَضِيَ عَنْهُمْ إِذْ رَضِيَكَ لَهُمْ قَائِدًا وَ رَضُوا بِكَ وَلِيًّا يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ الْمُنْتَجَبُونَ وَ لَوْ لَا أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ مَا قَامَ لِلهِ دِينٌ وَ لَوْ لَا مَنْ فِي الْأَرْضِ مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَةً يَا عَلِيُّ لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ ذُو قَرْنَيْهَا وَ شِيعَتُكَ تُعْرَفُ بِحِزْبِ اللهِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ الْقَائِمُونَ بِالْقِسْطِ وَ خِيَرَةُ اللهِ مِنْ خَلْقِهِ يَا عَلِيُّ أَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْفُضُ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِهِ وَ أَنْتَ مَعِي ثُمَّ سَائِرُ الْخَلْقِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ عَلَى الْحَوْضِ تَسْقُونَ مَنْ رَضِيتُمْ وَ تَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ وَ أَنْتُمُ الْآمِنُونَ يَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ، يَفْزَعُ الْخَلَائِقُ وَ لَا يَفْزَعُونَ وَ يَحْزَنُ النَّاسُ وَ لَا يَحْزَنُونَ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿ **وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ**[1] ﴾ ﴿ **إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنىٰ** ﴾ إِلَى ثَلَاثِ آيَاتٍ يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ تُطْلَبُونَ فِي الْمَوْقِفِ وَ أَنْتُمْ فِي الْجِنَانِ مُتَنَعِّمُونَ يَا عَلِيُّ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ وَ الْخُزَّانَ يَشْتَاقُونَ إِلَيْكُمْ وَ إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ الْمَلَائِكَةَ لَيَخُصُّونَكُمْ بِالدُّعَاءِ وَ يَسْأَلُونَ اللهَ لِمُحِبِّيكُمْ وَ يَفْرَحُونَ بِمَنْ قَدِمَ عَلَيْهِمْ مِنْكُمْ كَمَا يَفْرَحُ الْأَهْلُ بِالْغَائِبِ الْقَادِمِ بَعْدَ طُولِ الْغَيْبَةِ.

ای علی! جنگ با تو جنگ با من و صلح تو صلح با من است و حزب تو حزب من و حزب من حزب خداست. ای علی! به برادرانت بگو خداوند از آن‌ها راضی شد؛ زیرا به پیشوایی تو بر آن‌ها رضایت داد و آن‌ها نیز به ولایت تو راضی شدند. ای علی! تو امیرمؤمنان و پیشوای روسفیدانی. ای علی! شیعیان تو برگزیدگان‌اند. اگر تو و شیعیانت نبودید، دینی برای خدا برپا نمی‌شد و اگر شیعیان تو در زمین نبودند، آسمان قطره‌ای فرو نمی‌فرستاد. ای علی! برای تو گنجی در بهشت است و تو صاحب آن هستی و شیعیان تو به حزب خدا شناخته می‌شوند. ای علی! تو و شیعیانت قیام‌کننده به عدل و داد هستید و

---

۱. نمل، ۸۹.

برگزیدگان خدا از میان خلق اوپید. ای علی! من نخستین کسی هستم که از قبر بیرون می‌آیم؛ در حالی‌که تو با من هستی و سپس دیگر آفریدگان از قبرهایشان بیرون می‌آیند. ای علی! تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر هر کس را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و دشمنانتان را باز می‌دارید. شما روز ترس بزرگ به زیر سایهٔ عرش در امانید، مردم می‌هراسند و شما نمی‌هراسید، مردم اندوهگین می‌شوند و شما اندوهناک نمی‌شوید، این آیه دربارهٔ شما نازل شده است: «و آنان در آن روز از هراس ایمن هستند.» و آیه دیگر که خداوند می‌فرماید: «به راستی کسانی که به توفیق ما در نیکی‌ها پیشی گرفتند، از آن (دوزخ) دورند.» ای علی! در آن جایگاه به دنبال تو و شیعیانت می‌گردند و حال آن‌که شما در بهشت از نعمت‌های الهی بهره‌مندید. ای علی! فرشتگان و نگاهبانان بهشت، مشتاق شما هستند و حاملان عرش و فرشتگان، به گونه‌ای ویژه، برای شما دعا می‌کنند و برای دوستان شما از خدا درخواست می‌کنند. وقتی یکی از شیعیان تو بر فرشتگان وارد می‌شود، آن‌گونه شاد و خوشحال می‌شوند که اهل خانواده با آمدن مسافرشان که مدت‌های مدیدی از بین آن‌ها رفته، شادمان می‌گردند.

يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ الَّذِينَ يَتَنَافَسُونَ فِي الدَّرَجَاتِ لِأَنَّهُم يَلقَونَ اللهَ وَ مَا عَلَيهِم مِن ذَنبٍ يَا عَلِيُّ إِنَّ أَعمَالَ شِيعَتِكَ سَتُعرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فَأَفرَحُ بِصَالِحِ مَا يَبلُغُنِي مِن أَعمَالِهِم وَ أَستَغفِرُ لِسَيِّئَاتِهِم يَا عَلِيُّ ذِكرُكَ فِي التَّورَاةِ وَ ذِكرُ شِيعَتِكَ قَبلَ أَن يُخلَقُوا بِكُلِّ خَيرٍ وَ كَذَلِكَ فِي الإِنجِيلِ وَ أَهلِ الكِتَابِ عَنِ الِيَا يُخبِرُونَكَ مَعَ عِلمِكَ بِالتَّورَاةِ وَ الإِنجِيلِ وَ مَا أَعطَاكَ اللهُ مِن عِلمِ الكِتَابِ وَ إِنَّ أَهلَ الإِنجِيلِ لَيَعظِّمُونَ اِلِيَا وَ مَا يَعرِفُونَهُ يُخبِرُونَهُ فِي كُتُبِهِم يَا عَلِيُّ أَعلِم أَصحَابَكَ أَنَّ ذِكرَهُم فِي السَّمَاءِ أَكثَرُ وَ أَعظَمُ مِن ذِكرِهِم فِي الأَرضِ لَهُم بِالخَيرِ فَليَفرَحُوا بِذَلِكَ وَ لِيَزدَادُوا اِجتِهَادًا يَا عَلِيُّ إِنَّ أَروَاحَ شِيعَتِكَ لَتَصعَدُ إِلَى السَّمَاءِ فِي رُقَادِهِم فَيَنظُرُ المَلَائِكَةُ إِلَيهِم كَمَا يَنظُرُ النَّاسُ إِلَى الهِلَالِ شَوقًا إِلَيهِم وَ مَا

يَرونَ مِن مَنزِلَتِهِم عِندَ اللهِ تَعالَى يَا عَلِيُّ قُل لِأَصحابِكَ العارِفِينَ بِكَ يَتَنَزَّهُونَ عَنِ الأَعمالِ الَّتِي يُقارِفُها عَدُوُّهُم فَمَا مِن يَومٍ وَ لَيلَةٍ إِلّا وَ رَحمَةُ اللهِ تَغشاهُم فَليَجتَنِبُوا الدَّنَسَ يَا عَلِيُّ اشتَدَّ غَضَبُ اللهِ عَلَى مَن قَلاهُم وَ بَرِئَ مِنكَ وَ مِنهُم وَ استَبدَلَ بِكَ وَ بِهِم وَ مَالَ إِلَى عَدُوِّكَ وَ تَرَكَكَ وَ شِيعَتَكَ وَ اختارَ الضَّلالَةَ وَ نَصَبَ الحَربَ لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ وَ أَبغَضَنا أَهلَ البَيتِ وَ أَبغَضَ مَن وَالاكَ وَ نَصَرَكَ وَ بَذَلَ مُهجَتَهُ وَ مَا لَهُ فِينا.

ای علی! شیعیان تو کسانی هستند که در کسب درجات بهشت با یکدیگر رقابت دارند؛ زیرا آن‌ها در حالی خدا را ملاقات می‌کنند که هیچ گناهی ندارند. ای علی! در هر روز جمعه اعمال شیعیانت بر من عرضه می‌شود، خبر کردار نیکشان مرا خوشحال می‌کند و برای گناهانشان آمرزش می‌طلبم. ای علی! ذکر تو و شیعیانت پیش از آن‌که آفریده شوند، در تورات و نیز در انجیل با تمامی نیکی‌ها آمده است. اهل کتاب تو را خبر می‌دهند با این‌که علم به تورات و انجیل و آن‌چه خداوند از علم کتاب تو را عطا کرده، نزد توست. اهل انجیل ایلیا را گرامی می‌دارند و آن‌چه را در کتاب‌هایشان از او می‌دانند، به او خبر می‌دهند. ای علی! یارانت را آگاه ساز که ذکر آنان در آسمان بیشتر و باشکوه‌تر از ذکر ایشان در زمین است و این سراسر برایشان نیکی است. پس باید به این مژده خوشحال باشند و بر کوشش خویش بیفزایند. ای علی! هنگامی که شیعیان تو به خواب می‌روند، ارواحشان به آسمان بالا می‌رود و به سبب مقام و منزلتی که در پیشگاه خدا دارند، فرشتگان مشتاقانه به آن‌ها می‌نگرند، همان‌گونه که مردم به هلال ماه می‌نگرند. ای علی! به یارانت که مقام تو را می‌شناسند، بگو از رفتاری که دشمنانشان انجام می‌دهند پرهیز کنند؛ زیرا شبانه‌روز رحمت خداوند آن‌ها را فرا می‌گیرد، پس باید از پلیدی دوری نمایند. ای علی! خشم و غضب خداوند سخت است بر کسی که با شیعیان تو دشمنی کند و از تو و شیعیانت بیزاری جوید و به جای تو و پیروانت دیگران را بدل گیرد و به دشمنانت بگرود و تو و پیروانت را واگذارد و گمراهی و ضلالت

را برگزیند و بر ضدّ تو و شیعیانت جنگ برافروزد و نسبت به ما اهل بیت و نسبت به هر کسی که تو را دوست دارد و یاری می‌کند و جان و مالش را در راه ما می‌دهد، بغض و کینه ورزد.

یَا عَلِیُّ أَقرِءهُم مِنِّی السَّلَامَ مَن لَم أَرَهُ مِنهُم وَ لَم یَرَنِی فَاعلِمهُم أَنَّهُم إِخوَانِی وَ أَشتَاقُ إِلَی رُؤیَتِهِم الَّذِینَ یَتَمَسَّکُونَ بِحَبلِ اللهِ وَ لیَعتَصِمُوا بِهِ وَ لیَجتَهِدُوا فِی العَمَلِ، فَإِنَّا لَا نُخرِجُهُم مِنَ الهُدَی إِلَی ضَلَالَةٍ أَبَدًا، وَ أَخبِرهُم أَنَّ اللهَ تَعَالَی عَنهُم رَاضٍ وَ أَنَّهُم یُبَاهِی بِهِمُ المَلَائِکَةُ وَ یَنظُرُ إِلَیهِم فِی کُلِّ جُمُعَةٍ بِرَحمَتِهِ وَ بِأَنَّ المَلَائِکَةَ تَستَغفِرُ لَهُم.

یَا عَلِیُّ لَا تَرغَب عَن نُصرَةِ قَوم یَبلُغُهُم أَو یَسمَعُونَ أَنِّی اُحِبُّكَ فَأَحَبُّوكَ بِحُبِّی إِیَّاكَ وَ دَانُوا إِلَی اللهِ بِمَوَدَّتِكَ، وَ أَعطَوا صَفوَ المَوَدَّةِ مِن قُلُوبِهِم وَ اختَارُوكَ عَلَی الآبَاءِ وَ الأَولَادِ وَ سَلَکُوا طَرِیقَكَ وَ قَد حُمِّلُوا عَلَی المَکَارِهِ فِینَا فَأَبَوا إِلَّا نَصرَنَا وَ بَذَلُوا المُهَجَ فِینَا مَعَ الأَذَی وَ سُوءِ القَولِ وَ مَا یَستَذِلُّونَ بِهِ مِن مَضَاضَةِ ذَلِكَ فَکُن بِهِم رَحِیمًا وَ اقنَع بِهِم فَإِنَّ اللهَ عَزَّ إِختَارَهُم لَنَا بِعِلمِهِ مِنَ الخَلقِ وَ خَلَقَهُم مِن طِینَتِنَا وَ استَودَعَهُم سِرَّنَا وَ أَلزَمَ قُلُوبَهُم مَعرِفَةَ حَقِّنَا وَ شَرَحَ صُدُورَهُم وَ جَعَلَهُم یَتَمَسَّکُونَ بِحَبلِنَا لَا یُؤثِرُونَ عَلَینَا مَن خَالَفَنَا مَعَ مَا یَزُولُ مِنَ الدُّنیَا عَنهُم وَ مَیلِ السُّلطَانِ عَلَیهِم بِالمَکَارِهِ، أَیَّدَهُمُ اللهُ وَ سَلَكَ بِهِم طَرِیقَ الهُدَی فَاعتَصَمُوا بِهِ وَالنَّاسُ فِی عَمًی مِنَ الضَّلَالَةِ مُتَخَبِّطِینَ فِی الأَهوَاءِ عَمًی عَنِ الحُجَّةِ وَ عَمَّا جَاءَ مِن عِندِ اللهِ فَهُم یُصبِحُونَ وَ یُمسُونَ فِی سَخَطِ اللهِ وَ شِیعَتُكَ عَلَی مِنهَاجِ الحَقِّ وَ الإِستِقَامَةِ لَا یَستَوحِشُونَ إِلَی مَن خَالَفَهُم لَیسَ الرِّیَاءُ مِنهُم وَ لَیسُوا مِنهُ أُولَئِكَ مَصَابِیحُ الدُّجَی.

ای علی! سلام مرا به شیعیانت برسان، کسانی که نه من آن‌ها را دیده‌ام و نه آن‌ها مرا دیده‌اند و به آن‌ها خبر بده که ایشان برادران من‌اند و مشتاق دیدارشان هستم. آن‌هایی که به ریسمان الهی تمسک می‌جویند، باید به آن چنگ زنند و در انجام کارهای نیک بکوشند؛ زیرا ما آن‌ها را هرگز از هدایت به راه گمراهی و ضلالت بیرون نمی‌بریم. همچنین به آن‌ها خبر ده که خداوند از آن‌ها خرسند

است و به وجود آنان بر فرشتگان مباهات می‌کند و در روزهای جمعه با نظر رحمت به آن‌ها می‌نگرد و فرشتگان برای آن‌ها آمرزش می‌طلبند. ای علی! روی برنَتاب از یاری و نصرت گروهی که وقتی به آن‌ها خبر می‌رسد و می‌شنوند که من تو را دوست دارم؛ به خاطر محبت من نسبت به تو، تو را دوست می‌دارند و با دوستی تو به خدا نزدیک می‌شوند و محبت قلبی و خالصانه خویش را به تو ارزانی می‌دارند و تو را بر پدران و فرزندان خویش برمی‌گزینند و راه تو را می‌روند و در راه دوستی و محبت ما سختی‌ها به آن‌ها تحمیل می‌شود، ولی آنان جز یاری ما و ایثار خونشان در راه ما از هر کار دیگری با وجود آزار و اذیت‌هایی که می‌کشند و سخنان بدی که می‌شنوند و رنج و مشقت‌هایی که از درد این مصیبت می‌برند، سر باز می‌زنند. پس نسبت به آن‌ها مهربان باش و به آنان قناعت کن؛ زیرا خداوند آن‌ها را برای ما با علم خود از میان مردم برگزیده و ایشان را از سرشت ما آفریده و اسرار ما را نزد آن‌ها ودیعه نهاده و شناخت حقّ ما را در قلبشان ثابت و استوار ساخته و سینه‌هایشان را فراخ نموده و آن‌ها را متمسّک به ریسمان ولایت ما قرار داده است. آن‌ها مخالفان ما را بر ما برنمی‌گزینند؛ هرچند این سبب شود منافع دنیا را از دست بدهند و پادشاهان به اذیت و آزار آن‌ها رو آورند. خداوند آن‌ها را تأیید فرماید و به راه هدایت واردشان کند. همان هدایتی که به آن چنگ زدند؛ درحالی‌که مردم درگمراهی به سر می‌بردند و در هواهای نفسانی حیران بودند و از دیدن راه حق و آن‌چه از نزد خدا آمده بود، کور بودند. مردم در خشم و ناخشنودی خداوند شب را به روز و صبح را به شب می‌رسانند و حال آن‌که شیعیان تو در راه روشن حق و پایداری بر آن ثابت و استوارند و از کسانی‌که با آن‌ها مخالفند، نمی‌ترسند. ریا از آن‌ها نیست و آن‌ها نیز از ریا نیستند؛ اینان همان چراغ‌های درخشان در تاریکی‌اند.

۲۳۹. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِذَا كَانَ یَومُ القِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ غُضُّوا أَبصَارَكُم حَتَّی تَمُرَّ بِنتُ حَبِیبِ اللهِ إِلَی قَصرِهَا فَاطِمَةُ ؑ ابنَتِی وَ عَلَیهَا رَیطَتَانِ خَضرَاوَانِ حَوَالَیهَا سَبعُونَ أَلفَ حَورَاءَ فَإِذَا بَلَغَت إِلَی بَابِ قَصرِهَا وَجَدَتِ الحَسَنَ قَائِمًا وَ الحُسَینَ نَائِمًا مَقطُوعَ الرَّأسِ فَتَقُولُ لِلحَسَنِ: مَن هَذَا؟ فَیَقُولُ: هَذَا أَخِی إِنَّ أُمَّةَ أَبِیكِ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأسَهُ، فَیَأتِیهَا النِّدَاءُ مِن عِندِ اللهِ یَا بِنتَ حَبِیبِ اللهِ إِنِّی إِنَّمَا أَرَیتُكِ مَا فَعَلَت بِهِ أُمَّةُ أَبِیكِ أَنِّی إِدَّخَرتُ لَكِ عِندِی تَعزِیَةً بِمُصِیبَتِكِ فِیهِ وَ إِنِّی جَعَلتُ تَعزِیَتَكِ الیَومَ أَنِّی لَا أَنظُرُ فِی مُحَاسَبَةِ العِبَادِ حَتَّی تَدخُلِی الجَنَّةَ أَنتِ وَ ذُرِّیَّتُكِ وَ شِیعَتُكِ وَ مَن أَولَاكُم مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِكِ قَبلَ أَن أَنظُرَ فِی مُحَاسَبَةِ العِبَادِ، فَتَدخُلُ فَاطِمَةُ ابنَتِی الجَنَّةَ وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُهَا وَ مَن أَولَاهَا مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ مِن شِیعَتِهَا فَهُوَ قَولُ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: **﴿ لَا یَحْزُنُهُمُ الفَزَعُ الأَكْبَرُ ﴾** قَالَ: هَولُ یَومِ القِیَامَةِ **﴿ وَ هُمْ فِیمَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴾** هِیَ وَاللهِ فَاطِمَةُ وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُهَا وَ مَن وَالَاهُم مَعرُوفًا لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِهَا.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق ؑ به نقل از پدرشان و ایشان از پدران خویش فرمود: پیامبر ﷺ فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را گرد آورد، مرا به مقام محمود وعده می‌دهد و با این مقام به من وفا می‌کند. زمانی که روز قیامت برپا گردد، برای من منبری با هزار پله و نه همچون پله‌های شما برپا می‌شود و من از آن بالا می‌روم تا این‌که بر فراز آن می‌رسم. آن‌گاه جبرئیل ؑ بیرق حمد را برایم می‌آورد و آن را در دستان من قرار می‌دهد و می‌گوید: ای محمّد ﷺ! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. من نیز به علی ؑ می‌گویم: بالا بیا! و او پله‌ای پایین‌تر از من قرار می‌گیرد و من بیرق حمد را در دست او قرار می‌دهم. سپس رضوان با کلیدهای بهشت می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. سپس کلیدها را در دستان من قرار

می‌دهد و من آن‌ها را به علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌سپارم. سپس مالک، دربان دوزخ می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. این کلیدهای جهنم است، دشمن خود و فرزندان و امتّت را در آتش انداز. من آن‌ها را می‌گیرم و به علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌سپارم. جهنم و بهشت در آن روز برای من و علی از عروس برای شویش مطیع‌تر هستند. و این کلام خداوند تبارک و تعالی در کتابش است که فرمود: «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». ای محمّد! و ای علی! دشمنانتان را در آتش بیفکنید.

آن‌گاه من برمی‌خیزم و خداوند را چنان ثنا می‌گویم که هیچ کس پیش از من نگفته باشد و بعد از آن فرشتگان مقرّب را و سپس پیامبران مرسل را و سپس امّت‌های نیکوکار را ثنا می‌گویم و پس از آن می‌نشینم. آن‌گاه خداوند مرا ثنا می‌گوید و بعد از آن فرشتگانش و سپس پیامبرانش و سپس امّت‌های نیکوکار مرا ثنا می‌گویند. در آن دم ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای جماعت آفریدگان! چشم فروگیرید تا دختر حبیب خدا سوی قصرش گذر کند. در آن دم دخترم فاطمه علیها السلام در حالی که دو چادر سبز بر سر و هفتاد هزار پری سیاه‌چشم گرداگرد خود دارد، می‌گذرد و چون بر در قصر خویش می‌رسد، حسن علیه السلام را بر پا و حسین علیه السلام را درازکش و سر بریده می‌بیند. آن‌گاه به حسن علیه السلام می‌گوید: این کیست؟ می‌گوید: این برادرم است که امّت پدرت او را کشتند و سرش را بریدند. در آن هنگام ندایی از جانب خداوند به او می‌رسد که ای دختر حبیب خدا! من آن‌چه را امّت پدرت با او کردند، نشانت دادم؛ چراکه از پیش به خاطر مصیبتی که در او دیدی، تسلیتی برایت نزد خود گذاشته‌ام و آن این‌که بر حساب بندگانم نمی‌نگرم تا تو و فرزندانت و شیعیانت و هر آن‌که از غیر شیعیانت به تو نیکی کرده به بهشت درآیید. آن‌گاه دخترم فاطمه علیها السلام و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیر شیعیانش به او نیکی

کرده، به بهشت در می‌آیند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «وحشت بزرگ آن‌ها را اندوهگین نمی‌کند.» در روز قیامت، «و آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودانه متنعّم خواهند بود.» به خدا سوگند آنان فاطمه علیها السلام و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیرشیعیانش به او نیکی کرده می‌باشند.



وَ مِن سُورَةِ الحَجِّ

(سورهٔ حج، آیهٔ ۱۹، ۲۱، ۲۳ و ۲۴)

﴿ هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اخْتَصَمُوا في رَبِّهِمْ فَالَّذينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابُ مِنْ نٰارٍ وَ ذُوقُوا عَذٰابَ الْحَريقِ * إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ جنّاتٍ تجرى من تَحتِها الانهارُ وَ هُدُوا إِلىٰ صِرٰاطِ الْحَميدِ ﴾

این دو [گروه مؤمن و کافر] دشمن یکدیگرند که دربارهٔ پروردگارشان با هم مجادله کردند، پس کسانی که کافر شدند، برای آنان لباس‌هایی از آتش بریده شده است... و [به آن‌ها گویند:] بچشید عذاب سوزان را. مسلماً خدا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند به بهشت‌هایی در می‌آورد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و به راه ستوده رهنمون می‌گردند.

۲۴۰. عَنِ السُّدِّيِّ قَالَ: ﴿ هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اخْتَصَمُوا في رَبِّهِمْ ﴾ الآيَتَينِ نَزَلَت فِي عَلِيٍّ وَ حَمزَةَ وَ عُبَيدَةَبنِ الحَارِثِ وَ فِي عُتبَةَبنِ رَبِيعَةِ وَ الوَلِيدِبنِ عُتبَةِ وَ شَيبَةَبنِ رَبِيعَةِ بَارَزَهُم يومَ بَدرٍ عَلِيٌّ وَ حَمزَةُ وَ عُبَيدَةُبنُ الحَارِثِ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: هَؤُلاءِ الثَّلاثَةُ يَومَ القِيَامَةِ كَوَاسِطَةِ القِلادَةِ فِي المُؤمِنِينَ وَ هَؤُلاءِ الثَّلاثَةُ كَوَاسِطَةِ القِلادَةِ فِي الكُفَّارِ.

سدی گفت: این دو آیه دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام و حمزه و عبیدةبن حارث و دربارهٔ عتبةبن ربیعه و ولیدبن عتبه و شیبةبن ربیعه نازل شد که در روز بدر حضرت علی علیه‌السلام و حمزه و عبیده با آنان مبارزه کردند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این سه تن در روز قیامت همچون گوهر گردنبند در میان مسلمانان هستند و آن سه تن همچون قلاده در میان کافران.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۲۷)

﴿ وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ﴾

در میان مردم برای [انجام مراسم] حج بانگ برآور.

۲۴۱. قَالَ: حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا: عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً ﴾ قَالَ: فَأَسمَعَ مَن فِی أَصلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرحَامِ النِّسَاءِ فَأَجَابَهُ مَن آمَنَ وَ مَن سَبَقَ فِی عِلمِ اللهِ أَنَّهُ يَحُجُّ إِلَی يَومِ القِيَامَةِ لَبَّيكَ اللَّهُمَّ لَبَّيكَ.

حسین بن سعید روایت کرده است: ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: آنان که در پشت‌های پدران و رحم‌های مادران بودند، شنیدند و آن‌هایی که ایمان آوردند و در علم خداوند از پیش گذشته بود که تا روز قیامت حج می‌گزارند، پاسخ دادند: لبّیک اللّهمّ لبّیک.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۰)

﴿ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ﴾

آنانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [گناهی نداشتند]
جز این‌که گفتند: پروردگار ما خداست.

۲۴۲. قَالَ: حَدَّثَنِی عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِ بنِ عُمَرَ الزُّهرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام فِی قَولِ اللهِ: ﴿ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاَّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللهُ ﴾ عَلِيٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ

وَجَعفَرُ وَ حَمزَةُ عليهما السلام.

علی بن محمّد بن عمر زهری روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام جعفر و حمزه است.

۲۴۳. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ بنِ عَبِيدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيٰارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاّٰ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللّٰهُ** ﴾ قَالَ: نَزَلَ فِی عَلِیٍّ وَ جَعفَرٍ وَ حَمزَةَ وَ جَرَت فِی الحُسَينِ بنِ عَلِیٍّ عليهما السلام و التَّحِيَّةُ و الإكرَامُ.

محمّد بن قاسم بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: این آیه با تحیّت و اکرام دربارهٔ امام علی علیه السلام و جعفر و حمزه نازل شد و در مورد امام حسین علیه السلام نیز جاری گشت.

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۱)

﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ﴾

[همان] کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند.

۲۴۴. قَالَ: حَدَّثَنَا فُراتُ عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ عليهما السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ** ﴾ الآيَةِ قَالَ: فِينَا وَاللهِ نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ.

فرات گفت: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: به خدا سوگند این آیه دربارهٔ ما نازل شد.

۲۴۵. عَن أَبِی خَلِيفَةَ قَالَ: دَخَلتُ أَنَا وَ أَبُو عُبَيدَةَ الحَذَّاءِ عَلَی أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: يَا جَارِيَةُ هَلُمِّی بِمِرفَقَةٍ. قُلتُ: بَل نَجلِسُ. قَالَ: يَا أَبَا خَلِيفَةِ لا تَرُدُّ الكِرَامَةَ لِأَنَّ الكِرَامَةَ لا يَرُدُّهَا إِلَّا حِمَارٌ. قُلتُ: كَيفَ لَنَا بِصَاحِبِ هَذَا الأَمرِ حَتَّی نَعرِفَ قَالَ: فَقَالَ قَولَ اللهِ: ﴿ **الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّٰاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقٰامُوا الصَّلاٰةَ وَ آتَوُا الزَّكٰاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ** ﴾ إِذَا

رَأَیتَ هَذَا الرَّجُلَ مِنَّا فَاتَّبِعهُ فَإِنَّهُ هُوَ صَاحِبُهُ.

ابو خلیفه گفت: من و ابو عبیده حذّاء خدمت امام محمّد باقر علیه السلام رسیدیم. ایشان فرمود: ای کنیز! بالش بیاور. عرض کردم: نه؛ می‌نشینم. فرمود: ای ابو خلیفه! احترام را رد مکن که تنها حمار احترام را رد می‌کند! عرض کردم: صاحب این امر چگونه بر ما پدید می‌آید تا او را بشناسیم؟ فرمود: کلام خداوند متعال: «کسانی‌که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند». چون چنین مردی را از ما دیدی، او را پیروی کن که او صاحب امر است.

۲۴۶. عَن زَیدِ بنِ عَلِیٍّ قَالَ: إِذَا قَامَ القَائِمُ مِن آلِ مُحَمَّدٍ یَقُولُ: یَا أَیُّهَا النَّاسُ نَحنُ الَّذِینَ وَعَدَکُمُ اللهُ فِی کِتَابِهِ: ﴿**الَّذِینَ إِنْ مَکَّنَّاهُمْ فِي الأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلاَةَ وَ آتَوُا الزَّکَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلّٰهِ عَاقِبَةُ الأُمُورِ**﴾.

زیدبن علی گفت: هنگامی که قائم آل محمّد علیه السلام قیام کند، می‌فرماید: ای مردم! ما همان کسانی هستیم که خداوند در کتابش به شما وعده داد: «کسانی که اگر در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کار نیک امر می‌کنند و از کار بد باز می‌دارند. سرانجام کارها از آنِ خداست.»

(سورهٔ حج، آیهٔ ۴۵)

﴿وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ﴾

و [چه بسیار] چاه‌های رها شده و کاخ‌های بلند گچ‌کاری شده [که بی‌صاحب مانده است].

۲۴۷. قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَولِ اللهِ: ﴿**وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ**﴾ قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله القَصرُ، وَ البِئرُ المُعَطَّلَةِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

فـرات روايت كـرده است: امـام جـعفر صـادق ﷺ دربـارهٔ ايـن آيـه فـرمود: رسول‌خدا ﷺ كاخ‌هاى بلند گچ‌كارى شده و على بن ابى‌طالب ﷺ چـاه رهـا شده است.

(سورهٔ حج، آيهٔ ۷۳)

﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾

اى مردم! مثلى زده شده به آن گوش فرادهيد.

۲۴۸. قَالَ: حَدَّثَنِى عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عمرَ الزُّهرِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِى‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِى قَولِهِ: ﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ﴾ قَالَ: عَلِيُّ‌بنُ أَبِى‌طالِبٍ ﷺ ﴿ إِنَّ الَّذِينَ تَـدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبٰابًا ﴾.

على بن محمّد بن زهرى روايت كرده است: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: «اى مردم! مثلى زده شده به آن گوش فرادهيد» [منظور از مثلى كه بايد به آن گوش داده شود و اطاعت شود] على بن ابى‌طالب ﷺ است. «بى‌گمان كسانى را كه به جاى خدا مى‌خوانيد، هرگز مگسى نمى‌آفرينند.»

(سورهٔ حج، آيهٔ ۷۷ ـ ۷۸)

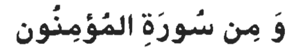
﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَ جٰاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهٰادِهِ هُوَ اجْتَبٰاكُمْ وَ مٰا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمّٰاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هٰذٰا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ ﴾

اى كسانى‌كه ايمان آورده‌ايد! ركوع كنيد و سجده نماييد و پروردگارتان را بپرستيد و كار خوب انجام دهيد، باشد كه رستگار شويد. و در راه خـدا

آن‌گونه که سزاوار جهاد است، جهاد کنید. او شما را برگزیده است و در دین هیچ تنگی بر شما قرار نداده است. آیین پدرتان إبرَاهِیم [را پیروی کنید] او پیش از این شما را مسلمان نامیده است و در این [قرآن نیز به این نام نامیده شده‌اید] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید.

۲۴۹. عَن بَرِیدٍ قَالَ کُنتُ عِندَ أَبِی جعفرٍ عليه السلام فَسَأَلتُهُ وَ قُلتُ: قَولِهِ تَعَالَی ﴿ **يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** ﴾ إِلَی آخِرِ السُّورَةِ. قَالَ: إِیَّانَا عَنَّی وَ نَحنُ المُجتَبُونَ وَلَم یَجعَل عَلَینَا فِی الدِّینِ مِن ضَیقٍ وَ الحَرَجِ أَشَدُّ مِنَ الضِّیقِ ﴿ **مِلَّةِ أَبِيكُم** ﴾ إِیَّانَا عَنَّی خَاصَّةً ﴿ **هُوَ سَمّاكُمُ الْمُسْلِمينَ** ﴾ سَمَّانَا المُسلِمینَ ﴿ **مِنْ قَبْلُ** ﴾ فِی الکُتُبِ الَّتِی مَضَت وَ ﴿ **فِي هَذَا** ﴾ القُرآنِ ﴿ **لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهيدًا** ﴾ فَالرَّسُولُ الشَّهِیدُ عَلَینَا وَ نَحنُ الشُّهَدَاءُ عَلَی النَّاسِ، فَمَن صَدَّقَ یَومَ القِیَامَةِ صَدَّقنَاهُ وَ مَن کَذَّبَ کَذَّبنَاهُ یَومَ القِیَامَةِ.

برید گفت: خدمت امام محمّد باقر عليه السلام بودم و از ایشان دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: ما را منظور دارد و ما برگزیده‌شدگانیم و بر ما در دین هیچ تنگی و دشواری قرار نداده که سخت‌تر از تنگی «آیین پدرتان» باشد؛ به طوری خاص ما را منظور دارد؛ «او شما را مسلمان نامیده است» ما را مسلمان نامیده است «پیش از این» در کتاب‌هایی که گذشت و «در این» قرآن «تا این پیامبر بر شما گواه باشد» پیامبر بر ما گواه است و ما بر مردم گواهیم، هر که تصدیق کند، در روز قیامت او را تصدیق می‌کنیم و هر که تکذیب کند، در روز قیامت او را تکذیب می‌کنیم.

وَ مِن سُورَةِ المُؤمِنُون

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۵۱)

﴿ يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّباتِ ﴾

ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید.

۲۵۰. عَن أَبی‌مَریمَ قَالَ: سَمِعتُ أَبانَ‌بنَ تَغلِبَ قَالَ سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّباتِ ﴾ قَالَ: الرِّزقُ الحَلالِ.

ابی‌مریم گفت: از ابان‌بن تغلب شنیدم که گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: منظور رزق حلال است.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۵۷ ـ ۶۱)

﴿ إِنَّ الَّذينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ * وَ الَّذينَ هُمْ بِآياتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ * وَ الَّذينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لا يُشْرِكُونَ * وَ الَّذينَ يُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ راجِعُونَ * أُولٰئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ ﴾

بی‌تردید آنانی که از ترس پروردگارشان بیمناک‌اند. و آنانی که به

نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند. و آنانی که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند. و آنانی که [از مال و جانشان] آن‌چه را [که پیش از این] می‌دادند، [هم‌اکنون نیز] می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است از این‌که آن‌ها به سوی پروردگارشان باز می‌گردند. این‌ها هستند که در خوبی‌ها می‌شتابند و این‌ها هستند که در انجام آن بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.

۲۵۱. عَن أَبِی‌الجَارودِ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ ﷺ عَن قَولِ اللهِ سُبحَانَه: ﴿ وَ الَّذينَ يُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ راجِعُونَ ﴾ يَقُولُ: يُعطُونَ مَا أَعطَوا وَ قُلُوبُهُم وَجِلَةٌ ﴿ أُولٰئِكَ يُسارِعُونَ فِي الْخَيْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ ﴾ عَلِيُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ ﷺ لَم يَسبِقهُ أَحَدٌ.

ابی‌جارود گفت: از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و آنانی که [از مال و جانشان] آن‌چه را [که پیش از این] می‌دادند، [هم‌اکنون نیز] می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است از این‌که آن‌ها به سوی پروردگارشان باز می‌گردند» پرسیدم. ایشان فرمود: در مورد کسانی است که آن‌چه می‌دادند هم‌اکنون نیز می‌دهند در حالی‌که دل‌هاشان ترسان است. «این‌ها هستند که در خوبی‌ها می‌شتابند و این‌ها هستند که در انجام آن بر یکدیگر پیشی می‌گیرند» حضرت علی ﷺ است که هیچ کس بر او پیشی نگرفته است.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۷۴)

﴿ وَ إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ ﴾

کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه [راست] منحرف‌اند.

۲۵۲. قَالَ: حَدَّثَنی عُبَیدُبنُ کَثِیرٍ عَن عَلِیٍّ ﷺ فِی قَولِهِ ﴿ وَ إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ ﴾ قَالَ: عَن وَلَایَتِه.

عبیدبن کثیر گفت: حضرت علی ﷺ فرمود: کسانی که از ولایت او منحرف‌اند.

(سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۹۳ ـ ۹۵)

﴿ قُلْ رَبِّ إِمّٰا تُرِيَنِّي مٰا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلاٰ تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ * وَ إِنّٰا عَلىٰ أَنْ نُرِيَكَ مٰا نَعِدُهُمْ لَقٰادِرُونَ ﴾

بگو: پروردگارا! اگر آن‌چه را [که از عذاب] به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایی. پروردگارا! پس مرا در میان آن گروه ستمکار قرار مده. و بی‌تردید ما توانا‌ییم بر این‌که آن‌چه را به آنان وعده می‌دهیم به تو بنماییم.

۲۵۳. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ قَالَ: أَخبَرَ جَبرَئِيلُ عليه السلام النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَنَّ أُمَّتَكَ سَيَختَلِفُونَ مِن بَعدِكَ فَأَوحَى اللهُ تَعَالَى إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: **﴿ قُلْ رَبِّ إِمّٰا تُرِيَنِّي مٰا يُوعَدُونَ * رَبِّ فَلاٰ تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظّٰالِمِينَ ﴾** قَالَ: أَصحَابُ الجَمَلِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَأَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ: **﴿ وَ إِنّٰا عَلىٰ أَنْ نُرِيَكَ مٰا نَعِدُهُمْ لَقٰادِرُونَ ﴾** فَلَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ جَعَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَا يَشُكُّ أَنَّه سَيُرَى ذَلِكَ.

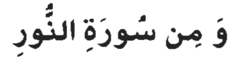
قَالَ جَابِرُ: بَينَما أَنَا جَالِسُ إِلَى جَنبِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ هُوَ بِمِنًى يَخطُبُ النَّاسَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ أَلَيسَ قَدبَلَّغتُكُم؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: أَلا لَا أَلقِيَنَّكُم تَرجِعُونَ بَعدِی كُفَّارًا يَضرِبُ بَعضُكُم رِقَابَ بَعضٍ، أَمَا لَئِن فَعَلتُم ذَلِكَ لَتَعرِفُنِّی فِی كَتِيبَةٍ أَضرِبُ وُجُوهَكُم فِيهَا بِالسَّيفِ. فَكَأَنَّهُ غُمِزَ مِن خَلفِهِ فَالتَفَّت ثُمَّ أَقبَلَ عَلَينَا فَقَالَ: أَو عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام فَانزَلَ اللهُ عَلَيهِ **﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ * أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنٰاهُمْ فَإِنّٰا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ[1] ﴾** وَ هِیَ وَقعَةُ الجَمَلِ.

جابر بن عبدالله گفت: جبرئیل به پیامبر صلى الله عليه وآله خبر داد که امت تو پس از تو اختلاف خواهند کرد. خداوند به او وحی کرد: «بگو: پروردگارا! اگر آن‌چه را [که از عذاب] به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایی. پروردگارا! پس مرا در میان آن گروه ستمکار قرار مده.» یعنی اصحاب جمل. پیامبر این بگفت و خداوند نازل کرد: «و بی‌تردید ما توانا‌ییم بر این‌که آن‌چه را به آنان وعده

---

۱. زخرف، ۴۲-۴۱

می‌دهیم به تو بنماییم.» چون این آیه نازل شد، پیامبر شک نداشت که به زودی آن را خواهد دید. جابر گفت: در آن هنگام که در منا در کنار پیامبر نشسته بودم و ایشان برای مردم خطبه می‌خواند، خدا را حمد و ثنا گفت و فرمود: ای مردم! آیا من به شما ابلاغ نکردم؟ عرض کردند: آری. فرمود: شما را چنین نیابم که پس از من به کفر برگردید و یکدیگر را گردن بزنید! آگاه باشید که اگر چنین کنید، مرا در لشکری خواهید دید که صورت‌های شما را با شمشیر می‌زنم. در آن دم گویی از پشت به ایشان اشاره شد؛ ایشان روی برگرداند و سپس رو سوی ما کرد و فرمود: و یا علی بن ابی‌طالب ﷺ را چنین خواهید دید. آن‌گاه خداوند بر ایشان نازل فرمود: «پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلماً ما از آنان انتقام می‌گیریم. یا آن‌چه را به آنان [از عذاب] وعده داده‌ایم، به تو نشان می‌دهیم به راستی ما بر آنان توانا‌ییم.» و در جنگ جمل چنین شد.

وَ مِن سُورَةِ النُّورِ

(سورهٔ نور، آیهٔ ۳۵ ـ ۳۶)

﴿ اللهُ نُورُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكٰاةٍ فيهٰا مِصْبٰاحٌ الْمِصْبٰاحُ في زُجٰاجَةٍ الزُّجٰاجَةُ كَأَنَّهٰا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبٰارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لاٰ شَرْقِيَّةٍ وَ لاٰ غَرْبِيَّةٍ يَكٰادُ زَيْتُهٰا يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نٰارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الأَمْثٰالَ لِلنّٰاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ * في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فيهٰا بِالْغُدُوِّ وَ الْآصٰالِ ﴾

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد، و آن چراغ در شیشه‌ای است، آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که از درخت با برکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود. نزدیک است روغنش [از درخشندگی] ـ هرچند آتشی بدان نرسیده است ـ روشنی بخشد، نوری است بر روی نور دیگر، خداوند هرکه را بخواهد به نورش هدایت می‌کند. و خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند، و خداوند به هر چیزی داناست. [آن چراغ] در خانه‌هایی است که خداوند اجازه داده [قدر و منزلت آن‌ها] رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود، در آن خانه‌ها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

۲۵۴. عَن جَابِرٍ قَالَ أَبُو جعفرٍ بَلَّغنَا وَاللهِ إعلم أَنَّ قَولَ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **اللهُ نُورُ السَّماٰواٰتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ** ﴾ فَهُوَ نُورُ مُحَمَّدٍ ﷺ ﴿ **كَمِشْكاٰةٍ** ﴾: المِشكَوةُ هُوَ صَدرُ نَبِيِّ اللهِ ﴿ **فيهاٰ مِصْباٰحٌ** ﴾ وَ هُوَ العِلمُ ﴿ **الْمِصْباٰحُ في زُجاٰجَةٍ** ﴾ فَزَعِمَ أَنَّ الزُّجَاجَةَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ عِلمُ رَسُولِ اللهِ ﷺ عِندَهُ، وَأَمَّا قَولُهُ: ﴿ **كَأَنَّهاٰ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُباٰرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لاٰ شَرْقِيَّةٍ وَ لاٰ غَرْبِيَّةٍ** ﴾ قَالَ: لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصرَانِيَّةٍ ﴿ **يَكاٰدُ زَيْتُهاٰ يُضيءُ** ﴾ قَالَ: يَكَادُ ذٰلِكَ العِلمُ أَن يَتَكَلَّمَ فِيكَ قَبلَ أَن يَنطِقَ بِهِ الرَّجُلُ ﴿ **وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ ناٰرٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ** ﴾ وَ زَعِمَ أَنَّ قَولَهُ: ﴿ **في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ** ﴾ هِيَ بُيُوتُ الأَنبياءِ وَ بَيتُ عَلِيٍّ ؑ مِنهَا.

جابر گفت: امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ کلام خداوند متعال چنین فرمود: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او» آن، نور حضرت محمّد ﷺ است «همچون چراغدانی است» چراغدان، سینهٔ پیامبر خداست «که در آن چراغی باشد» و آن، علم است «آن چراغ در شیشه‌ای است» آن شیشه، امیرمؤمنان ؑ است و علم رسول خدا ﷺ نزد اوست. و اما کلام حق تعالی «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که او درخت بابرکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود» یعنی نه یهودی و نه نصرانی «نزدیک است روغنش روشنی بخشد» نزدیک است آن علم پیش از آن‌که کسی به آن زبان گشاید، دربارهٔ تو سخن بگوید «هر چند آتشی بدان نرسیده است، نوری است بر روی نور دیگر» و کلام حق تعالی «در خانه‌هایی است که خداوند اجازه داده [قدر و منزلت آن‌ها] رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود» منظور، خانه‌های پیامبران است و خانهٔ علی ؑ از جمله آن‌هاست.

۲۵۵. قَالَ: حَدَّثَنِي جعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الفَزَارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ ؑ فِي قَولِهِ: ﴿ **اللهُ نُورُ السَّماٰواٰتِ وَ الأَرضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاٰةٍ فيهاٰ مِصْباٰحٌ** ﴾ الحَسَنُ مِصبَاحُ ﴿ **الْمِصْباٰحُ** ﴾ وَ الحُسَينُ فِي زُجَاجَةٍ ﴿ **الزُّجاٰجَةُ كَأَنَّهاٰ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ** ﴾ فَاطِمَةُ كَوكَبٌ دُرِّيٌّ مِن بَينِ نِسَاءِ

العَالَمِینَ ﴿ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَیْتُونَةٍ ﴾ إبرَاهِیمَ ﴿ لَا شَرْقِیَّةٍ وَ لَا غَرْبِیَّةٍ ﴾ یَعنِی لَا یَهُودِیَّةً وَ لَا نَصرَانِیةً ﴿ یَكَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ ﴾ یَكَادُ العِلمُ یَنبَعُ مِنهَا.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «خدا نور آسمان‌ها و زمین است مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد» امام حسن ﷺ چراغ است: «آن چراغ»، و امام حسین ﷺ همچون شیشه‌ای که «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است» فاطمه ﷺ ستاره درخشانی در بین تمام زنان دو عالم است «که از درخت بابرکت زیتون افروخته می‌شود» یعنی از حضرت ابراهیم ﷺ «نه شرقی است نه غربی» یعنی نه یهودی و نه نصرانی است. «نزدیک است روغنش، روشنی بخشد» نزدیک است علم از آن‌ها سرازیر گردد.

۲۵۶. عَنِ الحُسَینِ بنِ عَبدِ اللهِ بنِ جُندَبٍ قَالَ: خَرَجَ إِلَینَا صَحِیفَةٌ فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَى أَبِی الحَسَنِ ﷺ جُعِلتُ فِدَاكَ إِنِّی قَد كَبِرتُ وَ ضَعُفتُ وَ عَجَزتُ عَن كَثِیرٍ مِمَّا كُنتُ أَقوَى عَلَیهِ فَأُحِبُّ جُعِلتُ فِدَاكَ أَن تُعَلِّمَنِی كَلَامًا یُقَرِّبُنِی مِن رَبِّی وَ یَزِیدُنِی فَهمًا وَ عِلمًا. فَكَتَبَ إِلَیهِ قَد بَعَثتُ إِلَیكَ بِكِتَابٍ فَاقرَاهُ وَ تَفَهَّمْهُ فَإِنَّ فِیهِ شِفَاءً لِمَن أَرَادَ اللهُ شِفَاهُ وَ هُدًى لِمَن أَرَادَ اللهُ هُدَاهُ فَأَكثِر مِن ذِكرِ بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِیمِ لَا حَولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظِیمِ وَ اقرَأهَا عَلَى صَفوَانَ وَ آدَمَ.

قَالَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ ﷺ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ كَانَ أَمِینَ اللهِ فِی أَرضِهِ فَلَمَّا قُبِضَ مُحَمَّدٌ ﷺ كُنَّا أَهلَ البَیتِ أُمَنَاءَ اللهِ فِی أَرضِهِ، عِندَنَا عِلمُ البَلَایَا وَ المَنَایَا وَ أَنسَابُ العَرَبِ وَ مُولِدُ الإِسلَامِ، وَ إِنَّا لَنَعرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَینَاهُ بِحَقِیقَةِ الإِیمَانِ وَ بِحَقِیقَةِ النِّفَاقِ، وَ إِنَّ شِیعَتَنَا لَمَكتُوبُونَ بِأَسمَائِهِم وَ أَسمَاءِ آبَائِهِم، أَخَذَ اللهُ المِیثَاقَ عَلَینَا یَرِدُونَ مَوَارِدَنَا وَ یَدخُلُونَ مَدَاخِلَنَا، لَیسَ عَلَى مِلَّةِ إِبرَاهِیمَ خَلِیلِ الرَّحمَانِ غَیرُنَا وَ غَیرُهُم.

نامه‌ای را بیرون آورد و چنین گفت که پدرش به امام موسی کاظم ﷺ نوشته: فدایت شوم من پیر و ضعیف شده‌ام و در برابر آنچه روزی بر آن توانا بوده‌ام،

حال ناتوان شده‌ام. دوست می‌دارم فدایت شوم چیزی مرا بیاموزی تا به پروردگارم نزدیکم سازد و بر فهم و علمم بیفزاید. ایشان به وی چنین نوشت که نگاشته‌ای برایت فرستادم، آن را بخوان و فهم کن که در آن شفایی است برای هر که خداوند شفایش را بخواهد و هدایتی است برای هر که خداوند هدایتش را بخواهد. ذکر بسم الله الرّحمن الرّحیم لا حول و لا قوّة إلّا بالله العلی العظیم را بسیار بگو و آن را بر هر جاندار و بی جان بخوان. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله امین خدا در زمین او بود. چون ایشان درگذشت، ما اهل بیت امنای خدا در زمینش بوده‌ایم و علم بلاها و مرگ‌ها و نسب‌های عرب و زادگاه اسلام نزد ماست. ما چون کسی را ببینیم، حقیقت ایمان یا حقیقت نفاقش را می‌شناسیم و نام‌های شیعیان ما و نام‌های پدرانشان پیش‌پیش نوشته شده است. خداوند از آنان دربارهٔ ما پیمان گرفته است و آنان از جایگاه‌های ورود ما وارد می‌شوند و به جایگاه‌های دخول ما داخل می‌شوند و جز ما و ایشان کسی بر آیین ابراهیم خلیل نیست.

إِنّا یومَ القِیامَةِ آخِذِینَ بِحُجزَةِ نَبِیِّنا وَ نَبِیِّنا آخِذُ بِحُجزَةِ رَبِّهِ وَ إِنَّ الحُجزَةَ النُّورُ، وَ شِیعَتُنَا آخِذِینَ بِحُجزَتِنَا، مَن فَارَقَنا هَلَكَ وَ مَن تَبِعَنَا نَجا، وَ الجَاحِدُ لِوَلَایَتِنَا کَافِرٌ، وَ شِیعَتُنَا وَ تَابِعُ وَلَایَتِنَا مُؤمِنٌ، لَا یُحِبُّنا کَافِرٌ وَ لَا یُبغِضُنَا مُؤمِنٌ، مَن مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنَا کَانَ حَقًّا عَلَی اللهِ أَن یَبعَثَهُ مَعَنَا، نَحنُ نُورٌ لِمَن تَبِعَنَا، وَ نُورٌ لِمَنِ اقتَدَی بِنَا، مَن رَغِبَ عَنَّا لَیسَ مِنَّا وَ مَن لَم یَکُن مِنَّا فَلَیسَ مِنَ الإِسلَامِ فِی شَیءٍ.

ما در روز قیامت دامان پیامبرمان را می‌گیریم و پیامبرمان دامان پروردگارش را می‌گیرد که این دامان، نور است و شیعیان ما دامان ما را می‌گیرند؛ هر که از ما جدا شود، به هلاکت درافتد و هر که همراه ما شود، نجات یابد، آن‌که ولایت ما را انکار کند، کافر است و هر که شیعهٔ ما و پیرو ولایت ما باشد، مؤمن است. هیچ کافری ما را دوست نمی‌دارد و هیچ مؤمنی با ما دشمنی نمی‌کند، هر که

جان دهد در حالی که دوستدار ماست، بر خداوند است که او را همراه ما برانگیزد؛ ما نوری هستیم برای هر که ما را پیروی کند و نوری هستیم برای هر که به ما اقتدا کند، هر که از ما روی گرداند، از ما نیست و هر که از ما نباشد، از اسلام بهره‌ای نبرده است.

بِنا فَتَحَ اللهُ وَ بِنا یَختِمُهُ وَ بِنا أَطعَمَکُمُ اللهُ عُشبَ الأَرضِ، وَ بِنا أَنزَلَ اللهُ عَلَیکُم قَطرَ السَّماءِ، وَ بِنا آمَنَکُمُ اللهُ مِنَ الغَرقِ فِی بَحرِکُم وَ مِنَ الخَسفِ فِی بَرِّکُم، وَ بِنا نَفَعَکُمُ اللهُ فِی حَیاتِکُم وَ فِی قُبُورِکُم، وَ فِی مَحشَرِکُم وَ عِندَ الصِّراطِ وَ عِندَ المِیزانِ وَ عِندَ دُخُولِکُمُ الجِنانَ.

إِنَّ مَثَلَنا فِی کِتابِ اللهِ کَمَثَلِ المِشکوةِ وَ المِشکوةُ فِی القَندِیلِ فَنَحنُ المِشکوةُ ﴿ **فِیها مِصْباحٌ** ﴾ وَ المِصباحُ هُوَ مُحَمَّدٌ ﷺ عَلَی ﴿ **الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ** ﴾ نَحنُ الزُّجاجَةُ ﴿ **الزُّجاجَةُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَکَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ** ﴾ لا مُنکَرَةٍ وَ لا دَعِیَّةٍ ﴿ **يَکادُ زَيْتُها** ﴾ نُورُها ﴿ **يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ** ﴾، نُورُ الفُرقانِ ﴿ **نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ** ﴾ لِوَلایَتِنا ﴿ **مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِکُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** ﴾ عَلی أَن یَهدِیَ مَن أَحَبَّ لِوَلایَتِنا، حَقًّا عَلَی اللهِ أَن یَبعَثَ وَلِیَّنا مُشرِقًا وَجهُهُ نَیِّرًا بُرهانُهُ عَظِیمًا عِندَاللهِ حُجَّتُهُ، یَجِیءُ عَدُوُّنا یَومَ القِیامَةِ مُسوَدًّا وَجهُهُ مُدحَضَةً عِندَاللهِ حُجَّتُهُ، حَقًّا عَلَی اللهِ أَن یَجعَلَ وَلِیَّنا رَفِیقَ ﴿ **النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئك رفيقًا** ﴾ (النور، ۳۶-۳۵)، وَ حَقَّ عَلَی اللهِ أَن یَجعَلَ عَدُوَّنا رَفِیقًا لِلشَّیاطِینِ وَ الکافِرِینَ وَ بِئسَ أُولئِكَ رَفِیقًا.

خداوند به خاطر ما آغاز کرد و به خاطر ما پایان می‌دهد و به خاطر ما شما از سبزیجات زمین بهره‌مند شدید و به خاطر ما از آسمان باران فرستاد و به خاطر ما شما را از غرق شدن در دریا و از فرورفتن در خشکی نگاه داشت. خداوند به وسیلهٔ ما در زندگی‌تان و در گورهاتان و در محشرتان و به هنگام صراط و به هنگام میزان و به هنگام درآمدن به بهشت شما را نفع می‌رساند. مثل ما در کتاب

خدا مثل چراغدان است و آن چراغدان در قندیل است و ما آن چراغدان هستیم «که در آن چراغی باشد» و آن چراغ حضرت محمّد ﷺ است «و آن چراغ در شیشه‌ای است» ما آن شیشه هستیم «آن شیشه همچون ستاره‌ای درخشان است که از درخت با برکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود» نه ناپسند است و نه تاریک «نزدیک است روغنش» یعنی نورش «هر چند آتشی بدان نرسیده است، روشنی بخشد»؛ نور، فرقان است «نوری است بر روی نور دیگر، خداوند به نورش هدایت می‌کند» به ولایت ما «هر که را بخواهد، و خدا برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست» که هر که را دوست می‌داشت، به ولایت ما هدایت کند؛ بر خداوند است که دوست ما را چونان برانگیزد که چهره‌اش تابناک است و برهانش آشکار است و حجتش نزد خداوند والاست، حال آن‌که دشمن ما در روز قیامت چونان می‌آید که چهره‌اش سیاه است و حجتش نزد خداوند مردود است؛ بر خداوند است که دوست ما را رفیق «پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران که ایشان چه خوب رفیقانی هستند» قرار دهد.

لِشَهِيدِنَا فَضلُ عَلَى الشُّهَدَاءِ بِعَشرِ دَرَجَاتٍ وَ لِشَهِيدِ شِيعَتِنَا عَلَى شَهِيدِ غَيرِنَا سَبعُ دَرَجَاتٍ.

نَحنُ النُّجَبَاءُ وَ نَحنُ أَبنَاءُ الأَوصِيَاءِ وَ نَحنُ أَولَى النَّاسِ بِاللهِ وَ نَحنُ المَخصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللهِ وَ نَحنُ أَولَى النَّاسِ بِدِينِ اللهِ، وَ نَحنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللهُ لَنَا دِينَهُ فَقَالَ اللهُ: ﴿ **شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ** ﴾ يَا مُحَمَّدُ ﴿ **وَ مٰا وَصَّى بِهِ إِبرَاهِيمَ وَ إِسمَاعِيلَ وَ إِسحَاقَ وَ يَعقُوبَ** ﴾، فَقَد عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا مَا عَلِمنَا وَ استَودَعَنَا عِلمَهُم.

نَحنُ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ نَحنُ ذُرِّيَّةُ أُولِي العِلمِ ﴿ **أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ** ﴾ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﴿ **وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فِيهِ** ﴾ وَ كُونُوا عَلَى جَمَاعَتِكُم ﴿ **كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ** ﴾ مَن أَشرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ﴿ **مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ** ﴾ مِن وَلَايَةِ عَلِيٍّ، إِنَّ ﴿ **اللهُ** ﴾ يَا مُحَمَّدُ ﴿ **يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ**

يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ[1] ﴾ قَالَ مَن يُجِيبُكَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

شهید ما بر دیگر شهیدان ده درجه برتری دارد و شهید شیعه ما بر شهیدان غیر ما هفت درجه برتری دارد، ما برگزیدگانیم و ما پسران اوصیاییم و ما سزاوارترین مردم در نزدیکی به خداییم و ماییم که در کتاب خدا مخصوصیم و ما سزاوارترین مردم به دین خداییم و ما آن کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما وضع کرد؛ خداوند متعال فرمود: «برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود و آن‌چه به تو وحی کردیم» ای محمّد «و آن‌چه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب را به آن سفارش کرد» پس آن‌چه را ما می‌دانیم، به ما آموخت و ابلاغ کرد و علم آنان را نزد ما به ودیعه نهاد. ما وارثان پیامبران و فرزندان دارندگان علم هستیم، «دین را برپا دارید» با خاندان محمّد صلی الله علیه و آله «و در آن پراکنده نشوید» و بر جمعیت خویش برجا بمانید، «بر مشرکان دشوار است» آنان که به ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام شرک می‌ورزند، به «آن‌چه تو آنان را به آن فرا می‌خوانی» یعنی ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام شرک ورزیده‌اند، «خداوند» ای محمّد «هر که را بخواهد به سویش برمی‌گزیند و هر که را توبه کند، به سویش هدایت می‌کند» هر که در رهسپاری سوی ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام تو را اجابت کند.

۲۵۷. عَن فُضَيلِ بنِ الزُّبَيرِ قَالَ: سَأَلتُ زِيدَبنَ عَلِيٍّ عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ **فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ** ﴾ إِلَى آخِرِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: هِيَ بُيُوتُ الأَنبِيَاءِ، فَقَالَ أَبُوبَكرٍ: هَذَا مِنهَا ـ يَعنِي بَيتَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ لَه النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: هَذَا مِن أَفضَلِهَا.

فضیل‌بن زبیر گفت: از زیدبن علی دربارهٔ این آیه پرسیدم: «در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده است تا رفعت یابند و نامش در آن‌ها یاد شود.» گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن خانه‌های انبیاست. در آن دم ابوبکر عرض کرد:

---

۱. شوری، ۱۳

این نیز از آن‌هاست ـ یعنی خانه حضرت علی علیه السلام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این از برترین آن‌هاست.

(سورهٔ نور، آیهٔ ۴۰)

﴿ وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴾

و هرکس خدا برای او نوری قرار نداده باشد، هیچ نوری ندارد.

۲۵۸. عَنْ أَبِي هُرَيرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله قالَ: أَتانِي جَبرَئيلُ علیه السلام فَقالَ: أُبَشِّرُكَ يا مُحَمَّدُ بِما تَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ قالَ: قُلتُ: بَلىٰ قالَ: تَجُوزُ بِنُورِ اللهِ، وَ يَجُوزُ عَلِيٌّ بِنُورِكَ، وَ نُورُكَ مِن نُورِ اللهِ، وَ تَجُوزُ أُمَّتُكَ بِنُورِ عَلِيٍّ، وَ نُورِ عَلِيٍّ مِن نُورِكَ **﴿ وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ ﴾** مَعَ عَلِيٍّ **﴿ نُورًا فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴾**.

ابوهریره گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمّد! تو را به آن‌چه که به آن از صراط می‌گذری بشارت دهم؟ گفتم: بله. گفت: تو با نور خداوند می‌گذری و علی علیه السلام با نور تو می‌گذرد و حال آن‌که نور تو از نور خداست و امت تو با نور علی علیه السلام می‌گذرند و حال آن‌که نور علی علیه السلام از نور توست «و هر کس خدا برای او نوری قرار نداده باشد» [یعنی] با همراهی علی علیه السلام «هیچ نوری ندارد».

(سورهٔ نور، آیهٔ ۵۲ و ۵۵)

﴿ وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللهَ وَ يَتَّقْهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفٰائِزُونَ * وَعَدَ اللهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الأَرضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دينَهُمُ الَّذِي ارْتَضىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَني لاٰ يُشْرِكُونَ بي شَيْئًا ﴾

و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، اینان همان کامیاباناند. خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردهاند و کارهای نیک انجام دادهاند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین گرداند، همانگونه که کسانی را که پیش از آنها بودند، جانشین گردانید و آن دینی را که برایشان پسندیده است برای آنان استوار سازد و قطعاً ترسشان را به ایمنی تبدیل کند. مرا میپرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمیگیرند.

۲۵۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِ اللهِ تَعالَی: ﴿ **وَ مَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللّٰهَ** ﴾ فِيمَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِهِ[1] ﴿ **وَ يَتَّقْهِ** ﴾ فِيمَا بَقِیَ ﴿ **فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ** ﴾ بِالجَنَّةِ أُنزِلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد» به خاطر گناهانی که از او سر زده است «و از او پروا کند» در باقی مانده عمرش «اینان همان کامیاباناند» که به بهشت کامیاب میشوند؛ این آیه درباره علی بن ابی طالب عليه السلام نازل شده است.

۲۶۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآيَةِ قَالَ: نَزَلَت فِی آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ خاندان حضرت محمّد عليهم السلام نازل شده است.

۲۶۱. عَنِ القَاسِمِ بنِ عَوفٍ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: ﴿ **وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** ﴾ إِلَی آخِرِ الآيَةِ قَالَ: هِیَ لَنَا أَهلَ البَيتِ.

قاسمبن عوف گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که دربارهٔ آیه «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردهاند و کارهای نیک انجام دادهاند وعده داده است» تا آخر آیه، فرمود: این آیه برای ما اهل بیت است.

---

۱. «به خاطر گناهانی که از او سر زده است» مربوط به دوستداران علی عليه السلام است و امیرمؤمنان عليه السلام دارای مقام عصمت هستند.

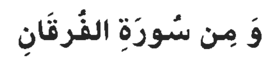
(سورهٔ نور، آیهٔ ۶۳)

﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ ﴾

پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند باید بترسند که بلایی یا عذابی دردناک به آنان برسد.

۲۶۲. قَالَ: حَدَّثَنِي جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعَنعَناً: عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فِي هَذِهِ الآيَةِ مِن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ ﴾ قَالَ: الفِتنَةُ الكُفَّارُ، قَالَ: يَا أَبَاجَعفَرٍ حَدِّثنِي فِيمَن نَزَلَت قَالَ: نَزَلَت فِي رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و جَرَى مِثلُهَا مِنَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِي الأَوصِيَاءِ فِي طَاعَتِهِم.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور کافران است. عرض شد: مرا آگاه سازید این آیه دربارهٔ چه کسی نازل شد؟ فرمود: درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و همچون پیامبر صلی الله علیه و آله دربارهٔ اوصیا و فرمانبرداری از ایشان جاری است.

وَ مِن سُورَةِ الفُرقَانِ

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۸ ـ ۹)

﴿ وَ قَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُورًا * انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلاَ يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً ﴾

و ستمکاران گفتند: «جز از مردی جادو شده پیروی نمی‌کنید.» بنگر چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند؛ پس نمی‌توانند راهی بیابند.

۲۶۳. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ عَن أَبِي‌جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعتُهُ يَقُولُ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله بِهَذِهِ الآيَةِ هَكَذَا: ﴿ قَالَ الظَّالِمُونَ ﴾ آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُم ﴿ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُورًا ﴾ قَالَ اللهُ لِنَبِيِّهِ: ﴿ انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلاَ يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً ﴾ يَعنِي: لَا يَستَطِيعُونَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ السَّبِيلُ.

جعفربن محمّد فزاری گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: جبرئیل این آیه را چنین بر پیامبر صلى الله عليه وآله نازل کرد: «و ستمکاران» در حق خاندان محمّد عليهم السلام «گفتند: جز از مردی جادوشده پیروی نمی‌کنید.» آن‌گاه خداوند به پیامبرش چنین فرمود: «بنگر چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند؛ پس نمی‌توانند راهی بیابند.» یعنی نمی‌توانند راهی به ولایت علی عليه السلام بیابند و راه همان علی عليه السلام است.

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۵۴)

﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا ﴾

و او کسی است که از آب [نطفه]، انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد.

۲۶۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ﴾ قَالَ: خَلَقَ اللهُ نُطفَةً بَیضاءَ مَکنُونَةً فَجَعَلَهَا فِی صُلبِ آدَمَ ثُمَّ نَقَلَهَا مِن صُلبِ آدَمَ إِلَی صُلبِ شَیثٍ وَ مِن صُلبِ شَیثٍ إِلَی صُلبِ أَنُوشَ وَ مِن صُلبِ أَنُوشَ إِلَی صُلبِ فِینَانَ حَتَّی تَوَارَثَتهَا کِرَامُ الأَصلَابِ فِی مُطَهَّرَاتِ الأَرحَامِ حَتَّی جَعَلَهَا اللهُ فِی صُلبِ عَبدِالمُطَّلِبِ ثُمَّ قَسَمَهَا نِصفَینِ فَأَلقَی نِصفَهَا إِلَی صُلبِ عَبدِ اللهِ وَ نِصفَهَا إِلَی صُلبِ أَبِی طالِبٍ وَ هِیَ سُلالَةٌ فَوَلَدَ مِن عَبدِ اللهِ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وَ مِن أَبِی طالِبٍ علیه السلام عَلِیٌّ علیه السلام فَذَلِكَ قَولُ اللهِ: ﴿ وَ هُوَ الَّذي خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا ﴾ زَوَّجَ فَاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَعَلِیٌّ مِن مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ مِن عَلِیٍّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ فَاطِمَةُ علیهم السلام نَسَبٌ وَ عَلِیٌّ الصِّهرُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند عزّوجلّ «و او کسی است که از آب [نطفه] انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد» گفت: خداوند نطفهٔ سفید پوشیده‌ای آفرید و آن را در پشت آدم قرار داد، سپس از آدم به پشت شیث و از او به پشت انوش و از وی به پشت فینان و این‌چنین به وراثت در پشت مردان پاک و زنان پاکیزه منتقل کرد تا این‌که آن را در پشت عبدالمطلب قرار داد و آن نطفه را به دو نیم کرد و نیمی را در پشت عبدالله و نیمی دیگر را در پشت ابوطالب قرار داد و آن دودمانی بود، این‌گونه از عبدالله، محمّد صلی الله علیه و آله و از ابوطالب، علی علیه السلام متولد گردید و این همان کلام خداوند متعال است: «و او کسی است که از آب [نطفه]، انسانی را آفرید و او را [دارای پیوند] نسبی و سببی قرار داد.» این‌گونه فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام ازدواج

کرد. پس علی ؑ از محمّد ﷺ و محمّد ﷺ از علی ؑ است و حسن و حسین و فاطمه ؑ نسب و علی ؑ سبب است.

(سورهٔ فرقان، آیهٔ ۶۳ ـ ۷۴)

﴿ وَ عِبادُ الرَّحْمٰنِ الَّذينَ يَمْشُونَ عَلَى الأَرْضِ هَوْنًا وَ الَّذينَ لاٰ يَدْعُونَ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ وَ لاٰ يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتي حَرَّمَ اللّٰهُ إِلاّٰ بِالْحَقِّ وَ لاٰ يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ أَثٰامًا * يُضٰاعَفْ لَهُ الْعَذٰابُ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ وَ يَخْلُدْ فيهِ مُهٰانًا * إِلاّٰ مَنْ تٰابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صٰالِحًا فَأُوْلٰئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئٰاتِهِمْ حَسَنٰاتٍ وَ كٰانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحيمًا وَ الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنٰا هَبْ لَنٰا مِنْ أَزْوٰاجِنٰا وَ ذُرِّيّٰاتِنٰا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنٰا لِلْمُتَّقينَ إِمٰامًا * أُوْلٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمٰا صَبَرُوا وَ يُلَقَّوْنَ فيهٰا تَحِيَّةً وَ سَلاٰمًا * خٰالِدينَ فيهٰا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقٰامًا ﴾

و بندگان [خدای] رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند... و کسانی هستند که با خدا معبود دیگری را نمی‌خوانند و نفسی را که خداوند [کشتن آن را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند، و هر کس این [اعمال] را انجام دهد، کیفر گناهش را خواهد دید. در روز قیامت عذاب برای او دوچندان گردد و با خواری در آن جاودان می‌ماند. مگر آن کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و کار نیک انجام دهد. پس اینان کسانی هستند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است... و آنانی هستند که می‌گویند: «پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان [آن‌که مایهٔ] روشنی چشم‌ها[ست] ببخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان». آنان‌اند که به سبب صبری که کرده‌اند غرفه[های بهشتی] پاداش یابند، و در آنجا با درود و سلام روبه‌رو شوند. در آنجا جاودان‌اند، نیکو جایگاه و اقامتگاهی است.

۲۶۵. مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام قَولُهُ تَعالَی: ﴿ **الَّذینَ یَمْشُونَ عَلَی الأَرضِ هَوْنًا** ﴾ إِلَی قَولِهِ ﴿ **حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقامًا** ﴾ قَالَ: هُمُ الأَوصِیاءُ یَمشُونَ عَلَی الأَرضِ هَوناً فَإِذَا قَامَ القَائِمُ عَرَفُوا کُلَّ نَاصِبٍ عَلَیهِ فَإِن أَقَرَّ بِالإِسلَامِ وَ هِیَ الوَلَایَةُ وَ إِلَّا ضُرِبَت عُنُقُهُ أَو أَقَرَّ بِالجِزیَةِ فَأَدَّیهَا کَمَا یُؤَدِّی أَهلُ الذِّمَّةِ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که ایشان دربارهٔ کلام خداوند متعال «کسانی که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند» تا «نیکو جایگاه و اقامتگاهی است» فرمود: کسانی که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند، همان اوصیا هستند و چون قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله قیام کند، هر که را علیه او جنگ افروزد، می‌شناسد. پس اگر به اسلام که همان ولایت است اقرار کردند که هیچ، در غیر این‌صورت یا سر از تنشان جدا می‌شود یا باید جزیه بدهند، همان‌گونه که اهل ذمه جزیه می‌دهند.

۲۶۶. عَنِ الأَصبَغِ‌بنِ نُبَاتَةَ قَالَ: تَوَجَّهتُ إِلَی أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیٍّ علیه السلام لِأُسَلِّمَ عَلَیهِ فَلَم أَلبَث أَن خَرَجَ فَقُمتُ قَائِمًا عَلَی رِجلِی فَاستَقبَلتُهُ فَضَرَبَ بِکَفِّهِ إِلَی کَفِّی فَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ فِی أَصَابِعِی فَقَالَ لِی: یَا أَصبَغُ فَقُلتُ: لَبَّیكَ وَ سَعدَیكَ یَا أَمِیرَالمُؤمِنِینَ. فَقَالَ: إِنَّ وَلِیَّنَا وَلِیُّ اللهِ فَإِذَا مَاتَ کَانَ فِی الرَّفِیقِ الأَعلَی وَ سَقَاهُ اللهُ مِن نَهرٍ أَبرَدَ مِنَ الثَّلجِ وَ أَحلَی مِنَ الشَّهدِ. فَقُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ یَا أَمِیرَالمُؤمِنِینَ وَ إِن کَانَ مُذنِبًا؟ قَالَ: نَعَم أَلَم تَقرَأ کِتَابَ اللهِ: ﴿ **أُوْلٰئِكَ یُبَدِّلُ اللهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ کَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِیمًا** ﴾.

اصبغ‌بن نباته گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام رفتم تا بر ایشان سلام کنم. دیری نپایید که ایشان بیرون آمد و من به استقبال ایشان رفتم. دستم را گرفت و انگشتانم را میان انگشتانش فشرد و به من فرمود: ای اصبغ! عرض کردم: بله ای امیرمؤمنان، در خدمتم! فرمود: همانا دوستِ ما، دوستِ خداست و هرگاه بمیرد، نزد رفیق اعلاست و خداوند او را از نهری سردتر از برف و شیرین‌تر از عسل سیراب می‌کند. عرض کردم: فدایت شوم، ای

امیر مؤمنان! حتی اگر گناهکار باشد[۱]؟ فرمود: بله، آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «اینان کسانی هستند که خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.»

۲۶۷. عَن سَلمَانَ الفَارِسِیِّ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ فِی کَلَامٍ ذَکَرَهُ فِی عَلِیٍّ فَذَکَرَ سَلمَانُ لِعَلِیٍّ فَقَالَ: وَاللهِ یَا سَلمَانُ لَقَد حَدَّثَنِی بِمَا أَخبَرَکَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ لَقَد خَصَّکَ اللهُ بِالحِلمِ وَ العِلمِ وَ الغُرفَةِ الَّتِی قَالَ اللهُ: ﴿**أُولٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمٰا صَبَرُوا وَ يُلَقَّوْنَ فِيهٰا تَحِيَّةً وَ سَلاٰمًا**﴾ وَ اللهِ أَنَّهَا لَغُرفَةُ مَا دَخَلَهَا أَحَدُ قَطُّ وَ لَا یَدخُلُهَا أَحَدُ أَبَداً حَتَّی تَقُومَ عَلَی رَبِّكَ وَ إِنَّهُ لَیَحُفُّ بِهَا فِی کُلِّ یَومٍ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ مَا یَحُفُّونَ إِلَی یَومِهِم ذَلِكَ فِی إِصلَاحِهَا وَ المَرَمَّةِ لَهَا حَتَّی تَدخُلَهَا ثُمَّ یُدخِلُ اللهُ عَلَیكَ فِیهَا أَهلَ بَیتِكَ، وَاللهِ یَا عَلِیُّ إِنَّ فِیهَا لَسَرِیرُ مِن نُورٍ مَا یَستَطِیعُ أَحَدُ مِنَ المَلَائِکَةِ أَن یَنظُرَ إِلَیهِ مَجلِسُ لَكَ یَومَ تَدخُلُهَا فَإِذَا دَخَلتَهُ یَا عَلِیُّ أَقَامَ اللهُ جَمِیعَ أَهلِ السَّمَاءِ عَلَی أَرجُلِهِم حَتَّی یَستَقِرَّ بِكَ مَجلِسَكَ ثُمَّ لَا یَبقَی فِی السَّمَاءِ وَ لَا فِی أَطرَافِهَا مَلَكُ وَاحِدُ إِلَّا أَتَاكَ بِتَحِیَّةٍ مِنَ الرَّحمَانِ.

سلمان فارسی از قول پیامبر ﷺ حدیثی در فضایل حضرت علی علیه السلام برای ایشان نقل کرد، حضرت علی علیه السلام فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند همان‌گونه که برای تو نقل فرمود، برای من نیز بیان فرموده است. سپس فرمود: ای علی! خداوند تو را مخصوص گردانیده با صبر و علم و غرفه‌هایی که دربارهٔ آن

---

۱. لازم به بیان این مهم است که احادیثی که در آنها فضیلت بسیاری برای دوستداران حضرت امیر علیه السلام ذکر شده است، از جمله آمرزش گناهان ایشان، همه و همه مشروط به آن است که با این محبت از دنیا خارج شوند. از این جهت دوستداران اهل بیت علیهم السلام باید مراقبت کنند خطاها و گناهان آنان را از دایرهٔ محبت و ولایت ایشان خارج نسازد و امام خویش را با ورع و اجتهاد و انجام واجبات و ترک محرّمات یاری دهند؛ چراکه شیطان سعی دارد تا این ریسمان محبت را باز کند و بر مؤمنان است که گناهان خویش راکوچک نشمرند و از درِ منزل این بزرگواران کنار نروند و همواره از خدا طلب نمایند: «ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنك رحمة انّك انت الوهّاب».

چنین می‌فرماید: «آنان‌اند که به سبب صبری که کرده‌اند غرفه[های بهشتی] پاداش یابند و در آنجا با درود و سلام روبه‌رو شوند.» به خدا سوگند، آن غرفه‌ای است که هرگز کسی در آن وارد نشده و کسی در آن داخل نمی‌شود تا این‌که تو در پیشگاه پروردگارت قرار گیری؛ و آنجا در هر روز هفتاد هزار فرشته مشغول زیباسازی و ساختن آن هستند تا تو در آنجا وارد شوی و سپس خداوند، اهل بیت تو را در آنجا داخل می‌کند. ای علی! به خدا سوگند، در آنجا تختی از نور است که هیچ‌یک از فرشتگان نمی‌توانند به آن نگاه کنند و روزی که تو وارد آن غرفه شوی، آن تخت جایگاه نشستن توست. ای علی! هنگامی که به آنجا وارد شوی خداوند تمامی اهل آسمان‌ها را بر پا نگاه می‌دارد، تا تو در جای خود قرار گیری. آن‌گاه در آسمان و اطراف آن هیچ فرشته‌ای بر جا نمی‌ماند مگر آن‌که از جانب خداوند رحمان با درود نزد تو می‌آید.

۲۶۸. عَن أَبانِ‌بنِ تَغلِبَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿**الَّذينَ يَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ إِماماً**﴾ قَالَ: نَحنُ هُم أَهلُ البَيتِ.

ابان‌بن تغلب گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ تفسیر این آیه پرسیدم: «و آنانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن کس را که روشنی چشم‌هاست ببخش و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان». ایشان فرمود: منظور از آنان، ما خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هستیم.

۲۶۹. عَن أَبي سَعيدٍ فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿**هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقينَ إِماماً**﴾ قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله: قُلتُ لِجَبرَئيلَ عليه‌السلام: مَن أَزواجُنا؟ قَالَ: خَدِيجَةُ قَالَ قُلتُ: وَ مَن ذُرِّيَّاتُنا؟ قَالَ: فَاطِمَةُ. قُلتُ: وَ مَن قُرَّةُ أَعيُنٍ؟ قَالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَينُ. قُلتُ: وَ مَن لِلمُتَّقِينَ إِمَامًا قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه‌السلام.

ابوسعید دربارهٔ این آیه گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: به جبرئیل گفتم: منظور

از همسران ما چه کسی است؟ گفت: حضرت خدیجه ؑ. گفتم: مراد از فرزندانمان چه کسی است؟ گفت: حضرت فاطمه ؑ. گفتم: روشنی چشم‌ها کیست؟ گفت: حسن و حسین ؑ. گفتم: چه کسی پیشوای پرهیزکاران است؟ گفت: حضرت علی ؑ.



وَ مِن سُورَةِ الشُّعَرَاءِ

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۴)

﴿ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمٰاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنٰاقُهُمْ لَهٰا خٰاضِعِينَ ﴾

اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان بر آنان فرو می‌فرستیم تا گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد.

۲۷۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمٰاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنٰاقُهُمْ لَهٰا خٰاضِعِينَ** ﴾ فَقِيلَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ: أَنزِلهَا عَلَینَا حَتَّی نُؤمِنَ فَقَالَ المُسلِمُونَ فَأَنزِلهَا عَلَیهِم حَتَّی یُؤمِنوا. فَأَنزَلَ اللهُ: ﴿ **وَ أَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ أَيْمٰانِهِمْ** ﴾ إِلَی ﴿ **يَعْمَهُونَ** ﴾ ﴿ **وَ نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصٰارَهُمْ** ﴾ عِندَ نُزُولِ هَذِهِ الآیَةِ ﴿ **كَمٰا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ** ﴾ الآیَةُ[1].

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: به حضرت محمّد ﷺ عرض شد: آن نشانه را بر ما فرو فرست تا ایمان آوریم. مسلمانان عرض کردند: برای آنان فرو فرست تا ایمان آورند. آن‌گاه خداوند نازل فرمود: «و به سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه‌ای برای آن‌ها بیاید حتماً به آن ایمان

---

۱. انعام، ۱۱۰-۱۰۹

می‌آورند. بگو: نشانه‌ها نزد خداست و شما چه می‌دانید که هرگاه بیاید باز ایمان نمی‌آورند» «و دل‌ها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم» به هنگام فرود آمدن این نشانه «همان‌گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند».

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۱۰۰ ـ ۱۰۲)

﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ * فَلَوْ أَنَّ لَنٰا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾

پس برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی. پس اگر برای ما بازگشتی [به دنیا] بود [به آنجا بازمی‌گشتیم] و از ایمان‌آورندگان می‌شدیم.

۲۷۱. فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ فِينَا وَ فِي شِيعَتِنَا **﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾** وَ ذٰلِكَ أَنَّ اللهَ يُفَضِّلُنَا وَ يُفَضِّلُ شِيعَتَنَا حَتَّى أَنَّا لَنَشفَعُ وَ يَشفَعُونَ فَإِذَا رَأَى ذٰلِكَ مَن لَيسَ مِنهُم قَالُوا: **﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ * وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾**.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ ما و شیعیان ما نازل شد؛ زیرا خداوند ما و شیعیانمان را برتری بخشیده تا ما شفاعت کنیم و آن‌ها نیز شفاعت کنند؛ چون کسانی که از ایشان نیستند چنین بینند، گویند: «پس برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی».

۲۷۲. سَهلُ بنُ أَحمَدَ الدِّينَورِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ: قَالَ جَابِرٌ لِأَبِي جَعفَرٍ عليه السلام جُعِلتُ فِدَاكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَدِّثنِي بِحَدِيثٍ فِي فَضلِ جَدَّتِكَ فَاطِمَةَ عليها السلام إِذَا أَنَا حَدَّثتُ بِهِ الشِّيعَةَ فَرِحُوا بِذٰلِكَ.

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: حَدَّثَنِي أَبِي عَن جَدِّي عَن رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نُصِبَ لِلأَنبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ مَنَابِرُ مِن نُورٍ فَيَكُونُ مِنبَرِي أَعلَا مَنَابِرِهِم يَومَ القِيَامَةِ ثُمَّ

يَقُولُ اللهُ: يَا مُحَمَّدُ اخطُب فَأَخطُبُ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع أَحَدُ مِنَ الأَنبِيَاءِ وَالرُّسُلِ بِمِثلِهَا، ثُمَّ يُنصَبُ لِلأَوصِيَاءِ مَنَابِرُ مِن نُورٍ وَ يُنصَبُ لِوَصِيِّي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَوسَاطِهِم مِنبَرُ مِن نُورٍ فَيَكُونُ مِنبَرُهُ أَعلَى مَنَابِرِهِم ثُمَّ يَقُولُ اللهُ: يَا عَلِيُّ اخطُب فَيَخطُبُ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع أَحَدُ مِنَ الأَوصِيَاءِ بِمِثلِهَا، ثُمَّ يُنصَبُ لِأَولَادِ الأَنبِيَاءِ وَالمُرسَلِينَ مَنَابِرُ مِن نُورٍ فَيَكُونُ لِإبنَيَّ وَ سِبطَيَّ وَ رَيحَانَتَي أَيَّامِ حَيَاتِي مِنبَرُ مِن نُورٍ ثُمَّ يُقَالُ لَهُمَا: اخطُبَا فَيَخطُبَانِ بِخُطبَتَينِ لَم يَسمَع أَحَدُ مِن أَولَادِ الأَنبِيَاءِ وَ المُرسَلِينَ بِمِثلِهِمَا.

سهل‌بن احمد دینوری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام فرمود: جابر به امام محمّد باقر عليه‌السلام عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا! حدیثی در فضیلت جده‌ات حضرت فاطمه عليهاالسلام برای من بگو که هرگاه آن را برای شیعیانت نقل کنم خوشحال شوند.

امام محمّد باقر عليه‌السلام فرمود: پدرم از پدربزرگم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برایم نقل کرد که ایشان فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، برای پیامبران و رسولان منبرهایی از نور بر پا خواهد شد که در آن روز منبر من بر فراز منبرهای ایشان خواهد بود. سپس خداوند می‌فرماید: ای محمّد! خطبه بخوان. آن‌گاه من چنان خطبه‌ای می‌خوانم که هیچ‌یک از پیامبران و رسولان همانندش را نشنیده‌اند. سپس برای اوصیا منبرهایی از نور بر پا خواهد شد و برای وصیّ من علی بن ابی‌طالب در میان ایشان منبری از نور برپا می‌شود که بر فراز آن منبرها خواهد بود. سپس خداوند می‌فرماید: ای علی! خطبه بخوان. آن‌گاه او چنان خطبه‌ای می‌خواند که هیچ‌یک از اوصیا همانندش را نشنیده‌اند. سپس برای فرزندان پیامبران و رسولان منبرهایی از نور برپا خواهد شد و برای دو پسر و دو نوه و دو ریحانهٔ زندگی‌ام منبری از نور برپا می‌شود و به آنان گفته می‌شود: خطبه بخوانید! آن‌گاه آن‌دو چنان خطبه‌ای می‌خوانند که هیچ یک از فرزندان پیامبران و رسولان همانندش را نشنیده‌اند.

ثُمَّ یُنَادِی المُنَادِی وَ هُوَ جَبرَئِیلُ ﷺ: أَینَ فَاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ؟ أَینَ خَدِیجَةُ بِنتُ خُوَیلِدٍ؟ أَینَ مَریَمُ بِنتُ عِمرَانَ؟ أَینَ آسِیَةُ بِنتُ مُزَاحِمٍ؟ أَینَ أُمُّ کُلثُومٍ أُمُّ یَحیَی بنِ زَکَرِیَّا؟ فَیَقُمنَ فَیَقُولُ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی: یَا أَهلَ الجَمعِ لِمَنِ الکَرَمُ الیَومَ؟ فَیَقُولُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ: لِلّهِ الوَاحِدِ القَهَّارِ. فَیَقُولُ اللهُ تَعَالَی: یَا أَهلَ الجَمعِ إِنِّی قَد جَعَلتُ الکَرَمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ فَاطِمَةَ، یَا أَهلَ الجَمعِ طَأطِؤُا الرُّؤُوسَ وَ غُضُّوا الأَبصَارَ فَإِنَّ هَذِهِ فَاطِمَةُ تَسِیرُ إِلَی الجَنَّةِ: فَیَأتِیهَا جَبرَئِیلُ بِنَاقَةٍ مِن نُوقِ الجَنَّةِ مُدَبَّجَةَ الجَنبَینِ، خِطَامُهَا مِنَ اللُّؤلُؤِ المُخفَقِ الرَّطبِ، عَلَیهَا رَحلٌ مِنَ المَرجَانِ فَتُنَاخُ بَینَ یَدَیهَا فَترکَبُهَا فَیَبعَثُ إِلَیهَا مِائَةُ أَلفِ مَلَكٍ فَیَصِیرُوا عَلَی یَمِینِهَا وَ یُبعَثُ إِلَیهَا مِائَةُ أَلفِ مَلَكٍ یَحمِلُونَهَا عَلَی أَجنِحَتِهِم حَتَّی یُسَیِّرُوهَا عَلَی بَابِ الجَنَّةِ، فَإِذَا صَارَت عِندَ بَابِ الجَنَّةِ تَلتَفِتُ فَیَقُولُ اللهُ: یَا بِنتَ حَبِیبِی مَا التِفَاتُكِ وَ قَد أَمَرتُ بِكِ إِلَی جَنَّتِی؟ فَتَقُولُ: یَا رَبِّ أَحبَبتُ أَن یُعرَفَ قَدرِی فِی مِثلِ هَذَا الیَومِ فَیَقُولُ اللهُ یَا بِنتَ حَبِیبِی ارجِعِی فَانظُرِی مَن کَانَ فِی قَلبِهِ حُبٌّ لَكِ أَو لِأَحَدٍ مِن ذُرِّیَّتِكِ خُذِی بِیَدِهِ فَأَدخِلِیهِ الجَنَّةَ.

پس از آن منادی، یعنی جبرئیل، ندا سر می‌دهد: فاطمه دختر حضرت محمّد ﷺ کجاست؟ خدیجه دختر خویلد کجاست؟ مریم دختر عمران کجاست؟ آسیه دختر مزاحم کجاست؟ ام‌کلثوم مادر یحیی‌بن زکریا کجاست؟ وقتی ایشان همه برخاستند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: ای اهل محشر! امروز کرامت از آنِ کیست؟ حضرت محمّد و علی و حسن و حسین ﷺ می‌گویند: از خدایی که یکتا و قهار است. خداوند متعال می‌فرماید: ای اهل محشر! من کرامت را از برای محمّد و علی و حسن و حسین و فاطمه نهاده‌ام، ای اهل محشر! سرها به زیر اندازید و چشم‌ها فروبندید تا فاطمه ﷺ سوی بهشت رود.

در آن دم جبرئیل ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت برای آن بانو می‌آورد که دو پهلوی آن را به دیبای بهشتی آراسته‌اند و لگام آن از مروارید است و جهاز آن از مرجان؛

او آن ناقه را روبه‌روی فاطمه ﷺ می‌خواباند و او بر آن سوار می‌شود. آن‌گاه صد هزار فرشته سوی او راهی می‌شوند تا طرف راست او باشند و صد هزار فرشته سویش راهی می‌شوند تا او را بر بال‌های خود سوی بهشت رهسپار کنند.

چون فاطمه ﷺ به نزدیکی در بهشت برسد، سر بر می‌گرداند و خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! چرا سر برمی‌گردانی حال آن‌که فرمان داده‌ام به بهشت درآیی؟ فاطمه می‌گوید: پروردگارا! دوست داشتم در چنین روزی منزلت من شناخته شود.

خداوند می‌فرماید: ای دختر حبیب من! برگرد و بنگر، هر که محبت تو یا یکی از فرزندان تو را در دل دارد، دستش را بگیر و به بهشت درآر.

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: وَاللهِ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ اليَومَ لَتَلتَقِطُ شِيعَتَهَا وَ مُحِبِّيهَا كَمَا يَلتَقِطُ الطَّيرُ الحَبَّ الجَيِّدَ مِنَ الحَبِّ الرَّدِي، فَإِذَا صَارَ شِيعَتُهَا مَعَهَا عِندَ بَابِ الجَنَّةِ يُلقِى اللهُ فِي قُلُوبِهِم أَن يَلتَفِتُوا فَإِذَا التَفَتُوا فَيَقُولُ اللهُ يَا أَحِبَّائِي مَا التِفَاتُكُم وَ قَد شَفَّعتُ فِيكُم فَاطِمَةَ بِنتَ حَبِيبِي؟ فَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ أَحبَبنَا أَن يُعرَفَ قَدرُنَا فِي مِثلِ هَذَا اليَوم، فَيَقُولُ اللهُ: يَا أَحِبَّائِي إِرجِعُوا وَ انظُرُوا مَن أَحَبَّكُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن أَطعَمَكُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن كَسَاكُم لِحُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن سَقَاكُم شَربَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ، أُنظُرُوا مَن رَدَّ عَنكُم غَيبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ خُذُوا بِيَدِهِ وَ أَدخِلُوهُ الجَنَّةَ.

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: وَاللهِ لَا يَبقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌّ أَو كَافِرٌ أَو مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَينَ الطَّبَقَاتِ نَادَوا كَمَا قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِينَ ❁ وَ لاٰ صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴾ فَيَقُولُونَ ﴿ فَلَوْ أَنَّ لَنٰا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ: هَيهَاتَ هَيهَاتَ مُنِعُوا مَا طَلَبُوا ﴿ وَ لَوْ رُدُّوا لَعٰادُوا لِمٰا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكٰاذِبُونَ[1] ﴾.

امام محمّد باقر ﷺ فرمود: ای جابر! به خدا سوگند حضرت فاطمه ﷺ در آن روز شیعیان و دوستداران خود را برمی‌چیند، چنان‌که پرنده دانهٔ خوب را از

---

۱. انعام، ۲۸

میان دانهٔ بد برمی‌چیند. وقتی شیعیان او به همراهش به در بهشت می رسند، خداوند در دل‌هایشان می‌اندازد که سرشان را برگردانند. چون آنان سر برگردانند، خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! چرا سر بر می‌گردانید حال آن‌که فاطمه دختر حبیبم را شفیعتان گردانده‌ام؟ آنان می‌گویند: پروردگارا! دوست داریم در چنین روزی منزلت ما شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! بازگردید و بنگرید چه کسی به خاطر دوستی فاطمه ؟ شما را دوست داشته و غذایی به شما داده و لباسی به شما پوشانده و جرعه‌ای آب به شما نوشانده و در نبودتان سخنی بد را از شما برگردانده است؛ دستش را بگیرید و به بهشتش درآورید. به خدا سوگند در آن دم هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز شکاکان و کافران و منافقان که چون در میان آن طبقات درآیند، همچنان‌که خداوند متعال فرمود، ندا سر می‌دهند: «برای ما نه شفاعت‌کنندگانی هست و نه دوستی صمیمی» و می‌گویند: «پس اگر برای ما بازگشتی [به دنیا] بود [به آنجا بازمی‌گشتیم] و از ایمان آورندگان می‌شدیم». اما هیهات و هیهات که آنان از آن‌چه می‌خواهند، بازداشته می‌شوند «و اگر بازگردانده شوند، هر آینه به آن‌چه از آن نهی شده‌اند، بازمی‌گردند و همانا آنان دروغگویان‌اند».

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۱۴)

﴿ وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبينَ ﴾

و خویشاوندان نزدیک خود را بیم ده.

۲۷۳. جعفَرُبنُ مُحَمَّدِبنِ أَحمَدَبنِ يُوسُفَ الأُودِي مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ‌بنِ أَبي‌طالِبٍ ؟ قالَ: لَمّا نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ عَلى رَسولِ اللهِ ؟: **﴿ وَ أَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْأَقْرَبينَ ۞ وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ[1] ﴾** قالَ رَسولُ اللهِ ؟: عَرَفتُ إن بَدَأتُ بِها قَومي رَأَيتُ

---

۱. شعراء، ۲۱۵-۲۱۴

مِنهُم مَا أَكرَهُ فَصُمتُ عَلَيهَا حَتَّى أَتَانِي جِبرَئِيلُ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ إِن لَم تَفعَل مَا أُمِرتَ بِهِ عَذَّبَكَ رَبُّكَ.

قَالَ عَلِيٌّ عليه‌السلام: فَدَعَانِي رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللهَ قَد أَمَرَنِي أَن أُنذِرَ عَشِيرَتِي الأَقرَبِينَ فَعَرَفتُ إِن أَبدَءَ بِهِم بِذَلِكَ رَأَيتُ مِنهُم مَا أَكرَهُ، فَصُمتُ عَن ذَلِكَ حَتَّى أَتَانِي جِبرَئِيلُ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ: إِنَّكَ إِن لَم تَفعَل مَا أُمِرتَ بِهِ عَذَّبَكَ رَبُّكَ فَاصنَع لَنَا يَا عَلِيُّ رِجلَ شَاةٍ عَلَى صَاعٍ مِن طَعَامٍ وَ أَعِدلَنَا عَسًّا مِن لَبَنٍ ثُمَّ اجمَع لِي بَنِي عَبدِالمُطَّلِبِ فَفَعَلتُ فَاجتَمَعُوا لَهُ وَ هُم يَومَئِذٍ أَربَعُونَ رَجُلاً يَزِيدُونَ أَو يَنقُصُونَهُ فِيهِم أَعمَامُهُ العَبَّاسُ وَ حَمزَةُ وَ أَبُوطَالِبٍ وَ أَبُولَهَبِ الكَافِرُ.

فَجِئتُ فَقَدَّمتُ إِلَيهِم الجَفنَةَ فَأَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله مِنهَا جَذبَةَ لَحمٍ فَنَتَفَهَا بِأَسنَانِهِ ثُمَّ رَمَى بِهَا فِي نَوَاحِيهَا ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسمِ اللهِ. فَأَكَلَ القَومُ حَتَّى نَهِلُوا عَنهُ مَا يَرَونَ إِلَّا آثَارَ أَصَابِعِهِم وَاللهِ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَأكُلُ مِثلَهَا، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: اِسقِهِم يَا عَلِيُّ، فَجِئتُ بِذَلِكَ القَعبِ فَشَرِبُوا مِنهُ حَتَّى نَهِلُوا جَمِيعًا وَ أَيمُ اللهِ إِن كَانَ الرَّجُلُ مِنهُم لَيَشرَبُ مِثلَهُ، فَلَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله أَن يَتَكَلَّمَ تُذَرَّبَ أَبُولَهَبٍ إِلَى الكَلَامِ فَقَالَ: لَهَدَّ مَا سَحَرَكُم صَاحِبُكُم. فَتَفَرَّقُوا وَ لَم يُكَلِّمُهُم رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله.

جعفربن محمّد بن احمدبن یوسف اودی روایت کرده است: حضرت علی عليه‌السلام فرمود: چون بر رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله نازل شد: «و خویشاوندان نزدیک خود را بیم ده و برای هر یک از مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، تواضع و فروتنی کن» رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: می‌دانستم که اگر دعوتم را با قومم آغاز کنم، از آنان نتیجه‌ای ناخوشایند می‌بینم، از این رو سکوت کردم تا این‌که جبرئیل نزدم آمد و گفت: ای محمّد! اگر آن‌چه را بدان امر شده‌ای انجام ندهی، پروردگارت عذابت می‌کند. رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله مرا فراخواند و فرمود: ای علی! خداوند مرا فرمان داده تا خویشاوندان نزدیکم را بیم دهم و می‌دانم اگر این امر را با آنان آغاز کنم، از آنان نتیجه‌ای ناخوشایند می‌بینم، از این رو سکوت

کردم تا این‌که جبرئیل نزدم آمد و گفت: ای محمّد! اگر آن‌چه را بدان امر شده‌ای انجام ندهی، پروردگارت عذابت می‌کند. پس ای علی! ران گوسفندی با پیمانه‌ای برنج و کاسه‌ای شیر برای ما فراهم آور و سپس پسران عبدالمطلب را برایم گرد آور. من چنین کردم و آنان را برای حضرت گرد آوردم و حال آنان که در آن زمان کم و بیش چهل تن بودند و عموهای حضرت ﷺ، عباس و حمزه و ابوطالب و ابولهب کافر نیز در جمعشان بودند. من آمدم و طبقی نزد ایشان آوردم و رسول خدا ﷺ از آن قطعه‌ای گوشت برداشت و سپس آن را گوشهٔ طبق نهاد و فرمود: با نام خدا بخورید. آن قوم خوردند و چنان دست کشیدند که جز جای انگشتانشان چیزی بر جا نماند و به خدا سوگند هر یک تمامی آن را خوردند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! ایشان را آب بنوشان. من آمدم و مشک آب را آوردم و آنان از آن نوشیدند و همه سیراب شدند و به خدا سوگند هر یک از آنان تمامی آن را نوشیدند. وقتی رسول خدا ﷺ خواست سخن بگوید، ابولهب سخن ایشان را قطع کرد و گفت: یارتان با این کار جادویتان کرد. آنان هم پراکنده شدند و رسول خدا ﷺ با آنان سخن نگفت.

فَلَمَّا كَانَ الغَدُ قَالَ لِي رَسُولُ اللهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ اَعِد لِي مِثلَ الَّذِي كُنتَ صَنَعتَ بِالأَمسِ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَإِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَد بَدَرَنِي إِلَى مَا سَمِعتُ قَبلَ أَن أُكَلِّمَ القَومَ. فَفَعَلتُ ثُمَّ جَمَعتُهُم لَهُ فَصَنَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ كَمَا صَنَعَ بِالأَمسِ فَأَكَلُوا حَتَّى نَهلُوا عَنهُ ثُمَّ سَقَيتُهُم فَشَرِبُوا حَتَّى نَهلُوا عَنهُ مِن ذَلِكَ القَعبِ وَ أَيمُ اللهِ إِن كَانَ الرَّجُلُ مِنهُم لَيَأكُلُ مِثلَهَا.

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: يَا بَنِي عَبدِ المُطَّلِبِ إِنِّي وَاللهِ مَا أَعلَمُ شَابًّا مِنَ العَرَبِ جَاءَ قَومَهُ بِأَفضَلَ مِمَّا جِئتُكُم بِهِ إِنِّي قَد جِئتُكُم بِأَمرِ الدُّنيَا وَ الآخِرَةِ فَأَيُّكُم يَكُونُ وَزِيرِي عَلَى أَمرِي هَذَا عَلَى أَن يَكُونَ أَخِي وَ وَلِيِّي؟ فَأَحجَمَ القَومُ عَنهُ.

قَالَ عَلِيٌّ: فَقُلتُ: ـ وَ إِنِّي لَأَحدَثُهُم سِنًّا وَ أَحمَشُهُم سَاقًا وَ أَعظَمُهُم بَطنًا وَ أَرمَصُهُم عَينًا

أَنَا يَا رَسُولَ اللهِ أَنَا أَكُونُ وَزِيرَكَ عَلَى ذَلِكَ. فَأَخَذَ النَّبِيُّ ﷺ بِعُنُقِي ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَخِي هَذَا وَ وَلِيِّي فَاسمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا.

قَالَ: فَقَامَ القَومُ يَتَضَاحَكُونَ وَ يَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ: قَد أُمِرتَ أَن تُسمِعَ لَهُ وَ تُطِيعَ.

چون فردا شد، رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای علی! همچون آن‌چه دیروز فراهم کردی، امروز نیز خوراک و آشامیدنی آماده کن، چه این مرد پیش از آن‌که با این قوم سخن گویم، شتابان آن‌چه شنیدی را گفت. من چنین کردم و سپس آنان را برای حضرت گرد آوردم و رسول خدا ﷺ آن‌چه را دیروز انجام داد، باز تکرار کرد و آنان خوردند تا این‌که دست کشیدند و سپس آنان را از آن مشک نوشاند تا این‌که سیراب شدند و به خدا سوگند هر یک از آنان تمامی آن را خوردند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: ای پسران عبدالمطلب! به خدا سوگند من هیچ جوانی را از عرب نمی‌شناسم که چیزی برتر از آن‌چه من برایتان آورده‌ام، برای قومش آورده باشد، چه من امر دنیا و آخرت را برایتان آورده‌ام. پس کدام‌یک از شما در این امر وزیر من می‌باشد تا برادر و ولی من باشد؟ امّا آن قوم از حضرت روی گرداندند. من که کم‌سال‌ترین و درشت‌اندام‌ترین و استوارتن‌ترین و تیزبین‌ترین آنان بودم، عرض کردم: من ای رسول خدا! من بر این کار وزیر تو هستم. آن‌گاه پیامبر دست بر گردن من نهاد و فرمود: برادر و ولی من این مرد است، پس حرفش را بشنوید و از او فرمان برید. آن قوم برخاستند و در حالی که می‌خندیدند به ابوطالب گفتند: تو را فرمان داد که حرف او را بشنوی و از او فرمان برید!

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۱۸ ـ ۲۱۹)

﴿ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَ تَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴾

آن کسی که تو را هنگامی که [به نماز] برمی‌خیزی می‌بیند و [نیز] جابه‌جا شدن تو را در [اصلاب] سجده کنندگان [می‌بیند].

۲۷۴. أَحمَدُبنُ الحَسَنِ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فی قَولِهِ تَعالَی ﴿ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ * وَ تَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴾ قَالَ: يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ بِأَمرِهِ وَ تَقَلُّبَكَ فِی أَصلَابِ الأَنبِيَاءِ نَبِیٍّ بَعدَ نَبِیٍّ.

احمدبن حسین روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: آن که تو را هنگامی که به انجام امرش برمی‌خیزی، می‌بیند و نیز جابه‌جا شدن تو را در اصلاب پیامبران یکی پس از دیگری می‌بیند.

(سورهٔ شعراء، آیهٔ ۲۲۷)

﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾

و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت.

۲۷۵. عَن مَالِكِ المازِنی قَالَ: أَتَی تِسعَةُ نَفَرٍ أَبَا سَعِيدٍ الخُدرِیَّ فَقَالُوا: يَا أَبَا سَعِيدٍ هَذَا الَّذِی يَكثُرُ النَّاسُ فِيهِ مَا تَقُولُ فِيهِ؟ فَقَالَ: عَمَّن تَسأَلُونی؟ قَالُوا: نَسأَلُ عَن عَلِیِّبنِ أَبی طالِبٍ. فَقَالَ: أَمَا إِنَّكُم تَسأَلُونَ عَن رَجُلٍ أَمَرُّ مِنَ الدِّفلَی وَ أَحلَی مِنَ العَسَلِ وَ أَخَفُّ مِنَ الرِّيشَةِ وَ أَثقَلُ مِنَ الجِبَالِ، أَمَا وَاللهِ مَا حَلَا إِلَّا عَلَی أَلسِنَةِ المُؤمِنِينَ وَ مَا خَفَّ إِلَّا عَلَی قُلُوبِ المُتَّقِينَ، وَ لَا أَحَبَّهُ قَطُّ لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ إِلَّا حَشَرَهُ اللهُ مِنَ الآمِنِينَ وَ إِنَّهُ لَمِن حِزبِ اللهِ وَ حِزبُ اللهِ هُمُ الغَالِبُونَ.

وَاللهِ مَا أَمَرَّ إِلَّا عَلَی لِسَانِ كَافِرٍ وَ لَا أَثقَلَ إِلَّا عَلَی قَلبِ مُنَافِقٍ، وَ مَا زَوَی عَنهُ أَحَدُ قَطُّ و لا لوا و لا تحزب وَ لَا عَبَسَ وَ لَا يَسِرَ وَ لَا عَسِرَ وَ لَا قَصرَ مَضرَ، يأنصر و لا التَفَتَ وَ لَا نَظَرَ وَ لَا تَبَسَّمَ وَ لَا تَحَرَّی وَ لَا ضَحِكَ إِلَّا صَاحَبَهُ وَ لا عَجَبَ لِهَذَا الأَمرِ إِلَّا حَشَرَهُ اللهُ مُنَافِقًا مَعَ المُنَافِقِينَ ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾.

مالک مازنی گفت: نه نفر نزد ابوسعید خدری آمدند و گفتند: ای ابوسعید! این کسی که مردم بسیار درباره‌اش سخن می‌گویند کیست؟ گفت: نزد من جویای

کیستید؟ گفتند: جویای علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. گفت: بدانید جویای مردی شده‌اید از زهر تلخ‌تر و از عسل شیرین‌تر و از پر سبک‌تر و از کوه‌ها سنگین‌تر، به خدا سوگند او شیرین نیست مگر بر زبان مؤمنان و سبک نیست مگر بر دل‌های پرهیزکاران و هیچ کس او را از برای خدا و رسولش دوست نمی‌دارد جز آن‌که خداوند او را در جرگهٔ امان‌یافتگان برمی‌انگیزد و او بی‌تردید در شمار حزب خداست و حزب خدا همانا چیرگان‌اند، و به خدا سوگند او تلخ نیست مگر بر زبان کافران و سنگین نیست مگر بر دل منافقان و هیچ کس بر او اخم نکرد و از او کناره‌گیری نکرد و طرفداری نکرد و بر او غضب نکرد و سختگیری نکرد و آسان‌گیری نکرد و کوتاهی نکرد و کوشایی نکرد و یاری نکرد و رویگردانی نکرد و نگاه نکرد و خنده نکرد و رسیدگی نکرد جز آن‌که او با وی همگام شد و هیچ جای شگفتی در این امر نیست جز آن‌که خداوند او را برای منافقان نیز منافق برمی‌انگیزد. «و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت.»

۲۷۶. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ قالَ: قامَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِينَا خَطِيبًا فَقَالَ: الحَمدُ لِلّهِ عَلَى آلائِهِ وَ بَلائِهِ عِندَنَا أهلَ البيتِ وَ أستَعِينُ اللهَ عَلَى نَكَباتِ الدُّنيا وَ موبقَاتِ الآخِرَةِ وَ أشهَدُ أن لا إلَهَ إلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أنِّي مُحَمَّدًا عَبدُهُ وَ رَسُولُهُ، أرسَلَنِي بِرِسَالَتِهِ إلَى جَمِيعِ خَلقِهِ ﴿ **لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ**[1] ﴾ وَ اصطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ العَالَمِينَ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ، أعطَانِي مَفَاتِيحَ خَزائِنِهِ كُلِّهَا وَ استَودَعَنِي سِرَّهُ وَ أمَرَنِي بِأمرِهِ فَكَانَ القَائِمُ وَ أنَا الخَاتِمُ وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ إلَّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ ﴿ **اتَّقُوا اللهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لاٰ تَمُوتُنَّ إلاّٰ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**[2] ﴾ وَ اعلَمُوا أنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيءٍ مُحِيطٌ وَ أنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيمٌ.

---

۱. انفال، ۴۲

۲. آل عمران، ۱۰۲

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ سَيَكُونُ بَعدِي قَومٌ يَكذِبُونَ عَلَيَّ فَلا تَقبَلُوا ذَلِكَ وَ أُمُورٌ تَأتِي مِن بَعدِي يَزعَمُ أَهلُهَا أَنَّهَا عَنِّي وَ مَعَاذَ اللهُ أَن أَقُولَ عَلَى اللهِ إِلَّا حَقًّا فَمَا أَمَرتُكُم إِلَّا بِمَا أَمَرَنِي بِهِ وَ لَا دَعَوتُكُم إِلَّا إِلَيهِ ﴿ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴾.

قَالَ: فَقَامَ إِلَيهِ عِبَادَةُ بنُ الصَّامِتِ فَقَالَ: مَتَى ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ وَ مَن هَؤُلَاءِ؟ عَرِّفنَاهُم لِنَحذَرَهُم. فَقَالَ: أَقوَامٌ قَدِ استَعَدُّوا لِلخَلَافَةِ مِن يَومِهِم هَذَا وَ سَيُظهِرُونَ لَكُم إِذَا بَلَغَتِ النَّفسُ مِنِّي هَاهُنَا ـ وَ أَومَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلقِهِ.

عبد الله‌بن عباس گفت: رسول خدا ﷺ در میان ما برخاست تا خطبه‌ای بخواند. آن‌گاه فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوند است به خاطر تمامی نعمت‌ها و بلاهایی که بر ما اهل بیت نازل فرموده است و در برابر ناگواری‌های دنیا و آزارهای آخرت از او یاری می‌جویم و گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز او نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد و من بنده و سفیر او هستم که مرا به پیغمبری بر همهٔ آفریدگان خود فرو فرستاد. «تا هر کس که هلاک (گمراه) شود، از روی دلیل روشنی هلاک شود و آنکه زنده (هدایت) می‌شود از روی دلیل روشنی زنده شود». در میان همهٔ جهانیان، از پیشینیان و آیندگان، مرا برگزید و کلیدهای گنج‌های خود را سراسر به من عطا کرد و سرّش را نزد من به ودیعه نهاد و مرا به امرش فرمان داد و او برپا کننده بود و من به انجام‌رسان و هیچ اراده و توانی نیست جز از سوی خداوند والای والامرتبه «از خدا پروا کنید، آن‌گونه که سزاوار پروا از اوست و نمیرید مگر این‌که مسلمان باشید.» و بدانید که خداوند بر همه چیز احاطه دارد و به همه چیز داناست. ای مردم! به زودی پس از من جمعیتی بر من دروغ می‌بندند، از آنان نپذیرید؛ پس از من اموری پیش می‌آید که برخی می‌پندارند مربوط به من است، به خدا پناه می‌برم از این‌که به غیر از حق به پروردگارم نسبتی دهم. من شما را فرمان ندادم مگر به چیزی که خداوند مرا به آن فرمان داده بود و شما را

فرا نخواندم مگر به سوی او «کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه سرانجامی باز خواهند گشت». سپس عبادةبن صامت از جا برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! آن چه هنگام است و آنان کیستند؟ آن‌ها را به ما معرفی فرما تا از ایشان دوری گزینیم. حضرت فرمود: آن افراد کسانی هستند که خود را از هم اکنون آماده جانشینی من کرده‌اند و این مطلب در آن هنگامی بر شما ظاهر می‌شود که جان من به اینجا برسد ـ و حضرت با دست بر گلوی مبارکش اشاره فرمود.

فَقَالَ لَهُ عِبَادَةُبنُ الصَّامِتِ: فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِلَى مَن يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَعَلَيكُم بِالسَّمعِ وَ الطَّاعَةِ لِلسَّابِقِينَ مِن عِترَتِى فَإِنَّهُم يَصُدُّونَكُم عَنِ الغَيِّ وَ يَهدُونَكُم إِلَى الرُّشدِ وَ يَدعُونَكُم إِلَى الحَقِّ فَيُحيُونَ كِتَابَ رَبِّى وَ سُنَّتِى وَ حَدِيثِى وَ يُمِيتُونَ البِدَعَ وَ يُقِيمُونَ بِالحَقِّ أَهلَهَا وَ يَزُولُونَ مَعَ الحَقِّ حَيثُ مَا زَالَ، فَلَن يُخَيَّلَ إِلَى أَنَّكُم تَعمَلُونَ وَلَكِنِّى مُجتَمِعُ عَلَيكُم إِذَا أَعلَمتُكُم ذَلِكَ فَقَد أَعلَمتُكُم.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَنِى وَ أَهلَ بَيتِى مِن طِينَةٍ لَم يَخلُق أَحَدًا غَيرَنَا وَ مَن ضَوَى إِلَينَا فَكُنَّا أَوَّلُ مَنِ ابتَدَأَ مِن خَلقِهِ فَلَمَّا خَلَقَنَا فَتَقَ بِنُورِنَا كُلَّ ظُلمَةٍ وَ أَحيَا بِنَا كُلَّ طِينَةٍ طَيِّبَةٍ وَ أَمَاتَ بِنَا كُلَّ طِينَةٍ خَبِيثَةٍ ثُمَّ قَالَ: هَؤُلَاءِ خِيَارُ خَلقِى وَ حَمَلَةُ عَرشِى وَ خُزَّانُ عِلمِى وَ سَادَةُ أَهلِ السَّمَاءِ وَ الأَرضِ، هَؤُلَاءِ البَرَرَةُ المُهتَدُونَ المُهتَدِى بِهِم، مَن جَاءَنِى بِطَاعَتِهِم وَ وَلَايَتِهِم أَولَجتُهُ جَنَّتِى وَ كَرَامَتِى وَ مَن جَاءَنِى بِعِدَاوَتِهِم وَ البَرَائَةِ مِنهُم أَولَجتُهُ نَارِى وَ ضَاعَفتُ عَلَيهِ عَذَابِى وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ.

عبادةبن صامت عرض کرد: چون چنین شد، به چه کسی روی آوریم ای رسول خدا؟! فرمود: چون چنین شد، بر شماست که از پیشی گیرندگان خاندان من فرمانبری کنید، چه ایشان شما را از گمراهی باز می‌دارند و به هدایت راهنمایی‌تان می‌کنند و به حق فرا می‌خوانند و کتاب پروردگار مرا و سنت و حدیث مرا زنده می‌کنند و بدعت‌ها را می‌میرانند و اهل بدعت را به راه حق در

می‌آورند و پابه‌پای حق حرکت می‌کنند؛ با این همه گمان نمی‌کنم که شما چنین کنید، امّا من شما را گرد آوردم و از آن‌چه که بایست آگاه ساختم.

ای مردم! خداوند تبارک و تعالی مرا و اهل بیتم را از سرشتی آفرید که هیچ کس از غیر ما و پناه آورندگان به سوی ما را از آن نیافرید. ما نخستین کسانی بودیم که آفرینش خود را با آنان آغاز نمود، چون ما را آفرید، با نور ما تمامی تاریکی‌ها را شکافت و با ما تمامی سرشت‌های پاک را زنده گرداند و با ما تمامی سرشت‌های ناپاک را میراند؛ سپس فرمود: اینان برگزیدگان آفریدگان من‌اند و حاملان عرش من و نگاهبانان علم من و سروران آسمانیان و زمینیان، اینان نیکان هدایت‌یافته‌اند که به ایشان دیگران هدایت شوند. هر که با فرمانبری از ایشان و ولایت ایشان نزد من آید، او را در بهشتم و کرامتم جای می‌دهم و هر که با دشمنی با ایشان و دوری جویی از ایشان نزد من آید، او را در دوزخم جای می‌دهم و عذابم را بر او دوچندان می‌کنم و این است سزای ستمکاران.

ثُمَّ قَالَ: نَحنُ أَهلُ الإِیمَانِ بِاللهِ مِلاکُهُ وَ تَمَامُهُ حَقًّا وَ بِنَا سِدَادُ الأَعمَالِ الصَّالِحَةِ، وَنَحنُ وَصِیَّةُ اللهِ فِی الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِینَ، وَإِنَّ مِنَّا الرَّقِیبَ عَلَی خَلقِ اللهِ وَ نَحنُ قَسمُ اللهِ قَسَمَ بِنَا حَیثُ یَقُولُ: ﴿ **اتَّقُوا اللهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا**[1] ﴾.

أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا أَهلَ البَیتِ عَصَمَنَا اللهُ مِن أَن نَکُونَ مَفتُونِینَ أَو فَاتِنِینَ أَو مُفتِنِینَ أَو کَذَّابِینَ أَو کَاهِنِینَ أَو سَاحِرِینَ أَو عَایِقِینَ أَو خَائِنِینَ أَو زَاجِرِینَ أَو مُبتَدِعِینَ أَو مُرتَابِینَ أَو صَادِفِینَ عَنِ الخَلقِ مُنَافِقِینَ، فَمَن کَانَ فِیهِ شَیءٌ مِن هَذِهِ الخِصَالِ فَلَیسَ مِنَّا وَ لَا أَنَا مِنهُ وَ اللهُ مِنهُ بَرِیءٌ وَ نَحنُ مِنهُ بَرَاءٌ وَ مَن بَرَاءَ اللهُ مِنهُ أَدخَلَهُ جَهَنَّمَ وَ بِئسَ المِهَادُ، وَ إِنَّا أَهلَ البَیتِ طَهَّرَنَا اللهُ مِن کُلِّ نَجِسٍ فَنَحنُ الصَّادِقُونَ إِذَا نَطَقُوا وَ العَالِمُونَ إِذَا سُئِلُوا وَ الحَافِظُونَ لِمَا استُودِعُوا، جَمَعَ اللهُ لَنَا عَشرَ خِصَالٍ لَم یَجتَمِعنَ لِأَحَدٍ قَبلَنَا وَ لَا تَکُونُ لِأَحَدٍ غَیرَنَا: العِلمُ وَ الحِلمُ وَالحُکمُ وَ اللُّبُّ وَ النُّبُوَّةُ وَ الشُّجَاعَةُ وَ الصِّدقُ

---

۱. نساء، ۱

وَالصَّبرُ وَ الطَّهارَةُ وَ العِفافُ ، فَنحنُ كَلِمَةُ التَّقوَى وَ سَبِيلُ الهُدَى وَ المَثَلُ الأَعلَى وَالحُجَّةُ العُظمَى وَ العُروَةُ الوُثقَى وَ الحَقُّ الَّذِى أَمَرَ اللهُ فِى المَوَدَّةِ ﴿ **فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلاٰلُ فَأَنّٰى تُصْرَفُونَ**[1] ﴾.

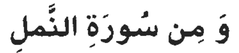
ما اهل ایمان به خداوندیم و ملاک و کمال بر حق ایمان به اوییم که کارهای نیک به ما استوار می‌گردد و ما سفارش خداوند در میان پیشینیان و آیندگانیم و نگهبان بر آفریدگان خدا از ماست و ما سوگند خداییم که به ما سوگند یاد کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «بپرهیزید از بازخواست خدایی که از یکدیگر تقاضا می‌کنید که به او سوگند یاد کنید و بترسید از عذاب آن پروردگار دربارهٔ ارحام و قطع رحم نکنید و بدانید که خداوند نگهبان شماست.» ای مردم! همانا خداوند ما اهل بیت را مصون داشت از این‌که فریفته یا فریبنده یا فتنه‌گر یا پیشگو یا جادوگر یا ظاهرساز یا خیانتکار یا سرزنشگر یا بدعتگر یا شکاک باشیم یا از خلق دوری گزینیم و نفاق ورزیم. هر که چیزی از این خصلت‌ها در او باشد، از ما نیست و ما از او نیستیم و خداوند از او بیزار است و ما از او بیزاریم و هر که را خدا از او بیزار شود، به جهنم در می‌آورد که چه بد جایگاهی است! همانا خداوند ما اهل بیت را از هر ناپاکی پاک گردانید و از این رو ما راستگویانیم چون به سخن آییم و داناییم چون پرسیده شویم و نگاه دارندگانیم برای آن‌چه به امانت داریم. خداوند برای ما ده خصلت را جمع آورد که پیش از ما برای هیچ کس جمع نیامده و دیگر نخواهد آمد: دانش و بردباری و حکمت و خردمندی و پیام‌آوری و دلیری و راستی و صبر و پاکی و پاکدامنی؛ پس ما کلمه پرهیزکاری و راه هدایت و نمونه و حجت و ریسمان استوار هستیم که خداوند به دوستی ما فرمان داده است «و بعد از حق جز گمراهی چیست، پس چگونه [از راه راست] برگردانده می‌شوید؟

---

۱. یونس، ۳۲.







وَ مِن سُورَةِ النَّملِ

(سورهٔ نمل، آیهٔ ۶۰ ـ ۶۴)

﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الأَرضِ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً * أَمَّنْ جَعَلَ الأَرضِ قَرارًا وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهارًا * أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الأَرضِ أَ إِلٰهٌ مَعَ اللهِ قَليلاً ما تَذَكَّرُونَ * أَمَّنْ يَهْديكُمْ في ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ * أَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعيدُهُ قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ ﴾

بلکه کسی [بهتر است] که آسمان‌ها و زمین را آفرید و برای شما از آسمان آبی فرو فرستاد... بلکه کسی [بهتر است] که زمین را قرارگاهی [برای انسان] قرار داد و در میان آن رودهایی پدید آورد... بلکه کسی [بهتر است] که درمانده را اجابت می‌کند، هرگاه که او را بخواند، و بدی را از وی برطرف می‌سازد، و شما را جانشینان در زمین قرار می‌دهد. آیا با خدا معبودی [دیگر] است؟ اندکی پند می‌گیرید. بلکه کسی [بهتر است] که شما را در تاریکی‌های خشک و دریا راه می‌نماید، بلکه کسی [بهتر است] که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید.

۲۷۷. القَاسِمُ بنُ حَمَّادٍ الدَّلَّالِ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت خَمسُ آیَاتٍ ﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ وَ أَنْزَلَ لَکُمْ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ إِنْ کُنْتُمْ صٰادِقِینَ ﴾ وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ إِلَى جَنبِ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَانتَفَضَ إِنتِفَاضَ العُصفُورِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: مَا لَكَ يَا عَلِيُّ؟! قَالَ: عَجِبتُ مِن جُرأَتِهِم عَلَى اللهِ وَ حِلمِ اللهِ عَنهُم. قَالَ: فَمَسَحَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ: أَبشِر يَا عَلِيُّ فَإِنَّهُ لا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ وَ لَا يُبغِضُكَ مُؤمِنٌ وَ لَو لَا أَنتَ لَم يُعرَف حِزبُ اللهِ وَ حِزبُ رَسُولِهِ.

قاسم بن حمّاد دلّال گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: زمانی که پنج آیهٔ مذکور نازل شد، حضرت علی ﷺ درکنار رسول خدا ﷺ بود که ناگهان چون لرزش گنجشک بر خود لرزید. رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای علی! چه شده است؟ حضرت علی ﷺ فرمود: از گستاخی آنان بر خداوند و بردباری خداوند در برابر آنان تعجب کردم. در این هنگام رسول خدا ﷺ از وی دلجویی کرد و فرمود: ای علی! مژده باد تو را که هیچ منافقی تو را دوست نمی‌دارد و هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد. ای علی! اگر تو نبودی، حزب خدا و حزب رسولش شناخته نمی‌شدند.

(سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۲)

﴿ وَ إِذٰا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ أَخْرَجْنٰا لَهُمْ دٰابَّةً مِنَ الأَرضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النّٰاسَ کٰانُوا بِآیٰاتِنٰا لاٰ یُوقِنُونَ ﴾

و هرگاه آن سخن (وعدهٔ عذاب) بر آنان (کافران) واقع شود، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آن‌ها سخن می‌گوید که: مردم به آیات ما یقین نمی‌کردند.

۲۷۸. عَن خَیثَمَةَ الجُعفِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِی جَعفَرٍ ﷺ فَقَالَ لِی: یَا خَیثَمَةُ أَبلِغ مَوَالِینَا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُم أَنَّهُم لَن یَنَالُوا مَا عِندَ اللهِ إِلَّا بِالعَمَلِ، وَ لَن یَنَالُوا وَلَایَتَنَا إِلَّا بِالوَرَعِ، یَا خَیثَمَةُ لَیسَ یَنتَفِعُ مَن لَیسَ مَعَهُ وَلَایَتُنَا وَ لَا مَعرِفَتُنَا أَهلَ البَیتِ، وَاللهِ إِنَّ الدَّابَّةَ

لَتخرُجُ فتُكَلِّمُ النّاسَ مُؤمِنٌ وَ كَافِرٌ وَ إِنَّهَا تَخرُجُ مِن بَيتِ اللهِ الحَرَام فَلَيسَ يَمُرُّ بِهَا يَعنِى مِنَ الخَلقِ مُسلِمِينَ مُؤمِنِينَ وَ إِنَّمَا كَفَرُوا بِـوَلَايَتِنَا ﴿ لَا يُوقِنُونَ ﴾ يَـا خَـيثَمَةُ ﴿ كَـانُوا بآيَاتِنَا ﴾ لَا يُقِرُّونَ.

يَا خَيثَمَةُ اللهُ الإِيمَانُ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ اَلمُؤمِنُ المُهَيمِنُ[1] ﴾ وَ نَحنُ أَهـلُهُ وَ فِـينَا مَسكَـنُهُ يَعنِى الإِيمَانَ وَ مِنَّا يُشَعَّبُ وَ مِنَّا عُرِفَ الإِيمَانُ وَ نَحنُ الإِسـلَامُ وَ بِـنَا عُـرِفَ شَـرَائِعُ الإِسلام وَ بِنَا تُشَعَّبُ.

يَا خَيثَمَةُ مَن عَرَفَ الإِيمَانَ وَ اتَّصَلَ بِهِ لَم تُنَجِّسهُ الذُّنُوبُ كَمَا أَنَّ المِصبَاحَ يُضِيءُ وَ يُنفِذُ النُّورَ وَ لَيسَ يَنقُصُ مِن ضَوئِهِ شَيءٌ كَذَلِكَ مَن عَرَفَنَا وَ أَقَرَّ بِوَلَايَتِنَا غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ.

خیثمه جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر ﷺ رسیدم. ایشان به من فرمود: ای خیثمه! سلام ما را به دوستانمان برسان و آگاهشان ساز که تنها با عمل می توانند به ثواب‌هایی که نزد خداوند است، دست یابند و تنها با پارسایی به ولایت ما دست می‌یابند. ای خیثمه! کسی که ولایت ما و شناخت ما اهل بیت را ندارد، سود و بهره‌ای نمی‌برد. به خدا سوگند وقتی آن جنبنده از خانهٔ کعبه بیرون آید، با مردم مؤمن و کافر سخن می‌گوید، اما از کسانی که بر ایشان می‌گذرد، مسلمانان مؤمن را منظور ندارد، بلکه کسانی را منظور دارد که به ولایت ما کفر ورزیده‌اند، کسانی که «یقین نمی‌کردند» ای خیثمه! و «به آیات ما» اقرار نمی‌کردند.

ای خیثمه! خداوند ایمان است که خود را در قرآن مؤمن و مهیمن نامیده است و ما اهل او و مسکن ایمانیم و ایمان از ما شعبه می‌گیرد و به وسیلهٔ ما شناخته می‌شود و ما اسلامیم و احکام اسلام به وسیلهٔ ما شناخته می‌شود و از ما شعبه می‌گیرد.

ای خیثمه! هر که ایمان را بشناسد و به آن بپیوندد، گناهان او را ناپاک نمی‌گرداند، همان‌گونه که چراغ می‌تابد و نور می‌افکند و هیچ چیز از روشنایی آن نمی‌کاهد، هرکس ما را بشناسد و به ولایت ما اقرار کند، خداوند گناهانش را می‌آمرزد.

---

۱. حشر، ۲۴

(سورهٔ نمل، آیهٔ ۸۹ ـ ۹۰)

﴿ مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ * وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاّ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾

هرکس نیکی آوَرَد برای او [پاداشی] بهتر از آن است، و آنان در آن روز از هراس ایمن هستند. و هرکس بدی آوَرَد، چهره‌هایشان در آتش واژگون شود. آیا جز آن‌چه انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید؟

۲۷۹. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ عَن عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴾ قالَ: فَقالَ: یا أَصبَغُ ما سَأَلَنی أَحَدٌ عَن هَذِهِ الآیَةِ وَ لَقَد سَأَلتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ کَما سَأَلتَنی فَقالَ لِی: سَأَلتُ جَبرَئیلَ عَنها فَقالَ: یا مُحَمَّدُ إِذاکانَ یَومُ القِیامَةِ حَشَرَکَ اللهُ أَنتَ وَ أَهلَ بَیتِکَ وَ مَن یَتَوَلّاکَ وَ شیعَتَکَ حَتّی یَقِفُوا بَینَ یَدَیِ اللهِ فَیَستُرُ اللهُ عَورَاتِهِم وَ یُؤمِنُهُم مِنَ الفَزَعِ الأَکبَرِ بِحُبِّهِم لَکَ وَ لِأَهلِ بَیتِکَ وَ لِعَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ. قالَ: جَبرَئیلُ أَخبَرَنی فَقالَ: یا مُحَمَّدُ مَنِ اصطَنَعَ إِلَی أَهلِ بَیتی مَعرُوفاً کافَیتُهُ یَومَ القِیامَةِ یا عَلِیُّ شیعَتُکَ وَاللهِ آمِنونَ فَرِحُونَ فَیَشفَعُونَ فَیُشَفَّعُونَ ثُمَّ قَرَأَ: ﴿ فَلا أَنْسابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لا يَتَساءَلُونَ ﴾[1].

اصبغ بن نباته گفت: حضرت علی ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و آن‌ها در آن روز از هراس ایمن هستند» فرمود: ای اصبغ! هیچ کس از من تفسیر این آیه را نپرسیده و همچنان که تو امروز از من پرسیدی، من از رسول خدا ﷺ تفسیرش را پرسیدم، ایشان فرمود: من از جبرئیل دربارهٔ آن پرسیدم، او گفت: ای محمّد! روز قیامت که برپا شود، خداوند تو و اهل بیتت و دوستان و شیعیانت را محشور می‌سازد تا برابر خدا بایستند. آن‌گاه خداوند عیوب آن‌ها

۱. مؤمنون، ۱۰۱

را می‌پوشاند و آن‌ها را به‌دلیل دوستی تو و اهل بیت تو و به خاطر علی بن ابی طالب ﷺ از هراس بزرگ ایمن می‌سازد.

پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل مرا باخبر ساخت و گفت: ای محمّد! هر که به اهل بیت تو نیکی کند، در روز قیامت من او را بسنده‌ام.

ای علی! به خدا سوگند شیعیان تو شادمان و در امان‌اند، شفاعت می‌کنند و شفاعت آنان پذیرفته می‌شود. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «در آن روز میان آن‌ها خویشاوندی نخواهد بود و از [حال] یکدیگر سؤال نمی‌کنند.»

۲۸۰. عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ الجَدَلِیِّ: عَن أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیٍّ ﷺ قَالَ: قَالَ لِی یَا أَبَاعَبدِ اللهِ أَلَا أُخبِرُكَ بِالحَسَنَةِ الَّتِی مَن جَاءَ بِهَا أَمِنَ مِن فَزَعِ یَومِ القِیَامَةِ؟ حُبُّنَا أَهلَ البَیتِ ثُمَّ قَالَ: أَلا أُخبِرُكَ بِالسَّیِّئَةِ الَّتِی مَن جَاءَ بِهَا أَكَبَّهُ اللهُ عَلَی وَجهِهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ؟ بُغضُنَا أَهلَ البَیتِ. ثُمَّ تَلَا أَمِیرُ المُؤمِنِینَ ﷺ: ﴿ **مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاّ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ** ﴾.

عبد الله جدلی گفت: امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ به من فرمود: ای ابا عبد الله! آیا تو را از کار نیکی آگاه سازم که هر که آن را با خود بیاورد از هراس روز قیامت امان یابد؟ آن کار نیک، دوستی ما اهل بیت ﷺ است. سپس فرمود: آیا تو را از کار بدی آگاه سازم که هر که آن را با خود بیاورد، خداوند او را با صورت در آتش دوزخ واژگون خواهد کرد؟ آن کار، دشمنی با ما اهل بیت است. سپس امیرمؤمنان این آیه را تلاوت فرمود: «هرکس نیکی آوَرَد برای او [پاداشی] بهتر از آن است، و هرکس بدی آوَرَد، چهره‌هایشان در آتش واژگون شود. آیا جز آن‌چه انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید؟»





وَ مِن سُورَةِ القِصَصِ

(سورهٔ قصص، آیهٔ ۵ ـ ۶)

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوٰارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هٰامٰانَ وَ جُنُودَهُمٰا مِنْهُمْ مٰا كٰانُوا يَحْذَرُونَ ﴾

و ما می‌خواهیم بر کسانی که در آن سرزمین ضعیف شمرده شده‌اند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان قرار دهیم و آنان را وارثان گردانیم. و در زمین به آنان قدرت دهیم و از آنان (بنی‌اسرائیل) به فرعون و هامان و لشکریانشان آن‌چه راکه از آن می‌ترسیدند، نشان می‌دهیم.

۲۸۱. عَن أَبِی المُغِیرَةِ قَالَ: قَالَ عَلِیٌّ عليه السلام: فِینَا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةِ **﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوٰارِثِينَ ﴾**.

ابی‌مغیره گفت: حضرت علی عليه السلام فرمود: این آیه دربارهٔ ما نازل شد.

۲۸۲. قَالَ: حَدَّثَنَا الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ عَن عَلِیٍّ عليه السلام قَالَ: مَن أَرَادَ أَن یَسأَلَ عَن أَمرِنَا وَ أَمرِ القَومِ فَأَنَا وَ أَشیَاعُنَا یومَ خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرضِ عَلَی سُنَّةِ مُوسَی وَ أَشیَاعِهِ وَ إِنَّ عَدُوَّنَا یومَ خَلقِ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ عَلَی سُنَّةِ فِرعَونَ وَ أَشیَاعِهُ فَلیَقرَأ هَؤُلَاءِ الآیَاتِ مِن أَوَّلِ

السُّورةِ إلَی قَولِه: ﴿ یَحْذَرُونَ ﴾ ، وَ إنّی أُقسِمُ باللهِ الَّذی فَلَقَ الحَبَّةَ وَ بَرأَ النَّسمَةَ الَّذی أَنزَلَ الکِتابَ عَلَی مُحمَّدٍ صلی الله علیه و آله صِدقًا وَ عَدلًا لِیَعطِفَنَّ عَلَیکُم هَؤلاءِ عَطفَ الضَّرُوسِ عَلَی وُلدِهَا.

حسین بن سعید گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: هر که می‌خواهد دربارهٔ امر ما و امر این قوم بپرسد، همانا من و شیعیان ما در روزی که آسمان‌ها و زمین خلق شدند، بر سنّت موسی و شیعیانش آفریده شدیم و دشمنان ما در روزی که آسمان‌ها و زمین خلق شدند، بر سنّت فرعون و یارانش آفریده شدند؛ اگر این آیات از آغاز سوره تا «یحذرون» قرائت شود؛ به خدایی که دانه را شکافت و موجودات را آفرید و کتاب را بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله به راستی و عدالت نازل فرمود، سوگند یاد می‌کنم که هر آینه این آیات همچون مهر بر فرزندان بر شما مهر ورزد.

۲۸۳. عَن ثُوَیرِبنِ أَبی فَاخِتَةَ قَالَ: قَالَ لِی عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیهما السلام: أَتَقرَأُ القُرآنَ؟ قَالَ: قُلتُ: نَعَم، قَالَ: فَاقرَأ طسم سُورَةَ موسَی وَ فِرعَونَ، قَالَ: فَقَرأتُ أَربَعَ آیاتٍ مِن أَوَّلِ السُّورَةِ إِلَی قَولِهِ ﴿ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ ﴾ قَالَ لِی: مَکَانَکَ حَسبُکَ وَالَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالحَقِّ بَشِیرًا وَ نَذِیرًا إنَّ الأَبرَارَ مِنَّا أَهلَ البَیتِ وَ شِیعَتَنا کَمَنزِلَةِ مُوسی وَ شِیعَتِهِ.

ثویر بن ابی فاخته گفت: امام سجاد علیه السلام به من فرمود: آیا قرآن می‌خوانی؟ عرض کردم: بلی. فرمود: طسم سوره موسی و فرعون را بخوان. چهار آیه از اول سوره را تا «آنان را وارثان گردانیم» خواندم. آن گاه امام علیه السلام به من فرمود: تا همین جا بس است، سوگند به خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله را به حق، بشارت‌دهنده برانگیخت، همانا نیکان ما اهل بیت و شیعیانمان همانند موسی و شیعیانش هستیم.

(سورهٔ قصص، آیهٔ ۴۴)

﴿ وَ ما کُنْتَ بِجانِبِ الْغَرْبِیِّ إِذْ قَضَیْنا إِلیٰ مُوسَی الْأَمْرَ ﴾

و هنگامی که امر [رسالت] را به موسی وحی کردیم، تو در طرف غربی [کوه طور] نبودی.

۲۸۴ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ مِثلُهُ و زَادَ فِيهِ فِي الوِصَايَةِ وَ حَدَّثَهُ بِمَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ وَ قَد حَدَّثَ نَبِيَّهُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَ حَدَّثَهُ بِإختِلافِ هَذِهِ الأُمَّةِ مِن بَعدِهِ فَمَن زَعِمَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ مَاتَ بِغَيرِ وَصِيَّةٍ فَقَد كَذَبَ وَ جَهِلَ نَبِيَّهُ.

ابن عباس در حديثى دربارهٔ امر وصايت گفت: خداوند براى پيامبرش از آن‌چه كه رخ داده بود و رخ مى‌داد و از اختلافى كه پس از ايشان ميان امتش به وجود آمد، سخن گفته بود؛ پس هر كه گمان كند رسول خدا ﷺ بدون هيچ وصيّتى درگذشته است، دروغ گفته و پيامبرش را نشناخته است.

۲۸۵ . عَن عَدِيِّ بنِ ثَابِتٍ الأَنصَارِيِّ قَالَ: قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ فِي قَولِ اللهِ: ﴿ **وَ مٰا كُنْتَ بِجٰانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنٰا إِلىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَ مٰا كُنْتَ مِنَ الشّٰاهِدِينَ** ﴾ قَالَ: قَضَى إِلَيهِ بِالوَصِيَّةِ إِلَى يُوشَعَ بنِ نُونٍ وَ أَعلَمَهُ أَنَّهُ لَم يَبعَث نَبِيًّا إِلَّا وَ قَد جَعَلَ لَه وَصِيًّا وَ إِنِّي بَاعِثٌ نَبِيًّا عَرَبِيًّا وَ جَاعِلُ وَصِيِّهُ عَلِيًّا. قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: فَمَن زَعِمَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ لَم يُوصِ فَقَد كَذَبَ عَلَى اللهِ وَ جَهِلَ نَبِيَّهُ وَ قَد أَخبَرَ اللهُ نَبِيَّهُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَومِ القِيَامَةِ.

ابن عباس گفت: در اين آيه به حضرت موسى ﷺ امر وصايت يوشع‌بن نون وحى گرديد و خداوند او را آگاه ساخت كه هيچ پيامبرى برانگيخته نمى‌شود مگر آن‌كه خداوند براى او وصى قرار مى‌دهد و همانا خداوند پيامبرى عربى را برمى‌انگيزد و على ﷺ را وصىّ او قرار مى‌دهد. ابن‌عباس گفت: پس هر كه گمان كند رسول‌خدا ﷺ وصيت نكرده است، به راستى بر خدا دروغ بسته و پيامبرش را نشناخته است؛ چراكه خداوند پيامبرش را از آن‌چه كه تا به روز قيامت رخ دهد، خبر داده است.

(سورهٔ قصص، آيهٔ ۴۶)

﴿ وَ مٰا كُنْتَ بِجٰانِبِ الطُّورِ إِذْ نٰادَيْنٰا ﴾

و هنگامى كه [موسى را] ندا داديم در كنار [كوه]طور نبودى.

۲۸۶. عَن أَبی‌سَعیدٍ المَدَائِنِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام مَا مَعنَی قَولِهِ: ﴿ **وَ مٰا کُنْتَ بِجٰانِبِ الطُّورِ إِذْ نٰادَیْنٰا** ﴾ قَالَ: کِتَابٌ کَتَبَهُ اللهُ یَا أَبَا سَعِیدٍ فِی وَرَقَةٍ آسٍ اسمُهُ قَبلَ أَن یَخلُقَ الخَلقَ بِأَلفَی عَامٍ ثُمَّ صَیَّرَهَا مَعَهُ فِی عَرشِهِ أَو تَحتَ عَرشِهِ فِیهَا: یَا شِیعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ قَد أَعطَیتُکُم قَبلَ أَن تَسأَلُونِی وَ غَفَرتُ لَکُم قَبلَ أَن تَستَغفِرُونِی وَ مَن أَتَانِی مِنکُم بِوَلَایَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَسکَنتُهُ جَنَّتِی بِرَحمَتِی.

ابی‌سعید مدائنی گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: معنی «و هنگامی که موسی را ندا دادیم در کنار طور نبودی» چیست؟ امام علیه السلام فرمود: ای اباسعید! منظور از آن نوشته‌ای است که خدا آن را در ورقه‌ای به‌نام آس دو هزار سال پیش از آن‌که خلق را بیافریند، نگاشت و سپس آن را با خود در عرشش و یا به زیر عرشش قرار داد، بر آن نوشته است: ای شیعیان خاندان محمّد! پیش از آن‌که از من بخواهید، به شما عطا کرده‌ام و پیش از آن‌که از من آمرزش بخواهید، شما را آمرزیده‌ام، هر کس از شما با ولایت محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان محمّد علیهم السلام نزد من آید، او را با رحمت خود در بهشتم جای می‌دهم.



وَ مِن سُورَةِ العَنكَبُوتِ

(سورۂ عنکبوت، آیۂ ۱ ـ ۲)

﴿ الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاٰ يُفْتَنُونَ ﴾

الف لام میم. آیا مردم پنداشتند که اگر بگویند «ایمان آوردیم» رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟

۲۸۷. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ الأَنصارِيِّ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ إِذ أَقبَلَ عَلِيٌّ عليه السلام فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيهِ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ: الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ. قَالَ: قُلنَا: صَدَّقتَ يَا رَسُولَ اللهِ الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ قَد ظَنَنَّا أَنَّكَ لَم تَقُلهَا إِلَّا بِعَجَبٍ مِن شَيءٍ رَأَيتَهُ. قَالَ: نَعَم لَمَّا رَأَيتُ عَلِيًّا مُقبِلًا ذَكَرتُ حَدِيثًا حَدَّثَنِي حَبِيبِي جَبرَئِيلُ عليه السلام، قَالَ: قَالَ: إِنِّي سَأَلتُ اللهَ أَن يَجمَعَ الأُمَّةُ عَلَيهِ فَأَبَى عَلَيهِ إِلَّا أَن يَبلُوَ بَعضَهُم بِبَعضٍ حَتَّى يَمِيزَ الخَبِيثُ مِنَ الطَّيِّبِ وَ أَنزَلَ عَلَينَا بِذَلِكَ كِتَابًا: **﴿ الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاٰ يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴾** الآيَةَ، أَمَّا أَنَّهُ قَد عَوَّضَهُ مَكَانَهَا بِسَبعِ خِصَالٍ: بَلَى سِترُ عَورَتِكَ وَ يَقضِي دَينَكَ وَ عِدَاتِكَ وَ هُوَ مَعَكَ عَلَى عَقرِ حَوضِكَ، وَ هُوَ مِشكَاةٌ لَكَ يَومَ القِيَامَةِ، وَ لَن يَرجِعَ كَافِرًا بَعدَ إِيمَانٍ وَ لَا زَانٍ بَعدَ إِحصَانٍ فَكَم مِن ضِرسٍ قَاطِعٍ لَهُ فِي الإِسلَامِ مَعَ

الْقِدَمِ فِی الإِسْلَامِ وَ العِلمِ بِکَلَامِ اللهِ وَ الفِقهِ فِی دِینِ اللهِ مَعَ الصِّهرِ وَ القَرَابَةِ وَ النَّجدَةِ فِی الحَربِ وَ بَذلِ المَاعُونِ وَ الأَمرِ بِالمَعرُوفِ وَ النَّهیِ عَنِ المُنکَرِ وَ الوَلَایَةِ لِوَلِیِّی وَ العَدَاوَةِ لِعَدُوِّی بَشِّرهُ یَا مُحَمَّدُ بِذَلِكَ.

جابربن عبدالله انصاری گفت: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که حضرت علی ؑ آمد. پیامبر به او نگاه کرد و فرمود: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که پروردگار جهانیان است و هیچ شریکی ندارد. ما عرض کردیم: گمان می‌کردیم تنها زمانی این سخن را می‌گویید که از چیزی که دیده‌اید تعجب کرده‌اید. فرمود: بله؛ وقتی علی ؑ را دیدم که می‌آید، به یاد سخنی افتادم که دوستم جبرئیل ؑ برایم گفت. او گفت: من از خدا خواستم که این امت را بر امامت او گرد آورد، امّا او نپذیرفت تا برخی از آنان را به برخی دیگر بیازماید تا پلید از پاک جدا گردد و در این امر آیه‌ای بر ما نازل فرمود: «الف لام میم. آیا مردم پنداشتند که اگر بگویند "ایمان آوردیم" رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟ و بی‌تردید کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمودیم؛ پس مسلّماً خداوند کسانی را که راست گفتند، می‌شناسد و قطعاً دروغگویان را [نیز] می‌شناسد.» اما به جای آن هفت خصلت را به او عطا کرد: این‌که عورت تو را (به هنگام مرگ) بپوشاند و قرض و قول تو را ادا کند و بر حوض تو همراه تو باشد و در روز قیامت مشکاتی برای تو باشد و هرگز پس از ایمان به کفر نگراید و هرگز پس از پاکدامنی به غیر آن نباشد و در راه اسلام چه بسیار تیغ برّان دارد و در این راه پیشگام است و به کلام خدا عالم است و در دین خدا فقیه است و این همه افزون است بر دامادی و خویشاوندی و یاری در جنگ و بخشیدن اموال و امر به معروف و نهی از منکر و دوستی با دوست من و دشمنی با دشمن من؛ ای محمّد! او را بر این امر مژده بده.

۲۸۸. عَنِ السُّدِیِّ فِی قَولِهِ: ﴿الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لاٰ یُفْتَنُونَ *

وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللهُ الَّذينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبينَ ﴾ قالَ: الَّذِينَ صَدَقُوا عَلِيٌّ وَ أَصحَابُهُ.

سدی دربارهٔ این آیه گفت: کسانی که راست گفتند، حضرت علی عليه‌السلام و اصحاب ایشان‌اند.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۵ ـ ۶)

﴿ مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ * وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ ﴾

هرکس امید ملاقات خدا (برانگیخته شدن) را دارد [بداند که] اجل خدا (مدّتی راکه خدا تعیین کرده) آمدنی است، و او شنوای داناست. هرکس [با نفس خود و دشمنان دین] جهاد کند، تنها به سود خویش جهاد می‌کند، به راستی خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

۲۸۹. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ مَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ اللهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ ﴾ نَزَلَت فِی بَنِی‌هَاشِمٍ مِنهُم حَمزَةُبنُ عَبدِالمُطَّلِبِ وَ عُبَيدَةُبنُ الحَارِثِ وَ فِيهِم نَزَلَت ﴿ وَ مَنْ جاهَدَ فَإِنَّما يُجاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعالَمينَ ﴾.

ابن عباس گفت: این آیات دربارهٔ بنی‌هاشم که حمزةبن عبدالمطلب و عبیدة بن حارث از ایشان است، نازل گشت.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۱۸)

﴿ وَ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ ﴾

و بر پیامبر جز رساندن آشکار [پیام] نیست.

۲۹۰. عَنِ ابنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله يَقُولُ فِی خُطبَتِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسُبُّوا عَلِيًّا وَلَا تَحسُدُوهُ فَإِنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ بَعدِی فَأَحِبُّوهُ بِحُبِّی وَ أَكرِمُوهُ لِكَرَامَتِی وَأَطِيعُوهُ لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ استَرشِدُوهُ تَوَفَّقُوا وَ تَرشُدُوا فَإِنَّه الدَّلِيلُ لَكُم عَلَى اللهِ بَعدِی

فَقَد بَیَّنتُ لَکُم أَمرَ عَلِیٍّ فاعقِلُوهُ ﴿ وَ مٰا عَلَی الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاٰغُ الْمُبینُ ﴾.

ابن عمر گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که در خطبه‌اش می‌فرمود: ای مردم! به علی ؑ ناسزا نگویید و به او حسادت نکنید که او پس از من ولی هر مرد و زن مؤمنی است؛ پس به دوستی من او را دوست بدارید و از برای گرامی داشتن من او را گرامی دارید و از برای خدا و رسولش از او فرمان برید و از او هدایت جویید تا پیروز شوید و هدایت شوید که او پس از من راهنمای شما به سوی خداست. من امر علی ؑ را برایتان آشکار گرداندم، پس در آن بیندیشید «و بر پیامبر جز رساندن آشکار [پیام] نیست».

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۴۳ و ۴۹)

﴿ وَ تِلْکَ الْأَمْثٰالُ نَضْرِبُهٰا لِلنّٰاسِ وَ مٰا یَعْقِلُهٰا إِلاَّ الْعٰالِمُونَ ۞ بَلْ هُوَ آیٰاتٌ بَیِّنٰاتٌ فِي صُدُورِ الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مٰا یَجْحَدُ بِآیٰاتِنٰا إِلاَّ الظّٰالِمُونَ ﴾

و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز عالمان آن را در نمی‌یابند. ...بلکه آن آیات روشنی است در سینه‌های کسانی که به آنان علم داده شده است و جز ستمکاران آیات ما را انکار نمی‌کنند.

۲۹۱. عَن زِیدِبنِ سَلام الجُعفِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلی أَبِی‌جَعفَرٍ ؑ فَقُلتُ: أَصلَحَكَ اللهُ إِنَّ خَیثَمَةَ عَنكَ أَنَّهُ سَأَلَكَ عَن قَولِهِ: ﴿ بَلْ هُوَ آیٰاتٌ بَیِّنٰاتٌ فِي صُدُورِ الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ مٰا یَجْحَدُ بِآیٰاتِنٰا إِلاَّ الظّٰالِمُونَ ﴾ فَحَدَّثَنِی أَنَّكَ حَدَّثتَهُ أَنَّهَا نَزَلَت فِیكُم وَ أَنَّكُم الَّذِینَ أُوتِیتُم العِلمَ. قَالَ: صَدَقَ وَاللهِ خَیثَمَةُ لَهَاكَذَا حَدَّثتُهُ.

زید بن سلام جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر ؑ رسیدم و عرض کردم: خدایت شایسته داشت! خیثمه می‌گوید که از شما دربارهٔ آیهٔ «بلکه آن آیات روشنی است در سینه‌های کسانی که به آنان علم داده شده است و جز ستمکاران آیات ما را انکار نمی‌کنند» پرسیده است و شما به او چنین

فرموده‌ای که این آیه دربارهٔ شما نازل شده است و شما کسانی هستید که به آن‌ها علم داده شده است. ایشان فرمود: به خدا سوگند که خیثمه راست گفته است و من برایش چنین گفته‌ام.

(سورهٔ عنکبوت، آیهٔ ۶۹)

﴿ وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا ﴾

و کسانی که در [راه] ما جهاد کردند، مسلماً آنان را به راه‌هایمان هدایت می‌کنیم.

۲۹۲. فُراتُ عَن أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعالَی ﴿ وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ ﴾ قالَ: نَزَلَت فِينَا أَهلَ البَيتِ.

فرات‌بن ابراهیم گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: این آیه دربارهٔ ما اهل بیت نازل شد.

وَ مِن سُورَةِ الرُّومِ



(سورهٔ روم، آیهٔ ۴ و ۵)

﴿ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللهِ ﴾

و در این روز مؤمنان شاد می‌شوند، به یاری خدا.

۲۹۳ . فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِى مُوسَىبنُ عَلِيِّبنِ مُوسَىبنِ مُحَمَّدِبنِ عَبدِالرَّحمَانِ المُحَارِبِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِى عَبدِاللهِ جَعفَربنِ مُحَمَّدٍ، عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ: مَعَاشِرَ النَّاسِ تَدرُونَ لِمَا خُلِقَت فَاطِمَةُ؟ قَالُوا: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. قَالَ: خُلِقَت فَاطِمَةُ حَورَاءَ إِنسِيَّةً لَا إِنسِيَّةً ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيكَ يَا رَسُولَ اللهِ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، قُلتُ: وَ عَلَيكَ السَّلَامُ يَا جَبرَئِيلُ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ أَهدَى إِلَيكَ تُفَّاحَةً مِنَ الجَنَّةِ فَأَخَذتُهَا فَقَبَّلتُهَا وَ وَضَعتُهَا عَلَى عَينِى وَ ضَمَمتُهَا إِلَى صَدرِى ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ كُلهَا، قُلتُ: يَا حَبِيبِى جَبرَئِيلُ هَدِيَّةُ رَبِّى تُؤكَلُ؟ قَالَ: نَعَم قَد أُمِرتَ بِأَكلِهَا فَأَفلَقتُهَا فَرَأَيتُ مِنهَا نُورًا سَاطِعًا فَفَزِعتُ مِن ذَلِكَ النُّورِ قَالَ: كُل فَإِنَّ ذَلِكَ نُورُ المَنصُورَةِ فَاطِمَةَ. قُلتُ: يَا جَبرَئِيلُ وَ مَنِ المَنصُورَةُ؟ قَالَ: جَارِيَةٌ تَخرُجُ مِن صُلبِكَ وَ اسمُهَا فِى السَّمَاءِ المَنصُورَةُ وَ فِى الأَرضِ فَاطِمَةُ. فَقُلتُ: يَا جَبرَئِيلُ وَ لِمَ سُمِّيَت فِى السَّمَاءِ مَنصُورَةَ وَ فِى الأَرضِ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: سُمِّيَت فَاطِمَةَ فِى الأَرضِ فَطَمَت شِيعَتَهَا مِنَ النَّارِ وَ فُطِمُوا أَعدَاؤُهَا عَن

حُبِّهَا وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ فِي كِتَابِهِ ﴿ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللهِ ﴾ بِنَصرِ فَاطِمَةَ عليها السلام.

فرات گفت: موسی‌بن علی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جماعت مردم! آیا می‌دانید فاطمه علیها السلام برای چه آفریده شد؟ عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: فاطمه علیها السلام فرشته‌ای انسانی آفریده شد و نه انسان. جبرئیل گفت: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو ای رسول خدا! گفتم: و سلام بر تو ای جبرئیل! گفت: خداوند برایت سیبی از بهشت هدیه فرستاده است. من آن سیب را گرفتم و بوسیدم و بر چشم خود گذاشتم و در آغوش گرفتم. جبرئیل گفت: ای محمّد! آن را بخور. گفتم: ای دوست من، جبرئیل! هدیه پروردگارم را بخورم؟ گفت: بله؛ فرمان داده شده‌ای که آن را بخوری. من آن را شکافتم و ناگاه نوری فروزان در میانش دیدم و از آن نور هراسان شدم. جبرئیل گفت: بخور! این نور منصوره فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! منصوره کیست؟ گفت: دختری است که از نسل تو خواهد بود و در آسمان، منصوره و در زمین، فاطمه نام دارد. گفتم: ای جبرئیل! چرا در آسمان منصوره و در زمین فاطمه نامیده شده است؟ گفت: در زمین فاطمه نام گرفته؛ چراکه شیعیانش را از آتش دور می‌دارد و دشمنانش از دوستی‌اش به دور داشته می‌شوند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «و در این روز مؤمنان شاد می‌شوند، به یاری خدا» به نصر و یاری فاطمه علیها السلام.

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۰)

﴿ فِطْرَتَ اللهِ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها ﴾

با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن آفریده است.

۲۹۴. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ القَاسِمِبنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي قَولِهِ

﴿ فِطْرَتَ اللهِ الَّتي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها ﴾ قالَ: عَلَى التَّوحِيدِ وَ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عليه‌السلام.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: بر سرشت یگانگی خدا و این‌که محمّد صلى‌الله‌عليه‌وآله رسول خداست و علی عليه‌السلام امیرمؤمنان است.

(سورهٔ روم، آیهٔ ۳۸)

﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾

پس به خویشاوند حقّش را بده.

۲۹۵ . قالَ: حَدَّثَنا فُراتُ بنُ إبراهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبي سَعِيدٍ الخُدرِيِّ قالَ: لَمّا نَزَلَت الآيَةُ ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ دَعا النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله فاطِمَةَ عليها‌السلام فَأَعطاها فَدَكَ فَقالَ: هٰذالَكِ وَ لِعَقَبِكِ مِن بَعدِكِ.

فرات‌بن ابراهیم روایت کرده است: ابوسعید خدری گفت: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله حضرت فاطمه عليها‌السلام را فراخواند و فدک را به ایشان عطا کرد و فرمود: این برای توست و پس از تو برای فرزندانت.

۲۹۶ . فُراتُ قالَ: حَدَّثَنِي الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: قالَ: لَمّا نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ: ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ دَعا النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله فاطِمَةَ عليها‌السلام فَأَعطاها فَدَكَ فَكُلَّما لَم يُوجَف عَلَيهِ أَصحابُ النَّبِيِّ صلى‌الله‌عليه‌وآله بِخَيلٍ وَ لا رِكابٍ فَهُوَ لِرَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله يَضِعهُ حَيثُ يَشاء وَ فَدَك مِمّا لَم يُوجَف عَلَيهِ بِخَيلٍ وَ لا رِكابٍ.

حسین‌بن سعید به نقل از فرات گفت: زمانی که این آیه نازل شد «پس به خویشاوند حقش را بده»، پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله حضرت فاطمه عليها‌السلام را فراخواند و فدک را به ایشان عطا فرمود. هر آن‌چه که توسط یاران پیامبر صلى‌الله‌عليه‌وآله با لشرکشی به دست نیامده بود، از برای رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله می‌بود و ایشان آن را هر گونه که

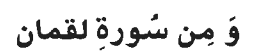
می‌خواست سامان می‌داد؛ فدک نیز از جمله آن‌چه بود که با لشکرکشی به دست نیامده بود.

۲۹۷. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن جعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ دَعَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فاطِمَةَ فَأَعطَاهَا فَدَكَ. قَالَ أَبانُ‌بنُ تَغلِبَ: قُلتُ لِجَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله أَعطَاهَا؟ قَالَ: بَل اللهُ أَعطَاهَا.

ابان‌بن تغلب گفت: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: زمانی که این آیه نازل شد، رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت فاطمه عليها السلام را فرا خواند و فدک را به ایشان بخشید. ابان‌بن تغلب گفت: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را به ایشان بخشید؟ فرمود: خیر، خداوند به فاطمه عليها السلام بخشید.

۲۹۸. عَن ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ ﴾ وَ ذَاكَ حِينَ جَعَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله سَهمَ ذِی القُربَی لِقَرَابَتِهِ فكَانُوا يَأخُذُونَهُ عَلَی عَهدِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله حَتَّی تُوَفِّی ثُمَّ حَجَبَ الخَمسُ عَن قَرَابَتِهِ فَلَم يَأخُذُوهُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «به خویشاوند حقّش را بده» گفت: پیامبر صلى الله عليه وآله سهمی برای خویشاوندان خود قرار داده بود که در روزگار پیامبر صلى الله عليه وآله آن را می‌گرفتند؛ تا این‌که پیامبر صلى الله عليه وآله درگذشت و این خمس برای نزدیکان و خویشان ایشان منظور نشد.

وَ مِن سُورةِ لقمان

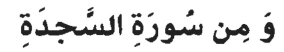
(سورة لقمان، آية ۱۴)

﴿ اشْكُرْ لي وَ لِوٰالِدَيْكَ ﴾

[به او گفتيم:] مرا و پدر و مادرت را شكرگزار باش.

۲۹۹ . عَن زِيادِبنِ المُنذَرِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام وَ سَأَلَهُ جَابِرُ عَن هَذِهِ الآيَةِ ﴿ اشْكُرْ لي وَ لِوٰالِدَيْكَ ﴾ قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله وَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طالِبٍ عليه السلام.

زيادبن منذر گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنيدم كه در پاسخ به پرسش جابر از اين آيه فرمود: منظور از والدين رسول خدا صلى الله عليه و آله و حضرت على عليه السلام هستند.

وَ مِن سُورَةِ السَّجدَةِ

(سورهٔ سجده، آیهٔ ۱۸)

﴿ أَ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴾

آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟ برابر نیستند.

۳۰۰. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ أَ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا ﴾ یَعنِی عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ﴾ یَعنِی الوَلیدَبنَ عُقبَةَ بنِ أَبی مُعَیطٍ لَعَنَهُ اللهُ ﴿ لَا يَسْتَوُونَ ﴾ عِندَ اللهِ.

وَ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴾[1] نَزَلَت فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ﴾ نَزَلَت فِی الوَلیدِ بنِ عُقبَةَ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «آیا کسی که مؤمن است» یعنی حضرت علی عليه السلام «همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟» یعنی ولیدبن عقبةبن ابی‌معیط که لعنت خدا بر او «برابر نیستند» نزد خداوند.

و نیز کلام حق تعالی «اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، به

---

۱. سجده، ۱۹

پاداش آن‌چه انجام می‌دادند برای آنان بهشت‌هایی است که منزلگاه [واقعی آن‌ها] است و برای پذیرایی [از آنان] مهیا شده است » دربارهٔ حضرت علی ﷺ نازل شده است و آیهٔ « و اما کسانی که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفتند، جایگاهشان آتش است » دربارهٔ ولیدبن عقبه نازل شده است.

۳۰۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إنسَبَّ عَلِيُّ بنُ أَبِی طالِبٍ ﷺ وَ الوَلِیدُبنُ عُقبَةَبنِ أَبِی‌مُعَیطٍ قالَ: فَقَالَ لِعَلِیٍّ: أَنَا وَاللهِ أَبسَطُ مِنكَ لِسَانًا وَ أَحَدُّ مِنكَ سِنَانًا وَ أَملأُ مِنكَ حَشوًا فِی الکَتِیبَةِ، قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَلِیٌّ: أُسکُت فَإِنَّكَ فَاسِقٌ. قَالَ: فَنَزَلَتِ الآیَةُ **﴿ أَ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لاٰ يَسْتَوُونَ ﴾**.

ابن عباس گفت: حضرت علی ﷺ و ولیدبن عقبة‌بن ابی‌معیط بر هم مباهات می‌کردند؛ ولید گفت: به خدا سوگند زبان من از تو گویاتر و نیزهٔ من از نیزهٔ تو تیزتر و اندام من در جنگ از اندام تو تنومندتر است. حضرت علی ﷺ به او فرمود: ساکت باش که تو فاسقی بیش نیستی. آن‌گاه این آیه نازل شد: « آیا کسی که مؤمن است همچون کسی است که [از دایرهٔ ایمان] بیرون رفته است؟ برابر نیستند. »

(سورهٔ سجده، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَ جَعَلْنٰا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنٰا لَمّٰا صَبَرُوا وَ كٰانُوا بِآيٰاتِنٰا يُوقِنُونَ ﴾

و هنگامی که شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین می‌داشتند، از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کردند.

۳۰۲. عَن جَابِرٍ: عَن أَبِی‌جعفَرٍ ﷺ فِی قَولِهِ تَعَالَی: **﴿ وَ جَعَلْنٰا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنٰا ﴾** قَالَ: نَزَلَت فِی وُلدِ فَاطِمَةَ ﷺ خَاصَّةً جَعَلَ اللهُ مِنهُم أَئِمَّةً یَهدُونَ بِأَمرِهِ.

جابر گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: آیهٔ « از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به امر ما هدایت می‌کردند » مخصوص فرزندان حضرت فاطمه ﷺ نازل شده است که خداوند از آنان پیشوایانی قرار داده که به امر او هدایت می‌کنند.



وَ مِن سُورَةِ الأَحزَابِ

(سورهٔ احزاب ، آیهٔ ۳۳)

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما ، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند ، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].

۳۰۳ . عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: أَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوجَةَ النَّبِيِّ ﷺ لِأُسَلِّمَ عَلَيهَا فَقُلتُ لَهَا: رَأَيتِ هَذِهِ الآيَةَ يَا أُمَّ المُؤمِنِينَ ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ قَالَت: أَنَا وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَى مَنَامَةٍ لَنَا تَحتَنَا كِسَاءٌ خَيبَرِيٌّ فَجَاءَت فَاطِمَةُ وَ مَعَهَا الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ فَخَّارٌ فِيهِ حَرِيرَةٌ فَقَالَ: أَينَ ابنُ عَمِّكِ؟ قَالَت: فِي البَيتِ قَالَ: فَاذهَبِي فَادعِيهِ قَالَت: فَدَعَتهُ فَأَخَذَ الكِسَاءَ مِن تَحتِنَا فَعَطَفَهُ فَأَخَذَ جَمِيعَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتِي فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِيرًا. وَ أَنَا جَالِسَةٌ خَلفَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي فَأَنَا؟ قَالَ: إِنَّكِ عَلَى خَيرٍ. وَنَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ فِي النَّبِيِّ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَينِ عليهم السلام.

شهر بن حوشب گفت : نزد اُمّ سلمه همسر پیامبر ﷺ رفتم تا سلامی بر او

عرض کنم. به او گفتم: ای امّ المؤمنین! از ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ بگو. گفت: من و رسول خدا ﷺ بر روی عبایی خیبری بودیم که فاطمه ؑ با ظرفی سفالی که در آن حریره بود به همراه حسن و حسین ؑ وارد شد. پیامبر ﷺ فرمود: پسرعمویت کجاست؟ فرمود: در خانه است. رسول خدا ﷺ فرمود: برو و او را نیز فراخوان. اُمّ سلمه گفت: چون فاطمه ؑ علی ؑ را فراخواند، رسول خدا عبا را از زیر ما برداشت و آن را تا کرد و اطرافش را در دست گرفت و سپس فرمود: پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای و پاکشان گردان. من که پشت رسول خدا ﷺ نشسته بودم، عرض کردم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! پس من چه؟! فرمود: تو به راه خیر هستی. و این آیه در شأن پیامبر ﷺ و علی و فاطمه و حسن و حسین ؑ نازل شد.

۳۰۴. عَن أَبِی عَبدِ اللهِ الجَدَلِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى عَائِشَةَ فَقُلتُ: أَینَ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ قَالَت: نَزَلَت فِی بَیتِ أُمِّ سَلَمَةَ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: لَو سَأَلتَ عَائِشَةَ لَحَدَّثَتكَ أَنَّ هَذِهِ الآیَةَ نَزَلَت فِی بَیتِی.

قَالَت: بَینَمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فِی البَیتِ إِذ قَالَ: لَو كَانَ أَحَدٌ یَذهَبُ فَیَدعُو لَنَا عَلِیًّا وَ فَاطِمَةَ وَ ابنَیهَا. قَالَت: فَقُلتُ: مَا أَجِدُ غَیرِی. قَالَت: فَدَفَعتُ وَ جِئتُ بِهِم جَمِیعاً فَجَلَسَ عَلِیٌّ بَینَ یَدَیهِ وَ جَلَسَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ عَن یَمِینِهِ وَ شِمَالِهِ وَ أَجلَسَ فَاطِمَةَ خَلفَهُ ثُمَّ تَجَلَّلَ بِثَوبٍ خَیبَرِیٍّ ثُمَّ قَالَ: نَحنُ جَمِیعًا إِلَیكَ ـ فَأَشَارَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ثَلاثَ مَرَّاتٍ ـ إِلَیكَ لا إِلَى النَّارِ ذَاتِی وَ عِترَتِی أَهلَ بَیتِی مِن لَحمِی وَ دَمِی.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: یَا رَسُولَ اللهِ أَدخِلنِی مَعَهُم قَالَ: یَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّكِ مِن صَالِحَاتِ أَزوَاجِی وَ لا یَدخُلُ الجَنَّةَ فِی هَذَا المَكَانِ إِلَّا مِنِّی.

قَالَت: وَ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾.

ابی‌عبد الله جدلی گفت: نزد عایشه رفتم و گفتم: آیهٔ ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ در کجا نازل شد؟ گفت: در خانهٔ اُمّ سلمه. اُمّ سلمه گفت: اگر از عایشه می‌پرسیدی، برایت نقل می‌کرد که این آیه در خانهٔ من نازل شد. آن‌گاه گفت: در حالی‌که رسول خدا ﷺ در خانه بود، به من فرمود: کاش کسی بود و می‌رفت علی و فاطمه و دو پسرش علیهم السلام را نزد ما فرا می‌خواند. عرض کردم: کسی جز من نیست. سپس رفتم و همهٔ ایشان را آوردم. علی علیه السلام در مقابل رسول خدا ﷺ نشست و حسن و حسین علیهما السلام در سمت راست و چپ ایشان نشستند و حضرت، فاطمه علیها السلام را نیز پشت خود نشاند، سپس لباسی خیبری بر جمعشان کشید و فرمود: ما همه به سوی تو هستیم. و رسول خدا ﷺ سه مرتبه اشاره نمود و فرمود: من و اهل بیتم که از گوشت و خون من هستند، رو سوی تو داریم و نه سوی آتش.

اُمّ سلمه گفت: ای رسول خدا! من را نیز با ایشان قرار ده. فرمود: ای اُمّ سلمه به درستی که تو از بهترین همسران من هستی امّا در این مکان تنها کسی که از من است، وارد بهشت می‌شود.

اُمّ سلمه گفت: و این آیه نازل شد: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].»

۳۰۵. عَن شَهرِبنِ حَوشَبٍ قَالَ: سَمِعتُ أُمَّ سَلَمَةَ زَوجَةَ النَّبِيِّ تَقُولُ حِينَ قُتِلَ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ علیهما السلام لَعَنَت أَهلَ العِرَاقِ وَ قَالَت: قَتَلُوهُ لَعَنَهُمُ اللهُ غَرُّوهُ وَ خَذَلُوهُ وَ رَأَيتُ النَّبِيَّ ﷺ جَاءَتهُ فَاطِمَةُ غَدَاةً بِبُرمَةٍ لَهَا فِيهَا عَصِيدَةٌ تَحمِلُهُ فِي طَبَقٍ لَهَا فَوَضَعَتهُ بَينَ يَدَيهِ فَقَالَ لَهَا: أَينَ ابنُ عَمِّكِ؟ قَالَت: هُوَ فِي البَيتِ. قَالَ: إِذهَبِي فَادعِيهِ وَ ائتِينِي بِابنَيكِ. فَأَتَتهُ بِهِ وَ بِابنَيهَا كُلٌّ وَاحِدٍ مِنهُمَا يَدَهُ فِي يَدِهَا وَ عَلِيٌّ يَمشِي فِي آثَارِهِم حَتَّى دَخَلُوا عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَقعَدَهُمَا فِي حَجرِهِ وَ جَلَسَ عَلِيٌّ عَن يَمِينِهِ وَ جَلَسَت فَاطِمَةُ عَن يَسَارِهِ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: فَأَخَذَ مِن تَحتِي كِسَاءً خَيبَرِيًّا كَانَ بِسَاطًا لَنَا عَلَى المَنَامَةِ فِي المَدِينَةِ فَلَفَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَيهِم جَمِيعًا وَ أَخَذَ بِشِمَالِهِ طَرَفَي الكِسَاءِ وَ أَلوَا بِيَدِهِ اليُمنَى إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتِي فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِيرًا ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ أَلَستُ مِن أَهلِكَ؟ قَالَ: بَلَى فَأَدخَلَنِي فِي الكِسَاءِ بَعدَ مَا مَضَى دُعَاؤُهُ لِابنِ عَمِّهِ وَ ابنَيهِ وَ ابنَتِهِ فَاطِمَةَ عليها السلام.

شهر بن حوشب گفت: هنگامی‌که امام حسین علیه السلام را به شهادت رساندند، از اُمّ سلمه همسر پیامبر شنیدم که به اهل عراق لعنت می‌فرستاد و می‌گفت: خداوند آن‌ها را لعنت کند که او را کشتند، او را فریفتند و رهایش کردند. یک روز صبح فاطمه علیها السلام دیگی سفالین از حلوا در طبقی نزد پیامبر آورد و آن را پیش روی ایشان نهاد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: پسرعمویت کجاست؟ فرمود: در خانه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برو و او و دو پسرت را نزد من بیاور. فاطمه علیها السلام دست در دستان دو پسرش آمد و حضرت علی علیه السلام نیز پشت سرِ ایشان آمد. چون بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السلام را در آغوش خود نشانید و علی علیه السلام در طرف راست و فاطمه علیها السلام در طرف چپ آن‌حضرت نشستند. اُمّ سلمه گفت: آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله عبایی خیبری را که در مدینه زیرانداز خواب ما بود، برداشت و آن را بر جمعشان کشید و با دست چپ خود دو طرف عبا را گرفت و با دست راست خود به آسمان اشاره کرد و فرمود: خداوندا! اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای و آن‌ها را پاک گردان. و این سخن را سه بار باز گفت.

اُمّ سلمه گفت: عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا من از خاندان شما نیستم؟ فرمود: آری؛ سپس مرا نیز پس از این‌که دعایش در حقّ پسرعمو و دو پسرش و دخترش فاطمه به پایان رسید، به زیر عبا وارد ساخت.

۳۰۶. عَن عَمرَةَ الهَمدَانِيَّةِ قَالَت: قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَنتِ عَمرَةُ؟ قُلتُ: نَعَم. قَالَت عَمرَةُ قُلتُ: إِلَّا

تُخبِرِينِی عَن هَذَا الرَّجُلِ الَّذِی أُصِیبَ بَینَ ظَهرَانِیکُم فَمُحَبٌّ وَ مُبغَضٌ؟! قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: فَتُحِبِّیهِ؟ قَالَت: لَا أُحِبُّهُ وَ لَا أُبغِضُهُ ـ تُرِیدُ عَلِیًّا ـ قَالَت أُمُّ سَلَمَةَ: أَنزَلَ اللهُ تَعَالَی ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ وَ مَا فِی البَیتِ إِلَّا جَبرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهما السلام وَ أَنَا فَقُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَنَا مِن أَهلِ البَیتِ؟ فَقَالَ: أَنتِ مِن صَالِحَاتِ نِسَائِی. یَا عَمرَةُ فَلَوکَانَ قَالَ نَعَم کَانَ أَحَبَّ إِلَیَّ مِمَّا تَطلُعُ عَلَیهِ الشَّمسُ.

عمرهٔ همدانی گفت: [نزد اُمّ سلمه رفتم]. اُمّ سلمه گفت: تو عمره هستی؟ گفتم: آری، آیا دربارهٔ این مرد که در میان شماست به من خبر می‌دهی؟ چون برخی دوستش دارند و برخی با او دشمن هستند. اُمّ سلمه گفت: آیا تو او را دوست داری؟ گفتم: نه دوستش دارم و نه با او دشمنم ـ یعنی علی علیه السلام. اُمّ سلمه گفت: خداوند بلندمرتبه آیهٔ تطهیر را نازل فرمود، در حالی‌که در خانه به‌جز جبرئیل و میکائیل و پیامبر خدا ﷺ و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام و من کس دیگری دیگر نبود. من به پیامبر عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! آیا من هم از اهل بیت هستم؟ فرمود: تو از بهترین همسران من هستی. ای عمره! اگر می‌فرمود آری؛ برای من دوست داشتنی‌تر از همهٔ چیزهایی بود که خورشید بر آن طلوع می‌کند.

۳۰۷. عَن أُمِّ سَلَمَةَ قَالَت: فِی بَیتِی نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** ﴾ وَ ذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ جَلَّلَهُم فِی مَسجِدِهِ بِکِسَاءٍ ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ فَنَصَبَهَا عَلَی الکِسَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ: اَللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَیتِی فَأَذهِب عَنهُمُ الرِّجسَ کَمَا أَذهَبتَ عَن إِسمَاعِیلَ وَ إِسحَاقَ وَ یَعقُوبَ وَ طَهِّرهُم مِنَ الرِّجسِ کَمَا طَهَّرتَ آلَ لُوطٍ وَ آلَ عِمرَانَ وَ آلَ هَارُونَ.

قُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَدخُلُ مَعَکُم؟ قَالَ: إِنَّكِ عَلَی خَیرٍ وَ إِنَّكِ مِن أَزوَاجِ النَّبِیِّ وَ اللهُ أَمَرَنِی بِهَؤُلَاءِ الخَمسَةِ خَصَّهُم بِهَذِهِ الدَّعوَةِ مِیرَاثًا مِن آلِ إِبرَاهِیمَ إِذ یَرفَعُ القَوَاعِدَ

مِنَ البیتِ فَادخُلوا فِی دَعوَتِنَا فَدَعَا لَهُم بِهَا مُحَمَّدٌ ﷺ حِینَ أُمِرَ أَن یُجَدِّدَ دَعوَةَ أَبِیهِ إِبرَاهِیمَ علیه السلام.

قَالَت بِنتُهُ: سَمِّیهِم یَا أُمَّهُ قَالَت: فَاطِمَةُ وَ عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم السلام.

اُمّ سلمه گفت: در خانهٔ من آیهٔ تطهیر نازل شد. در این هنگام رسول خدا ﷺ اهل بیت خود را در مکان نماز خویش با عبا پوشانید و سپس دستش را بالا برد و بر روی عبا قرار داد و فرمود: خداوندا! همانا ایشان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آن‌ها بزدای، همان‌گونه که از اسماعیل و اسحاق و یعقوب زدودی، و آن‌ها را از پلیدی پاک گردان، همان‌گونه که خاندان لوط و عمران و هارون را پاک گرداندی.

عرض کردم: ای رسول خدا! آیا من با شما نیستم؟ فرمود: تو زنی نیک هستی و از همسران پیامبری، اما خداوند به من دربارهٔ این پنج نفر امر کرده و ایشان را به این دعوت اختصاص داده است که میراثی از خاندان ابراهیم است، در آن هنگام که پایه‌های خانهٔ کعبه را بالا برد؛ پس در دعوت ما داخل شوید و محمّد ﷺ چون فرمان گرفت که دعوت پدرش ابراهیم علیه السلام را تجدید کند، برای ایشان به درگاه خداوند چنین دعا کرد.

دختر او گفت: ای مادر! آن‌ها را نام ببر. اُمّ سلمه گفت: فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام.

۳۰۸. الفَضلُ بنُ یُوسُفَ القَصَبَانِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ: أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَهلَ بَیتِ نَبِیِّکُم شَرَّفَهُمُ اللهُ بِکَرَامَتِهِ، وَ أَعَزَّهُم بِهُدَاهُ وَ اختَصَّهُم لِدِینِهِ، وَ فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ، وَ استَحفَظَهُم وَ أَودَعَهُم عِلمَهُ عَلَى غَیبِهِ، عِمَادٌ لِدِینِهِ، شُهَدَاءُ عَلَیهِ، وَ أَوتَادٌ فِی أَرضِهِ، قُوَّامٌ بِأَمرِهِ، بَرَأَهُم قَبلَ خَلقِهِ أَظِلَّةٌ عَن یَمِینِ عَرشِهِ، نُجَبَاءُ فِی عِلمِهِ، إِختَارَهُم وَ انتَجَبَهُم وَ ارتَضَاهُم وَ اصطَفَاهُم، فَجَعَلَهُم عَلَمًا لِعِبَادِهِ وَ أَدِلَّاءَ لَهُم عَلَى صِرَاطِهِ، فَهُمُ الأَئِمَّةُ الدُّعَاةُ، وَ القَادَةُ الهُدَاةُ، وَ القُضَاةُ الحُکَّامُ، وَ النُّجُومُ

الأَعلَامُ ، وَ الأُسرَةُ المُتَخَيَّرَةُ ، وَ العِترَةُ المُطَهَّرَةُ ، وَ الأُمَّةُ الوُسطَى ، وَ الصِّرَاطُ الأَعلَمُ ، وَ السَّبِيلُ الأَقوَمُ ، زِينَةُ النُّجَبَاءِ ، وَ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ ، وَ هُمُ الرَّحِمُ المَوصُولَةُ ، وَ الكَهفُ الحَصِينُ لِلمُؤمِنِينَ ، وَ نُورُ أَبصَارِ المُهتَدِينَ ، وَ عِصمَةُ لِمَن لَجَأَ إِلَيهِم ، وَ أَمنُ لِمَنِ استَجَارَ بِهِم ، وَ نَجَاةُ لِمَن تَبِعَهُم ، يَغتَبِطُ مَن وَالاهُم ، وَ يَهلِكُ مَن عَادَاهُم ، وَ يَفُوزُ مَن تَمَسَّكَ بِهِم ، وَ الرَّاغِبُ عَنهُم مَارِقُ ، وَ اللَّازِمُ لَهُم لَاحِقُ ، وَ هُمُ البَابُ المُبتَلَى بِهِ ، مَن أَتَاهُ نَجَا وَ مَن أَبَاهُ هَوَى ، حِطَّةُ لِمَن دَخَلَهُ ، وَ حُجَّةُ عَلَى مَن تَرَكَهُ ، إِلَى اللهِ يَدعُونَ ، وَ بِأَمرِهِ يَعمَلُونَ ، وَ بِكِتَابِهِ يَحكُمُونَ ، وَ بِآيَاتِهِ يَرشُدُونَ ، فِيهِم نَزَلَت رِسَالَتُهُ ، وَ عَلَيهِم هَبَطَت مَلَائِكَتُهُ ، وَ إِلَيهِم نَفَثَ الرُّوحُ الأَمِينُ فَضلاً مِنهُ وَ رَحمَةً ، وَ آتَاهُم مَا لَم يُؤتِ أَحَدًا مِنَ العَالَمِينَ ، فَعِندَهُم وَ الحَمدُ لِلّهِ مَا يَلتَمِسُونَ وَ يُفتَقَرُ إِلَيهِ وَ يُحتَاجُ إِلَيهِ مِنَ العِلمِ الشَّاقِّ وَ الهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ وَ النُّورِ عِندَ دُخُولِ الظُّلَمِ ، فَهُمُ الفُرُوعُ الطَّيِّبَةُ ، وَ الشَّجَرَةُ المُبَارَكَةُ ، وَ مَعدِنُ العِلمِ ، وَ مُنتَهَى الحِلمِ ، وَمَوضِعُ الرِّسَالَةِ ، وَ مُختَلَفُ المَلَائِكَةِ ، فَهُم أَهلُ بَيتِ الرَّحمَةِ وَ البَرَكَةِ أَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرَهُم تَطهِيرًا.

فضل‌بن یوسف قصبانی گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: ای مردم! همانا خداوند اهل بیت پیامبرتان را با کرامت خویش شریف و بزرگ داشت و با هدایتش ایشان را عزیز و به دینش مخصوص گردانید و با علمش ایشان را برتری داد و علم به غیب خود را نزد آنان به امانت و ودیعه سپرد، ایشان ستون‌های دین و گواهان او و میخ‌های زمین و اجراکنندهٔ فرامین او هستند. پیش از خلقتش ایشان را به صورت سایه‌هایی در طرف راست عرش خود آفرید. آن‌ها در علم او برجسته هستند و او آن‌ها را برگزید و به آن‌ها خشنود شد و انتخابشان کرد و بیرقی برای بندگانش قرارشان داد و راهنمایان آنان در راه خود نهادشان. آنان امامان دعوت‌کننده [به سوی حق] و پیشوایان هدایت و اجراکنندگان احکام و ستارگان شناخته شده و خاندان برگزیده و عترت پاک

هستند. ایشان همان امت میانه‌رو و راه آگاه‌تر و مسیر محکم‌ترند. ایشان زینت خوبان و وارثان پیامبران و رحمت پی‌درپی و پناه محکم مؤمنان و نور چشم هدایت‌یافتگان‌اند. برای هر که سویشان پناه جوید، مأوایند و برای هر که از ایشان یاری جوید، امان‌اند و برای هر که پیروشان باشد، نجات‌اند. کسانی‌که آن‌ها را دوست دارند، خوشحال و خشنود هستند و آنان‌که با ایشان دشمنی کنند، هلاک می‌شوند. هر کس به آنان تمسک جوید، پیروز و هر کس از آنان روی بگرداند، گمراه و هر کس با آنان همسو باشد، به‌هنگام می‌رسد. ایشان دری هستند که بندگان به آن آزموده شوند؛ هر که سویش رو کند، نجات می‌یابد و هر که رو از آن برتابد، سرنگون می‌شود. مغفرتی است برای آن‌که به آن درآید و حجتی است برای آن‌که ترکش کند. ایشان به سوی خدا دعوت می‌کنند و به فرامین او عمل می‌نمایند. با کتاب او حکم و با آیاتش هدایتگری می‌کنند. رسالت او در میان ایشان نازل شد و فرشتگان به نزد آن‌ها فرود آمدند و جبرئیل سوی آنان فرستاده شد و این فضل و رحمتی از سوی او بود که آن‌چه به ایشان رسانید به هیچ کس از جهانیان نرسانید. شکر خدا هر آن‌چه خواستنی است و هر آن دانش دشوار و هدایت از گمراهی و روشنایی به هنگام پانهادن در تاریکی‌ها نزد ایشان است و ایشان شاخه‌های پاک و درخت مبارک و معدن علم و نهایت بردباری و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و خاندان رحمت و برکت هستند که خداوند پلیدی را از آنان زدود و آنان را پاک گرداند.

۳۰۹. عَن أَبِی الحَمرَاءِ قَالَ: خَدَمتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ تِسعَةَ أَشهُرٍ أَو عَشرَةَ أَشهُرٍ فَأَمَّا التِّسعَةُ فَلَستُ أَشُكُّ فِیهَا وَ رَسُولُ اللهِ یَخرُجُ مِن طُلُوعِ الفَجرِ فَیَأتِی بَابَ فَاطِمَةَ وَ عَلِیٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ فَیَأخُذُ بِعِضَادَتِی البَابِ فَیَقُولُ: السَّلَامُ عَلَیکُم وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ اَلصَّلَاةَ یَرحَمُکُمُ اللهُ. قَالَ: فَیَقُولُونَ: وَ عَلَیکَ السَّلَامُ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ یَا رَسُولَ اللهِ فَیَقُولُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: ﴿**إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا**﴾.

ابی حمراء گفت: من نه یا ده ماه در خدمت رسول خدا ﷺ بودم. در نُه ماه هیچ شکّی ندارم، رسول خدا طلوع فجر خارج می‌شد و به سوی خانهٔ فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام می‌آمد و دو بازوی در را می‌گرفت و می‌فرمود: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، خدایتان رحمت کند هنگام نماز است. آنان می‌فرمودند: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، ای رسول خدا! آن‌گاه رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].»

۳۱۰. عُثمانُ بنُ مُحَمَّدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قالَ إبتَنَی أَمیرُ المُؤمِنینَ بِفاطِمَةَ علیها السلام فَاختَلَفَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إلی بابِها أَربَعینَ صَباحًا کُلَّ غَداةٍ یَدُقُّ البابَ ثُمَّ یَقُولُ: السَّلامُ عَلَیکُم یا أَهلَ بَیتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعدِنَ الرِّسالَةِ وَ مُختَلَفَ المَلائِکَةِ الصَّلاةَ رَحِمَکُمُ اللهُ ﴿**إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا**﴾ قالَ: ثُمَّ یَدُقُّ دَقًّا أَشَدَّ مِن ذٰلِکَ وَ یَقُولُ: أَنَا سِلمٌ لِمَن سالَمتُم وَ حَربٌ لِمَن حارَبتُم.

عثمان بن محمّد روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امیر مؤمنان با فاطمه علیها السلام ازدواج کرد، رسول خدا ﷺ به درِ خانهٔ حضرت فاطمه علیها السلام می‌آمد و در را می‌کوبید و می‌فرمود: سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان! خدایتان رحمت کند، هنگام نماز است. «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].» سپس در را محکم‌تر از قبل می‌کوبید و می‌فرمود: من در آشتی هستم با آن کس که با شما در آشتی باشد و در نبردم با آن کس که با شما در نبرد باشد.

۳۱۱. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قالَ: قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَواللهِ: ﴿**إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا**﴾ فَأَنا وَ أَهلُ بَیتی مُطَهَّرُونَ مِنَ الآفاتِ وَ الذُّنُوبِ.

أَلا وَ إِنَّ إِلَهِی اختَارَنی فِی ثَلاثَةٍ مِن أَهلِ بَیتِی عَلَی جَمِیعِ أُمَّتِی ،أَنَا سَیِّدُ الثَّلاثَةِ وَ سَیِّدُ وُلدِ آدَمَ إِلَی یَومِ القِیَامَةِ وَ لا فَخرَ.

فَقَالَ أَهلُ السِّدَةِ: یَا رَسُولَ اللهِ قَد ضَمِنَّا أَن نَبلُغَ فَسَمِّ لَنَا الثَّلاثَةَ نَعرِفُهُم؟ فَبَسَطَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله کَفَّهُ المُبَارَکَةَ الطَّیِّبَةَ ثُمَّ حَلَّقَ بِیَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

إِختَارَنِی وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ وَ حَمزَةُ وَ جَعفَرُ ، کُنَّا رُقُودًا لَیسَ مِنَّا إِلَّا مُسَجًّی بِثَوبِهِ عَلِیٌّ عَن یَمِینِی وَ جَعفَرُ عَن یَسَارِی وَ حَمزَةُ عِندَ رِجلِی فَمَا نَبَّهَنِی عَن رَقدَتِی غَیرَ خَفِیقِ أَجنِحَةِ المَلائِکَةِ وَ تَرَدُّدِ ذِرَاعِی تَحتَ خَدِّی ، فَانتَبَهتُ مِن رَقدَتِی وَ جَبرَئِیلُ علیه السلام فِی ثَلاثَةِ أَملاکٍ فَقَالَ لَهُ بَعضُ الثَّلاثَةِ أَملاکٍ: أَخبِرنَا إِلَی أَیِّهِم أُرسِلتَ؟ فَضَرَبَنِی بِرِجلِهِ فَقَالَ: إِلَی هَذَا وَ هُوَ سَیِّدُ وُلدِ آدَمَ ثُمَّ قَالُوا: مَن هَذَا یَا جَبرَئِیلُ؟ فَقَالَ: مُحَمَّدُ بنُ عَبدِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ حَمزَةُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ جَعفَرُ لَهُ جَنَاحَانِ خَضِیبَانِ یَطِیرُ بِهِمَا فِی الجَنَّةِ حَیثُ یَشَاءُ وَ هَذَا عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ سَیِّدُ الوَصِیِّینَ.

ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی را از شما، اهل بیت [پیامبر] بزداید و شما را پاک گرداند، پاک گرداندنی [کامل که مخصوص شماست].» پس من و اهل بیتم از تمامی ناپسندی‌ها و گناهان پاک گشته‌ایم. آگاه باشید که خداوند در میان سه تن از خاندانم مرا برگزید، من بزرگ آن سه تن و بزرگ فرزندان آدم تا روز قیامت هستم و این فخرفروشی نیست.

اهل سده عرض کردند: ای رسول خدا! قول داده‌ایم که پیامت را برسانیم، نام این سه نفر را برای ما بازگو تا بشناسیمشان.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بازکرد و سپس دستش را حلقه کرد و فرمود: خداوند مرا در حالی برگزید که من، علی بن ابی‌طالب علیه السلام، حمزة بن عبدالمطّلب و جعفربن ابی طالب علیهما السلام در کنار یکدیگر و هر یک از ما در لباس مخصوص به خودش خوابیده بود. علی علیه السلام طرف راستِ من، جعفر طرفِ چپ من

و حمزه در پایین پای من خوابیده بودند. من آن‌چنان به خواب عمیق فرو رفته بودم که چیزی مرا از خواب بیدار نکرد، مگر صدای بال فرشتگان و تکان بازویم که زیر گونه‌ام گذاشته بودم. از خواب بیدار شدم و جبرئیل را همراه سه فرشته دیدم. یکی از سه فرشته به جبرئیل گفت: ما را خبر ده که بر کدام یک از ایشان فرستاده شده‌ای؟ جبرئیل با پایش به من زد و گفت: بر این مرد که سرور فرزندان آدم است. گفتند: اینان کیستند ای جبرئیل؟! گفت: محمّد بن عبدالله ﷺ و حمزه سرور شهیدان و جعفر که دو بال سبز دارد و با آن دو بال در بهشت به هر کجا که بخواهد پرواز می‌کند و این مرد نیز علی بن ابی‌طالب ؑ سرور اوصیاست.

(سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۶)

﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾

به راستی خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [شما نیز] بر او درود فرستید، و [در برابر فرمانش] کاملاً تسلیم باشید.

۳۱۲. عَن أَبی‌هَاشِمٍ قَالَ: كُنتُ مَعَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍؑ فِی مَسجِدِ الحَرَام فَصَعِدَ الوَالِی يَخطُبُ يومَ الجُمُعَةِ فَقَالَ: **﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾** فَقَالَ جَعفَرُ ؑ: يَا أَبَاهَاشِمٍ لَقَد قَالَ مَا لا يَعرِفُ تَفسِيرَهُ قَالَ: وَ سَلِّمُوا الوَلَايَةَ لِعَلِيٍّ تَسلِيمًا.

ابی‌هاشم گفت: همراه امام جعفر صادقؑ در مسجد الحرام بودم. والی شهر برخاست تا خطبهٔ روز جمعه را بخواند. او گفت: **﴿ إِنَّ اللهَ وَ مَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليمًا ﴾**. امام جعفر صادق ؑ فرمود: ای اباهاشم! چیزی را گفت که تفسیرش را نمی‌داند. سپس فرمود: این آیه یعنی ولایت را به علی ؑ تسلیم کنید.

وَ مِن سُورَةِ سَبَأٍ

(سورهٔ سبأ ، آیهٔ ۴۶)

﴿ قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّٰهِ مَثْنىٰ وَ فُرٰادىٰ ﴾

بگو: شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم، و آن این‌که دو دو، و یک یک برای [اجرای فرمان] خدا قیام کنید.

۳۱۳. عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ** ﴾ قَالَ: إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَلَایَةِ عَلِیٍّ وَهِیَ الوَاحِدَةُ الَّتِی قَالَ اللهُ: إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: شما را فقط به ولایت علی عليه السلام پند می‌دهم و این همان یک نکته‌ای است که خداوند فرمود: «شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم».

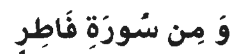
۳۱۴. عَن عُمَرَ بنِ یَزِیدَ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ **قُلْ إِنَّمٰا أَعِظُكُمْ بِوٰاحِدَةٍ** ﴾ قَالَ: یَعنِی الوَلَایَةَ. فَقُلتُ: وَ كَیفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: أَمَّا أَنَّهُ لَمَّا نَصَبَهُ لِلنَّاسِ فَقَالَ: كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ إِرتَابَ النَّاسُ وَقَالُوا: أَنَّ مُحَمَّدًا لَیَدعُونَا فِی كُلِّ وَقتٍ إِلَی أَمرٍ جَدِیدٍ وَ قَد بَدَأنَا بِأَهلِ بَیتِهِ یُمَلِّكُهُم رِقَابَنَا. فَأَنزَلَ اللهُ عَلَی نَبِیِّهِ: یَا مُحَمَّدُ قُل إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ فَقَد أَدَّیتُ إِلَیكُم مَا افتَرَضَ عَلَیكُم رَبُّكُم. أَمَّا ﴿ مَثْنىٰ ﴾ فَیَعنِی طَاعَةَ

رَسُولِ اللهِ وَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عليه السلام وَ أَمَّا قَولُهُ ﴿ وَ فُرَادَى ﴾ فَيَعنِى طَاعَةَ الإِمَامِ مِن ذُرِّيَّتِهِمَا مِن بَعدِهِ.

عمربن یزید گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم» پرسیدم، ایشان فرمود: یعنی به ولایت. عرض کردم: چگونه؟ فرمود: چون پیامبر صلی الله علیه و آله علی عليه السلام را برای مردم به خلافت منصوب کرد و فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای اوست»، مردم در تردید افتادند و گفتند: محمّد صلی الله علیه و آله هر دم ما را به امری جدید فرا می‌خواند و اکنون اهل بیتش را بر ما عرضه داشته تا آنان را بر ما چیره گرداند. پس خداوند بر پیامبرش نازل کرد: ای محمّد صلی الله علیه و آله! بگو شما را فقط به یک نکته پند می‌دهم تا شما را به آن‌چه پروردگارتان بر شما واجب کرده رهنمون شوم. امّا «دوبه‌دو» به معنای فرمانبرداری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان عليه السلام است و «یک‌یک» نیز به معنای فرمانبرداری از امامی است که از نسل آن‌دو پس از ایشان می‌آید.



وَ مِن سُورَةِ فاطِرٍ



(سورهٔ فاطر، آیهٔ ۳۲ ـ ۳۵ و ۴۱)

﴿ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبيرُ * جَنّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها يُحَلَّوْنَ فيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِباسُهُمْ فيها حَريرٌ * وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ * الَّذي أَحَلَّنا دارَ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَ لا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ * إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الأَرْضِ ﴾

سپس این کتاب را به آن کسانی از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم، بعضی از آنان بر خود ستمکارند و بعضی میانه‌روند و بعضی به فرمان خدا به خوبی‌ها پیشی گیرنده‌اند. این همان فزون‌بخشی بزرگ است. بهشت‌های دایمی که به آن‌ها داخل می‌شوند، و در آنجا با دستبندهای طلا و مروارید آراسته می‌شوند و لباسشان در آنجا ابریشم است. و گویند: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزنده شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در

این سرای اقامت [ابدی] جای داد. در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی... بی تردید خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد.

۳۱۵. عَن غَالِبِ بنِ عُثمَانَ النَّهدِيِّ قَالَ: خَرَجتُ حَاجًّا فَمَرَرتُ بِأَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَسَأَلتُهُ عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ ﴾ إِلَى آخِرِهِ قَالَ: فَقَالَ لِي مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ: مَا يَقُولُ فِيهَا قَومُكَ يَا أَبَا إِسحَاقَ؟ يَعنِي أَهلَ الكُوفَةِ. قُلتُ: يَزعُمُونَ أَنَّهَا نَزَلَت فِيهِم. قَالَ: فَقَالَ لِي مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ: فَمَا يَحزُنُهُم إِذَا كَانُوا فِي الجَنَّةِ؟ قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ فَمَا الَّذِي تَقُولُ أَنتَ فِيهَا؟ قَالَ: يَا أَبَا إِسحَاقَ هَذِهِ وَاللهِ لَنَا خَاصَّةً أَمَّا ﴿ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ ﴾ فَعَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهم السلام وَ الشَّهِيدُ مِنَّا أَهلَ البَيتِ، وَ الظَّالِمُ لِنَفسِهِ الَّذِي فِيهِ مَا فِي النَّاسِ وَ هُوَ مَغفُورٌ لَهُ وَ أَمَّا المُقتَصِدُ فَصَائِمٌ نَهَارَهُ وَ قَائِمٌ لَيلَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا إِسحَاقَ بِنَا يُقِيلُ اللهُ عَثرَتَكُم وَ بِنَا يَغفِرُ اللهُ ذُنُوبَكُم وَ بِنَا يَقضِي اللهُ دُيُونَكُم وَ بِنَا يَفُكُّ اللهُ وَثَاقَ الذُّلِّ مِن أَعنَاقِكُم وَ بِنَا يَختِمُ وَ يَفتَحُ لَا بِكُم، وَ نَحنُ كَهفُكُم كَأَصحَابِ الكَهفِ وَ نَحنُ سَفِينَتُكُم كَسَفِينَةِ نُوحٍ وَ نَحنُ بَابُ حِطَّتِكُم كَبَابِ حِطَّةِ بَنِي إِسرَائِيلَ.

غالب بن عثمان نهدی گفت: رهسپار راه حج شدم و امام محمّد باقر عليه السلام را دیدم. از ایشان دربارهٔ آیهٔ «سپس این کتاب را به میراث دادیم» پرسیدم. فرمود: قوم تو در این باره چه می‌گویند؟ عرض کردم: می‌گویند آیه دربارهٔ آن‌هاست. فرمود: پس دیگر چه چیز اندوهناکشان می‌کند اگر در بهشت جای دارند؟ عرض کردم: فدایت شوم! شما دربارهٔ این آیه چه می‌فرمایید؟ فرمود: ای ابا اسحاق! به خدا سوگند آیه به ما اختصاص دارد و «پیشی‌گیرنده به خوبی‌ها» علی بن ابی‌طالب عليه السلام و حسن و حسین عليهما السلام و شهید از ما اهل بیت است، و ستمکار بر خود کسی از جنس مردم است که البته آمرزیدنی است و میانه‌رو کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها شب‌زنده‌دار است. ای اباسحاق! خداوند به خاطر ما لغزش‌های شما را از میان می‌برد و گناهان شما را می‌آمرزد و دیون شما را برطرف می‌سازد و رشته‌های خواری را از گردن‌هایتان باز می‌کند و به خاطر ما آغاز می‌کند و به خاطر ما به پایان می‌رساند و این همه به

خاطر ما و نه شماست. ما همچون غار اصحاب کهف پناهگاه شماییم و همچون کشتی نوح کشتی رهایی شماییم و همچون دری که سبب ریزش گناهان بنی‌اسرائیل بود، بابِ ریزش گناهان شماییم.

۳۱۶. عَن أَبی سَعِیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ لِعَلِیٍّ ؈: یا عَلِیُّ أَبشِر وَ بَشِّر فَلَیسَ عَلَی شِیعَتِكَ کَربُ عِندَ المَوتِ، وَ لَا وَحشَةَ فِی القُبُورِ، یَنفُضُونَ التُّرَابَ عَن رُؤُسِهِم وَ لِحَاهُم یَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ۝ الَّذِي أَحَلَّنٰا دٰارَ الْمُقٰامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا نَصَبٌ وَ لاٰ يَمَسُّنٰا فِيهٰا لُغُوبٌ** ﴾.

ابوسعید خدری گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ به علی ؈ چنین می‌فرمود: ای علی! شاد باش و شادباش گو؛ چراکه شیعیان تو در هنگام مرگ و اندرون قبرها هیچ اندوه و وحشتی ندارند. گرد و خاک از سر و صورت خود می‌زدایند و می‌گویند: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزنده شکرگزار است. همان که از فضل خویش ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد. در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی.»

۳۱۷. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن عَلِیٍّ ؈ قَالَ: أَنَا وَ شِیعَتِی یَومَ القِیَامَةِ عَلَی مَنَابِرَ مِن نُورٍ فَیَمُرُّ عَلَینَا المَلَائِکَةُ فَیُسَلِّمُ عَلَینَا فَیَقُولُونَ: مَن هَذَا الرَّجُلُ وَ مَن هَؤُلَاءِ؟ فَیُقَالُ لَهُم: عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ابنُ عَمِّ النَّبِیِّ. فَیُقَالُ: مَن هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: فَیُقَالُ لَهُم: هَؤُلَاءِ شِیعَتُهُ. قَالَ: فَیَقُولُونَ: أَینَ النَّبِیُّ العَرَبِیُّ وَ ابنُ عَمِّهِ؟ فَیَقُولُونَ: هُوَ عِندَ العَرشِ. قَالَ: فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ عِندَ رَبِّ العِزَّةِ: یَا عَلِیُّ ادخُلِ الجَنَّةَ أَنتَ وَ شِیعَتُكَ لَا حِسَابَ عَلَیكَ وَ لَا عَلَیهِم. فَیَدخُلُونَ الجَنَّةَ وَ یَتَنَعَّمُونَ فِیهَا مِن فَوَاکِهِهَا وَ یَلبَسُونَ السُّندُسَ وَ الإِستَبرَقَ وَ مَا لَم تَرَ عَینٌ فَیَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾ الَّذِی مَنَّ عَلَینَا بِنَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ بِوَصِیِّهِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ ؈، فَالحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَنَّ عَلَینَا بِهِمَا مِن فَضلِهِ وَ أَدخَلَنَا الجَنَّةَ فَنِعمَ أَجرُ العَامِلِینَ. فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: کُلُوا وَاشرَبُوا هَنِیئًا قَد نَظَرَ إِلَیکُمُ الرَّحمَانُ بِنَظرَةٍ فَلَا بُؤسَ عَلَیکُم وَ لَا حِسَابَ وَ لَا عَذَابَ.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام علی ﷺ فرمود: من و شیعیانم در روز قیامت بر منبرهایی از نور می‌نشینیم و فرشتگان از کنارمان می‌گذرند و بر ما سلام می‌دهند و می‌گویند: این مرد کیست و اینان کیستند؟ به آن‌ها گویند: این فرد علی بن ابی‌طالب پسرعموی پیامبر ﷺ است. فرشتگان می‌گویند: اینان کیستند؟ به آن‌ها گویند: ایشان شیعیان علی ﷺ هستند. می‌پرسند: پیامبر عرب و پسرعمویش کجایند؟ گفته شود: آنان در عرش هستند. آن‌گاه ندادهنده‌ای در آسمان از جانب پروردگار عزّتمند ندا سر می‌دهد: ای علی! به همراه شیعیانت وارد بهشت شو در حالی‌که هیچ حسابی بر تو و بر ایشان نیست. آن‌گاه آنان وارد بهشت می‌شوند و از میوه‌های آن بهره‌مند می‌شوند و جامه‌هایی از حریر و ابریشم بر تن می‌کنند و از نعمت‌هایی بهره‌مند می‌شوند که هیچ چشمی ندیده است و می‌گویند: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما بُرد، به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شکرگزار است.» همان خدایی که با پیامبرش محمّد ﷺ و وصیّ‌اش علی ﷺ بر ما منّت گذاشت. پس سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که از فضلش بر ما به واسطهٔ ایشان منّت نهاد و ما را در بهشت داخل ساخت و چه خوب پاداش عمل کنندگان را پرداخت. آن‌گاه ندادهنده‌ای از آسمان ندا سر می‌دهد: بخورید و بیاشامید که گوارایتان باد! همانا خداوند بخشنده چنان به سوی شما نظر افکند که دیگر هیچ سختی و عذابی بر شما نیست.

۳۱۸. عَن جَهم‌بنِ حَرٍّ قالَ: دَخَلتُ مَسجِدَ المَدِینَةِ فَصَلَّیتُ رَکعَتَینِ عَلَی سارِیَةٍ ثُمَّ دَعوتُ اللهَ وَقُلتُ: اللَّهُمَّ آنِس وَحدَتِی وَارحَم غُربَتِی وَائتِنِی بِجَلِیسٍ صَالِحٍ یُحَدِّثُنِی بِحَدِیثٍ یَنفَعُنِی اللهُ بِهِ، فَجاءَ أَبوالدَّرداءِ حَتَّی جَلَسَ إِلَیَّ فَأَخبَرتُهُ بِدُعائِی فَقالَ: أَمَّا إِنِّی أَشَدُّ فَرَحًا بِدُعائِكَ مِنكَ أَنَّ اللهَ جَعَلَنِی ذٰلِكَ الجَلِیسَ الصَّالِحَ الَّذِی سافَرَ إِلَیكَ أَمَّا إِنِّی سَأُحَدِّثُكَ بِحَدِیثٍ سَمِعتُهُ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ لَم أُحَدِّث بِهِ أَحَدًا قَبلَكَ وَلا أُحَدِّثُ بَعدَكَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ تَلا هٰذِهِ الآیَةَ: ﴿ **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا**

فَمِنْهُمْ ظٰالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سٰابِقٌ بِالْخَيْرٰاتِ بِإِذْنِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * جَنّٰاتُ عَدْنٍ ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: السَّابِقُ يَدخُلُ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسَابٍ وَ المُقتَصِدُ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَ الظَّالِمُ لِنَفسِهِ يَحبِسُ فِي يَوم مِقدَارُهُ خَمسِينَ أَلفَ سَنَةٍ حَتّى يَدخُلَ الحَزَنَ فِي جَوفِهِ ثُمَّ يَرحَمُهُ فَيُدخِلُهُ الجَنَّةَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ** ﴾ الَّذِى أَدخَلَ أَجوَافَهُم فِى طُولِ المَحشَرِ ﴿ **إِنَّ رَبَّنٰا لَغَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾ قَالَ: شَكَرَ لَهُم العَمَلَ القَلِيلَ وَ عَفَا لَهُم الذُّنُوبَ العِظَامَ.

جهم بن حرّ گفت: به مسجد مدینه رفتم و دو رکعت نماز خواندم. سپس به درگاه خداوند دعا کردم و از او چنین خواستم و گفتم: خدایا به تنهایی‌ام انیس باش و بر غربتم رحم کن. همنشین نیکوکاری نزدم بفرست تا سخنی برایم گوید و این‌چنین مرا سود رسان. ناگاه ابودرداء آمد و نزد من نشست. دعایم را به او گفتم. گفت: به راستی من به خاطر این دعا از تو خوشحال‌ترم؛ چرا که خداوند مرا آن همنشین نیکوکار قرار داد تا سوی تو می‌آیم. حال من برای تو حدیثی نقل می‌کنم که از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام و آن را تاکنون برای هیچ کس پیش از تو بازگو نکرده‌ام و بعد از تو نیز نخواهم کرد. شنیدم رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد و فرمود: «پیشی‌گیرنده» بدون حساب داخل بهشت می‌شود و «میانه‌رو» به حسابی آسان محاسبه می‌گردد و ستمکار بر خود، روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، حبس می‌شود تا این‌که حزن و اندوه همه وجودش را فرامی‌گیرد؛ آن‌گاه خداوند او را می‌بخشاید و وارد بهشتش می‌کند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که اندوه را از ما بُرد» اندوهی را که در طول محشر در وجود آنان درآورده بود. «به راستی پروردگار ما آمرزندهٔ شکرگزار است» عمل ناچیز را از آنان پذیرفت و از گناهان بزرگشان چشم پوشید.

۳۱۹. عَن سَلمَانَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي كَلَامٍ ذَكَرَهُ فِي عَلِيٍّ فَذَكَرَ سَلمَانُ لِعَلِيٍّ فَقَالَ: وَاللهِ يَا

سَلمانُ لَقَد حَدَّثَنی بِمَا أَخبَرَكَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ وَ اللهِ لَقَد سَمِعتُ صَوتًا مِن عِندِ الرَّحمَانِ لَم یُسمَع یَا عَلِیُّ مِثلُهُ قَطُّ مِمَّا یَذکُرُونَ مِن فَضلِكَ حَتَّی لَقَد رَأَیتُ السَّمَاوَاتِ تَمُورُ بِأَهلِهَا حَتَّی أَنَّ المَلَائِکَةَ لَیَتَطَلَّبُونَ إِلَی مِن مَخَافَةِ مَا تَجرِی بِهِ السَّمَاوَاتِ مِنَ المُورِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ عَزَّ ذِکرُهُ ﴿ **إِنَّ اللهَ یُمْسِكُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولاٰ وَ لَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَکَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کٰانَ حَلِیمًا غَفُورًا**[۱] ﴾ فَمَا زَالَت إِلَّا یَومَئِذٍ تَعظِیمًا لِأَمرِكَ ، حَتَّی سَمِعَتِ المَلَائِکَةُ صَوتًا مِن عِندِ الرَّحمَانِ: أُسکُنوا یَا عِبَادِی إِنَّ عَبدًا مِن عَبِیدِی أَلقَیتُ عَلَیهِ مَحَبَّتِی وَ أَکرَمتُهُ بِطَاعَتِی وَ اصطَفَیتُهُ بِکَرَامَتِی. فَقَالَتِ المَلَائِکَةُ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ**[۲] ﴾ فَمَن أَکرَمُ عَلَی اللهِ مِنكَ؟ وَاللهِ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ وَجَمِیعَ أَهلِ بَیتِهِ ﷺ لَمُشرِفُونَ مُتَبَشِّرُونَ یُبَاهُونَ أَهلَ السَّمَاءِ بِفَضلِكَ یَقُولُ مُحَمَّدٌ: الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی أَنجَزَلِی وَعدَهُ فِی أَخِی وَصَفِیِّی وَ خَالِصَتِی مِن خَلقِ اللهِ وَاللهِ مَا قُمتُ قُدَامَ رَبِّی قَطُّ إِلَّا بَشَّرَنی بِهَذَا الَّذِی رَأَیتُ ، وَ إِنَّ مُحَمَّدًا لَفِی الوَسِیلَةِ عَلَی مِنبَرٍ مِن نُورٍ یَقُولُ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحَلَّنٰا دٰارَ الْمُقٰامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لاٰ یَمَسُّنٰا فِیهٰا نَصَبٌ وَ لاٰ یَمَسُّنٰا فِیهٰا لُغُوبٌ**[۳] ﴾.

سلمان فارسی از قول پیامبر ﷺ در بیان مناقب امیر مؤمنان ﷺ در محضر امام علی ﷺ آغاز به سخن نمود که امام علی ﷺ فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند آن‌چه را که پیامبر تو را از آن خبر داده، خود برای من گفته است، سپس فرمود: ای علی! به خدا سوگند صدایی از جانب خداوند بخشنده شنیدم که هرگز در میان آن‌چه که از فضیلت تو می‌گویند، همانندش شنیده نشده است؛ آن‌چنان‌که دیدم آسمان‌ها چنان ساکنان خود را به این سو و آن‌سو می‌کشانند که فرشتگان از ترس آشوبی که در آسمان‌ها برپاست، سوی من پناه می‌آورند و این همان

---

۱. فاطر، ۴۱

۲. فاطر، ۳۴

۳. فاطر، ۳۵

کلام خداوند عزّ ذکره است: «بی‌تردید خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد که از مسیر خود منحرف نشوند، و اگر منحرف شوند پس از او هیچ کس آن دو را نگاه نمی‌دارد، به راستی خداوند بردبار آمرزنده است.» و آسمان‌ها در آن روز تنها از برای بزرگداشت امر تو منحرف نشدند؛ تا این‌که فرشتگان از جانب خداوند بخشنده صدایی شنیدند که می‌گفت: ای بندگان من! آرام گیرید، همانا محبّتم را بر بنده‌ای از بندگانم افکندم و او را به طاعتم گرامی داشتم و به کرامتم او را برگزیدم. فرشتگان گفتند: «حمد و سپاس از آنِ خداوندی است که اندوه را از [دل] ما برد.» حال چه کسی نزد خداوند از تو ارجمندتر است؟! به خدا سوگند محمّد ﷺ و همهٔ اهل بیتش ﷺ ارجمند و دلشاد نزد اهالی آسمان به فضیلت تو می‌بالند و محمّد ﷺ می‌فرماید: سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که به وعده‌اش در مورد برادر و منتخب و برگزیدهٔ من از میان آفریدگان خداوند برایم جامهٔ عمل پوشانید. به خدا سوگند هیچ‌گاه مقابل پروردگارم قیام نکردم مگر آن‌که مرا به آن‌چه دیدم، بشارت داد. و همانا محمّد ﷺ نشسته در جایگاه وسیله بر منبری از نور می‌فرماید: «سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که ما را در این سرای اقامت [ابدی] جای داد، در اینجا نه رنجی به ما می‌رسد و نه خستگی.»

وَ اللهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ شِيعَتَكَ لَيُؤذَنَ لَهُم عَلَيكُم فِي الدُّخُولِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، وَ إِنَّهُم لَينظُرُونَ إِلَيكُم مِن مَنَازِلِهِم يومَ الجُمُعَةِ كَمَا يَنظُرُ أَهلُ الدُّنيَا إِلَى النَّجمِ فِي السَّمَاءِ، وَ إِنَّكُم لَفِي أَعلَى عِلِّيِّينَ فِي غُرفَةٍ لَيسَ فَوقَهَا دَرَجَةٌ أَحَدٍ مِن خَلقِهِ وَ اللهِ مَا بَلَّغَهَا أَحَدٌ غَيرَكُم.

ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ: وَ اللهِ لَأُبَارِزُ الأَرضَ الَّذِي تَسكُنُ إِلَيهِ وَ اللهِ لَا تَزَالُ الأَرضُ ثَابِتَةً مَا كُنتُ عَلَيهَا فَإِذَا لَم يَكُن لِلّٰهِ فِي خَلقِهِ حَاجَةٌ رَفَعَنِيَ اللهُ إِلَيهِ. وَاللهِ لَو فَقَدتُمُونِي لَمَارَت بِأَهلِهَا مُورًا لَا يَرُدُّهُم إِلَيهَا أَبَدًا، اللهَ اللهَ أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُم وَ النَّظَرَ فِي أَمرِ اللهِ وَ السَّلَامُ عَلَى المُؤمِنِينَ وَ الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ.

ای علی! به خدا سوگند در هر جمعه‌ای به شیعیان تو اجازه می‌دهند تا نزد شما آیند و آنان در روز جمعه از منزلگاه‌های خود سوی شما می‌نگرند، آن‌چنان که اهل دنیا به سوی ستاره‌ای در آسمان نظر می‌کنند و همانا شما در آسمان هفتم در غرفه‌ای جای دارید که درجهٔ هیچ‌یک از آفریدگان خداوند بالاتر از آن نیست و به خدا سوگند هیچ کس جز شما به آنجا نمی‌رسد. سپس امیرمؤمنان ﷺ فرمود: به خدا سوگند زمینی را که در آن ساکن هستید، آشکار ساختم. به خدا سوگند زمینِ با ثبات، مادامی که بر آن هستم منحرف و متزلزل نمی‌گردد. پس هنگامی که خداوند دیگر آفریدگانش را بر جا نخواهد، مرا به سوی خویش بالا می‌برد. به خدا سوگند اگر مرا از دست دهید هر آینه زمین چنان اهل خود را به این سو و آن سو می‌کشد که هرگز آنان بر جای نشوند. خدا را خدا را، ای مردم! برحذر باشید و در امر خدا نظر کنید و سلام بر مؤمنان و سپاس و ستایش از آنِ پروردگار جهانیان است.

وَ مِن سُورَةِ يس

(سورهٔ یس، آیهٔ ۱۳ ـ ۱۴ و ۲۰)

﴿ وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً أَصْحابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ * إِذْ أَرْسَلْنا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ * وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدينَةِ رَجُلٌ يَسْعىٰ قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ ﴾

و برای آنان مَثَلی بزن، [داستان] اهل آن شهر [انطاکیه]! هنگامی که فرستادگان [خداوند] به آنجا آمدند. آنگاه که به سوی آنان دو تن را فرستادیم، پس تکذیبشان کردند، آنگاه [آن دو را] به سوّمی توانا ساختیم... و از دورترین نقطهٔ شهر مردی شتابان آمد [و] گفت: ای قوم من! از این فرستادگان پیروی کنید.

۳۲۰. عَبدُالرَّحمانِ بنِ أَبی لَیلَی عَن أَبیهِ قالَ: قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: الصِّدّیقونَ ثَلاثَةٌ حَبیبُ النَّجّارُ مُؤمِنُ آلِ یس الَّذی قالَ: ﴿ **يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ** ﴾ وَ حِزقیلُ مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ الَّذی قالَ: ﴿ **أَ تَقْتُلُونَ رَجُلاً أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللهُ**[1] ﴾ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام الثّالِثُ وَ هُوَ أَفضَلُهُم.

---

۱. غافر، ۲۸.

عبدالرحمن بن ابی‌لیلی از پدرش نقل کرد: رسول خدا ﷺ فرمود: صدّیقین سه نفر هستند. حبیب نجّار همان مؤمن آل یاسین که گفت: «ای قوم من! از این فرستادگان پیروی کنید.» و حزقیل همان مؤمن آل فرعون که گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگار من خداست؟» و سوم علی بن ابی‌طالب ؑ که برترین ایشان است.



وَ مِن سُورَةِ الصَّافَاتِ

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۲۴)

﴿ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ ﴾

آنان را بازدارید، بی تردید از ایشان سؤال می‌شود.

۳۲۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ ﴾ قالَ: عَن وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: از ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام سؤال می‌شود.

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۳۰)

﴿ سَلامٌ عَلىٰ إِلْياسِينَ ﴾

سلام بر آل یاسین.

۳۲۲. عَن سُلَيمِ بنِ قَيسٍ العَامِرِيِّ قالَ: سَمِعتُ عَلِيًّا يَقُولُ: رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله يَاسِينُ وَ نَحنُ آلُهُ.

سلیم بن قیس عامری گفت: از حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله یاسین و ما خاندان او هستیم.

(سورهٔ صافات، آیهٔ ۱۶۴)

﴿ وَ مٰا مِنّٰا إِلاّٰ لَهُ مَقٰامٌ مَعْلُومٌ ﴾

و هیچ‌یک از ما نیست مگر این‌که برای او جایگاه معلومی است.

۳۲۳. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام قالَ: سَمِعتُهُ یَقُولُ فِی قَولِهِ ﴿ وَ مٰا مِنّٰا إِلاّٰ لَهُ مَقٰامٌ مَعْلُومٌ ﴾ قَالَ: أُنزِلَ فِی الأَئِمَّةِ وَ الأَوصِیَاءِ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: دربارهٔ امامان عليهم السلام و جانشینان خاندان حضرت محمّد صلى الله عليه وآله نازل شده است.



وَ مِن سُورةِ صٓ

(سورهٔ صٓ، آیهٔ ۲۸)

﴿ أَمْ نَجْعَلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ كَالْمُفْسِدينَ فِي الأَرضِ أَمْ نجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجّٰارِ ﴾

آیا کسانی راکه ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند همچون فسادکنندگان در زمین قرار می‌دهیم؟ یا پرهیزکاران را همچون بدکاران قرار می‌دهیم؟

۳۲۴. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ أَمْ نَجْعَلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ كَالْمُفْسِدينَ فِي الأَرضِ أَمْ نجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجّٰارِ ﴾** قالَ: نَزَلَت هٰذِهِ الآيَةُ فِی ثَلاثَةٍ مِنَ المُسلِمينَ فَهُمُ المُتَّقونَ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ فِی ثَلاثَةٍ مِنَ المُشرِكينَ فَهُمُ المُفسِدُونَ فِی الأَرضِ، فَأَمَّا الثَّلاثَةُ مِنَ المُسلِمينَ فَعَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ وَ حَمزَةُ وَ عُبَيدَةُ، وَ أَمَّا الثَّلاثَةُ مِنَ المُشرِكينَ فَعُتبَةُ بنُ رَبيعَةَ وَ شَيبَةُ وَ الوَليدُ بنُ عُتبَةَ وَ هُمُ الَّذينَ تَبارَزُوا يَومَ بَدرٍ فَقَتَلَ عَلِیٌّ الوَليدَ وَ قَتَلَ حَمزَةُ عُتبَةَ بنَ رَبيعَةَ وَ قَتَلَ عُبَيدَةُ شَيبَةَ.

ابن عباس گفت: این آیه دربارهٔ سه نفر از مسلمانانِ پرهیزکار که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام داده‌اند، و سه نفر از مشرکان که فسادکنندگان در زمین

هستند، نازل شده است. و امّا آن سه مسلمان، حضرت علی علیه السلام و حمزه و عبیده هستند و آن سه مشرک، عتبةبن ربیعه و شیبه و ولیدبن عتبه هستند که در روز بدر با یکدیگر مبارزه کردند. حضرت علی علیه السلام ولید را کشت، حمزه، عتبة بن ربیعه را کشت و عبیده، شیبه را کشت.

(سورهٔ صٓ، آیهٔ ۶۲ ـ ۶۴)

﴿ وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالاً كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ * أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ * إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴾

و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟! آیا آنان را مسخره کردیم یا چشمها[ی ما] از آنان منحرف شده است؟ به راستی این [یعنی] ستیزهٔ اهل آتش با یکدیگر، حق است.

۳۲۵. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: **﴿ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالاً كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴾** قَالَ: إِيَّاكُم وَاللهِ عَنَی يَا مَعشَرَ الشِّيعَةِ.

فرات گفت: جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟» فرمود: به خدا سوگند شما ای گروه شیعه مورد نظر هستید.

۳۲۶. عَن سَمَاعَةَ بنِ مِهرَانَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُوعَبدِ اللهِ علیه السلام مَا حَالُكُم عِندَ النَّاسِ؟ قَالَ: قُلتُ: مَا أَحَدُ أَسوَءُ حَالًا مِنَّا عِندَهُم، نَحنُ عِندَهُم أَشَرُّ مِنَ اليَهُودِ وَ النَّصَارَی وَ المَجُوسِ وَ الَّذِينَ أَشرَكُوا. قَالَ: لَا وَاللهِ لَا يُرَی فِی النَّارِ مِنكُم اثنَانِ لَا وَاللهِ لَا وَاحِدٌ وَ إِنَّكُمُ الَّذِينَ نَزَلَت فِيهِم هَذِهِ الآيَةُ: **﴿ وَ قَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالاً كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ * أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴾**.

سماعة بن مهران گفت: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: حال شما نزد مردم

چگونه است؟ عرض کردم: هیچ کس بدحال‌تر از ما نزد آن‌ها نیست، ما پیش آن‌ها بدتر از یهود و نصارا و مجوس و مشرکان هستیم. امام عليه السلام فرمود: نه؛ به خدا سوگند دو نفر از شما در آتش دیده نمی‌شود. نه؛ به خدا سوگند، یک نفر هم دیده نمی‌شود. شما کسانی هستید که این آیه دربارهٔ ایشان نازل گشت: «و گویند: چرا مردانی راکه از اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟! آیا آنان را مسخره کردیم یا چشم‌ها[ی ما] از آنان منحرف شده است؟»

۳۲۷. عَن سُلَيمَانَ الدَّيلَمِيِّ قَالَ: كُنتُ عِندَ أَبِي‌عَبدِ اللهِ عليه السلام إِذ دَخَلَ عَلَيهِ أَبُوبَصِيرٍ وَ قَد أَخَذَهُ النَّفَسُ فَلَمَّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قَالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ عليه السلام: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هَذَا النَّفَسُ العَالِي؟ قَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ كَبُرَت سِنِّي وَ دَقَّ عَظمِي وَ اقتَرَبَ أَجَلِي وَ لَستُ أَدرِي مَا أَرِدُ عَلَيهِ مِن أَمرِ آخِرَتِي. فَقَالَ يَا أَبَامُحَمَّدٍ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا؟ فَقَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ وَ كَيفَ لَا أَقُولُ هَذَا فَذَكَرَ كَلَامًا ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَامُحَمَّدٍ لَقَد ذَكَرَكُمُ اللهُ إِذ حَكَى قَولَ عَدُوِّكُم فِي النَّارِ: ﴿**مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ * أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ * إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ**﴾ وَاللهِ مَا عَنَا بِهَذَا وَ لَا أَرَادَ غَيرَكُم إِذ صِرتُم عِندَ هَذَا العَالَمِ شِرَارَ النَّاسِ فَأَنتُم وَاللهِ فِي الجَنَّةِ تُحبَرُونَ وَ هُم فِي النَّارِ يَصلُونَ.

سلیمان دیلمی گفت: نزد امام جعفر صادق عليه السلام بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفسش گرفته بود، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام صادق عليه السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد! چرا این‌گونه نفس عمیق می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا! پیر و ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام عليه السلام فرمود: ای ابامحمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ عرض کرد: قربانت شوم، چرا نگویم؟ امام عليه السلام سخنانی ذکر کرد و سپس فرمود: ای ابامحمّد! همانا خداوند شما را یاد کرده در آنجاکه از زبانِ دشمن شما در دوزخ چنین حکایت می‌کند: «و گویند:

چرا ما [در اینجا] مردانی را که از اشرار می‌شمردیم و تمسخرشان می‌کردیم نمی‌بینیم؟! یا شاید دیدگان ما [از دیدنشان] خیره گشته است؟» به خدا سوگند، مقصود و منظور از این آیه، کسی جز شما نیست؛ زیرا شما در نزد مردم این جهان اشرار محسوب شده‌اید. به خدا سوگند، هنگامی که شما در بهشت شادمان هستید، آنان در آتش سوخته می‌شوند.

وَ مِن سُورَةِ الزُّمَرِ

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۹)

﴿ أَمَّنْ هُوَ قٰانِتٌ آنٰاءَ اللَّيْلِ سٰاجِدًا وَ قٰائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذينَ لاٰ يَعْلَمُونَ إِنَّمٰا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبٰابِ ﴾

[آیا چنین کافری بهتر است] یا کسی که در ساعات شب در سجده و ایستاده با فروتنی به عبادت مشغول است، از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند.

۳۲۸. سُلَيمَانُ الدَّيلَمِيُّ قَالَ: كُنتُ عِندَ أَبِي‌عَبدِ اللهِ ﷺ إِذ دَخَلَ عَلَيهِ أَبُوبَصِيرٍ وَ قَد أَخَذَهُ النَّفَسُ فَلَمَّا أَن أَخَذَ مَجلِسَهُ قَالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ مَا هَذَا النَّفَسُ العَالِي؟ قَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ يَا ابنَ رَسُولِ اللهِ كَبُرَت سِنِّي وَ دَقَّ عَظمِي وَ اقتَرَبَ أَجَلِي وَ لَستُ أَدرِي مَا أَرِدُ عَلَيهِ مِن أَمرِ آخِرَتِي. فَقَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ ﷺ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّكَ لَتَقُولُ هَذَا؟! فَقَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ وَ كَيفَ لَا أَقُولُ هَذَا ـ فَذَكَرَ كَلَامًا.

ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ المَلَائِكَةَ تُسقِطُ الذُّنُوبَ عَن ظُهُورِ شِيعَتِنَا كَمَا يُسقِطُ الرِّيحُ

الوَرَقَ فِی أَوانِ سُقُوطِهِ وَ ذَلِكَ قَولُهُ تَعالَی: ﴿ **الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا**[۱] ﴾ فَمَا إِستِغفَارُهُم وَاللهِ إِلّا لَكُم دُونَ الخَلقِ فَهَل سَرَرتُكَ یا أَبَا مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ زِدنِی.

قَالَ: یا أَبَا مُحَمَّدٍ ذَكَرَنَا اللهُ وَ ذَكَرَ شِیعَتَنَا وَ عَدُوَّنَا فِی آیَةٍ مِن كِتَابِهِ: ﴿ **هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ** ﴾ فَنَحنُ الَّذِینَ یَعلَمُونَ وَ عَدُوُّنَا الَّذِینَ لَا یَعلَمُونَ وَ شِیعَتُنَا أُولُوا الأَلبَابِ.

قَالَ: جُعِلتُ فِدَاكَ زِدنِی. قَالَ: لَقَد ذَكَرَكُمُ اللهُ فِی كِتَابِهِ إِذ یَقُولُ: ﴿ **يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ**[۲] ﴾ مَا أَرَادَ بِهَذَا غَیرَكُم فَهَل سَرَرتُكَ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ؟

سلیمان دیلمی گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام بودم که ابوبصیر در حالی‌که نفسش گرفته بود، خدمت ایشان رسید. هنگامی که نشست، امام صادق علیه‌السلام رو به او کرد و فرمود: ای ابامحمّد، چرا این‌گونه نفس عمیق می‌کشی؟ عرض کرد: فدایت شوم ای فرزند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله! پیرو ناتوان شده‌ام و زمان مرگم نزدیک شده؛ با این وجود نمی‌دانم در آخرت چه حالی خواهم داشت. امام علیه‌السلام فرمود: ای ابا محمّد! تو هم چنین می‌گویی؟ ابوبصیر عرض کرد: قربانت شوم، چرا نگویم؟ امام علیه‌السلام سخنانی ذکر کرد و سپس فرمود: همانا فرشتگان گناهان را از دوش شیعیان ما می‌ریزند؛ همان‌گونه که باد خزان برگ‌ها را در فصل پاییز می‌ریزد و این کلام خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند.» به خدا سوگند آمرزش‌خواهیِ آنان تنها برای شماست، نه برای

---

۱. مؤمن، ۷

۲. زمر، ۵۳

دیگر مردم. ای ابا محمّد! آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام علیه السلام فرمود: ای ابا محمّد! خداوند از ما و شیعیان ما و دشمنان ما در آیه‌ای از کتابش یاد کرده است: «آیا کسانی که می‌دانند و آنانی که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند.» ما کسانی هستیم که می‌دانند و دشمنان ما کسانی هستند که نمی‌دانند و خردمندان، شیعیان ما هستند. عرض کرد: فدایت شوم، بیشتر بگویید. امام علیه السلام فرمود: خداوند از شما در کتابش یاد کرده است، آنجا که می‌فرماید: «ای بندگان من که در مورد نفس خویش زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت الهی ناامید نشوید؛ زیرا خداوند همهٔ گناهان شما را می‌آمرزد، به راستی او آمرزنده و مهربان است». خداوند در این آیه کسی جز شما را منظور نداشته است. ای ابا محمّد! آیا تو را خوشحال کردم؟

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۲۹)

﴿ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً رَجُلاً فیهِ شُرَكٰاءُ مُتَشٰاكِسُونَ وَ رَجُلاً سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيٰانِ مَثَلاً ﴾

خداوند مَثَلی زد: مردی که چند شریک در [مالکیّت] او با یکدیگر دعوا دارند و مردی که فرمانبر مرد دیگری است، آیا این دو در مَثَل با هم برابرند؟

۳۲۹. عَن جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الطُّفَيلِ: قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ رَجُلاً سَلَمًا لِرَجُلٍ ﴾ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ سَلَمٌ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله.

جابر به نقل از ابوطفیل گفت: حضرت علی علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «و مردی که فرمانبر مرد دیگری است»، فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمانبر پیامبر صلی الله علیه و آله است.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۵۶)

﴿ يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ ﴾

ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خداکوتاهی کردم.

۳۳۰. فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعنعَنًا: عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليه‌السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ** ﴾ قَالَ: جَنبُ اللهِ عَلِيٌّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى الخَلقِ يَومَ القِيَامَةِ، إذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ أَمَرَ اللهُ خُزَّانَ جَهَنَّمَ أَن يَدفَعَ مَفَاتِيحَ جَهَنَّمَ إِلَى عَلِيٍّ فَيُدخِلُ مَن يُرِيدُ وَ يُنجِي مَن يُرِيدُ وَ ذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله قَالَ: مَن أَحَبَّكَ فَقَد أَحَبَّنِي وَ مَن أَبغَضَكَ فَقَد أَبغَضَنِي، يَا عَلِيُّ أَنتَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوكَ، يَا عَلِيُّ إِنَّ لَوَاءَ الحَمدِ مَعَكَ يَومَ القِيَامَةِ تَقَدَّمُ بِهِ قُدامُ أُمَّتِي وَ المُؤَذِّنُونَ عَن يَمِينِكَ وَ عَن شِمَالِكَ.

فرات بن ابراهيم كوفى روايت كرده است: امام سجاد عليه‌السلام دربارهٔ اين آيه فرمود: منظور از جنب خدا على عليه‌السلام است و او حجت خدا بر خلق در روز قيامت است. هنگامى كه روز قيامت فرارسد، خداوند به دربانان جهنم امر مى‌كند تا كليدهاى جهنم را به على عليه‌السلام بدهند و او هر كه را بخواهد، داخل جهنم مى‌كند و هر كه را بخواهد، نجات مى‌دهد؛ چراكه رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله به على عليه‌السلام فرمود: كسى كه تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر كس تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است، اى على! تو برادر من هستى و من برادر تو هستم، اى على! همانا پرچم حمد در روز قيامت در دست توست و تو آن را پيشاپيش امّت من مى‌آورى و مؤذنان در راست و چپ تو قرار خواهند گرفت.

۳۳۱. عُبَيدُ بنُ كَثِيرٍ مُعَنعَنًا: عَن أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام قَالَ: أَنَا وَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَى الحَوضِ وَ مَعَنَا عِترَتُنَا فَمَن أَرَادَنَا فَليَأخُذ بِقَولِنَا وَ لِيَعمَل بِأَعمَالِنَا فَإِنَّا أَهلَ البَيتِ لَنَا شَفَاعَةٌ فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى الحَوضِ فَإِنَّا نَذُودُ عَنهُ أَعدَاءَنَا وَ نَسقِي مِنهُ أَولِيَاءَنَا، وَ مَن شَرِبَ مِنهُ لَم يَظمَأ أَبَدًا، وَ حَوضُنَا مُترَعٌ فِيهِ مَثعَبَانِ يَنصَبَّانِ مِنَ الجَنَّةِ أَحَدُهُمَا مِن تَسنِيمٍ وَ الآخَرُ مِن مَعِينٍ، عَلَى حَافَتَيهِ

الزَّعفَرَانُ ، وَ حَصبَاهُ الدُّرُّ وَ اليَاقُوتُ وَ إِنَّ الأُمُورَ إِلَى اللهِ وَ لَيسَ إِلَى العِبَادِ وَ لَو كَانَ إِلَى العِبَادِ مَا اختَارُوا عَلَينَا أَحَدًا وَلكِنَّهُ يَختَصُّ بِرَحمَتِهِ مَن يَشَاءُ مِن عِبَادِهِ ، فَأَحمَدُ اللهَ عَلَى مَا اختَصَّكُم بِهِ مِنَ النِّعَمِ وَ عَلَى طِيبِ المَولِدِ فَإِنَّ ذِكرَنَا أَهلَ البَيتِ شِفَاءُ مِنَ الوَعكِ وَ الأَسقَامِ وَ وَسوَاسِ الرَّيبِ ، وَ إِنَّ حُبَّنَا رِضَا الرَّبِّ وَ الآخِذُ بِأَمرِنَا وَ طَرِيقَتِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ القُدسِ ، وَ المُنتَظِرُ لِأَمرِنَا كَالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ ، وَ مَن سَمِعَ وَاعِيَنَا فَلَم يَنصُرنَا أَكَبَّهُ اللهُ عَلَى مَنخِرَيهِ فِي النَّارِ.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام فرمود: من و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حوض می‌ایستیم و خاندانمان همراه ما هستند؛ پس هر که می‌خواهد به ما بپیوندد، بایست به گفتهٔ ما گوش فرا دهد و به کردار ما عمل کند که شفاعت از برای ما اهل بیت است؛ پس برای دیدار ما بر حوض از یکدیگر پیشی گیرید که ما دشمنانمان را از آن دور می‌رانیم و دوستانمان را از آن می‌نوشانیم و هر که از آن بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد. حوض ما لبریز است و دو آبراهه دارد که از بهشت سرچشمه می‌گیرد؛ یکی از آن دو از چشمهٔ تسنیم و دیگری از چشمهٔ معین. بر لبه‌هایش زعفران است و ریگ‌هایش از درّ و یاقوت است و همه امور به سوی خداوند است و نه به سوی بندگان؛ که اگر به سوی بندگان می‌بود، هیچ‌کس را بر ما بر نمی‌گزیدند، امّا او هر که را از بندگانش بخواهد، به رحمت خود مخصوص می‌گرداند. پس خدا را می‌ستایم برای آن‌چه که از نعمت‌ها به شما اختصاص داد و زاد و ولدتان را پاک گرداند. همانا ذکر ما اهل بیت شفابخش ناخوشی‌ها و بیماری‌ها و وسوسه‌های شک‌برانگیز است و همانا دوستی ما خشنودی پروردگار است و آن‌که به فرمان ما گوش فرا دهد و پا در طریقت ما گذارد، فردا به کنار پرچین فردوس برین همراه ماست و آن‌که در انتظار امر ما باشد، همچون کسی است که در راه خدا در خون خود غلتیده و هر که ندای ما را بشنود امّا ما را یاری نکند، خداوند از صورت او را در آتش سرنگون می‌کند.

نَحنُ البابُ إِذَا بُعِثُوا فَضاقَت بِهِمُ المَذاهِبُ ، نَحنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ الإِسلَامِ مَن دَخَلَهُ نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنهُ هَوَى ، بِنَا فَتَحَ اللهُ وَ بِنَا يَختِمُ ، وَ بِنَا يَمحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثبِتُ ، وَ بِنَا يُنَزِّلُ الغَيثَ فَلا يَغُرَّنَّكُم بِاللهِ الغَرُورُ.

لَو تَعلَمُونَ مَا لَكُم فِي القِيَامِ بَينَ أَعدَائِكُم وَ صَبرِكُم عَلَى الأَذَى لَقَرَّت أَعيُنُكُم ، وَ لَو فَقَدتُمُونِي لَرَأَيتُم أُمُورًا يَتَمَنَّى أَحَدُكُمُ المَوتَ مِمَّا يَرَى مِنَ الجَورِ وَ الإِستِخفَافِ بِحَقِّ اللهِ وَ الخَوفِ ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاعتَصِمُوا بِحَبلِ اللهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ، وَ عَلَيكُم بِالصَّبرِ وَ الصَّلَاةِ وَ التَّقِيَّةِ وَ اعلَمُوا أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُبغِضُ مِن عِبَادِهِ المُتَلَوِّنَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الحَقِّ وَ وَلَايَةِ أَهلِ الحَقِّ ، فَإِنَّهُ مَنِ استَبدَلَ بِنَا هَلَكَ وَ مَنِ اتَّبَعَ أَمرَنَا لَحِقَ وَ مَن سَلَكَ غَيرَ طَرِيقِنَا غَرِقَ وَ إِنَّ لِمُحِبِّينَا أَفوَاجًا مِن رَحمَةِ اللهِ وَ إِنَّ لِمُبغِضِينَا أَفوَاجًا مِن عَذَابِ اللهِ.

در آن هنگام که مردم برانگیخته شوند و گذرگاه‌ها بر ایشان تنگ آید، ما بابِ نجاتیم و ما بابِ ریزش گناهان که همان بابِ اسلام است، هستیم؛ هر که به آن درآید، نجات یابد و هر که به آن نرسد، سقوط کند. خداوند به خاطر ما آغاز کرد و به خاطر ما به پایان می‌رساند و به خاطر ما آن‌چه را که بخواهد از میان می‌برد یا بر جا می‌گذارد و به خاطر ما باران را فرو می‌ریزد، پس مبادا غرور شما را در پیشگاه خداوند بفریبد. اگر می‌دانستید با قیام در بین دشمنانتان و بردباری‌تان بر آزار آنان چه به دست می‌آورید، هر آینه چشمانتان روشن می‌گردید. اگر مرا از دست دهید، هر آینه چنان می‌بینید که هر یک از شما به سبب آن‌چه از ستمگری و سبک شمردن حق خدا و ترس می‌بیند، آرزوی مرگ می‌کند. پس اگر چنین شد، همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید و بر شما باد شکیبایی و نماز و تقیه و بدانید که خداوند تبارک و تعالی از میان بندگان خود با ریاکار دشمن است، پس از حق و ولایت اهل حق روی نگردانید. همانا هر که دیگری را به جای ما گذارد، هلاک می‌شود و هر که

از فرمان ما پیروی کند، راه می‌یابد و هر که جز طریقت ما را بپیماید، غرق می‌شود. همانا رحمت خدا فوج فوج از برای دوستداران ماست و عذاب خدا فوج فوج از برای کینه توزان ماست.

طَرِيقُنَا القَصدُ وَ فِی أَمرِنَا الرُّشدُ، أَهلُ الجَنَّةِ يَنظُرُونَ إِلَى مَنَازِلِ شِيعَتِنَا كَمَا يُرَى الكَوكَبُ الدُّرِّيُّ فِی السَّمَاءِ لَا يَضِلُّ مَنِ اتَّبَعنَا وَ لَا يَهتَدِی مَن أَنكَرَنَا وَ لَا يَنجُو مَن أَعَانَ عَلَينَا وَ لَا يُعَانُ مَن أَسلَمَنَا فَلَا تَخَلَّفُوا عَنَّا لِطَمَعِ دُنيَا وَ حُطامِ زَائِلٍ عَنكُم وَ تَزُولُونَ عَنهُ، فَإِنَّهُ مَن آثَرَ الدُّنيَا عَلَينَا عَظُمَت حَسرَتُهُ وَ كَذَلِكَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ **يٰا حَسْرَتىٰ عَلىٰ مٰا فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللهِ** ﴾ سِرَاجُ المُؤمِنِ مَعرِفَةُ حَقِّنَا، وَ أَشَدُّ العَمَى مَن عَمِيَ فَضلَنَا وَ نَاصَبَنَا العَدَاوَةَ بِلَا ذَنبٍ إِلَّا أَن دَعَونَاهُ إِلَى الحَقِّ وَ دَعَاهُ غَيرُنَا إِلَى الفِتنَةِ فَآثَرَهَا عَلَينَا.

لَنَا رَايَةُ الحَقِّ مَنِ استَظَلَّ بِهَا كَنَّتهُ، وَ مَن سَبَقَ إِلَيهَا فَازَ بِعِلمِهِ.

أَنتُم عُمَّارُ الأَرضِ الَّذِينَ استَخلَفَكُمُ اللهُ فِيهَا لِيَنظُرَ كَيفَ تَعمَلُونَ فَرَاقِبُوا اللهَ فِيمَا يَرَى مِنكُم، وَ عَلَيكُم بِالمَحَجَّةِ العُظمَى فَاسلُكُوهَا ﴿ **سٰابِقُوا إِلىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهٰا كَعَرْضِ السَّمٰاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ رُسُلِهِ**[1] ﴾ وَ اعلَمُوا أَنَّكُم لَن تَنَالُوهَا إِلَّا بِالتَّقوَى، وَ مَن تَرَكَ الأَخذَ عَمَّن أَمَرَ اللهُ بِطَاعَتِهِ قَيَّضَ اللهُ لَهُ شَيطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ.

مَا بَالُكُم قَد رَكَنتُم إِلَى الدُّنيَا وَ رَضِيتُم بِالضَّيمِ وَ فَرَّطتُم فِيهَا فِيهِ عِزُّكُم وَ سَعَادَتُكُم وَ قُوَّتُكُم عَلَى مَن بَغَى عَلَيكُم، لَا مِن رَبِّكُم تَستَحيُونَ وَ لَا أَنفُسَكُم تَنظُرُونَ وَ أَنتُم فِی كُلِّ يَومٍ تُضَامُونَ وَ لَا تَنتَبِهُونَ مِن رَقدَتِكُم وَ لَا تَنقَضِی فَترَتُكُم.

مَا تَرَونَ دِينَكُم يَبلَى وَ أَنتُم فِی غَفلَةِ الدُّنيَا قَالَ اللهُ عَزَّ ذِكرُهُ: ﴿ **وَ لٰا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النّٰارُ وَ مٰا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللهِ مِنْ أَوْلِيٰاءَ ثُمَّ لٰا تُنْصَرُونَ**[2] ﴾.

راه ما مقصد است و هدایت در امر ماست، بهشتیان به منزل‌های شیعیان ما

---

۱. حدید، ۲۱

۲. هود، ۱۱۳

می‌نگرند؛ چنان‌که به ستاره‌ای درخشان در آسمان نگریسته شود. هر که از ما پیروی کند، گمراه نمی‌شود و هر که ما را انکار کند، راه نمی‌یابد و هر که دشمن ما را یاری دهد، نجات نمی‌یابد و هر که ما را فرو گذارد، یاری نمی‌شود؛ پس به خاطر آز دنیا و متاع بی‌ارزشی که از دستتان می‌رود و از آن دور می‌شوید، به ما پشت نکنید که هر کس دنیا را بر ما ترجیح دهد، حسرتش فزون شود و این کلام خداوند متعال است: «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خدا کوتاهی کردم». چراغ مؤمن شناختن حق ماست و سخت‌ترین کوری را کسی دارد که برتری ما را نبیند و بدون هیچ گناهی با ما دشمنی برافروزد، چون جز این نیست که ما او را به حق فرامی‌خوانیم و جز ما او را به فتنه فرا می‌خواند و او فتنه را بر ما ترجیح می‌دهد. بیرق حق از برای ماست، هر که به زیر سایه‌اش درآید، او را پناه می‌دهد و هر که به سویش پیشی گیرد، با دانشی که دارد پیروز می‌شود. شما آبادکنندگان زمین هستید که خداوند شما را در آن به جانشینی نهاد تا بنگرد چگونه عمل می‌کنید، پس خدا را در آن‌چه از شما می‌بیند، در نظر آورید و بر شما باد راه روشن و والا، آن را بپیمایید و «بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن همچون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آماده شده است». و بدانید که تنها با پرهیزکاری به آن دست می‌یابید، هر کس فرمان‌بری از آن‌که خداوند به فرمانبری‌اش امر کرده را واگذارد، خداوند شیطانی برای او مقدّر می‌دارد که همراه او می‌شود. چه در سر دارید که به دنیا تکیه کرده‌اید و به ستم خشنود شده‌اید و در دنیا نسبت به آن‌چه که عزت و سعادت و نیرومندی شما علیه آنان که به شما ستم می‌کنند، در آن است، کوتاهی می‌کنید؟ نه از پروردگارتان شرم می‌کنید و نه به حال خود می‌نگرید و حال آن‌که شما همه روز در خوابید و سستی‌تان پایان نمی‌یابد. آیا نمی‌بینید دین شما فرسوده می‌شود و شما سرگرم دنیا هستید؟ خداوند متعال می‌فرماید:

«و به کسانی که ستم کردند، تکیه نکنید که [اگر چنین کنید] آتش به شما می‌رسد در حالی‌که جز خدا برای شما هیچ سرپرستی نیست، و یاری نمی‌شوید.»

۳۳۲. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَقِّنُوا مَوتَاكُم لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ فَإِنَّهَا لَتَسِرُّ المُؤمِنَ حِينَ يَمرَقُ مِن قَبرِهِ، قَالَ لِی جَبرَئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ لَو تَرَاهُم حِينَ يَمرَقُونَ مِن قُبُورِهِم يَنفُضُونَ التُّرَابَ عَن رُؤُوسِهِم وَ هَذَا يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ فَيَبيَضُّ وَجهُهُ وَ هَذَا يَقُولُ: ﴿ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ ﴾ يَعنِی مِن وَلَايَةِ عَلِیٍّ مُسوَدٌّ وَجهُهُ.

جابر از امام محمّد باقر ؑ روایت کرد که ایشان فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: به مردگان خود تلقین کنید که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست که این سخن، مؤمن را به آن هنگام که سر از قبرش بر می‌آورد، شادمان می‌سازد. جبرئیل به من گفت: ای محمّد! آن‌ها را خواهی دید که چون سر از قبر برآورند و گرد از سرهایشان زدایند، یکی گوید: هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و از این سخن چهره‌اش سفید می‌گردد و یکی گوید «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه در طاعت و بندگی خدا کوتاهی کردم»، یعنی در ولایت علی ؑ، و چهره‌اش سیاه می‌گردد.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۶۰)

﴿ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ ﴾

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند در حالی خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه است، آیا در دوزخ برای متکبران جایگاهی نیست؟!

۳۳۳. عَنِ القَاسِمِ بنِ عَوفٍ قَالَ: سَمِعتُ عَبدَ اللهِ بنِ مُحَمَّدٍ ؑ يَقُولُ: إِنَّا نُحَدِّثُ النَّاسَ حَدِيثًا عَلَى أَصنَافٍ شَتَّى فَمِن حَدِيثِنَا لَا نُبَالِی أَن نَتَكَلَّمَ بِهِ عَلَى المَنَابِرِ وَ هُوَ زِينٌ لَنَا وَ شَينٌ لِعَدُوِّنَا، وَ مِن حَدِيثِنَا حَدِيثٌ لَا نُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا لِشِيعَتِنَا فَعَلَيهِ يَجتَمِعُونَ وَ عَلَيهِ

يَتزاوَرُونَ، وَ مِن حَدِيثِنا حَدِيثٌ لَا نُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا رَجُلًا أَوِ اثنَينِ فَما زَادَ عَلَى الثَّلاثَةِ فَلَيسَ بِشَيءٍ، وَ مِن حَدِيثِنَا حَدِيثٌ لا نَضَعُهُ إِلَّا فِي حُصُونٍ حَصِينَةٍ وَ قُلُوبٍ أَمِينَةٍ وَ أَحلام ثَخِينَةٍ وَ عُقُولٍ رَصِينَةٍ فَيَكُونُونَ لَهُ وُعَاةً و رُعَاةً و دُعَاةً وَ حَفَظَةً شهودًا. إِنَّه لَيسَ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يُحَدِّثُ عَنَّا حَدِيثًا إِلَّا نَحنُ سَائِلُوهُ عَنهُ يومًا، فَإِن يَكُ كَاذِبًا كَذَّبنَاهُ فَصَارَ كَذَّابًا وَ إِن يَكُ صَادِقًا صَدَّقنَاهُ فَصارَ صَادِقًا. لَا تَطعَنُوا فِي عَينِ مُقبِلٍ يُقبِلُ إِلَيكُم فَتَنبِذُوهُ بِمَقَالَةٍ يَشمَئِزُّ مِنهَا قَلبُهُ، وَ لَا فِي قِفَاءِ مُدبِرٍ حِينَ يُدبِرُ عَنكُم فَيَزدَادُ إِدبارًا وَ نِفارًا وَ إِستِكبارًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أْمُرُوا بِالمَعرُوفِ وَ انهَوا عَنِ المُنكَرِ وَ كُونُوا إِخوَانًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللهُ. إِنَّهُ لَيسَ أَحَدٌ مِن هَذِهِ الفِرَقِ إِلَّا وَ قَد رَضِيَ الشَّيطَانُ بِالَّذِي أَعطُوهُ مِن أَنفُسِهِم، لَا أَهلُ وَثَنٍ يَعبُدُونَهُ وَ لَا أَهلُ نَارٍ وَ لَا أَهلُ هَذِهِ الأَهوَاءِ الخَبِيثَةِ لَا قَد ثَنَى عَلَيهِم رِجلَهُ، وَ إِنَّهُ قَد نَصَبَ لَكُم أَيَّتُهَا الشِّيعَةُ فَرَضِيَ مِنكُم بِأَن يَفرِقَ بَينَكُم فَبَينَمَا أَنتَ تَلقَى الرَّجُلَ يَنظُرُ إِلَيكَ بِوَجهٍ تَعرِفُهُ وَ يُكَلِّمُكَ بِلِسَانٍ تَعرِفُهُ، إِذ لَقِيكَ مِنَ الغَدِ فَكَلَّمَكَ بِغَيرِ ذَلِكَ اللِّسَانِ وَ يَنظُرُ إِلَيكَ بِغَيرِ ذَلِكَ الوَجهِ، لَا تَحقَبَنَّ رَاحِلَتَكَ كِذبًا عَلَينَا فَإِنَّهُ بِئسَ الحَقِيبَةُ تُحقِبُ رَاحِلَتَكَ. إِنَّهُ مَن كَذَبَ عَلَينَا كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ مَن كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ كَذَبَ عَلَى اللهِ وَ قَالَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَ لَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ ﴾**.

قاسم بن عوف گفت: شنیدم که امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: ما به گونه‌های مختلفی برای مردم حدیث می‌گوییم؛ گونه‌ای از حدیث ماست که بدون هیچ مسئله‌ای آن را بر منابر می‌گوییم و زیوری است برای ما و ننگی است برای دشمنمان؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها برای شیعیانمان می‌گوییم و ایشان آن را می‌پذیرند و برای هم بازگو می‌کنند؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها برای یک یا دو تن می‌گوییم و اگر بر سه تن افزون گردد، در حدشان نیست؛ و گونه‌ای از حدیث ماست که آن را تنها در دژهای استوار و دل‌های

امین و خردهای ستبر و عقل‌های متین قرار می‌دهیم و اینان برای آن حدیث نگاهدارنده و دعوت‌کننده و نگاهبان و گواهان‌اند. همانا هیچ‌یک از مردم حدیثی از ما را باز نمی‌گوید جز آن‌که ما روزی وی را دربارهٔ آن بازخواست می‌کنیم؛ اگر دروغ گفته باشد، ما او را تکذیب می‌کنیم و این‌چنین دروغگو شناخته می‌شود و اگر راست گفته باشد، ما او را تصدیق می‌کنیم و این‌چنین راستگو شناخته می‌شود. پیش روی کسی که به شما رو می‌آورد، بدگویی نکنید تا او را به سخنی که دلش از آن بیزار می‌شود، دور نرانید و پشت سر کسی که به شما پشت می‌کند در آن هنگام که از شما روی می‌گرداند، بد نگویید تا روی‌گردانی و دلخوری و خودنمایی افزون نشود. با مردم به نیکی سخن گویید و نماز بر پا دارید و زکات بپردازید و به کار نیک فرمان دهید و از کار بد باز دارید و برادر باشید؛ همچنان‌که خداوند شما را فرمان داده است. همانا هیچ‌یک از پیروان این فرقه‌ها نیست جز آن‌که شیطان از آن‌چه که آنان از جانب خود به او داده‌اند، خشنود است، اینان نه بت‌پرستان‌اند که او را می‌پرستند و نه دوزخیان‌اند و نه دارندگان این هوس‌های پلید؛ او عزم اینان را نکرده است، بلکه او برای شما ای شیعیان دام نهاده است و از این خشنود می‌شود که میان شما تفرقه بیندازد، پس امروز با کسی رویارو می‌شوی که با چهره‌ای آشنا به تو می‌نگرد و با زبانی آشنا با تو سخن می‌گوید، اما به ناگاه فردا با او رویارو می‌شوی و با زبانی جز آن زبان با تو سخن می‌گوید و با چهره‌ای جز آن چهره به تو می‌نگرد. کوله‌بار خود را از دروغ بستن به ما انباشته مکنید که آن بد انباشته‌ای است. همانا هر که به ما دروغ بندد، به رسول خدا دروغ بسته و هر که بر رسول خدا ﷺ دروغ بندد، بر خدا دروغ بسته است؛ خداوند متعال فرمود: «و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند در حالی خواهی دید که چهره‌هایشان سیاه است، آیا در دوزخ برای متکبران جایگاهی نیست؟!»

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۹)

﴿ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ ﴾.

اگر شرک آوری، یقیناً عملت باطل می‌شود.

۳۳۴. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزارِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبي‌جَعفَرٍ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ ﴾ قالَ: لَئِن أَشرَكتَ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ لَيَحبَطَنَّ عَمَلُكَ.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: اگر به ولایت علی عليه السلام شرک ورزی، یقیناً عملت باطل خواهد شد.

(سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۴)

﴿ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي صَدَقَنا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الأَرضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشاءُ ﴾.

سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را با ما راست گردانید و زمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر کجای این بهشت که بخواهیم جای می‌گیریم.

۳۳۵. عَن أَبي‌ذَرٍ الغِفارِيِّ رَضِيَ اللّٰهُ عَنهُ قالَ: كُنتُ عِندَ رَسولِ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله ذاتَ يَومٍ فِي مَنزِلِ أُمِّ سَلَمَةَ وَ رَسولُ اللّٰهِ يُحَدِّثُنِي وَ أَنا لَهُ مُستَمِعٌ إِذ دَخَلَ عَلِيُّ‌بنُ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام فَلَمّا أَن بَصَرَ بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَشرَقَ وَجهُهُ نُورًا وَ فَرَحًا وَ سُرُورًا بِأَخِيهِ وَ ابنِ عَمِّهِ، ثُمَّ ضَمَّهُ إِلَى صَدرِهِ وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ ثُمَّ التَفَتَ إِلَيَّ فَقالَ: يا أَباذَرٍ تَعرِفُ هٰذَا الدّاخِلَ إِلَينا حَقَّ مَعرِفَتِهِ؟ قالَ أَبوذَرٍ: يا رَسولَ اللّٰهِ هُوَ أَخُوكَ وَ ابنُ عَمِّكَ وَ زَوجُ فاطِمَةَ وَ أَبوالحَسَنِ وَ الحُسَينِ سَيِّدَي شَبابِ أَهلِ الجَنَّةِ فَقالَ رَسولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله: يا أَباذَرٍ هٰذَا الإِمامُ الأَزهَرُ وَ رُمحُ اللّٰهِ الأَطوَلُ وَ بابُ اللّٰهِ الأَكبَرُ، فَمَن أَرادَ اللّٰهَ فَليَدخُل مِنَ البابِ.

ابوذر غفاری گفت: روزی در خانهٔ امّ سلمه نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله بودم و ایشان برای من سخن می‌گفت و من به ایشان گوش فرا می‌دادم که ناگاه حضرت

علی ﷺ وارد شد. چون رسول خدا ﷺ چشمش به او افتاد، از دیدار برادر و پسرعموی خود چهره‌اش از شادی و سرور درخشید و او را در آغوش کشید و میان چشمانش را بوسید و سپس رو به من فرمود: ای ابوذر! آیا این مردی را که نزد ما آمد، چنان‌که سزاوارش باشد، می‌شناسی؟ عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! او برادر و پسرعموی شما و شوی حضرت فاطمه ﷺ و پدر حضرت حسن و حضرت حسین ﷺ سروران جوان اهل بهشت است. آن‌گاه رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوذر! این مرد، امام نورانی و [در مقابل دشمنان همچون] نیزهٔ بلند [قدرت] خداوند و [در سیر حرکت به سوی] خدا، باب اکبر است. هر که خدا را می‌خواهد، بایست از در وارد شود.

يَا أَبَاذَرٍ هَذَا القَائِمُ بِقِسطِ اللهِ وَ الذَّابُّ عَن حَرِيمِ اللهِ وَالنَّاصِرُ لِدِينِ اللهِ وَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ فِى الأُمَمِ كُلِّهَا ـ كُلِّ أُمَّةٍ فِيهَا نَبِيٌّ.

يَا أَبَاذَرٍ إِنَّ لِلَّهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ عَلَى كُلِّ رُكنٍ مِن أَركَانِ عَرشِهِ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ لَيسَ لَهُم تَسبِيحٌ وَ لَا عِبَادَةٌ إِلَّا الدُّعَاءَ لِعَلِيٍّ وَ الدُّعَاءَ عَلَى أَعدَائِهِ.

يَا أَبَاذَرٍ لَو لَا عَلِيٌّ مَا أَبَانَ الحَقُّ مِنَ البَاطِلِ وَ لَا مُؤمِنٌ مِن كَافِرٍ وَ مَا عُبِدَ اللهُ، لِأَنَّهُ ضَرَبَ عَلَى رُؤُوسِ المُشرِكِينَ حَتَّى أَسلَمُوا وَ عُبِدَ اللهُ، وَ لَو لَا ذَلِكَ مَا كَانَ ثَوَابٌ وَ لَا عِقَابٌ، لَا يَستُرُهُ مِنَ اللهِ سِترٌ وَ لَا يَحجُبُهُ عَنِ اللهِ حِجَابٌ بَل هُوَ الحِجَابُ وَ السِّترُ. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: **﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ[۱]﴾**.

ای ابوذر! این مرد برپا کنندهٔ عدالت خداوند و مدافع حریم خداوند و یاریگر دین خداوند و حجت خداوند بر آفریدگانش در تمامی امت‌هاست؛ هر امتی که پیامبری در آن باشد. ای ابوذر! خداوند عزّوجلّ بر هر یک از پایه‌های

---

۱. شوری، ۱۳

عرشش هفتاد هزار فرشته دارد که تسبیح و عبادت آنان چیزی جز دعا کردن به علی ﷺ و لعنت دشمنان او نیست. ای ابوذر! اگر علی ﷺ نبود، حق از باطل و مؤمن از کافر آشکار نمی‌گشت و خداوند پرستش نمی‌شد؛ چراکه او بر سر مشرکان کوبید تا اسلام آوردند و خداوند پرستش شد و اگر چنین نبود، پاداش و جزایی هم نبود. هیچ پرده‌ای خدا را از او پنهان نمی‌دارد و هیچ پوششی خدا را بر او نمی‌پوشاند؛ بلکه او خود پوشش است و پرده. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: «و برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود، و آن‌چه به ... وحی کردیم و آن‌چه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن سفارش کردیم [این است] که «دین را برپا دارید و در آن دچار تفرقه نشوید». بر مشرکان [تحمّل] آن‌چه آنان را به آن فرا می‌خوانی دشوار است. خداوند هر که را بخواهد سوی خود برمی‌گزیند، و هر کس را که توبه کند [و دعوت تو را اجابت نماید] به سوی خود هدایت می‌کند.»

يَا أَبَاذَرٍ إِنَّ اللهَ تَعَالَى تَعَزَّزَ بِمُلْكِهِ وَ وَحدَانِيَّتِهِ فِي فَردَانِيَّتِهِ فَعَرَّفَ عِبَادَهُ المُخلِصِينَ نَفسَهُ فَأَبَاحَ لَهُ جَنَّتَهُ، فَمَن أَرَادَ أَن يَهدِيَهُ عَرَّفَهُ وَلَايَتَهُ وَ مَن أَرَادَ أَن يَطمِسَ عَلَى قَلبِهِ أَمسَكَ عَلَيهِ مَعرِفَتَهُ.

يَا أَبَاذَرٍ هَذَا رَايَةُ الهُدَى وَ كَلِمَةُ التَّقوَى وَ العُروَةُ الوُثقَى وَ إِمَامُ أَولِيَائِي وَ نُورُ مَن أَطَاعَنِي، وَ هُوَ الكَلِمَةُ الَّتِي أَلزَمتُهَا المُتَّقِينَ فَمَن أَحَبَّهُ كَانَ مُؤمِنًا وَ مَن أَبغَضَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَن تَرَكَ وَلَايَتَهُ كَانَ ضَالًّا مُضِلًّا وَ مَن جَحَدَ حَقَّهُ كَانَ مُشرِكًا.

يَا أَبَاذَرٍ يُؤتَى بِجَاحِدِ حَقِّ عَلِيٍّ وَ وَلَايَتِهِ يَومَ القِيَامَةِ أَصَمَّ وَ أَبكَمَ وَ أَعمَى يَتَكَبكَبُ فِي ظُلُمَاتِ يَومِ القِيَامَةِ يُنَادِي مُنَادٍ ﴿**يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ**[1]﴾ وَ أُلقِيَ عُنُقَهُ طَوقٌ مِن نَارٍ وَ لِذَلِكَ الطَّوقِ ثَلَاثُمِاءَةِ شُعبَةٍ عَلَى كُلِّ شُعبَةٍ شِيطَانٌ يَتفُلُ فِي وَجهِهِ الكَلِحِ مِن جَوفِ قَبرِهِ إِلَى النَّارِ.

---

۱. زمر، ۵۶.

ای ابوذر! همانا خداوند متعال به فرمانروایی و یگانگی‌اش در یکتایی خویش عزیز شد و خود را به بندگان شناسانید و بهشتش را از برای علی ﷺ حلال کرد، پس هر که را بخواهد هدایت کند، ولایت او را به وی می‌شناساند.

ای ابوذر! این مرد بیرق هدایت است و کلمهٔ تقوا و ریسمان استوار و پیشوای دوستان من است و نوری است از برای آنان که مرا اطاعت می‌کنند و او کلمه‌ای است که پرهیزکاران را بدان مُلزم ساختم. پس هر که او را دوست بدارد، مؤمن است و هر که او را دشمن بدارد، کافر است و هر که ولایت او را واگذارد، گمراه و گمراه کننده است و هر که حق او را انکار کند، مشرک است.

ای ابوذر! در روز قیامت کسی را که حق علی ﷺ و ولایتش را انکار کرده در حالی می‌آورند که ناشنوا و گنگ و نابیناست و این‌چنین در تاریکی‌های روز قیامت واژگون می‌شود و آن‌گاه ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد «ای دریغ و افسوس بر آن‌چه که در طاعت و عبادت خدا کوتاهی کردم»، و طوقی از آتش به گردنش انداخته می‌شود که سیصد شاخه دارد و بر هر شاخه‌اش شیطانی است که بر چهره درهم کشیدهٔ او آب دهان می‌اندازد و این از میان قبر او تا به دوزخ ادامه دارد.

فَقَالَ أَبُوذَرٍ: قُلتُ: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ مَلَأتَ قَلبِی فَرحًا وَ سُرُورًا فَزِدنِی فَقَالَ: یَا أَبَاذَرٍ لَمَّا أَن عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ فَصِرتُ فِی السَّمَاءِ الدُّنیَا أَذَّنَ مَلَكٌ مِنَ المَلَائِکَةِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ فَأَخَذَ بِیَدِی جَبرَئِیلُ ﷺ فَقَدَّمَنِی وَ قَالَ لِی: یَا مُحَمَّدُ صَلِّ بِالمَلَائِکَةِ فَقَد طَالَ شَوقُهُم إِلَیكَ، فَصَلَّیتُ بِسَبعِینَ صَفًّا کُلُّ الصَّفِّ مَا بَینَ المَشرِقِ وَ المَغرِبِ لَا یَعلَمُ عَدَدَهُم إِلَّا الَّذِی خَلَقَهُم فَلَمَّا انتَفَلتُ مِن صَلَاتِی وَ أَخَذتُ فِی التَّسبِیحِ وَ التَّقدِیسِ أَقبَلَت إِلَیَّ شَرذِمَةٌ بَعدَ شَرذِمَةٍ مِنَ المَلَائِکَةِ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا: یَا مُحَمَّدُ لَنَا إِلَیكَ حَاجَةٌ هَل تَقضِیهَا یَا رَسُولَ اللهِ؟ فَظَنَنتُ أَنَّ المَلَائِکَةَ یَسأَلُونَ الشَّفَاعَةَ عِندَ رَبِّ العَالَمِینَ لِأَنَّ اللهَ فَضَّلَنِی بِالحَوضِ وَ الشَّفَاعَةِ عَلَی جَمِیعِ الأَنبِیَاءِ قُلتُ: مَا

حَاجَتُكُم يَا مَلَائِكَةَ رَبِّی؟ قَالُوا: يَا نَبِیَّ اللهِ إِذَا رَجَعتَ إِلَى الأَرضِ فَاقرَء عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِأَنَّ قَد طَالَ شَوقُنَا إِلَيهِ. قُلتُ: يَا مَلَائِكَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: يَا نَبِیَّ اللهِ وَ كَيفَ لَا نَعرِفُكُم وَ أَنتُم أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللهُ، خَلَقَكُم أَشبَاحَ نُورٍ مِن نُورٍ فِی نُورٍ، مِن سَنَاءِ عِزِّهِ وَ مِن سَنَاءِ مُلكِه وَ مِن نُورِ وَجهِهِ الكَرِيمِ، وَ جَعَلَ لَكُم مَقَاعِدَ فِی مَلَكُوتِ سُلطَانِهِ وَ عَرشُهُ عَلَى المَاءِ قَبلَ أَن تَكُونَ السَّمَاءُ مَبنِيَّةً وَ الأَرضُ مَدحِيَّةً وَ هُوَ فِی المَوضِعِ الَّذِی يَتَوَفَّاهُ ثُمَّ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِينَ فِی سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ رَفَعَ العَرشَ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَاستَوَى عَلَى عَرشِهِ وَ أَنتُم أَمَامَ عَرشِهِ تُسَبِّحُونَ وَ تُقَدِّسُونَ وَ تُكَبِّرُونَ، ثُمَّ خَلَقَ المَلَائِكَةَ مِن بَدوِ مَا أَرَادَ مِن أَنوَارٍ شَتَّى، وَ كُنَّا نَمُرُّ بِكُم وَ أَنتُم تُسَبِّحُونَ وَ تُحَمِّدُونَ وَ تُهَلِّلُونَ وَ تُكَبِّرُونَ و تُمَجِّدُونَ و تُقَدِّسُونَ فَنُسَبِّحُ وَ نُقَدِّسُ و نُمَجِّدُ وَ نُكَبِّرُ وَ نُهَلِّلُ بِتَسبِيحِكُم وَ تَحمِيدِكُم وَ تَهلِيلِكُم وَ تَكبِيرِكُم وَ تَقدِيسِكُم وَ تَمجِيدِكُم فَمَا نَزَل مِنَ اللهِ فَإِلَيكُم وَ مَا صَعَدَ إِلَى اللهِ فَمِن عِندَكُم فَلِمَ لَا نَعرِفُكُم إِقرَأ عَلِيًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِأَنَّهُ قَد طَالَ شَوقُنَا إِلَيهِ.

عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! قلبم را از شادی و سرور لبریز کردی، برایم بیشتر بفرما. فرمود: ای ابوذر! چون به آسمان عروج کردم و به آسمان دنیا رسیدم، فرشته‌ای از فرشتگان اذان گفت و نماز به پا داشت، آن‌گاه جبرئیل دست مرا گرفت و پیش برد و گفت: ای محمّد! پیشاپیش فرشتگان نماز بخوان که بسیار مشتاق تواند. من پیشاپیش هفتاد صف نماز گزاردم که هر صف از مشرق تا به مغرب بود و شمارشان را جز او که آفریده بودشان کسی نمی‌دانست. چون نماز را به پایان رساندم و شروع به تسبیح و تقدیس خداوند کردم، فرشتگان گروه گروه به سویم آمدند و بر من سلام کردند و گفتند: ای محمّد! ما خواسته‌ای از تو داریم، آیا آن را برآورده می‌سازی ای رسول خدا! من پنداشتم که فرشتگان می‌خواهند تا شفاعتشان را به درگاه پروردگار جهانیان کنم؛ چراکه خداوند با حوض و شفاعت مرا بر

تمامی پیامبران برتری بخشیده است. گفتم: چه می‌خواهید ای فرشتگان پروردگار من؟! گفتند: ای پیامبر خدا! وقتی به زمین بازگشتی، سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش کن که بسیار مشتاق اوییم. گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه شما را نشناسیم حال آن‌که شما نخستین آفریدگان خداوند هستید؛ شما را به صورت اشباح نور از نور و در نور و از روشنایی عزّتش و از روشنایی فرمانروایی‌اش و از نور وجه کریم خود آفرید و برایتان جایگاه‌هایی در ملکوت سلطنت خویش قرار داد. آن‌گاه پیش از آن‌که آسمان برپا و زمین گسترانده شود، عرشش را بر آب نهاد و سپس آسمان‌ها و زمین‌ها را در شش روز بیافرید و سپس عرش را به آسمان هفتم فراز برد و بر عرش خود جای گرفت در آن دم شما روبه‌روی عرشش تسبیح و تقدیس و تکبیر می‌گفتید و سپس آفرینش فرشتگان را آن‌چنان که خواست، از نورهای گوناگونی آغاز کرد و آن‌گاه ما بر شما گذر کردیم و با تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و تمجید و تقدیس گفتنِ شما و در آن دم ما نیز به همراهتان تسبیح و تقدیس و تمجید و تکبیر و تهلیل گفتیم؛ پس هر آن‌چه از جانب خداوند نازل شود، به سوی شماست و هر آن‌چه به سوی خداوند بالا رود، از جانب شماست، حال چگونه ما شما را نشناسیم؟! سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش ساز که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الثَّانِیَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ کَیفَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم صَفوَةُ اللهِ مِن خَلقِهِ وَ خُزَّانُ عِلمِهِ وَ أَنتُمُ العُروَةُ الوُثقَی وَ أَنتُمُ الحُجَّةُ وَ أَنتُمُ الجَانِبُ وَ الجَنبُ وَ أَنتُمُ الکُرسِیُّ وَ أُصُولُ العِلمِ، قَائِمُکُم خَیرُ قَائِمٍ بِکُم! وَ نَاطِقُکُم خَیرُ نَاطِقٍ، بِکُم فَتَحَ اللهُ دِینَهُ وَ بِکُم یَختِمُهُ، فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَخبِرهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

سپس به آسمان دوم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه شما را نشناسیم حال آن‌که شما برگزیدگان خداوند از میان آفریدگانش هستید و شما خزانه‌داران علم اویید و شما ریسمان استوارید و شما دلیل آشکارید و شما جانب و جنب هستید و شما کرسی و اصول علم هستید؛ قائم شما ﷺ بهترین کسی است که بر شما استوار است و سخنگوی شما بهترین سخنگویان است. خداوند دین خود را با شما آغاز کرد و با شما به پایان می‌رساند. پس به علی ﷺ سلام ما را برسان و باخبرش کن که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الثَّالِثَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم بَابُ المَقَامِ وَ حُجَّةُ الخِصَامِ وَ عَلِیٌّ دَابَّةُ الأَرضِ وَ فَاصِلُ القَضَاءِ وَ صَاحِبُ العَصَاءِ وَ قَسِیمُ النَّارِ غَدًا وَ سَفِینَةُ النَّجَاةِ مَن رَکِبَهَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنهَا فِی النَّارِ یَتَرَدَّی کَم فَقَمَ الدَّعَائِمَ وَ الأَقطَارَ الأَکنَافَ وَ الأَعمِدَةَ فُسطَاطِنَا السَّحَابُ إِلَّا عَلَی کِرَامِینَ أَنوَارِکُم فَلِمَ لَا نَعرِفُکُم فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ أَنتُم شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَیتُ الرَّحمَةِ وَ مَعدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُختَلَفُ المَلَائِکَةِ وَ عَلَیکُم جَبرَئِیلُ یَنزِلُ بِالوَحیِ مِنَ السَّمَاءِ مِن عِندِ رَبِّ العَالَمِینَ فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِطُولِ شَوقِنَا إِلَیهِ.

سپس به آسمان سوم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چرا شما را

نشناسیم حال آن‌که شما باب مقام و حجت بر دشمنان هستید و علی ﷺ جنبنده‌ای است که از زمین خارج می‌شود و فصل دهنده قضاوت است و صاحب عضباء (شتر یا ناقه‌ای در قیامت) است و فردای قیامت قسمت کننده دوزخ و کشتی نجات است که هر که سوارش شود نجات یابد و هر که از آن جا ماند، در آتش واژگون می‌گردد. سایه‌بان ابر ما هر پایه و ستون و گوشه و کناری را پوشانید جز انوار ارجمند شما را؛ پس چرا شما را نشناسیم؟! سلام ما را به علی ﷺ برسان و از اشتیاق ما به او آگاهش کن. سپس بر آسمان چهارم عروج کردم و در آنجا فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که شایسته ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: چرا شما را نشناسیم حال آن‌که شما درخت پیامبری و خانه رحمت و جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان هستید و جبرئیل از آسمان از سوی پروردگار جهانیان وحی را بر شما فرود می‌آورد؛ پس سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش کن که بسیار مشتاق اوییم.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ الخَامِسَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ وَ سَلَّمُوا عَلَیَّ فَقَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ لَهُم: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ نَحنُ نَغدُو وَ نَرُوحُ عَلَی العَرشِ بِالغَدَاةِ وَ العَشِیِّ فَنَنظُرُ إِلَی سَاقِ العَرشِ مَکتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَیَّدَهُ اللهُ بِعَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ فَعَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ وَلِیُّ اللهِ وَ العَلَمُ بَینَهُ وَ بَینَ خَلقِهِ وَ هُوَ دَافِعُ المُشرِکِینَ وَ مُبِیرُ الکَافِرِینَ، فَعَلِمنَا عِندَ ذَلِكَ أَنَّ عَلِیًّا وَلِیٌّ مِن أَولِیَاءِ اللهِ فَاقرَأ عَلِیًّا مِنَّا السَّلَامَ وَ أَعلِمهُ بِشَوقِنَا إِلَیهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ السَّادِسَةِ فَتَلَقَّتنِی المَلَائِکَةُ فَسَلَّمُوا عَلَیَّ وَ قَالُوا لِی مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: یَا مَلَائِکَةَ رَبِّی هَل تَعرِفُونَا حَقَّ مَعرِفَتِنَا؟ فَقَالُوا: بَلَی یَا نَبِیَّ اللهِ لِمَ لَا نَعرِفُکُم وَ قَد خَلَقَ اللهُ جَنَّةَ الفِردَوسِ وَ عَلَی بَابِهَا شَجَرَةٌ لَیسَ مِنهَا وَرَقَةٌ إِلَّا عَلَیهَا مَکتُوبَةٌ حَرفَینِ بِالنُّورِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عُروَةُ اللهِ

الوَثِيقَةِ وَ حَبلُ اللهِ المَتِينِ وَ عَينُهُ عَلَى الخَلائِقِ أجمَعِينَ وَ سَيفُ نِقمَتِه عَلَى المُشرِكِينَ فاقرَأهُ مِنَّا السَّلامَ وَ قَد طَالَ شَوقُنا إِلَيهِ.

ثُمَّ عُرِجَ بِى إِلَى السَّماءِ السَّابِعَةِ فَسَمِعتُ المَلائِكَةَ يَقُولُونَ لَمَّا أَن رَأَونِى ﴿ **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ** ﴾ ثُمَّ تَلَقَّونِى فَسَلَّمُوا عَلَيَّ وَ قَالُوا لِى مِثلَ مَقَالَةِ أَصحَابِهِم فَقُلتُ: يَا مَلائِكَةَ رَبِّى سَمِعتُ وَ أَنتُم تَقُولُونَ: ﴿ **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ** ﴾ فَمَا الَّذِى صَدَقتُم؟ قَالُوا: يَا نَبِيَّ اللهِ إِنَّ اللهَ تَعَالَى لَمَّا أَن خَلَقَكُم أَشبَاحَ نُورٍ مِن سَناءِ نُورِهِ وَ مِن سَناءِ عِزِّهِ وَ جَعَلَ لَكُم مَقَاعِدَ فِى مَلَكُوتِ سُلطَانِهِ وَ أَشهَدَكُم عَلَى عِبَادِهِ عَرَضَ وَلَايَتَكُم عَلَينَا وَ رَسَخَت فِى قُلُوبِنَافَشَكَونَا مَحَبَّتَكَ إِلَى اللهِ فَوَعَدَنَا رَبُّنَا أَن يُرِينَاكَ فِى السَّمَاءِ مَعَنَا وَ قَد صَدَقَنَا وَعدَهُ وَ هُوَذَا أَنتَ مَعَنَا فِى السَّمَاءِ فَجَزَاكَ اللهُ مِن نَبِيٍّ خَيرًا ، ثُمَّ شَكَونَا عَلِيَّ بنَ أَبِى طَالِبٍ إِلَى اللهِ فَخَلَقَ لَنَا فِى صُورَتِهِ مَلَكًا وَ أَقعَدَهُ عَن يَمِينِ عَرشِهِ عَلَى سَرِيرٍ مِن ذَهَبٍ مُرَصَّعٍ بِالدُّرِّ وَ الجَوَاهِرِ قَوَائِمُهُ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ عَلَيهِ قُبَّةٌ مِن لُؤلُؤَةٍ بَيضَاءَ يُرَى بَاطِنُهَا مِن ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِن بَاطِنِهَا بِلَا دِعَامَةٍ مِن تَحتِهَا وَ عَلَاقَةٌ مِن فَوقِهَا قَالَ لَهَا صَاحِبُ العَرشِ: قُومِى بِقُدرَتِى: فَقَامَت بِأَمرِ اللهِ فَكُلَّمَا اشتَقنَا إِلَى رُؤيَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ فِى الأَرضِ نَظَرنَا إِلَى مِثَالِهِ فِى السَّمَاءِ.

سپس به آسمان پنجم عروج کردم و فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من به آن‌ها گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! چرا شما را نشناسیم حال آن‌که ما صبح و شام بر عرش رفت‌وآمد می‌کنیم و به ساق عرش می‌نگریم و می‌بینیم که بر آن نوشته شده هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد صلی الله علیه و آله رسول اوست که خداوند او را با علی بن ابی طالب علیه السلام تأیید کرده است؛ علی علیه السلام که ولی خدا و نشانه میان او و آفریدگانش است و مشرکان را پس می راند و کافران را در هم می‌کوبد؛ از اینجا بود که دانستیم علی علیه السلام یکی از

اولیای خداوند است. سلام ما را به علی ﷺ برسان و آگاهش کن که مشتاق اوییم. سپس به آسمان ششم عروج کردم و فرشتگان به دیدارم آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگار من! آیا ما را چنان‌که سزاوار ما باشد، می‌شناسید؟ گفتند: بله ای پیامبر خدا! چرا شما را نشناسیم حال آن‌که خداوند باغ فردوس را آفرید و سپس بر درش درختی آفرید که بر هر برگ از آن با نور نوشته شده هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد ﷺ رسول اوست و علی بن ابی‌طالب ﷺ ریسمان استوار خداوند و رشتهٔ محکم او و چشم او بر تمامی آفریدگان و شمشیر عذابش بر مشرکان است. سلام ما را به علی ﷺ برسان که بسیار مشتاق اوییم. سپس به آسمان هفتم عروج کردم و شنیدم که فرشتگان چون مرا دیدند، گفتند: «سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را به ما راست گردانید.» سپس به دیدار من آمدند و سلام کردند و سخنی همچون یارانشان گفتند. من گفتم: ای فرشتگان پروردگارم شنیدم که می‌گفتید: «سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که وعده‌اش را به ما راست گردانید و زمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر کجای این بهشت که بخواهیم جای می‌گیریم»؛ چه وعده‌ای را برایتان راست گردانید؟ گفتند: ای پیامبر خدا! هنگامی که خداوند متعال شما را به صورت اشباحی از نور از روشنایی نور خود و روشنایی عزت خود آفرید و برایتان جایگاه‌هایی در ملکوت سلطنتش قرار داد و شما را بر بندگانش گواه گرفت، ولایت شما را بر ما عرضه داشت و آن در دل‌هایمان استوار شد؛ آن‌گاه ما بهانه محبت تو را نزد خداوند گرفتیم و از این رو پروردگارمان به ما وعده داد که تو را در آسمان در همراهی ما به ما نشان دهد و اکنون وعده‌اش را به ما راست گردانید و این‌چنین تو اکنون در آسمان همراه مایی، خداوند پاداش پیامبری نیک را به تو عطا کند. سپس ما بهانهٔ محبت علی ﷺ را نزد خداوند گرفتیم و در آن دم خداوند برایمان فرشته‌ای را به شکل

او آفرید و او را سمت راست عرش خود بر تختی از طلا، آراسته به درّ و جواهر نشانید که پایه‌هایش از زبرجد سبز بود و تاجی از مروارید سفید داشت که درونش از بیرونش و بیرونش از درونش پیدا بود و هیچ تکیه‌گاهی از زیر و هیچ آویزه‌ای از بالا نداشت. آن‌گاه صاحب عرش به او فرمود: به قدرت من برخیز! او به امر خداوند برخاست و از آن پس هر گاه ما به دیدار علی بن ابی‌طالب ﷺ در زمین مشتاق می‌شویم، به همانند او در آسمان می‌نگریم.




وَ مِن سُورَةِ المُؤمِنِ

(سورهٔ مؤمن، آیهٔ ۷)

﴿ الَّذينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبيلَكَ ﴾

و کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند [و می‌گویند:] پروردگارا! به رحمت و علم همه چیز را احاطه کرده‌ای؛ پس کسانی را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی نموده‌اند، بیامرز.

۳۳۶. عَن مُحَمَّدِبنِ مُسلِمٍ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: قَولُ اللهِ ﴿ **الَّذينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ** ﴾ يَعنِي مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الحَسَنَ وَ الحُسَينَ وَ إِبرَاهِيمَ وَ إِسمَاعِيلَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ـ صَلَواتُ اللهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيهِم أَجمَعِينَ.

محمّد بن مسلم گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: کلام خداوند متعال «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند» یعنی حضرت محمّد صلى الله عليه و آله و علی عليه السلام و امام

حسن و امام حسین علیهما السلام و ابراهیم و اسماعیل و موسی و عیسی، که درود خداوند بر همهٔ ایشان باد.

۳۳۷. عَن مُحَمَّدِبنِ مُسلِمٍ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: قَالَ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا** ﴾ قَالَ: لَيَستَغفِرُونَ لِشِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ هُم الَّذِينَ آمَنُوا يَقُولُونَ: ﴿ **رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ** ﴾ يَعنِي الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ هُوَ السَّبِيلُ.

محمّد بن مسلم گفت: از امام محمّد باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند. بی‌تردید آنان برای شیعیان خاندان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله آمرزش می‌طلبند و هم آنان که ایمان آوردند، می‌گویند: «پروردگارا! به رحمت و علم همه چیز را احاطه کردی؛ پس کسانی را که توبه کرده‌اند و از راه تو پیروی نموده‌اند، بیامرز.» یعنی کسانی که از ولایت حضرت علی علیه السلام پیروی نموده‌اند و علی علیه السلام آن راه است.

۳۳۸. حَدَّثَنَا سُلَيمَانُ الأَعمَشِ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي عَبدِ اللهِ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ قُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ يُسَمُّونَا رَوَافِضَ فَمَا الرَّوَافِضُ؟ فَقَالَ وَاللهِ مَا هُم سَمُّوكُمُوهُ وَ اللهُ سَمَّاكُم بِهِ فِي التَّورَاةِ وَ الإِنجِيلِ عَلَى لِسَانِ مُوسَى وَ لِسَانِ عِيسَى، وَ ذَلِكَ أَنَّ سَبعِينَ رَجُلاً مِن قَومِ فِرعَونَ رَفَضُوا فِرعَونَ وَ دَخَلُوا فِي دِينِ مُوسَى علیه السلام فَسَمَّاهُمُ اللهُ تَعَالَى الرَّافِضَةُ، وَ أَوحَى إِلَى مُوسَى أَنَ أَثبَتَ لَهُم فِي التَّورَاةِ حَتَّى يَملِكُونَهُ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَفَرَّقَهُمُ اللهُ فِرَقًا كَثِيرَةً فَرَفَضُوا الخَيرَ وَ رَفَضتُم الشَّرَّ وَ استَقَمتُم مَعَ أَهلِ بَيتِ نَبِيِّكُم علیهم السلام فَذَهَبتُم حَيثُ ذَهَبَ نَبِيُّكُم وَاختَرتُم مَنِ اختَارَ اللهُ وَ رَسُولُهُ، فَابشِرُوا ثُمَّ ابشِرُوا فَأَنتُمُ المَرحُومُونَ المُتَقَبَّلُ مِن مُحسِنِهِم وَ المُتَجَاوَزُ عَن مُسِيئِهِم

وَ مَن لَم یَلقِ اللهَ بِمِثلِ مَا لَقِیتُم لَم تُقبَل حَسَنَتُهُ وَ لَم یُتَجَاوَزْ عَن سَیِّئَتِهِ، یَا سُلَیمَانُ هَل سَرَرْتُكَ؟ فَقُلتُ: زِدنِی جُعِلتُ فِدَاكَ فَقَالَ: إِنَّ لِلّهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ مَلَائِكَةً یَستَغفِرُونَ لَكُم حَتَّی یَتَسَاقَطَ ذُنُوبُكُم كَمَا یَتَسَاقَطُ وَرَقُ الشَّجَرِ فِی یَومٍ رِیحٍ وَ ذَلِكَ قَولُ اللهِ تَعَالَی: **﴿ الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا ﴾** هُم شِیعَتُنَا وَ هِیَ وَاللهِ لَهُم، یَا سُلَیمَانُ هَل سَرَرْتُكَ؟ فَقُلتُ: زِدنِی جُعِلتُ فِدَاكَ، قَالَ: مَا عَلَی مِلَّةِ إِبرَاهِیمَ إِلَّا نَحنُ وَ شِیعَتُنَا وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنهَا بَرَاءٌ.

سلیمان اعمش گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه‌السلام رسیدم و به ایشان عرض کردم: مردم ما را رافضی می‌نامند، رافضی‌ها کیست‌اند؟ ایشان فرمود: به خدا سوگند آنان شما را چنین نام نگذارده‌اند، بلکه خداوند شما را در تورات و در انجیل بر زبان حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام چنین نامید. بدین‌گونه که هفتاد تن از قوم فرعون، او را رفض کردند و رد نمودند و به دین موسی علیه‌السلام درآمدند؛ از این رو خداوند آنان را رافضی (یعنی ردکننده) نامید و به موسی علیه‌السلام وحی فرمود که این نام را برایشان در تورات ثبت کند تا زمانی که آنان این نام را از زبان حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله صاحب شوند. سپس خداوند آنان را در دسته‌های بسیاری پراکنده کرد و آنان نیکی را رفض و رد کردند امّا شما بدی را رفض کردید و با اهل بیت پیامبرتان پایداری ورزیدید و به جایی پای نهادید که پیامبرتان پای نهاده بود و کسی را برگزیدید که خداوند و رسولش برگزیده بودند، پس بشارت باد بر شما و مژده باد بر شما که شما رحمت می‌شوید و کردار نیکتان پذیرفته می‌شود و از کردار بدتان درگذشته می‌شود. هر کس خداوند را چنان‌که شما دیدارش می‌کنید، دیدار نکند، کار نیکش پذیرفته نمی‌شود و از کار بدش درگذشته نمی‌شود. ای سلیمان! آیا شادمانت کردم؟ عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرما! فرمود: همانا خداوند فرشتگانی دارد که برای شما آمرزش می‌خواهند تا این‌که گناهانتان چون

ریزش برگ درخت در روزی توفانی بریزد و این کلام خداوند متعال است: «کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که بر اطراف آن هستند، با سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند.» آن کسان، شیعیان ما هستند و این آیه به خدا سوگند از برای ایشان است؛ ای سلیمان! آیا شادمانت کردم؟ عرض کردم: فدایت شوم، بیشتر بفرما! فرمود: تنها ما و شیعیان ما بر آیین ابراهیم هستیم و مردم دیگر از آن به‌دورند.

۳۳۹. فُراتُ قَالَ: حَدَّثَنِی عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: مَکَثَ جَبرَئِیلُ أَربَعِینَ یومًا لَم یُنَزِّل عَلَی النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ: یَا رَبِّ قَدِ اشتَدَّ شَوقِی إِلَی نَبِیِّكَ فَأذَن لِی فَأَوحَی اللهُ تَعَالَی إِلَیهِ وَ قَالَ: یَا جَبرَئِیلُ اهبِط إِلَی حَبِیبِی وَ نَبِیِّی فَاقرَأهُ مِنِّی السَّلَامَ وَ اخبِرهُ أَنِّی قَد خَصَّصتُهُ بِالنُّبوَّةِ وَ فَضَّلتُهُ عَلَی جَمِیعِ الأَنبِیَاءِ وَ اقرَأ وَصِیَّهُ مِنِّی السَّلَامَ وَ اخبِرهُ أَنِّی خَصَّصتُهُ بِالوَصِیَّةِ وَ فَضَّلتُهُ عَلَی جَمِیعِ الأَوصِیَاءِ.

قَالَ: فَهَبِطَ جَبرَئِیلُ ﷺ عَلَی النَّبِیِّ ﷺ فَکَانَ إِذَا هَبِطَ وُضِعَت لَهُ وَسَادَةٌ مِن آدَمَ حَشوُهَا لِیفٌ فَجَلَسَ بَینَ یَدَیِّ النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ تَعَالَی یَقرَؤُكَ السَّلَامَ وَ یُخبِرُكَ أَنَّهُ خَصَّكَ بِالنُّبُوَّةِ وَ فَضَّلَكَ عَلَی جَمِیعِ الأَنبِیَاءِ وَ یَقرَأُ وَصِیَّكَ السَّلَامَ وَیُخبِرُكَ أَنَّهُ خَصَّهُ بِالوَصِیَّةِ وَ فَضَّلَهُ عَلَی جَمِیعِ الأَوصِیَاءِ.

قَالَ: فَبَعَثَ النَّبِیُّ ﷺ إِلَیهِ فَدَعَاهُ وَ أَخبَرَهُ بِمَا قَالَ جَبرَئِیلُ ﷺ قَالَ: فَبَکَا عَلِیُّ بُکَاءً شَدِیدًا ثُمَّ قَالَ: أَسأَلُ اللهَ أَن لَا یَسلُبَنِی دِینِی وَ لَا یَنزَعَ مِنِّی کَرَامَتَهُ وَ أَن یُعطِیَنِی مَا وَعَدَنِی.

فرات گفت: علی بن حسین روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: جبرئیل چهل روز بر جای ماند و بر پیامبر نازل نشد. از این رو عرض کرد: پروردگارا! سخت مشتاق پیامبرت شده‌ام، رخصت دیدار وی را عطا فرما. خداوند متعال به او وحی کرد و فرمود: ای جبرئیل! نزد پیامبر من و حبیب من

فرود آی و سلام مرا به او برسان و او را خبر ده که من او را در پیامبری ویژه گردانده‌ام و بر همه پیامبران برتری‌اش بخشیده‌ام؛ همچنین به وصیّ‌اش سلام مرا برسان و او را خبر ده که در وصایت ویژه‌اش گردانده‌ام و بر همهٔ اوصیا برتری‌اش بخشیده‌ام. جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و بر بالشی پوستی که از لیف انباشته شده بود، روبه‌روی پیامبر ﷺ نشست و عرض کرد: ای محمّد ﷺ! خداوند متعال به تو سلام می‌رساند و خبرت می‌دهد که در پیامبری ویژه‌ات گردانده و بر همهٔ پیامبران برتری‌ات بخشیده است؛ همچنین به وصی‌ات سلام می‌رساند و خبرت می‌دهد که وی را در وصایت ویژه گردانده و بر همه اوصیا برتری‌اش بخشیده است. در آن دم پیامبر ﷺ کسی را پی حضرت علی علیه‌السلام فرستاد و ایشان را از خبری که جبرئیل آورده بود، باخبر ساخت. ناگاه حضرت علی علیه‌السلام سخت گریست و سپس فرمود: از خداوند خواستارم که دینم را برنگیرد و کرامتش را از من برنگیرد و آن‌چه را به من وعده داده است، عطایم کند.

فَقَالَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام: یَا مُحَمَّدُ حَقِیقٌ عَلَی أَن لا یُعَذِّبَ عَلِیًّا وَ لا أَحَداً تَوَلّاهُ. فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: یَا جَبرَئِیلُ عَلَی مَا کَانَ مِنهُم أَو کُلُّهُم نَاجٍ؟ فَقَالَ جَبرَئِیلُ: یَا مُحَمَّدُ نَجَا مَن تَوَلّی شِیثًا بِشِیثٍ وَ نَجَا شِیثُ بِآدَمَ وَ نَجَا آدَمُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی سَامًا بِسَامٍ وَ نَجَا سَامُ بِنُوحَ وَ نَجَا نُوحُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی آصِفَ بِآصِفَ وَ نَجَا آصِفُ بِسُلَیمَانَ وَ نَجَا سُلَیمانُ بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی یُوشَعَ بِیُوشَعَ وَ نَجَا یُوشَعُ بِمُوسَی وَ نَجَا مُوسَی بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی شَمعُونَ بِشَمعُونَ وَ نَجَا شَمعُونُ بِعِیسَی وَ نَجَا عِیسَی بِاللهِ، وَ نَجَا مَن تَوَلَّی عَلِیًّا بِعَلِیٍّ وَ نَجَا عَلِیًّا بِكَ وَ نَجوتَ أَنتَ بِاللهِ، وَ إِنَّمَا کُلُّ شَیءٍ بِاللهِ، وَ إِنَّ المَلَائِکَةَ وَ الحَفَظَةَ لَیَفخَرُونَ عَلَی جَمِیعِ المَلَائِکَةِ لِصُحبَتِهَا إِیَّاهُ.

جبرئیل عرض کرد: ای محمّد! واجب است که علی و هر که ولایت او را دارد، عذاب نشود. پیامبر ﷺ فرمود: برخی از آنان نجات می‌یابند یا همهٔ آنان؟

عرض کرد: ای محمّد ﷺ! هر که ولایت شیث را داشت، به واسطه او نجات یافت و شیث به واسطه آدم نجات یافت و آدم به خواست خدا؛ و هر که ولایت سام را داشت، به واسطه او نجات یافت و سام به واسطهٔ نوح نجات یافت و نوح به خواست خدا؛ و هر که ولایت آصف را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و آصف به واسطهٔ سلیمان نجات یافت و سلیمان به خواست خدا؛ و هر که ولایت یوشع را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و یوشع به واسطهٔ موسی نجات یافت و موسی به خواست خدا؛ و هر که ولایت شمعون را داشت، به واسطهٔ او نجات یافت و شمعون به واسطهٔ عیسی نجات یافت و عیسی به خواست خدا؛ و هر که ولایت علی ؑ را داشته باشد، به واسطهٔ او نجات می‌یابد و علی ؑ به واسطهٔ تو نجات می‌یابد و تو به خواست خدا. به راستی که همه چیز به خواست خداست و فرشتگان و نگاهبانان علی ؑ به خاطر هم‌صحبتی با او بر دیگر فرشتگان فخر می‌کنند.

قَالَ: فَجَلَسَ عَلِيٌّ ؑ يَسمَعُ كَلامَ جَبرِئِيلَ ؑ وَ لا يَرَى شَخصَهُ.

قَالَ: قُلتُ لِأَبِي عَبدِ اللهِ ؑ: جُعِلتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي كَانَ مِن حَدِيثِهِم إِذَا اجتَمَعُوا؟ قَالَ: ذِكرُ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ لَم تَبلُغ عَظِمَتُهِ، ثُمَّ ذَكَرُوا فَضلَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مَا أَعطَاهُ اللهُ مِن عِلمٍ وَ قَلَّدَهُ مِن رِسَالَتِهِ، ثُمَّ ذَكَرُوا أَمرَ شِيعَتِنَا وَ الدُّعَاءَ لَهُم، وَ خَتمُهُم بِالحمدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللهِ.

قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ يَا أَبَاعَبدِ اللهِ وَ إِنَّ المَلَائِكَةَ لَتعرِفُنَا؟ قَالَ: سُبحَانَ اللهِ وَ كَيفَ لَا يَعرِفُونَكُم وَ قَد وُكِّلُوا بِالدُّعَاءِ لَكُم وَ المَلَائِكَةُ حَافِّينَ مِن حَولِ العَرش ﴿ **يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ** ﴾، ﴿ **وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا** ﴾ مَا إِستِغفَارُهُم إِلَّا لَكُم دُونَ هَذَا العَالَمِ.

آن‌گاه حضرت علی ؑ نیز نشست و حال آن‌که سخن جبرئیل را می‌شنید امّا او را نمی‌دید. به امام جعفر صادق ؑ عرض کردم: فدایت شوم! چون ایشان گرد هم آیند، چه می‌گویند؟ فرمود: ذکر خداوند تبارک و تعالی را که عظمتش

دست نیافتنی است، سپس ذکر فضیلت حضرت محمّد ﷺ را و آن‌چه که خداوند از علم به او عطا کرده و به رسالت خویش مخصوصش گردانده است. سپس از امر شیعیان ما یاد می‌کنند و برایشان دعا می‌کنند و سخن با حمد و ثنای خداوند به پایان می‌رسانند. عرض کردم: فدایت شوم! آیا فرشتگان ما را می‌شناسند؟ فرمود: سبحان الله! چگونه شما را نشناسند حال آن‌که برای دعاکردن به شما گمارده شده‌اند و فرشتگانی که عرش را در میان گرفته‌اند «با سپاس و ستایش پروردگارشان را تسبیح می‌گویند» و «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، آمرزش می‌طلبند» و آمرزش خواهی آنان تنها برای شما و نه هیچ کس دیگر در این دنیاست.

(سورهٔ مؤمن، آیهٔ ۵۱)

﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾

به راستی ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی] بر پای ایستند، یاری می‌کنیم.

۳۴۰. حَدَّثَنِي الْمُطَّلِبُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ السُّدِّيَّ حِينَ دَخَلَ السُّودَانُ الْكُوفَةَ يَبْرَحُونَ عَلَى يَزِيدٍ فِي الطُّرُقِ وَ قَرَءَ هَذِهِ الْآيَةَ: **﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾** قَالَ: لَيسَ مِن مُؤمِنٍ يُقتَلُ إِلَّا بَعَثَ اللهُ مِن بَعدِهِ مَن يُظهِرُ أَنَّهُ كَانَ عَلَى هُدىً.

مطلب‌بن زیاد گفت: چون سیاهان وارد کوفه شدند و در همه‌جا در پی یزید بودند، شنیدم که سدی این آیه را خواند و سپس گفت: هیچ مؤمنی کشته نمی‌شود جز آن‌که خداوند پس از او کسی را برمی‌انگیزد که آشکار می‌سازد وی بر راه هدایت بوده است.





وَ مِن سُورَةِ فُصِّلَت

(سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ حمٓ * تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * كِتٰابٌ فُصِّلَتْ آيٰاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لاٰ يَسْمَعُونَ * وَقٰالُوا قُلُوبُنٰا في أَكِنَّةٍ مِمّٰا تَدْعُونٰا إِلَيْهِ وَ في آذٰانِنٰا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنٰا وَ بَيْنِكَ حِجٰابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنٰا عٰامِلُونَ ﴾

حاء میم. [این کتاب] از جانب خداوند بخشایندهٔ مهربان نازل شده است. کتابی است که آیاتش به روشنی بیان شده است، قرآنی است به زبان عربی برای گروهی که می‌دانند. بشارت دهنده و بیم‌دهنده است، ولی بیشترشان رویگردان شدند، پس [سخن حق را] نمی‌شنوند. و گفتند: دل‌های ما از آن‌چه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی در پوشش‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی، و میان ما و تو حجابی است، پس [تو کار خودت را] انجام بده، ما [نیز کار خود را] انجام می‌دهیم.

۳۴۱ . الحُسَينُ بنُ عَلِيِّ بنِ أَحمَدَ العَلَوِيُّ قَالَ: بَلَغَنِي عَن أَبِي عَبدِ اللهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لِدَاوُدَ الرَّقِّيِّ: يَا دَاوُدُ أَيُّكُم يَنَالُ قُطبَ سَمَاءِ الدُّنيَا فَوَاللهِ أَنَّ أَروَاحَنَا وَ أَروَاحَ النَّبِيِّينَ لَتَنَالُ العَرشَ كُلَّ لَيلَةِ جُمُعَةٍ يَا دَاوُدُ قَرَأَ أَبِي مُحَمَّدُ بنُ عَلِيٍّ حمٓ السَّجدَةَ حَتَّى إِذَا

بَلَغَ ﴿ فَهُم لَا يَسمَعُون ﴾ قَالَ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ ؑ عَلَى رَسُول اللهِ ﷺ أَنَّ الإِمَامَ بَعدَكَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ حَتَّى قَرَأَ: حمٓ السَّجدَةَ ﴿ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴾ حَتَّى بَلَغَ ﴿ فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ ﴾ قَالَ: عَن وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ ﴿ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ * وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ﴾.

حسین بن علی بن احمد علوی گفت: حدیثی از امام جعفر صادق ؑ خطاب به داود رقّی به من رسید که چنین بود: ای داود! کدام‌یک از شما به قطب آسمان دنیا دست می‌یابد؟ به خدا سوگند که ارواح ما و ارواح پیامبران هر شب جمعه به عرش می‌رسد. ای داود! پدرم امام محمّد باقر ؑ در حال خواندن سورهٔ حم سجده بود که چون رسید به «پس [سخن حق] را نمی‌شنوند» فرمود: جبرئیل ؑ بر پیامبر ﷺ نازل شد و عرض کرد: امام و پیشوای پس از تو علی بن ابی‌طالب ؑ است؛ سپس این آیات را خواند: «[این کتاب] از جانب خداوند بخشایندهٔ مهربان نازل شده است. کتابی است که آیاتش به روشنی بیان شده است. قرآنی است به زبان عربی برای گروهی که می‌دانند.» تا به آنجا رسید که «بیشترشان رویگردان شدند» یعنی از ولایت علی ؑ روی گرداندند؛ چنان‌چه خداوند متعال فرمود: «پس [سخن حق را] نمی‌شنوند. و گفتند: دل‌های ما از آن‌چه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی در پوشش‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی، و میان ما و تو حجابی است، پس [تو کار خودت را] انجام بده ما [نیز کار خود را] انجام می‌دهیم.»

(سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۳۰ و احقاف ۱۳)

﴿ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ﴾

به راستی کسانی که گفتند «پروردگار ما خداست» سپس استقامت ورزیدند.

۳۴۲. عَن أَبِي مَريَمَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَانَ بنَ تَغلِبَ يَسأَلُ جَعفَرٍ ؑ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ إِنَّ الَّذِينَ

قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ﴾ قَالَ اِستَقَامُوا عَلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ ؑ.

ابی‌مریم گفت: از ابان‌بن تغلب شنیدم که او از امام جعفر صادق ؑ دربارهٔ این آیه پرسید و ایشان فرمود: یعنی بر ولایت علی بن ابی‌طالب ؑ استقامت ورزیدند.

(سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۳۴)

﴿ وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴾

خوبی و بدی یکسان نیستند [بدی را] به آن‌چه نیکوتر است دفع کن.

۳۴۳. عَن مُعَاوِيَةَ‌بنِ عَمَّارٍ: عَن أَبِی‌عَبدِ اللّٰهِ ؑ قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ ﴿ وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ﴾ قَالَ: الحَسَنَةُ التَّقِيَّةُ وَ السَّيِّئَةُ الإِذَاعَةُ. قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ ﴿ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ﴾ قَالَ: الصُّمتُ. ثُمَّ قَالَ: فَأَنشَدتُكَ بِاللّٰهِ هَل تَعرِفُ ذَلِكَ فِی نَفسِكَ أَنَّكَ تَكُونُ مَعَ قَومٍ لَا يَعرِفُونَ مَا أَنتَ عَلَيهِ مِن دِينِكَ وَ لَا تَكُونُ لَهُم وُدًّا وَ صِدِّيقًا فَإِذَا عَرَفُوكَ وَ شَعَرُوكَ أَبغَضُوكَ؟ قُلتُ: صَدَقتَ. قَالَ: فَقَالَ لِی: فَذَا مِن ذَاكَ.

معاویة‌بن عمار گفت: به امام جعفر صادق ؑ عرض کردم: فدایت شوم! منظور این آیه چیست؟ «خوبی و بدی یکسان نیستند». فرمود: منظور از خوبی در این آیه تقیه و منظور از بدی افشاگری است. عرض کردم: فدایت شوم! منظور از «بدی را به آن‌چه نیکوتر است دفع کن» چیست؟ فرمود: با سکوت. سپس فرمود: تو را به خدا سوگند آیا می‌دانی این سخن کجا در مورد خودت جاری می‌شود؟ آنجا که در میان گروهی هستی که نمی‌دانند تو در دینت بر چه راهی هستی و تو نیز دوست و امین آنان نیستی، حال اگر تو را بشناسند و راهت را دریابند با تو دشمنی می‌کنند.





وَ مِن سُورةِ الشُّورَى

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۱۳)

﴿ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ وَ مٰا وَصَّيْنٰا بِهِ إِبْرٰاهِيم وَ مُوسىٰ وَ عيسىٰ أَنْ أَقيمُوا الدِّينَ وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ مٰا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبي إِلَيْهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَهْدي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ ﴾

برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود، و آن‌چه به تو وحی کردیم و آن‌چه ابراهیم و موسی و عیسی را بـه آن سفارش کردیم [این است] که: دین را برپا داریـد و در آن دچـار تـفرقه نشوید. بر مشرکان [تحمّل] آن‌چه آنان را به آن فرا مـی‌خوانـی دشـوار است. خداوند هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند، و هر کس را که توبه کند [و دعوت تو را اجابت نماید] به سوی خـود هـدایت مـی‌کند.

۳۴۴. عَنِ الإمَامِ الرِّضا عليه السلام: نَحنُ الَّذينَ شَرَعَ اللهُ لَنا دِينَهُ فَقَالَ: ﴿ **شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مٰا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَ الَّذي أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ** ﴾ يا مُحَمَّدُ وَ مَا وَصَّى بِهِ إِبرَاهِيمَ وَ إِسمَاعِيلَ وَ إِسحَاقَ وَيعقُوبَ، فَقَد عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا مَا عَلِمنَا وَ استَودَعَنا عِلمَهُم، نَحنُ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ نَحنُ ذُرِّيَّةُ أُولِى العِلمِ ﴿ **أَنْ أَقيمُوا الدِّينَ** ﴾ بِآلِ مُحَمَّدٍ ﴿ **وَ لاٰ تَتَفَرَّقُوا فيهِ** ﴾ وَكُونُوا عَلَى

جَماعَتِکُم ﴿ **کَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ** ﴾ مَن أَشرَکَ بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام ﴿ **ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ** ﴾ مِن وَلَایَةِ عَلِیٍّ. إِنَّ اللهَ یا مُحَمَّدُ ﴿ **يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ** ﴾ قالَ: مَن یُجیبُکَ إِلی وَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

وَ فِی الحَدیثِ التّالِی مِنهُ: وَ نَحنُ الَّذینَ شَرَعَ اللهُ لَنا الدِّینَ فَقالَ فِی کِتابِهِ: ﴿ **شَرَعَ لَكُمْ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ** ﴾ وَ کُونوا عَلی جَماعَةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ﴿ **كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ** ﴾.

امام رضا علیه السلام فرمود: ما همان کسانی هستیم که خداوند برای ما دینش را وضع کرد و «برای شما از دین آن چیزی را وضع کرد که به نوح سفارش آن را کرده بود و آن‌چه به تو وحی کردیم» و آن‌چه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب را به آن سفارش کردیم ای محمّد! پس او آن‌چه راکه ما می‌دانیم به ما آموخته و رسانیده و دانش آنان را به ما سپرده است و ما وارثان پیامبرانیم و فرزندان دارندگان دانشیم «دین را برپا دارید» به خاندان محمّد علیهم السلام «و در آن دچار تفرقه نشوید» و بر یکدستگی خود بر جا بمانید که «تحمل آن بر مشرکان دشوار است» آنان که به ولایت علی علیه السلام شرک ورزند، به «آن‌چه آنان را به آن فرا می‌خوانی» شرک ورزیده‌اند یعنی به ولایت علی علیه السلام.

ای محمّد! «همانا خدا هر کس را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و هر کس راکه توبه نماید به سوی خود هدایت می‌کند.» یعنی کسی که دعوت تو به ولایت علی علیه السلام را اجابت نماید. و در حدیث دیگری آمده است: ما کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما وضع کرد. پس در کتابش چنین فرمود: «برای شما از دین... در آن دچار تفرقه نشوید» و بر راه جماعت محمّد صلی الله علیه و آله باشید که این «بر مشرکان دشوار است».

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۲۳)

﴿ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْنًا إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴾

بگو: از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی
دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم]. و هر کس حسنه‌ای کسب کند،
برایش در آن (حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم. به راستی
خداوند آمرزندهٔ شکرگزار است.

۳۴۵. عَن جَابِرٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِی حَائطٍ مِن حِيطَانِ بَنِی حَارِثَةَ إِذ جَاءَ جَمَلٌ أَجرَبُ أَعجَفُ حَتَّى سَجَدَ لِلنَّبِيِّ ﷺ. قُلنَا لِجَابِرٍ: أَنتَ رَأَيتَهُ؟ قَالَ: نَعم رَأَيتُهُ وَاضِعًا جِبهَتَهُ بَينَ يَدَیَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا عُمَرُ إِنَّ هَذَا الجَمَلَ قَد سَجَدَ لِی وَ استَجَارَ بِی فَاذهَب فَاشتَرِهِ وَ اَعتِقهُ وَ لَا تجعَل لِأَحدٍ عَلَيهِ سَبِيلاً. قَالَ: فَذَهَبَ عُمَرُ فَاشتَرَاهُ وَخَلَّى سَبِيلَهُ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ هَذَا بَهِيمَةٌ يَسجُدُ لَكَ فَنَحنُ أَحَقُّ أَن نَسجُدَ لَكَ سَلنَا عَلَى مَا جِئتَنَا بِهِ مِنَ الهُدَى أَجرًا سَلنَا عَلَيهِ عَمَلاً فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَو كُنتُ آمُرُ أَحداً يَسجُدُ لِأَحدٍ لَأَمَرتُ المَرأَةَ أَن تَسجُدَ لِزَوجِهَا. فَقَالَ جَابِرٌ: فَوَاللهِ مَا خَرَجتُ حَتَّى نَزَلَتِ الآيَةُ الكَرِيمَةُ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾.

جابر گفت: در گوشه‌ای از زمین‌های قبیله بنی‌حارثه در حضور رسول خدا ﷺ بودیم که شتری رنگ‌پریده آمد و سوی پیامبر ﷺ سجده کرد. به جابر گفتیم: تو آن را دیدی؟ گفت: آری، دیدمش که آمد و پیشانی‌اش را روبه‌روی رسول خدا ﷺ زمین گذاشت. حضرت فرمود: ای عمر! این شتر برای من سجده کرد و به من پناه آورد، پس برو و آن را بخر و آزادش کن و مگذار کسی سوی آن دست دراز کند. عمر رفت و آن را خرید و آزادش کرد. سپس سوی پیامبر باز آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! این چهارپا بر شما سجده می‌کند، حال آن‌که بر ما واجب‌تر است که به شما سجده کنیم. در ازای آن‌چه که از هدایت برای ما آورده‌ای، مزدی از ما بخواه! در ازای آن کاری از ما بخواه! حضرت فرمود: اگر امر می‌کردم کسی بر کسی سجده کند، هر آینه امر می‌کردم زن بر شوهرش سجده کند.

جابر گفت: به خدا سوگند هنوز خارج نشده بودیم که این آیه نازل شد: «از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی درباره خویشاوندان [نزدیکم].»

۳۴۶. عَنِ ابنِ عَبَّاس قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾. قُلتُ: يَا رَسُولَ اللهِ مَن قَرَابَتُكَ الَّذِينَ افتَرَضَ اللهُ عَلَينَا مَوَدَّتَهُم؟ قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ وُلدُهَا. ثَلاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا.

ابن عباس گفت: زمانی که آیهٔ فوق نازل شد، عرض کردم: ای رسول خدا! خویشاوندان شما که خداوند دوستی آنان را بر ما واجب گردانده، چه کسانی‌اند؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان ایشان علیهم‌السلام و سه بار این سخن را باز فرمود.

۳۴۷. عَبدُ اللهِ بنِ حَكِيمٍ قَالَ: كُنتُ عِندَ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَن قَولِهِ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: إِنَّا نَزعَمُ قَرَابَةَ مَا بَينَنَا وَ بَينَهُ وَ تَزعَمُ قُرَيشٌ أَنَّهَا قَرَابَةُ مَا بَينَهُ وَ بَينَهُم وَ كَيفَ يَكُونُ هَذَا وَ قَد أَنبَأَ اللهُ أَنَّهُ مَعصُومٌ.

عبد الله بن حکیم گفت: نزد امام جعفر صادق علیه‌السلام بودم که مردی از ایشان در مورد آیه فوق پرسید. ایشان فرمود: ما برآنیم قرابتی که بین ما و بین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، مورد نظر است و قریش بر آن است که قرابتی که بین پیامبر و آنان است، مورد نظر است و چگونه می‌تواند چنین باشد در حالی‌که خداوند خبر داده است که همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله معصوم است.

۳۴۸. عَن عَبدِ اللهِ بنِ حَكِيمِ بنِ جُبَيرٍ إِنَّهُ قَالَ: سَأَلتُ عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ بنِ عَلِيٍّ علیه‌السلام عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: هِيَ قَرَابَتُنَا أَهلَ البَيتِ مِن مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله.

عبد الله بن حکیم‌بن جبیر گفت: از امام سجاد علیه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم، ایشان فرمود: خویشاوندی ما اهل بیت علیهم‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد نظر است.

۳۴۹. عَن حَبِيبِ بنِ أَبِي ثَابِتٍ أَنَّهُ أَتَى مَسجِدَ قُبَاءَ وَ إِذَا فِيهِ مَشِيخَةٌ مِنَ الأَنصَارِ فَحَدَّثُوهُ أَنَّ

عَلِيَّ بنَ الحُسَينِ أَتَاهُم يُصَلِّي فِي مَسجِدِ قُبَاءَ فَسَلَّمُوا عَلَيهِ ثُمَّ قَالُوا: إِن كُنتُم سَلَّمتُم إِلَينَا فِيمَا كَانَ بَينَكُم نَشهَدُ كُم فَإِنَّ مَشِيخَتَنَا حَدَّثُونَا أَنَّهُم أَتَوا نَبِيَّ اللهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ فَقَالُوا: يَا نَبِيَّ اللهِ قَد أَكرَمَنَا اللهُ وَ هَدَانَا بِكَ وَ آمَنَّا وَ فَضَّلنَا بِكَ فَاقسِم فِي أَموَالِنَا مَا أَحبَبتَ فَقَالَ لَهُم نَبِيُّ اللهِ ﷺ: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ فَأَمَرَنَا بِمَوَدَّتِكُم.

از حبیب بن ابی‌ثابت روایت شده است که وی به مسجد قبا رفت و حال آن‌که چند تن از ریش‌سفیدان انصار آنجا بودند. ایشان برای او چنین گفتند که روزی امام سجاد علیه السلام به مسجد قبا آمد تا پیشاپیش آنان نماز بگزارد. آنان بر حضرت سلام کرده و عرض کرده‌اند: اگر آن‌چه را که میانتان رخ داد، به ما واگذار می‌کردید، برایتان گواهی می‌دادیم که ریش‌سفیدان ما برایمان چنین گفتند که آنان به هنگام بیماری پیامبر خدا که بر اثر آن درگذشت، خدمت ایشان رسیده و عرض کرده‌اند: ای پیامبر خدا! به راستی که خداوند ما را با تو گرامی داشت و هدایت نمود و ما را با تو ایمن کرد و برتری بخشید. پس هر آن‌چه می‌خواهی از دارایی ما برای خود جدا کن. و پیامبر خدا ﷺ به آنان فرموده است: «بگو از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان» و این چنین ما را به دوستی شما فرمان داد.

۳۵۰. عَن عَطَاءِ بنِ أَبِي رَبَاحٍ قَالَ: قُلتُ لِفَاطِمَةَ بِنتِ الحُسَينِ: أَخبِرِينِي جُعِلتُ فِدَاكِ بِحَدِيثٍ أُحَدِّثُ وَ أَحتَجُّ بِهِ عَلَى النَّاسِ. قَالَت: نَعَم أَخبَرَنِي أَبِي أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ نَازِلاً بِالمَدِينَةِ وَ أَنَّ مَن أَتَاهُ مِنَ المُهَاجِرِينَ مرسوا أَن يَفرِضُوا لِرَسُولِ اللهِ ﷺ فَرِيضَةً يَستَعِينُ بِهَا عَلَى مَن أَتَاهُ فَأَتَوا رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ قَالُوا: قَد رَأَينَا مَا يَنُوبُكَ مِنَ النَّوَائِبِ وَ إِنَّا أَتَينَاكَ لِنَفرِضَ مِن أَموَالِنَا فَرِيضَةً تَستَعِينُ بِهَا عَلَى مَن أَتَاكَ.

عطاء بن ابی رُباح گفت: به بانو فاطمه دختر حضرت امام حسین علیه السلام عرض کردم: فدایتان گردم! مرا از حدیثی آگاه کنید که آن را روایت کنم و با آن بر مردم

حجّت آورم. فرمود: پدرم چنین مرا خبر داد که پیامبر ﷺ در مدینه ساکن بود و هر یک از مهاجران که نزد ایشان می‌آمدند، برآن شده بودند که سهمی از مال خود را به رسول خدا اختصاص دهند تا ایشان با آن سهم کسانی را که نزدشان می‌آیند، یاری رساند. آنان نزد رسول خدا ﷺ رفتند و عرض کردند: ما دیده‌ایم که چه سختی‌ها کشیده‌اید، پس آماده‌ایم تا سهمی به شما اختصاص دهیم تا با آن کسانی را که نزدتان می‌آیند، یاری کنید.

قَالَ: فَأَطرَقَ النَّبِيُّ ﷺ طَوِيلاً ثُمَّ رَفَعَ رَأسَهُ فَقَالَ: إِنِّي لَم أُؤمَر أَن آخُذَ مِنكُم عَلَى مَا جِئتُم بِهِ شَيئًا، إِنطَلِقُوا وَ إِن أُمِرتُ بِهِ أَعلَمتُكُم.

قَالَ: فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ ؑ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ قَد سَمِعَ مَقَالَةَ قَومِكَ وَ مَا عَرَضُوا عَلَيكَ وَ قَد أَنزَلَ اللهُ عَلَيهِم فَرِيضَةً: ﴿ **قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾.

فَخَرَجُوا وَ هُم يَقُولُونَ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَّا أَن يَذِلَّ لَهُ الأَشيَاءُ وَ تَخضَعَ لَهُ الرِّقَابُ مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرضُ لِبَنِي عَبدِالمُطَّلِبِ.

در آن دم پیامبر ﷺ سر به زیر افکند و پس از مدتی سر برآورد و فرمود: من دستور ندارم تا در ازای آن‌چه برایتان آورده‌ام چیزی از شما بگیرم، بروید تا اگر چنین فرمانی رسید خبرتان کنم. آن‌گاه جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! پروردگارت سخن قومت را و آن‌چه را بر تو عرضه داشتند شنید و سهمی واجب بر آنان نازل فرموده است: «بگو، از شما دربارهٔ آن هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان.» آنان بیرون رفتند و گفتند: رسول خدا ﷺ تنها می‌خواهد همه چیز فرمانبر او باشد و همهٔ گردن‌ها به امرش نهاده شود و پیوسته آسمان‌ها و زمین از برای فرزندان عبدالمطلب باشد.

قَالَ: فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ؑ أَنِ اصعَدِ المِنبَرَ وَ ادعُ النَّاسَ إِلَيكَ ثُمَّ قُل: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنِ انتَقَصَ أَجِيرًا أَجرَهُ فَليَتَبَوَّأْ مَقعَدَهُ النَّارِ وَ مَنِ انتَفَى مِن وَالِدَيهِ فَليَتَبَوَّأْ مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

قالَ: فَقامَ رَجُلٌ وَ قالَ: یا أَبَا الحَسَنِ ما لَهُنَّ مِن تَأویلٍ؟ فَقالَ: اللهُ وَ رَسولُهُ أَعلَمُ. ثُمَّ أَتی رَسولَ اللهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ فَقالَ النَّبیُّ: وَیلٌ لِقُرَیشٍ مِن تَأویلِهِنَّ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ ثُمَّ قالَ: یا عَلِیُّ اِنطَلِق فَأَخبِرهُم: أَنّی أَنَا الأَجیرُ الَّذی أَثبَتَ اللهُ مَوَدَّتَهُ مِنَ السَّماءِ ثُمَّ أَنا وَ أَنتَ مَولَی المُؤمِنینَ وَ أَنا وَ أَنتَ أَبَوَا المُؤمِنینَ.

رسول خدا ﷺ برای حضرت علی ؑ چنین پیغام داد که بر منبر برو و مردم را سوی خود فراخوان و بگو: ای مردم! هر که از مزد مزدگیر بکاهد، آتش نشیمنگاهش را پُر خواهد کرد و هر که از سوی پدر و مادرش رانده شود نیز آتش نشیمنگاهش را پُر خواهد کرد. در آن دم مردی برخاست و عرض کرد: ای اباحسن! تأویل این جملات چیست؟ فرمود: خدا و رسولش آگاه‌ترند. سپس نزد رسول خدا ﷺ رفت و ایشان را از سخن آن مرد خبر داد. حضرت فرمود: وای بر قریش با تأویلی که از آن جملات می‌کنند ـ و سه بار این سخن را باز فرمود ـ سپس فرمود: ای علی! برو و به آنان خبر ده که همانا من آن مزدگیر هستم که خداوند دوستی‌اش را از آسمان استوار گردانید و نیز من و تو مولای مؤمنانیم و من و تو پدر مؤمنانیم.

ثُمَّ خَرَجَ رَسولُ اللهِ ﷺ فَقالَ: یا مَعشَرَ قُرَیشٍ وَ المُهاجِرینَ وَ الأَنصارِ. فَلَمّا اجتَمَعوا قالَ: یا أَیُّها النّاسُ إِنَّ عَلِیّاً أَوَّلُکُم إیماناً بِاللهِ، وَ أَقوَمُکُم بِأَمرِ اللهِ، وَ أَوفاکُم بِعَهدِ اللهِ، وَ أَعلَمُکُم بِالقَضِیَّةِ، وَ أَقسَمُکُم بِالسَّوِیَّةِ، وَ أَرحَمُکُم بِالرَّعِیَّةِ، وَ أَفضَلُکُم عِندَ اللهِ مَزِیَّةً.

ثُمَّ قالَ: إِنَّ اللهَ مَثَّلَ لی أُمَّتی فِی الطّینِ وَ عَلَّمَنی أَسماءَهُم کَما ﴿عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا[1]﴾ ثُمَّ عَرَضَهُم فَمَرَّ بی أَصحابُ الرّایاتِ فَاستَغفَرتُ لِعَلِیٍّ وَ شیعَتِهِ وَ سَأَلتُ رَبّی أَن تَستَقیمَ أُمَّتی عَلی عَلِیٍّ مِن بَعدی فَأَبی إِلّا أَن یُضِلَّ مَن یَشاءُ وَ یَهدی مَن یَشاءُ، ثُمَّ ابتَدَأَنی رَبّی فی عَلِیٍّ بِسَبعِ خِصالٍ.

---

۱. بقره، ۳۱

سپس رسول خدا ﷺ بیرون رفت و فرمود: ای گروه قریش و مهاجرین و انصار! چون گرد آمدند، فرمود: ای مردم! همانا علی ﷺ نخستین شما در ایمان به خداوند و پایدارترین شما در اجرای امر خداوند و باوفاترین شما به عهد خدا و داناترین شما در داوری و دادگرترین شما در مساوات و مهربان‌ترین شما با مردم و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است. سپس فرمود: همانا خداوند تمثال امتم را در سرشت گِل نشانم داد و نام‌های آنان را به من آموخت، چنان‌چه «همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت»، سپس آن‌ها را بر من عرضه نمود و صاحبان پرچم‌ها از جلوی من گذشتند و من برای علی و شیعیانش آمرزش خواستم و از پروردگارم خواستم تا پس از من امتم را در راه پیشوایی علی استوار بدارد. لیکن خداوند روی برتافت جز آن‌که هر که را خواست گمراه کند و هر که را خواست راه نماید. سپس پروردگارم با علی ﷺ هفت خصلت را برای من بنا نهاد.

أَمّا أولاهُنَّ: فَإنَّهُ أَوّلُ مَن يَنشَقُّ الأَرضَ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ: فَإِنَّهُ يَذُودُ أعداءَهُ عَن حَوضِي كَمَا يَذُودُ الرُّعَاةُ غَرِيبَةَ الإبِلِ. وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ: فَإنَّ مِن فُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ لَيَشفَعُ فِي مِثلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ. وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَقرَعُ بَابَ الجَنَّةِ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا الخَامِسَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يُزَوَّجُ مِنَ الحُورِ العِينِ مَعِي وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا السَّادِسَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يَسكُنُ مَعِي فِي عِلِّيِّينَ وَ لَا فَخرَ. وَ أَمَّا السَّابِعَةُ: فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَن يُسقَى **﴿مِنْ رَحِيق مَختوم ختامه مسك و فِي ذَلك فَليتنافس المتنافِسُون﴾**.

اول آن‌که او نخستین کسی است که همراه من از درون زمین برانگیخته می‌شود و فخر نمی‌کنم. دوم آن‌که او دشمنان خود را از حوض کوثر می‌راند، همان‌گونه که شتربان شتر ناآشنا را می‌راند. سوم آن‌که شیعیان فقیر علی ﷺ در روز قیامت گروهی را که تعداد آن‌ها همچون قبیلهٔ ربیعه و مضر است، شفاعت می‌کنند. چهارم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من درِ بهشت را

می‌کوبد و فخر نمی‌کنم. پنجم آن‌که نخستین کسی که همراه من از حورالعین به همسری‌اش در می‌آیند و فخر نمی‌کنم. ششم آن‌که نخستین کسی است که همراه من در آسمان هفتم ساکن می‌شود و فخر نمی‌کنم. هفتم آن‌که نخستین کسی است که از شراب مهر نهاده شده سیراب می‌گردد.

۳۵۱. عَنِ الأَصبَغِ بنِ نُباتَةَ قَالَ: كُنتُ جَالِسًا عِندَ أَميرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي مَسجِدِ الكُوفَةِ فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِن بَجِيلَةَ يُكَنَّى أَبَا خَدِيجَةَ وَ مَعَهُ سِتُّونَ رَجُلاً مِن بَجِيلَةَ فَسَلَّمَ وَ سَلَّمُوا ثُمَّ جَلَسَ وَ جَلَسُوا ثُمَّ أَنَّ أَبَا خَدِيجَةَ قَالَ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ أَعِندَكَ سِرٌّ مِن أَسرَارِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله تُحَدِّثُنَا بِهِ؟ قَالَ: نَعَم يَا قَنبَرُ ائتِنِي بِالكِتَابَةِ فَفَضَّهَا فَإِذَا فِي أَسفَلِهَا سُلَيفَةٌ مِثلُ ذَنَبِ الفَارَةِ مَكتُوبٌ فِيهَا:

بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ لَعنَةَ اللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ عَلَى مَنِ انتَمَى إِلَى غَيرِ مَوَالِيهِ، وَ لَعنَةُ اللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ عَلَى مَن أَحدَثَ فِي الإِسلَامِ أَو آوَى مُحدِثًا وَ لَعنَةُ اللهِ عَلَى مَن ظَلَمَ أَجِيرًا أَجرَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلَى مَن سَرَقَ مَنَارَ الأَرضِ وَ حُدُودَهَا يُكَلَّفُ يَومَ القِيَامَةِ أَن يَجِيءَ بِذَلِكَ مِن سَبعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبعِ أَرضِينَ.

ثُمَّ التَفَتَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ: وَ اللهِ لَو كُلِّفَت هَذَا دَوَابُّ الأَرضِ مَا أَطَاقَتهُ. فَقَالَ لَهُ أَبُو خَدِيجَةَ: وَلَكِن أَهلَ البَيتِ مَوَالِيَ كُلِّ مُسلِمٍ فَمَن تَوَلَّى غَيرَ مَوَالِيهِ فَقَالَ: لَستَ حَيثُ ذَهَبتَ يَا أَبَا خَدِيجَةَ وَلَكِنَّا أَهلَ البَيتِ مَوَالِي كُلِّ مُسلِمٍ فَمَن تَوَلَّى غَيرَنَا فَعَلَيهِ مِثلُ ذَلِكَ يَا أَبَا خَدِيجَةَ وَ الأَجِيرُ لَيسَ بِالدِّينَارِ وَ لَا بِالدِّينَارَينِ وَ لَا بِالدِّرهَمِ وَ لَا بِالدِّرهَمَينِ بَل مَن ظَلَمَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أَجرَهُ فِي قَرَابَتِهِ قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ **قُل لَا أَسئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ** ﴾ فَمَن ظَلَمَ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله أَجرَهُ فِي قَرَابَتِهِ فَعَلَيهِ لَعنَةُ اللهِ وَ المَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجمَعِينَ.

اصبغ بن نباته گفت: در مسجد کوفه نزد امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام نشسته بودم که مردی از قبیلهٔ بجیله با لقب ابوخدیجه به همراه هفتاد مرد از بجیله خدمت ایشان رسید. سلام کرد و همراهانش سلام کردند و نشست و همراهانش

نشستند. سپس عرض کرد: ای امیرمؤمنان! آیا نزد شما سرّی از اسرار رسول خدا ﷺ هست تا برای ما آن را نقل کنید؟ فرمود: بله. ای قنبر! آن نوشته را برایم بیاور. نوشته را گشود. در پایین آن پوست کوچک و نازکی بود همچون دم موش که بر آن نوشته شده بود: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان. لعنت خدا و فرشتگانش و تمامی مردم بر کسی که خود را به غیر از مولاهای خویش نسبت دهد و لعنت خدا و فرشتگانش و همهٔ مردم بر کسی که در اسلام از خود بدعت بگذارد و یا بدعت‌گذار را پناه دهد و لعنت خدا بر کسی که در پرداختن مزد مزدگیری ستم کند و لعنت خدا بر کسی که قطعه‌ای زمین یا مرزهای آن را بدزدد، چه در قیامت بر او تکلیف می‌کنند که آن را از هفت آسمان و هفت زمین پس بیاورد.

سپس سوی مردم رو کرد و فرمود: به خدا سوگند اگر این را بر چهارپایان زمین تکلیف کنند، طاقت آن را نخواهند داشت. ابوخدیجه عرض کرد: ولی اهل بیت علیهم السلام مولای تمامی مسلمان هستند، چه کسی جز مولاهای خویش را به ولایت می‌گیرد؟ فرمود: ای ابوخدیجه! تو چنان‌که می‌گویی نیستی، ولی اهل بیت مولای همهٔ مسلمانان هستند و هر که جز ما را به ولایت گیرد، سرانجامی همچون آن‌چه گفتم بر اوست. ای ابوخدیجه! مزد آن مزدگیر، یک یا دو دینار و یک یا دو درهم نیست، بلکه هر که در پرداختن مزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ خویشاوندانش ستم کند است، چراکه خداوند متعال فرموده است: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان»؛ پس هر که در پرداختن مزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ خویشاوندانش ستم کند، لعنت خدا و فرشتگانش و همهٔ مردم بر اوست.

۳۵۲. عَن زِيادِبنِ المُنذِرِ قالَ: سَمِعتُ أَباجَعفَرٍ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ: شَجَرَةٌ أَصلُها رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ فَرعُها عَلِيُّبنُ أَبِي‌طالِبٍ وَ أَغصانُها فاطِمَةُ بِنتُ النَّبِيِّ وَ ثَمَرُها

الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهما السلام وَ التَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ فَإِنَّهَا شَجَرَةُ النُّبُوَّةِ وَ بَيتُ الرَّحمَةِ ، وَ مِفتَاحُ الحِكمَةِ ، وَ مَعدِنُ العِلمِ ، وَ مَوضِعُ الرِّسَالَةِ ، وَ مُختَلَفُ المَلَائِكَةِ ، وَ مَوضِعُ سِرِّ اللهِ وَ وَدِيعَتُهُ ، وَ الأَمَانَةُ الَّتِي عُرِضَت عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ وَ الجِبَالِ ، وَ حَرَمُ اللهِ الاكبرِ ، وَ بَيتُ اللهِ العَتِيقُ وَ ذِمَّتُهُ: وَ عِندَنَا عِلمُ المَنَايَا وَ البَلَايَا وَ القَضَايَا وَ الوَصَايَا وَ فَصلُ الخِطَابِ وَ مَولِدُ الإِسلَامِ وَ أَنسَابُ العَرَبِ.

زیادبن منذر گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: درختی که ریشهٔ آن رسول خدا صلى الله عليه وآله و تنه‌اش علی بن ابی‌طالب عليه السلام و شاخه‌های آن فاطمه دختر پیامبر صلى الله عليه وآله و میوهٔ آن حسن و حسین عليهما السلام است، آن درخت، درخت نبوّت و خانهٔ رحمت و کلید حکمت و معدن علم و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و جایگاه سرّ و ودیعت الهی و جایگاه امانتی است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه گشت و باری حرم خدای بزرگ و بیت الله عتیق و ذمّهٔ اوست. همانا علم مرگ‌ها و بلاها و پیشامدها و وصایا و فصل الخطاب و زادگاه اسلام و تمامی نسب‌های عرب نزد ماست.

كَانُوا نُورًا مُشرِقًا حَولَ عَرشِ رَبِّهِم فَأَمَرَهُم فَسَبَّحُوا فَسَبَّحَ أَهلُ السَّمَاوَاتِ لِتَسبِيحِهِم ، وَ إِنَّهُم لَصَافُّونَ وَ إِنَّهُم لَهُمُ المُسَبِّحُونَ ، فَمَن أَوفَى بِذِمَّتِهِم فَقَد أَوفَى بِذِمَّةِ اللهِ ، وَ مَن عَرَفَ حَقَّهُم فَقَد عَرَفَ حَقَّ اللهِ ، هَؤُلَاءِ عِترَةُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ مَن جَحَدَ حَقَّهُم فَقَد جَحَدَ حَقَّ اللهِ ، هُم وُلَاةُ أَمرِ اللهِ وَ خَزَنَةُ وَحيِ اللهِ وَ وَرَثَةُ كِتَابِ اللهِ وَ هُمُ المُصطَفَونَ بِاسمِ اللهِ وَ أُمَنَائِهِ عَلَى وَحيِ اللهِ.

امامان عليهم السلام نوری تابناک گرداگرد عرش پروردگارشان بودند که خداوند دستور داد تا تسبیح گویند، آن‌گاه اهل آسمان‌ها نیز از تسبیح ایشان تسبیح گفتند.

پس کسی که به عهد خویش با ایشان وفا کند، به عهد خویش با خدا وفا کرده است و کسی که حقّ ایشان را بشناسد، حقّ خدا را شناخته است، ایشان عترت رسول خدا صلى الله عليه وآله هستند و کسی که حقّ ایشان را انکار کند، حقّ خدا را انکار

کرده است. ایشان والیان امر خدا و نگاهبانان وحی خدا و وارثان کتاب خدایند و ایشان برگزیدگان اسم خدا و امینان وحی خدایند.

هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتِ النُّبُوَّةِ وَ مضاضُ الرِّسَالَةِ وَ المُستَأنِسُونَ بِخَفيقِ أَجنِحَةِ المَلَائِكَةِ، مَن كَانَ يَغدُوهُم جَبرَئِيلُ بِأمرِ المَلِكِ الجَلِيلِ بِخَبَرِ التَّنزِيلِ وَ بُرهَانِ الدَّلَائِلِ.

هَؤُلَاءِ أَهلُ بَيتٍ أَكرَمَهُمُ اللهُ بِشَرَفِهِ، وَ شَرَّفَهُم بِكَرَامَتِهِ، وَ أَعَزَّهُم بِالهُدَى، وَ ثَبَّتَهُم بِالوَحيِ، وَ جَعَلَهُم أَئِمَّةً هُدَاةً، وَ نُورًا فِي الظُّلَمِ لِلنَّجَاةِ، وَ اختَصَّهُم لِدِينِهِ، وَ فَضَّلَهُم بِعِلمِهِ، وَ آتَاهُم مَا لَم يُؤتِ أَحَدًا مِنَ العَالَمِينَ، وَ جَعَلَهُم عِمَادًا لِدِينِهِ، وَ مُستَودِعًا لِمَكنُونِ سِرِّهِ، وَ أُمَنَاءَ عَلى وَحيِهِ مِن خَلقِهِ، وَ شُهَدَاءَ عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَ اختَارَهُمُ اللهُ وَ اجتَبَاهُم، وَ خَصَّهُم وَ اصطَفَاهُم، وَ فَضَّلَهُم وَ ارتَضَاهُم، وَ انتَجَبَهُم وَ انتَفَلَهُم وَ جَعَلَهُم نُورًا لِلبِلَادِ وَ عِمَادًا لِلعِبَادِ، وَ حُجَّتَهُ العُظمَى.

هُمُ النَّجَاةُ وَ الزُّلفَى، هُمُ الخِيَرَةُ الكِرَامُ، هُمُ القُضَاةُ الحُكَّامُ، هُمُ النُّجُومُ الأَعلَامُ، هُمُ الصِّرَاطُ المُستَقِيمُ، هُمُ السَّبِيلُ الأَقوَمُ، الرَّاغِبُ عَنهُم مَارِقٌ وَ المُقَصِّرُ عَنهُم زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُم لَاحِقٌ، هُم نُورُ اللهِ فِي قُلُوبِ المُؤمِنِينَ وَ البِحَارُ السَّائِغَةُ لِلشَّارِبِينَ، آمَنُ لِمَنِ إِلَيهِمُ التجَأَ، وَ أَمَانٌ لِمَن تَمَسَّكَ بِهِم، إِلَى اللهِ يَدعُونَ، وَ لَهُ يُسَلِّمُونَ، وَ بِأَمرِهِ يَعمَلُونَ وَ بِبَيَانِهِ يَحكُمُونَ.

فِيهِم بَعَثَ اللهُ رَسُولَهُ، وَ عَلَيهِم هَبَطَت مَلَائِكَتُهُ، وَ بَينَهُم نَزَلَت سَكِينَتُهُ، وَ إِلَيهِم بُعِثَ الرُّوحُ الأَمِينُ مَنًّا مِنَ اللهِ عَلَيهِم، فَضَّلَهُم بِهِ وَ خَصَّهُم بِذَلِكَ، وَ آتَاهُم تَقوَاهُم بِالحِكمَةِ قَوَّاهُم، فُرُوعٌ طَيِّبَةٌ وَ أُصُولٌ مُبَارَكَةٌ، مُستَقَرُّ قَرَارِ الرَّحمَةِ، خُزَّانُ العِلمِ، وَ وَرَثَةُ الحِلمِ، وَ أُولُوا التُّقَى وَ النُّهَى، وَ النُّورُ وَ الضِّيَاءُ، وَ وَرَثَةُ الأَنبِيَاءِ وَ بَقِيَّةُ الوَصَايَا.

ایشان اهل بیت نبوت و مرکز رسالت و مأنوس به پر و بال زدن فرشتگان‌اند. آنان‌اند که جبرئیل به فرمان خداوند پادشاه شکوهمند در سپیده‌دم با خبرهای فرود آمده و رهنمایی‌های آشکار خدمتشان می‌رسد. ایشان اهل بیتی هستند

که خداوند به شرافت خویش آنان را گرامی داشت و با کرامتش به آنان شرافت بخشید و با هدایت ایشان را عزیز گرداند و با وحی استوارشان فرمود و ایشان را امامان هدایت و نوری برای نجات در ظلمت قرار داد و برای دینش ایشان را مخصوص گردانید و با علمش برتری داد و چیزی به آنان عطا کرد که به هیچ یک از جهانیان عطا نکرد و ایشان را ستونی برای دینش و امانتگاهی برای اسرار نهانش و امانتدارانی برای وحی‌اش در میان آفریدگانش و گواهانی بر خلقش قرار داد. ایشان مایهٔ نجات و نزدیکی و بهترین کریمان و قضاوت‌کنندگان حکمران و ستارگان نشان‌دار و صراط مستقیم و راه استوارند. هر که از ایشان روی گرداند، گمراه شود و هر که به ایشان دست نیابد، نابود شود و هر که به ایشان بپیوندد، به هنگام می‌رسد.
ایشان نور خدا در قلوب مؤمنان و دریاهای شیرین برای نوشندگان‌اند. کسی که به سویشان پناه جست، ایمنی یافت و کسی که به ایشان تمسّک جست، امنیت یافت. سوی خدا دعوت می‌کنند و برای او تسلیم می‌شوند و به امر او عمل می‌کنند و به بیّنات او حکم می‌کنند.
از میان آنان خدا رسولش را برانگیخت و بر ایشان فرشتگانش را فرود آورد و در میان ایشان آرامشش را نازل فرمود. جبرئیل سوی ایشان برانگیخته شد و این منّتی از سوی خداوند بر آن‌هاست که ایشان را به آن برتری بخشید و مخصوص گردانید. پرهیزکاریشان را او به ایشان عطا کرد و با حکمت قدرتشان بخشید، ایشان شاخه‌های پاک و ریشه‌های خجسته‌اند. در جایگاه رحمت جای گرفته‌اند و خزانه‌داران دانش‌اند و صاحبان پرهیزکاری و امر و نهی‌اند. آنان نور و روشنی، وارثان انبیا و باقی‌مانده اوصیایند.
مِنهُمْ الطَّیِّبُ ذِکرُهُ، الْمُبَارَكُ اسمُهُ مُحَمَّدُ ﷺ الْمصطَفَی وَالمُرتَضی وَرَسُولُهُ الأُمِّیُّ.
وَ مِنهُم المَلِكُ الأَزهَرُ وَ الأَسَدُ المرسَلُ حَمزَةُبنُ عَبدِ المُطَّلِبِ.
وَ مِنهُم المُستَسقَی بِهِ یَومَ الرَّمَادَةِ العَبَّاسُبنُ عَبدِالمُطَّلِبِ عَمُّ رَسُولِ اللهِ وَ صِنوُ أَبِیهِ.

وَ مِنهُم جَعفَرُ ذُوالجَنَاحَینِ وَ القِبلَتَینِ وَ الهِجرَتَینِ وَ البیعَتَینِ مِنَ الشَّجَرَةِ المُبارَکَةِ صَحِیحُ الأَدِیمِ وَضَّاحُ البرهَانِ.

وَ مِنهُم حَبِیبُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَخُوهُ وَ المُبَلِّغُ عَنهُ مِن بَعدِهِ البرهَانَ وَ التَّأوِیلَ وَ مُحکَمَ التَّفسِیرِ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ وَ وَلِیُّ المُؤمِنِینَ وَ وَصِیُّ رَسُولِ رَبِّ العَالَمِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ عَلَیهِ مِنَ اللهِ الصَّلَوَاتُ الزَّکِیَّةُ وَ البَرَکَاتُ السَّنِیَّةُ.

هَؤلاءِ الَّذِینَ افتَرَضَ اللهُ مَوَدَّتَهُم وَ وَلایَتَهُم عَلَی کُلِّ مُسلِمٍ وَ مُسلِمَةٍ فَقالَ فِی مُحکَمِ کِتَابِهِ لِنَبِیِّهِ: ﴿ **قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيهٰا حُسْنًا إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ** ﴾

قَالَ أَبُو جَعفَرٍ مُحَمَّدُ بنُ عَلِیٍّ علیه السلام: إِقتِرَافُ الحَسَنَةِ حُبُّنَا أَهلَ البَیتِ.

او که یادش پاک و نامش خجسته است، حضرت محمّد ﷺ همان برگزیده و خشنودشده و رسول امّی خداوند از ایشان است و آن پادشاه درخشنده و شیر فرستاده شده، حمزه پسر عبدالمطلب از ایشان است و آن‌که در روز خاکستر از او آب خواهند، عباس پسر عبدالمطلب و عموی رسول خدا و همزاد پدرش از ایشان است و جعفر صاحب دو بال و دو قبله و دو هجرت و دو بیعت از شمار درخت، روشن‌روان و روشنگر برهان‌های آشکار از ایشان است و یار محمّد ﷺ و برادر او که پس از او از سوی او برهان و تأویل و تفسیر محکم را تبلیغ می‌کند، امیرمؤمنان و ولیّ مؤمنان و وصیّ رسول پروردگار جهانیان علی بن ابی طالب که درودهای پاک و فزونی‌های ارجمند از سوی خداوند بر او باد، از ایشان است. آنان‌اند که خداوند دوستی و ولایتشان را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب ساخت و در آیات محکم کتابش به پیامبرش فرمود: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان.»

امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: پیروی از حسنه حبّ ما اهل بیت است.

۳۵۳. حَدَّثَنا أَیُّوبُ بنُ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ بنِ سِمطٍ قَالَ: سَمِعتُ أَبِی یَقُولُ: سَمِعتُ عَلِیَّ بنَ أَبِی طالِبٍ علیه‌السلام یَقُولُ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله یَقُولُ: لَمَّا نَزَلَتِ الآیَةُ: ﴿ **قُلْ لاَ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِکُلِّ دِینٍ أَصلاً وَ دِعامَةً وَ فَرعًا وَ بُنیانًا وَ إِنَّ أَصلَ الدِّینِ وَ دِعَامَتَهُ قَولُ لا اِلهَ إِلَّا اللهُ وَ إِنَّ لِکُلِّ دِینٍ أَصلاً وَ دِعامَةً وَ فَرعًا وَ بُنیانًا وَ إِنَّ أَصلَ الدِّینِ وَ دِعَامَتَهُ قَولُ لا إِلَه إِلَّا اللهُ وَ إِنَّ فَرعَهُ وَ بُنیانَهُ مَحَبَّتُکُم أَهلَ البَیتِ فِیمَا وَافَقَ الحَقَّ وَ دَعا إِلَیهِ.

ایوب بن علی بن حسین بن سمط گفت: از پدرم شنیدم که می‌گفت: از حضرت علی علیه‌السلام شنیدم که فرمود: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود: زمانی که نازل شد: «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان»، جبرئیل گفت: ای محمّد! همانا برای هر دینی اصل و پایه‌ای و نیز فرع و بنیانی است. اصل دین و ستون آن گفتن لا اله الا الله است و فرع و بنیان آن محبت شما اهل بیت است، در آن‌چه با حقّ موافق است و سوی آن فرا می‌خواند.

۳۵۴. عَن مُحَمَّدِ بنِ مُسلِمٍ: عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: مَا بَعَثَ اللهُ نَبِیًّا قَطُّ إِلَّا قَالَ لِقَومِهِ: ﴿ **قُلْ لاَ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ** ﴾ قَالَ: ثُمَّ قَالَ: أَمَا رَأَیتَ الرَّجُلَ یَوَدُّ الرَّجُلَ ثُمَّ لا یَوَدُّ قَرَابَتَهُ فَیَکُونُ فِی نَفسِهِ عَلَیهِ شَیءٌ فَأَحَبَّ اللهُ إِن أَخَذُوهُ أَخَذُوهُ مَفرُوضًا وَ إِن تَرَکُوهُ تَرَکُوهُ مَفرُوضًا.

قَالَ: قُلتُ: قَولُهُ: ﴿ **وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا** ﴾ قَالَ: هُوَ التَّسلِیمُ لَنا وَ الصِّدقُ فِینَا وَ أَن لا یَکذِبَ عَلَینَا.

محمّد بن مسلم گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد جز آن‌که به قومش فرمود: «بگو، از شما برای آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم، جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان [نزدیکم].» عرض کردم: کلام حق تعالی «و هر کس حسنه‌ای کسب کند برایش در آن

(حسنه) زیبایی و نیکویی می‌افزاییم» چه؟ فرمود: آن تسلیم بودن برای ماست و تصدیق کردن ماست و این‌که ما را تکذیب نکنند.

۳۵۵. حَدَّثَنِی عَلِیُّ‌بنُ حَسَّانَ عَن عَمِّهِ عَبدِالرَّحمَانِ‌بنِ کَثِیرٍ: عَن أَبِی جَعفَرٍ ﷺ قَولُهُ تَعَالَی: ﴿قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ﴾ ثُمَّ أَنَّ جَبرَئِیلَ ﷺ أَتَاهُ فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ قَد قَضَیتَ نُبُوَّتَكَ وَ أَستَكمَلتَ أَیَّامَكَ فَاجعَلِ الإِسمَ الأَکبَرَ وَ مِیرَاثَ العِلمِ وَ آثَارَ عِلمِ النُّبُوَّةِ عِندَ عَلِیٍّ، وَ إِنِّی لَا أَترُكُ الأَرضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ یُعرَفُ بِهِ طَاعَتِی وَ یُعرَفُ بِهِ وَلَایَتِی وَ یَكُونُ حُجَّةً لِمَن وُلِدَ فِیمَا یَتَرَبَّصُ النَّبِیُّ إِلَی خُرُوجِ النَّبِیِّ الآخَرِ، فَأَوصَی إِلَیهِ بِالإِسمِ وَ هُوَ مِیرَاثُ العِلمِ وَ آثَارُ عِلمِ النُّبُوَّةِ، وَ أَوصَی إِلَیهِ بِأَلفِ بَابٍ یُفتَحُ لِكُلِّ بَابٍ أَلفُ بَابٍ وَ كُلُّ كَلِمَةٍ أَلفُ كَلِمَةٍ، وَ مَرِضَ یَومَ الإِثنَینِ وَ قَالَ: یَا عَلِیُّ لَا تَخرُج ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ حَتَّی تُؤَلِّفَ كِتَابَ اللهِ كَی لَایَزِیدَ فِیهِ الشَّیطَانُ شَیئًا وَ لَا یَنقُصُ مِنهُ شَیئًا فَإِنَّكَ فِی ضِدِّ سُنَّةِ وَصِیِّ سُلَیمَانَ عَلَیهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ. فَلَم یَضَع عَلِیٌّ رِدَاءَهُ عَلَی ظَهرِهِ حَتَّی جَمَعَ القُرآنَ فَلَم یَزِد فِیهِ الشَّیطَانُ شَیئًا وَ لَم یَنقُص مِنهُ شَیئًا.

علی بن حسان از عمویش عبدالرحمان‌بن کثیر روایت کرده است که امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «بگو از شما دربارهٔ آن (تبلیغ رسالت) هیچ مزدی نمی‌خواهم جز دوستی دربارهٔ خویشاوندان» فرمود: سپس جبرئیل خدمت پیامبر ﷺ رسید و فرمود: ای محمّد! همانا نبوّت تو به پایان رسید و روزگارت از تو درگذشت، پس اسم اکبر و میراث علم و آثار علم نبوّت را نزد علی ﷺ بگذار؛ چراکه من زمین را وانمی‌گذارم جز آن‌که در آن دانایی باشد که با او طاعت من دانسته می‌شود و با او ولایت من شناخته می‌شود و در زمانی که پیامبری در انتظار بیرون آمدن پیامبری دیگر است، او برای آن‌که زاده می‌شود، حجّت باشد. این‌گونه پیامبر اسم را که همان میراث علم و آثار علم نبوّت بود، نزد او به وصایت سپرد و هزار باب را که برای هر بابش هزار باب گشوده می‌شد و هر کلمه‌ای از آن هزار کلمه بود، نزدش به

وصایت سپرد و پس از آن در روز دوشنبه بیمار شد. آن‌گاه فرمود: ای علی! سه روز بیرون مرو تا کتاب خدا را گردآوری تا شیطان چیزی به آن نیفزاید و چیزی از آن نکاهد؛ چه تو بر سنّت وصیّ سلیمان علیه‌السلام نیستی. این شد که علی علیه‌السلام ردا بر پشت خویش نینداخت تا آن‌که قران را گرد آورد و این‌گونه شیطان چیزی به آن نیفزود و چیزی از آن نکاست.

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۴۱ ـ ۴۲)

﴿ وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولٰئِكَ مٰا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبيلٍ * إِنَّمَا السَّبيلُ عَلَى الَّذينَ يَظْلِمُونَ النّٰاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الأَرضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ﴾

و هر کس پس از مظلوم واقع شدنش انتقام گیرد، چنین کسانی هیچ راهی بر [سرزنش] آنان نیست. راه [سرزنش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین سرکشی می‌نمایند.

۳۵۶. عَن جَابِرٍ: عَن أَبی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِهِ: **﴿ وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ ﴾** قَالَ: القَائِمُ وَ أَصحَابُهُ قَالَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ فَأُولٰئِكَ مٰا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبيلٍ ﴾** قَالَ: القَائِمُ إِذَا قَامَ انتَصَرَ مِن بَنِي أُمَيَّةَ وَ المُكَذِّبِينَ وَ النُّصَّابَ وَ هُوَ قَولُهُ **﴿ إِنَّمَا السَّبيلُ عَلَى الَّذينَ يَظْلِمُونَ النّٰاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الأَرضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ﴾**.

جابر گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: «و هر کس پس از مظلوم واقع شدنش انتقام گیرد» حضرت حجّت علیه‌السلام و یارانش، خداوند متعال فرمود: «چنین کسانی هیچ راهی بر سرزنش آنان نیست.» منظور، حضرت قائم علیه‌السلام است زمانی‌که قیام می‌کند و از بنی‌امیّه و تکذیب‌کنندگان و ناصبی‌ها انتقام می‌گیرد و این کلام خداوند است که فرمود: «راه سرزنش تنها بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و به ناحق در زمین سرکشی می‌نمایند.»

(سورهٔ شوری، آیهٔ ۵۲)

﴿ وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾

و به راستی تو به راهی راست هدایت می‌کنی.

۳۵۷. عَن زَيدِبنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي قَولِهِ: ﴿ وَ إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾ فَقَالَ: هَدَاهُم وَ رَبِّ الكَعبَةِ إِلَى عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام اهتَدَى بِهِ مَنِ اهتَدَى وَ ضَلَّ عَنهُ مَن ضَلَّ.

زیدبن علی دربارهٔ کلام حق تعالی «و به راستی تو به راهی راست هدایت می‌کنی» گفت: به پروردگار کعبه سوگند، آنان را به سوی علی بن ابی‌طالب عليه السلام هدایت می‌کند. هر که هدایت شود، با او هدایت شده و هر که گمراه شود، از او گمراه شده است.



وَ مِن سُورةِ الزُّخرُفِ

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۱۹)

﴿ وَ جَعَلُوا الْمَلٰائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ إِنٰاثًا أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ ﴾

و فرشتگان را كه خود بندگان [خداوند] رحمان‌اند دخترانی پنداشتند، آیا شاهد آفرینش آنان بوده‌اند؟! به زودی شهادت آن‌ها نوشته می‌شود و بازخواست می‌شوند.

۳۵۸. عَن سَلمَانِ الفَارِسِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِی كَلامٍ ذَكَرَهُ فِی عَلِيِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ: وَ اللهِ يَا سَلمَانُ لَقَد حَدَّثَنِی بِمَا أُخبِرُكَ بِهِ قَالَ فِی ذِكرِهِ: يَا عَلِيُّ قَالَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ وَ جَعَلُوا الْمَلٰائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ إِنٰاثًا أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهٰادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ ﴾ حَتَّى يُسَلِّمُوا عَلَيكَ ثُمَّ يُحيُوكَ بِتَحِيَّةِ الكِرَامِ وَ يُلقِی اللهُ عَلَيكَ المَحَبَّةَ العُظمَى وَ لَا يَبقَى لِلهِ مَلَكٌ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا نَبِيٌّ وَ لَا مُؤمِنٌ وَ لَا شَجَرَةٌ وَ لَا شَيءٌ مِمَّا خَلَقَ الرَّحمَانُ إِلَّا أُحِبُّكَ. فِی كَلامٍ ذَكَرَهُ.

سلمان فارسی گفت: رسول صلی الله علیه و آله در مورد ذكر علی علیه السلام فرمود: به خدا قسم، ای سلمان! خبر می‌دهم تو را به آن‌چه كه مرا به آن باخبر ساختند (در مورد ذكر علی): ای علی! خدای تعالی فرمود: «و فرشتگان را كه خود بندگان [خداوند]

رحمان‌اند دخترانی پنداشتند. آیا شاهد آفرینش آن‌ها بوده‌اند؟ به زودی شهادت آن‌ها نوشته می‌شود و بازخواست می‌شوند.» تا این‌که در مورد تو تسلیم می‌شوند سپس به تحیّت بزرگی تو را تحیّت می‌دهند و خداوند بر تو محبت بزرگی قرار می‌دهد و برای خدا ملک و یا رسول و نبیّ و نه مؤمن و نه درخت و نه چیزی از آن‌چه رحمان خلق کرده باقی نمی‌ماند مگر آن‌که تو را دوست می‌دارد (در کلام ذکر او).

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۴۱ ـ ۴۲)

﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ * أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنٰاهُمْ فَإِنّٰا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴾

پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلّماً از آنان انتقام می‌گیریم. یا آن‌چه را به آنان [از عذاب] وعده داده‌ایم، به تو نشان می‌دهیم، به راستی ما بر آنان توانائیم.

۳۵۹. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِهِ تَعالَى: ﴿ فَإِمّٰا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنّٰا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴾ قالَ: بِعَلِيٍّ عليه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «پس اگر تو را [از میان آنان] ببریم، مسلّماً از آنان انتقام می‌گیریم.» به دست علی عليه السلام.

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۵۷ ـ ۵۹)

﴿ وَ لَمّٰا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذٰا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ * وَ قٰالُوا ءَ آلِهَتُنٰا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مٰا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاّٰ جَدَلاً بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ عَبْدٌ أَنْعَمْنٰا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنٰاهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرٰائِيلَ ﴾

و هنگامی‌که به پسر مریم مَثَل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن [مَثَل به خنده و مسخره] بانگ برآوردند و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او؟» و این

[مَثَل] را جز برای جدل با تو نزدند، بلکه آنان مردمی ستیزه گرند. او (عیسی) نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم.

۳۶۰. عَن رَبیعَةَ بنِ نَاجذٍ قَالَ: سَمِعتُ أَمیرَ المُؤمِنینَ عَلِیَّ بنَ أَبی طالِبٍ علیه السلام یَقُولُ: فِیَّ نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ وَ لَمّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ یَصِدُّونَ ﴾.

ربیعة‌بن ناجذ گفت: از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: این آیه دربارهٔ من نازل شد: «و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن مثل بانگ برآوردند.»

۳۶۱. عَن رَبیعَةَ بنِ نَاجذٍ عَن عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ إِنَّ فِیكَ مَثَلاً مِن عِیسَی بنِ مَریَمَ إِنَّ الیَهُودَ أَبغَضُوهُ حَتَّی بَهَتُوهُ وَ إِنَّ النَّصارَی أَحَبُّوهُ حَتَّی جَعَلُوهُ إِلٰهاً، وَ یُهلَكُ فِیكَ رَجُلَانِ: مُحِبٌّ مُفرِطٌ وَ مُبغِضٌ مُفتِرٌ. قَالَ المُنَافِقُونَ مَا قَالُوا مَا رَفَعَ بِضَبعِ ابنِ عَمِّهِ، جَعَلَهُ مَثَلاً لِعِیسَی بنِ مَریَمَ علیه السلام وَ کَیفَ یَکُونُ هَذَا؟! وَ ضَجُّوا مَا قَالُوا. فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ وَ لَمّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ یَصِدُّونَ ﴾ قَالَ: یَضِجُّونَ. قَالَ: وَ فِی قِرَاءَةِ أُبَی یَضِجُّونَ.

ربیعة بن ناجذ گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! مثل تو همچون عیسی‌بن مریم است که یهودیان با او چنان دشمنی کردند که به او بهتان زدند و نصرانیان او را چنان دوست داشتند که او را خدا قرار دادند. در مورد تو نیز دو گروه به هلاکت می‌رسند: کسی که در دوستی تو افراط می‌ورزد و دشمنی که به تو افترا می‌بندد. پس از آن منافقان گفتند: دست پسرعمویش را بالا برد و او را مثالی برای عیسی‌بن مریم علیه السلام قرار داد؛ چگونه این ممکن است؟! و آن‌چه را گفتند، فریاد برآوردند. آن‌گاه خداوند نازل فرمود: «و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند» فریاد برآوردند. و در قرائت ابن کعب فریاد برآوردند آمده است.

۳۶۲. عَنِ الحارثِ بنِ حُضَيرَةَ عَن أَبى صَادِقٍ عَنِ القَاسِمِ ـ وَ أَحسَبُهُ ابن جُندَبٍ ـ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِيَّ بنَ أَبى طالِبٍ ؏ إِلَى شِعبٍ فَأَعظَمَ فِيهِ النَّبَأَ فَأَتَاهُ جَبرَئِيلُ ؏ فَأَخبَرَهُ عَنهُ فَلَمَّا رَجَعَ قَامَ إِلَيهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَبَّلَهُ وَ جَعَلَ يَمسَحُ عَرَقَ وَجهِ عَلِيٍّ بِوَجهِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: قَد بَلَغَنِى نَبَاؤُكَ وَ الَّذِى صَنَعتَ فَأَنَا عَنكَ رَاضٍ. قَالَ: فَبَكَى عَلِيٌّ ؏ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: مَا يُبكِيكَ يَا عَلِيُّ أَفَرَحٌ أَم حَزَنٌ؟ قَالَ: وَ مَا لِى إِن لَا أَفرَحُ وَ أَنتَ تُخبِرُنِى يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّكَ عَنِّى رَاضٍ. قَالَ النَّبِيُّ: إِنَّ اللهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ جَبرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ عَنكَ رَاضُونَ، أَمَّا وَ اللهِ لَو لَا أَن يَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِن أُمَّتِى مَا قَالَتِ النَّصَارَى فِى عِيسَى بنِ مَريَمَ لَقُلتُ اليَومَ فِيكَ مَقَالًا لَا تَمُرُّ بِمَلَإٍ مِنهُم قَلُّوا أَو كَثُرُوا إِلَّا قَامُوا إِلَيكَ يَأخُذُونَ التُّرَابَ مِن تَحتِ قَدَمَيكَ يَلتَمِسُونَ بِذَلِكَ البَرَكَةَ. قَالَ: فَقَالَ قُرَيشٌ: أَمَا رَضِيَ حَتَّى جَعَلَهُ مَثَلاً لِابنِ مَريَمَ؟! فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ **وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذٰا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ** ﴾ قَالَ: يَضِجُّونَ ﴿ **إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنٰا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنٰاهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرٰائِيلَ** ﴾.

حارث بن حضیره از ابی‌صادق از قول قاسم ـ گویا ابن جندب ـ گفت: رسول خدا ﷺ حضرت علی ؏ را سوی قبیله‌ای بزرگ فرستاد و او در آنجا کاری بزرگ کرد. آن‌گاه جبرئیل نزد رسول خدا ﷺ آمد و ایشان را از آنجا باخبر ساخت. چون حضرت علی ؏ بازگشت، رسول خدا ﷺ سویش برخاست و او را بوسید و عرق چهره‌اش را با چهرهٔ خود پاک کرد و فرمود: خبر تو و کاری که کردی به من رسید، به راستی که من از تو خشنودم. ناگاه حضرت علی ؏ گریست. پیامبر ﷺ به او فرمود: چه چیز تو را گریاند؛ شادی یا اندوه؟ فرمود: چرا شادمان نشوم حال آنکه شما ای رسول خدا مرا خبر دادید که از من خشنود هستید. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند و فرشتگان او و جبرئیل و میکائیل از تو خشنودند، امّا به خدا سوگند اگر نبود که گروهی از امّت من دربارهٔ تو چونان گویند که نصرانیان دربارهٔ عیسی بن مریم گفتند، هر آینه امروز سخنی

دربارهات می‌گفتم که هر گاه بر جمعیّتی از آنان گذر کردی، کم باشند یا زیاد، سوی تو برخیزند و خاک از زیر پایت برگیرند و از آن برکت جویند. آن‌گاه قریشیان گفتند: آیا راضی نشد تا آن‌که او را مثالی برای عیسی‌بن مریم علیه السلام قرار داد؟ در آن دم خداوند متعال نازل فرمود: «و هنگامی‌که به پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند.» فریاد برآوردند، «او نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم».

۳۶۳. الجُعفِیُّ قَالَ: حَدَّثَنِی أَحمَدُبنُ سُلیمانَ الفَرقَسانِی قَالَ لَنا اِبنُ المُبَارَكِ الصُورِیُّ لِمَ قَالَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله لِأَبِیذَرٍ مَا أَقَلَّتِ الغَبراءُ وَ لَا أَظَلَّتِ الخَضرَاءُ عَلی ذِی لَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبِیذَرٍ أَلَم یَکُنِ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله أَصدَقَ؟ قَالَ: بَلَی. قَالَ: فَمَا القِصَّةُ یَا أَبَا عَبدِ اللهِ فِی ذَلِكَ قَالَ علیه السلام: کَانَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله فِی نَفَرٍ مِن قُرَیشٍ إِذ قَالَ: یَطلَعُ عَلَیکُم مِن هَذَا الفَجِّ رَجُلٌ یُشبِهُ عِیسَیبنِ مَریَمَ فَاستَشرَفَت فاستَشرَقَ قُرَیشٌ لِلمَوضِعِ فَلَم یَطَّلِع أَحَدٌ وَ قَامَ النَّبیُّ صلی الله علیه و آله لِبعضِ حَاجَتِهِ إِذ طَلَعَ مِن ذَلِكَ الفَجِّ عَلِیُّبنُ أَبِیطَالِبٍ علیه السلام فَلَمَّا رَأَوهُ قَالُوا: الإِرتِدَادُ وَ عِبَادَةُ الأَوثَانِ أَیسَرُ عَلَینَا مِمَّا یَشبَهُ اِبنَ عَمِّهِ بِنَبِیٍّ. فَقَالَ أَبُوذَرٍ: یَا رَسُولَ اللهِ أَنَّهم قَالُوا کَذَا وَ کَذَا فَقَالُوا بِأَجمَعِهِم کَذِبُ وَ حَلَّفُوا عَلَی ذَلِكَ، فَوَجَدَ رَسُولُ اللهِ عَلَی أَبِیذَرٍ فَما بَرَحَ حَتَّی نَزَلَ عَلَیهِ الوَحیُ: **﴿ وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلاً إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴾** قَالَ: یَضِجُّونَ **﴿ وَ قَالُوا ءَ آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلاَّ جَدَلاً بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ * إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلاً لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴾** فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: مَا أَظَلَّتِ الخَضرَاءُ وَ لَا أَقَلَّتِ الغَبرَاءُ عَلَی ذِی لَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبِیذَرٍ.

جعفی از احمدبن سلیمان فرقسانی از پسر مبارک صوری روایت کرده است که وی از امام جعفر صادق علیه السلام پرسید: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: زمین خاکی و آسمان سبز کسی را که زبانی راستگوتر از ابوذر داشته باشد، به خود ندیده است؛ آیا پیامبر راستگوتر از او نبود؟ فرمود: آری. عرض کرد: پس

قصّه چیست؟ فرمود: پیامبر ﷺ در میان چند تن از قریشیان بود که ناگاه فرمود: از این گذرگاه مردی سوی شما سر می‌رسد که به عیسی‌بن مریم ﷺ می‌ماند. قریشیان سوی آن جایگاه به دوردست نگریستند، امّا هیچ کس سر نرسید. سپس پیامبر ﷺ برخاست و در پی کاری رفت. ناگاه از آن گذرگاه علی بن ابی‌طالب ﷺ سر رسید. چون قریشیان او را دیدند، گفتند: بیرون شدن از دین و پرستش بت‌ها بر ما آسان‌تر است از این‌که او پسرعموی خود را به پیامبری تشبیه کرد. پس از آن ابوذر عرض کرد: ای رسول خدا! آنان چنین و چنان گفتند و گفتند که این دروغ است و بر این سخن سوگند خوردند. در آن دم رسول خدا از ابوذر دلگیر شد، امّا دیری نپایید که وحی بر ایشان نازل شد: «و هنگامی که بر پسر مریم مثل زده شد، آن‌گاه قوم تو از آن بانگ برآوردند.» فریاد برآوردند «و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او؟ و این [مَثَل] را جز برای جدل با تو نزدند، بلکه آنان مردمی ستیزه گرند. او نیست مگر بنده‌ای که به او نعمت دادیم و او را برای بنی‌اسرائیل نمونه و مَثَلی قرار دادیم.» در آن هنگام رسول خدا ﷺ فرمود: زمین خاکی و آسمان سبز کسی را که زبانی راستگوتر از ابوذر داشته باشد، به خود ندیده است.

(سورهٔ زخرف، آیهٔ ۶۸ ـ ۷۰)

﴿ يٰا عِبٰادِ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ * الَّذينَ آمَنُوا بِآيٰاتِنٰا وَ كٰانُوا مُسْلِمينَ * ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوٰاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴾

ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید. کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و [در برابر فرمان حق] تسلیم بودند، [به آنان گفته می‌شود:] شما و همسرانتان در حالی‌که مسرورید [یا گرامی داشته شده‌اید] به بهشت درآیید.

۳۶۴. حَدَّثَنَا عَبدُ اللهِ بنِ الفَضلِ الثَّورِيّ عَن جَعفَرٍ عَن أَبيهِ ﷺ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ يَومَ القِيَامَةِ:

أَینَ الْمُحِبُّونَ لِعَلِیٍّ؟ فَیَقُومُونَ مِن کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ فَیُقَالُ لَهُم: مَن أَنتُم؟ قَالُوا: نَحنُ الْمُحِبُّونَ لِعَلِیٍّ الخَالِصُونَ لَهُ حُبًّا. قَالَ: فَتُشرِکُونَ فِی حُبِّهِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ؟ فَیَقُولُونَ: لَا. فَیُقالُ لَهُم: ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْواجُکُمْ تُحْبَرُونَ** ﴾.

عبد اللهبن فضل ثوری گفت: امام جعفر صادق علیه السلام از قول پدرش علیه السلام فرمود: در روز قیامت ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد: کجایند دوستداران علی علیه السلام؟ دز آن دم آنان از گذرگاه‌هایی ژرف به پا می‌خیزند. به آنان گفته شود: شما کیستید؟ گویند: ما دوستداران علی علیه السلام هستیم که در دوست داشتن او بی ریا بوده‌ایم. به آنان گفته شود: آیا هیچ کس از مردم را در دوست داشتن او شریک قرار دادید؟ گویند: خیر. به آنان گفته شود: «شما و همسرانتان در حالی که مسرورید [یا گرامی داشته شده‌اید] به بهشت درآیید.»

۳۶۵. حَدَّثَنَا أَحمَدُبنُ السَّعِیدِ الأَنمَاطِیِّ عَن عَبدِ اللهِبنِ الحُسَینِ عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّبنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ کَذَبَ مَن زَعِمَ أَنَّهُ یُحِبُّنِی وَ یُبغِضُكَ، یا عَلِیُّ أَنَّهُ إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: أَینَ مُحِبُّو عَلِیٍّ وَ مَن یُحِبُّهُ؟ أَینَ المُتَحَابُّونَ فِی اللهِ؟ أَینَ المُتَبَاذِلُونَ فِی اللهِ؟ أَینَ المُؤثِرُونَ عَلَی أَنفُسِهِم؟ أَینَ الَّذِینَ جَفَّت أَلسِنَتُهُم مِنَ العَطَشِ؟ أَینَ الَّذِینَ یُصَلُّونَ فِی اللَّیلِ وَالنَّاسُ نِیَامٌ؟ أَینَ الَّذِینَ یَبکُونَ مِن خَشیَةِ اللهِ ﴿ **لا خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾ أَینَ رُفَقَاءُ النَّبِیِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله آمِنُوا وَقَرُّوا عَینًا ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْواجُکُمْ تُحْبَرُونَ** ﴾.

احمدبن سعید انماطی از عبد اللهبن حسین از پدرش از جدّش از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! دروغ گفت آن کس که پنداشت مرا دوست می‌دارد و حال آنکه با تو دشمن است. ای علی! چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: کجایند دوستداران علی علیه السلام و چه کسی او را دوست

می‌دارد؟ کجایند عشق‌ورزان با خدا؟ کجایند پاک‌بازان برای خدا؟ کجایند از خودگذشتگان؟ کجایند آنان که لب‌هاشان از تشنگی خشکید؟ کجایند نمازگزاران در شب به آن‌گاه که مردمان در خواب‌اند؟ کجایند آنان که از ترس خدا گریان‌اند؟ «امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.» کجایند دوستان محمّد پیامبر ﷺ؟ در امان باشید و چشمتان روشن باد! «شما و همسرانتان در حالی‌که مسرورید به بهشت درآیید.»

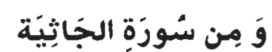
۳۶۶. عَن عَمروبنِ جابِرٍ عَن أَبی جَعفَرٍ علیه السلام قالَ: إذاکانَ یومُ القِیامَةِ نادَی مُنادٍ مِنَ السَّماءِ: أَینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ؟ قالَ: فَأَقومُ، فَیقالُ لی: أَنتَ عَلِیٌّ؟ فَأَقولُ: أَنا ابنُ عَمِّ النَّبیِّ ﷺ وَ وَصِیُّهُ وَ وارِثُهُ، فَیقالُ لی: صَدَقتَ أُدخُلِ الجَنَّةَ فَقَد غَفَرَ اللهُ لَكَ وَ لِشیعَتِكَ وَ قَد آمَنَكَ اللهُ وَ آمَنَهُم مَعَكَ مِنَ الفَزَعِ الأَکبَرِ ﴿ **ادْخُلُوا الْجَنَّةَ** ﴾ آمِنینَ ﴿ **لاٰ خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾.

عمروبن جابر گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از آسمان ندا سر می‌دهد: علی بن ابی‌طالب علیه السلام کجاست؟! او برمی‌خیزد. به او گویند: تو علی هستی؟ می‌فرماید: من پسرعموی پیامبر ﷺ و وصیّ و وارث اویم. به او گویند: راست گفتی، به بهشت درآ که خداوند تو و شیعیانت را آمرزید و خداوند تو را و تو آنان را از هراس بزرگ ایمن داشت «به بهشت درآیید» در حالی‌که ایمن هستید «امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید».

۳۶۷. عَن أَبی حَمزَةَ عَن عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ: إذاکانَ یومُ القِیامَةِ نادَی مُنادٍ: ﴿ **يٰا عِبٰادِ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَ لاٰ أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ** ﴾ قالَ: إذا قالَها لَم یبقَ أَحَدٌ إلّا رَفَعَ رَأسَهُ فَإذا قالَ: ﴿ **الَّذینَ آمَنُوا بِآیاتِنا وَ کانُوا مُسْلِمینَ** ﴾ المُحِبّینَ، قالَ: ثُمَّ یُنادی مُنادٍ: هَذِهِ فاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ تَمُرُّ بِکُم هِیَ وَ مَن مَعَها إلَی الجَنَّةِ ثُمَّ یُرسَلُ فَطَأطَؤا رُؤوسَکُم فَلا یَبقی أَحَدٌ إلّا طَأطَأَ رَأسَهُ حَتّی تَمُرَّ فاطِمَةُ وَ مَن مَعَها إلَی الجَنَّةِ. ثُمَّ یُرسِلُ اللهُ إلَیها مَلَکًا فَیقولُ: یا

فَاطِمَةُ سَلِينِى حَاجَتَكِ. فَتَقُولُ: يَا رَبِّ حَاجَتِى أَن تَغفِرَ لِى لِمَن نَصَرَ وَلَدِى.

از ابی‌حمزه از امام سجاد ؑ روایت شده است که ایشان فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای ندا سر دهد: «ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.» چون این سخن گوید، هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز آن‌که سر بر می‌آورد، در آن هنگام او می‌گوید: «کسانی‌که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند» یعنی دوستدار ما بودند، سپس منادی ندا سر می‌دهد: این فاطمه ؑ دختر محمّد ﷺ است که با همراهانش به سوی بهشت بر شما گذر می‌کند، پس سر فرود آورید! در آن دم هیچ کس بر جا نمی‌ماند جز آن‌که سر فرود می‌آورد تا آن‌که فاطمه ؑ با همراهانش سوی بهشت گذر می‌کنند. سپس خداوند فرشته‌ای را نزد ایشان می‌فرستد و او عرض می‌کند: ای فاطمه! درخواستت را از من بخواه. می‌فرماید: پروردگارا! درخواستم این است که برای من کسانی راکه فرزندم را یاری کردند، بیامرزی.

وَ مِن سُورَةِ الجَاثِيَة

(سورهٔ جاثیة، آیهٔ ۱۴)

﴿ قُلْ لِلَّذينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذينَ لاٰ يَرْجُونَ أَيّٰامَ اللهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمٰا كٰانُوا يَكْسِبُونَ ﴾

به کسانی‌که ایمان آورده‌اند بگو: از کسانی‌که امید به روزهای خدا ندارند درگذرند، تا [خداوند هر] گروهی را به سزای آن‌چه به دست می‌آورند، جزا دهد.

۳۶۸. حَدَّثَنا سُلَيمانُ الدَّيلَمِيُّ قالَ: كُنتُ عِندَ أَبي عَبدِ اللهِ عليه السلام فَلَم نَلبَث أَن سَمِعنا تَلبِيَةً فَإِذا عَلِيٌّ قَد طَلَعَ عَلى عُنُقِهِ حَطَبٌ فَقامَ إِلَيهِ رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله فَعانَقَهُ حَتّى رُئِيَ بَياضٌ مِن تَحتِ أَيدِيهِما ثُمَّ قالَ: يا عَلِيُّ إِنّي سَأَلتُ اللهَ أَن يَجعَلَكَ مَعي فِي الجَنَّةِ فَفَعَلَ، وَ سَأَلتُهُ أَن يَزيدَني فَزادَني زَوجَتَكَ، وَ سَأَلتُهُ أَن يَزيدَني فَزادَني مُحِبّيكَ، ثُمَّ زادَني مِن غَيرِ أَن اَستَزيدَهُ مُحِبّي مُحِبّيكَ. فَفَرِحَ بِذلِكَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام ثُمَّ قالَ: بِأَبي أَنتَ وَ أُمّي مُحِبُّ مُحِبّي؟ قالَ: نَعَم.

يا عَلِيُّ إِذا كانَ يَومُ القِيامَةِ وُضِعَ لي مِنبَرٌ مِن ياقوتَةٍ حَمراءَ مُكَلَّلٌ بِزَبَرجَدَةٍ خَضراءَ لَهُ سَبعونَ أَلفَ مِرقاةٍ بَينَ المِرقاةِ إِلَى المِرقاةِ حَضَرَ الفَرَسُ القارِحُ ثَلاثَةَ أَيّامٍ فَأَصعَدُ

عَلَيهِ، ثُمَّ يُدعَى بِكَ فَيَتطَاوَلُ اِلَيكَ الخَلائِقُ فَيَقُولُونَ مَا يُعرَفُ فِي النَّبِيِّينَ فَيُنَادِي مُنادٍ: هَذَا سَيِّدِ الوَصِيِّينَ، ثُمَّ تَصعَدُ فَتُعَانِقَنِي عَلَيهِ ثُمَّ تَأخُذُ بِحُجزَتِي وَ آخُذُ بِحُجزَةِ اللهِ هِيَ الحَقُّ، وَ تَأخُذُ ذُرِّيَّتُكَ بِحُجزَتِكَ وَ تَأخُذُ شِيعَتُكَ بِحُجزَةِ ذُرِّيَّتِكَ، فَأَينَ يَذهَبُ بِالحَقِّ إِلَى الجَنَّةِ، فَإِذَا دَخَلتُم الجَنَّةَ فَتَبَوَّأتُم مَعَ أَزوَاجِكُم وَ نَزَلتُم مَنَازِلَكُم أَوحَى اللهُ إِلَى مَالِكَ أَنِ افتَح بَابَ جَهَنَّمَ لِيَنظُرَ أَولِيَائِي إِلَى مَا فَضَّلتُم عَلَى عَدُوِّهِم، فَيُفتَحُ أَبوَابَ جَهَنَّمَ وَ يَطَّلِعُونَ عَلَيهِم فَإِذَا وَجَدُوا رُوحَ رَائِحَةِ الجَنَّةِ قَالُوا: يَا مَالِكُ أَتَطمَعُ اللهَ لَنَا فِي تَخفِيفِ العَذَابِ عَنَّا؟ إِنَّا لَنَجِدُ رُوحًا. فَيَقُولُ لَهُم مَالِكُ: إِنَّ اللهَ أَوحَى إِلَى أَن أَفتَحَ أَبوَابَ جَهَنَّمَ لِيَنظُرَ أَولِيَاءُهُ إِلَيكُم، فَيَرفَعُونَ رُؤُوسَهُم فَيَقُولُ هَذَا: يَا فُلانُ أَلَم تَكُ تَجُوعُ فَأُشبِعُكَ؟ وَ يَقُولُ هَذَا: يَا فُلانُ أَلَم تَكُ تَعرِي فَأَكسُوكَ؟ وَ يَقُولُ هَذَا: يَا فُلانُ أَلَم تَكُ تَخَافُ فَآوِيكَ؟ وَ يَقُولُ هَذَا: يَا فُلانُ أَلَم تَكُ تُحَدِّثُ فَأَكتَمُ عَلَيكَ؟ فَتَقُولُونَ: بَلَى. فَيَقُولُونَ: إِستَوهَبُونَا مِن رَبِّكُم فَيَدعُونَ لَهُم فَيَخرجُونَ مِنَ النَّارِ إِلَى الجَنَّةِ فَيَكُونُونَ فِيهَا بِلا مَأوَى مَلومِينَ و يَسمُونَ الجَهَنَّمِيِّينَ فَيَقُولُونَ: سَأَلتُم رَبَّكُم فَأَنقَذَنَا مِن عَذَابِهِ فَادعُوهُ يَذهَب عَنَّا بِهَذَا الإِسمِ وَ يَجعَل لَنَا فِي الجَنَّةِ فَيَدعُونَ فَيُوحَى اللهُ إِلَى رِيحٍ فَتَهَبُ عَلَى أَفوَاهِ أَهلِ الجَنَّةِ فَيُنسِيهِم ذَلِكَ الإِسمِ وَ يَجعَلُ لَهُم فِي الجَنَّةِ مَأوَى. وَ نَزَلَت هَذِهِ الآيَاتُ: ﴿ **قُل لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرجُونَ أَيَّامَ اللهِ لِيَجزِيَ قَومًا بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ** ﴾ إِلَى قَولِهِ ﴿ **سَاءَ مَا يَحكُمُونَ**[1] ﴾.

سلیمان دیلمی چنین روایت کرد: نزد امام حسین ﷺ بودم. طولی نکشید که تلبیه‌ای شنیدم. پس هنگامی که علی ﷺ وارد شد رسول خدا ﷺ سویش برخاست و او را در آغوش کشید چنان‌که سپیدی زیر کتف‌هایشان دیده می‌شد، سپس فرمود: ای علی! من از خداوند خواستم تا تو را در بهشت همراه من قرار دهد و او چنین کرد، از او خواستم تا بر من بیفزاید، او همسر تو را نیز بر من افزود، از او خواستم تا بر من بیفزاید، او دوستداران تو را نیز بر من

۱. جاثیه، ۲۱

افزود، سپس بدون آن‌که بخواهم بر من بیفزاید، دوستدارانِ دوستداران تو را نیز بر من افزود. در آن دم امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ شاد شد و فرمود: پدر و مادرم به فدایت! دوستداران دوستدارانم را؟ فرمود: بله، ای علی! چون روز قیامت فرا رسد، منبری از یاقوت سرخ آراسته به تاجی از زبرجد سبز برای من می‌گذارند که هفتاد هزار پلّه دارد و میان هر پلّه از آن را اسبی پنج ساله سه روز بایست بتازد. آن‌گاه من از آن بالا می‌روم و سپس تو فراخوانده می‌شوی و آفریدگان سوی تو سر می‌کشند و می‌گویند: او در شمار پیامبران نیست. در آن دم ندادهنده‌ای ندا سر می‌دهد: این سیّد اوصیاست. سپس تو بالا می‌آیی و مرا در آغوش می‌کشی و بعد به عنایت من توسّل جسته و من نیز به خداوند که حق است توسّل می‌جویم و فرزندانت به لطف و عنایت تو و شیعیان تو به فرزندانت توسّل می‌جویند و به حق سوی بهشت روانه می‌شوند. چون به بهشت درآمدید و با همسرانتان جای گرفتید و در منازلتان فرود آمدید، خداوند به نگهبان دوزخ وحی می‌کند که درِ دوزخ را بگشا تا دوستان من بنگرند چگونه آنان را بر دشمنانشان برتری بخشیدند. آن‌گاه او درهای دوزخ را می‌گشاید و ایشان به آنان می‌نگرند. چون دوزخیان از شمیم بهشت جان می‌گیرند، گویند: ای دوزخبان! آیا امید داشته باشیم که خداوند در عذاب به ما تخفیف دهد؟ ما جانی یافتیم. دوزخبان گوید: خداوند به من وحی کرد که درهای دوزخ را بگشایم تا دوستانش به شما بنگرند. در آن دم آنان سر بر آورند و یکی می‌گوید: ای فلانی! آیا تو گرسنه نبودی و من سیرت کردم؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو عریان نبودی و من پوشاندمت؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو در هراس نبودی و من پناهت دادم؟ دیگری می‌گوید: ای فلانی! آیا تو سخن نگفتی و من رازدارت شدم؟ شما می‌گویید: آری. آنان می‌گویند: از پروردگارتان برای ما بخشش بخواهید. بهشتیان برای آنان دعا می‌کنند و آنان از آتش به سوی بهشت بیرون می‌آیند اما در آنجا بدون هیچ

پناهگاهی بر جا می‌مانند و سرزنش می‌شوند و دوزخی نام مـی‌گیرند. آن‌گـاه می‌گویند: شما از پروردگارتان خواستید و او ما را از عذابش رهایی بخشید، پس از او بخواهید تا این نام را از ما برگیرد و برای ما در بهشت جایی قرار دهد. بهشتیان دعا می‌کنند و ناگاه خداوند به بادی وحی می‌کند و آن باد بر دهان‌های بهشتیان وزیدن می‌گیرد و آن نام را از یاد ایشان می‌برد و برای آنان در بهشت پناهگاهی قرار می‌دهد. آن‌گاه این آیات نازل شد: «به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو: از کسانی که امید به روزهای خدا ندارند درگذرند، تـا [خـداونـد هـر] گروهی را به سزای آن‌چه به دست می‌آورند جزا دهد.» تا آنجا که فرمود: «بد است آن‌چه حکم می‌کنند.»




وَ مِن سُورَةِ الاَحقَافِ

(سورهٔ احقاف، آیهٔ ۱۳)

﴿ إِنَّ الَّذينَ قٰالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقٰامُوا فَلَا خَوفٌ عَلَيهِم وَ لَا يَحزَنُونَ ﴾

بی تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت کردند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

(سورهٔ احقاف، آیهٔ ۱۵)

﴿ رَبِّ أَوْزِعْني أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلىٰ وٰالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صٰالِحًا تَرْضٰاهُ وَ أَصْلِحْ لي في ذُرِّيَّتي ﴾

پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت تو را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای شکر بگزارم و کار نیکی انجام دهم که تو آن را می‌پسندی، و برایم در فرزندانم شایستگی ایجاد کن.

۳۶۹. حَدَّثَنا أَحمَدُبنُ عَبدِ اللهِ أَبوعَلِيِّ الهِرَوِيّ الشَّيبانِيُّ قالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَن أَبيهِ عَن آبائِهِ عَن عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام قالَ: لَقَد هَمَمتُ بِتَزوِيجِ فاطِمَةَ الزَّهراءِ عليها السلام بِنتَ رَسُولِ اللهِ حِينًا وَ إِنَّ ذٰلِكَ مُتَخَلخِلُ فِي قَلبِي لَيلِي

وَ نَهَارِی وَ لَم أجتَرِء أن أذكُرَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ حَتَّی دَخَلتُ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ ذَاتَ یَومٍ فَقَالَ لِی: یَا عَلِیُّ قُلتُ: لَبَّیكَ یَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: هَل لَكَ فِی التَّزوِیجِ؟ فَقُلتُ: رَسُولُ اللهِ أَعلَمُ إِذَا هُوَ یُرِیدُ أن یُزَوِّجَنِی بَعضَ نِسَاءِ قُرَیشٍ. وَ إِنِّی لَخَائِفٌ عَلَی فَوتِ فَاطِمَةَ فَمَا شَعَرتُ بِشَیءٍ یَومًا إِذَا أَتَانِی رَسُولُ اللهِ فَقَالَ: یَا عَلِیُّ أَجِب رَسُولَ اللهِ وَ اسرِع فَمَا رَأَینَا رَسُولَ اللهِ ﷺ بِأَشَدَّ فَرَحًا مِنهُ الیَومَ.

احمدبن عبدالله ابوعلی هروی شیبانی گفت: امام موسی کاظم ؑ از پدر بزرگوارش ؑ از پدران بزرگوار ایشان ؑ از حضرت علی ؑ نقل کرد که ایشان فرمود: زمانی قصد آن داشتم که با حضرت فاطمه ؑ دختر رسول خدا ﷺ ازدواج کنم و این امر شب و روز دلم را بی‌قرار کرده بود امّا جرأت نمی‌کردم آن را با رسول خدا ﷺ در میان بگذارم؛ تا این‌که روزی خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم و ایشان به من فرمود: ای علی! عرض کردم: گوش به فرمانم ای رسول خدا! فرمود: آیا تصمیم به ازدواج داری؟ عرض کردم: رسول خدا بهتر می‌داند تا یکی از زنان قریش را به همسری من درآورد؛ حال آن‌که می‌ترسیدم فاطمه ؑ را از دست دهم. تا این‌که یک روز هیچ در جریان نبودم که رسول خدا ﷺ کسی را نزد من فرستاد و او به من گفت: ای علی! رسول خدا ﷺ را اجابت کن و بشتاب که هیچ‌گاه ایشان را شادمان‌تر از امروز ندیده بوده‌ام.

قَالَ: فَأَتَیتُهُ مُسرِعًا فَإِذَا هُوَ فِی حُجرَةِ أُمِّ سَلَمَةَ فَلَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ تَهَلَّلَ وَجهُهُ وَ تَبَسَّمَ حَتَّی نَظَرتُ إِلَی أَسنَانِهِ تَبرُقُ فَقَالَ: أَبشِر یَا عَلِیُّ فَإِنَّ اللهَ قَد كَفَانِی مَا كَانَ قَد أَهَمَّنِی مِن أَمرِ تَزوِیجِكَ. قُلتُ: وَ كَیفَ ذَلِكَ یَا رَسُولَ اللهِ؟ فَقَالَ: أَتَانِی جَبرَئِیلُ وَ مَعَهُ مِن سُنبُلِ الجَنَّةِ وَ قَرَنفُلِهَا وَ طِیبِهَا فَأَخَذتُها وَ شَمِمتُهَا فَقُلتُ لَهُ: یَا جَبرَئِیلُ مَا سَبَبُ هَذَا السُّنبُلِ وَ القَرَنفُلِ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی أَمَرَ سُكَّانَ الجَنَّةِ مِنَ المَلَائِكَةِ وَ مَن فِیهَا أَن یُزَیِّنُوا الجَنَّةَ كُلَّهَا بِمَغَارِسِهَا وَ أَشجَارِهَا وَ أَثمَارِهَا وَ قُصُورِهَا، وَ أَمَرَ رِیحًا

فَهَبَّت بِأَنوَاعِ الطِّيبِ وَ العِطرِ، فَأَمَرَ حُورَ عِينِهَا بِالغِنَاءِ فِيهَا بِسُورَةِ طَه وَ يَس وَ طَوَاسِينَ وَ حَمَ عَسق ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ مِن تَحتِ العَرشِ: أَلا أَنَّ اليَومَ يَومُ وَلِيمَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ أَلا أَنِّي أُشهِدُكُم أَنِّي قَد زَوَّجتُ فَاطِمَةَ بِنتَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللهِ مِن عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ رِضًى مِنِّي بَعضُهُم لِبَعضٍ، ثُمَّ بَعَثَ اللهُ سَحَابًا بَيضَاءَ فَقَطَرَت عَلَيهِم مِن لُؤلُؤِهَا وَ يَوَاقِيتِهَا وَ زَبَرجَدِهَا، وَ قَامَتِ المَلائِكَةُ فَتَنَاثَرَت مِن سُنبُلِ الجَنَّةِ وَ قَرَنفُلِهَا، وَ هَذَا مِمَّا نَثَرَتِ المَلائِكَةُ، ثُمَّ أَمَرَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكًا مِنَ المَلائِكَةِ يُقَالُ لَه: رَاحِيلُ ـ وَ لَيسَ فِي المَلائِكَةِ أَبلَغُ مِنهُ ـ فَقَالَ لَهُ: أُخطُب يَا رَاحِيلُ، فَخَطَبَ بِخُطبَةٍ لَم يَسمَع بِمِثلِهَا أَهلُ السَّمَاءِ وَ لَا أَهلُ الأَرضِ، ثُمَّ نَادَى مُنَادٍ: يَا مَلائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ جَنَّتِي بَارِكُوا عَلَى تَزوِيجِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ ﷺ فَقَد بَارَكتُ أَنَا عَلَيهِمَا أَلا أَنِّي زَوَّجتُ أَحَبَّ النِّسَاءِ إِلَيَّ مِن أَحَبِّ الرِّجَالِ إِلَيَّ بَعدَ النَّبِيِّينَ وَ المُرسَلِينَ فَقَالَ رَاحِيلُ المَلَكُ: يَا رَبِّ وَ مَا بَرَكَتُكَ لَهُمَا بِأَكثَرَ مِمَّا رَأَينَا مِن إِكرَامِكَ لَهُمَا فِي جِنَانِكَ وَ دُورِكَ وَ هُمَا بَعدُ فِي الدُّنيَا؟ فَقَالَ: مِن بَرَكَتِي فِيهِمَا ـ أَو قَالَ عَلَيهِمَا ـ أَنِّي أَجمَعُهُمَا عَلَى مَحَبَّتِي وَ أَجعَلُهُمَا مَعدَنَينِ لِحُجَّتِي إِلَى يَومِ القِيَامَةِ، وَ عِزَّتِي وَ جَلالِي لَأَخلُقَنَّ مِنهُمَا خَلقًا وَ لَأُنشِئَنَّ مِنهُمَا ذُرِّيَّةً فَاجعَلُهُم خُزَّانًا فِي أَرضِي وَ مَعَادِنَ لِعِلمِي وَ دَعَائِمَ لِكِتَابِي ثُمَّ احتَجُّ عَلَى خَلقِي بَعدَ النَّبِيِّينَ وَ المُرسَلِينَ.

من شتابان سوی ایشان رفتم و حال آن‌که حضرت ﷺ در اتاق ام سلمه بود. چون ایشان مرا دید، چنان چهره‌اش شکفت و لبخند زد که من دندان‌های تابناکش را دیدم. آن‌گاه فرمود: ای علی! مژده باد تو را که خداوند آن‌چه را که برایم دربارهٔ ازدواج تو مهم بود، برآورده ساخت. عرض کردم: چطور ای رسول خدا!؟ فرمود: جبرئیل نزد من آمد حال آن‌که از بهشت شاخه‌ای سنبل و شاخه‌ای میخک و عطر آورده بود. من آن‌ها را از او گرفتم و بوییدم و گفتم: ای جبرئیل! سبب آوردن این سنبل و میخک چیست؟ گفت: خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان و ساکنان بهشت فرمود تا آنجا را با نهال‌ها و درخت‌ها و

میوه‌ها و قصرهایش بیارایند و به بادی فرمود تا با گونه‌های عطر و مشک وزیدن گیرد و به پریان سیاه‌چشم فرمود تا با سوره‌های طه و یاسین و طواسین و حم عسق [illegible] سر دهند و سپس ندا دهنده‌ای از زیر عرش ندا سر داد: بدانید که امروز روز ولیمه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و بدانید که کنون شما را گواه می‌گیرم تا فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر محمّد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله را به ازدواج علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام درآورم تا به یکدیگر از من خشنود باشند. سپس خداوند متعال ابری سفید فرستاد و آن ابر با مروارید و زبرجد و یاقوت‌هایش بر فرشتگان بارید و در آن دم فرشتگان برخاستند و با سنبل و میخک‌های بهشتی گلباران کردند و این گل‌ها از گلباران فرشتگان است. آن‌گاه خداوند به فرشته‌ای از فرشتگان به نام راحیل که شیواترین ایشان است، فرمود: خطبه بخوان ای راحیل! و او چنان خطبه‌ای خواند که هیچ کس از آسمانیان و زمینیان همچون آن را نشنیده است؛ سپس نداده‌هنده ندا سر داد: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌ها و بهشت من! ازدواج علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام را تبریک گویید که من خود این را برایشان مبارک گردانده‌ام و بدانید که من دوست داشتنی‌ترین زن نزد خودم را به همسری دوست‌داشتنی‌ترین مرد نزد خودم پس از پیامبران و رسولان درآورده‌ام. آن‌گاه راحیل فرشته عرض کرد: پروردگارا! این برکت تو چیست که بیش از این ارج نهادن تو برای آن‌دو در بهشت و سراهایت است و حال آن‌که آن‌دو هنوز در دنیا به سر می‌برند؟ فرمود: از برکت من برای آن‌دو ـ و یا فرمود بر آن دو ـ این است که من آن دو را بر محبت خود جمع می‌آورم و آن‌دو را معدن‌های حجّتم تا به روز قیامت قرار می‌دهم و به عزت و جلالم سوگند که از آن‌دو خلقی می‌آفرینم و خاندانی می‌سازم و آنان را خزانه‌داران و معدن‌های علم و پایه‌های کتاب خود در زمینم قرار می‌دهم و آن‌گاه پس از پیامبران و رسولانم این‌چنین بر آفریدگانم حجّت می‌آورم.

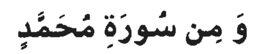
فَأَبشِر یَا عَلِیُّ فَإِنَّ اللهَ تَبارَکَ وَ تَعالَی قَد أَکرَمَکَ بِکَرامَةٍ لَم یُکرِم بِمِثلِها أَحَدًا، قَد

زَوَّجتُكَ فَاطِمَةَ ابنَتِی عَلَی مَا زَوَّجَكَ الرَّحمَانُ فَوقَ عَرشِهِ وَ قَد رَضِیتُ لَهَا مَا رَضِیَ اللهُ لَهَا فَدُونَكَ أَهلَكَ فَإِنَّكَ أَحَقُّ بِهَا مِنِّی وَ لَقَد أَخبَرَنِی جَبرَئِیلُ أَنَّ الجَنَّةَ وَ أَهلَهَا لَمُشتَاقَةٌ إِلَیكُمَا، وَ لَو لَا أَنَّ اللهَ قَدَّرَ أَن یُخرِجَ مِنكُمَا مَا یَتَّخِذ بِهِ عَلَی الخَلقِ حُجَّةً لَأَجَابَ فِیكُمَا الجَنَّةَ وَ أَهلَهَا، فَنِعمَ الأَخُ أَنتَ وَ نِعمَ الخَتَنُ أَنتَ وَ نِعمَ الصَّاحِبُ أَنتَ، وَ كَفَاكَ بِرِضَاكَ اللهُ رِضًیً.

فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؑ: یَا رَسُولَ اللهِ بَلَغَ مِن قَدرِی حَتَّی إِنِّی ذُكِرتُ فِی الجَنَّةِ فَزَوَّجَنِی اللهُ فِی مَلَائِكَتِهِ؟ فَقَالَ: یَا عَلِیُّ إِنَّ اللهَ تَعَالَی إِذَا أَكرَم وَلِیَّهُ أَكرَمَهُ بِمَا لَا عَینٌ رَأَت وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَت وَ إِنَّمَا حَبَاكَ اللهُ فِی الجَنَّةِ بِمَا لَا عَینٌ رَأَت وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَت فَقَالَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؑ یَا ﴿ **رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي** ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: آمِینَ آمِینَ یَا رَبَّ العَالَمِینَ وَ یَا خَیرَ النَّاصِرِینَ.

پس ای علی! مژده باد تو را که خداوند تبارک و تعالی تو را چنان ارج نهاده که هیچ کس را این‌چنین گرامی نداشته و من دخترم فاطمه ؑ را به همسری تو درآورده‌ام که خداوند رحمان بر فراز عرش خود او را به همسری‌ات درآورده است و از آن‌چه که خداوند برای فاطمه ؑ راضی است، من نیز راضی‌ام. پس همسرت را با خود ببر که تو به او سزاوارتر از من هستی و جبرئیل به من خبر داده که بهشت و بهشتیان بسیار مشتاق شمایند و اگر نبود که خداوند متعال مقدّر فرموده تا از شما دو تن فرزندانی بیرون آید که حجتی بر آفریدگان او باشند، هر آینه بهشت و بهشتیان شما دو تن را در می‌یافتند. تو چه خوب برادری هستی و چه خوب دامادی هستی و خداوند خشنودی‌ات را به تمام برایت برآورده ساخته است! حضرت علی ؑ عرض کرد: ای رسول خدا! آیا مقام من به جایی رسیده که در بهشت از من یاد می‌کنند و خداوند در میان فرشتگانش فاطمه ؑ را به ازدواج من درآورده است؟ حضرت فرمود: خداوند

متعال چون ولی خود را گرامی دارد، او را چنان ارج می‌نهد که نه هیچ چشمی دیده و نه هیچ گوشی شنیده و خداوند به تو در بهشت این‌چنین عطا کرده است.
آن‌گاه حضرت علی ؈ فرمود: «پروردگارا! به من الهام کن تا نعمت تو را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای شکر بگزارم و کار نیکی انجام دهم که تو آن را می‌پسندی و برایم در فرزندانم شایستگی ایجاد کن.» و رسول خدا ﷺ فرمود: آمین، آمین ای پروردگار جهانیان و ای بهترین یاوران.

وَ مِن سُورَةِ مُحَمَّدٍ

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۱۵)

﴿ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ﴾

مَثَل بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده.

۳۷۰. عَنِ المُفَضَّلِ‌بنِ عُمَرَ قَالَ: سُئِلَ سَيِّدِی جعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ ﴿ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ﴾ قَالَ: هِیَ فِی عَلِیٍّ وَ أَولَادِهِ وَ شِيعَتِهم هُمُ المُتَّقُونَ وَ هُم أَهلُ الجَنَّةِ وَالمَغفِرَةِ.

مفضّل‌بن عمر گفت: دربارهٔ این آیه از سرورم امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند. ایشان فرمود: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه السلام و فرزندانش و شیعیانش که همان پرهیزکاران‌اند، می‌باشد؛ و هم ایشان اهل بهشت و آمرزش هستند.

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۱۷)

﴿ وَ الَّذینَ اهْتَدَوْا زادَهُمْ هُدًی وَ آتاهُمْ تَقْواهُمْ ﴾

و کسانی که هدایت شدند، بر هدایتشان افزود و [ثواب] تقوایشان را به آنان ارزانی داشت.

۳۷۱ . عَن خَيثَمَةَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام فَقَالَ لِي: يَا خَيثَمَةُ إِنَّ شِيعَتَنَا أَهلَ البَيتِ يُقذَفُ فِي قُلُوبِهِمُ الحُبُّ لَنَا أَهلَ البَيتِ وَ يُلهَمُونَ حُبَّنَا أَهلَ البَيتِ ، أَلَا أَنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَ يَحتَمِلُ مَا يَأتِيهِ مِن فَضلِنَا وَ لَم يَرَنَا وَ لَم يَسمَع كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللهُ بِهِ مِنَ الخَيرِ وَ هُوَ قَولُ اللهِ: ﴿ وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴾ يَعنِي مَن لَقِينَا وَ سَمِعَ كَلَامَنَا زَادَهُ اللهُ هُدًى عَلَى هُدَاهُ.

خیثمه جعفی گفت: خدمت امام محمّد باقر عليه السلام رسیدم. ایشان فرمود: ای خیثمه! همانا در دل‌های شیعیان ما اهل بیت، دوستی ما اهل بیت افکنده می‌شود و دوستی ما اهل بیت به ایشان الهام می‌گردد. بدانید کسانی ما را دوست می‌دارند و آن‌چه را که از برتری ما به ایشان می‌رسد، درمی‌یابند حال آن‌که ما را ندیده‌اند و سخن ما را نشنیده‌اند و این به سبب خیری است که خداوند برایشان خواسته است و این کلام خداوند متعال است: «و کسانی که هدایت شدند، بر هدایتشان افزود و [ثواب] تقوایشان را به آنان ارزانی داشت.» یعنی هر که با ما دیدار کند و سخن ما را بشنود، خداوند هدایتی بر هدایتش می‌افزاید.

(سورهٔ محمّد، آیهٔ ۳۳)

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و از پیامبر اطاعت کنید و اعمالتان را باطل نکنید.

۳۷۲ . يَزِيدُبنُ فَرقَدٍ النَّهدِيِّ إِنَّهُ قَالَ: قَالَ جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴾ يَعنِي إِذَا أَطَاعُوا اللهَ وَ أَطَاعُوا الرَّسُولَ مَا يَبطُلُ أَعمَالُهم؟ قَالَ: عَدَاوَتُنَا تُبطِلُ أَعمَالَهُم.

یزید بن فرقد گفت: امام جعفر صادق ؈ دربارهٔ این آیه فرمود: چون از خدا و از پیامبر اطاعت کردند، چه چیز اعمالشان را باطل می‌کند؟ سپس فرمود: این دشمنان ما هستند که اعمالشان باطل می‌شود.



وَ مِن سُورَةِ الفَتحِ

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲)

﴿ لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مٰا تَأَخَّرَ ﴾

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد.

۳۷۳. عَن عَبدِ اللّٰهِبنِ سِنَانٍ عَن أَبِيعَبدِ اللّٰهِ عَن أَبِيهِ عَن آبَائِهِ عَن أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِيطَالِبٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله: **﴿ لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمٰا تَأَخَّرَ ﴾** قَالَ: يَا جَبرَئِيلُ مَا الذَّنبُ المَاضِي وَ الذَّنبُ البَاقِي؟ قَالَ جَبرَئِيلُ عليه السلام: لَيسَ لَكَ ذَنبٌ أَن يَغفِرَهَا لَكَ.

عبدالله بن سنان گفت: امام جعفر صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام از پدران بزرگوار ایشان عليهم السلام از حضرت علی عليه السلام نقل کرد که ایشان فرمود: چون این آیه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، ایشان به جبرئیل فرمود: ای جبرئیل! گناه پیشین و گناه به جا مانده چیست؟ جبرئیل عرض کرد: تو هیچ گناهی نداری که از آن درگذرد[1].

---

۱. در حدیث دیگری داریم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: ای علی! خداوند گناهان شیعیانت را بر دوش من قرار داده و سپس آن را آمرزیده است. همچنانکه در کتابش فرموده است: «لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مٰا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مٰا تَأَخَّرَ». (*علل الشرایع*، ص ۲۰۶؛ *ترجمهٔ البرهان*، ج ۸، ص ۳۷۷)

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۴)

﴿ وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ ﴾

و لشکرهای آسمان‌ها و زمین از آنِ خداوند است.

۳۷۴. عن أَبِی‌الجَارُودِ قَالَ: قَالَ لِی عَبدُ اللهِ‌بنِ الحَسَنِ: تَدرِی مَا تَفسِیرُ هٰذِهِ الآیَةِ: ﴿ وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰاوٰاتِ وَ الأَرضِ ﴾ قُلتُ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ قَالَ: أَمَّا جُنُودُهُ فِی السَّمَاوَاتِ المَلَائِکَةُ وَ أَمَّا جُنُودُهُ فِی الأَرضِ فَالزَّبَانِیَةُ لَو مُیِّزُوا مِنَ النَّاسِ لَنَزَلَ بِهِمُ العَذَابُ.

ابی جارود گفت: عبدالله‌بن حسن دربارهٔ این آیه به من گفت: آیا می‌دانی تفسیرش چیست؟ گفتم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. گفت: لشکرهای خداوند در آسمان فرشتگان او هستند و لشکرهایش در زمین فرشتگان عذاب هستند که اگر در میان مردم باز شناخته می‌شدند، هر آینه عذاب بر آنان نازل می‌شد.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۱۸)

﴿ لَقَدْ رَضِيَ اللهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبٰايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ﴾

بی تردید خداوند از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت با تو بیعت کردند، خشنود گشت.

۳۷۵. حَدَّثَنَا عَمرُوبنُ مَیمُونٍ قَالَ: إِنِّی لَجَالِسٌ عِندَ ابنِ عَبَّاسٍ إِذ جَاءَهُ تِسعَةُ رَهطٍ فَقَالُوا: یَا ابنَ عَبَّاسٍ إِمَّا أَن تَقُومَ مَعَنَا وَ إِمَّا أَن تَخلُونَا هٰؤُلَاءِ. قَالَ: وَ هُوَ یَومَئِذٍ صَحِیحٌ قَبلَ أَن یَذهَبَ بَصَرُهُ قَالَ: بَل أَقُومُ مَعَکُم. فَانتَبِذُوا فَلَا نَدرِی مَا قَالُوا فَجَاءَ وَ هُوَ یَنفُضُ ثَوبَهُ وَ هُوَ یَقُولُ: أُفٍّ وَ تُفٍّ وَقَعُوا فِی رَجُلٍ لَه عَشرٌ.

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَأَبعَثَنَّ رَجُلًا یُحِبُّ اللهَ وَ رَسُولَهُ لَا یُخزِیهِ اللهُ أَبَدًا، فَاستَشرَفَ لَهَا مَنِ استَشرَفَ فَقَالَ: أَینَ عَلِیٌّ؟ قَالُوا: هُوَ فِی الرَّحَی یَطحَنُ، قَالَ: وَ مَا کَانَ أَحَدُکُم لِیَطحَنَ؟ فَدَعَاهُ وَ هُوَ أَرمَدُ فَنَفَثَ فِی عَینِهِ وَ هَزَّ الرَّایَةَ ثَلَاثًا ثُمَّ دَفَعَهَا إِلَیهِ فَجَاءَ بِصَفِیَّةَ بِنتِ حُیَیٍّ.

وَ بَعثَ أَبَابَكرٍ بِسُورَةِ التَّوبَةِ فَأَرسَلَ عَلِيًّا خَلفَهُ فَأَخَذَهَا مِنهُ.

عمربن میمون گفت: نزد ابن عباس نشسته بودم که ناگاه نه گروه نزدش آمدند و به او گفتند: یا همراه ما بیا یا اینجا را برای ما خلوت کن؛ حال آنکه در آن زمان ابن عباس هنوز سالم بود و بینایی‌اش را از دست نداده بود. وی به آنان گفت: با شما می‌آیم. آن‌گاه به گوشه‌ای رفتند و نفهمیدم چه گفتند که ابن عباس آمد و در حالی که لباسش را می‌تکاند، می‌گفت: اُف بر آنان! از مردی بد می‌گویند که ده ویژگی از برای اوست. روزی رسول خدا ﷺ فرمود: اکنون مردی را برمی‌انگیزم که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و هرگز خداوند خوارش نمی‌کند. در آن دم همهٔ حاضران سر برآوردند و گردن کشیدند، اما رسول خدا ﷺ فرمود: علی علیه‌السلام کجاست؟ عرض کردند: در آسیاب گندم آرد می‌کند. فرمود: آیا کس دیگری نبود که گندم آرد کند؟ آن‌گاه وی را فراخواندند و حضرت در حالی که چشمش درد می‌کرد آمد؛ پیامبر ﷺ در چشم او دمید و پرچم را سه بار به اهتزاز درآورد و سپس آن را به او داد و او رفت و با صفیه دختر حیی بازگشت. و باری دیگر رسول خدا ﷺ ابوبکر را با سوره توبه راهی کرد و سپس علی علیه‌السلام را در پی او فرستاد و حضرت سوره را از او گرفت.

وَ قَالَ لِبَنِی عَمِّهِ: أَیُّکُم یُوَالِینِی فِی الدُّنیَا وَ الآخِرَةِ؟ فَقَالَ عَلِیٌّ: أَنَا أُوَالِیكَ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ.

وَ جَمَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ فَقَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهلُ بَیتِی وَ خَاصَّتِی فَاذهَب عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهِّرهُم تَطهِیرًا.

وَ کَانَ أَوَّلُ مَن أَسلَمَ مِنَ النَّاسِ بَعدَ خَدِیجَةَ.

قَالَ وَ شَرَی عَلِیٌّ نَفسَهُ لَبِسَ ثَوبَ النَّبِیِّ ثُمَّ أَتَی مَکَانَهُ فَجَعَلَ المُشرِکُونَ یَرمُونَهُ کَمَا یَرمُونَ رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ هُم یَحسَبُونَهُ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ: فَجَعَلَ یَتَضَوَّرُ وَ جَعَلُوا یَستَنکِرُونَ ذَلِكَ مِنهُ، وَ جَاءَ أَبُوبَکرٍ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ ـ وَ هُوَ یَحسَبُهُ أَنَّه نَبِیُّ اللهِ ـ

فَقالَ عَلِيٌّ: أنّ رَسُولَ اللهِ قد ذَهَبَ نَحوَ بِئرِ مَيمُونٍ فَأَدرِكهُ، فَأَتبَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ الغارَ فَلَمَّا أَصبَحَ كَشَفَ عَن رَأسِهِ قالُوا: إنّكَ لَلَئيمٌ قَد كُنّا نَرمِي صَاحِبَكَ فَلا يَتَضَوَّرُ قَدِ استَنكَرنَا ذٰلِكَ مِنكَ.

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله به پسرعموهایش فرمود: کدام‌یک از شما مرا در دنیا و آخرت یاری می‌کند؟ و این علی علیه السلام بود که عرض کرد: من شما را در دنیا و آخرت یاری می‌کنم. و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام را گرد آورد و فرمود: خداوندا اینان اهل بیت من و خویشان من هستند، پس ناپاکی را از ایشان بزدا و به تمام پاکشان گردان. و نیز هم او نخستین کس از مردم بود که پس از خدیجه اسلام آورد. و او بود که از خود گذشت و جامه پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن کرد و در جای ایشان خوابید و مشرکان که قصد جان رسول خدا صلی الله علیه و آله را کرده بودند، به این گمان که او پیامبر خداست، قصد جانش کردند و او بر پهلو پیچید و آنان قصد خود را پنهان کردند و ابوبکر آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! ـ حال آن‌که می‌پنداشت او پیامبر خداست ـ و علی علیه السلام به او فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سوی چاه میمون رفت، ایشان را دریاب. و ابوبکر در پی ایشان رفت و همراه ایشان به غار درآمد.

قالَ: وَ خَرَجَ النّاسُ فِي غَزوَةِ تَبُوكَ فَقالَ عَلِيٌّ: أَخرُجُ مَعَكَ؟ قالَ: لا. فَبَكَى فَقالَ: أَمَا تَرضَى أَن تَكُونَ مِنِّي بِمَنزِلَةِ هَارُونَ مِن مُوسَى إلّا أَنَّكَ لَستَ بِنَبِيٍّ.

قالَ: وَ سَدَّ أَبوَابَ المَسجِدِ غَيرَ بَابِ عَلِيٍّ فَكَانَ يَدخُلُهُ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ هُوَ طَرِيقُهُ لَيسَ لَهُ طَرِيقٌ غَيرُهُ.

قالَ: وَ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهٰذَا وَلِيُّهُ وَ قالَ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ.

وَ قالَ ابنُ عَبّاسٍ: وَ أَخبَرَنَا اللهُ فِي القُرآنِ أَنَّهُ قَد رَضِيَ عَن أَصحَابِ الشَّجَرَةِ فَهَل حَدَّثَنَا بَعدَ أَنَّهُ سَخِطَ عَلَيهِم؟ قالَ: وَ قالَ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللهِ دَعنِي أَضرِب عُنُقَهُ ـ يَعنِي: حَاطِبًا

ـفَقَالَ: وَ مَا يُدرِيكَ لَعَلَّ اللهَ قَدِ اطَّلَعَ فَقَالَ: إِعمَلُوا مَا شِئتُم ـ يَعنِي أَهلَ بَدرٍ.
و نیز چون مردم برای غزوهٔ تبوک بیرون آمدند، علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: من نیز با شما بیرون آیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خیر. علی علیه السلام گریست؛ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا راضی نیستی که برای من به منزلهٔ هارون برای موسی باشی، جز آن‌که تو پیامبر نیستی؟ و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام درهای مسجد را بست جز دری که سوی خانهٔ علی علیه السلام بود و ایشان از آن وارد می‌شد و گاه می‌شد که جنب بود، امّا راهی به جز آن نداشت. و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: هر که من مولایش بوده‌ام، این مرد مولای اوست و فرمود: خداوندا دوست بدار کسی را که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار کسی را که او را دشمن می‌دارد.
و نیز خداوند متعال در قرآنش به ما خبر داد که از اصحاب شجره خشنود است؛ آیا پس از آن هیچ به ما گفته شده که خداوند از آنان ناخشنود است؟
و نیز چون عمر عرض کرد: ای رسول خدا! اجازه دهید تا گردن او ـ یعنی حاطب ـ را بزنم؛ ایشان فرمود: تو چه می‌دانی شاید خداوند خود چنین خواسته است. و او گفت: پس هر چه می‌خواهید، بکنید ـ ای جماعت بدر.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۵)

﴿ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴾

اگر از هم جدا بودند، مسلماً کسانی از آنان را که کفر ورزیده بودند، به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم.

۳۷۶. عَن مُحَمَّدِبنِ عَبدِ اللهِبنِ مِهرَانَ قَالَ: أَرَدتُ زِيَارَةَ أَبِی عَبدِ اللهِ الحُسَينِبنِ عَلِیٍّ علیهما السلام إِذَا شِيخٌ قَد عَارَضَنِی عَلَيهِ ثِيَابُ حِسَانٌ فَقَالَ لِی لَم يُقَاتِلِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ علیه السلام فُلَانًا وَ فُلَانًا؟ فَقَالَ لَهُ أَبُوعَبدِ اللهِ علیه السلام: لِمَكَانِ آيَةٍ مِن كِتَابِ اللهِ قَالَ لَهُ: وَ مَا هِیَ؟ قَالَ: قَولُهُ: **﴿ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴾** كَانَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ قَد عَلِمَ أَنَّ فِی

أَصلَابِ المُنَافِقِينَ قَومًا مِنَ المُؤمِنِينَ فَعِندَ ذَلِكَ لَم يَقتُلهُم وَ لَم يَستَسَبَّهُم. قَالَ: ثُمَّ التَفَتَ فَلَم أَرَ أَحَدًا.

محمّد بن عبدالله‌بن مهران گفت: خواستم با حضرت امام حسین ﷺ دیدار کنم که ناگاه پیرمردی با جامه‌هایی نیک بر من پدیدار شد و به من گفت: چرا امیرمؤمنان ﷺ با فلان کس و فلان کس نجنگید؟ حضرت ﷺ به او فرمود: به سبب آیه‌ای از کتاب خدا. عرض کرد: کدام آیه؟ فرمود: «اگر از هم جدا بودند، مسلماً کسانی از آنان را که کفر ورزیده بودند، به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم.» امیرمؤمنان ﷺ می‌دانست که قومی از مسلمانان در پشت‌های منافقین هستند و از این رو در آن زمان با آنان نجنگید و از آنان بد نگفت. در آن دم آن مرد بازگشت و من دیگر او را ندیدم.

(سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۹)

﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا ﴾

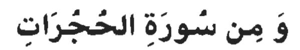
محمّد ﷺ رسول خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سرسخت و در میان خودشان مهربان‌اند. آن‌ها را می‌بینی که رکوع‌کنان و سجده‌کنان فزون‌بخشی و خشنودی خدا را درخواست می‌کنند.

۳۷۷. عَن سُعَادٍ: عَن أَبِي جَعفَرٍ ﷺ أَنَّهُ سُئِلَ عَن هَذِهِ الآيَةِ: **﴿ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ رِضْوَانًا ﴾** قَالَ: مَثَلٌ أَجرَاهُ اللهُ فِي شِيعَتِنَا كَمَا يُجرِي لَهُم فِي الأَصلَابِ ثُمَّ يَزرَعُهُم فِي الأَرحَامِ وَ يُخرِجُهُم لِلغَايَةِ الَّتِي أَخَذَ عَلَيهِم مِيثَاقَهُم فِي الخَلقِ، فَمِنهُم أَتقِيَاءُ وَ شُهَدَاءُ، وَ مِنهُمُ المُمتَحَنَةُ قُلُوبُهُم، وَ مِنهُمُ العُلَمَاءُ، وَ مِنهُمُ النُّجَبَاءُ وَ مِنهُمُ النَّجدَاءُ وَ مِنهُم أَهلُ التُّقَى، وَ مِنهُم أَهلُ التَّقوَىٰ وَ مِنهُم أَهلُ التَّسلِيمِ، فَازُوا بِهَذِهِ الأَشيَاءِ سَبَقَت لَهُم مِنَ اللهِ

وَ فَضَلُوا بِمَا فَضَلُوا، وَ جَرَت لِلنَّاسِ بَعدَهُم فِی المَوَاثِیقِ حَالُهم أَسمَاؤُهُم حَدُّ المُستَضعَفِینَ وَ حَدُّ المُرجَونَ لِأَمرِ اللهِ حَدًّا إِمَّا یُعَذِّبُهُم وَ إِمَّا أَن یَتُوبَ عَلَیهِم، وَ حَدُّ عَسَی أَن یَتُوبَ عَلَیهِم، وَ حَدُّ لَابِثِینَ فِیهَا أَحقَابًا، وَ حَدُّ خَالِدِینَ فِیهَا مَادَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالأَرضُ، ثُمَّ حَدُّ الإِستِثنَاءِ مِنَ اللهِ مِنَ الفَرِیقَینِ مَنَازِلُ النَّاسِ فِی الخَیرِ وَ الشَّرِ، خَلقَانِ مِن خَلقِ اللهِ فِیهِمَا المَشِیَّةُ فَمَن شَاءَهُ مِن خَلقِهِ فِی قِسمَةٍ مَا قُسِمَ لَهُ تَحوِیلُ عَن حَالِ زِیَادَةُ فِی الأَرزَاقِ أَو نَقصُ مِنهَا أَو تَقصِیرُ فِی الآجَالِ وَ زِیَادَةُ فِیهَا أَو نُزُولُ البَلَاءِ أَو دَفعُهُ، ثُمَّ أَسکَنَ الأَبدَانَ عَلَی مَا شَاءَ مِن ذَلِكَ فَجَعَلَ مِنهُ شِعرًا فِی القُلُوبِ ثَابِتًا لِأَهلِهِ وَ مِنهُ عَوَارِی مِنَ القُلُوبِ وَ الصُّدُورِ إِلَی أَجَلٍ لَهُ وَقتُ فَإِذَا بَلَغَ وَقتُهُمُ انتَزَعَ ذَلِكَ مِنهُم، فَمَن أَلهَمَهُ اللهُ الخَیرَ وَ أَسکَنَهُ فِی قَلبِهِ بَلَغَ مِنهُ غَایَتَهُ الَّتِی أَخَذَ عَلَیهَا مِیثَاقَهُ فِی الخَلقِ الأَوَّلِ.

سعاد گفت: از امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدند. ایشان فرمود: مثلی است که خداوند دربارهٔ شیعیان ما جاری ساخته است و نیز شیعیانی که در پشت‌ها قرار دارند و سپس خداوند متعال آنان را در رحم‌ها می‌کارد و آن‌گاه ایشان را برای غایتی که از آنان درباره‌اش در میان آفریدگان پیمان گرفته است، بیرون می‌آورد. پرهیزکاران و شهیدان از ایشان‌اند و کسانی که دل‌هایشان آزموده شده از ایشان‌اند و دانشمندان از ایشان‌اند و نجیبان از ایشان‌اند و پاکان از ایشان‌اند و اهل پرهیز از ایشان‌اند و اهل تقوا از ایشان‌اند و اهل تسلیم از ایشان‌اند. آنان به این درجات رستگار شده‌اند که از سوی خداوند برایشان پیش‌پیش رقم خورده است و این‌چنین برتری داده شده‌اند. پس از ایشان نام دیگر مردمان به نسبت حالشان در پیمان‌ها جاری شده است: گروه ناتوانان در دین و گروه کسانی که به امر خداوند امیدوارند که یا عذابشان می‌کند و یا توبه‌شان را می‌پذیرد و گروهی که امید است خداوند توبه‌شان را بپذیرد و گروهی که سالیانی در دوزخ به جا می‌مانند و گروهی که تا آسمان‌ها و زمین

برپاست در دوزخ جاودان‌اند و سپس گروه کسانی که از سوی خداوند منازلشان از این دو گروه استثنا می‌شود؛ مردم در نیکی و بدی‌اند، یعنی دو جماعت از آفریدگان خداوند که مشیّت او بر آن‌ها جاری است. پس هر که را او از میان آفریدگانش بخواهد، در قسمتی که برایش رقم خورده، تغییری در بیش و کمیِ روزی یا کاهش و افزایش عمر یا نزول و دفع بلا برایش صورت می‌دهد. پس خداوند متعال بدن‌ها را آن‌چنان‌که خود می‌خواست بر جا گردانید و احساسی از خود را در دل‌ها قرار دارد که برای دوستانش برجاست و برخی دل‌ها و سینه‌ها از آن تهی است و این تا زمانی معین است که چون این زمان سرآید، قسمت آنان از آنان برگرفته شود؛ پس هر که را خداوند نیکی به او الهام کرده باشد و در دلش جای داده باشد، او به غایتی که خداوند در آغاز آفرینش از وی درباره‌اش پیمان گرفته است، می‌رسد.

وَ مِن سُورَةِ الحُجُرَاتِ

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۳)

﴿ أُولٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوىٰ ﴾

ایشان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را به تقوا آزموده است.

۳۷۸. عَن أَنَسِ بنِ مَالِكٍ إِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ ذَاتَ يَومٍ وَ يَدُهُ فِي يَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه‌السلام وَ لَقِيَهُ رَجُلٌ إِذ قَالَ لَهُ: يَا فُلانُ لَا تَسُبُّوا عَلِيًّا فَإِنَّهُ مَن سَبَّهُ فَقَد سَبَّنِي وَ مَن سَبَّنِي فَقَد سَبَّ اللهَ، وَاللهِ يَا فُلانُ إِنَّهُ لَا يُؤمِنُ بِمَا يَكُونُ مِن عَلِيٍّ وَ وُلدِ عَلِيٍّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَو عَبدٌ قَدِ امتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمَانِ، يَا فُلانُ إِنَّهُ سَيُصِيبُ وُلدَ عَبدِ المُطَّلِب بَلاءٌ شَدِيدٌ وَ أَثرَةٌ وَ قتلٌ وَ تَشرِيدٌ فَاللهِ اللهِ يَا فُلانُ فِي أَصحَابِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ ذِمَّتِي فَإِنَّ لِلّهِ يَومٌ يَنتَصِفُ فِيهِ لِلمَظلُومِ مِنَ الظَّالِمِ.

انس بن مالک گفت: روزی رسول خدا ﷺ دستش را در دست حضرت علی عليه‌السلام داده بود که مردی به دیدار ایشان آمد. حضرت به او فرمود: ای فلانی! به علی دشنام مده که هر که به او دشنام دهد، به من دشنام داده و هر که مرا دشنام دهد، به خدا دشنام داده است. ای فلانی! به خدا سوگند هیچ کس به آن‌چه از سوی علی عليه‌السلام و نیز فرزند علی عليه‌السلام در آخرالزمان می رسد، ایمان نمی‌آورد جز

فرشته‌ای مقرّب یا بنده‌ای که خداوند دلش را به ایمان آزموده است. ای فلانی! به زودی فرزندان عبدالمطلب در معرض بلایی سخت و خودخواهی و قتل و تبعید قرار می‌گیرند. ای فلانی! خدا را خدا را دربارهٔ یاران و فرزندان و کسان من [در نظر گیرید]، چه به راستی روزی از برای خداست که در آن داد ستمدیده را از ستمگر می‌گیرد.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۴)

﴿ إِنَّ الَّذينَ يُنٰادُونَكَ مِنْ وَرٰاءِ الْحُجُرٰاتِ أَكْثَرُهُمْ لاٰ يَعْقِلُونَ ﴾

بی تردید کسانی که از پشت حجره‌ها تو را ندا می‌دهند، بیشترشان نمی‌اندیشند.

۳۷۹. عَن دَاوُدَبنِ سِرحَانَ عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ إِنَّ الَّذينَ يُنٰادُونَكَ مِنْ وَرٰاءِ الْحُجُرٰاتِ أَكْثَرُهُمْ لاٰ يَعْقِلُونَ ﴾ عَنى بِذَلِكَ كَسرَ بُيُوتِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ بَيتِ عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام، وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا يَأتُونَ مِنَ الأَمصَارِ فَيَقُولُونَ: بَيتُ مَن هَذَا؟ فَيَقُولُونَ: بَيتُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم وَ يَقُولُونَ بيتُ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ عليه السلام.

داود بن سرحان گفت: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: در کلام خداوند متعال «بی تردید کسانی که از پشت حجره‌ها تو را ندا می‌دهند، بیشترشان نمی‌اندیشند» منظور، جدا کردن خانه‌های رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم و خانهٔ علی بن ابی‌طالب عليه السلام است و آن از این قرار است که مردم از سرزمین‌هایی می‌آمدند و می‌گفتند: این خانهٔ کیست؟ می‌گفتند خانهٔ پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم است و می‌گفتند: خانهٔ امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۶)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ جٰاءَكُمْ فٰاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصيبُوا قَوْمًا بِجَهٰالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلىٰ مٰا فَعَلْتُمْ نٰادِمينَ ﴾

ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری بیاورد، [آن را] بررسی کنید که مبادا به نادانی گروهی را آسیب رسانید، پس آن‌گاه بر آن‌چه انجام داده‌اید پشیمان شوید.

۳۸۰. عَن جَابِرِبنِ عبدِ اللهِ الأَنصَارِیِّ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ الوَلِیدَبنَ عُقبَةَبنِ أَبی مُعِیطٍ إِلَی بَنِی وَلِیعَةَ قَالَ: وَ كَانَت بَینَهُ وَ بَینَهُم شَحنَاءُ فِی الجَاهِلِیَّةِ قَالَ: فَلَمَّا بَلَغَ إِلَی بَنِی وَلِیعَةَ اِستَقبَلُوهُ لِینظُرُوا مَا فِی نَفسِهِ قَالَ: فَخَشَی القَومُ فَرَجَعَ إِلَی النَّبِیِّ ﷺ فَقَالَ: یَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ بَنِی وَلِیعَةَ أَرادُوا قَتلِی وَ مَنَعُوا لِی الصَّدَقَةَ فَلَمَّا بَلَغَ بَنِی وَلِیعَةَ الَّذِی قَالَ لَهُم الولیدُبنُ عُقبَةَ عِندَ رَسُولِ اللهِ ﷺ أَتَوا رَسُولَ اللهِ ﷺ فَقَالُوا: یَا رَسُولَ اللهِ لَقَد كَذَبَ الوَلِیدُ وَلٰكِن بَینَنَا وَ بَینَهُ شَحنَاءُ فِی الجَاهِلِیَّةِ فَخَشِینَا أَن یُعَاقِبَنَا بِالَّذِی بَینَنَا وَ بَینَهُ. قَالَ. فَقَالَ النَّبِیُّ: لَتنتَهُنَّ یا بَنی وَلِیعَةَ أو لَأَبعَثُنَّ إِلَیكُم رَجُلاً عِندِی كَنَفسِی یَقتُلُ مُقَاتِلِیكُم و یَسبِی ذَرَارِیكُم هُوَ هَذَا حَیثُ تَرَونَ. ثُمَّ ضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی كِتفِ أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طالِبٍ ﷺ وَ أَنزَلَ اللهُ فِی الوَلِیدِ آیَةً ﴿ یٰا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ جٰاءَكُمْ فٰاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَیَّنُوا أَنْ تُصیبُوا قَوْمًا بِجَهٰالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلیٰ مٰا فَعَلْتُمْ نٰادِمینَ ﴾.

جابر بن عبد الله انصاری گفت: رسول خدا ﷺ ولیدبن عقبه را سوی قبیلهٔ بنی‌ولیعه راهی کرد، حال آن‌که بین او و آنان از زمان جاهلیت کینه‌ای وجود داشت. چون او به بنی‌ولیعه رسید، آنان جلوی راه او آمدند تا ببینند چه در سر دارد. او از آن قوم ترسید و سوی پیامبر ﷺ بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ بنی‌ولیعه می‌خواستند مرا بکشند و از پرداخت صدقاتشان به من سر باز زدند. چون سخنی که ولیدبن عقبه دربارهٔ بنی‌ولیعه به رسول‌خدا ﷺ گفته بود، به گوش آنان رسید، نزد ایشان آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا! ولید دروغ گفته است، جز این‌که بین ما و او از زمان جاهلیت کینه‌ای بود و از این رو ما ترسیدیم بدان سبب از ما تلافی جوید. پیامبر فرمود: ای بنی‌ولیعه! یا به این کینه پایان می‌دهید یا مردی را که نزد من همچون خود من است، سوی شما خواهم فرستاد تا جنگجویانتان را از پا درآورد و فرزندانتان

را به اسارت گیرد و او این مرد است که می‌بینید. سپس با دست مبارک خویش بر دوش امیرمؤمنان حضرت علی ؑ زد. آن‌گاه خداوند آیه‌ای دربارهٔ ولید نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری بیاورد [آن را] بررسی کنید که مبادا به نادانی گروهی را آسیب رسانید، پس آن‌گاه بر آن‌چه انجام داده‌اید، پشیمان شوید.»

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾

ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل‌های شما زینت داد و کفر و هرزگی و نافرمانی را در نظر شما منفور گردانید. آنان همان هدایت‌یافتگان‌اند. [این به جهت] فزون‌بخشی و نعمتی از سوی خداست و خداوند دانای حکیم است.

۳۸۱. عَن سَدِيرٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: إِنِّي لَجَالِسٌ بَينَ يَدَي أَبِي عَبدِ اللهِ ؑ أَعرَضُ عَلَيهِ مَسَائِلَ أَعطَانِيهَا أَصحَابُنَا إِذ عَرَضَت بِقَلبِي مَسأَلَةٌ فَقُلتُ لَهُ: مَسأَلَةٌ خَطِرَت بِقَلبِي السَّاعَةَ، قَالَ: وَ لَيسَ فِي المَسَائِلِ؟ قُلتُ: لَا، قَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قُلتُ: قَولُ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ ؑ: إِنَّ أَمرَنَا صَعبٌ مُستَصعَبٌ لَا يُقِرُّ بِهِ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَو نَبِيٌّ مُرسَلٌ أَو عَبدٌ مُؤمِنٌ امتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ لِلإِيمَانِ؟ فَقَالَ: نَعَم، إِنَّ مِنَ المَلَائِكَةِ مُقَرَّبِينَ وَ غَيرَ مُقَرَّبِينَ وَ مِنَ الأَنبِيَاءِ مُرسَلِينَ وَ غَيرَ مُرسَلِينَ وَ مِنَ المُؤمِنِينَ مُمتَحِنِينَ وَ غَيرَ مُمتَحِنِينَ، وَ إِنَّ أَمرَنَا أَمرُكُم هَذَا عَرَضَ عَلَى المَلَائِكَةِ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُقَرَّبُونَ وَ عَرَضَ عَلَى الأَنبِيَاءِ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُرسَلُونَ وَ عَرَضَ عَلَى المُؤمِنِينَ فَلَم يُقِرَّ بِهِ إِلَّا المُخلَصُونَ.

سدیر صیرفی گفت: روبه‌روی حضرت امام جعفر صادق ؑ نشسته بودم و مسائلی راکه یارانمان به من داده بودند، بر ایشان عرضه می‌داشتم که ناگاه

مسئله‌ای به خاطرم رسید. به ایشان عرض کردم: هم‌اکنون مسئله‌ای به خاطرم رسید. فرمود: در این مسائل نبود؟ عرض کردم: خیر. فرمود: چیست؟ عرض کردم: کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام است که فرمود: امر ما دشوار است و دشوار انگاشته می‌شود و هیچ‌کس به آن اقرار نمی‌کند، جز فرشته‌ای مقرّب یا پیامبر یا بندهٔ مؤمنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده باشد. حضرت علیه‌السلام فرمود: بله؛ چرا که فرشتگان مقرّب‌اند و غیرمقرّب، و پیامبران مرسل‌اند و غیر مرسل، و مؤمنان آزموده شده‌اند و آزموده ناشده؛ امر ما که کنون گفتی بر فرشتگان عرضه شد، تنها مقرّبان به آن اقرار کردند و بر پیامبران عرضه شد، تنها مرسلون به آن اقرار کردند و بر مؤمنان عرضه شد، تنها مخلصان به آن اقرار کردند.

۳۸۲. عَن یُونُسَ‌بنِ خَبَّابٍ: عَن أَبی جعفرٍ علیه‌السلام قَالَ: حُبُّ عَلِیٍّ علیه‌السلام إیمَانٌ وَ بُغضُهُ نِفَاقٌ ثُمَّ قَرَءَ ﴿ **وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً** ﴾.

یونس‌بن خبّاب گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: دوستی با علی علیه‌السلام ایمان و کینه‌توزی با او نفاق است؛ سپس این آیه را قرائت فرمود.

۳۸۳. عَن زِیادِبنِ المُنذَرِ: عَن أَبی جَعفرٍ علیه‌السلام قَالَ: حُبُّنَا إیمَانٌ وَ بُغضُنَا کُفرٌ ثُمَّ قَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمٰانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيٰانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرّٰاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً** ﴾.

زیادبن منذر گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: دوستی با ما ایمان و کینه‌توزی با ما کفر است؛ سپس این آیه را قرائت فرمود.

۳۸۴. عَن بُرَیدِبنِ مُعَاوِیَةَ العِجلِیِّ وَ إِبرَاهِیمَ الأَحمَرِیِّ قَالَا: دَخَلنَا عَلَی أَبی جَعفرٍ علیه‌السلام وَ عِندَهُ زِیَادُ الأَحلَامِ فَقَالَ أَبو جَعفرٍ: یَا زِیَادُ مَا لِی أَرَی رِجلَیكَ مُتِفَلِّقَینِ؟ قَالَ: جُعِلتُ لَكَ الفِدَاءَ جِئتُ عَلَی نِضوٍ لِی عَامَّةِ الطَّرِیقِ وَ مَا حَمَلَنِی عَلَی ذَلِكَ إِلَّا حُبّی لَكُم وَ شَوقِی إِلَیكُم. ثُمَّ أَطرَقَ زِیَادُ مَلِیًّا ثُمَّ قَالَ: جُعِلتُ لَكَ الفِدَاءَ إِنّی رُبَّمَا خَلَوتُ فَأَتَانِی الشَّیطَانُ

فَيَذكُرني مَا قد سَلَفَ مِنَ الذُّنوبِ وَ المَعَاصِي فكأنّي آيسٌ ثُمَّ أذكُرُ حُبّي لكُم وَ انقِطَاعِي وَكأنّي مُتّكِأٌ لكُم! قالَ: يا زِيَادُ: وَ هَلِ الدِّينُ إلّا الحُبُّ وَ البغضُ؟ ثُمَّ تَلا هَذِهِ الآيَاتِ الثّلاثَ كأنّهَا فِي كَفِّهِ: ﴿ **وَ لٰكِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ * فَضْلاً مِنَ اللهِ وَ نِعْمَةً وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** ﴾ وَ قَالَ: ﴿ **يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ**[1] ﴾ وَ قَالَ: ﴿ **إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**[2] ﴾ أَتَى رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنّي أُحِبُّ الصَّوّامِينَ وَ لا أَصُومُ وَأُحِبُّ المُصَلِّينَ وَ لا أُصَلّي وَأُحِبُّ المُتَصَدِّقِينَ وَ لا أتَصَدَّقُ. فَقَالَ: أَنتَ مَعَ مَن أَحبَبتَ وَ لَكَ مَا اكتَسَبتَ، أَمَا تَرضَونَ أَن لَو كَانَت فَزعَةٌ مِنَ السَّمَاءِ فَزِعَ كُلُّ قومٍ إِلَى مَأمَنِهِم وَ فَزِعنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ فَزِعتُم إِلَينَا.

بریدبن معاویه عجلی و ابراهیم احمری گفتند: خدمت امام محمّد باقر علیه‌السلام رسیدیم و حال آن‌که زیاد الاحلام نزد ایشان بود. حضرت فرمود: ای زیاد! چرا پاهایت را آویزان کرده‌ای؟ عرض کرد: فدایت شوم، تمامی راه را با جامه‌ای فرسوده آمدم و آن‌چه مرا بر این داشت، دوست داشتن شما و شوق دیدارتان بود. سپس مدّتی سر به زیر انداخت و ناگاه عرض کرد: فدایت شوم! گاهی در تنهایی‌ام شیطان به سراغم می‌آید و گناهان و نافرمانی‌هایی را که کرده‌ام به یادم می‌آورد و گویی ناامید می‌شوم، سپس دوست داشتن شما و دوری از شما را به یاد می‌آورم و به شما دلگرم می‌شوم. فرمود: ای زیاد! آیا دین چیزی جز دوست داشتن و دشمنی کردن است؟ سپس این سه آیه را تلاوت فرمود و گویی آن‌ها در مشت ایشان بود! «ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل‌های شما زینت داد و کفر و هرزگی و نافرمانی را در نظر شما منفور

---

۱. حشر، ۹

۲. آل‌عمران، ۳۱

گردانید، آنان همان هدایت یافتگان‌اند. [این به جهت] فزون‌بخشی و نعمتی از سوی خداست و خداوند دانای حکیم است.» و فرمود: «هر کس را که به سوی آنان هجرت کرده است، دوست دارند.» و فرمود: «اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد و خدا آمرزنده مهربان است.» مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من روزه‌داران را دوست دارم، ولی روزه نمی‌گیرم و نمازگزاران را دوست دارم، ولی نماز نمی‌خوانم و صدقه‌دهندگان را دوست دارم، ولی صدقه نمی‌دهم. رسول خدا ﷺ فرمود: تو با کسی هستی که آن را دوست می‌داری و آن‌چه کسب می‌کنی برای توست. آیا خشنود نیستید از این‌که چون هراسی از آسمان برسد، هر قومی هراسان سوی پناهگاهش پناه می‌آورد و ما سوی رسول خدا ﷺ پناه می‌آوریم و شما سوی ما پناه می‌آورید؟!

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۹)

﴿ وَ إِنْ طٰائِفَتٰانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمٰا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدٰاهُمٰا عَلَى الْأُخْرىٰ فَقٰاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتّٰى تَفِيءَ إِلىٰ أَمْرِ اللّٰهِ ﴾

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر کارزار کنند، میان آن‌دو را اصلاح کنید. پس اگر یکی از آن دو بر [حقوق] دیگری تجاوز کند، با آن‌که متجاوز است بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.

۳۸۵. عَن ضَرارِبنِ الأَزوَرِ: إِنَّ رَجُلاً مِنَ الخَوارِجِ سَأَلَ ابنَ عَبّاسٍ عَن أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام فَأَعرَضَ عَنهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَقَالَ: لكَانَ وَاللهِ عَلِيٌّ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ يُشبِهُ القَمَرُ الزّاهِرُ وَ الأَسَدُ الخادِرُ وَ الفُراتُ الزّاخِرُ وَ الرَّبِيعُ البَاكِرُ، فَأَشبَهَ مِنَ القَمَرِ ضَوؤُهُ و بَهاؤُهُ، وَ مِنَ الأَسَدِ شُجَاعَتُهُ وَ مَضاؤُهُ، وَ مِنَ الفُراتِ جُودُهُ وَ سَخاؤُهُ، وَ مِنَ الرَّبِيعِ خَصبُهُ وَ حِباؤُهُ، عَقِمَ النِّساءُ أَن يَأتِينَ بِمِثلِ عَلِيٍّ بَعدَ النَّبِيِّ. تَاللهِ مَا سَمِعتُ وَ لَا رَأَيتُ إِنسَانًا مِثلَهُ، وَ قَد رَأَيتُهُ يومَ صِفِّينَ وَ عَلَيهِ عَمامَةٌ بَيضاءُ وَ كَأَنَّ عَينَيهِ سِراجَانِ وَ هُوَ

يَتَوَقَّفُ عَلَى شِرذَمَةٍ يَحُضُّهُم و يَحُثُّهم إِلَى أَن انتَهى إِلَيَّ وَ أَنا فِي كَنَفٍ مِنَ المُسلِمينَ فَقالَ: مَعاشِرَ المُسلِمينَ استَشعَرُوا الخَشيَةَ ، وَ عَنُوا الأَصوَاتِ ، وَ تُجَلبَبُوا بِالسَّكِينَةِ ، وَ اكمَلُوا اللَّامَةَ ، وَ اقلَقُوا السُّيُوفَ فِى الغِمَدِ قَبلَ السَّلَةِ ، و الحَظُوا الشَّزرَ ، وَ اطعَنُوا وَ نَافَحُوا بِالظَّبَا و صِلُوا السُّيُوفَ بالخَطَا و الرِّمَاحَ بِالنِّبَالِ ، فَإِنَّكُم بِعَينِ اللهِ مَعَ ابنِ عَمِّ نَبِيِّكُم، عَاوَدُوا الكَرَّ وَاستَحيُوا مِنَ الفَرِّ، فَإِنَّه عَارُ باقٍ فِي الأَعقَابِ، وَنارُ يَومَ الحِسَابِ، فَطَيِّبُوا عَن أَنفُسِكُم نَفسًا وَ اطوُوا عَنِ الحَياةِ كَشحًا ، وَ امشُوا إِلَى المَوتِ مَشيًا.

ضرار بن ازوران گفت: مردی از خوارج از ابن عباس دربارهٔ امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام پرسید. وی از او روی گرداند. باز سؤال کرد. ابن عبّاس گفت: به خدا سوگند امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام به ماهی تابناک و شیری در بیشه و دریایی خروشان و بهاری نو می‌ماند که نور و تابشش بیش از ماه و دلیری و برندگی‌اش بیش از شیر و بخشندگی و جوانمردی‌اش بیش از دریا و سرسبزی و ارمغانش بیش از بهار است. زنان عقیم شدند از این‌که پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرزندی چون علی علیه‌السلام بیاورند. به خدا سوگند نشنیده‌ام و ندیده‌ام انسانی چون او باشد. او را در جنگ صفّین دیدم که دستاری سپید بر سر داشت و چشمانش گویی دو چراغ بود و بر لبه‌ای ایستاده بود و آنان را برمی‌انگیخت و ترغیب می‌کرد تا به من رسید و حال آن‌که من در پناه مسلمانان بودم. او می‌فرمود: ای گروه مسلمانان! هراس دشمن را دریابید و گوش تیز کنید و جامهٔ آرامش بر تن کنید و زره‌هاتان به تمام ببندید و شمشیرهاتان را پیش از برکشیدن در نیام بجنبانید و به خشم بنگرید و زخم بزنید و نبرد کنید و شمشیر را به نیزه و نیزه را به تیر چکاچک زنید. شما در پناه خدا با پسرعموی پیامبرتان همراهید، به یورش بازگردید و از گریختن شرم کنید که گریختن ننگی است که بر فرزندانتان به جا می‌ماند و آتشی است در روز حساب. پس جان‌هایتان را پاک کنید و روی از زندگی بگردانید و سوی مرگ رهسپار شوید.

وَ عَلَيكُم بِهَذَا السَّوَادِ الأَعظَمِ وَ الرِّوَاقِ المُطَنَّبِ فَاضرِبُوا ثَبَجَهُ ، فَإِنَّ الشَّيطَانَ عَلَيهِ لَعنَةُ اللهِ رَاكِدُ فِی كِسرِهِ ، نَافِجُ حِضنَيهِ وَ مُفتَرِشُ ذِرَاعَيهِ ، قَد قَدَّمَ لِلوَثبَةِ يَدًا ، وَ أَخَّرَ لِلنُّكُوصِ رِجلاً ، فَصبراً حَتَّى يَتَجلَّى لَكُم عَمُودُ الحَقِّ وَ أَنتُمُ الأَعلَونَ وَ اللهُ مَعَكُم وَ لَن يَترَكُم أَعمَالَكُم.

قَالَ: وَ أَقبَلَ مُعَاوِيَةُ فِی الكَتِيبَةِ الشَّهبَاءِ وَ هِیَ زُهَاءُ عَشرَةِ آلافٍ بِجَيشٍ شَاكِّينَ فِی الحَدِيدِ لَا يُرَى مِنهُم إِلَّا الحَدَقُ تَحتَ المَغَافِرِ ، تَنظُرُونَ بِمَا تَعجَبُونَ؟! إِنَّما هِیَ جُثَثُ مَاثِلَةُ فِيهَا قُلُوبُ طَائِرَةُ مُزَخرَفَةُ بِتَموِيهِ الخَاسِرِينَ وَ رِجلِ جَرَادٍ زَفَّت بِهِ رِيحُ صَبَا وَ لَفِيفُ سَدَاهُ الشَّيطَانُ و لَحمَتَهُ الضَّلالَةُ وَ صَرَخَ بِهِم نَاعِقُ البِدعَةِ ، وَ فِيهِم خُورُ البَاطِلِ وَ ضَحضَحَةُ المُكَاثِرِ فَلَو قَد مَسَّتها سُيُوفُ أَهلِ الحَقِّ لَتَهَافَتَت تَهَافَةَ الفِرَاشِ فِی النَّارِ إِلَّا فَسَوُّوا بَينَ الرُّكبِ وَ عَضُّوا عَلَى النَّوَاجِذِ وَ اضرِبُوا القَوَانِصِ بِالصَّوَارِمِ وَ اشرَعُوا الرِّمَاحَ فِی الجَوَانِحِ وَ شَدُّوا فَإِنِّی شاد. حم لا ينصرون.

بر شما باد يورش به اين سپاه انبوه و خيمه‌های برپا شده، پشتش را به ضربه‌ای فروكوبيد كه شيطان ملعون بازوانش را استوار داشته و سينه‌اش را سپر كرده و كتف‌هايش را گسترانده و دستی را برای پرش جلو آورده و پايی را برای پس كشيدن عقب گذاشته است. شكيبا باشيد تا نور حق بر شما تجلّی كند كه شما برتر هستيد و خداوند با شماست و اعمالتان را تباه نخواهد كرد. معاويه در لشكری پُرسلاح با حدود ده هزار جنگجوی پوشيده در آهن كه جز چشم‌هايی به زير كلاهخود چيزی از آنان پيدا نبود، به پيش آمد. حضرت عليه‌السلام فرمود: از آن‌چه می‌بينيد، در شگفتيد؟! اين‌ها نيستند جز جسدهايی برپا كه قلب‌هايی سست در آن‌هاست و از دغل‌كاری زيانكاران آراسته شده‌اند و پای ملخ‌اند كه باد صبا از جا برمی‌كندشان و انبوهی‌اند كه شيطان گردشان آورده و گمراهی پيوندشان داده و فرياد بدعت گوششان را پُر كرده است و نعره‌های پوچ سر می‌دهند و تكّه‌های انبوه در ميان خود دارند. اگر شمشيرهای اهل حق

آنان را لمس کند، هر آینه همچون پروانه‌ای که در آتش افتد، فرو می‌ریزند. به هوش باشید و سواران را بیارایید و دندان بر دندان بفشارید و سنگدان‌ها را با شمشیرهای برّان بدرید و نیزه‌ها را در پهلوها فرو برید و استوار باشید که من سخت استوارم و آنان هرگز پیروز نخواهند شد.

فَحَمَلُوا حَملَةَ ذِی یَدٍ (لَبدٍ) فأزَالُوهُم عَن أَمَاكِنِهِم وَ رَفعُوهُم عَن مَرَاكِزِهِم وَ ارتَفَعَ الرَّهجُ وَ خُمِدَتِ الأَصوَاتُ فَلا یُسمَعُ إِلَّا صَلصَلَةُ الحَدِیدِ وَ غَمغَمَةُ الأَبطَالِ وَ لَا یُرَی إِلَّا رَأسُ نَادرٍ أو یَدُ طَائِحَةُ ، وَ إِنَّا كَذَلِكَ إِذ أَقبَلَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ ﷺ مِن مَوضِعٍ یُرِیدُ یَتَحَالُّ الغُبارَ و یَنقَضُ العَلقَ عَن ذِرَاعَیهِ سَیفُهُ یَقطُرُ الدِّمَاءَ وَ قَدِ انحَنَی كَقَوسِ نَازِعٍ وَ هُوَ یَتلُو هَذِهِ الآیَةِ: ﴿ **وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَیْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَی الْأُخْرَیٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّیٰ تَفِيءَ إِلَیٰ أَمْرِ اللهِ** ﴾. قَالَ: فَمَا رَأَیتُ قِتالاً أَشَدُّ مِن ذَلِكَ الیَوم. یَا بُنَيَّ إِنِّی أَرَی المَوتَ لَا یَقلَعُ وَ مَن مَضَی لَا یَرجِعُ وَ مَن بَقِی فَإِلَیهِ یَنزَعُ إِنِّی أُوصِیكَ بِوَصِیَّةٍ فَاحفِظهَا وَ اتَّقِ اللهِ وَلیكَن أَولَی الأُمُورِ بِكَ الشُّكرُ لِلّهِ فِی السِّرِّ وَ العَلانِیَّةِ فَإِنَّ الشُّكرَ خَیرُ زَادٍ.

آن‌گاه با یال و کوپال یورش بردند و آنان را از جایگاه‌هایشان پراکندند و از پایگاه‌هایشان برافکندند و گرد به پا خاست و صداها فرو نشست و جز زنگ شمشیر و بانگ پهلوانان چیزی شنیده نمی‌شد و جز سری جدا از تن و دستی جدا از بدن چیزی دیده نمی‌شد و آن‌گاه در میان ما نیز امیرمؤمنان ﷺ از جایی رو آورد و خواست غبار از خود برگیرد و سپر از بازوانش بگشاید، حال آن‌که از شمشیرش خون می‌چکید و چون کمانی کشیده خم شده بود و این آیه را تلاوت می‌فرمود: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر کارزار کنند، میان آن‌دو را اصلاح کنید. پس اگر یکی از آن دو بر [حقوق] دیگری تجاوز کند، با آن‌که متجاوز است بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد.» هرگز کشتاری سهمگین‌تر از آن روز ندیدم. ای پسرم! من دیده‌ام که مرگ ریشه کن نمی‌شود و هر که درگذرد،

باز نمی‌گردد و هر که بر جا بماند، سویش راهی می‌شود؛ پس وصیّتی به تو می‌کنم، آن را حفظ کن و از خدا پروا کن و آن این‌که شکرگزاری از خداوند در نهان و آشکار برایت بر همه چیز مقدّم باشد که شکر بهترین توشه است.

(سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۳)

﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ إِنّٰا خَلَقْنٰاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثىٰ وَ جَعَلْنٰاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبٰائِلَ لِتَعٰارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ أَتْقٰاكُمْ ﴾

ای مردم! بی‌تردید ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را [به صورت] تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.

۳۸۶. عَن حُذَيفَةَبنِ اليَمانِ عَن رَسولِ اللهِ ﷺ أَنَّهُ قالَ: إِنَّ اللهَ تَعالَى خَلَقَ الخَلقَ قِسمَينِ ثُمَّ قَسَّمَ القِسمَينِ قَبائِلَ فَجَعَلَنِي فِي خَيرِهَا قَبيلَةً فَذَلِكَ قَولُهُ: **﴿ يٰا أَيُّهَا النّٰاسُ إِنّٰا خَلَقْنٰاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثىٰ وَ جَعَلْنٰاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبٰائِلَ لِتَعٰارَفُوا ﴾** إِلَى آخِرِ الآيَةِ فَأَنَا أَتقَى وُلدِ آدَمَ وَ قَبيلَتِي خَيرُ القَبائِلِ وَ أَكرَمُها عَلَى اللهِ وَ لا فَخرَ.

حذیفةبن یمان گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند متعال مردم را در دو گروه آفرید و آن دو گروه را به قبایلی تقسیم کرد و مرا در بهترین آن قبیله‌ها قرار داد و این کلام حق تعالی است: «ای مردم! بی‌تردید ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را به صورت تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست.» من باتقواترین فرزند آدم و قبیلهٔ من بهترین قبایل و گرامی‌ترین آن‌ها در نزد خداوند است و فخر نمی‌فروشم.





وَ مِن سُورةِ ق

(سورهٔ ق، آیهٔ ۲۴)

﴿ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴾

هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید.

۳۸۷. عَن مُحَمَّدِبنِ الحُسَينِ‌بنِ عَلِيٍّ العَلَوِيِّ العَمرِيِّ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عَن عَلِيِّ‌بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام فِی قولِهِ: ﴿ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴾ قالَ: فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعَالَی إِذَا جَمَعَ النَّاسَ یَومَ القِیَامَةِ فِی صَعیدٍ وَاحِدٍ کُنتُ أَنَا وَ أَنتَ یَومَئِذٍ عَن یَمِینِ العَرشِ فَیُقالُ لِی وَ لَكَ: قُومَا فَأَلقِیَا مَن أَبغَضَکُمَا وَ خَالَفَکُمَا وَ کَذَّبَکُمَا فِی النَّارِ.

محمّد بن حسین‌بن علی علوی عمری به نقل از پدرش از جدّش گفت: حضرت علی علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید» فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی مردم را در روز قیامت در جایگاه واحدی گرد آورد، در آن زمان من و تو در سمت راست عرش هستیم، آن‌گاه به من و تو گفته می‌شود: برخیزید و کسانی را که با شما دشمنی کردند و به مخالفت برخاستند و شما را تکذیب کردند، در آتش بیفکنید.

۳۸۸. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ الحَجَّافِ السُّلمِیِّ عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِیهِ عَن آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِذَا

كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ ﴿أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ فَهُمَا المُلقِيَانِ فِي النَّارِ.

محمّد بن حجاف سلمی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدرشان و ایشان از پدران خویش فرمود: هنگامی‌که روز قیامت فرا رسد، ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای محمّد صلی الله علیه و آله و ای علی علیه السلام! «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». پس آن دو کافران را در آتش اندازند.

۳۸۹. حَدَّثَنِی الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعَنعَنًا عَن جَعفَرٍ عَن أَبِیهِ عَن آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا جَمَعَ النَّاسَ يَومَ القِيَامَةِ وَعَدَنِي المَقَامَ المَحمُودَ وَ هُوَ وَافٍ لِي بِهِ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ نُصِبَ لِي مِنبَرٌ لَهُ أَلفُ دَرَجَةٍ لَا كَمَرَاقِيكُم فَأَصعَدُ حَتَّى أَعلُو فَوقَهُ فَيَأتِينِي جَبرَئِيلُ علیه السلام بِلِوَاءِ الحَمدِ فَيَضَعُهُ فِي يَدَيَّ وَ يَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِي وَعَدَكَ اللهُ فَأَقُولُ لِعَلِيٍّ: اصعَد، فَيَكُونُ أَسفَلَ مِنِّي بِدَرَجَةٍ فَأَضَعُ لِوَاءَ الحَمدِ فِي يَدِهِ ثُمَّ يَأتِي رِضوَانُ بِمَفَاتِيحِ الجَنَّةِ، فَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِي وَعَدَكَ اللهُ فَيَضَعُهَا فِي يَدَيَّ فَأَضَعُهَا فِي حِجرِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ يَأتِي مَالِكٌ خَازِنُ النَّارِ فَيَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ هَذَا المَقَامُ المَحمُودُ الَّذِي وَعَدَكَ اللهُ هَذِهِ مَفَاتِيحُ النَّارِ أُدخِل عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّ ذُرِّيَّتِكَ وَ عَدُوَّ أُمَّتِكَ النَّارَ فَآخُذُهَا وَ أَضَعُهَا فِي حِجرِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فَالنَّارُ وَ الجَنَّةُ يَومَئِذٍ أَسمَعُ لِي وَ لِعَلِيٍّ مِنَ العَرُوسِ لِزَوجِهَا فَهُوَ قَولُ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: ﴿أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ أَلقِ يَا مُحَمَّدُ وَ يَا عَلِيُّ عَدُوَّ كُمَا فِي النَّارِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از پدرشان علیه السلام و ایشان از پدران خویش علیهم السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون خداوند تبارک و تعالی در روز قیامت مردم را گرد آورد، مرا به مقام محمود وعده می‌دهد و با این مقام به من وفا می‌کند؛ زمانی که روز قیامت برپا گردد، برای من منبری با هزار پله و نه همچون پله‌های شما برپا می‌شود و من از آن بالا می‌روم تا این‌که

بر فراز آن می‌رسم. آن‌گاه جبرئیل علیه السلام بیرق حمد را برایم می‌آورد و آن را در دستان من قرار می‌دهد و می‌گوید: ای محمّد صلی الله علیه و آله! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. من نیز به علی علیه السلام می‌گویم: بالا بیا! و او پله‌ای پایین‌تر از من قرار می‌گیرد و من بیرق حمد را در دست او قرار می‌دهم. سپس رضوان با کلیدهای بهشت می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. سپس کلیدها را در دستان من قرار می‌دهد و من آن‌ها را در اختیار علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌گذارم. سپس مالک، دربان دوزخ می‌آید و می‌گوید: ای محمّد! این مقام محمودی است که خداوند به تو وعده داده است. این کلیدهای جهنم است، دشمن خود و دشمن فرزندان و دشمن امّت را در آتش انداز. من آن‌ها را می‌گیرم و در اختیار علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌گذارم. جهنم و بهشت در آن روز برای من و علی از عروسی برای شویش مطیع‌تر هستند. و این کلام خداوند تبارک و تعالی در کتابش است که فرمود: «هر کافر لجوجی را به جهنم بیفکنید». ای محمّد! و ای علی! دشمنانتان را در آتش بیفکنید.

ثُمَّ أَقُومُ فَأُثنِی عَلَی اللهِ ثَنَاءً لَم یَثنِ عَلَیهِ أَحَدٌ قَبلِی ثُمَّ أُثنِی عَلَی المَلَائِکَةِ المُقَرَّبِینَ ثُمَّ أُثنِی عَلَی الأَنبِیَاءِ المُرسَلِینَ ثُمَّ أُثنِی عَلَی الأُمَمِ الصَّالِحِینَ ثُمَّ أَجلِسُ فَیثنِی اللهُ وَ یَثنِی عَلَیَّ مَلَائِکَتُهُ وَ یَثنِی عَلَیَّ أَنبِیَاءُهُ وَ رُسُلُهُ وَ یَثنِی عَلَیَّ الأُمَمُ الصَّالِحَةُ.

ثُمَّ یُنَادِی مُنَادٍ مِن بَطنَانِ العَرشِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ غُضُّوا أَبصَارَکُم حَتَّی تَمُرَّ بِنتُ حَبِیبِ اللهِ إِلَی قَصرِهَا، فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ بِنتِی عَلَیهَا رِیطَتَانِ خَضرَاوَانِ حَولَها سَبعُونَ أَلفَ حَورَاءَ فَإِذَا بَلَغَت إِلَی بَابِ قَصرِهَا وَجَدَتِ الحَسَنَ قَائِمًا وَ الحُسَینَ نَائِمًا مَقطُوعَ الرَّأسِ فَتَقُولُ لِلحَسَنِ: مَن هَذَا؟ فَیَقُولُ: هَذَا أَخِی إِن أُمَّةَ أَبِیكِ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأسَهُ، فَیَأتِیهَا النِّدَاءُ مِن عِندَ اللهِ: یَا بِنتَ حَبِیبِ اللهِ إِنِّی إِنَّمَا أَرَیتُكِ مَا فَعَلَت بِهِ أُمَّةُ أَبِیكِ لِأَنِّی ادَّخَرتُ لَكَ عِندِی تَعزِیَةً بِمُصِیبَتِكَ فِیهِ، إِنِّی جَعَلتُ لِتَعزِیَتِكِ بِمُصِیبَتِكِ فِیهِ أَنِّی

لا أنظُرُ فی مُحاسَبَةِ العِبادِ حَتّی تَدخُلَی الجَنَّةَ أنتَ وَ ذُرِّیَّتُكِ وَ شِیعَتُكِ وَ مَن أولا كُم مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِكِ قَبلَ أن أنظُرَ فِی مُحاسَبَةِ العِبادِ. فَتَدخُلُ فاطِمَةُ ابنَتِی الجَنَّةَ وَ ذُرِّیَّتُها وَ شِیعَتُها وَ مَن وَالاها مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِها فَهُوَ قَولُ اللهِ تَعالَی فِی كِتابِهِ: ﴿ **لَا يَحْزُنُهُمُ ٱلْفَزَعُ ٱلْأَكْبَرُ** ﴾ قالَ: هُوَ یَومُ القِیمَةِ ﴿ **وَ هُمْ فِيمَا ٱشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ** ﴾ هِیَ وَاللهِ فاطِمَةُ وَ ذُرِّیَّتُها وَ شِیعَتُها وَ مَن أولاهُم مَعرُوفًا مِمَّن لَیسَ هُوَ مِن شِیعَتِها.

سپس برمی‌خیزم و خداوند را چنان ثنا می‌گویم که هیچ کس پیش از من نگفته باشد و بعد از آن فرشتگان مقرّب را و سپس پیامبران مرسل را و سپس امّت‌های نیکوکار را ثنا می‌گویم و پس از آن می‌نشینم. آن‌گاه خداوند مرا ثنا می‌گوید و پس از آن فرشتگانش و سپس پیامبرانش و سپس امّت‌های نیکوکار مرا ثنا می‌گویند. در آن دم ندادهنده‌ای از دو سوی عرش ندا سر می‌دهد: ای گروه آفریدگان! چشم فروگیرید تا دختر حبیب خدا سوی قصرش گذر کند. پس دخترم فاطمه ﷺ در حالی که دو چادر سبز بر سر و هفتاد هزار پری سیاه‌چشم گرداگرد خود دارد، می‌گذرد و چون بر در قصر خویش می‌رسد، حسن ﷺ را بر پا و حسین ﷺ را درازکش و سر بریده می‌بیند. آن‌گاه به حسن ﷺ می‌گوید: این کیست؟ می‌گوید: این برادرم است که امّت پدرت او را کشتند و سرش را بریدند. در آن هنگام ندایی از جانب خداوند به او می‌رسد که ای دختر حبیب خدا! من آن‌چه را امّت پدرت با او کردند، نشانت دادم؛ چرا که از پیش به خاطر مصیبتی که در او دیدی، تسلیتی برایت نزد خود گذاشته‌ام و آن این‌که بر حساب بندگانم نمی‌نگرم تا تو و فرزندانت و شیعیانت و هر آن‌که از غیر شیعیانت به تو نیکی کرده به بهشت درآیید. آن‌گاه دخترم فاطمه ﷺ و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیر شیعیانش به او نیکی کرده، به بهشت در می‌آیند و این کلام خداوند متعال است در کتابش: «وحشت بزرگ آن‌ها را

اندوهگین نمی‌کند.» در روز قیامت «آنان در آن‌چه دلشان بخواهد جاودانه متنعّم خواهند بود.» به خدا سوگند آنان فاطمه ؊ و فرزندانش و شیعیانش و هر آن‌که از غیرشیعیانش به او نیکی کرده، می‌باشند.

۳۹۰. قَالَ: حَدَّثَنِی عُثمَانُ‌بنُ مُحَمَّدٍ وَ الحُسینُ‌بنُ سَعِیدٍ وَ اللَّفظُ لِلحُسَینِ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ ؈ قَالَ: إِذَا کَانَ یَومُ القِیَامَةِ نُصِبَ مِنبَرٌ یَعلُو المَنَابِرَ فَیَتطاوَلُ الخَلائِقُ لِذَلِكَ المِنبَرِ إِذ طَلَعَ رَجُلٌ عَلَیهِ حُلَّتَانِ خَضرَاوَانِ مُتَّزِرٌ بِوَاحِدَةٍ مُتَرَدٍّ بِأُخرَی، فَیَمُرُّ بِالمَلَائِکَةِ فَیَقُولُونَ: هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم، ثُمَّ یَمُرُّ بِالشُّهَدَاءِ فَیَقُولُونَ: هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم وَ یَمُرُّ بِالنَّبِیِّینَ فَیَقُولُونَ هَذَا مِنَّا فَیَجُوزُهُم حَتَّی یَصعَدَ المِنبَرَ.
ثُمَّ یَغِیبَانِ مَا شَاءَ اللهُ ثُمَّ یَطلَعَانِ فَیُعرَفَانِ مُحَمَّدٌ ؐ وَ عَلِیٌّ وَ عَن یَسَارِ النَّبِیِّ مَلَكٌ وَ عَن یَمِینِهِ مَلَكٌ فَیَقُولُ المَلَكُ الَّذِی عَن یَمِینِهِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ أَنَا رِضوَانُ خَازِنُ الجِنَانِ أَمَرَنِی اللهُ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ ؐ وَ طَاعَةِ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ ؈ وَ هُوَ قَالَ اللهِ تَعَالَی: ﴿**أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ**﴾ یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ ؈، وَ یَقُولُ المَلَكُ الَّذِی عَن یَسَارِهِ: یَا مَعشَرَ الخَلَائِقِ أَنَا خَازِنُ جَهَنَّمَ أَمَرَنِی اللهُ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ عَلَیهِمِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ.

عثمان‌بن محمّد و حسین‌بن سعید ـ کلام از حسین است ـ گفتند: امام جعفر صادق ؈ فرمود: چون روز قیامت فرا رسد، منبری والاتر از تمامی منبرها برپا می‌شود و آفریدگان همگی چشم سوی آن منبر می‌دوزند. در آن دم مردی از راه می‌رسد که دو دیبا بر تن دارد و از یکی ازاری ساخته و از دیگری ردایی. او از پیش فرشتگان می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند. سپس از پیش شهیدان می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند. سپس از پیش پیامبران می‌گذرد و آنان می‌گویند: این از ماست و او عبور می‌کند تا این‌که از آن منبر بالا می‌رود. سپس آن‌دو تن هر آن‌قدر خدا بخواهد از دیدگان پنهان می‌شوند و سپس نمایان می‌گردند و همگان

درمی‌یابند که ایشان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام هستند و حال آن‌که بر سمت چپ پیامبر فرشته‌ای و بر سمت راستش فرشته‌ای قرار گرفته است. آن‌گاه فرشته سمت راست می‌گوید: ای گروه آفریدگان! من رضوان، دربان بهشت هستم و خداوند مرا فرمان داده تا از او و از محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و از علی علیه السلام اطاعت کنم و این کلام خداوند متعال است: «هر کافر لجوجی را به آتش بیفکنید» ای محمّد و ای علی علیهما السلام؛ فرشتهٔ سمت چپ می‌گوید: ای گروه آفریدگان! من مالک، دربان دوزخ هستم و خداوند مرا فرمان داده تا از او و از محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و از علی علیه السلام فرمان برم.



وَ مِن سُورةِ الذاريات

(سورهٔ ذاریات، آیهٔ ۵ ـ ۹)

﴿ إِنَّمٰا تُوعَدُونَ لَصٰادِقٌ * وَ إِنَّ الدِّينَ لَوٰاقِعٌ * وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ * إِنَّكُمْ لَفي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ * يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ﴾

جز این نیست که آن‌چه وعده داده می‌شوید، قطعاً راست است و بی‌تردید دین حقیقت دارد. و سوگند به آسمان دارای راه‌ها[ی تودرتو]. به راستی شما عقیده گوناگونی دارید. از آن (بهشت) برگردانده می‌شود هر کس برگردانده شده است.

۳۹۱. عَن أَبی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: قُلتُ لِأَبی جَعفَرٍ عليه السلام: ﴿ وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ ﴾ قَالَ: اَلسَّمَاءُ فِی بَطنِ القُرآنِ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ الحُبُكُ أَمِیرُالمُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ ذَاتُ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله وَ أَهلِ بَیتِهِ عليهم السلام.

ابوحمزه ثمالی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: در آیهٔ «سوگند به آسمان دارای راه‌های تودرتو» منظور از آسمان در بطن قرآن، رسول‌خدا صلى الله عليه وآله و منظور از «راه‌ها» امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام است و او پیامبر صلى الله عليه وآله و اهل بیتش را داراست.

۳۹۲. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا عَن أَبی‌جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ إِنَّمٰا تُوعَدُونَ

لَصٰادِقٌ * وَ إِنَّ الدِّينَ لَوٰاقِعٌ * وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ ﴾ قَالَ: الدِّينُ عَلِيٌّ ﷺ ﴿ **وَ السَّمٰاءِ ذٰاتِ الْحُبُكِ** ﴾ فَإِنَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ ، وَ أَمَّا قَولُهِ: ﴿ **إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ** ﴾ فَإِنَّهُ يَعنِى هَذِهِ الْأُمَّةَ تَختَلِفُ فِى وَلَايَةِ عَلِيِّ بن أَبِى طَالِبٍ ﷺ فَمَنِ استَقَامَ فِى وَلَايَةِ عَلِيٍّ دَخَلَ الجَنَّةَ وَ مَن خَالَفَ وَلَايَتَهُ دَخَلَ النَّارَ ، ﴿ **يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ** ﴾ فَإِنَّهُ يَعنِى عَلِيًّا فَمَن أُفِكَ عَن وَلَايَتِهِ أُفِكَ عَنِ الجَنَّةِ.

جعفر بن محمّد فزاری روایت کرده است: امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «جز این نیست که آن‌چه وعده داده می‌شوید، قطعاً راست است و بی‌تردید دین حقیقت دارد و سوگند به آسمان دارای راه‌های تودرتو» فرمود: منظور از دین، امیرمؤمنان علی ﷺ و منظور از آسمانِ دارای راهی تودرتو، رسول خدا ﷺ است. و اما در کلام حق تعالی «به راستی شما عقیدهٔ گوناگونی دارید»، منظور این امّت است که در ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ اختلاف کردند. پس هر که در ولایت علی ﷺ استقامت ورزد، به بهشت درآید و هر که با ولایت او مخالفت ورزد، به آتش درآید. «از آن برگردانده می‌شود، هر کس برگردانده شده است.» منظور علی ﷺ است؛ هر که از ولایت او برگردد، از بهشت برگردانده شده است.

(سورهٔ ذاریات، آیهٔ ۳۶)

﴿ فَمٰا وَجَدْنٰا فيهٰا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمينَ ﴾

پس در آنجا از مسلمانان جز [اهل] یک خانه [را] نیافتیم.

۳۹۳. قَالَ: حَدَّثَنِى الحُسَينُ بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا عَن أَبِى جَعفَرٍ ﷺ فِى قَولِهِ: ﴿ **فَأَخْرَجْنٰا مَنْ كٰانَ فيهٰا مِنَ الْمُؤْمِنينَ * فَمٰا وَجَدْنٰا فيهٰا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمينَ** ﴾ قَالَ: نَحنُ أَهلُ بَيتِ مُحَمَّدٍ ﷺ.

حسین بن سعید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی «پس هر که از مؤمنان در آن [شهر] بود بیرون کردیم. پس در آنجا از مسلمانان جز یک خانه [را] نیافتیم» فرمود: منظور ما اهل بیت محمّد ﷺ است.



وَ مِن سُورَةِ الطُّورِ

(سورهٔ طور، آيهٔ ۲۱)

﴿ وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ﴾

و كسانى كه ايمان آوردند و فرزندانشان در ايمان از آنان پيروى كردند، فرزندانشان را به آنان ملحق مى‌كنيم.

۳۹۴ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله ذاتَ يومٍ عَلى فَاطِمَةَ عليها السلام وَ هِيَ حَزِينَةٌ فَقالَ لَها: مَا حُزنُكِ يا بُنَيَّةِ؟ قَالَت: يا أَبَةِ ذَكَرتُ المَحشَرَ وَ وُقُوفَ النَّاسِ عُراةً يَومَ القِيامَةِ. قَالَ: يا بُنَيَّةِ إِنَّهُ لَيَومٌ عَظِيمٌ وَلكِن قَد أَخبَرَنِي جِبرَئِيلُ عَنِ اللهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ قَالَ: أَوَّلُ مَن يَنشَقُّ عَنهُ الأَرضُ يَومَ القِيامَةِ أَنا ثُمَّ أَبِي إِبراهِيمُ ثُمَّ بَعلُكِ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام ثُمَّ يَبعَثُ اللهُ إِلَيكِ جِبرَئِيلَ فِي سَبعِينَ أَلفَ مَلَكٍ فَيَضرِبُ عَلى قَبرِكِ سَبعَ قِبابٍ مِن نُورٍ ثُمَّ يَأتِيكِ إِسرافِيلُ بِثَلاثِ حُلَلٍ مِن نُورٍ فَيَقِفُ عِندَ رَأسِكِ فَيُنادِيكِ: يا فاطِمَةُ ابنَةَ مُحَمَّدٍ قُومِي إِلَى مَحشَرِكِ فَتَقُومِينَ آمِنَةً رَوعَتَكِ مَستُورَةً عَورَتُكِ فَيُناوِلُكِ إِسرافِيلُ الحُلَلَ فَتَلبَسِينَها وَ يَأتِيكِ رُوفائِيلُ بِنَجِيبَةٍ مِن نُورٍ زِمامُها مِن لُؤلُؤٍ رَطبٍ عَلَيها مِحَفَّةٌ مِن ذَهَبٍ فَتَركَبِينَها وَ يَقُودُ رُوفائِيلُ بِزِمامِها وَ بَينَ يَدَيكِ سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ بِأَيدِيهِم أَلوِيَةُ التَّسبِيحِ فَإِذا جَدَّ

بِكِ السَّيرُ استَقبَلَتكِ سَبعُونَ أَلفَ حَورَاءَ يَستَبشِرُونَ بِالنَّظَرِ إِلَيكِ بِيَدِ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنهُنَّ مِجمَرَةٌ مِن نُورٍ يَسطَعُ مِنهَا رِيحُ العُودِ مِن غَيرِ نَارٍ، وَ عَلَيهِنَّ أَكَالِيلُ الجَوهَرِ مُرَصَّعٍ بِالزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ فَيَسِرنَ عَن يَمِينِكِ، فَإِذَا مِثلَ الَّذِي سِرتَ مِن قَبرِكِ إِلَى أَن لَقِيَتكِ استَقبَلَتكِ مَريَمُ بِنتُ عِمرَانَ فِي مِثلِ مَن مَعَكِ مِنَ الحُورِ فَتُسَلِّمُ عَلَيكِ وَتَسِيرُ هِيَ وَ مَن مَعَهَا عَن يَسَارِكِ، ثُمَّ استَقبَلَتكِ أُمُّكِ خَدِيجَةُ بِنتُ خُوَيلِدٍ أَوَّلُ المُؤمِنَاتِ بِاللهِ وَ رَسولِهِ وَ مَعَهَا سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ بِأَيدِيهِم أَلوِيَةُ التَّكبِيرِ فَإِذَا قَرُبتِ مِنَ الجَمعِ استَقبَلَتكِ حَوَّاءُ فِي سَبعِينَ أَلفَ حَورَاءَ وَمَعَهَا آسِيَةُ بِنتُ مُزَاحِمٍ فَتَسِيرُ هِيَ وَ مَن مَعَهَا مَعَكِ فَإِذَا تَوَسَّطَتِ الجَمعَ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللهَ يَجمَعُ الخَلَائِقَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَيَستَوِي بِهِمُ الأَقدَامُ.

ابن عباس گفت: از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام شنیدم که فرمود: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بر حضرت فاطمه علیهاالسلام وارد شد و حال آن‌که آن بانو غمگین بود. به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: دخترم! چرا غمگینی؟ حضرت فاطمه فرمود: ای پدر! روز محشر و برهنگی مردم در قیامت را به یاد آوردم. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: دخترم! آن روز، روز بسیار بزرگی است؛ اما جبرئیل از سوی خداوند عزّوجلّ مرا خبر داد: چون در آن روز زمین شکافته شود، نخستین کسی که از زمین خارج می‌شود، من هستم؛ پس از من ابراهیم خلیل و پس از او شوهر تو علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بیرون می‌آید. آن‌گاه خداوند مهربان جبرئیل را با هفتاد هزار ملک بر مزار تو خواهد فرستاد و او بر مزار تو هفت قبهٔ نور نصب خواهد کرد؛ سپس اسرافیل سه جامه از نور برایت می‌آورد و بالای سرت می‌ایستد و ندا سر می‌دهد: ای فاطمه دختر محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله! به سوی محشرت درآ. در آن دم تو برمی‌خیزی حال آن‌که از ترس در امانی و بدنت پوشیده است. اسرافیل جامه‌ها را تقدیمت می‌کند و تو آن‌ها را بر تن می‌کنی. پس از آن روفائیل مرکبی از نور برایت می‌آورد که لگامش از مروارید تر است و کجاوه‌ای از زر بر پشت

دارد. تو بر آن می‌نشینی و روفائیل لگامش را به دست می‌گیرد حال آن‌که هفتاد هزار فرشته پیشاپیش تو بیرق‌های تسبیح در دست دارند. چون تو به راه افتی، هفتاد هزار پری سیاه‌چشم به استقبالت می‌آیند و از نگریستن به تو شادمان می‌شوند. هر یک از آنان مجمره‌ای از نور در دست دارد که بی‌هیچ آتشی بوی عود می‌پراکند و همگی تاج‌هایی از گوهر آراسته به زبرجد سبز بر سر دارند و سمت راست تو راهی می‌شوند. تو چونان‌که از مزارت به راه افتاده‌ای، راه می‌سپاری تا این‌که مریم دخت عمران با پریان سیاه‌چشمی همچون آنان که همراه تواند، به استقبالت می‌آید و بر تو سلام می‌کند و او نیز با هر آن‌که به همراه دارد، در سمت چپ تو راهی می‌شود. سپس مادرت دخت خویلد، نخستین بانوی مؤمن به خدا و رسولش، به استقبالت می‌آید و هفتاد هزار فرشته به همراه دارد که در دستانشان بیرق‌های تکبیر است. چون تو به آن جمع نزدیک شوی، حوا در میان آن هفتاد هزار پری سیاه‌چشم به همراهی آسیه دخت مزاحم به استقبالت می‌آید و با همرهان خود در پی تو به راه می‌افتد و چون تو در میان آن جمع درآیی، آن دمی است که خداوند آفریدگان را در یک رتبه گرد می‌آورد و گام‌هایشان را با هم برابر می‌نهد.

ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِن تحتِ العَرشِ يُسمِعُ الخَلَائِقَ: غُضُّوا أَبصَارَكُم حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ الصِّدِّيقَةُ ابنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مَن مَعَهَا. فَلَا يَنظُرُ إِلَيكِ يَومَئِذٍ إِلَّا إِبرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحمَانِ ﷺ وَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ ﷺ، وَ يَطلُبُ آدَمُ حَوَّاءَ فَيَرَاهَا مَعَ أُمِّكِ خَدِيجَةَ أَمَامَكِ ثُمَّ يُنصَبُ لَكِ مِنبَرٌ مِنَ النُّورِ فِيهِ سَبعُ مَرَاقِيَ بَينَ المِرقَاةِ إِلَى المِرقَاةِ صُفُوفُ المَلَائِكَةِ بِأَيدِيهِم أَلوِيَةُ النُّورِ، وَ تَصطَفُّ الحُورُ العِينُ عَن يَمِينِ المِنبَرِ وَ عَن يَسَارِهِ، وَ أَقرَبُ النِّسَاءِ مَعَكِ عَن يَسَارِكِ حَوَّاءُ وَ آسِيَةُ بِنتُ مُزَاحِم، فَإِذَا صِرتِ فِي أَعلَا المِنبَرِ أَتَاكِ جَبرَئِيلُ ﷺ فَيَقُولُ لَكِ: يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكِ، فَتَقُولِينَ: يَا رَبِّ أَرِنِي الحَسَنَ وَ الحُسَينَ فَيَأتِيَانِكِ وَ أَودَاجُ الحُسَينِ تَشخُبُ دَمًا وَ هُوَ يَقُولُ: يَا رَبِّ خُذ لِيَ اليَومَ حَقِّي

مِمَّن ظَلَمَنِی ، فَیَغضَبُ عِندَ ذَلِكَ الجَلِیلُ وَ یَغضَبُ لِغَضَبِهِ جَهَنَّمُ وَ المَلائِكَةُ أَجمَعُونَ فَتَزفِرُ جَهَنَّمُ عِندَ ذَلِكَ زَفرَةً ثُمَّ یَخرُجُ فَوجٌ مِنَ النَّارِ وَ یَلتَقِطُ قَتَلَةَ الحُسَینِ وَ أَبناءَهُم وَ أَبناءَ أَبنَاءِهِم وَ یَقُولُونَ: یَا رَبِّ إِنَّا لَم نَحضُرِ الحُسَینَ علیه‌السلام فَیَقُولُ اللهُ لِزَبَانِیَةِ جَهَنَّمَ: خُذُوهُم بِسِیمَاهُم بِزُرقَةِ الأَعیُنِ وَ سَوَادِ الوُجُوهِ ، خُذُوا بِنَوَاصِیهِم فَأَلقُوهُم فِی الدَّرْكِ الأَسفَلِ مِنَ النَّارِ فَإِنَّهُم كَانُوا أَشَدَّ عَلَی أَولِیَاءِ الحُسَینِ مِن آبَائِهِمُ الَّذِینَ حَارَبُوا الحُسَینَ فَقَتَلُوهُ ، فَیُسمَعُ شَهِیقُهُم فِی جَهَنَّمَ.

در آن دم نداده‌نده‌ای از زیر عرش چنان‌که تمامی آفریدگان بشنوند، ندا سر می‌دهد: دیده فروبندید تا فاطمه صدّیقه دخت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله با همراهانش بگذرند. در آن روز هیچ کس جز ابراهیم خلیل علیه‌السلام و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام سوی تو نظر نمی‌کند و آدم علیه‌السلام نیز چون به جست‌وجوی حوا درآید، او را با مادر تو خدیجه پیش روی تو می‌یابد. آن‌گاه از برای تو منبری از نور با هفت پله برپا می‌دارند که میان هر پله‌اش فرشتگانی با بیرق‌های نور صف بسته‌اند و پریانی سیاه‌چشم از راست و چپش صف زده‌اند، حال آن‌که نزدیک‌ترین زن از همراهانت حوا و آسیه دخت مزاحم در سمت چپ تو هستند. چون تو بر منبر فراز شوی، جبرئیل علیه‌السلام سویت می‌آید و می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بگو. تو می‌گویی: پروردگارا! حسن و حسین علیهماالسلام را به من نشان ده. آن‌دو را نزد تو می‌آورند حال آن‌که از شاهرگ گلوی حسین خون بیرون می‌جهد و او می‌گوید: پروردگارا! امروز حقّ مرا از آنان که به من ستم کردند بستان. در آن دم خداوند جلیل را خشم می‌گیرد و از خشم او دوزخ و فرشتگان همگی خشمناک می‌شوند و دوزخ بانگی مهیب برمی‌کشد و موجی از آتش از آن سر بر می‌آورد و قاتلان حسین علیه‌السلام و فرزندان و فرزندزادگان ایشان را برمی‌چیند. برخی از آنان می‌گویند: پروردگارا! ما که به هنگام قتل حسین حاضر نبودیم! و خداوند به فرشتگان عذاب می‌فرماید: آنان را از روی چهره‌هایشان که چشمانی آبی و صورتی سیاه دارند بگیرید، آنان را از پیشانی بگیرید و در

پایین‌ترین طبقهٔ دوزخ اندازید؛ چرا که اینان بر دوستداران حسین علیه السلام ستمکارتر از پدرانشان بودند که با حسین علیه السلام جنگیدند و او را به قتل رساندند. آن‌گاه نالهٔ آنان در دوزخ شنیده می‌شود.

ثُمَّ يَقُولُ جبرَئيلُ: يَا فاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكِ؟ فَتَقولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللهُ: قَد غَفَرتُ لَهُم، فَتَقولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَةُ وَلَدِي، فَيَقُولُ اللهُ: قَد غَفَرتُ لَهُم، فَتَقولِينَ: يَا رَبِّ شِيعَةُ شِيعَتِي، فَيَقُولُ اللهُ: انطَلِقِي فَمَنِ اعتَصَمَ بِكِ فَهُوَ مَعَكِ فِي الجَنَّةِ، فَعِندَ ذلِكَ يَوَدُّ الخَلائِقُ أَنَّهُم كَانُوا فَاطِمِيِّينَ، فَتَسِيرِينَ وَ مَعَكِ شِيعَتُكِ وَ شِيعَةُ وُلدِكِ وَ شِيعَةُ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ آمِنَةً رَوعَاتِهِم مَستُورَةً عَورَاتُهُم قَد ذَهَبَت عَنهُمُ الشَّدَائِدُ وَ سَهُلَت لَهُمُ المَوَارِدُ، يَخَافُ النَّاسُ وَ هُم لا يَخَافُونَ وَ يَظمَأُ النَّاسُ وَ هُم لا يَظمَأُونَ فَإِذَا بَلَغتِ بَابَ الجَنَّةِ تَلَقَّتكِ اثنَى عَشَرَ أَلفَ حَورَاءَ لَم يَلتَقِينَ أَحَدًا قَبلَكِ وَ لا يَتَلَقَّينَ أَحَدًا بَعدَكِ، بِأَيدِيهِم حِرابٌ مِن نُورٍ عَلَى نَجَائِبَ مِن نُورٍ رَحَائِلُهَا مِنَ الذَّهَبِ الأَصفَرِ وَ اليَاقُوتِ، أَزِمَّتُهَا مِن لُؤلُؤٍ رَطبٍ، عَلَى كُلِّ نَجِيبَةٍ نُمرُقَةٌ مِن سُندُسٍ مَنضُودٍ فَإِذَا دَخَلتِ الجَنَّةَ تُبَاشِرُ بِكِ أَهلُهَا وَ وُضِعَ لِشِيعَتِكِ مَوائِدُ مِن جُوهَرٍ عَلَى أَعمِدَةٍ مِن نُورٍ، فَيَأكُلُونَ مِنهَا وَ النَّاسُ فِي الحِسَابِ وَ هُم فِيمَا اشتَهَت أَنفُسُهُم خَالِدُونَ، فَإِذَا استَقَرَّ أَولِيَاءُ اللهِ فِي الجَنَّةِ زَارَكِ آدَمُ وَ مَن دُونَهُ مِنَ النَّبِيِّينَ، وَ إِنَّ فِي بُطنَانِ الفِردَوسِ لَلُؤلُؤَتَانِ مِن عِرقٍ وَاحِدٍ، لُؤلُؤَةٌ بَيضَاءُ وَ لُؤلُؤَةٌ صَفرَاءُ فِيهَا قُصُورٌ وَ دُورٌ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ سَبعُونَ أَلفَ دَارٍ، البَيضَاءُ مَنَازِلُ لَنَا وَ لِشِيعَتِنَا وَ الصَّفرَاءُ مَنَازِلُ لِإِبرَاهِيمَ وَ آلِ إِبرَاهِيمَ.

قَالَت: يَا أَبَةِ فَمَا كُنتُ أُحِبُّ أَن أَرَى يَومَكَ وَ أَبقَى بَعدَكَ. قَالَ: يَا بُنَيَّةَ لَقَد أَخبَرَنِي جَبرَئِيلُ عَنِ اللهِ إِنَّكِ أَوَّلُ مَن يَلحَقُنِي مِن أَهلِ بَيتِي فَالوَيلُ كُلُّهُ لِمَن ظَلَمَكِ وَ الفَوزُ العَظِيمُ لِمَن نَصَرَكِ.

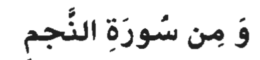
قَالَ عَطاءُ: وَ كَانَ ابنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الحَدِيثَ تَلا هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ **وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ مَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ** ﴾.

سپس جبرئیل می‌گوید: ای فاطمه! حاجتت را بگو. تو می‌گویی: پروردگارا! شیعیانم را دریاب. خداوند می‌فرماید: آمرزیدمشان. تو می‌گویی: پروردگارا! شیعیان فرزندم را دریاب. خداوند می‌فرماید: آمرزیدمشان. تو می‌گویی: پروردگارا! یاران شیعیانم را دریاب. خداوند می‌فرماید: به راه درآ که هر کس به دامان تو چنگ اندازد، با تو در بهشت است. در آن هنگام تمامی آفریدگان آرزو دارند که ای کاش فاطمی بودند. تو به راه می‌افتی و شیعیان تو و شیعیان فرزند تو و شیعیان امیرمؤمنان ﷺ همراه تو به راه می‌افتند حال آن‌که از ترس در امان هستند و بدن‌هایشان پوشیده است و سختی‌ها از آنان رخت بربسته و راه‌ها بر آنان آسان گشته است. مردم ترسانند و ایشان نمی‌ترسند و مردم تشنه‌اند و ایشان تشنه نیستند. وقتی تو به دروازهٔ بهشت می‌رسی، دوازده هزار پری سیاه‌چشم با تو رویارو می‌شوند؛ پریانی که نه پیش از تو با کسی رویارو شده‌اند و نه پس از تو با کسی رویارو می‌شوند. در دستانشان نیزه‌هایی از نور است و بر مرکب‌هایی از نور نشسته‌اند که جهازهایی از طلای زرد و یاقوت و لگام‌هایی از مروارید تر دارند و بر هر یک از آن‌ها بالشی از دیبای آراسته است. چون تو به بهشت درآیی، بهشتیان ورود تو را به هم مژده می‌دهند و سفره‌هایی از گوهر بر ستون‌هایی از نور برای شیعیان تو می‌گسترانند و ایشان از آن سفره‌ها می‌خورند؛ حال آن‌که مردمان دیگر حساب پس می‌دهند و ایشان در هر آن‌چه که دلشان بخواهد، جاودانه‌اند. وقتی دوستان خدا در بهشت جای گیرند، آدم به همراه پیامبران تو را زیارت می‌کنند. در میان بهشت در دو جا دو مروارید از یک سنخ قرار دارد، مرواریدی سفید و مرواریدی زرد که در هر یک کاخ‌ها و سراهایی قرار دارد که در هر یک هفتاد هزار سرا قرار دارد. سراهای سفید منزلگاه‌های ما و شیعیان ماست و سراهای زرد از برای ابراهیم ﷺ و خاندان ابراهیم ﷺ است. آن‌گاه حضرت فاطمه ﷺ فرمود: ای پدر! هیچ دوست نمی‌داشتم که روز درگذشت تو را ببینم و پس از تو بر جا

بمانم. پیامبر ﷺ فرمود: دخترکم! جبرئیل از سوی خداوند متعال مرا خبر داده نخستین کسی که از اهل بیتم به من می‌پیوندد، تو هستی؛ پس نگون‌بختی، سراسر برای کسانی است که به تو ستم کنند و رستگاری بزرگ برای آنان است که تو را یاری دهند. عطاء گفت: ابن عباس پس از ذکر این حدیث این آیه را تلاوت کرد: «و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می‌کنیم و چیزی از [پاداش] اعمالشان را نمی‌کاهیم. هر کسی در گرو آن چیزی است که به دست آورده است.»







وَ مِن سُورَةِ النَّجمِ

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ صٰاحِبُكُمْ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾

سوگند به ستاره آن‌گاه که فرود آید. همنشین شما (رسول خدا ﷺ) گمراه نشد و به بیراهه نرفت. و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود، نیست.

۳۹۵. عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ بُرَيدَةَ الأَسلَمِيِّ عَن أَبِيهِ قَالَ: إِنقَضَّ نَجمٌ عَلَى عَهدِ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ مَن وَقَعَ هَذَا النَّجمُ فِي دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ فَوَقَعَ النَّجمُ فِي دَارِ عَلِيٍّ فَقَالَت قُرَيشٌ: ضَلَّ مُحَمَّدٌ، فَأَنزَلَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: **﴿ وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ صٰاحِبُكُمْ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾**.

عبد الله‌بن بریده اسلمی به نقل از پدرش گفت: در روزگار رسول خدا ﷺ به‌ناگاه ستاره‌ای فرود آمد. پیامبر فرمود: این ستاره در خانهٔ هر کس بیفتد، او خلیفه است. چون آن ستاره در خانهٔ حضرت علی ؈ افتاد، قریشیان گفتند: محمّد گمراه شده است و آن‌گاه خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود.

۳۹۶. عَن نُوفِ البُکالِی عَن عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام قالَ: جاءَت جَماعَةٌ مِن قُرَیشٍ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقالُوا: یا رَسُولَ اللهِ إنصب لَنا عَلَماً یَکُن لَنا مِن بَعدِکَ لِنَهتَدِیَ وَ لا نَضِلَّ کَما ضَلَّت بَنُو إِسرائِیلَ بَعدَ مُوسَی بنِ عِمرانَ فَقَد قالَ رَبُّکَ: ﴿ **إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ**[1] ﴾ وَ لَسنا نَطمَعُ أَن تَعمُرَ فِینا مَا عَمُرَ نُوحُ فِی قَومِهِ وَ قَد عَرَفتَ مُنتَهَی أَجَلِكَ وَ نُرِیدُ أَن نَهتَدِیَ وَ لا نَضِلَّ. قالَ: إِنَّکُم قَرِیبُوا عَهدٍ بِالجاهِلِیَّةِ وَ فِی قُلُوبِ أَقوامٍ أَضغانٌ وَ عَسِیتُ إِن فَعَلتُ أَن لا تَقبَلُوا وَلکِن مَن کانَ فِی مَنزِلِهِ اللَّیلَةَ آیَةٌ مِن غَیرِ ضَیرٍ فَهُوَ صاحِبُ الحَقِّ.
قالَ: فَلَمَّا صَلَّی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله العِشاءَ وَانصَرَفَ إِلَی مَنزِلِهِ سَقَطَ فِی مَنزِلِی نَجمٌ أَضاءَت لَهُ المَدِینَةَ وَ مَا حَولَها وَ انفَلَقَ بِأَربَعَ فَلَقٍ انشَعَبَت فِی کُلِّ شُعبَةٍ فِلقَةٍ مِن غَیرِ ضَیرٍ.

نوف بکالی گفت: حضرت علی علیه السلام فرمود: جمعی از قریشیان خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: ای رسول خدا! برای ما نشانی برافراز تا پس از شما به آن راه یابیم و گمراه نشویم آن‌چنان‌که بنی‌اسرائیل پس از موسی‌بن عمران علیه السلام گمراه شدند؛ چراکه پروردگار شما فرموده است: «به راستی تو می‌میری و آنان [نیز] می‌میرند» و ما این طمع نداریم که شما درمیان ما چون نوح درمیان قومش عمر کنید و حال آن‌که پایان عمر خویش را دریافته‌اید و ما خواستار آنیم که راه یابیم و گمراه نشویم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما به روزگار جاهلیت نزدیک هستید و اقوامی از شما در دل کینه‌هایی دارند و چنین می‌بینم که اگر چنین کنم، نپذیرید؛ با این حال هر که امشب در منزلش نشانه‌ای بی‌هیچ گزندی پدید آید، او صاحب این حق است. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز عشا به جا آورد و رو سوی منزلش گذارد، حضرت علی علیه السلام عرض کرد: در خانه من ستاره‌ای فرود آمد که مدینه و پیرامونش از آن روشن شد و سپس چهار تکه شد و هر تکه‌اش به دو نیم شد و هیچ گزندی نرساند.

قالَ نُوفُ: قالَ لِی جابِرُ بنُ عَبدِاللهِ: إِنَّ القَومَ أَصَرُّوا عَلَی ذلِكَ وَ أَمسَکُوا فَلَمّا أَوحَی اللهُ

---

۱. زمر، ۳۰

إِلَى نَبِيِّهِ أَن أَرفَع ضِبعَ ابنِ عَمِّكَ قَالَ: يَا جبرَئِيلُ أَخافُ مِن تَشَتُّتِ قُلُوبِ القَومِ فَأَوحَى اللهُ إِلَيهِ: **﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾** قَالَ: فَأَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ بَلالًا يُنَادِي بِالصَّلاةِ جَامِعَةً فَاجتَمَعَ المُهَاجِرُونَ وَ الأَنصَارُ فَصَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ قُرَيشٍ لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ العَرَبِ لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ المَوَالِي لَكُم اليَومَ الشَّرَفُ صَفُّوا صُفُوفَكُم. ثُمَّ دَعَا بِدَوَاةٍ وَ قِرطَاسٍ فَأَمَرَ فَكَتَبَ فِيهِ: بِسمِ اللهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. قَالَ: شَهِدتُم؟ قَالُوا: نَعَم. قَالَ: أَفَتعلَمُونَ أَنَّ اللهَ مَولَاكُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم. قَالَ: فَقَبَضَ عَلَى ضِبعِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فَرَفَعَهُ لِلنَّاسِ حَتَّى تَبَيَّنَ بَيَاضُ إِبطَيهِ ثُمَّ قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَولَاهُ. ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَانصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ، فِيهِ كَلَامٌ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى: **﴿ وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَىٰ * وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴾** فَأَوحَى إِلَيهِ: **﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴾**.

نوف گفت: جابربن عبدالله گفت: آن قوم بر این امر پای فشردند و اصرار کردند. آن‌گاه خداوند به پیامبرش وحی فرمود که بازوی پسرعمویت را بالا ببر. رسول خدا ﷺ فرمود: ای جبرئیل! من از پراکندگی دل‌های این قوم می‌ترسم، خداوند بر ایشان وحی فرمود: ای پیامبر! آن‌چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] ابلاغ کن و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد.» این چنین پیامبر ﷺ به بلال فرمان داد تا ندای نمازی جامع سر دهد و این‌گونه مهاجران و انصار گرد آمدند. آن‌گاه حضرت بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند متعال فرمود: ای جماعت قریش! ارجمندی امروز از برای شماست، پس صف ببندید! سپس فرمود: ای جماعت عرب! ارجمندی امروز از برای شماست،

پس صف ببندید! سپس فرمود: ای جماعت موالی! ارجمندی امروز از برای شماست، پس صف ببندید! سپس دوات و کاغذ خواست و فرمان داد تا بر آن نوشتند: به نام خداوند بخشندهٔ مهربان، هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد رسول اوست. آن‌گاه فرمود: گواهی می‌دهید؟ عرض کردند: بله. فرمود: آیا می‌دانید که خداوند مولای شماست؟ عرض کردند: به خدا سوگند بله. در آن هنگام ایشان بازوی حضرت علی ﷺ را گرفت و آن را برای مردم بالا برد، آن‌چنان‌که سپیدی زیر کتف او به چشم آمد. سپس فرمود: هر که من مولای اویم، این علی، مولای اوست. خدایا دوست بدار هر آن‌که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر آن‌که او را دشمن می‌دارد و یاری کن هر آن‌که او را یاری کند و خوار ساز هر آن‌که او را خوار سازد. آن‌گاه خداوند متعال نازل فرمود: «سوگند به ستاره آن‌گاه که فرود آید. همنشین شما گمراه نشد و به بیراهه نرفت. و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود، نیست.» و به ایشان وحی فرمود: «ای پیامبر! آن‌چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به مردم ابلاغ کن.»

۳۹۷. قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُبنُ عِيسَىبنِ زَكَرِيَّا مُعَنعَنًا: عَن جعفَربنِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: لَمَّا أَقَامَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَمِيرَالمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِیطالِبٍ ﷺ يومَ غَدِيرِ خُم ـ فَذَكَرَ كَلامًا ـ فَأَنزَلَ اللهُ عَلَى لِسَانِ جِبرَئِيلَ ﷺ فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّى مُنزِّلُ غَدًا ضَحوَةً نَجمًا مِنَ السَّمَاءِ يَغلِبُ ضَوءُهُ عَلَى ضَوءِ الشَّمسِ فَأَعلِم أَصحَابَكَ إِنَّهُ مَن سُقِطَ ذَلِكَ النَّجمُ فِى دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ مِن بَعدِكَ. فَأَعلَمَهُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَنَّهُ غَدًا يَسقُطُ مِنَ السَّمَاءِ نَجمٌ يَغلِبُ ضَوءُهُ ضَوءَ الشَّمسِ فَمَن سُقِطَ ذَلِكَ النَّجمُ فِى دَارِهِ فَهُوَ الخَلِيفَةُ مِن بَعدِى، فَجَلَسُوا كُلُّهُم كُلٌّ فِى مَنزِلِه يَتَوَقَّعُ أَن يَسقُطَ النَّجمُ فِى مَنزِلِهِ فَمَا لَبِثُوا أَن سَقَطَ النَّجمُ فِى مَنزِلِ عَلِيِّبنِ أَبِیطالِبٍ وَ فَاطِمَةَ ﷺ وَالتَّحِيَّةُ وَ الإِكرَامُ، وَ اجتَمَعَ القَومُ وَ قَالُوا: وَاللهِ مَا تَكَلَّمَ فِيهِ إِلَّا بِالهَوَى. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ: ﴿وَ النَّجْمِ إِذٰا هَوىٰ * مٰا ضَلَّ

صٰاحِبُكُمْ ﴾ فِی عَلِیٍّ ﴿ وَ مٰا غَوىٰ * وَ مٰا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ * إِنْ هُوَ إِلاّٰ وَحْيٌ يُوحىٰ ﴾ إِلَى ﴿ أَ فَتُمارُونَهُ عَلىٰ مٰا يَرىٰ ﴾.

محمّد بن عیسی بن زکریا روایت کرده است امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را به پا داشت ـ امام جعفر علیه السلام سخنی ایراد کرد و سپس فرمود: ـ آن‌گاه خداوند بر زبان جبرئیل نازل فرمود: ای محمّد! فردا ظهر ستاره‌ای از آسمان فرود می‌آورم که نورش بر نور خورشید چیره می‌شود؛ پس یارانت را خبر ده که هر کس این ستاره در خانه‌اش فرود آید، او پس از تو خلیفه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آنان را خبر داد که فردا از آسمان ستاره‌ای فرود می‌آید که نورش بر نور خورشید چیره می‌شود و هر کس آن ستاره در خانه‌اش فرود آید، او پس از من خلیفه است. از این رو آنان همگی در خانه‌هایشان نشستند تا بلکه آن ستاره در خانه‌شان فرود آید، اما دیری نپایید که ستاره با درود و گرامیداشت در خانه علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام فرود آمد. این شد که آن قوم گرد هم آمدند و گفتند: او در این باره از روی هوای نفس سخن گفته است. پس خداوند بر پیامبرش نازل فرمود: «سوگند به ستاره آن‌گاه که فرود آید. همنشین شما گمراه نشد و به بیراهه نرفت» دربارهٔ حضرت علی علیه السلام «و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آن‌چه می‌گوید جز وحی‌ای که [به سوی او] وحی می‌شود نیست.» تا آنجا که فرمود: «آیا بر سر آن‌چه می‌بینید با او مجادله می‌کنید؟»

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۹)

﴿ فَكٰانَ قٰابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ ﴾

سپس [فاصله‌اش] به مقدار دو کمان یا نزدیک‌تر شد.

۳۹۸. حَدَّثَنَا جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا عَن عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عَن فَاطِمَةَ بِنتِ مُحَمَّدٍ عليها السلام قَالَت: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: لَمّا عُرِجَ بِی إِلَى السَّماءِ فَصِرتُ إِلى سِدرَةِ المُنتَهى ﴿ **فَكٰانَ قٰابَ**

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنٰى﴾ فَرَأَيتُهُ بِقَلبِي وَ لَم أَرَهُ بِعَينِي، سَمِعتُ الأَذَانَ مَثنَى مَثنَى وَ الإِقَامَةَ وَترًا وَترًا، وَ سَمِعتُ مُنَادِيًا يُنَادِي: يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي إِشهَدُوا أَنِّي أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحدِي لَا شَرِيكَ لِي. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا. قَالَ: اشهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي بِأَنَّ مُحَمَّدًا عَبدِي وَ رَسُولِي. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا، قَالَ: وَ اشهَدُوا يَا مَلَائِكَتِي وَ سُكَّانَ سَمَاوَاتِي وَ أَرضِي وَ حَمَلَةَ عَرشِي بِأَنَّ عَلِيًّا وَلِيِّي وَ وَلِيُّ رَسُولِي وَ وَلِيُّ المُؤمِنِينَ. قَالُوا: شَهِدنَا وَ أَقرَرنَا.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام سجاد ﷺ از حضرت فاطمه ﷺ از رسول خدا ﷺ نقل فرمود: چون به آسمان عروج یافتم، به سدرة المنتهی رسیدم «سپس [فاصله‌اش] به مقدار دو کمان یا نزدیک‌تر شد» و من او را با قلب خویش و نه با چشم دیدم و آن‌گاه دو بار اذان و یک بار اقامه شنیدم و سپس ندا دهنده‌ای ندا سر داد: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! گواهی دهید که من خداوند یکتایم که هیچ خدایی جز من نیست و یگانه‌ام و هیچ شریکی ندارم. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم. گفت: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! و گواهی دهید که محمّد بندهٔ من و رسول من است. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم. گفت: ای فرشتگان من و ساکنان آسمان‌ها و زمین من و حاملان عرش من! و گواهی دهید که علی ﷺ ولی من و ولی رسول من و ولی مؤمنان است. گفتند: گواهی می‌دهیم و اقرار می‌کنیم.

قَالَ عِبَادُ: قَالَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: وَ كَانَ ابنُ عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الحَدِيثَ قَالَ: إِنَّا لَنَجِدُهُ فِي كِتَابِ اللهِ: **﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولاً[1]﴾**. قَالَ: فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: مَا استَودَعَهُم دِينَارًا وَ لَا دِرهَمًا وَ لَا كَنزًا مِن كُنُوزِ الأَرضِ وَلَكِنَّهُ أَوحَى إِلَى السَّمَاوَاتِ

---

۱. احزاب، ۷۲

وَالأَرضِ وَالجِبالِ مِن قَبلِ أَن يَخلُقَ آدَمَ أَنّي مُخَلِّفُ فيكِ الذُّرِّيَّةَ ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ فَما أَنتِ فاعِلَةٌ بِهِم؟ إِذا دَعَوكِ فَأَجيبيهِم وَإِذا أَوَوكِ فَآويهِم، وَأَوحىٰ إِلَى الجِبالِ: إِن دَعَوكِ فَأَجيبيهِم وَأَطيعي، فَأَشفَقَتِ السَّماواتُ وَالأَرضُ وَالجِبالُ مِمّا سَأَلَها اللهُ مِنَ الطّاعَةِ لَهُم وَمِمّا حَمَلَها فَأَشفَقنَ مِن ذٰلِكَ فَسَأَلَ اللهَ أَلّا طاقَةَ لَهُم بِذٰلِكَ مَخافَةَ أَن يَغفُلوا عَنِ الطّاعَةِ فَحَمَلَها بَني آدَمَ فَحَمَلَها.

عباد گفت: امام محمّد باقر ﷺ فرمود: هر گاه ابن عباس از این حدیث یاد می‌کرد، می‌گفت: ما این سخن را در قرآن می‌یابیم: «بی‌تردید ما آن امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم. پس از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را برداشت. به راستی او ستمکاری نادان است.» و می‌گفت: نزد آنان درهم و دینار و گنج‌های زمین را به امانت نسپرد؛ بلکه پیش از آفرینش آدم به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها وحی کرد که من فرزندان حضرت محمّد ﷺ را نزدتان بر جا می‌گذارم، شما با ایشان چه می‌کنید؟ چون شما را فراخواندند، اجابتشان کنید و چون از شما پناه خواستند، پناهشان دهید؛ و به کوه‌ها وحی فرمود: چون شما را فراخواندند، اجابتشان کنید و از ایشان فرمان برید. چون خداوند از آنان خواست تا از ایشان فرمان ببرند، آنان از حمل این امانت ترسیدند و به خداوند عرض کردند که توان این کار را ندارند؛ چرا که می‌ترسیدند در فرمان‌بری از ایشان غفلت ورزند؛ این شد که بنی‌آدم این امانت را برداشت.

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۳۲)

﴿الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ﴾

کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری می‌کنند.

۳۹۹. عَن جابِرٍ قالَ: سَأَلتُ أَباجَعفَرٍ ﷺ عَن تَفسيرِ هٰذِهِ الآيَةِ: ﴿الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ

وَ الْفَوٰاحِشَ ﴾ قَالَ: فَقَالَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: نَزَلَت فِی آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِیعَتِهِم ﴿ الَّذِینَ یَجْتَنِبُونَ کَبٰائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوٰاحِشَ ﴾.

جابر گفت: از امام محمّد باقر ﷺ دربارهٔ تفسیر این آیه پرسیدم. ایشان فرمود: دربارهٔ خاندان حضرت محمّد ﷺ و شیعیان ایشان نازل شد.

(سورهٔ نجم، آیهٔ ۵۶)

﴿ هٰذٰا نَذِیرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولىٰ ﴾

این بیم‌دهنده‌ای است از [جنس] بیم‌دهندگان پیشین.

۴۰۰. عَن جَابِرٍ عَن مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ ﷺ قَالَ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ هٰذٰا نَذِیرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولىٰ ﴾ قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ ﷺ مِن إِبرَاهِیمَ وَ إِسمَاعِیلَ وَ إِسحَاقَ وَ یَعقُوبَ قَالَ: هُم وَلَدُوهُ فَهُوَ مِن أَنفُسِهِم عَلَیهُمُ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ وَ التَّحِیَّةُ.

جابر گفت: امام محمّد تقی ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: او حضرت محمّد ﷺ است که از ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب است. ایشان پدران اویند و او از ایشان است که درود و سلام و تحیت خدا بر آنان باد.



وَ مِن سُورَةِ القَمَرِ

(سورهٔ قمر، آیهٔ ۶)

﴿ وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمارَوْا بِالنُّذُرِ ﴾

و مسلماً آنان را از عذاب شدید ما بیم داد. پس با بیم‌دهندگان مجادله کنید.

۴۰۱ . عَن سَلمَانَ الفَارِسِیِّ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ فِی کَلام ذَکَرَهُ فِی عَلِیٍّ فَذَکَرَهُ سَلمَانُ لِعَلِیٍّ فَقالَ: وَاللهِ یَا سَلمَانُ لَقَد أَخبَرَنِی بِمَا أَخبَرَکَ بِهِ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ إِنَّکَ مُبتَلًی وَ النَّاسُ مُبتَلُونَ بِکَ وَاللهِ إِنَّکَ لَحُجَّةُ اللهِ عَلَی أَهلِ السَّمَاءِ وَ أَهلِ الأَرضِ وَ مَا خَلَقَ اللهُ مِن خَلقٍ إِلَّا وَ قَدِ احتَجَّ عَلَیهِ بِاسمِكَ وَ فِیمَا أُخِذَت إِلَیهِم مِنَ الکُتُبِ. ثُمَّ قَالَ: وَاللهِ مَا یُؤمِنُ المُؤمِنُونَ إِلَّا بِکَ وَ لَا یَضِلُّ الکَافِرُونَ إِلَّا بِکَ ، وَ مَن أَکرَمَ عَلَی اللهِ مِنكَ؟ ثُمَّ قَالَ: یَا عَلِیُّ إِنَّکَ لِسَانُ اللهِ الَّذِی یَنطِقُ مِنهُ ، وَ إِنَّکَ لَبَأسُ اللهِ الَّذِی یَنتَقِمُ بِهِ ، وَ إِنَّکَ لَسَوطُ عذابِ اللهِ الَّذِی یَنتَصِرُ بِهِ ، وَ إِنَّکَ لَبَطشَةُ اللهِ الَّتِی قَالَ اللهُ: **﴿ وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمارَوْا بِالنُّذُرِ ﴾** وَ إِنَّکَ إِیعَادُ اللهِ ، فَمَن أَکرَمَ عَلَی اللهِ مِنكَ وَ إِنَّکَ وَ اللهِ لَقَد خَلَقَکَ اللهُ بِقُدرَتِهِ وَ أَخرَجَکَ مِنَ المُؤمِنِینَ مِن خَلقِهِ ، وَ لَقَد أَثبَتَ مَوَدَّتَکَ فِی صُدورِ المُؤمِنِینَ ، وَ اللهِ یَا عَلِیُّ إِنَّ فِی السَّمَاءِ لَمَلَائِکَةً مَا یُحصِیهِم إِلَّا اللهُ وَ أَنتَ القَائِمُ بِالقِسطِ یَنتَظِرُونَ أَمرَکَ وَ یَذکُرُونَ فَضلَکَ وَ یَتَفَاخَرُونَ أَهلُ السَّمَاءِ بِمَعرِفَتِكَ

وَ يَتَوَسَّلُونَ إِلَى اللهِ بِمَعرِفَتِكَ وَ إِنتِظَارِ أَمرِكَ ، يَا عَلِيُّ مَا سَبَقَكَ أَحَدُ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ لَا يُدرِكُكَ أَحَدُ مِنَ الآخِرِينَ.

سلمان فارسی از قول پیامبر ﷺ در بیان مناقب امیر مؤمنان ﷺ در محضر امام علی ﷺ آغاز به سخن می‌نمود که امام علی ﷺ فرمود: ای سلمان! به خدا سوگند آن‌چه که پیامبر تو را از آن خبر داده، خود مرا نیز از آن خبر داده است؛ سپس فرمود: ای علی! همانا تو مورد ابتلا قرار گرفتی و مردم نیز به واسطهٔ تو آزموده شدند. به خدا سوگند تو حجّت خدا بر اهل آسمان و زمین هستی و خداوند خَلقی را نیافرید مگر آن‌که با اسم تو و با آن‌چه در کتب آسمانی آمده است، بر آن‌ها پیمان گرفت و احتجاج نمود.

سپس فرمود: به خدا سوگند مؤمنان ایمان نمی‌آورند مگر به واسطهٔ وجود تو و کافران گمراه نمی‌شوند مگر به واسطهٔ وجود تو و چه کسی نزد خدا از تو گرامی‌تر است؟ ای علی! تو زبان خدا هستی که با آن سخن می‌گوید و تو خشم خدایی که خدا به وسیلهٔ آن انتقام می‌گیرد و همانا تو تازیانهٔ عذاب خدایی که به وسیلهٔ آن یاری داده می‌شود و تو عذاب خدایی که خداوند فرمود: «و مسلماً آنان را از عذاب شدید ما بیم داد» و همانا تو وعدهٔ خدایی. پس چه کسی نزد خدا از تو گرامی‌تر است؟ به خدا سوگند خداوند تو را به قدرتش آفرید و تو را از شمار مؤمنان در میان آفریدگانش خلق کرد و دوستی تو را در سینه مؤمنان استوار کرد. به خدا سوگند ای علی! در آسمان فرشتگانی هستند که شمار آن‌ها را فقط خدا می‌داند و تو قائم به قسط و داد هستی و آنان منتظر امر تو هستند و از نیکی تو نزد یکدیگر می‌گویند و اهل آسمان به شناخت تو بر یکدیگر می‌بالند و به واسطهٔ شناخت تو و انتظار امر تو سوی خدا متوسل می‌شوند. ای علی! هیچ کس از پیشینیان بر تو پیشی نگرفته و هیچ کس از آیندگان تو را درک نخواهد کرد.

(سورهٔ قمر، آیهٔ ۵۴ـ ۵۵)

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيکٍ مُقْتَدِرٍ ﴾

به راستی پرهیزکاران در بهشت‌ها و [کنار] نهرها هستند. در مکانی پسندیده نزد پادشاهی قدرتمند.

۴۰۲. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِيِّ قَالَ: تَذَاکَرَ أَصحَابُنَا الجَنَّةَ عِندَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ النَّبِيُّ: إِنَّ أَوَّلَ أَهلِ الجَنَّةِ دُخُولًا عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ ؑ قَالَ: فَقَالَ أَبُودُجَانَةُ الأَنصَارِيُّ: يَا رَسُولَ اللهِ أَ لَيسَ أَخبَرتَنَا أَنَّ الجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الأَنبِيَاءِ حَتَّى تَدخُلَهَا وَ عَلَى الأُمَمِ حَتَّى تَدخُلَهَا أُمَّتُكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا أَبَادُجَانَةَ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ للهِ لِوَاءً مِن نُورٍ وَ عَمُودُهُ مِن يَاقُوتٍ مَكتُوبٌ عَلَى ذَلِكَ اللِّوَاءِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ آلُ مُحَمَّدٍ خَيرُ البَرِيَّةِ، صَاحِبُ اللِّوَاءِ إِمَامُ القَومِ. قَالَ: فَسَرَّ بِذَلِكَ عَلِيًّا فَقَالَ: الحَمدُ للهِ يَا رَسُولَ اللهِ الَّذِي أَكرَمَنَا وَ شَرَّفَنَا بِكَ. قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَبشِرَ يَا عَلِيُّ مَا مِن عَبدٍ يُحِبُّكَ وَ يَنتَحِلُ مَوَدَّتَكَ إِلَّا بَعَثَهُ اللهُ يَومَ القِيَامَةِ مَعَنَا. ثُمَّ قَرَءَ النَّبِيُّ ﷺ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ **إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ * فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيکٍ مُقْتَدِرٍ** ﴾.

جابر بن عبد الله انصاری گفت: یاران ما نزد رسول خدا ﷺ دربارهٔ بهشت سخن می‌گفتند. پیامبر ﷺ فرمود: نخستین کسی که به بهشت در می‌آید، علی بن ابی‌طالب ؑ است. ابودجانه انصاری عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ! مگر شما نفرمودید که بهشت بر انبیا حرام است تا این‌که شما وارد شوید و بر امّت‌ها جایز نیست تا امّت شما داخل شوند؟! پیامبر ﷺ فرمود: بله ای ابادجانه! آیا نمی‌دانی خداوند بیرقی از نور دارد که ستونش از یاقوت است و بر آن نوشته شده: «هیچ خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمّد رسول خداست و خاندان محمّد بهترین آفریدگان‌اند.» و حمل کننده آن بیرق امام قوم است. چون پیامبر ﷺ با این سخن علی ؑ را شادمان کرد، او فرمود: ای

رسول خدا ﷺ! سپاس و ستایش از آنِ خدایی است که ما را به واسطه شما گرامی داشت و شرافت بخشید. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! مژده باد تو را، هیچ بنده‌ای نیست که تو را دوست بدارد و به دوستی تو بگراید، جز آن‌که خداوند او را در روز قیامت با ما برمی‌انگیزد. سپس پیامبر ﷺ این آیه را قرائت فرمود: «به راستی پرهیزکاران در بهشت‌ها و کنار نهرها هستند. در مکانی پسندیده، نزد پادشاهی قدرتمند.»



وَ مِن سُورَةِ الرَّحمَانِ

(سورهٔ الرحمان، آیهٔ ۱۹ ـ ۲۲)

﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰانِ * بَيْنَهُمٰا بَرْزَخٌ لاٰ يَبْغِيٰانِ * فَبِأَيِّ آلاٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ * يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجٰانُ ﴾

دو دریا را رها ساخت تا با یکدیگر تلاقی پیدا کنند. میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند. پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ از آن دو مروارید و مرجان بیرون می‌آید.

۴۰۳ . عَن أَبی‌ذَرٍ الغِفَارِیِّ فِی قَولِهِ: ﴿ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيٰانِ ﴾ قَالَ: أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ وَ فَاطِمَةُ عليهما‌السلام ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجٰانُ ﴾ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ عليهما‌السلام فَمَن رَأی مِثلَ هَؤُلاءِ الأَربَعَةِ ، لَا یُحِبُّهُم إِلَّا مُؤمِنٌ وَ لَا یُبغِضُهُم إِلَّا کَافِرٌ ،فَکُونُوا مُؤمِنِینَ بِحُبِّ أَهلِ البَیتِ وَ لَا تَکُونُوا کُفَّارًا بِبُغضِ أَهلِ البَیتِ فَتُلقَوا فِی النَّارِ.

ابوذر غفاری دربارهٔ آیهٔ «دو دریا را رها ساخت تا با یکدیگر تلاقی پیدا کنند» گفت: منظور امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عليه‌السلام و حضرت فاطمه عليها‌السلام است. «از آن دو مروارید و مرجان بیرون می‌آید» منظور امام حسن و امام حسین عليهما‌السلام است. چه کسی همانند این چهار نفر را دیده است؟ تنها مؤمنان ایشان را

دوست می‌دارند و تنها کافران با ایشان دشمنی می‌ورزند. پس با محبّت این خاندان مؤمن باشید و با دشمنی با ایشان کافر نگردید؛ چراکه در آتش دوزخ انداخته می‌شوید.

۴۰۴. عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ مَسعُودٍ وَ قَد سُئِلَ یومًا فِی مَحفِلٍ مِنَ المُهَاجِرِینَ وَ الأَنصَارِ فِی قَولِهِ ـ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ **بَیْنَهُمٰا بَرْزَخٌ لاٰ یَبْغِیٰانِ** ﴾ قَالَ: لَا یَبغِی عَلِیٌّ عَلَی فَاطِمَةَ وَ لَا یَبغِی فَاطِمَةُ عَلَی عَلِیٍّ یَنعَمُ عَلِیٌّ بِمَا أَعَدَّ اللهُ لَهُ وَ خَصَّهُ مِن نَعِیمِهِ بِفَاطِمَةَ، اِتَّصَلَ مَعَهُمَا ابنَاهُمَا حَافِّینَ بِهِمَا مِنهُم فَیَصِلُ مِنَ النُّورِ کَالحِجَالِ خُصُّوا بِهِ مِن بَینِ أَهلِ الجِنَانِ، یَقِفُ عَلِیٌّ مِنَ النَّظَرِ إِلَی فَاطِمَةَ فَینعَمُ وَ إِلَی وَلَدَیهِ فَیَفرَحُ، وَ اللهُ یُعطِی فَضلَهُ مَن یَشَاءُ وَ هَذَا أَوسَعُ وَ أَرحَمُ وَ أَلطَفُ! ثُمَّ قَرَءَ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **یَتَنٰازَعُونَ فِیهٰا کَأْسًا لاٰ لَغْوٌ فِیهٰا وَ لاٰ تَأْثِیمٌ**[1] ﴾ بَینَ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبِی‌طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهم‌السلام مِن غَیرِ تَکَلُّفٍ وَ کُلٌّ فِی أَمَاکِنِهِ وَ نَعِیمِهِ مَدَّ بَصَرِهِ.

روزی در جمع مهاجرین و انصار از عبدالله‌بن مسعود دربارهٔ آیهٔ «میان آن دو حایل است که به هم تجاوز نمی‌کنند» سؤال شد. گفت: علی علیه‌السلام مقام فاطمه علیهاالسلام و فاطمه علیهاالسلام مقام علی علیه‌السلام را طلب نمی‌کند. علی علیه‌السلام از آن‌چه که خداوند برایش فراهم ساخته در نعمت می‌شود و خداوند از نعمت خویش وجود مبارک حضرت فاطمه علیهاالسلام را به علی علیه‌السلام اختصاص داد و از پیوند آن‌دو، فرزندانی گرداگردشان به وجود آمد که همچون هودجی از نور در بین اهل بهشت مخصوص گشتند. آن‌گاه که علی علیه‌السلام به فاطمه می‌نگرد، آرامش می‌یابد و چون به فرزندانش نظر می‌اندازد، دلشاد می‌گردد. خداوند از فضل و رحمتش به هر که بخواهد عطا می‌کند و این نعمت از گسترده‌ترین و مهربان‌ترین و لطیف‌ترین نعمت‌هاست. سپس این آیه را قرائت کرد: «در آنجا جام شرابی را از یکدیگر می‌گیرند که [آشامیدن] آن نه سخن بیهوده است و نه گناهکاری.» و

---

۱. طور، ۲۳

این نعمت در میان امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌باشد. آن‌ها بدون هیچ سختی در جایگاه‌ها و نعمت‌های بهشت، تا جایی که چشم می‌بیند، بهره‌مند هستند.

(سورهٔ الرحمان، آیهٔ ۳۹)

﴿ فَيَوْمَئِذٍ لاٰ يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لاٰ جَانٌّ ﴾

پس در آن روز هیچ انسان و جنّی از گناهش سؤال نمی‌شود.

۴۰۵. قَالَ: حَدَّثَنِي إِسمَاعِيلُ بنُ إِبرَاهِيمَ مُعَنعَنًا: عَن مَيسَرَةَ قَالَ: سَمِعتُ عَلِيَّ بنَ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ: وَاللهِ لَا يُرَى فِي النَّارِ مِنكُم اثنَانِ أَبداً لَا وَاللهِ وَ لَا وَاحِدٌ. قَالَ: قُلتُ لَهُ: أَصلَحَكَ اللهُ أَينَ هَذَا فِي كِتَابِ اللهِ؟ قَالَ: فِي سُورَةِ الرَّحمَانِ وَ هُوَ قَولُهُ تَعَالَى: **﴿ فَيَوْمَئِذٍ لاٰ يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ ﴾** [منكم] **﴿ إِنْسٌ وَ لاٰ جَانٌّ ﴾**. قَالَ: قُلتُ: لَيسَ فِيهَا مِنكُم. قَالَ: بَلَى وَاللهِ إِنَّهُ لَمُثبَتٌ فِيهَا وَ إِنَّ أَوَّلَ مَن غَيَّرَ ذَلِكَ لَابنُ أَروَى، وَ ذَلِكَ لَكُم خَاصَّةً، وَ عَلَيهِ وَ عَلَى أَصحَابِهِ حُجَّةٌ، وَ لَو لَم يَقِرَّ فِيهَا مِنكُم لَسَقَطَ عِقَابُ اللهِ عَنِ الخَلقِ.

اسماعیل‌بن ابراهیم روایت کرده است: میسره گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: به خدا سوگند، از شما شیعیان هرگز در آتش جهنم دو نفر دیده نمی‌شود. نه، به خدا سوگند یک نفر هم دیده نمی‌شود. میسره گفت: به ایشان عرض کردم: خدایت شایسته داشت! این موضوع در کجای کتاب خداست؟ فرمود: در سورهٔ الرّحمان؛ آنجا که می‌فرماید: «پس در آن روز هیچ انسان و جنّی» از میان شما «از گناهش سؤال نمی‌شود». عرض کردم: ولی ـ از میان شما ـ در آیه نیست. فرمود: آری؛ ولی به خدا سوگند که آن در آیه رقم خورده است و نخستین کسی که آن را تغییر داد، ابن اروی بود. آن ویژهٔ شماست و حجتی بر او و یاران اوست؛ چراکه اگر ـ از میان شما ـ در آیه نبود، هر آینه مجازات خداوند از همهٔ آفریدگانش برداشته می‌شد.




وَ مِن سُورَةِ الواقِعَةِ

(سورهٔ واقعه، آیهٔ ۷ ـ ۱۴)

﴿ وَ كُنتُمْ أَزْواجًا ثَلاثَةً * فَأَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ ما أَصْحابُ الْمَيْمَنَةِ * وَ أَصْحابُ الْمَشْئَمَةِ ما أَصْحابُ الْمَشْئَمَةِ * وَ السّابِقُونَ السّابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * في جَنّاتِ النَّعيمِ * ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلينَ * وَ قَليلٌ مِنَ الْآخِرينَ ﴾

و [شما مردم] سه دسته شوید: اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟! و اصحاب دست چپ، و اصحاب دست چپ چه [کسانی] هستند؟! و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]. آنان مقرّبان [درگاه الهی] در بهشت‌های پرنعمت. [آنان] بسیاری از پیشینیان و اندکی از آیندگان [هستند].

۴۰۶. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ وَ السّابِقُونَ السّابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴾ إِلَی آخِرِ القِصَّةِ قالَ: سابِقُ هٰذِهِ الأُمَّةِ أَمیرُ المُؤمِنینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام.

از ابن عباس روایت شده است که وی دربارهٔ کلام خداوند متعال «و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]، آنان مقرّبان [درگاه الهی] در بهشت‌های پرنعمت [هستند].» گفت:

پیشی گیرندۀ این امّت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام است.

۴۰۷. عَن عَبدِ اللهِ بنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعتُ سَلمَانَ الفَارِسِيَّ وَ هُوَ يَقُولُ: لَمَّا أَن مَرَضَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله المَرَضةَ الَّتِي قَبَضَهُ اللهُ فِيهَا دَخَلتُ فَجَلَستُ بَينَ يَدَيهِ وَ دَخَلَت عَلَيهِ فَاطِمَةُ عليها السلام فَلَمَّا رَأَت مَا بِهِ خَنَقَتهَا العَبرَةُ حَتَّى فَاضَت دُمُوعُهَا عَلَى خَدَّيهَا فَلَمَّا أَن رَآهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: مَا يُبكِيكِ يَا بُنَيَّةُ؟ قَالَت: وَ كَيفَ لَا أَبكِي وَ أَنَا أَرَى مَا بِكَ مِنَ الضَّعفِ فَمَن لَنَا بَعدَكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ لَهَا: لَكُمُ اللهُ فَتَوَكَّلِي عَلَيهِ وَاصبِرِي كَمَا صَبَرَ آبَاؤُكِ مِنَ الأَنبِيَاءِ وَ أُمَّهَاتُكِ مِن أَزوَاجِهِم يَا فَاطِمَةُ أَوَمَا عَلِمتِ أَنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اختَارَ أَبَاكِ فَجَعَلَهُ نَبِيًّا وَ بَعَثَهُ رَسُولاً ثُمَّ عَلِيًّا فَزَوَّجَكِ إِيَّاهُ وَ جَعَلَهُ وَصِيًّا فَهُوَ أَعظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى المُسلِمِينَ بَعدَ أَبِيكِ وَ أَقدَمُهُم سِلماً وَ أَعَزُّهُم خَطَراً وَ أَجمَلُهُم خُلقاً وَ أَشَدُّهُم فِي اللهِ وَ فِيَّ غَضَبًا وَ أَشجَعُهُم قَلبًا وَ أَثبَتُهُم وَ أَربَطُهُم جَأشاً وَ أَسخَاهُم كَفًّا.

فَفَرِحَت بِذَلِكَ فَاطِمَةُ الزَّهرَاءُ عليها السلام فَرحاً شَدِيداً فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: هَل سَرَرتُكِ يَا بُنَيَّةُ؟ قَالَت: نَعَم يَا رَسُولَ اللهِ لَقَد سَرَرتَنِي وَ أَحزَنتَنِي. قَالَ: كَذَلِكَ أُمُورُ الدُّنيَا يَشُوبُ سُرُورُهَا بِحُزنِهَا قَالَ: أَفَلَا أَزِيدُكِ فِي زَوجِكِ مِن مَزِيدِ الخَيرِ كُلِّهِ؟ قَالَت: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُ مَن آمَنَ بِاللهِ وَ هُوَ ابنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّ رَسُولِ اللهِ وَ زَوجُ بِنتِ رَسُولِ اللهِ وَ ابنَاهُ سِبطَا رَسُولِ اللهِ وَ عَمُّهُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ عَمُّ رَسُولِ اللهِ وَ أَخُوهُ جَعفَرُ الطَّيَّارُ فِي الجَنَّةِ ابنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ وَ المَهدِيُّ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى خَلفَهُ مِنكِ وَ مِنهُ فَهَذِهِ خِصَالٌ لَم يُعطَهَا أَحَدٌ قَبلَهُ وَ لَا أَحَدٌ بَعدَهُ يَا بُنَيَّةُ هَل سَرَرتُكِ؟ قَالَت: نَعَم يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: أَوَلَا أَزِيدُكِ فِي زَوجِكِ مَزِيدَ الخَيرِ كُلِّهِ؟ قَالَت: بَلَى. قَالَ: إِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الخَلقَ قِسمَينِ فَجَعَلَنِي وَ زَوجَكِ فِي أَخيَرِهِمَا قِسماً وَ ذَلِكَ قَولُهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ **وَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ** ﴾ ثُمَّ جَعَلَ الإِثنَينِ ثَلَاثاً فَجَعَلَنِي وَ زَوجَكِ فِي أَخيَرِهِمَا ثُلثاً وَ ذَلِكَ قَولُهُ: ﴿ **وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ * فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ** ﴾.

عبدالله بن عباس گفت: از سلمان فارسی شنیدم که می‌گفت: زمان بیماری پیامبر ﷺ که پس از آن بیماری وفات یافت، نزد آن‌حضرت رفتم و مقابل ایشان نشستم. آن‌گاه حضرت فاطمه ؑ وارد شد و چون رسول خدا ﷺ را در آن حالت دید، چنان بغض گلویش را فشرد که اشک بر گونه‌هایش جاری شد. وقتی رسول خدا ﷺ حضرت فاطمه ؑ را دید، فرمود: دخترم! چرا گریه می‌کنی؟ حضرت فاطمه ؑ فرمود: چگونه گریه نکنم، در حالی که چنین ضعف و بیماری را در شما می‌بینم. ای رسول خدا ﷺ! ما پس از شما چه کسی را خواهیم داشت؟ رسول خدا ﷺ فرمود: شما خدا را دارید، پس به خدا توکّل کن و صبر پیشه کن؛ همچنان‌که پدران پیامبرت و مادرانت که همسران ایشان بودند، صبر پیشه کردند.

ای فاطمه! آیا نمی‌دانی که خداوند بلندمرتبه پدرت را برگزید و او را پیامبر قرار داد و فرستادهٔ خویشش نمود و بعد از آن علی ؑ را به ازدواج تو درآورد و او را جانشین و وصی قرار داد. او را که بعد از پدرت بزرگ‌ترین حق را بر مسلمانان دارد. او پیشروترین این امت در اسلام و توانمندترین آن‌ها در خطر و زیباترین آن‌ها در اخلاق است. سهمناک‌ترین خشم را در راه خدا و من دارد و بی‌باک‌ترین دل و استوارترین و آرام‌ترین قلب و گشاده‌ترین دست از برای اوست.

چون حضرت فاطمه ؑ از این سخنان بسیار شادمان شد، رسول خدا ﷺ به او فرمود: دخترم! آیا خوشحالت کردم؟ فرمود: آری ای رسول خدا! هم خوشحالم کردی و هم غمگین! رسول خدا ﷺ فرمود: کارهای دنیا این چنین است؛ شادی و غمش در هم آمیخته است. آیا می‌خواهی از خوبی‌های شویت باز برایت بگویم؟ فرمود: بله ای رسول خدا ﷺ!

رسول خدا ﷺ فرمود: به درستی که علی ؑ نخستین کسی است که به خداوند

ایمان آورد و او پسرعمو و برادر و جانشین و همسر دختر رسول خداست. دو پسرش نوه‌های رسول خدا هستند و عمویش سرور شهیدان عموی رسول خداست. برادرش جعفر طیار که در بهشت است، پسرعموی رسول خداست و حضرت مهدی علیه السلام که حضرت عیسی علیه السلام پشت سرِ او نماز می‌خواند، از فرزندان تو و اوست. این‌ها ویژگی‌هایی است که تا به حال به کسی داده نشده و پس از آن هم به کسی داده نخواهد شد. ای دخترم! آیا خوشحالت کردم؟ فرمود: آری ای رسول خدا! فرمود: آیا می‌خواهی از خوبی‌های شویت باز برایت بگویم؟ فرمود: آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند بلندمرتبه آفریدگان را به دو قسمت تقسیم کرد و من و همسرت را در قِسم دوم قرار داد. این همان کلام خداوند عزّوجلّ است: «اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟» سپس آن دو را سه قِسم کرد و من و همسرت را در ثلث آخر آن‌ها قرار داد. و این همان کلام خداوند عزّوجلّ است: «و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]، آنان مقرّبان [درگاه الهی]، در بهشت‌های پرنعمت هستند.»

۴۰۸. عَن جَابِرٍ الجُعفِيِّ عَن أَبِي جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: يَا جَابِرُ إِنَّ اللهَ خَلَقَ النَّاسَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصنَافٍ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ **وَ كُنْتُمْ أَزْوٰاجًا ثَلاٰثَةً * فَأَصْحٰابُ الْمَيْمَنَةِ مٰا أَصْحٰابُ الْمَيْمَنَةِ * وَ أَصْحٰابُ الْمَشْئَمَةِ مٰا أَصْحٰابُ الْمَشْئَمَةِ * وَ السّٰابِقُونَ السّٰابِقُونَ * أُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ** ﴾ فَالسَّابِقُونَ هُم رُسُلُ اللهِ وَ خَاصَّتُهُ مِن خَلقِهِ جَعَلَ اللهُ فِيهِم خَمسَةَ أَروَاحٍ وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ القُدُسِ فَبِهِ عَرَفُوا الأَشيَاءَ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ الإِيمَانِ فَأَيَّدَهُمُ اللهُ بِهِ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ القُوَّةِ فَبِهِ قَوُوا عَلَى طَاعَةِ اللهِ، وَ أَيَّدَهُم بِرُوحِ الشَّهوَةِ فَبِهِ اشتَهَوا طَاعَةَ اللهِ وَ كَرِهُوا مَعصِيَتَهُ، وَ جَعَلَ فِيهِم رُوحَ المَدرَجِ الَّذِي يَذهَبُ النَّاسُ فِيهِ وَ يَجِيئُونَ، وَ جَعَلَ فِي المُؤمِنِينَ أَربَعَةَ أَروَاحٍ ـ وَ هُم أَصحَابُ المَيمَنَةِ ـ رُوحَ الإِيمَانِ وَ رُوحَ القُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهوَةِ وَ رُوحَ المَدرَجِ.

جابر جعفی گفت: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! همانا خداوند، مردم را سه دسته آفرید؛ چنان‌چه می‌فرماید: «و [شما مردم] سه دسته شوید: اصحاب دست راست، و اصحاب دست راست چه [کسانی] هستند؟! و اصحاب دست چپ، و اصحاب دست چپ چه [کسانی] هستند؟! و پیشی‌گیرندگان [در دنیا به ایمان و] پیشی‌گیرندگان [در آخرت به بهشت]. آنان مقرّبان [درگاه الهی] هستند.» پیشی‌گیرندگان، همان رسولان خدا و خواصّ درگاه او از میان آفریدگان می‌باشند که خدا در ایشان پنج روح قرار داده است: ایشان را به روح القدس مؤید ساخت که به وسیلهٔ آن همه چیز را شناختند؛ ایشان را با روح ایمان مؤید ساخت و این‌چنین خداوند آنان را تأیید کرد؛ ایشان را به روح توانایی مؤید ساخت که با آن بر اطاعت خدا توانایی یافتند؛ ایشان را به روح شهوت مؤید ساخت که با آن به اطاعت خدا میل و رغبت و از نافرمانی‌اش کراهت یافتند؛ در ایشان روح حرکت نهاد که مردم با آن رفت و آمد کنند.

امّا در مؤمنان که همان اصحاب دستِ راست هستند، چهار روح را قرار داد: روح ایمان؛ روح قدرت؛ روح شهوت؛ روح حرکت.

۴۰۹. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ: ﴿ **ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ * وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ** ﴾ قَالَ: ثُلَّةٌ مِنَ الأَوَّلِینَ: ابنُ آدَمَ المَقتُولِ وَ مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ وَ حَبِیبُ النَّجَّارِ صَاحِبُ یَس ﴿ **وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ** ﴾ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام.

حسین‌بن سعید گفت: از امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «بسیاری از پیشینیان و اندکی از آیندگان» پرسیدم، ایشان فرمود: «بسیاری از پیشینیان»، پسر جان‌باختهٔ آدم و مؤمن خاندان فرعون و حبیب نجار همان صاحب یاسین هستند و «اندکی از آیندگان» امیرمؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(سورهٔ واقعه، آیهٔ ۱۷)
﴿ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰانٌ مُخَلَّدُونَ ﴾
پسرانی جاودانی بر گرداگرد آنان می‌گردند.

۴۱۰. مُحَمَّدُبنُ عِيسَى‌بنِ زَكَرِيَّا مُعَنعَنًا: عَن جَعفَربنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِمُحِبِّينَا أَهلَ البَيتِ: سَتَجِدُونَ مِن قُرَيشٍ أَثَرَةً فَاصبِرُوا حَتَّى تَلقُونِي عَلَى الحَوضِ: شَرَابُهُ أَحلَى مِنَ العَسَلِ وَ أَبيَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَبرَدُ مِنَ الثَّلجِ وَ أَلينُ مِنَ الزَّبَدِ، وَ أَنتُمُ الَّذِينَ وَصَفَكُمُ اللهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ **يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدٰانٌ مُخَلَّدُونَ * بِأَكْوٰابٍ وَ أَبٰارِيقَ وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ * لاٰ يُصَدَّعُونَ عَنْهٰا وَ لاٰ يُنْزِفُونَ * وَ فٰاكِهَةٍ مِمّٰا يَتَخَيَّرُونَ**[1] ﴾.
محمّد بن عیسی‌بن زکریّا روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از جد بزرگوارش نقل کرد که ایشان فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله به دوستداران ما اهل بیت علیهم السلام فرمود: از قریش خودخواهی بسیار خواهید دید، اما بردبار باشید تا درکنار حوض کوثر مرا دیدارکنید. حوضی که نوشیدنی آن شیرین‌تر ازعسل و سفیدتر از شیر و خنک‌تر از برف و نرم‌تر ازکره است. شما کسانی هستید که خداوند در قرآن وصفشان فرموده است: «پسرانی که همواره بر گرداگرد آنان می‌گردند، با تنگ‌های بی‌دسته و تنگ‌های بادسته و جام‌هایی لبریز از شراب روان، که از [نوشیدن] آن نه سردرد گیرند و نه مست شوند [و عقل خود را از دست دهند].»

---

۱. واقعه، ۲۰-۱۷



وَ مِن سُورَةِ الحَدِيدِ

(سورهٔ حدید، آیهٔ ۱۲)

﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ﴾

[به یاد آور] روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش آنان می‌شتابد.

۴۱۱. عَن جَابِرٍ عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ: **﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ ﴾** قَالَ: رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه و آله هُوَ نُورُ المُؤمِنِينَ يَسعَى بَينَ أَيدِيهِم يومَ القِيَامَةِ إِذَا أَذِنَ اللهُ لَهُ أَن يَأتِيَ مَنزِلَهُ فِي جَنَّاتِ عَدنٍ وَ المُؤمِنُونَ يَتَّبِعُونَهُ وَ هُوَ يَسعَى بَينَ أَيدِيهِم حَتَّى يَدخُلَ جَنَّةَ عَدنٍ وَ هُم يَتَّبِعُونَ حَتَّى يَدخُلُونَ مَعَهُ.

وَ أَمَّا قَولُهُ: **﴿ وَ بِأَيْمَانِهِمْ ﴾** فَأَنتُم تَأخُذُونَ بِحُجزَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَأخُذُ آلُ مُحَمَّدٍ بِحُجزَةِ الحَسَنِ وَ الحُسَينِ وَ يَأخُذُ اَمِيرُ المُؤمِنِينَ بِحُجزَةِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه و آله حَتَّى يَدخُلُونَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه و آله فِي جَنَّةِ عَدنٍ، فَذَلِكَ قَولُهُ: **﴿ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ[۱] ﴾**.

جابر گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این سخن خداوند متعال: «[به یاد آور] روزی که مردان و زنان مؤمن را می‌بینی که نورشان پیشاپیش آنان و در

---

۱. حدید، ۱۲

سمت راستشان می‌شتابد» پرسیدم. ایشان فرمود: رسول خدا ﷺ همان نور مؤمنان است که پیشاپیش ایشان می‌شتابد؛ در روز قیامت چون خداوند به او اجازه دهد که به منزل خود در بهشت‌های جاودان درآید و مؤمنان در پی او روانه شوند، او پیشاپیش ایشان می‌شتابد؛ تا آن‌که به بهشت جاودان داخل می‌شود و ایشان در پی او روانه می‌شوند تا آن‌که به همراهش داخل می‌شوند. اما آنجا که می‌فرماید: «و در سمت راستشان» یعنی شما دست به دامان خاندان محمّد می‌شوید و خاندان محمّد دست به دامان حسن و حسین علیهما السلام می‌شوند و امیرمؤمنان علیه السلام دست به دامان رسول خدا ﷺ دارد تا این‌که همه همراه رسول‌خدا ﷺ به بهشت جاودان در می‌آیند و این همان کلام حق تعالی است: «امروز بشارت بر شما بهشت‌هایی است که از زیر [درختان و قصرهای] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانید. این همان رستگاری بزرگ است.»

(سورهٔ حدید، آیهٔ ۲۸)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا [خداوند] دو نصیب از رحمتش را به شما ارزانی دارد و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه روید و شما را بیامرزد.

۴۱۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِي قَولِ اللهِ تَبارَكَ وَ تَعالَى: **﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ ﴾** قالَ: الحَسَنُ وَ الحُسَينُ **﴿ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ ﴾** قالَ: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ علیه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند تبارک و تعالی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا [خداوند] دو نصیب از رحمتش را به شما ارزانی دارد» گفت: امام حسن و امام حسین علیهما السلام آن دو نصیب هستند

«و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه روید.» و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام آن نور است.

۴۱۳. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه‌السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ** ﴾ يَعنِی: حَسَناً وَ حُسَيناً قَالَ: مَا ضَرَّ مَن أَكرَمَهُ اللهُ أَن يَكُونَ مِن شِيعَتِنَا مَا أَصَابَهُ فِی الدُّنيَا وَ لَو لَم يَقدِر عَلَی شَیءٍ يَأكُلُهُ إِلَّا الحَشِيشَ.

جابر گفت: امام محمّد باقر علیه‌السلام دربارهٔ این آیه فرمود: منظور از دو نصیب از رحمتِ خداوند، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام می‌باشد. کسی که خداوند وی را با شیعه حضرت علی علیه‌السلام بودن گرامی داشته، هرگونه که دنیای او بگذرد، زیان نکرده است؛ حتی اگر خوراکی جز خار و خاشاک پیدا نکند.



وَ مِن سُورَةِ المُجَادِلَةِ



(سورهٔ مجادله، آیهٔ ۱۲)

﴿ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ناجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً ذٰلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه [خواستید] با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید. این [کار] برای شما بهتر و پاک‌تر است.

۴۱۴. عَن مُجاهِدٍ قالَ: قَالَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام: إِنَّ لَفي كِتابِ اللهِ آيَةً ما عَمِلَ بِها أَحَدٌ قَبلي وَ لا يَعمَلُ بِها أَحَدٌ بَعدي آيَةُ النَّجوى كانَ لي دينارٌ فَبِعتُهُ بِعَشرَةِ دَراهِمَ فَجَعَلتُ أُقَدِّمُ بَينَ يَدَي كُلِّ نَجوَةٍ أُناجيها النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله دِرهَمًا. قالَ: فَنَسَخَت في قَولِهِ ﴿ ءَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقاتٍ ﴾ إِلى قَولِهِ: ﴿ وَ اللهُ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ ﴾ فَلَم يَعمَل بِها أَحَدٌ بَعدي.

مجاهد گفت: امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام فرمود: همانا آیه‌ای در کتاب خدا هست که پیش از من کسی بدان عمل نکرده و پس از من نیز عمل نخواهد کرد؛ آن، آیهٔ نجواست. من دیناری داشتم که آن را به ده درهم فروختم و پیش از هر نجوایی که با پیامبر می‌کردم، درهمی از آن را صدقه دادم. سپس این آیه با آیه

«آیا ترسیدید پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید» تا آنجا که می‌فرماید «و خداوند به آن‌چه انجام می‌دهید، آگاه است» نسخ شد و این‌چنین هیچ کس پس از من به آن عمل نکرد.

۴۱۵. قَالَ: حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ عَبدِ اللهِبنِ سُلیمانَ الحَضرَمِیِّ مُعنعَنًا: عَن أَمِیرِالمُؤمِنِینَ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طالِبٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ الآیَةُ: ﴿ **یٰا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذٰا نٰاجَیْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْوٰاکُمْ صَدَقَةً** ﴾ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: مَا تَقُولُ ـ قَالَ: دِینَارٌ؟ قُلتُ: لَا یُطِیقُونَهُ. قَالَ: فَکَم؟ قُلتُ: شَعِیرَةٌ. قَالَ: إِنَّكَ لَزَهِیدٌ فَنَزَلَ: ﴿ **ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْوٰاکُمْ صَدَقٰاتٍ** ﴾ فَخَفَّفَ اللهُ عَن هَذِهِ الأُمَّةِ بِی فَلَم یُنَزِّل فِی أَحَدٍ قَبلِی وَ لا یُنَزِّلُ فِی أَحَدٍ بَعدِی.

عبدالله‌بن سلیمان حضرمی روایت کرده است: امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود: چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه می‌گویی؟ خوب است یک دینار باشد؟ عرض کردم: توانش را ندارند. فرمود: پس چقدر باشد؟ عرض کردم: دانه‌ای جو. فرمود: بسیار کم گفتی! آن‌گاه نازل شد: «آیا ترسیدید که پیش از نجوایتان صدقه‌ای بدهید؟» این‌گونه خداوند به خاطر من بر این امّت آسان گرفت؛ از این رو نه پیش از من و نه پس از من این آیه دربارهٔ کسی نازل نشده است.

۴۱۶. عَن جَابِرٍ قَالَ: لَمَّا کَانَ یَومُ الطَّائِفِ دَعَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله عَلِیًّا علیه السلام فَنَاجَاهُ طَوِیلًا فَقَالَ بَعضُ أَصحَابِهِ: لَقَد طَالَ نَجوَاهُ بِابنِ عَمِّهِ. فَقَالَ: مَا أَنَا إِنتَجَیتُهُ بَلِ اللهُ إِنتَجَاهُ.

جابر گفت: در روز طائف رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را فراخواند و با او نجوایی طولانی کرد. یکی از یاران ایشان گفت: نجوای پیامبر صلی الله علیه و آله با پسرعمویش به درازا کشید. ایشان فرمود: من با او نجوا نکردم، بلکه خداوند با او نجوا کرد.




وَ مِن سُورَةِ الحَشرِ

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۷)

﴿ مٰا أَفٰاءَ اللّٰهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرىٰ فَلِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ وَ الْيَتٰامىٰ وَ الْمَسٰاكينِ وَ ابْنِ السَّبيلِ ﴾

آن‌چه را خداوند از [اموال] اهل آبادی‌ها به پیامبرش بازگردانید، از آنِ خدا و از آنِ پیامبر و از آنِ خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است.

۴۱۷ . عَن أَبِی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ: عَن أَبِی جعفرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالَی: ﴿ مٰا أَفٰاءَ اللّٰهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرىٰ فَلِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ ﴾ وَ مَا کَانَ لِلرَّسُولِ فَهُوَ لَنا وَ لِشیعَتِنَا حَلَّلنَاهُ لَهُم وَ طَیَّبناهُ لَهُم ، یا أَبا حَمزَةَ وَاللهِ لَا یَضرِبُ عَلَی شَیءٍ مِنَ السِّهَامِ فِی شَرقِ الأَرضِ وَ لَا غَربِهَا مَالٌ إِلّاکَانَ حَرَامًا سُحتًا عَلَی مَن نَالَ مِنهُ شَیئًا مَا خَلَانَا وَ شِیعَتِنَا إِنَّا طَیَّبنَاهُ لَکُم وَ جَعَلنَاهُ لَکُم ، وَاللهِ یَا أَبا حَمزَةَ لَقَد غُصِبنَا وَ شِیعَتُنَا حَقَّنَا مَالًا مِنَ اللهِ عَلَینَا ، مَا مَلَاؤُنَا بِسَعَادَةٍ وَ مَا تَارَکَتکُم بِعُقُوبَةٍ فِی الدُّنیَا.

ابوحمزه ثمالی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: هر آن‌چه از برای رسول خدا صلى الله عليه وآله بود، از برای ما و شیعیان ماست که ما آن را برای ایشان

حلال کرده‌ایم و پاک گردانده‌ایم. ای ابوحمزه! به خدا سوگند در شرق و غرب زمین هر مالی از قمار بر جا بماند، بر همگان دست یازیدن به آن حرام و نارواست جز ما و شیعیان ما که ما آن را برای شما پاک گردانده‌ایم و آن را برای شما قرار داده‌ایم.

۴۱۸. عَن عُبَیدِ بنِ یَحیَی قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدَبنَ الحُسَینِ ﷣ رَجُلٌ حَضَرَنَا فَقُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ كَانَ مِن أَمرِ فَدَكٍ دُونَ المُؤمِنِینَ عَلَی وَجهِهِ تَفسِیرُهَا لَهَا؟ قَالَ: نَعَم لَمَّا نَزَلَ بِهَا جَبرَئِیلُ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ شَدَّ رَسُولُ اللهِ سِلَاحَهُ وَ أَسرَجَ دَابَّتَهُ وَ شَدَّ عَلِیٌّ ﷣ سِلَاحَهُ وَ أَسرَجَ دَابَّتَهُ ثُمَّ تَوَجَّهَا فِی جَوفِ اللَّیلِ وَ عَلِیٌّ لَا یَعلَمُ حَیثُ یُرِیدُ رَسُولُ اللهِ ﷺ حَتَّی انتَهَیَا إِلَی فَدَكٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ: یَا عَلِیُّ تَحمِلُنِی أَو أَحمِلُكَ؟ قَالَ عَلِیٌّ: أَحمِلُكَ یَا رَسُولَ اللهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: یَا عَلِیُّ بَل أَنَا أَحمِلُكَ لِأَنِّی أَطوَلُ بِكَ وَ لَا تَطُولُ بِی. فَحَمَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلِیًّا عَلَی كَتِفِهِ ثُمَّ قَامَ بِهِ فَلَم یَزَل یَطُولُ بِهِ حَتَّی عَلَا عَلِیٌّ عَلَی سُورِ حِصنٍ فَصَعِدَ عَلِیٌّ عَلَی الحِصنِ وَ مَعَهُ سَیفُ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَذَّنَ عَلَی الحِصنِ وَ كَبَّرَ فَابتَدَرُوا أَهلُ الحِصنِ إِلَی بَابِ الحِصنِ هَرَابًا حَتَّی فَتَحُوهُ وَ خَرَجُوا مِنهُ فَاستَقبَلَهُم رَسُولُ اللهِ ﷺ بِجَمعِهِم وَ نَزَلَ عَلِیٌّ إِلَیهِم فَقَتَلَ عَلِیٌّ ثَمَانِیَةَ عَشَرَ مِن عُظَمَائِهِم وَ كُبَرَائِهِم وَأَعطَی البَاقُونَ بِأَیدِیهِم وَسَاقَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ذَرَارِیَهُم وَ مَن بَقِیَ مِنهُم وَ غَنَائِمَهُم یَحمِلُونَهَا عَلَی رِقَابِهِم إِلَی المَدِینَةِ فَلَم یُوجِف فِیهَا غَیرُ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَهِیَ لِرَسُولِ اللهِ وَ لِذُرِّیَّتِهِ خَاصَّةً دُونَ المُؤمِنِینَ.

عبیدبن یحیی گفت: مردی نزد امام سجاد ﷣ سؤالی کرد. من به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! امر فدک در نظر دیگر مؤمنان نیز همچون این مرد است. آیا تفسیر این آیه دربارهٔ آن است؟ ایشان فرمود: بله؛ چون جبرئیل این آیه را بر رسول خدا ﷺ نازل کرد، رسول خدا ﷺ سلاح خود بربست و چهارپایش را زین کرد و نیز حضرت علی ﷣ سلاح خود بربست و چهارپایش را زین کرد و سپس در دل شب به راه افتادند؛ حال آنکه حضرت علی ﷣ نمی‌دانست

رسول خدا ﷺ رو سوی کجا دارد. ایشان رفتند تا این‌که به فدک رسیدند. آن‌گاه رسول خدا ﷺ به حضرت علی ﷺ فرمود: ای علی! تو مرا بر دوش می‌گیری یا من تو را بر دوش گیرم؟ عرض کرد: من شما را بر دوش می‌گیرم ای رسول خدا! فرمود: نه؛ من تو را بر دوش می‌گیرم؛ چراکه من بلندقامت‌تر از تو هستم و تو از من بلندتر نیستی. رسول خدا ﷺ حضرت علی ﷺ را بر دوش گرفت و او را بلند کرد و هنوز کامل بر پا نشده بود که حضرت علی ﷺ سر به دیوار دژ رسانید و از آن بالا رفت؛ حال آن‌که شمشیر رسول خدا ﷺ همراه او بود. آن‌گاه اذان سرداد و تکبیر گفت و این‌چنین ساکنان دژ گریزان سوی در شتافتند و آن را گشودند و از آن بیرون آمدند. رسول خدا ﷺ رو سوی جمع آنان گذاشت و حضرت علی ﷺ به سوی آنان فرود آمد و هیجده تن از بزرگان و سران آنان را از پا درآورد و دیگران را تسلیم بر جا گذاشت. رسول خدا ﷺ فرزندان و برجاماندگان آنان را به راه انداخت و آنان غنایم را بر دوش خود به مدینه آوردند و جز رسول خدا ﷺ کسی در آن‌ها دست نبرد؛ پس آن از برای رسول خدا و فرزندان ایشان است و نه دیگر مؤمنان.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۷)

﴿ وَ مٰا آتٰاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾

و آن‌چه را پیامبر به شما داد، بگیرید و از آن‌چه شما را نهی کرد، بازایستید.

۴۱۹. عَن سَالِمِ‌بنِ عَبدِ اللهِ‌بنِ عُمَرَ عَن أَبِیهِ قَالَ: سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ: أَیُّهَا النَّاسُ عَلِیٌّ مِثلُ حَدِّ السَّیفِ وَ الصَّابِرُ مَن صَبَرَهُ اللهُ یَعنِی یَدخُلُ الجَنَّةَ لِمَحَبَّةِ عَلِیٍّ، مَعَاشِرَ النَّاسِ اعلَمُوا أَنَّ عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ فِیکُم مِثلُ النَّجمِ الزَّاهِرِ فِی السَّمَاءِ إِذَا طَلَعَ أَضَاءَ مَا حَولَهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنِّی إِنَّما قُلتُ هَذَا لَاتُقَدِّمُ عَلَیکُم لِیومِ الوَعِیدِ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِذَاکَانَ یَومُ القِیَامَةِ حَشَرَ النَّاسُ فِی صَعِیدٍ وَاحِدٍ وَ حَشَرَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ

وَسطَ الفَوجِ وَ أَنَا فِی أَوَّلِهِ وَ وُلدُ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ فِی آخِرِ الفَوجِ ، مَعَاشِرَ النَّاسِ فَهَل رَأَیتُم عَبدًا یَسبِقُ مَولاهُ ، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنَّ وَلایَةَ عَلِیٍّ فَرضٌ عَلَیکُم أَحفَظَهُ اللهُ عَلَیکُم وَ هُوَ قَولُ جَبرَئِیلَ هَبَطَ بِهِ إِلَیَّ مِن رَبِّ العَالَمِینَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِعلَمُوا أَنَّهُ قَولُ اللهِ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ ﴿ **مٰا آتٰاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مٰا نَهٰاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا** ﴾.

سالم‌بن عبد الله‌بن عمر به نقل از پدرش گفت: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: ای مردم! علی ؈ همچو تیزی شمشیر است و صابر کسی است که خدا به او صبر دهد؛ یعنی او به‌خاطر دوستی علی ؈ داخل بهشت می‌شود. ای جماعت مردم! بدانید علی بن ابی‌طالب ؈ در میان شما همچون ستاره درخشنده در آسمان است که به هنگام طلوع پیرامونش را روشن می‌کند. ای جماعت مردم! بدانید سخنی که برایتان گفتم بر شما آشکار نمی‌شود تا آن‌گاه که روز موعود فرا رسد. ای جماعت مردم! چون روز قیامت فرا رسد، مردم در صفی واحد محشور می‌شوند و علی بن ابی‌طالب ؈ جداگانه در میان گروهی محشور می‌شود که من پیشاپیش آن و فرزندان او در پس آن هستند. ای جماعت مردم! آیا تا به حال بنده‌ای را دیده‌اید که از مولایش پیشی بگیرد؟ ای جماعت مردم! بدانید ولایت علی ؈ بر شما امری است واجب که خداوند آن را بر شما پایدار گردانده و این سخن جبرئیل است که از سوی پروردگار جهانیان بر من فرود آورده است. ای جماعت مردم! بدانید این همان کلام خداوند متعال در کتابش است: «و آن‌چه را پیامبر به شما داد، بگیرید و از آن‌چه شما را نهی کرد، بازایستید».

قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ وَاللهِ لَا أَشرَکتُ فِی حُبِّ عَلِیٍّ مَعَهُ غَیرَهُ. ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إِعلَمُوا أَنَّ هَذِهِ الجَنَّةَ وَالنَّارَ فَمِنَ الیَمِینِ عَلِیٌّ ؈ وَ عَلَی الشِّمَالِ شَیطَانٌ إِن اتَّبَعتُمُوهُ أَضَلَّکُم وَ إِن أَطَعتُمُوهُ أَدخَلَکُم النَّارَ ، وَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ؈ إِن اتَّبَعتُمُوهُ هَدَاکُم وَ إِن أَطَعتُمُوهُ

أَدخَلَكُمُ الجَنَّةَ. فَوَثَبَ إِلَيهِ أَبوذَرٍ الغِفَارِيُّ قَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ فَكَيفَ قُلتَ ذَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَأمُرُ بِالتُّقَى وَ يَعمَلُ بِهَا وَ الشَّيطَانُ يَأمُرُ بِالمُنكَرِ وَ يَعمَلُ بِالفَحشَاءِ.

ابن عباس گفت: به خدا سوگند که هرگز در محبّت علی ﷺ دیگری را با او شریک نگردانده‌ام. رسول خدا ﷺ فرمود: بدانید که این بهشت و جهنم است، سمت راست علی ﷺ و سمت چپ شیطان ایستاده است. اگر از شیطان پیروی کنید، گمراهتان می‌کند و اگر اطاعتش نمودید، شما را به آتش دوزخ داخل می‌کند و اگر از علی ﷺ پیروی کنید، هدایتتان می‌کند و اگر اطاعتش نمودید، شما را به بهشت داخل می‌کند. در آن دم ابوذر غفاری جلو آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! چرا چنین فرمودی؟ ایشان فرمود: چون علی ﷺ به پرهیزکاری فرمان می‌دهد و خود به آن عمل می‌کند و شیطان به کردار ناپسند فرمان می‌دهد و خود به آن عمل می‌کند.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۱۰)

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنٰا وَ لِإِخْوٰانِنَا الَّذينَ سَبَقُونٰا بِالْإِيمٰانِ ﴾

پروردگارا! ما و برادرانمان راکه در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اید بیامرز.

۴۲۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَولُ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **رَبَّنَا اغْفِرْ لَنٰا وَ لِإِخْوٰانِنَا الَّذينَ سَبَقُونٰا بِالْإِيمٰانِ وَ لٰا تَجْعَلْ في قُلُوبِنٰا غِلاًّ لِلَّذينَ آمَنُوا رَبَّنٰا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحيمٌ** ﴾ فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ: هُم ثَلاثَةُ نَفَرٍ: مُؤمِنُ آلِ فِرعَونَ وَ حَبِيبُ النَّجَارِ صَاحِبُ مَدِينَةِ أَنطَاكِيَّةَ وَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ ﷺ.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز، و در دل‌های ما نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده. پروردگارا! به راستی تو رئوف و مهربانی» گفت: ایشان سه نفر بودند؛ یکی مؤمن آل فرعون؛ دوم حبیب نجار صاحب شهر انطاکیه؛ و سومی علی بن ابی طالب ﷺ.

(سورهٔ حشر، آیهٔ ۲۰)

﴿ لاٰ يَسْتَوِي أَصْحٰابُ النّٰارِ وَ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰائِزُونَ ﴾

اهل آتش و اهل بهشت با هم برابر نیستند، اهل بهشت همان رستگاران‌اند.

۴۲۱. عَن أَبی سَعِیدٍ الخُدرِیِّ قَالَ: تَلا رَسُولُ اللهِ ﷺ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ لاٰ يَسْتَوِي أَصْحٰابُ النّٰارِ وَ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ أَصْحٰابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰائِزُونَ ﴾ ثُمَّ قَالَ: أَصحَابُ الجَنَّةِ مَن أَطَاعَنِی وَ سَلَّمَ لِعَلِیٍّ الوَلایَةَ بَعدِی، وَ أَصحَابُ النَّارِ مَن نَقَضَ البَیعَةَ وَ العَهدَ وَ قَاتَلَ عَلِیًّا بَعدِی، أَلَا إِنَّ عَلِیًّا بِضعَةٌ مِنِّی فَمَن حَارَبَهُ فَقَد حَارَبَنِی، ثُمَّ دَعَا عَلِیًّا فَقَالَ: یَا عَلِیُّ حَربُكَ حَربِی وَ سِلمُكَ سِلمِی وَ أَنتَ العَلَمُ فِیمَا بَینِی وَ بَینَ أُمَّتِی.

ابی‌سعید خدری گفت: رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد و سپس فرمود: اهل بهشت کسانی هستند که مرا اطاعت کنند و پس از من به ولایت علی ؑ تسلیم باشند و اهل دوزخ کسانی هستند که عهد بشکنند و پس از من با علی ؑ به جنگ برخیزند. بدانید که علی ؑ پارهٔ تن من است و هر که با او بجنگد با من جنگیده است. سپس علی ؑ را فرا خواند و فرمود: ای علی! جنگ با تو جنگ با من است و صلح با تو، صلح با من است و تو در بین من و امّتم نشانه هستی.



وَ مِن سُورَةِ المُمتَحِنَةِ

(سورهٔ ممتحنه، آیهٔ ۱)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيٰاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، با آنان دوستی می‌کنید [و حال آن‌که آنان به آن‌چه از حق برای شما آمده، کافر شده‌اند].

۴۲۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّخِذُوا عَدُوّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيٰاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ ﴾** قالَ: قَدِمَت سارَةُ مَولاةُ بَنی‌هاشِمٍ إِلَی المَدینَةِ فَأَتَت رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ مَن مَعَهُ مِن بَنی عَبدِ المُطَّلِب فَقالَت: إِنّی مَولاتُکُم وَ قَد أَصابَنی جَهدٌ وَ قَد أَتَیتُکُم أَتَعَرَّضُ لِمَعرُوفِکُم. فَکُسِیَت وَ حُمِلَت وَ جُهِّزَت وَ عَمَدَها حاطِبُ بنُ أَبی‌بَلتَعَةَ أَخُو بَنی أَسَدِ بنِ عَبدِ العُزّی فَکَتَبَ مَعَها کِتاباً إِلی أَهلِ مَکَّةَ بِأَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَد أَمَرَ النّاسَ أَن تَجَهَّزُوا وَ عَرَفَ حاطِبٌ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ یُرِیدُ أَهلَ مَکَّةَ فَکَتَبَ إِلَیهِم یُحَذِّرُهُم، وَ جَعَلَ لِسارَةَ جُعلًا عَلی أَن تَکتُمَ عَلَیهِ وَ تُبلِغَ رِسالَتَهُ فَفَعَلَت، فَنَزَلَ جَبرَئِیلُ ؑ عَلی نَبِیِّ اللهِ فَأَخبَرَهُ فَبَعَثَ رَسُولُ اللهِ ﷺ رَجُلَینِ مِن أَصحابِهِ فِی

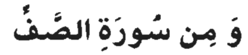
أَثَرِهَا: عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ ﷺ وَ زُبَيرُبنُ العَوَامِ وَ أَخبَرَهُمَا خَبَرَ الصَّحِيفَةِ فَقَالَ: إِن أَعطَتكُمَا الصَّحِيفَةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهَا وَ إِلَّا فَاضرِبُوا عُنُقَهَا، فَلَحِقَا سَارَةُ فَقَالَا: أَينَ الصَّحِيفَةُ الَّتِي كُتِبَت مَعَكِ يَا عَدُوَّةَ اللهِ؟ فَحَلَفَت بِاللهِ مَا مَعَهَا كِتَابٌ، فَفَتَشَاهَا فَلَم يَجِدَا مَعَهَا شَيءٌ فَهَمَّا بِتَركِهَا ثُمَّ قَالَ أَحَدُهُمَا: وَاللهِ مَا كَذِبنَا وَ لَا كَذَبنَا، فَسَلَّ سَيفَهُ وَ قَالَ: أَحلَفُ بِاللهِ لَا أَغمَدُهُ حَتَّى يُخرِجُونَ الكِتَابَ أَو يَقَعُ فِي رَأسِكِ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: ساره بندهٔ بنی‌هاشم به مدینه آمد و همراه با تنی چند از پسران عبدالمطلب نزد رسول خدا ﷺ رسید و عرض کرد: من بندهٔ شما بنی‌هاشم هستم و به سختی درافتاده‌ام، حال نزد شما آمده‌ام و به نیکی شما چشم دارم. آنان او را پوشاندند و مرکبش دادند و به او رسیدگی کردند. در آن میان حاطب‌بن ابی‌بلتعه از برادران بنی‌اسدبن عبدالغری نزد او رفت و نامه‌ای برای اهل مکه به او داد که در آن نوشته بود رسول خدا ﷺ به مردم فرمان داده تا مجهز شوند؛ چراکه حاطب دریافته بود که رسول خدا ﷺ مکه را قصد کرده و از این رو نامه‌ای برای آنان نوشت و به آنان هشدار داد. این‌چنین حاطب ساره را واداشت تا مخفیانه پیغام او را برساند و او نیز پذیرفت. در آن دم جبرئیل بر رسول خدا ﷺ نازل شد و ایشان را باخبر ساخت. حضرت دو تن از یاران خود یعنی علی بن ابی‌طالب ﷺ و زبیربن عوام را در پی ساره فرستاد و آن‌دو را از ماجرای نامه خبردار کرد و فرمود: اگر ساره آن نامه را به شما داد، اجازه دهید برود وگرنه گردنش را بزنید. آن‌دو به ساره رسیدند و به او گفتند: نامه‌ای که با خود داری کجاست ای دشمن خدا؟! او به خدا سوگند خورد که نامه‌ای همراه ندارد. از این رو خواستند ترکش کنند که ناگاه یکی از آن‌دو گفت: به خدا سوگند که به ما دروغ گفته نشده و ما دروغ نمی‌گوییم. سپس شمشیر کشید و گفت: به خدا سوگند این شمشیر را غلاف نمی‌کنم تا آن‌که نامه را بیرون آورید وگرنه سرت را می‌زنم.

فَزَعَمُوا أَنَّهُ عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه‌السلام قالَت: فَلِلّٰهِ عَلَيكُمَا المِيثَاقُ إِن أَعطَيتُكُمَا الكِتَابَ لَا تَقتُلَانِي وَ لَا تَصلُبَانِي وَ لَا تَرُدَّانِي إِلَى المَدِينَةِ. قَالَا: نَعَم. فَأَخرَجَتهُ مِن شُعرِهَا فَخَلَيَا سَبِيلَهَا ثُمَّ رَجَعَا إِلَى النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَأَعطَيَاهُ الصَّحِيفَةَ فَإِذَا فِيهَا مِن حَاطِبِ بنِ أَبِي بَلتَعَةَ إِلَى أَهلِ مَكَّةَ أَنَّ مُحَمَّدًا قَد نَفَرَ فَإِنِّي لَا أَدرِي إِيَّاكُم أُرِيدُ أَو غَيرَكُم فَعَلَيكُم بِالحَذَرِ. فَأَرسَلَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِلَيهِ فَأَتَاهُ فَقَالَ: تَعرِفُ هَذَا الكِتَابَ يَا حَاطِبُ؟ قَالَ: نَعَم. قَالَ: فَمَا حَمَلَكَ عَلَيهِ؟ فَقَالَ: أَمَّا وَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيكَ الكِتَابَ مَا كَفَرتُ مُنذُ آمَنتُ وَ لَا أَجَبتُهُم مُنذُ فَارَقتُهُم، وَلٰكِن لَم يَكُن أَحَدٌ مِن أَصحَابِكَ إِلَّا وَ إِنَّ بِمَكَّةَ الَّذِي يَمنَعُ عَشِيرَتَهُ فَأَحبَبتُ أَنِ اتَّخَذَ عِندَهُم يَدًا، وَ قَد عَلِمتُ أَنَّ اللهَ يُنَزِّلُ بِهِم بَأسَهُ وَ نَقِمَتَهُ وَ أَنَّ كِتَابِي لَا يُغنِي عَنهُم شَيئًا. فَصَدَّقَهُ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ عُذرَهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى: ﴿ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ** ﴾

چون آنان دریافتند که او علی بن ابی طالب عليه‌السلام است، ساره عرض کرد: شما را به خدا قول دهید که اگر آن نوشته را به شما دهم، مرا نمی‌کشید و اسیرم نمی‌کنید و به مدینه بازم نمی‌گردانید. آن‌دو پذیرفتند و او نامه را از میان موهایش بیرون آورد و آن‌دو اجازه دادند تا برود. سپس نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بازگشتند و نامه را به ایشان دادند، ناگاه حضرت در آن نامه دید که حاطب‌بن ابی‌بلتعه به اهل مکه نوشته که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله به پا خاسته و نمی‌دانم شما را قصد کرده یا دیگری را؛ ولی در هر حال بر حذر باشید. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله کسی را دنبال او فرستاد و به او فرمود: آیا این نوشته را می‌شناسی ای حاطب؟! عرض کرد: بله. فرمود: چه باعث شد چنین کنی؟ عرض کرد: به خدایی که قرآن را بر شما نازل کرد، از زمانی که ایمان آورده‌ام، هیچ کفر نورزیده‌ام و از زمانی که از آنان جدا شده‌ام، هیچ پاسخشان را نداده‌ام؛ اما هر یک از یاران شما در مکه خاندانی دارد و هیچ کس از آنان محافظت نمی‌کند، از این رو خواستم تا به آنان لطفی کنم؛ با این‌که نیک می‌دانم خداوند خشم و عذاب خود را بر آنان فرو

می‌فرستد و نوشته من چیزی را از آنان باز نمی‌دارد. رسول خدا ﷺ نیز سخن و عذرش را باور کرد، و آن‌گاه نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، با آنان دوستی می‌کنید [و حال آن‌که آنان به آن‌چه از حق برای شما آمده، کافر شده‌اند].»

وَ مِن سُورَةِ الصَّفِّ

(سورهٔ صف ، آیهٔ ۴)

﴿ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذينَ يُقٰاتِلُونَ في سَبيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيٰانٌ مَرْصُوصٌ ﴾

بی‌تردید خداوند دوست دارد کسانی را که در راه او صفّ زده کارزار می‌کنند در حالی‌که گویی آنان [در استقامت و پایداری همچون] بنایی ریخته شده از سرب هستند.

۴۲۳ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذينَ يُقٰاتِلُونَ في سَبيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيٰانٌ مَرْصُوصٌ ﴾ نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ حَمزَةَ وَ عُبَيدَةَ وَ سَهلِبنِ حُنَيفٍ وَ الحَارِثِبنِ الصِّمَّةِ وَأَبِی دُجَانَةَ.

ابن عباس دربارهٔ این کلام حق تعالی گوید: این آیه دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام، حمزه، عبیده، سهل‌بن حنیف، حارث‌بن صمة و ابی‌دجانة نازل شده است.

(سورهٔ صف ، آیهٔ ۹)

﴿ هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدىٰ وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همهٔ ادیان چیره گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند.

۴۲۴. جعفرُبنُ أَحمَدَ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ هُوَ الَّذي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدىٰ وَ دينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ قَالَ: إِذَا خَرَجَ القَائِمُ ﷺ لَم يَبقَ مُشرِكٌ بِاللهِ العَظِيمِ وَ لاكَافِرٌ إِلّاكَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لو كَانَ فِی بَطنِ صَخرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخرَةُ: يَا مُؤمِنُ فِیَّ مُشرِكٌ فَاكسِرنی وَ اقتُلهُ.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که حضرت قائم ﷺ ظهور کند، نه هیچ مشرکی به خداوند بزرگ بر جا می‌ماند نه هیچ کفری، جز آن‌که از بیرون شدن ایشان ناخشنود است؛ تا آنجا که اگر کافر یا مشرکی در دل صخره باشد، آن صخره می‌گوید: ای مؤمن در دل من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

(سورهٔ صف، آیهٔ ۱۴)

﴿ يٰا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصٰارَ اللهِ كَمٰا قٰالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوٰارِيِّينَ مَنْ أَنْصٰاري إِلَى اللهِ قٰالَ الْحوارِيّون نَحْنُ أَنْصٰارُ اللهِ فَآمَنَتْ طٰائِفَةٌ مِنْ بَني إِسْرٰائيلَ وَ كَفَرَتْ طٰائِفَةٌ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی پسر مریم به حواریّون گفت: یاران من به سوی خدا چه کسانی هستند؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم. پس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند.

۴۲۵. أَبُوالقَاسِمِ الحَسَنِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ حَوَارِیَّ عِيسَى كَانُوا شِيعَتَهُ وَ إِنَّ شِيعَتَنَا حَوَارِيُّنَا، وَ مَاكَانَ حَوَارِيُّ عِيسَى بِأَطوَعَ لَهُ مِن حَوَارِيِّنَا لَنَا، وَ ﴿ قٰالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوٰارِيِّينَ مَنْ أَنْصٰاري إِلَى اللهِ قٰالَ الْحواريّون نَحْنُ أَنْصٰارُ اللهِ ﴾ وَ لَا وَاللهِ مَا نَصَرُوهُ

مِنَ الیَهودِ وَ لا قاتَلوهُم دُونَهُ ، وَ شیعَتُنا وَاللهِ لَم یَزَلوا مُنذُ قَبَضَ اللهُ رَسولَهُ یَنصُرُونّا وَ یُقاتِلونَ دُونَنا وَ یُحرَقُونَ وَ یُعَذَّبُونَ وَ یُشَرَّدُونَ فِی البُلدانِ جَزاهُمُ اللهُ عَنّا خَیرًا وَ قَد قالَ أَمیرُ المُؤمِنینَ علیه‌السلام: وَ اللهِ لَو ضَرَبتُ خَیشُومَ مُحِبّینا بِالسَّیفِ مَا أَبغَضُونا وَ اللهِ لَو دَنوتُ إِلی مُبغِضِنا وَ حَبَوتُ لَهُ مِنَ المالِ حَبوًا مَا أَحَبّنا.

ابوالقاسم حسنی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: حواریّون عیسی شیعیان او بودند و شیعیان ما حواریّون ما هستند و حواریّون عیسی فرمان‌برتر از حواریّون ما نبودند. «عیسی پسر مریم به حواریّون گفت: یاران من به سوی خدا چه کسانی هستند؟ حواریّون گفتند: ما یاران خداییم».

نه! به خدا سوگند آنان عیسی را در برابر یهود یاری نرساندند و برای او نبرد نکردند، ولی به خدا سوگند شیعیان ما از آن هنگام که خداوند جان پیامبرش را گرفت، همچنان ما را یاری می‌دهند و به‌خاطر ما نبرد می‌کنند و در راه ما سوخته می‌شوند و شکنجه می‌بینند و در شهرها آواره می‌گردند. خداوند به آن‌ها از سوی ما جزای خیر دهد. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده است: به خدا سوگند اگر با شمشیر بر بینی دوستانمان بزنم، کینهٔ ما به دل نگیرند و به خدا سوگند اگر به کسی که کینه‌توز ماست نزدیک شوم و ثروتی انبوه به او بدهم، باز هم ما را دوست نخواهد داشت.



وَ مِن سُورَةِ الجُمُعَةِ

(سورهٔ جمعه ، آیهٔ ۲)

﴿ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾

و به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد.

۴۲۶ . عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ تَعالَی: **﴿ هُوَ الَّذي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيٰاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ ﴾** قالَ: الکِتابُ القُرآنُ وَ الحِکمَةُ وَلایَةُ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «او کسی است که در میان درس ناخوانده‌ها (اهل مکّه)، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و به آن‌ها کتاب و حکمت می‌آموزد»، گفت: منظور از کتاب، قرآن کریم و منظور از حکمت، ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام است.

(سورهٔ جمعه ، آیهٔ ۹)

﴿ فَاسْعَوْا إِلىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ ﴾

به سوی ذکر خدا بشتابید.

۴۲۷ . قَالَ سَعِيدُ بنُ جُبَيرٍ: مَا خَلَقَ اللهُ ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ رَجُلًا بَعدَ النَّبِيِّ ﷺ أفضَلَ مِن عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام قَولُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ فَاسْعَوْا إِلىٰ ذِكْرِ اللهِ ﴾ قَالَ: إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام.

سعیدبن جبیر گفت: خداوند بلندمرتبه پس از پیامبر ﷺ کسی را برتر از علی بن ابی‌طالب عليه السلام نیافرید و در آیهٔ «به سوی خدا بشتابید» منظور، به سوی ولایت علی بن ابی‌طالب عليه السلام است.

(سورهٔ جمعه، آیهٔ ۱۱)

﴿ وَ إِذٰا رَأَوْا تِجٰارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهٰا وَ تَرَكُوكَ قٰائِمًا ﴾

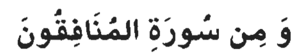
و هرگاه تجارتی یا سرگرمی‌ای را ببینند، به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده رها می‌کنند.

۴۲۸ . عَنِ السُّدِّيِّ قَالَ: مَرَّ دَحِيَّةُ الكَلبِيُّ بِتِجارَةٍ لَهُ مِنَ الشّامِ مِن طَعامٍ وَ غَيرِهِ وَ كَانَ التُّجّارُ قَد أَبطَؤُا عَنِ المَدِينَةِ فَأَصابَهُم لِذَلِكَ جَهدٌ فَبَينَمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ يَخطُبُ النّاسَ فِي المَسجِدِ يَومَ الجُمُعَةِ إِذ قَدِمَتِ العِيرُ فَانفَضَّ النّاسُ إِلَيها وَ تَرَكُوا النَّبِيَّ ﷺ قائِمًا يَخطُبُ مَخافَةَ تَفَرُّقِهِم وَ لَم يَبقَ مَعَ النَّبِيِّ إِلّا خَمسَةُ عَشَرَ نَفَرًا فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَى هَذِهِ الآيَةَ: **﴿ وَ إِذٰا رَأَوْا تِجٰارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهٰا وَ تَرَكُوكَ قٰائِمًا قُلْ مٰا عِنْدَ اللهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجٰارَةِ وَ اللهُ خَيْرُ الرّٰازِقِينَ ﴾**.

سدی گفت: مردحیه کلبی از تجارت غذا و چیزهای دیگر از شام بازمی‌گشت و حال آن‌که تاجران در آمدن به مدینه دیر کرده بودند و از این رو مردم مدینه به سختی افتاده بودند. رسول خدا ﷺ روز جمعه در مسجد در حال خطبه خواندن برای مردم بود که ناگاه کاروان وارد شد و مردم به سوی آن پراکنده شدند و پیامبر را که از ترس پراکنده شدن مردم ایستاده خطبه می‌خواند، ترک کردند و تنها پانزده نفر همراه پیامبر برجا ماندند. آن‌گاه خداوند متعال این آیه

را نازل فرمود: «و هرگاه تجارتی یا سرگرمی‌ای را ببینند به سوی آن پراکنده می‌شوند و تو را ایستاده رها می‌کنند. بگو: آن‌چه نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است.»





وَ مِن سُورَةِ المُنَافِقُونَ

(سورهٔ منافقون، آيهٔ ۸)

﴿ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾

می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم، مسلّمًا آن‌که توانـاتر است آن را کـه ناتوان‌تر است از آنجا بیرون خواهد کرد. و حال آن‌که عـزّت تـنها از آنِ خدا و پیامبرش و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند.

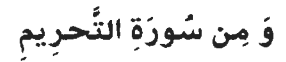
۴۲۹. عَن زَيدِبنِ أَرقَمَ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فِى سَفَرٍ قَالَ: فَسَمِعتُ عَن عَبدِ اللهِ‌بنِ أَبِى‌بنِ السَّلُولِ يَقُولُ: وَاللهِ **﴿ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ﴾**. قَالَ: فَجِئتُ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فَأَخبَرتُهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى سُورَةَ الْمُنَافِقِينَ مِن أَوَّلِهَا إِلَى آخِرِهَا وَ أَنزَلَ عُذرِى وَ تَصدِيقِى.

زید بن ارقم گفت: در سفری همراه رسول خدا ﷺ بـودیم. از عـبد الله بـن ابی بن سلول شنیدم که می‌گفت: به خدا سوگند «اگر به مدینه بازگردیم، مسلّما آن‌که تواناتر است آن را که ناتوان‌تر است از آنجا بیرون خواهد کرد». من نزد رسول خدا ﷺ آمدم و ایشان را از این سخن باخبر کردم. پس خداوند سورهٔ منافقین را از آغاز تا پایان نازل کرد و این عذر و تصدیق من بود که نازل شد.





وَ مِن سُورَةِ التَّحرِيمِ



(سورهٔ تحریم، آیهٔ ۴)

﴿ وَإِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَجِبْرِيلُ وَصالِحُ الْمُؤْمِنينَ ﴾

و اگر بر ضد او همپشت شوید، پس به راستی خداوند یاور اوست
و جبرئیل و صالح [از] مؤمنان.

۴۳۰. قَالَ سَلّامُ سَمِعتُ عَن خَيثَمَةَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: لَمَّا نَزَلت هَذِهِ الآيَةُ **﴿ وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنينَ ﴾** قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ أَنتَ صَالِحُ المُؤمِنِينَ.

قَالَ سَلّامُ: فَحَجَّجتُ فَلَقِيتُ أَبَا جَعفَرٍ عليه السلام فَذَكَرتُ لَهُ قَولَ خَيثَمَةَ فَقَالَ: صَدَقَ خَيثَمَةُ أَنَا حَدَّثتُهُ بِذَلِكَ. قَالَ: قُلتُ لَهُ: رَحِمَكَ اللهُ إِنِّي رَجُلٌ أُحِبُّكُم أَهلَ البَيتِ وَ أَتَوَلّاكُم وَأَتَبَرَّءُ مِن عَدُوِّكُم. قَالَ: قُلتُ: أُدعُ اللهَ لِي. قَالَ: أَحيَاكَ اللهُ حَيَاتَنَا وَ أَمَاتَكَ مَمَاتَنَا وَ سَلَكَ بِكَ سُبُلَنَا.

سلّام از خیثمه از امام محمّد باقر عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: ای علی! تو صالح مؤمنان هستی. سلّام گفت: در حج امام محمّد باقر عليه السلام را دیدم و سخن خیثمه را برای

ایشان باز گفتم. ایشان فرمود: خیثمه راست گفته است، من این حدیث را برایش گفته‌ام. عرض کردم: خداوند شما را رحمت کند، من شخصی هستم که شما اهل بیت را دوست می‌دارم و ولایت شما را می‌پذیرم و از دشمنان شما بیزاری می‌جویم، در حقّ من دعا کنید. ایشان فرمود: خداوند زندگی و مرگ و راه تو را زندگی و مرگ و راه ما قرار دهد.

۴۳۱. عَن سَدِيرٍ الصَّيرَفِيِّ: عَن أَبِي جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَقَد عَرَّفَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله عَلِيًّا أَصحَابَهُ مَرَّتَينِ: مَرَّةً حَيثُ قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ وَ أَمَّا الثَّانِيَةَ حَيثُ نَزَلَت هَذِهِ الآيَةُ: ﴿ **فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ إِلَى آخِرِ الآيَةِ أَخَذَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا صَالِحُ المُؤمِنِينَ.

سدیر صیرفی گفت: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله حضرت علی عليه السلام را دو بار به یاران خود معرفی کرد. یک بار آنجا که فرمود: هرکه من مولای اویم، علی عليه السلام مولای اوست؛ و بار دوم هنگامی که این آیه نازل شد: «پس به راستی خداوند یاور اوست و جبرئیل و صالح [از] مؤمنان». در این هنگام رسول خدا صلى الله عليه وآله دست حضرت علی عليه السلام را گرفت و فرمود: ای مردم! بدانید که این مرد صالح مؤمنان است.

۴۳۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ قَالَ: عَلِيٌّ وَ أَشبَاهُهُ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «صالح مؤمنان» گفت: منظور، حضرت علی عليه السلام و همانندان اوست.

۴۳۳. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ** ﴾ نَزَلَت فِي عَائِشَةَ وَ حَفصَةَ ﴿ **فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ** ﴾ نَزَلَت فِي رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ﴿ **وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ** ﴾ نَزَلَت فِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام خَاصَّةً.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: «اگر بر ضد او همپشت شوید» دربارهٔ عایشه و حفصه نازل شد و «پس به راستی خداوند یاور اوست» دربارهٔ رسول خدا صلى الله عليه وآله

نازل شد و «صالح مؤمنان» مخصوص حضرت علی علیه السلام نازل شد.

۴۳۴. عَن رُشَیدٍ الهَجَرِیِّ قَالَ: کُنتُ أَسِیرُ مَعَ مَولَایَ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام فِی هَذَا الظَّهرِ فَالتَفَتَ إِلَیَّ فَقَالَ: أَنَا وَاللهِ یَا رُشَیدُ صَالِحُ المُؤمِنِینَ.

رشید هجری گفت: به همراه مولایم حضرت علی علیه السلام ره می‌سپردم که ایشان رو به من کرد و فرمود: ای رشید! به خدا سوگند من صالح مؤمنان هستم.





وَ مِن سُورَةِ المُلكِ

(سورهٔ ملک، آیهٔ ۲۷)

﴿ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سيئَتْ وُجُوهُ الَّذينَ كَفَرُوا وَ قيلَ هٰذَا الَّذي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴾

پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: «این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.»

۴۳۵. عَن دَاوُدَبنِ سِرحَانَ قَالَ: سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: **﴿ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سيئَتْ وُجُوهُ الَّذينَ كَفَرُوا وَ قيلَ هٰذَا الَّذي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴾** قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام إِذَا رَأَوْا مَنزِلَتَهُ وَ مَكَانَهُ مِنَ اللهِ أَكَلُوا أَكُفَّهُم عَلَى مَا فَرَّطُوا فِي وَلَايَتِهِ.

داود بن سرحان گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» پرسیدم. ایشان فرمود: آن علی بن ابی‌طالب عليه السلام است که وقتی مقام و منزلت او را نزد خداوند می‌بینند، به خاطر کوتاهی که در امر ولایت او کرده‌اند، دست‌های خود را به دندان می‌گزند.

۴۳۶. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ فَقَالَ: إِذَا رَأَوْا صُورَةَ أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عليه السلام یَومَ القِیَامَةِ سِیئَت وَ اسوَدَّت وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ قِیلَ: هَذَا الَّذِی کُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ.

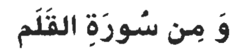
جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که در روز قیامت چهرهٔ امیرمؤمنان حضرت علی عليه السلام را ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند، زشت و سیاه گردد و به آنان گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می خواستید.

۴۳۷. جَعفَرُ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَفَعَ اللهُ لِوَاءَ الحَمدِ إِلَی مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله تَحتَهُ کُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ کُلُّ نَبِیٍّ مُرسَلٍ حَتَّی یَدفَعَهُ إِلَی عَلِیٍّ عليه السلام ﴿ **سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ أَی بِاسمِهِ تُسَمّونَ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ.

جعفر روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: چون خداوند بیرق حمد را به محمّد صلى الله عليه وآله سپارد، تمامی فرشتگان مقرّب و همهٔ پیامبران فرستاده شده به زیرش می روند تا آن‌که آن را به علی عليه السلام می سپارد؛ آن‌گاه «چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد، و [به آنان] گفته شود: «این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» یعنی نام او امیرمؤمنان را بر خود نهادید.

۴۳۸. عَنِ المُغِیرَةِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه السلام یَقُولُ: ﴿ **فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا** ﴾ لَمَّا رَأَوْا عَلِیًّا عِندَ الحَوضِ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله ﴿ **وَ قِيلَ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ** ﴾ بِاسمِهِ تَسَمَّیتُم أَمِیرَ المُؤمِنِینَ أَنفُسَکُم.

مغیره گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: «پس هنگامی که آن را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند زشت گردد» هنگامی که حضرت علی عليه السلام را در کنار حوض کوثر به همراه رسول خدا صلى الله عليه وآله ببینند «و [به آنان] گفته شود: این است آن‌چه که شما آن را می‌خواستید.» با نام او خود را امیرمؤمنان نامیدید.




وَ مِن سُورَةِ القَلَمِ

(سورهٔ قلم، آیهٔ ۱ ـ ۶)

﴿ ن وَ الْقَلَمِ وَ مٰا يَسْطُرُونَ[۱] * مٰا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّك بِمَجْنُونٍ * وَ إِنَّ لَك لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ * وَ إِنَّكَ لَعَلىٰ خُلُقٍ عَظيمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ * بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ﴾

نون. سوگند به قلم و آن‌چه می‌نگارد، که تو به [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی. بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است. و مسلماً تو بر خُلق و خویی بزرگ هستی. پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.

۴۳۹ . عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ ن ﴾ السَّمَکَةُ الَّتِی عَلَی ظَهرِهَا الأَرضِینَ وَ تَحتَ

---

۱. امام موسی کاظم علیه السلام دربارهٔ آیهٔ مذکور فرمود: نون نامی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله است و قلم نامی برای امیرالمؤمنین علیه السلام است. (*تأویل الایات*، ج ۲، ص ۷۱۰) و در حدیث دیگری داریم، از امام صادق علیه السلام درخصوص تفسیر سورهٔ مقطعه قران چنین روایت کرده است: و اما نون رودی در بهشت است که خداوند عزّوجلّ به آن فرمود بسته شو، پس بسته شد؛ سپس خداوند عزّوجلّ به قلم فرمود: بنویس. بنابراین قلم، آن‌چه وجود داشته و آن‌چه تا روز قیامت به وجود خواهد آمد را در لوح محفوظ نوشت. جوهر، جوهری از نور است و قلم، قلمی از نور است و لوح لوحی از نور است.... (برای مطالعهٔ بیشتر رجوع شود به کتاب ترجمهٔ *تفسیر البرهان*، ج ۹، ص ۱۴۲)

الحُوتِ الثُّورُ وَ تَحتَ الثُّورِ الصَّخرَةُ وَ تَحتَ الصَّخرَةِ الثَّرَى وَ مَا يَعلَمُ تَحتَ الثَّرَى إِلَّا اللهُ تَعَالَى وَ إِسمُ السَّمَكَةِ لِيوَاقَنُ وَ اسمُ الثَّورِ يَهمُوتُ ﴿ وَ الْقَلَمِ ﴾ هُوَ الَّذِى يُكتَبُ بِهِ الذِّكرُ الحَكِيمُ الَّذِى عِندَ رَبِّ العَالَمِينَ ﴿ وَ مَا يَسْطُرُونَ ﴾ يَقُولُ: يَكتُبُ المَلائِكَةُ أَعمالَ بَنِى آدمَ ﴿ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴾ يَقُولُ: مَا أَنتَ بِمَا أَنعَمَ اللهُ عَلَيكَ مِنَ النُّبُوَّةِ وَ القُرآنِ يَا مُحَمَّدُ بِمَجنُونٍ.

ابن عباس دربارهٔ این آیه گفت: «نون» آن ماهی است که زمین‌ها بر پشت آن سوارند و به زیر آن، گاوی نر و به زیر آن گاو نر صخره‌ای و به زیر آن صخره خاک است و کسی نمی‌داند چه به زیر خاک است مگر خداوند متعال. اسم آن ماهی، لیواقن و اسم آن گاو نر یهموث است. «سوگند به قلم»ی که با آن ذکر حکیمانه‌ای که نزد پروردگار عالمیان است، نوشته می‌شود و «قسم به آن‌چه می‌نگارد» فرشتگان‌اند که اعمال فرزندان آدم را می‌نویسند، «تو به [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی.» ای محمّد! تو هرگز به سبب نعمت نبوّت و قرآن که به تو عطا شده مجنون نیستی.

۴۴۰. عَن أَبِى حَبَابٍ: إِنَّ أَبَا أَيُّوبِ الأَنصَارِيَّ قَالَ: لَمَّا أَخَذَ النَّبِىُّ ﷺ بِيَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ عليه‌السلام فَرَفَعَهَا وَ قَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ قَالَ نَاسٌ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا فُتِنَ بِابنِ عَمِّهِ فَنَزَلَتِ الآيَةُ: ﴿ فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ﴾.

ابی حباب به نقل از ابوایّوب انصاری گفت: زمانی که پیامبر ﷺ دست علی عليه‌السلام را گرفت و بالا برد و فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست؛ برخی از مردم گفتند او شیفته و مجنون پسرعمویش شده است. پس این آیه نازل شد: «پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.»

۴۴۱. عَن كَعبِ بنِ عَجرَةَ قَالَ ابنُ مَسعُودٍ: غَدَوتُ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فِى مَرَضِهِ الَّذِى قُبِضَ فِيهِ فَدَخَلتُ المَسجِدَ وَ النَّاسُ أَجفَلَ مَا كَانُوا كَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِهِمُ الطَّيرَ إِذ أَقبَلَ عَلِيُّ بنُ أَبِى طَالِبٍ عليه‌السلام حَتَّى سَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَتَغَامَزَ بِهِ بَعضُ مَن كَانَ عِندَهُ فَنَظَرَ إِلَيهِمُ

النَّبيُّ ﷺ فقَالَ: أَلَا تسأَلُونَ عَن أَفضَلِكُم؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: أَفضَلُكُم عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ ﷺ أَقدَمُكُم إِسلَامًا وَ أَوفَرُكُم إِيمَانًا وَ أَكثَرُكُم عِلمًا وَ أَرجَحُكُم حِلمًا وَ أَشَدُّكُم لِلّٰهِ غَضَبًا وَ أَشَدُّكُم نِكَايَةً فِي الغَزوِ وَ الجِهَادِ. فَقَالَ لَهُ بَعضُ مَن حَضَرَ: يَا رَسُولَ اللهِ وَ إِنَّ عَلِيًّا قَد فَضَّلَنَا بِالخَيرِ كُلِّهِ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: أَجَل هُوَ عَبدُ اللهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللهِ فَقَد عَلَّمتُهُ عِلمِي وَ استَودَعتُهُ سِرِّي وَ هُوَ أَمِينِي عَلَى أُمَّتِي. فَقَالَ بَعضُ مَن حَضَرَ: لَقَد أَفتَنَ عَلِيٌّ رَسُولَ اللهِ حَتَّى لَا يَرَى بِهِ شَيئًا فَأَنزَلَ اللهُ الآيَةَ: ﴿ **فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ * بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ** ﴾.

کعب بن عجزه از ابن مسعود روایت کرده است که وی گفت: صبح هنگام نزد رسول خدا ﷺ رفتم و حال آن‌که ایشان کسالتی داشت که بر اثرش درگذشت. من داخل مسجد شدم و مردم را دیدم که انبوه‌تر از همیشه گرد هم آمده بودند و همه سرگردان بودند. ناگاه حضرت علی ﷺ وارد شد و به پیامبر ﷺ سلام کرد. در آن هنگام برخی از کسانی که نزد ایشان بودند، با چشم به هم اشاره کردند. پیامبر ﷺ به آنان نگریست و فرمود: آیا نمی‌پرسید چه کسی برترین شماست؟ عرض کردند: بله ای رسول خدا! فرمود: برترین شما علی بن ابی‌طالب ﷺ است که پیش از شما اسلام آورد و بیش از شما ایمان دارد و بیش‌تر از شما می‌داند و در بردباری سرآمد شماست و خشمش از برای خدا سخت‌تر از شماست و در جنگ و جهاد رزم‌آوری‌اش استوارتر از شماست. یکی از حاضران عرض کرد: ای رسول خدا! به راستی که علی ﷺ در تمام نیکی‌ها بر ما برتری یافته است. رسول خدا ﷺ فرمود: آری؛ او بندهٔ خدا و برادر رسول خداست که من دانش خود را به او آموخته‌ام و راز خود را نزدش به امانت سپرده‌ام و او امین من بر امت من است. در آن دم یکی از حاضران گفت: علی، رسول خدا ﷺ را چنان مجنون کرده که ایشان هیچ از او نمی‌بینند. پس خداوند نازل فرمود: «پس به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام یک از شما مجنون است.»

۴۴۲. عَن طَاوُسٍ عَن أَبِيهِ قَالَ: سَمِعتُ مُحَمَّدَبنَ عَلِيٍّ ﷺ يَقُولُ: نَزَلَ جَبرَئِيلُ ﷺ عَلَى

النَّبِیِّ ﷺ بِعَرَفَاتٍ یومَ الجُمُعَةِ فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللهَ یَقرَؤُكَ السَّلامَ وَ یَقُولُ: قُل لِأُمَّتِكَ: ﴿ **أَلیَومَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی** ﴾ بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ فَذَکَرَ کَلَامًا فِیهِ طُولٌ ـ فَقَالَ بَعضُ المُنَافِقِینَ لِبعضٍ: مَا ترونَ عَینَیهِ تَدُورَانِ؟ ـ یَعنُونَ النَّبِیَّ ـ کَأَنَّهُ مَجنُونٌ وَ قَدِ افتَتَنَ بِابنِ عَمِّهِ مَا بَالُهُ رَفَعَ بِضَبعِهِ لَو قَدَرَ أَن یَجعَلَهُ مِثلَ کَسرَی وَ قَیصَرَ لَفَعَلَ. فَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ: ﴿ **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ** ﴾ ـ یَعلَمُ النَّاسُ أَنَّ القُرآنَ قد نَزَلَ عَلَیهِ فَانصَتُوا فَقَرَءَ: ﴿ **ن وَ الْقَلَمِ وَ مٰا یَسْطُرُونَ * مٰا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ** ﴾ یَعنِی مَن قَالَ مِنَ المُنَافِقِینَ ﴿ **وَ إِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَیْرَ مَمْنُونٍ** ﴾ بِتَبلِیغِكَ مَا بَلَّغتَ فِی عَلِیٍّ ﴿ **وَ إِنَّكَ لَعَلیٰ خُلُقٍ عَظِیمٍ * فَسَتُبْصِرُ وَ یُبْصِرُونَ * بِأَیِّکُمُ الْمَفْتُونُ** ﴾ قَالَ: وَ هَکَذَا نَزَلَت. وَ ذَکَرَ الحَدِیثَ.

طاووس از پدرش روایت کرده است که وی گفت: از امام محمّد باقر ﷺ شنیدم که فرمود: جبرئیل ﷺ روز جمعه در عرفات بر پیامبر ﷺ نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! خدا به تو سلام می رساند و می‌فرماید به امّتت بگو: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام گرداندم.» یعنی با ولایت علی بن ابی طالب ﷺ. در آن دم منافقان به یکدیگر گفتند: آیا می‌بینید چشمانش چگونه مـی‌چرخـد؟ ـ چشـمان پـیامبر ﷺ را مـی‌گفتند ـ گـویی مجنون و شـیفتهٔ پسرعمه‌اش شده است. چه اندیشید که بازوی او را بالا برد؟ اگر می توانست او را همچون کسری و قیصر قرار دهد، هر آینه چنین می‌کرد. آن‌گاه پیامبر ﷺ فرمود: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان» تا مردم بدانند که قرآن بر ایشان نازل شده و سکوت کنند؛ سپس فرمود: «سوگند به قلم و آن‌چه مـی‌نگارد. تـو بـه [سبب] نعمت پروردگارت دیوانه نیستی.» در پاسخ به آن‌چه منافقان گـفتند. «بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است.» به خاطر ابلاغی که دربارهٔ علی ﷺ کردی «و مسلّماً تو بر خُلق و خویی بزرگ هستی. پس بـه زودی مـی‌بینی و می‌بینند که کدام‌یک از شما مجنون است.» سپس امام محمّد باقر ﷺ فرمود: آیه این چنین نازل شد. و سپس حدیثی بیان فرمود.




وَ مِن سُورَةِ الحَاقَّةِ

(سورهٔ حاقّه، آیهٔ ۱۲)

﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾

و تا گوش شنوا آن [پند و تذکر] را نگاه دارد.

۴۴۳. عُبَيدُبنُ كَثيرٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ (ع) فِي قَولِهِ: ﴿ **وَتَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ** ﴾ قَالَ: هِيَ وَاللهِ أُذُنُ عَلِيِّ بنِ أَبي طالِبٍ (ع).

عبیدبن کثیر روایت کرده است: امام محمّد باقر (ع) دربارهٔ این کلام حق تعالی فرمود: به خدا سوگند آن گوش علی بن ابی طالب (ع) است.

۴۴۴. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ (ع) فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ** ﴾ قَالَ: الأُذُنُ الوَاعِيَةُ عَلِيٌّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى خَلقِهِ مَن أَطَاعَهُ أَطَاعَ اللهَ وَ مَن عَصَاهُ فَقَد عَصَى اللهَ.

جعفربن محمّد فزاری گفت: امام محمّد باقر (ع) فرمود: گوش شنوا همانا علی (ع) است. او حجت خدا بر خلق خداست. هر که او را فرمان برد، خدا را فرمان برده و هر که او را نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است.

۴۴۵. حَدَّثَنا عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ مَخلَدٍ الجُعفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي جَعفَرٍ (ع) قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ:

﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَأَلتُ اللهَ أَن يَجعَلَهَا أُذُنَكَ يَا عَلِيُّ.

علی بن محمّد بن مخلد جعفی روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: زمانی که این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ فرمود: ای علی علیه السلام! از خدا خواستم تا آن گوش را گوش تو قرار دهد.

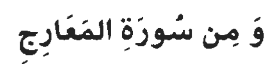
۴۴۶. عَن مَكحُولٍ فِي قَولِهِ: ﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: سَأَلتُ رَبِّي أَن يَجعَلَهَا أُذُنَ عَلِيٍّ، وَ كَانَ عَلِيٌّ يَقُولُ: مَا سَمِعتُ مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ كَلامًا إِلَّا أَوعَيتُه وَ حَفِظتُهُ.

مکحول روایت کرده است: رسول خدا ﷺ دربارهٔ این آیه فرمود: از پروردگارم خواستم تا آن گوش را گوش علی قرار دهد. و علی علیه السلام فرمود: کلامی از رسول خدا ﷺ نشنیدم مگر آن‌که آن را با دل و جان شنیدم و حفظ کردم.

۴۴۷. عَن صَالِحِ بنِ مِيثَم قَالَ: سَمِعتُ بُرَيدَةَ الأَسلَمِيَّ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَلِيٍّ: إِنَّ اللهَ أَمَرَنِي أَن أُدنِيَكَ وَ لَا أُقصِيَكَ وَ أَن أُعَلِّمَكَ وَ أَن تَعِيَهُ، وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَن تَعِيَهُ. قَالَ: وَ نَزَلَت ﴿ وَ تَعِيَهٰا أُذُنٌ وٰاعِيَةٌ ﴾.

صالح‌بن میثم گفت: از بریده اسلمی شنیدم که می‌گفت: رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: خداوند مرا امر فرمود تا تو را به خود نزدیک گردانم و تو را از خود دور نکنم و تو را بیاموزم و تو آن را نگاه داری و بر خداوند است که تو آن را نگاه داری. فرمود: چنین بود که این آیه نازل شد: «و تا گوش شنوا آن [پند و تذکر] را نگاه دارد.»





(سورهٔ معارج، آیهٔ ۱ ـ ۲)

﴿ سَأَلَ سٰائِلُ بِعَذٰابٍ وٰاقِعٍ * لِلْكٰافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دٰافِعٌ ﴾

درخواست‌کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کـرد. کـه برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست.

۴۴۸. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ إذ دَخَلَ عَلَينَا عَمرُوبنُ الحَارِثِ الفِهرِيُّ قَالَ: يَاأَحمَدُ أَمَرتَنَا بِالصَّلاةِ وَ الزَّكَاةِ أَفَمِنكَ هَذَا أَم مِن رَبِّكَ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ: أَلفَرِيضَةُ مِن رَبِّى وَ أَدَاءُ الرِّسَالَةِ مِنِّى حَتَّى أَقُولَ: مَا أَدَّيتُ إِلَيكُم إِلَّا مَا أَمَرَنِى رَبِّى. قَالَ: فَأَمَرتَنَا بِحُبِّ عَلِيِّ بنِ أَبِى طَالِبٍ زَعَمتَ أَنَّهُ مِنكَ كَهَارُونَ مِن مُوسَى، وَ شِيعَتُهُ عَلَى نُوقٍ غُرٍّ مُحَجَّلَةٍ يَرفُلُونَ فِى عَرصَةِ القِيَامَةِ حَتَّى يَأتِىَ الكَوثَرَ فَيَشرَبُ وَ يَسقِى صَحَّ هَذِهِ الأُمَّةَ وَ يَكُونُ زُمرَةٌ فِى عَرصَةِ القِيَامَةِ، أَبِهَذَا الحُبِّ سَبَقَ مِنَ السَّمَاءِ أَم كَانَ مِنكَ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَ: بَلَىٰ سَبَقَ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ كَانَ مِنِّى لَقَد خَلَقَنَا اللهُ نُورًا تَحتَ العَرشِ فَقَالَ عَمرُوبنُ الحَارِثِ: الآنَ عَلِمتُ أَنَّكَ سَاحِرٌ كَذَّابٌ يَا مُحَمَّدُ، أَلَستُمَا مِن وُلدِ آدَمَ؟ قَالَ: بَلَىٰ وَ لكِن خَلَقَنَا اللهُ نُورًا تَحتَ العَرشِ قَبلَ أَن يَخلُقَ اللهُ آدَمَ بِاثنَى عَشَرَ أَلفَ سَنَةٍ فَلَمَّا أَن خَلَقَ اللهُ آدَمَ أَلقَى النُّورَ فِى صُلبِ آدَمَ فَأَقبَلَ يَنتَقِلُ ذَلِكَ النُّورُ مِن صُلبٍ إِلَى صُلبٍ

حَتَّی تَفَرَّقنَا فِی صُلبِ عَبدِ اللهِبنِ عَبدِالمُطَّلِبِ وَ أَبی طالِبٍ فَخَلَقَنا رَبّی مِن ذَلِكَ النُّورِ لٰكِنَّهُ لَا نَبِیَّ بَعدِی.
قَالَ: فَوَثَبَ عَمرُوبنُ الحَارِثِ الفِهرِیِّ مَعَ اثنَی عَشَرَ رَجُلًا مِنَ الكُفَّارِ وَ هُم یَنفُضُونَ أَردِیَتَهُم فَیَقُولُونَ اللَّهُمَّ إن كَانَ مُحَمَّدٌ صَادِقًا فِی مَقَالَتِهِ فَارمِ عَمرًو وَ أَصحَابَهُ بِشُواظٍ مِن نَارٍ. قَالَ: فَرُمِیَ عَمرُو وَ أَصحَابُهُ بِصَاعِقَةٍ مِنَ السَّمَاءِ فَأَنزَلَ اللهُ هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِینَ لَیْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِی الْمَعَارِجِ** ﴾ فَالسَّائِلُ عَمرُو وَأَصحَابُهُ.

ابن عباس گفت: با رسول خداﷺ بودم که عمروبن حارث فهری بر ما وارد شد و عرض کرد: ای احمد! ما را به نماز و زکات امر کرده‌ای؛ آیا این امور از جانب خدایت است یا از جانب خودت؟ حضرت فرمود: واجبات از جانب پروردگارم و ادا کردن رسالت از جانب من است؛ چنان‌چه گفته‌ام، هر آن‌چه سویتان آورده‌ام چیزی نبوده جز آن‌چه پروردگارم مرا بدان امر کرده است. عرض کرد: ما را به دوست داشتن علی بن ابی‌طالب ؑ امر کردی و گفتی او نسبت به تو به منزلهٔ هارون به موسی است و شیعیان او بر ناقه‌هایی روسفید سوارند و دامن‌کشان در عرصه قیامت وارد می‌شوند، تا این‌که او بر حوض کوثر وارد می‌شود و از آن می‌نوشد و به خوبان این امّت که در پهنای قیامت گروهی بیش نیستند، می‌نوشاند. ای محمّد! آیا این دوست داشتن پیشینه‌ای در آسمان دارد یا از جانب توست؟ فرمود: آری، در آسمان پیشینه دارد و سپس از جانب من است؛ چراکه خداوند ما را نوری به زیر عرش آفرید. عمروبن حارث عرض کرد: اکنون دانستم که تو ای محمّد جادوگری دروغگویی! مگر شما دو نفر از فرزندان آدم نیستید؟ فرمود: آری، امّا خداوند دوازده هزار سال پیش از آن‌که آدم را بیافریند، ما را نوری به زیر عرش آفرید. چون خداوند آدم را بیافرید، آن نور را در پشت آدم نهاد و آن نور از پشتی به پشت دیگر راه

یافت تا آن‌که ما در پشت عبدالله‌بن عبدالمطلب و ابوطالب از هم جدا شدیم. پروردگارم ما هر دو را از آن نور آفرید، با این تفاوت که پس از من هیچ پیامبر دیگری نیست.

در آن دم عمروبن حارث فهری به همراه دوازده تن از کفار از جا برخاستند و در حالی‌که ردای خویش را می‌تکاندند، گفتند: خدایا! اگر محمّد در این سخن راستگوست، عمرو و یارانش را به پاره‌هایی از آتش بر خاک افکن. ناگاه عمرو و یارانش به صاعقه‌ای از آسمان بر خاک افتادند و خداوند این آیه را نازل فرمود: «درخواست‌کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد. که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست، از سوی خداوند صاحب درجات.» پس سؤال‌کننده همان عمرو و یارانش بودند.

۴۴۹. عَنِ الحُسَینِ‌بنِ مُحَمَّدٍ الخَارِفِیِّ قَالَ: سَأَلتُ سُفیَانَ‌بنَ عُیینَةِ عَن ﴿ سَأَلَ سَائِلٌ ﴾ فِیمَن نَزَلَت؟ قَالَ: یَا ابنَ أَخِی سَأَلتَنِی عَن شَیءٍ مَا سَأَلَنِی عَنهُ أَحَدٌ قَبلَكَ، لَقَد سَأَلتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَن مِثلِ الَّذِی سَأَلتَنِی عَنهُ فَقَالَ: أَخبَرَنِی أَبِی عَن جَدِّی عَن أَبِیهِ عَن ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا كَانَ یَومُ غَدِیرِ خُمٍ قَامَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله خَطِیبًا فَأَوجَزَ فِی خُطبَتِهِ ثُمَّ دَعَا عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام فَأَخَذَ بِضَبعِهِ ثُمَّ رَفَعَ بِیَدِهِ حَتَّی رَئِی بَیَاضَ إِبطَیهِما وَ قَالَ: أَلَم أُبَلِّغكُمُ الرِّسَالَةَ؟ أَلَم أَنصَح لَكُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم. فَقَالَ: مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ. فَفَشَت فِی النَّاسِ فَبَلَغَ ذَلِكَ الحَارِثَ‌بنَ النُّعمانِ الفِهرِیِّ فَرَحَلَ رَاحِلَتَهُ ثُمَّ استَوَی عَلَیهَا وَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله إذ ذَاكَ بِمَكَّةَ حَتَّی انتَهَی إِلَی الأَبطَحِ فَأَنَاخَ نَاقَتَهُ ثُمَّ عَقَلَهَا ثُمَّ جَاءَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَسَلَّمَ فَرَدَّ عَلَیهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ دَعَوتَنَا أَن نَقُولَ (لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ) فَقُلنَا ثُمَّ دَعَوتَنَا أَن نَقُولَ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ فَقُلنَا وَ فِی القَلبِ مَا فِیهِ ثُمَّ قُلتَ صَلُّوا فَصَلَّینَا ثُمَّ قُلتَ صُومُوا فَصُمنَا فَأَظمَأنَا نَهَارَنَا وَ أَتعَبنَا أَبدَانَنَا ثُمَّ قُلتَ حَجُّوا فَحَجَجنَا ثُمَّ قُلتَ إِذَا رُزِقَ أَحَدُكُم مِأتَی دِرهَمٍ فَلیَتَصَدَّق بِخَمسَةٍ فِی كُلِّ سَنَةٍ فَفَعَلنَا ثُمَّ إِنَّكَ

أَقمتَ ابنَ عَمِّكَ فَجَعَلتَهُ عَلَمًا وَ قُلتَ مَن كُنتُ مَولاهُ فَعَلِيٌّ مَولاهُ اللَّهُمَّ والِ مَن والاهُ وَ عادِ مَن عاداهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ واخذُل مَن خَذَلَهُ أَفَعَنكَ أَم عَنِ اللهِ؟! قالَ: بَل عَنِ اللهِ ـ قالَ فَقالَها ثَلاثًا ـ قالَ: فَنَهَضَ وَ إِنَّه لَمُغضِبٌ وَ إِنَّه لَيَقولَ: اللَّهُمَّ إِن كانَ ما قالَ مُحَمَّدٌ حَقًّا فَأَمطِر عَلَينا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ تَكُونُ نَقِمَةً فِي أَوَّلِنا وَ آيَةً فِي آخِرِنا وَ إِن كانَ ما قالَ مُحَمَّدٌ كَذِبًا فَأَنزِل بِهِ نِقمَتَكَ. ثُمَّ أَثارَ ناقَتَهُ فَحَلَّ عِقالَها ثُمَّ استَوى عَلَيها فَلَمّا خَرَجَ مِنَ الأَبطَحِ رَماهُ اللهُ تَعالَى بِحَجَرٍ مِنَ السَّماءِ فَسَقَطَ عَلَى رَأسِهِ وَ خَرَجَ مِن دُبُرِهِ وَ سَقَطَ مَيِّتًا فَأَنزَلَ اللهُ فِيهِ ﴿ **سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْكافِرينَ لَيْسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِي الْمَعارِجِ** ﴾.

حسین‌بن محمّد خارفی گفت: از سفیان‌بن عیینه دربارهٔ این سوره پرسیدم که دربارهٔ چه کسی نازل شده است؟ گفت: ای پسر برادرم! سؤالی از من پرسیدی که تاکنون هیچ کس پیش از تو سؤالی نپرسیده بود؛ من از امام جعفر صادق علیه‌السلام همین سؤال را پرسیدم، ایشان فرمود: پدرم از جدم از پدرش از قول ابن عباس فرمود: چون روز غدیر خم فرا رسید، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای خطبه خواندن برخاست و خطبه‌ای مختصر خواند. سپس علی علیه‌السلام را فرا خواند و بازویش را گرفت و دستش را بالا برد تا جایی که سپیدی زیر بازوی ایشان آشکار شد. آن‌گاه فرمود: آیا رسالتم را به شما ابلاغ نکردم؟ آیا شما را نصیحت نکردم؟ عرض کردند: آری. فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد و یاری کن هر که او را یاری نماید و خوار ساز هر که او را خوار سازد. این خبر درمیان مردم پیچید و به حارث‌بن نعمان فهری نیز رسید. او بار سفر بست و بر ناقه نشست و حال آن‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن هنگام در مکه بود. چون به دشت مکه رسید، ناقه‌اش را به زانو نشاند و پایش را بست و خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و سلام کرد و عرض کرد: ای محمّد! تو ما را دعوت کردی تا

بگوییم هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست؛ گفتیم. سپس دعوت کردی تا بگوییم تو رسول خدایی؛ گفتیم و در قلب ما آن‌چه بود که بود، سپس گفتی نماز بگزارید و ما نماز گزاردیم، سپس گفتی روزه بگیرید؛ گرفتیم، روزها در تشنگی به سر بردیم و بدن‌هایمان را به زحمت انداختیم. سپس گفتی: حج به جا آورید؛ حج نمودیم. سپس گفتی هنگامی که دویست درهم به یکی از شما روزی داده شد، یک پنجم آن را سالانه صدقه دهید، انجام دادیم. سپس پسرعمویت را برپا داشتی و او را علم کردی و گفتی هر که من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا دوست بدار هر که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر که او را دشمن بدارد و یاری کن هر که او را یاری دهد و خوار ساز هر که او را خوار سازد. حال این سخن از سوی توست یا از سوی خدا؟ پیامبر ﷺ فرمود: البته از جانب خداست. و سه بار این سخن تکرار فرمود. حارث‌بن نعمان غضبناک برخاست؛ در حالی‌که می‌گفت: خدایا اگر آن‌چه محمّد می‌گوید، حقّ است، از آسمان بر ما سنگ بباران تا بلایی بر اولین ما و نشانه‌ای برای آخرین ما باشد؛ امّا اگر آن‌چه محمّد می‌گوید، دروغ است، پس بلایت را بر او نازل کن. آن‌گاه شترش را برپا کرد و طنابش را باز کرد و بر آن نشست. چون از آن دشت بیرون رفت، خداوند سنگی از آسمان به سمت او پرتاب کرد و بر سرش اصابت کرد و از پشتش خارج شد و در جا مرد و خداوند این آیه را نازل فرمود: «درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست. از سوی خداوند صاحب درجات.»

۴۵۰. عَن سَعدِبنِ أَبی‌وَقّاصٍ قَالَ: صَلّی بِنَا النَّبیُّ ﷺ صَلاةَ الفَجرِ یَومَ الجُمُعَةِ ثُمَّ أَقبَلَ عَلَینَا بِوَجهِهِ‌الکَریمِ الحَسَنِ وَ أَثنَی عَلَی اللهِ تَبارَکَ وَ تَعَالَی فَقَالَ: أُخرُجُ یومَ القِیَامَةِ وَ عَلِیُّ بنُ أَبی‌طالِبٍ أَمَامِی وَ بِیَدِهِ لِواءُ الحَمدِ وَ هُوَ یومَئِذٍ مِن شِقَّتَینِ شِقَّةٌ مِنَ السُّندُسِ وَ شِقَّةٌ مِنَ الإِستَبرَقِ فَوَثَبَ إِلَیهِ رَجلُ أَعرَابِیٌّ مِن أَهلِ نَجدٍ مِن وُلدِ جَعفرِبنِ کَلابِ‌بنِ رَبیعَةَ

فَقالَ: قد أرسَلُونی إلَیکَ لِأَسأَلَكَ. فَقالَ: قُل یا أَخا البادِیَةِ. قالَ: ما تَقُولُ فِی عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ فَقَد کَثُرَ الإختِلافُ فِیهِ. فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ضاحِکًا. فَقالَ: یا أَعرابِیُّ وَ لِمَ کَثُرَ الإختِلافُ فِیهِ؟! عَلِیٌّ مِنِّی کَرَأسِی مِن بَدَنِی وَ زِرِّی مِن قَمِیصِی. فَوَثَبَ الأَعرابِیُّ مُغضِبًا ثُمَّ قالَ: یا مُحَمَّدُ إنِّی أَشَدُّ مِن عَلِیٍّ بَطشًا فَهَل یَستَطِیعُ عَلِیٌّ أَن یَحمِلَ لِواءَ الحَمدِ؟ فَقالَ النَّبِیُّ ﷺ: مَهلًا یا أَعرابِیُّ فَقَد أُعطِیَ عَلِیٌّ یَومَ القِیامَةِ خِصالًا شَتّی: حُسنَ یُوسُفَ وَ زُهدَ یَحیی وَ صَبرَ أَیُّوبَ وَ طُولَ آدَمَ وَ قُوَّةَ جَبرَئِیلَ ﷺ وَ بِیَدِهِ لِواءُ الحَمدِ وَ کُلُّ الخَلائِقِ تَحتَ اللِّواءِ یَحُفُّ بِهِ الائِمَّةُ وَ المُؤَذِّنُونَ بِتِلاوَةِ القُرآنِ وَ الأَذانِ أَوَ هُمُ الَّذِینَ لا یَتَبَدَّدُونَ فِی قُبُورِهِم. فَوَثَبَ الأَعرابِیُّ مُغضِبًا وَ قالَ: اللّٰهُمَّ إن یَکُن ما قالَ مُحَمَّدٌ فِیهِ حَقًّا فَأَنزِل عَلَیَّ حَجَرًا فَأَنزَلَ اللهُ عَلَیهِ: ﴿ **سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْکافِرینَ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ * مِنَ اللهِ ذِي الْمَعارِجِ** ﴾.

سعدبن ابی‌وقاص گفت: پیامبر ﷺ نماز صبح روز جمعه را پیشاپیش ما به جا آورد و سپس چهرهٔ گشاده و زیبای خود را سوی ما کرد و خداوند تبارک و تعالی را ستود و فرمود: در روز قیامت من و علی بن ابی‌طالب بیرون می‌آییم، در حالی‌که علی ﷺ جلوی من است و در دست او بیرق حمد است و آن بیرق در آن روز دو تکّه است، تکّه‌ای از حریر و تکّه‌ای از دیبا. ناگهان مردی اعرابی از اهل نجد از فرزندان جعفربن کلاب‌بن ربیعه سوی پیامبر ﷺ جلو پرید و عرض کرد: من را فرستاده‌اند تا سؤالی از شما بپرسم. حضرت فرمود: بگو ای برادر بادیه‌نشین! عرض کرد: آن‌چه در مورد علی بن ابی‌طالب ﷺ می‌گویی اختلاف بسیاری در آن است. پیامبر تبسّمی کرد و فرمود: ای اعرابی! چرا در آن اختلاف بسیار است؟ علی از من است همچون سرم از بدنم و ردایم از پیرهنم. در آن دم اعرابی غضبناک جلو پرید و عرض کرد: ای محمّد! من از علی درشت‌اندام‌ترم. آیا علی توانایی دارد که بیرق حمد را حمل کند؟ پیامبر ﷺ فرمود: صبر کن ای اعرابی! در روز قیامت ویژگی های گوناگونی به

علی علیه‌السلام ارزانی می‌شود: زیبایی یوسف و پرهیزکاری یحیی و بردباری ایوب و قد آدم و قدرت جبرئیل علیه‌السلام؛ و در دستان او بیرق حمد است و تمامی آفریدگان به زیر آن بیرق‌اند. امامان علیهم‌السلام و اذن‌یافتگان به تلاوت قرآن و اذان او را در میان می‌گیرند و ایشان کسانی هستند که در قبرهاشان پراکنده نیستند. باز اعرابی غضبناک جلو پرید و عرض کرد: خدایا اگر آن‌چه محمّد در مورد او می‌گوید حقّ است، بر من سنگی نازل کن. آن‌گاه خداوند بر او نازل فرمود: «درخواست کننده‌ای عذابی را که واقع شدنی است، درخواست کرد که برای کافران از آن هیچ بازدارنده‌ای نیست. از سوی خداوند صاحب درجات.»

وَ مِن سُورَةِ الجِنِّ

(سورهٔ جنّ، آیهٔ ۱۴ ـ ۱۶)

﴿ وَ أَنّٰا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَ مِنَّا الْقٰاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا * وَ أَمَّا الْقٰاسِطُونَ فَكٰانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَنْ لَوِ اسْتَقٰامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنٰاهُمْ مٰاءً غَدَقًا ﴾

و اینکه از میان ما [گروهی] مسلمان‌اند و از میان ما [گروهی] ستمکارند. پس هر کس اسلام آورد، اینان‌اند که راه راست را جویا شدند. و امّا ستمکاران هیزمی برای جهنّم‌اند. و اگر بر راه [راست] پایداری کنند، بی‌تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم.

۴۵۱. عَن جَابِرٍ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ إِنَّ الَّذِینَ قٰالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقٰامُوا[1] ﴾ فَقَالَ: هُوَ وَاللهِ مَا أَنتُم عَلَیهِ ﴿ وَ أَنْ لَوِ اسْتَقٰامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنٰاهُمْ مٰاءً غَدَقًا ﴾ یَعنِی مَن جَرَى فِیهِ شَیءٌ مِن شِرکِ الشَّیطَانِ یَعنِی ﴿ عَلَى الطَّرِيقَةِ ﴾ عَلَى الوَلَایَةِ فِی الأَصلِ عِندَ الأَظِلَّةِ حِینَ أَخَذَ اللهُ المِیثَاقَ مِن ذُرِّیَّةِ آدَمَ ﴿ لَأَسْقَيْنٰاهُمْ مٰاءً غَدَقًا ﴾ قَالَ: کُنَّا وَضَعنَا أَظِلَّتَهُم فِی المَاءِ الفُرَاتِ العَذبِ.

---

۱. فصلت، ۳۰ و احقاف، ۱۳

جابر گفت: امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ این آیه «آنان که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند» فرمود: به خدا سوگند منظور، مذهبی است که شما بر آن هستید، «و اگر بر راه [راست] پایداری کنند بی‌تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» منظور، کسانی هستند که چیزی از شرک شیطان در وجودشان جاری است و منظور از «بر راه [راست]» در اصل ولایت است که در عالم ذر خداوند از فرزندان آدم درباره‌اش پیمان گرفت «بی‌تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» یعنی اگر چنین بودند، ما ذرات آنان را در آب شیرین فرات قرار می‌دادیم.

۴۵۲. عَن جَابِرِبنِ عَبدِ اللهِ الأَنصارِيِّ قَالَ: إِفتَقَدتُ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ؑ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ أَيَّامًا فَغلَبَنِي الشَّوقُ فَجِئتُ فَأَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ المَخزُومِيَّةِ فَوَقَفتُ بِالبَابِ فَخَرَجَت وَ هِيَ تَقُولُ: مَن بِالبَابِ؟ فَقُلتُ: أَنَا جَابِرُ بنُ عَبدِ اللهِ. فَقَالَت: يَا جَابِرُ مَا حَاجَتُكَ؟ قُلتُ: إِنِّي فَقَدتُ سَيِّدِي أَمِيرَ المُؤمِنِينَ ؑ وَ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ مُذ أَيَّامٍ فَغَلَبَنِي الشَّوقُ إِلَيهِ أَتَيتُكِ لِأَسأَلَكِ مَا فَعَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ. فَقَالَت: يَا جَابِرُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ فِي السَّفَرِ. فَقُلتُ: فِي أَيِّ سَفَرٍ؟ فَقَالَت: يَا جَابِرُ عَلِيٌّ فِي بُرجَاتٍ مُنذُ ثَلَاثٍ فَقُلتُ: فِي أَيِّ بُرجَاتٍ؟ فَأَجَافَتِ البَابَ دُونِي فَقَالَت: يَا جَابِرُ ظَنَنتُكَ أَعلَمُ مِمَّا أَنتَ صِر إِلَى مَسجِدِ النَّبِيِّ ﷺ فَإِنَّكَ سَتَرَى عَلِيًّا ؑ فَأَتَيتُ المَسجِدَ فَإِذَا أَنَا بِسَاجِدٍ مِن نُورٍ وَ سَحَابٍ مِن نُورٍ وَ لَا أَرَى عَلِيًّا ؑ فَقُلتُ: يَا عَجَبَا غَرَّتنِي أُمُّ سَلَمَةَ فَلَبِثتُ قَلِيلاً إِذ تَطَامَنَ السَّحَابُ وَ انشَقَّت وَ نَزَلَ مِنهَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ فِي كَفِّهِ سَيفٌ يَقطُرُ دَمًا، فَقَامَ إِلَيهِ السَّاجِدُ فَضَمَّهُ إِلَيهِ وَ قَبَّلَ بَينَ عَينَيهِ وَ قَالَ: الحَمدُ لِلّهِ يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ الَّذِي نَصَرَكَ عَلَى أَعدَائِكَ وَ فَتَحَ عَلَى يَدَيكَ، لَكَ إِلَيَّ حَاجَةٌ؟ قَالَ: حَاجَتِي إِلَيكَ تَقرَءُ مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ مِنِّي السَّلَامَ وَ تُبَشِّرُهُم بِالنَّصرِ. ثُمَّ رَكِبَ السَّحَابَ فَطَارَ فَقُمتُ إِلَيهِ وَ قُلتُ: يَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ إِنِّي لَم أَرَكَ بِالمَدِينَةِ أَيَّامًا فَغَلَبَنِي الشَّوقُ إِلَيكَ فَأَتَيتُ أُمَّ سَلَمَةَ المُخزُومِيَّةِ لِأَسأَلَهَا عَنكَ فَوَقَفتُ بِالبَابِ فَخَرَجَت وَ هِيَ تَقُولُ: مَن بِالبَابِ؟ فَقُلتُ: أَنَا جَابِرُ فَقَالَت: مَا

حَاجَتُكَ يَا أَخَا الأَنصَارِ؟ فَقُلتُ: إِنِّى فَقَدتُ أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ وَ لَم أَرَهُ بِالمَدِينَةِ فَأَتَيتُكِ لِأَسأَلَكِ مَا فَعَلَ أَمِيرُ الْمُؤمِنِينَ؟ فَقَالَ: يَا جَابِرُ إِذهَب إِلَى المَسجِدِ فَإِنَّكَ سَتَرَاهُ فَأَتَيتُ المَسجِدَ فَإِذَا أَنَا بِسَاجِدٍ مِن نُورٍ وَ سَحَابٍ مِن نُورٍ وَ لَا أَرَاكَ فَلَبِثتُ قَلِيلاً إِذ تَطَامَنَ السَّحَابُ وَ انشَقَّت وَ نَزَلتَ وَ فِى يَدِكَ سَيفٌ يَقطُرُ دَمًا فَأَينَ كُنتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ؟ قَالَ: يَا جَابِرُ كُنتُ فِى بُرجَاتٍ مُنذُ ثَلَاثٍ. فَقُلتُ: وَ أَيشٍ صَنَعتَ فِى بُرجَاتٍ؟ فَقَالَ لِى: يَا جَابِرُ مَا أَغفَلَكَ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ وَلَايَتِى عَرَضتَ عَلَى أَهلِ السَّمَاوَاتِ وَ مَن فِيهَا وَ أَهلِ الأَرضِينَ وَ مَن فِيهَا فَأَبَت طَائِفَةٌ مِنَ الجِنِّ وَلَايَتِى فَبَعَثَنِى حَبِيبِى مُحَمَّدٌ ﷺ بِهَذَا السَّيفِ فَلَمَّا وَرَدتُ الجِنَّ إِفتَرَقَتِ الجِنُّ ثَلَاثَ فِرَقٍ: فِرقَةٌ طَارَت بِالهَوَاءِ فَاحتَجَبَت مِنِّى، وَ فِرقَةٌ آمَنَت بِى وَ هِىَ الفِرقَةُ الَّتِى نَزَلَت فِيهَا الآيَةُ مِن ﴿ **قُلْ أُوْحِىَ** ﴾ وَ فِرقَةٌ جَحَدَتنِى حَقِّى فَجَادَلتُهَا بِهَذَا السَّيفِ سَيفِ حَبِيبِى مُحَمَّدٍ ﷺ حَتَّى قَتَلتُهَا عَن آخِرِهَا. فَقُلتُ: الحَمدُ لِلّٰهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤمِنِينَ فَمَن كَانَ السَّاجِدُ؟ فَقَالَ لِى: يَا جَابِرُ كَانَ السَّاجِدُ أَكرَمَ المَلَائِكَةِ عَلَى اللهِ صَاحِبُ الحُجُبِ وَ كَّلَهُ اللهُ بِى إِذَا كَانَ أَيَّامُ الجُمُعَةِ يَأتِينِى بِأَخبَارِ السَّمَاوَاتِ وَالسَّلَامِ مِنَ المَلَائِكَةِ وَ يَأخُذُ السَّلَامَ مِن مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ إِلَىَّ.

جابربن عبد الله انصاری گفت: چند روزی بود که امیرمؤمنان حضرت علی ؑ را نمی‌یافتم و او را در مدینه نمی‌دیدم. دلتنگش شدم و به راه افتادم و به خانهٔ ام سلمه مخزومی رسیدم و بر در ایستادم. گفت: چه کسی بر در است؟ گفتم: جابربن عبد الله هستم. گفت: چه می‌خواهی ای جابر؟! گفتم: چند روزی است که سرورم علی ؑ را نیافته‌ام و ایشان را در مدینه ندیده‌ام؛ دلتنگش شده‌ام و نزد تو آمده‌ام تا بپرسم امیرمؤمنان چه می‌کند؟ گفت: امیرمؤمنان در سفر است ای جابر! گفتم: چه سفری؟ گفت: ای جابر! علی ؑ سه روز است که در آسمان‌هاست. گفتم: کدام آسمان؟ در را به رویم بست و گفت: ای جابر! می‌پنداشتم داناتر از این هستی! به مسجد پیامبر رو، علی ؑ را می‌بینی. من به

مسجد رفتم و ناگاه دیدم نوری آنجا در سجده است و ابری از نور آنجاست، امّا حضرت علی علیه‌السلام را ندیدم. گفتم: شگفتا! اُم سلمه مرا فریفته؟! کمی ایستادم. ناگهان آن ابر فرو نشست و شکافته شد و امیرمؤمنان از میان آن فرود آمد و حال آن‌که شمشیری در دست داشت که از آن خون می‌چکید. در آن دم آن نوری که در سجده بود، سوی ایشان برخاست و در آغوشش کشید و میان چشمانش را بوسید و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که شما را بر دشمنانت یاری داد و پیروزت گرداند؛ چیزی از من می‌خواهی؟ فرمود: از تو می‌خواهم که سلام مرا به فرشتگان آسمان‌ها برسانی و به آنان مژدهٔ پیروزی دهی. سپس آن نور بر آن ابر سوار شد و به آسمان رفت. من سوی حضرت برخاستم و عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چند روزی بود که شما را در مدینه نمی‌دیدم، دلتنگ شدم و نزد اُم سلمه رفتم تا از او جویای شما شوم. بر در ایستادم. گفت: چه کسی بر در است؟ گفتم: جابر هستم. گفت: چه می‌خواهی ای برادر انصاری؟ گفتم: امیرمؤمنان را نیافته‌ام و ایشان را در مدینه ندیده‌ام، نزد تو آمده‌ام تا از او بپرسم امیرمؤمنان چه می‌کند؟ گفت: ای جابر! به مسجد برو تا ایشان را ببینی. من به مسجد آدم و ناگاه دیدم نوری در سجده است و ابری از نور اینجاست امّا شما را ندیدم. کمی ایستادم. ناگهان آن ابر فرونشست و شکافته شد و شما از آن فرود آمدید و حال آن‌که شمشیری در دست شما بود که از آن خون می‌چکید؛ کجا بودید ای امیرمؤمنان؟! فرمود: ای جابر! سه روز است که در آسمان‌ها بوده‌ام. عرض کردم: در آسمان‌ها چه می‌کردید؟ فرمود: ای جابر! چه غافلی! مگر نمی‌دانی که ولایت من بر اهل آسمان‌ها و هر آن‌که در آن‌ها بود و نیز اهل زمین‌ها و هر آن‌که در آن‌ها بود، عرضه شد، آن‌گاه طایفه‌ای از جنیان ولایت مرا نپذیرفتند. از این رو حبیبم محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا با این شمشیر سوی آنان فرستاد و چون بر جنیان وارد شدم، آنان در سه دسته جدا شدند: دسته‌ای به آسمان پرواز کردند

و از من ناپدید شدند، دسته‌ای به من ایمان آوردند و آنان همان دسته‌ای بودند که آیه «بگو وحی شد» دربارهٔ ایشان نازل شد. اما دسته‌ای حق مرا انکار کردند و من با این شمشیر که شمشیر حبیبم محمّد ﷺ است، با آنان رودررو شدم و تا آخرین نفرشان را از پا درآوردم. آن‌گاه من عرض کردم: سپاس و ستایش از آنِ خداوند یکتاست، آن کسی که در سجده بود، که بود ای امیرمؤمنان؟! فرمود: ای جابر! او ارجمندترین فرشتگان نزد خداوند و صاحب پرده‌ها بود که خداوند او را بر من گمارده تا در روزهای جمعه اخبار آسمان‌ها را برایم بیاورد و سلام فرشتگان آسمان‌ها را به من برساند.

۴۵۳. أَبوالقَاسِمِ العَلَوِیُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبیهِ علیهما السلام فِی قَولِ اللهِ: ﴿ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴾ الَّذینَ أَقَرُّوا بِوَلایَتِنَا فَأُولَئِكَ تَحَرُّوا رَشَدًا ﴿ وَ أَمَّا الْقٰاسِطُونَ فَكٰانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا * وَ أَنْ لَوِ اسْتَقٰامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنٰاهُمْ مٰاءً غَدَقًا * لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ﴾ قَتلِ الحُسَینَ علیه السلام ﴿ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذٰابًا صَعَدًا * وَ أَنَّ الْمَسٰاجِدَ لِلّٰهِ فَلاٰ تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ أَحَدًا[۱] ﴾ وَ إِنَّ الأَئِمَّةَ مِن أَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَلا تَتَّخِذُوا مِن غَیرِهِم إِمَامًا ﴿ وَ أَنَّهُ لَمّٰا قٰامَ عَبْدُ اللّٰهِ يَدْعُوهُ[۲] ﴾ یَعنِی مُحَمَّدًا ﷺ یَدعُوهُم إِلَی وَلایَةِ عَلِیٍّ كَادَت قُرَیشُ ﴿ كٰادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا[۳] ﴾ عَلَیهِ ﴿ قُلْ إِنَّمٰا أَدْعُوا رَبِّي[۴] ﴾ أَیُّ أَمرَ رَبِّی ﴿ وَ لاٰ أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا * قُلْ إِنِّي لاٰ أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لاٰ رَشَدًا[۵] ﴾ أَیُّ إِن أَرَادَ اللهُ أَن یُضِلَّكُم عَن وَلَایَتِهِ ضَرًّا وَ لَا رَشَدًا ﴿ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللّٰهِ أَحَدٌ[۶] ﴾ إِن أُمِرتُ بِهِ ﴿ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا[۷] ﴾ یَعنِی: وَ لَا ﴿ إِلاّٰ بَلاٰغًا مِنَ اللّٰهِ[۸] ﴾ أَبلَغُكُم مَا أَهدَى

---

۱. جن، ۱۸-۱۷

۲ و ۳. جن، ۱۹

۴. جن، ۲۰

۵. جن، ۲۱-۲۰

۶ و ۷. جن، ۲۲

۸. جن، ۲۳

اللهُ بِهِ مِن وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُولَهُ[۱] ﴾ فِی وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبی طالِبٍ عليه السلام ﴿ فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدينَ فيها أَبَدًا[۲] ﴾ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: يا عَلِيُّ أَنتَ قَسِيمُ النَّارِ تَقُولُ هَذا لِی وَ هَذا لَكَ، وَ قالُوا: فَمَتَى يَكُونُ مَا تَعِدُنَا يا مُحَمَّدُ مِن أَمرِ عَلِيٍّ وَ النَّارِ؟ فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَى: ﴿ حَتَّىٰ إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ[۳] ﴾ يَعنِی المَوتَ وَ القِيامَةَ ﴿ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِرًا وَ أَقَلُّ عَدَدًا[۴] ﴾ قالُوا: فَمَتَى يَكُونُ هَذا؟ قالَ اللهُ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله: ﴿ قُلْ إِنْ أَدْري أَ قَريبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا[۵] ﴾ قالَ: أَجَلاً ﴿ عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا * إِلاَّ مَنِ ارْتَضىٰ مِنْ رَسُولٍ[۶] ﴾ قالَ: يَعنِی عَلِيَّ المُرتَضَى مِن رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ مِنهُ قالَ اللهُ: ﴿ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا[۷] ﴾ قالَ: فِی قَلبِهِ العِلمُ وَ مِن خَلفِهِ الرَّصَدُ يُعَلِّمُهُ عِلمَهُ وَ يَزُقُّهُ العِلمَ زَقًّا وَ يُعَلِّمُهُ اللهُ إِلهامًا، قالَ: فَالإِلهامُ مِنَ اللهِ وَ الرَّصَدُ التَّعلِيمُ مِنَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله بَلَغَ اللهُ: أَن قَد بَلَّغَ رِسالاتِ رَبِّی ﴿ وَ أَحاطَ[۸] ﴾ بِمَا لَدَى الرَّسُولِ مِنَ العِلمِ ﴿ وَ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا[۹] ﴾ ما كانَ وَ ما يَكُونُ مُنذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ عليه السلام إِلَى أَن تَقُومَ السّاعَةَ مِن فِتنَةٍ أَو زَلزَلَةٍ أَو خَسفٍ أَو قَذفٍ أَو أُمَّةٍ هَلَكَت فِيما مَضَى أَو تَهلِكُ فِيما بَقِیَ، فَكَم مِن إِمامٍ جائِرٍ أَو عادِلٍ أَو مَن يَمُوتُ مَوتًا أَو يُقتَلُ قَتلاً، وَ كَم مِن إِمامٍ مَخذُولٍ لا يَضُرُّهُ خِذلانُ مَن خَذَلَهُ وَ كَم مِن إِمامٍ مَنصُورٍ لا يَنفَعُهُ نُصرَةُ مَن نَصَرَهُ.

ابوالقاسم علوی گفت: امام جعفر صادق عليه السلام به نقل از پدر بزرگوارشان عليه السلام دربارهٔ آیه «پس هر کس اسلام آورد، اینان‌اند که راه راست را جویا شدند.» فرمود: کسانی که به ولایت ما اقرار کردند، آنان راه راست را جویا شدند. «و اما ستمکاران هیزمی برای جهنم‌اند و اگر بر راه راست پایداری کنند، بی تردید

---

۱ و ۲. جن، ۲۳

۳ و ۴. جن، ۲۴

۵. جن، ۲۵

۶. جن، ۲۷-۲۶

۷ـ۹. جن، ۲۸

به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم، تا در این مورد آنان را بیازماییم». در مورد قتل امام حسین علیه‌السلام« و هر کس از یاد و پند پروردگارش اعراض کند [خداوند] او را به عذابی سخت در می‌آورد و این‌که مسجدها از آنِ خداست، پس با کسی خدا را نخوانید». و این‌که امامان علیهم‌السلام از اهل بیت حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند پس امامی غیر ایشان نگیرید. « و اینکه وقتی بنده خدا برخاست تا او را بخواند» یعنی حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله که آن‌ها را به ولایت علی علیه‌السلام فراخواند، نزدیک بود که قریشیان « برگرد او هجوم آورند» بر گرد محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله « بگو: من تنها پروردگارم را می‌خوانم» یعنی امر پروردگارم را. «کسی را با او شریک نگیرم، بگو: بی‌تردید من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم.» یعنی اگر خدا بخواهد شما را از ولایت او گمراه کند، من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم. « بگو: بی‌تردید هرگز کسی مرا از [عذاب] خدا پناه نمی‌دهد» اگر به فرمانش عمل نکنم « و هرگز جز او پناهگاهی نمی‌یابم» یعنی « جز ابلاغی از سوی خدا» پس ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را که خداوند به سوی آن هدایت می‌کند، به شما ابلاغ می‌کنم. « و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند» در مورد ولایت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، « به راستی آتش جهنم برای اوست که برای همیشه در آن جاودان‌اند». پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای علی! تو قسمت‌کنندهٔ جهنمی، می‌گویی این برای من و آن برای تو. آن‌گاه عرض شد: ای محمّد! چه زمان وعده‌ای که دربارهٔ علی علیه‌السلام و جهنم دادی، فرا می‌رسد؟ آن‌گاه خداوند متعال نازل فرمود « آیا آن‌گاه که آن‌چه را که وعده داده می‌شوند، ببینند» یعنی مرگ و قیامت را « پس به زودی خواهند دانست که چه کسی یاورش ناتوان‌تر و شمارش کمتر است.» عرض شد: چه زمان این امر محقّق می‌شود؟! آن‌گاه خداوند به حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: « بگو: نمی‌دانم که آیا آن‌چه وعده داده شدید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی قرار می‌دهد» یعنی یا این‌که دور است « او دانای نهان است، پس کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، مگر

کسی که از رسولی خشنود باشد» یعنی علی ﷺ که از رسول خدا ﷺ خشنود بود و رسول خدا نیز از او «پس بی تردید از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانی را وارد می‌کند». در قلب او دانش است و از پشت سرش نگاهبانی است که دانشش را به او می‌آموزد و آن را به او می‌نوشاند و خداوند با الهام او را می‌آموزد. پس الهام از جانب خداوند است و نگاهبانی، آموزش پیامبر ﷺ است. خداوند پیام فرستاد که او پیام‌های پروردگارمان را تبلیغ کرده است و «احاطه دارد» به آن‌چه از دانش نزد رسول است «و عدد هر چیزی را شمارش کرده است» آن‌چه که رخ داده است و آن‌چه که رخ خواهد داد؛ از زمانی که خداوند آدم ﷺ را آفرید تا زمانی که قیامت برپا می‌شود. از فتنه و زلزله و خسوف و شهاب گرفته تا امتی که در آن‌چه رخ داده به هلاکت رسیده یا در آن‌چه رخ خواهد داد، به هلاکت خواهد رسید. پس چه بسیار رهبر بیدادگر یا دادگر و یا کسی که جان می‌دهد یا کشته می‌شود و چه بسیار رهبر شکست خورده که شکست خوردن از کسی که او را شکست داده، چیزی از او نکاسته و یا رهبر پیروز شده که پیروز شدن بر کسی که از او پیروز شده، چیزی بر او نیفزوده است.

۴۵۴. **عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عَلِیِّ بنِ عُمَرَ الزُّهرِیِّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ ﷺ فی قَولِهِ تَعالَی: ﴿وَ أَنْ لَوِ اسْتَقامُوا عَلَی الطَّرِیقَةِ لَأَسْقَیْناهُمْ ماءً غَدَقًا﴾ قالَ: لَوِ استَقامُوا عَلَی وَلایَةِ أَمیرِ المُؤمِنینَ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ ﷺ ما ضَلُّوا أَبَدًا.**

علی بن محمّد بن علی بن عمر زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی «و اگر بر راه [راست] پایداری کنند، بی تردید به آنان آبی فراوان می‌نوشانیم» فرمود: اگر بر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ پایداری کنند، هیچ‌گاه گمراه نمی‌شوند.

۴۵۵. **عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فی قَولِهِ تَعالَی: ﴿وَ مَنْ یُعْرِضْ عَنْ ذِکْرِ رَبِّهِ یَسْلُکْهُ عَذابًا صَعَدًا﴾ قالَ:**

﴿ ذِكْرِ رَبِّهِ ﴾ وَلَايَةِ عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ علیه السلام.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال «و هر کس از یاد و پند پروردگارش اعراض کند، [خداوند] او را به عذابی سخت در می‌آورد.» گفت: منظور از «یاد و پند پروردگارش» ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام است.



وَ مِن سُورَةِ المُدَّثِّرِ

(سورهٔ مدّثّر، آیهٔ ۳۸ ـ ۴۸)

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلاّٰ أَصْحٰابَ الْيَمِينِ * في جَنّٰاتٍ يَتَسٰاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمينَ * مٰا سَلَكَكُمْ في سَقَرَ * قٰالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ * وَ كُنّٰا نَخُوضُ مَعَ الْخٰائِضِينَ * وَ كُنّٰا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتّٰى أَتٰانَا الْيَقِينُ * فَمٰا تَنْفَعُهُمْ شَفٰاعَةُ الشّٰافِعِينَ﴾

هرکس در گرو کاری است که انجام داده است. مگر یاران دست راست. [آن‌ها که] در باغ‌هایی [هستند] می‌پرسند از گناهکاران: چه چیز شما را به آتش دوزخ درآورد؟ گویند: [ما] از نمازگزاران نبودیم، و به بینوا غذا نمی‌دادیم، و با کسانی که [در کارهای باطل] غوطه‌ور بودند، غوطه‌ور می‌شدیم. و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم. تا این‌که یقین (مرگ) به سراغ ما آمد. پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آنان سودی نمی‌بخشد.

۴۵۶. أَبُو القَاسِمِ العَلَوِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ ؈ فِي قَولِهِ: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمٰا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلاّٰ أَصْحٰابَ الْيَمِينِ﴾ قَالَ: نَحنُ وَ شِيعَتُنَا.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است امام محمّد باقر ؈ دربارهٔ کلام حق تعالی

«هرکس درگرو کاری است که انجام داده است، مگر یاران دست راست» فرمود: منظور ما و شیعیانمان هستیم.

۴۵۷. الحُسَینُ بنُ سَعِیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی قَولِ اللهِ: ﴿ إِلاّٰ أَصْحٰابَ الْیَمِینِ ﴾. قَالَ: شِیعَةُ عَلِیٍّ وَ اللهِ هُم أَصحَابُ الیَمِینِ.

حسین‌بن سعید روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه السلام دربارهٔ اصحاب یمین فرمود: به خدا سوگند شیعیان حضرت علی علیه السلام همان یاران دست راست هستند.

۴۵۸. جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبی عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ فِی جَنّٰاتٍ یَتَسٰاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِینَ * مٰا سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ * قٰالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ ﴾ یَعنِی: لَم نَکُ مِن شِیعَةِ عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبٍ علیه السلام ﴿ وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ * وَ کُنّٰا نَخُوضُ مَعَ الْخٰائِضِینَ * وَ کُنّٰا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ ﴾ فَذَلِكَ یَومُ القَائِمِ علیه السلام وَ هُوَ یَومُ الدِّینِ ﴿ حَتّٰی أَتٰانَا الْیَقِینُ ﴾ أَیَّامُ القَائِمِ علیه السلام ﴿ فَمٰا تَنْفَعُهُمْ شَفٰاعَةُ الشّٰافِعِینَ ﴾ فَمَا تَنفَعُهُم شَفَاعَةُ مَخلُوقٍ وَ لَن یَشفَعَ فِیهِم رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله یومَ القِیامَةِ.

جعفربن محمّد فزاری روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: در آیه‌ای که خداوند می‌فرماید «می‌پرسند از گناهکاران: چه چیز شما را به آتش دوزخ درآورد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم» یعنی از شیعیان حضرت علی علیه السلام نبودیم. «و روز قیامت را تکذیب می‌کردیم» منظور، روز ظهور حضرت قائم علیه السلام است که روز دین است «تا این‌که یقین به سراغ ما آمد» یعنی روزگار حضرت قائم علیه السلام. «پس شفاعت شفاعت‌کنندگان به آنان سودی نمی‌بخشد» یعنی شفاعت هیچ آفریده‌ای به آنان سود نمی‌رساند و در روز قیامت هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق آن‌ها شفاعت نمی‌کند.





وَ مِن سُورَةِ القِيَامَةِ

(سورهٔ قیامة، آیهٔ ۱۶)

﴿ لاٰ تُحَرِّكْ بِهِ لِسٰانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ﴾

زبانت را به [خواندن آیات] آن حرکت مده تا به [حفظ] آن شتاب کنی.

(سورهٔ قیامة، آیهٔ ۳۱ ـ ۳۴)

﴿ فَلاٰ صَدَّقَ وَ لاٰ صَلّٰى * وَ لٰكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلّٰى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطّٰى * أَوْلىٰ لَكَ فَأَوْلىٰ ﴾

پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد، ولی تکذیب کرد و روی گردانید. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو! پس وای بر تو!

۴۵۹ . عَن عَمّارِبنِ یاسِرٍ قالَ: کُنتُ عِندَ أَبی ذَرٍ الغِفارِیِّ فِی مَجلِسٍ لِابنِ عَبّاسٍ وَ عَلَیهِ فُسطاطٌ وَ هُوَ یُحَدِّثُ النّاسَ إِذ قامَ أَبوذَرٍ حَتّی ضَرَبَ بِیَدِهِ إِلَی عَمودِ الفُسطاطِ ثُمَّ قالَ: أَیُّها النّاسُ مَن عَرَفَنی فَقَد عَرَفَنی وَ مَن لَم یَعرِفنی فَقَد أَنبَأتُهُ بِاسمی أَنا جُندَبُ بنُ جُنادَةَ أَبوذَرٍ الغِفارِیُّ سَأَلتُکُم بِحَقِّ اللهِ وَ حَقِّ رَسولِهِ أَسَمِعتُم مِن رَسولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ یَقولُ: ما أَقَلَّتِ الغَبراءُ وَ لا أَظَلَّتِ الخَضراءُ ذَالَهجَةٍ أَصدَقَ مِن أَبی ذَرٍ؟ قالُوا: اللّٰهُمَّ نَعَم.

قَالَ: أَفتَعلَمُونَ أَيُّها النَّاسُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ جَمَعَنا يومَ غَدِيرِ خُمٍّ أَلفَ وَ ثَلاثَمِاءَةِ رَجُلٍ وَ جَمَعَنا يومَ سَمُرَاتٍ خَمسُمِائَةِ رَجُلٍ كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ مَن كُنتُ مَولَاهُ فَعَلِيٌّ مَولَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَاخذُل مَن خَذَلَهُ. فَقَامَ عُمَرُ فَقَالَ: بَخٍ بَخٍ يَا ابنَ أَبِي طَالِبٍ أَصبَحتَ مَولَايَ وَ مَولَى كُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ. فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةُ بنُ أَبِي سُفيَانَ اِتَّكَأَ عَلَى المُغِيرَةِ بنِ شُعبَةَ وَ قَامَ وَ هُوَ يَقُولُ: لَا نُقِرُّ لِعَلِيٍّ بِوَلَايَةٍ وَ لَا نُصَدِّقُ مُحَمَّدًا فِي مَقَالَةٍ. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ: **﴿فَلا صَدَّقَ وَ لا صَلّٰى * وَ لٰكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلّٰى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطّٰى * أَوْلىٰ لَكَ فَأَوْلىٰ﴾** تَهَدُّدًا مِنَ اللهِ تَعَالَى وَ انتِهَارًا. فَقَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَم.

عمّار یاسر گفت: من و ابوذر غفاری در زیر خیمه‌ای که ابن عبّاس به زیر آن با مردم سخن می‌گفت حضور داشتیم. ابوذر برخاست و با دستش به ستون خیمه زد و گفت: ای مردم! هرکه مرا می‌شناسد که هیچ، و آن که مرا نمی‌شناسد بداند که من جندب‌بن جناده، ابوذر غفاری هستم. شما را به خدا و رسولش سوگند! از شما می‌پرسم که آیا این سخن رسول خدا را شنیدید که فرمود: تا زمین خاکی و آسمان سبز برپاست، هیچ کس راستگوتر از ابوذر نیست؟ گفتند: به خدا سوگند آری. گفت: آیا می‌دانید ای مردم که رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم ما را که هزاروسیصد تن بودیم و نیز در روز سمرات[1] که پانصد تن بودیم، گردآورد و فرمود: خداوندا! هر که من مولای اویم، علی مولای اوست، پس دوست بدار آن‌که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار آن‌که او را دشمن می‌دارد و یاری کن آن‌که او را یاری می‌کند و خوار کن آن‌که او را خوار می‌کند و آن‌گاه عمر برخاست و عرض کرد: مبارک باشد ای پسر ابوطالب! تو

---

۱. سَمُرَة چنان‌چه در *مجمع البحرین* آمده است، شَجَرُ الطلحه، اقاقیای شیره‌دار یا درخت موز ذکر شده است. جمع آن سَمُرات است. احتمالاً اشاره به درختانی باشد که زیر سایهٔ آن‌ها پیامبر ﷺ ایستاده‌اند و خطبه خواندند و از این‌جهت یوم سمرات نام برده شده است. (*مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۳۳۶)

مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای و در آن هنگام چون معاویة‌بن ابی‌سفیان این سخن شنید، دست بر شانه مغیرة‌بن شعبه زد و برخاست و گفت: ما ولایت علی و محمّد را در این سخن تصدیق نمی‌کنیم. پس خداوند متعال بر پیامبرش حضرت محمّد ﷺ نازل فرمود: «پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد. ولی تکذیب کرد و روی گرداند. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو، پس وای بر تو!» و این تهدیدی بود از سوی خداوند متعال. مردم گفتند: به خدا سوگند آری.

۴۶۰. عَن حُذَیفَةَبنِ الیَمانِ قَالَ: کُنتُ وَاللهِ جَالِسًا بَینَ یَدَی رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ قَد نَزَلَ بِنَا غَدِیرُ خُمٍّ وَ قَد غَصَّ المَجلِسُ بِالمُهَاجِرِینَ وَ الأَنصَارِ فَقَامَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَی قَدَمَیهِ فَقَالَ أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللهَ أَمَرَنِی بِأَمرٍ فَقَالَ: **﴿ یٰا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مٰا أُنْزِلَ إِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمٰا بَلَّغْتَ رِسٰالَتَهُ ﴾**[1] فَقُلتُ لِصَاحِبِی جَبرَئِیلَ: یَا خَلِیلِی إِنَّ قُرَیشًا قَالُوا لِی کَذَا وَ کَذَا، فَأَتَی الخَبَرُ مِن رَبِّی فَقَالَ: **﴿ وَ اللّٰهُ یَعْصِمُكَ مِنَ النّٰاسِ ﴾**[2] ثُمَّ نَادَی عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ ؑ فَأَقَامَهُ عَن یَمِینِهِ ثُمَّ قَالَ: أَیُّهَا النَّاسُ أَلَستُم تَعلَمُونَ أَنِّی أَولَی مِنکُم بِأَنفُسِکُم؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَی. قَالَ: مَن کُنتُ مَولَاهُ فَعَلِیٌّ مَولَاهُ. فَقَالَ رَجُلٌ مِن عَرضِ المَسجِدِ: یَا رَسُولَ اللهِ مَا تَأوِیلُ هَذَا؟ قَالَ: مَن کُنتُ نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ أَمِیرُهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَ اخذُل مَن خَذَلَهُ.

فَقَالَ حُذَیفَةُ: فَوَاللهِ لَقَد رَأَیتُ مُعَاوِیَةَ حَتَّی قَامَ یَتَمَطَّی وَ خَرَجَ مُغضَبًا وَاضِعًا یَمِینَهُ عَلَی عَبدِ اللهِبنِ قَیسٍ الأَشعَرِیِّ وَ یَسَارَهُ عَلَی المُغِیرَةِبنِ شُعبَةَ ثُمَّ قَامَ یَمشِی مُتَمَطِّیًا وَ هُوَ یَقُولُ: لَا نُصَدِّقُ مُحَمَّدًا عَلَی مَقَالَتِهِ وَ لَا نُقِرُّ لِعَلِیٍّ بِوَلَایَتِهِ. فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی عَلَی إِثرِ کَلَامِهِ: **﴿ فَلاٰ صَدَّقَ وَ لاٰ صَلّٰی * وَ لٰکِنْ کَذَّبَ وَ تَوَلّٰی * ثُمَّ ذَهَبَ إِلیٰ أَهْلِهِ یَتَمَطّٰی * أَوْلیٰ لَكَ فَأَوْلیٰ ﴾** فَهَمَّ بِهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن یَرُدَّهُ فَیَقتُلَهُ فَقَالَ جَبرَئِیلُ **﴿ لاٰ تُحَرِّكْ بِهِ**

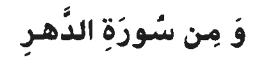
---

۱. مائده، ۶۷

۲. مائده، ۶۷

لِسانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾. فَسَكَتَ النَّبِيُّ عَنهُ.

حذیفةبن یمان گفت: به خدا سوگند در روز غدیر خم روبه‌روی رسول خدا ﷺ نشسته بودم و مجلس از مهاجران و انصار انبوه بود. آن‌گاه رسول خدا ﷺ بر پای مبارکش ایستاد و فرمود: ای مردم! همانا خداوند به من فرمان داد و فرمود: «ای پیامبر! آن‌چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، [به مردم] ابلاغ کن و اگر [چنین] نکنی، پیام او را نرسانده‌ای.» من به دوستم جبرئیل گفتم: ای یار من! قریشیان به من چنین و چنان گفتند. آن‌گاه از جانب پروردگارم خبر رسید که «خداوند تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد». سپس رسول خدا ﷺ حضرت علی ؑ را فراخواند و در سمت راست خویش برپایش داشت و فرمود: ای مردم! آیا نمی‌دانید که من از شما بر شما سزاوارترم؟ عرض کردند: به خدا سوگند آری. فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. در آن دم مردی از پهنای مسجد عرض کرد: ای رسول خدا! تأویل این سخن چیست؟ فرمود: هر که من پیامبرش بوده‌ام، علی ؑ امیر اوست. خداوندا! دوست بدار آن‌که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار آن‌که او را دشمن می‌دارد و یاری کن آن‌که او را یاری می‌کند و خوار کن آن‌که او را خوار می‌کند. حذیفه می‌گوید: در آن دم معاویه را دیدم که خرامان برخاست و خشمگین بیرون رفت و در حالی که دست راستش را برای بلندشدن بر شانه عبدالله‌بن قیس گذاشته بود و دست چپش را بر شانه مغیرةبن شعبه، برخاست و خرامان گام برمی‌داشت و می‌گفت: ما محمّد را در سخنش تصدیق نمی‌کنیم و ولایت علی را نمی‌پذیریم. آن‌گاه خداوند در پی سخن او نازل فرمود: «پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد، ولی تکذیب کرد و روی گردانید. سپس خرامان به سوی خانواده‌اش رفت. وای بر تو! پس توای بر تو!» در آن دم رسول خدا خواست تا پاسخش را بدهد و از پا درآوردش، اما جبرئیل گفت: «زبانت را به آن حرکت مده تا به آن شتاب نکنی.» و پیامبر از او چشم پوشید.

وَ مِن سُورَةِ الدَّهرِ

(سورهٔ دهر، آيهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخافُونَ يَوْمًا كانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَيُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا ﴾

به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شرّ آن فراگیر است بیم دارند.
و طعام را با وجود دوست داشتن آن به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند.

۴۶۱ . فُراتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ عَن جعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عَن أَبِيهِ عَن جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: مَرِضَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ عليهما السلام مَرَضًا شَدِيدًا فَعَادَهُمَا سَيِّدُ وُلدِ آدَمَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله وَ عَادَهُمَا أَبُوبَكرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَ عُمَرُ لِعَلِيٍّ: يَا أَبَا الحَسَنِ إن نَذَرتَ لِلّٰهِ نَذرًا وَاجِبًا فَإِنَّ كُلَّ نَذرٍ لَا يَكُونُ لِلّٰهِ فَلَيسَ مِنهُ وَفاءٌ.

فَقَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: إن عَافَا اللهُ وَلَدَيَّ مِمَّا بِهِمَا صُمتُ لِلّٰهِ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَاتٍ، وَ قَالَت فَاطِمَةُ مِثلَ مَقَالَةِ عَلِيٍّ وَ كَانَت لَهُم جَارِيَةٌ نُوبِيَّةٌ تُدعَى فِضَّةُ قَالَت: إن عَافَا اللهُ سَيِّدَيَّ مِمَّا بِهِمَا صُمتُ لِلّٰهِ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ.

فرات بن ابراهیم کوفی از امام جعفر صادق عليه السلام از پدر بزرگوارشان از جدّ بزرگوار ایشان عليه السلام روایت کرده است که ایشان فرمود: امام حسن و امام حسین عليهما السلام

سخت بیمار شدند و سرور فرزندان آدم حضرت محمّد ﷺ به عیادت ایشان رفت و ابوبکر و عمر نیز به عیادتشان رفتند. عمر به حضرت علی ؑ عرض کرد: ای اباحسن! بایست تا نذری از برای خداوند واجب کنی که به راستی هر نذری از برای خداوند نباشد، وفایی در انجام آن نخواهد بود. حضرت علی ؑ فرمود: اگر خداوند دو فرزند مرا از بیماری سلامت دارد، سه روز پی‌درپی از برای خداوند روزه خواهم گرفت. حضرت فاطمه ؑ نیز سخن حضرت علی ؑ را باز فرمود. ایشان کنیزی پاکدامان به نام فضّه داشتند که او نیز گفت: اگر خداوند دو سرور مرا از بیماری سلامت دارد، سه روز از برای خداوند روزه خواهم گرفت.

فَلَمَّا عَافَا اللهُ الغُلَامَينِ مِمَّا بِهِمَا انطَلَقَ عَلِيٌّ إِلَى جَارٍ يَهُودِيٍّ يُقَالُ لَهُ: شَمعُونُ بنُ [illegible]ارَا فَقَالَ لَهُ: يَا شَمعُونُ أَعطِنِي ثَلَاثَةَ أَصيعٍ مِن شَعِيرٍ وَجِزَّةً مِن صُوفٍ تَغزِلُهُ لَكَ ابنَةُ مُحَمَّدٍ ﷺ فَأَعطَاهُ اليَهُودِيُّ الشَّعِيرَ وَ الصُّوفَ فَانطَلَقَ إِلَى مَنزِلِ فَاطِمَةَ ؑ فَقَالَ لَهَا: يَا بِنتَ رَسُولِ اللهِ كُلِي هَذَا وَ اغزِلِي هَذَا. فَبَاتُوا وَ أَصبَحُوا صِيَامًا فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَى صَاعٍ مِنَ الشَّعِيرِ وَ عَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ خَمسَةَ أَقرَاصٍ: قُرصٌ لِعَلِيٍّ وَ قُرصٌ لِفَاطِمَةَ وَ قُرصٌ لِلحَسَنِ وَ قُرصٌ لِلحُسَينِ وَ قُرصٌ لِلجَارِيَةِ ، وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ أَقبَلَ إِلَى مَنزِلِهِ لِيَفطِرَ فَلَمَّا أَن وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِم الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَكلَهُ فَإِذَا سَائِلٌ قَد قَامَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكُم يَا أَهلَ بَيتِ مُحَمَّدٍ أَنَا مِسكِينٌ مِن مَسَاكِينِ المُسلِمِينَ أَطعِمُونِي أَطعَمَكُمُ اللهُ مِن مَوَائِدِ الجَنَّةِ. فَأَلقَى عَلِيٌّ وَ أَلقَى القَومُ مِن أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ وَ أَنشَأَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ هَذِهِ الأَبيَاتِ:

فَاطِمُ ذَاتَ الوُدِّ وَ اليَقِينِ ... يَا بِنتَ خَيرِ النَّاسِ أَجمَعِينَ
أَمَا تَرَينَ البَائِسَ المِسكِينَ ... قَد جَاءَ بِالبَابِ لَهُ حَنِينُ
يَشكُو إِلَى اللهِ وَ يَستَكِينُ ... يَشكُو إِلَينَا جَائِعٌ حَزِينٌ
كُلُّ امرِىءٍ بِكَسبِهِ رَهِينٌ ... مَن يَفعَلِ الخَيرَ يَقِف سَمِينٌ
وَ يَدخُلُ الجَنَّةَ آمِنِينَ ... حُرِّمَتِ الجَنَّةُ عَلَى الضَّنِينِ
يَهوِي مِنَ النَّارِ إِلَى سِجِّينٍ ... وَ يَخرُجُ مِنهَا إِن خَرَجَ بَعدَ حِينٍ

چون خداوند آن دو پسر ﷺ را از آن بیماری سلامت داشت، حضرت علی ﷺ نزد همسایهٔ یهودی خود که شمعون‌بن حارا نام داشت، رفت و به او فرمود: ای شمعون! سه صاع جو به من بده و قدری پشم نیز بده تا در ازای آن دختر حضرت محمّد ﷺ آن را برایت بریسد. آن یهودی جو و پشم به ایشان داد و حضرت ﷺ به سوی خانهٔ فاطمه ﷺ به راه افتاد و به ایشان فرمود: ای دختر رسول خدا ﷺ! از این خوراک ساز و این را بریس. این چنین شب را گذراندند و صبح را روزه گرفتند و چون شب شد، کنیز صاعی از آن جو را برداشت و خمیر کرد و از آن پنج قرص نان پخت؛ قرصی برای حضرت علی ﷺ و قرصی برای حضرت فاطمه ﷺ و قرصی برای امام حسن و قرصی برای امام حسین ﷺ و قرصی برای خود. حضرت علی ﷺ با پیامبر ﷺ نماز گزارد و سپس رو سوی خانهٔ خود گذاشت تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند، ناگاه گدایی بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما ای اهل بیت محمّد ﷺ! من تهیدستی از تهیدستان مسلمان هستم؛ مرا طعامی دهید که خداوند از سفره‌های بهشتی طعامتان دهد. در آن دم حضرت علی ﷺ طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی ﷺ چنین سرود:

ای فاطمه‌ای دارنده مهربانی و یقین
ای دختر برترینِ تمامی مردمان
آیا این بی‌نوای تهیدست را می‌بینی
که اندوهگین بر در آمده است
به درگاه خدا نالان است و کمک می‌خواهد
و سوی ما گرسنه و غمگین ناله می‌کند
هر که در گرو دستاورد خویش است
هر که کاری نیک کند، بهره‌مند به پا خواهد شد

و در امـــان بـــه بـــهشت راه مـــی‌یابد
چـــه بـــهشت بـــر بـــخیل حـــرام شـــده است
بخیل از آتش ســوی ســجین واژگــون مــی‌شود
وگـــر بـــرون آیـــد ایـــن بسـا بـه درازا کشـد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ عليها السلام وَ هِیَ تَقُولُ:

أَمرُكَ يَا ابنَ العَمِّ سَمعٌ طَاعَةٌ — مَا بِی مِن لُومٍ وَ لَا ضَـرَاعَـةٌ
أَمطِ عَنِّیَ اللُّـومَ وَ الرَّقَـاعَةَ — غُـــذِّيتُ بِـالبِرِّ لَـهُ صَـنَاعَة
إِنِّی سَأُعطِيهِ وَ لَا أُنهِيهِ سَاعَةً — أَرجُو إِن أَطعَمتُ مِن مَـجَاعَةٍ
أَن أَلحَقَّ الأَخيَارَ وَ الجَـمَاعَةَ — وَ أَدخُلَ الجَـنَّةَ لِـی شَـفَاعَةٌ

فَأَعطُوهُ طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَى صَومِهِم لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ، فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَى الصَّاعِ الثَّانِی فَعَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ أَقرَاصَ وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى مَعَ النَّبِیِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ أَقبَلَ إِلَى مَنزِلِهِ لِيَفطِرَ فَلَمَّا وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِمُ الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَكلَهُ إِذَا يَتِيمٌ قَد قَامَ بِـالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكُم يَا أَهلَ بَيتِ مُـحَمَّدٍ أَنَـا يَـتِيمٌ مِـن يَـتَامَى المُسلِمِينَ أَطـعِمُونِی أَطعَمَكُمُ اللهُ مِن مَوَائِدِ الجَنَّةِ. قَالَ: فَأَلقَى عَلِیٌّ وَ أَلقَى القَومُ مِن بَينِ أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ وَ أَنشَأَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ:

فَـــاطِمُ بِـــنتَ السَّـــيِّدِ الكَـرِيمِ — بِـــنتَ نَـــبِیٍّ لَـــيسَ بِـــالزَّنِيمِ
قَـــد جَـــاءَنَا اللهُ بِـــذِی اليَـتِيمِ — وَ مَـــن يُسَـــلِّم فَـــهُوَ السَّـــلِيمُ
حُـــرِّمَتِ الجَـــنَّةُ عَـــلَى اللَّـئِيمِ — لَا يَجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ المُستَقِيمِ
طَـــعَامُهُ الضَّـــرِيعُ فِـــی الجَـحِيمِ — فَـــصَاحِبُ البُـخلِ يَـقِفُ ذَمِـيمٌ

و حضرت فاطمه عليها السلام چنین سرود:

ای عـموزاده فـرمانت را بـه گـوش جـان پـذیرم
چـــه هـیچ پسـتی و فـرومایگی در مـن نـیست
پســـتی و تـــنگ‌نظری از مـــن بـــه دور است
کـه مـن از نـیکی و نـیک‌کاری پـروار شـده‌ام

به او خواهم بخشید و دمی از او دریـغ نـمی‌دارم
و امید دارم که اگر در گرسنگی کسی را اطعام کنم
بـــه خـــوبان و جـــمع نـیکان بـپیوندم
و در حالی که صاحب شفاعتم به بـهشت راه یـابم

این‌چنین ایشان آن تهیدست را طعام دادند و خود با روزه شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و چون شام دیگر فرا رسید، کنیز برخاست و صاعی دیگر از آن جو را برداشت و خمیر کرد و چند قرصی نان از آن پخت. حضرت علی علیه‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نماز گزارد و سپس رو سوی خانه خود گذاشت تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند ناگاه یتیمی بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما اهل اهل بیت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله! من یتیمی از یتیمان مسلمان هستم، مرا طعامی دهید که خداوند از سفره‌های بهشتی طعامتان دهد. در آن دم حضرت علی علیه‌السلام طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی علیه‌السلام چنین سرود:

ای فـــاطمه ای دخـــتر ســـرور کـــریم
ای دختر پیامبری که هـرگز تـنگ‌نظر نـبود
خــداونـد ایـن یـتیم را نـزد مـا فـرستاده
و هر که تسلیم او شود به سلامت خواهد بود
بـــهشت بـر انسـان فـرومایه حـرام شـده
و او بـــــر راه راست ره نـــمی‌یابد
خوراکش در دوزخ عذابناک خـواهـد بـود
و انسان بخیل نکوهیده بر پـا خـواهـد شـد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ علیهاالسلام وَ هِيَ تَقُولُ هَذِهِ الأَبيَاتِ:

إِنِّـی سَـأُعطِيهِ وَلاَ أُبَـالِي   وَ أُوثِـرُ اللهَ عَـلَى عِـيَالِي

وَاقضِ هَذَا الغَزَلِ فِی الأَغـزَالِ   أَرجُو بِـذَاكَ الفَـوزَ فِـی المَآلِ
أَن يَـقبَلَ اللهُ وَ يَـنمِی مَآلِـی   وَ يَكـفِينِی هَـمِّی فِـی أَطـفَالِ
أَمسَـوا جِـيَاعًا وَ هُـم أَشـبَالُ   أَكـرَمَهُم عَـلِیَّ فِـی العِـيَالِ
بِكَـربَلَاءَ يُـقتَلُ إِقـتِتَالِ   وَ لِمَن قَـتلَهُ الوَيـلُ وَ الوَبَـالُ
كَبُولُه فَارَت عَلَى الأَكبَالِ

و حضرت فاطمه ﷺ چنین سرود:

من به او خواهم بخشید و هیچ درنگی در این ندارم
و خداوند را بر خانواده‌ام ترجیح می‌دهم
این غزل را در شمار غزل‌هایی بگذار
که با آن به رستگاری در قیامت امید دارم
باشد که خداوند بپذیرد و آرزویم را برآورد
و دغدغه مرا در امر کودکانم کفایت کند
چون شیرانند ولی شب را گرسنه گذراندند
که ارجمندترینشان بر من در این خانواده
در کربلا به سختی به شهادت می‌رسد
که عذاب و درد از برای قاتلش خواهد بود
و غل و زنجیرش از همه سخت‌تر خواهد بود

قَالَ: فَأَعطَوا طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَى صَومِهِم وَ لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ وَ أَصبَحُوا صِيَامًا فَلَمَّا أَمسُوا قَامَتِ الجَارِيَةُ إِلَى الصَّاعِ الثَّالِثِ فَعَجَنَتهُ وَ خَبَزَت مِنهُ خَمسَةَ أَقرَاصٍ وَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ أَقبَلَ إِلَى مَنزِلِهِ يُرِيدُ أَن يَفطِرَ فَلَمَّا وُضِعَ بَينَ أَيدِيهِمُ الطَّعَامُ وَ أَرَادُوا أَكلَهُ فَإِذَا أَسِيرُ كَافِرُ قَد قَامَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيكُم يَا أَهلَ بَيتِ مُحَمَّدٍ وَ اللهِ مَا أَنصَفتُمُونَا مِن أَنفُسِكُم تَأسِرُونَا وَ تُقَيِّدُونَا وَ لَا تُطعِمُونَا أَطعِمُونِی فَإِنِّی أَسِيرُ مُحَمَّدٍ. فَأَلقَى عَلِيٌّ وَ أَلقَى القَومُ مِن أَيدِيهِمُ الطَّعَامَ فَأَنشَأَ عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ

هَذِهِ الأَبيَاتِ وَ هُوَ يَقُولُ:

يَا فَاطِمَةُ حَبِيبَتِي وَ بِنتُ أَحمَدَ يَا بِنتَ مَن سَمَّاهُ اللهُ فَهُوَ مُحَمَّدُ
قَـد زَانَـهُ اللهُ بِـخَلقٍ أَغِـيدُ قَـد جَـاءَنَا اللهُ بِـذِي المُـقَيَّدِ
بِالقَيدِ مَأسُورٌ فَـلَيسَ يَـهتَدِي مَن يُطعِمُ اليَومَ يَجِدهُ فِـي غَـدٍ
عِـندَ الإِلَـهِ الوَاحِـدِ المُـوَحَّدِ وَ مَا زَرَعَهُ الزَّارِعُـونَ يُـحصَدُ
أَعـطِيهِ وَ لَا تَـجعَلِيهِ أَنكَـدُ ثُمَّ اطلُبِي خَزَائِنَ الَّتِي لَم تَـنفَدُ

این شد که طعام خود بازبخشیدند و بر روزهٔ خویش شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و صبح را روزه گرفتند و چون شب شد، کنیز برخاست و صاع سوم از آن جو را برداشت و خمیر کرد و از آن پنج قرص نان پخت. حضرت علی ﷺ با پیامبر ﷺ نماز گزارد و سپس رو به سوی خانه خود گذاشت و خواست تا افطار کند. چون آن طعام پیش روی ایشان نهاده شد و خواستند آن را بخورند، ناگاه اسیری بر در رسید و عرض کرد: سلام بر شما ای اهل بیت محمّد ﷺ! به خدا سوگند در حق ما انصاف روا نداشتید! ما را اسیر می‌کنید و در بند می‌کنید و طعامی به ما نمی‌دهید؟ مرا طعامی دهید که من اسیر محمّد ﷺ هستم. حضرت علی ﷺ طعام از دهان برگرفت و آن گروه نیز چنین کردند و حضرت علی ﷺ این ابیات را سرود:

ای فاطمه ای محبوب من ای دختر احمد
ای دخت محمّدی که خدا این نام بر او نهاد
و او را به خُلقی کریمانه آراست
خداوند کسی را در بند نزد ما فرستاده است
در بند اسیر گشته و این‌چنین ره نیافته
هر که امروز اطعامش کند این فردا نجاتش دهد
به نزد خداوند یکتای یگانه
هر آنچه زارعان بکارند همان برخواهند داشت

به او ببخش و هیچ در منتش مگذار
سپس گنجینه‌هایی را بخواه که هیچ پایان نمی‌پذیرد

قَالَ: فَأَنشَأَت فَاطِمَةُ ﷺ وَ هِیَ تَقُولُ:

يَا ابنَ عَمٍّ لَم يَبقَ إِلَّا صَاعٌ   قَد دَبِرَتِ الكَفُّ مَعَ الذِّرَاعِ
إِبنَيَّ وَاللهِ هُمَا جِيَاعٌ   يَا رَبِّ لَا تَترُكهُمَا ضَيَاعٌ
أَبُو هُمَا لِلخَيرِ صَنَّاعٌ   قَد يَصنَعُ الخَيرَ بِابتِدَاعٍ
عَبلُ الذِّرَاعَينِ شَدِيدُ البَاعِ   وَ مَا عَلَى رَأسِي مِن قِنَاعٍ
إِلَّا قِنَاعٌ نَسجَهُ نُسَاعُ

قَالَ: فَأَعطَوهُ طَعَامَهُم وَ بَاتُوا عَلَى صَومِهِم وَ لَم يَذُوقُوا إِلَّا المَاءَ فَأَصبَحُوا وَ قَد قَضَى اللهُ عَلَيهِم نَذرَهُم وَ إِنَّ عَلِيًّا ﷺ أَخَذَ بِيَدِ الغُلَامَينِ وَ هُمَا كَالفَرخَينِ لَا رِيشَ لَهُمَا يَترَجَّجَانَ مِنَ الجُوعِ فَانطَلَقَ بِهِمَا إِلَى مَنزِلِ النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيهِمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ إِغرَورَقَت عَينَاهُ بِالدُّمُوعِ وَ أَخَذَ بِيَدِ الغُلَامَينِ فَانطَلَقَ بِهَا إِلَى مَنزِلِ فَاطِمَةَ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيهَا رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ قَد تَغَيَّرَ لَونُهَا وَ إِذَا بَطنُهَا لَاصِقٌ بِظَهرِهَا انكَبَّ عَلَيهَا يُقَبِّلُ بَينَ عَينَيهَا، وَنَادَتهُ بَاكِيَةً: وَاغوثَاهُ بِاللهِ ثُمَّ بِكَ يَا رَسُولَ اللهِ مِنَ الجَوعِ.

و حضرت فاطمه ﷺ چنین سرود:
ای عموزاده تنها یک صاع باقی مانده
حال آنکه سراسر دست ما خالی شده
به خدا سوگند که پسران من گرسنه‌اند
پروردگارا آن دو را گمگشته رها مکن
که پدرشان بسیار دست در کار نیک دارد
و همواره در نیکوکاری پیش‌قدم بوده است
بازوانی قدرتمند و دهشی بسیار دارد
حال آنکه بر سر من جز پوششی نیست

این شد که طعام خود را به او بخشیدند و بر روزهٔ خویش شب را گذراندند و هیچ جز آب نچشیدند و چون صبح شد و نذر خویش به خداوند ادا کردند، حضرت علی ؑ دست دو پسر خود را گرفت و آنان را که چون جوجه‌هایی که از گرسنگی لرزان بودند، به سوی خانهٔ پیامبر ؐ رهسپار کرد. چون رسول خدا ؐ به آن دو نگریست، چشمانش غرق در اشک شد و دست آن دو پسر را گرفت و سوی خانهٔ حضرت فاطمه ؑ رهسپارشان کرد. چون چشم رسول خدا ؐ به آن بانو افتاد و دید که رنگ رخسارش دگرگون شده و شکمش به کمرش چسبیده، سوی او شتافت و میان دیدگانش را بوسید و در آن دم حضرت فاطمه ؑ گریه کنان ندا سر داد، خداوندا! به فریادمان برس و ای رسول خدا به فریادمان برس که بسیار گرسنه‌ایم.

قَالَ: فَرَفَعَ رَأسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَشبِع آلَ مُحَمَّدٍ. فَهَبَطَ جَبرَئِيلُ ؑ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ اقرَء. قَالَ: وَ مَا أَقرَءُ؟ قَالَ: إِقرَء ﴿ **إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ** ﴾ إِلَی آخِرِ ثَلَاثِ آيَاتٍ.

ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا ؑ مَضَی مِن فَورِ ذَلِكَ حَتَّی أَتَی أَبَا جَبَلَةَ الاَنصَارِيَّ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا جَبَلَةَ هَل مِن قَرضِ دِينَارٍ؟ قَالَ: نَعَم يَا أَبَا الحَسَنِ أَشهَدُ اللهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّ أَكثَرَ مَالِي لَكَ حَلَالٌ مِنَ اللهِ وَ مِن رَسُولِهِ، قَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِي شَيءٍ مِن ذَلِكَ إِن يَكُ قَرضًا قَبِلتُهُ. قَالَ: فَرَفَعَ إِلَيهِ دِينَارًا.

وَ مَرَّ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ يَتَخَرَّقُ أَزِقَّةَ المَدِينَةِ لِيَبتَاعَ بِالدِّينَارِ طَعَامًا فَإِذَا هُوَ بِمِقدَادِ بنِ الأَسوَدِ الكِندِيِّ قَاعِدٌ عَلَی الطَّرِيقِ فَدَنَا مِنهُ وَ سَلَّمَ عَلَيهِ وَ قَالَ: يَا مِقدَادُ مَالِي أَرَاكَ فِي هَذَا المَوضِعِ كَئِيبًا حَزِينًا؟! فَقَالَ: أَقُولُ كَمَا قَالَ العَبدُ الصَّالِحُ مُوسَی بنُ عِمرَانَ ؑ: ﴿ **رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ** ﴾. قَالَ: وَ مُنذُ كَم يَا مِقدَادُ؟ قَالَ: هَذَا أَربَعٌ فَرَجَعَ عَلِيٌّ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ: اللهُ أَكبَرُ أَكبَرُ آلِ مُحَمَّدٍ ؐ مُنذُ ثَلَاثٍ وَ أَنتَ يَا مِقدَادُ مُذ أَربَعٍ أَنتَ أَحَقُّ بِالدِّينَارِ مِنِّي. قَالَ: فَدَفَعَ إِلَيهِ الدِّينَارَ.

آن‌گاه رسول خدا ﷺ سر سوی آسمان برآورد و فرمود: خداوندا خاندان محمّد را سیر فرما. در آن دم جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! بخوان. فرمود: چه بخوانم؟ عرض کرد: بخوان که «بی‌تردید نیکوکاران از جامی می‌نوشند که [شرابش] آمیخته به کافور است» تا پایان سه آیه. در آن اوان حضرت علی علیه السلام بیرون شتافت و نزد ابا جبله انصاری رفت و فرمود: ای ابا جبله! آیا دیناری به من قرض می‌دهی؟ عرض کرد: بله ای ابا حسن. خدا و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که بیشتر دارایی من از سوی خدا و از سوی رسول او بر تو حلال است. فرمود: نیازی به چیزی از آن ندارم، اگر قرض باشد، می‌پذیرم. او نیز دیناری به وی قرض داد. حضرت علی علیه السلام به راه افتاد و کوچه‌های مدینه را پشت سر می‌گذاشت تا دیناری طعام بخرد که ناگاه با مقدادبن اسود کندی که در راه نشسته بود، رویارو شد. نزدیک شد و به او سلام کرد و فرمود: ای مقداد! چه شده که افسرده و غمگین اینجا نشسته‌ای؟ عرض کرد: سخن من همان سخن بندهٔ نیکوکار خداوند موسی‌بن عمران است: «پروردگارا! من به هر آن‌چه از خیر بر من فرو فرستی نیازمندم.» فرمود: چند روز است که در این تنگنایی؟ عرض کرد: این چهارمین روز است. آن‌گاه حضرت علی علیه السلام غمگین شد و فرمود: الله اکبر، خاندان محمّد ﷺ سه روز است که در تنگنایند و تو ای مقداد چهار روز است که این چنینی؟ تو از من بر این دینار سزاوارتری. این شد که حضرت علی علیه السلام آن دینار را به مقداد بخشید.

وَ مَضَى حَتَّى دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ فِي مَسجِدِهِ فَلَمَّا انفَتَلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى كِتفِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ انهَض بِنَا إِلَى مَنزِلِكَ لَعَلَّنَا نُصِيبُ بِهِ طَعَامًا فَقَد بَلَغَنَا أَخذُكَ الدِّينَارَ مِن أَبِي جَبَلَةَ. قَالَ: فَمَضَى وَ عَلِيٌّ يَستَحِيي مِن رَسُولِ اللهِ ﷺ رَابِطَ عَلَى بَطنِهِ حَجَرًا مِنَ الجُوعِ حَتَّى قَرَعَا عَلَى فَاطِمَةَ البَابَ فَلَمَّا نَظَرَت فَاطِمَةُ عليها السلام إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ قَد أَثَرَ الجُوعُ فِي وَجهِهِ وَلَّت هَارِبَةً قَالَت: وَاسَوأَتَاهُ مِنَ اللهِ وَ مِن رَسُولِهِ كَأَنَّ أَبَا الحَسَنِ مَا عَلِمَ أَنَّ عِندَنَا مُذ ثَلَاثٍ.

ثُمَّ دَخَلَ مُخدِعًا لَها فَصَلَّت رَكعَتَينِ ثُمَّ نادَت: یا إِلٰهَ مُحَمَّدٍ هٰذا مُحَمَّدُ نَبِیُّكَ وَ فاطِمَةُ بِنتُ نَبِیِّكَ وَ عَلِیٌّ خَتنُ نَبِیِّكَ وَ ابنُ عَمِّهِ وَ هٰذانِ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ سِبطَی نَبِیِّكَ ، اللّٰهُمَّ فَإِنَّ بَنی إِسرائیلَ سَأَلوكَ أَن تُنَزِّلَ عَلَیهِم مائِدَةً مِنَ السَّماءِ فَأَنزَلتَها عَلَیهِم وَ كَفَروا بِها ، اللّٰهُمَّ فَإِنَّ آلَ مُحَمَّدٍ لا یَكفُروا بِها.

باز حضرت به راه افتاد و در مسجد رسول خدا ﷺ نزد ایشان رسید. چون رسول خدا ﷺ او را دید، دستی بر دوشش زد و فرمود: ای علی! برخیز تا با هم به خانه‌ات برویم، امید است که آنجا طعامی نصیب ما شود. شنیدم که دیناری از ابی جبله گرفته‌ای. حضرت علی ؑ که از شرم رسول خدا ﷺ از گرسنگی سنگی بر شکم خود بسته بود، با ایشان راهی شد و بر در خانهٔ حضرت فاطمه ؑ رسیدند و در زدند. چون حضرت فاطمه ؑ رسول خدا ﷺ را دید، از آنجا که گرسنگی در چهره‌اش آشکار شده بود، گریزان رو گرداند و فرمود: شرم از خدا و از رسولش! گویا اباحسن نمی‌داند که سه روز است ما چگونه‌ایم! رسول خدا ﷺ از این کار دم بر نیاورد و وارد شد و دو رکعت نماز گزارد و سپس ندا سرداد: ای خدای محمّد! این محمّد پیامبر تو و فاطمه دختر پیامبر تو و علی داماد پیامبر تو و پسرعموی او و این دو حسن و حسین دو نوهٔ پیامبر تو هستند. خداوندا! بنی‌اسرائیل از تو خواستند که از آسمان سفره‌ای برایشان فرود آوری و تو چنین کردی حال آن‌که آنان به آن کفر ورزیدند. اما خاندان محمّد هرگز چنین کفر نمی‌ورزند.

ثُمَّ التَفَتَت مُسلِمَةُ فَإِذا هِیَ بِصَحفَةٍ مَملوَّةٍ ثَریدٌ وَ مَرَقٌ فَاحتَمَلَتها وَ وَضَعَتها بَینَ یَدَیِ رَسولِ اللهِ ﷺ فَأَهوَی بِیَدِهِ إِلَی الصَّحفَةِ فَسَبَّحَت الصَّحفَةُ وَ الثَّریدُ وَ المَرَقُ فَتَلا النَّبِیُّ ﷺ: ﴿ وَ إِنْ مِنْ شَیْءٍ إِلاَّ یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ[1] ﴾ ثُمَّ قالَ: كُلُوا مِن جَوانِبِ القِصعَةِ وَ لا تُهَدِّموا صُومِعَتَها فَإِنَّ فِیها البَرَكَةَ.

---

۱. الاسراء، ۴۴

فَأَكَلَ النَّبِيُّ ﷺ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ ﷺ وَ النَّبِيُّ يَأكُلُ وَ يَنظُرُ إِلَى عَلِيٍّ مُتَبَسِّمًا وَ عَلِيٌّ يَأكُلُ وَ يَنظُرُ إِلَى فَاطِمَةَ مُتَعَجِّبًا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: كُل يَا عَلِيُّ وَ لَا تَسأَل فَاطِمَةَ عَن شَيءٍ، الحَمدُ لِلّهِ الَّذِي جَعَلَ مَثَلَكَ وَ مَثَلَهَا مَثَلَ مَريَمَ بِنتِ عِمرَانَ وَ زَكَرِيَّا يَا عَلِيُّ هَذَا بِالدِّينَارِ الَّذِي أَقرَضتَهُ لَقَد أَعطَاكَ اللهُ اللَّيلَةَ خَمسَةً وَ عِشرِينَ جُزءًا مِنَ المَعرُوفِ فَأَمَّا جُزءٌ وَاحِدٌ فَجَعَلَ لَكَ فِي دُنيَاكَ أَن أَطعَمَكَ مِن جَنَّتِهِ وَ أَربَعَةٌ وَ عِشرُونَ جُزءًا قَد ذَخَرَهَا لَكَ لِآخِرَتِكَ.

در آن دم فاطمه ﷺ با طبقی آکنده از خوراک و خورش وارد شد و آن را پیش روی رسول خدا ﷺ گذاشت. حضرت دست سوی آن طبق فرود آورد که ناگاه آن طبق و خوراک و خورش تسبیح پروردگار گفتند و پیامبر ﷺ تلاوت فرمود: «و هیچ چیز نیست مگر آن‌که به سپاس و ستایش او تسبیح می‌گوید.» سپس فرمود: از کنار این طبق بخورید و میانش را بر هم نزنید که بسی برکت در آن است. این‌چنین پیامبر ﷺ و حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین ﷺ شروع به خوردن کردند و پیامبر ﷺ می‌خورد و با لبخندی به حضرت علی ﷺ می‌نگریست و حضرت علی ﷺ می‌خورد و شگفت‌زده به حضرت فاطمه ﷺ می‌نگریست. پیامبر ﷺ به او فرمود: ای علی! بخور و چیزی از فاطمه مپرس. سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که تو و او را همانند مریم دخت عمران و زکریا قرار داد. ای علی! این در ازای دیناری است که تو قرض دادی. خداوند امشب بیست‌وپنج جزء پاداش به تو عطا کرد که یک جزء آن را در دنیایت قرار داد و تو را از بهشت طعام بخشید و بیست‌وچهار جزء آن را برای آخرتت ذخیره کرد.

۴۶۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ **وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا** ﴾ نَزَلَت فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ أَصبَحَا وَ عِندَهُم ثَلَاثَةُ أَرغِفَةٍ فَأَطعَمُوا مِسكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا فَبَاتُوا جِيَاعًا فَنَزَلَت فِيهِم هَذِهِ الآيَةُ.

ابن عباس گفت: کلام حق تعالی «و طعام را با وجود دوست داشتن آن به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند» دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام نازل شد در آن هنگام که روز خود را با سه قرص نان آغاز کردند و با آن تهیدست و یتیم و اسیری را اطعام کردند و خود گرسنه شب را گذراندند. از این رو این آیه دربارهٔ ایشان نازل شد.

(سورهٔ دهر، آیهٔ ۳۰)

﴿ وَ مٰا تَشٰاؤُنَ إِلّٰا أَنْ يَشٰاءَ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ كٰانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴾

و نمی‌خواهند مگر آن‌چه را خدا خواهد. به راستی خداوند دانای حکیم است.

۴۶۳. عَنِ الْمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُوعَبدِ اللهِ عليه‌السلام: يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللهَ خَلَقَنَا مِن نُورِهِ وَ خَلَقَ شِيعَتَنَا مِنَّا وَ سَائِرُ الخَلقِ فِى النَّارِ، بِنَا يُطاعُ اللهُ وَ بِنَا يُعصَى اللهُ. يَا مُفَضَّلُ سَبَقَت عَزِيمَةٌ مِنَ اللهِ أَن لَا يَتَقَبَّلَ مِن أَحَدٍ إِلَّا بِنَا وَ لَا يُعَذِّبُ أَحَدًا إِلَّا بِنَا، فَنَحنُ بَابُ اللهِ وَ حُجَّتُهُ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَى خَلقِهِ وَ خُزَّانُهُ فِى سَمَائِهِ وَ أَرضِهِ، وَ حَلَالُنَا عَنِ اللهِ وَ حَرَامُنَا عَنِ اللهِ، لَا يَحتَجِبُ مِنَ اللهِ إِذَا شِئنَا: **﴿ وَ مٰا تَشٰاؤُنَ إِلاّٰ أَنْ يَشٰاءَ اللّٰهُ ﴾** إِستِثنَاء وَ مِن قَولِهِ إِنَّ اللهَ جَعَلَ قَلبَ وَلِيِّهِ وَ كرَ الإِرادَةِ فَإِذَا شَاءَ اللهُ شِئنَا.

مفضّل بن عمر گفت: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: ای مفضّل! خداوند ما را از نور خود و شیعیان ما را از ما آفرید و دیگر آفریدگان در آتش‌اند. خداوند با ما اطاعت می‌شود و با ما نافرمانی می‌شود. ای مفضّل! خواست خداوند پیش پیش چنین مقدر شد که هیچ عملی را از هیچ کس نپذیرد جز به خاطر ما و هیچ کس را در عذاب نیفکند جز به خاطر ما. پس ما باب خدا و حجّت او و امینان او بر آفریدگانش هستیم و ما خزانه‌داران او در آسمان و زمینش هستیم که حرام ما از سوی خدا و حلال ما از سوی اوست. هر گاه چیزی بخواهیم از خداوند پنهان نمی‌ماند؛ چراکه «نمی‌خواهند مگر آن‌چه را خدا خواهد» و این سخن

اوست که خداوند قلب ولی خود را آشیانهٔ ارادهٔ خویش قرار می‌دهد. پس هر گاه خداوند بخواهد، ما می‌خواهیم.

(سورهٔ دهر، آیهٔ ۳۱)

﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾

هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید.

۴۶۴. قَالَ: حَدَّثَنَا إِسمَاعِيلُ‌بنُ إبرَاهِيمَ وَ الحُسَينُ‌بنُ سَعِيدٍ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِى قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾ قَالَ: الرَّحمَةُ عَلىُّ‌بنُ أَبى طالِبٍ عليه السلام.

اسماعیل‌بن ابراهیم و حسین‌بن سعید روایت کرده‌اند امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این کلام خداوند متعال که «هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید» فرمود: رحمت، علی بن ابی طالب عليه السلام است.

۴۶۵. قَالَ: حَدَّثَنَا جَعفَرُبنُ مُحَمَّدِ الأَودِىُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَولُهُ تَعَالَى: ﴿ يُدْخِلُ مَنْ يَشٰاءُ في رَحْمَتِهِ ﴾ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: وَلَايَةُ عَلِيِّ‌بنِ أَبى طالِبٍ عليه السلام.

جعفر بن محمّد اودی گفت: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام حق تعالی «هر کس را بخواهد در رحمتش داخل می‌نماید» فرمود: یعنی در ولایت علی بن ابی طالب عليه السلام.




وَ مِن سُورَةِ المُرسَلاتِ

(سورهٔ مرسلات، آیهٔ ۴۸)

﴿ وَ إِذٰا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لاٰ يَرْكَعُونَ ﴾

و هنگامی که به آنان گفته شود «رکوع کنید» رکوع نمی‌کنند.

۴۶۶. عَن أَبِی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَاجَعفَرٍ عليه‌السلام فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِذٰا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لاٰ يَرْكَعُونَ ﴾ قَالَ: تَفسِيرُهَا فِی بَاطِنِ القُرآنِ: وَ إِذَا قِيلَ لِلنُّصَّابِ وَ المُكَذِّبِينَ تَوَلُّوا عَلِيًّا لَم يَفعَلُوا لِأَنَّهُم الَّذِينَ سَبَقَ عَلَيهِم فِی عِلمِ اللهِ مِنَ الشِّقَاءِ.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه‌السلام دربارهٔ این آیه پرسیدم. ایشان عليه‌السلام فرمود: تفسیر آن در باطن قرآن است. هنگامی که به ناصبی‌ها و تکذیب کنندگان گفته شود ولایت علی عليه‌السلام را بپذیرید، نمی‌پذیرند؛ چرا که آنان کسانی‌اند که پیشاپیش در علم خدا نگون‌بختی بر آنان رقم خورده است.



وَ مِن سُورَةِ النَّبَأ

(سورۀ نبأ، آیۀ ۱ ـ ۳)

﴿ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ * الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴾

از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ از آن خبر بزرگ. همان که آنان در آن اختلاف دارند.

۴۶۷ . عَن أَبی حَمزَةَ الثُمَالِیّ قَالَ: سَأَلتُ أَبا جعفرٍ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ * الَّذي هُمْ فيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴾ فَقَالَ: كَانَ عَلِیُّ بنُ أَبی طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ لِأَصحَابِهِ: أَنَا وَاللهِ النَّبَأُ العَظِيمُ الَّذی اختَلَفَ فِیَّ جَمِيعُ الأُمَمِ بِأَلسِنَتِهَا، وَاللهِ مَا لِلهِ نَبَأٌ أَعظَمُ مِنِّی وَ لَا لِلهِ آيَةٌ أَعظَمُ مِنِّی.

ابی حمزه ثمالی گفت: از امام محمّد باقر عليه السلام دربارۀ این آیات پرسیدم. امام فرمود: علی بن ابی‌طالب عليه السلام به یارانش می‌فرمود: به خدا سوگند منم آن خبر بزرگی که همۀ امّت‌ها با زبان خودشان در مورد آن اختلاف کردند و به خدا سوگند خداوند هیچ خبر و هیچ نشانه‌ای بزرگ‌تر از من ندارد.

(سورۀ نبأ، آیۀ ۳۸)

﴿ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا لا يَتَكَلَّمُونَ إِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ

الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا ﴾

روزی که روح و فرشتگان صف زده به پا خیزند [و] سخن نمی‌گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و [او] سخنی درست گوید.

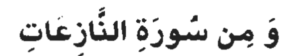
۴۶۸. عَن أَبِی الجَارُودِ قَالَ: قَالَ أَبُوجعفرٍ ؑ فِی قَولِهِ تَعالَی: ﴿ **یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلاٰئِکَةُ صَفًّا لاٰ یَتَکَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا** ﴾ قَالَ: إِذَاکَانَ یومُ القِیامَةِ خُطِفَ قَولُ ﴿ **لٰا اِلٰهَ اِلّٰا اللّٰهُ** ﴾ مِن قُلُوبِ العِبَادِ فِی المَوقِفِ إِلَّا مَن أَقَرَّ بِوَلَایَةِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ؑ وَ هُوَ قَولُهُ: ﴿ **إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ** ﴾ مِن أَهلِ وَلَایَةِ عَلِیٍّ فَهُمُ الَّذِینَ یُؤذَنُ لَهُم بِقَولِ ﴿ **لٰا اِلٰهَ اِلّٰا اللّٰهُ** ﴾.

ابی جارود گفت: امام محمّد باقر ؑ دربارهٔ این آیه فرمود: هنگامی که روز قیامت برپا گردد، سخن «لا اله الّا الله» از دل‌های بندگان در موقف فراموش شود، جز از دل کسانی که به ولایت علی بن ابی‌طالب ؑ اقرار کرده باشند و این است معنای سخن خداوند: «مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد». یعنی از اهل ولایت علی ؑ، ایشان هستند که به آن‌ها اجازه داده می‌شود بگویند «لا اِله الّا الله».

۴۶۹. عَن أَبِی حَمزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَی مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ ؑ وَ قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَدِّثنِی بِحَدِیثٍ یَنفَعُنِی. قَالَ: یَا أَبَا حَمزَةَ کُلٌّ یدخُلُ الجَنَّةَ إِلَّا مَن أَبَی. قَالَ: قلتُ: یا ابنَ رَسُولِ اللهِ أَحَدٌ یَأبَی أَن یَدخُلَ الجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَم. قُلتُ: مَن؟ قَالَ: مَن لَم یَقُل: لَا إِلَه إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. قَالَ: قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ حَسِبتُ أَن لَا أَروِی هَذَا الحَدِیثَ عَنکَ. قَالَ: وَ لِمَ؟ قُلتُ: إِنِّی تَرَکتُ المُرجِئَةَ وَ القَدَرِیَّةَ وَ الحَرُورِیَّةَ وَ بَنِی أُمَیَّةَ یَقُولُونَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ. فَقَالَ: أَیهَاتَ أَیهَاتَ إِذَاکَانَ یومُ القِیامَةِ سَلَبَهُمُ اللهُ إِیَّاهَا لَا یَقُولُهَا إِلَّا نَحنُ وَ شِیعَتُنَا وَ البَاقُونَ مِنهَا بِرَاءٌ أَ مَا سَمِعتَ اللهَ یَقُولُ: ﴿ **یَوْمَ یَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلاٰئِکَةُ صَفًّا لاٰ یَتَکَلَّمُونَ إِلاّٰ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَ قٰالَ صَوٰابًا** ﴾ قَالَ: مَن قَالَ لَا اِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ.

ابوحمزه ثمالی گفت: خدمت امام محمّد باقر علیه‌السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! حدیثی برایم بفرما تا مرا سود رساند. امام فرمود: ای اباحمزه! همه در بهشت وارد می‌شوند مگر کسانی که خودشان ابا داشته باشند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! آیا می‌شود کسی از رفتن به بهشت ابا کند؟ فرمود: آری. عرض کردم: چه کسانی؟ فرمود: هر کس «لا اله الّا الله و محمّد رسول الله» را نگوید. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گمان کنم که نباید این حدیث را از شما نقل کنم. فرمود: چرا؟ عرض کردم: من دیدم که مرجئه و قدریّه و حروریّه و بنی‌امیّه می‌گفتند «لا اله الّا الله محمّد رسول الله». فرمود: هیهات! هیهات! هنگامی که قیامت فرارسد خداوند شهادتین را از آن‌ها سلب می‌کند و تنها ما و شیعیان ما شهادتین را می‌گویند و دیگران از آن به دور می‌مانند. آیا نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: «روزی که روح و فرشتگان صف زده به پا خیزند [و] سخن نمی‌گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و [او] سخنی درست گوید.» یعنی هر کس بگوید «لا اله الّا الله، محمّد رسول الله».





وَ مِن سُورَةِ النَّازِعَاتِ

(سورهٔ نازعات، آیهٔ ۶ـ۷)

﴿ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴾

روزی که لرزاننده بلرزاند. و به دنبال آن لرزانندهٔ دیگری درآید.

۴۷۰. أَبُو القَاسِمُ العَلَوِيُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام ﴿ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ * تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴾: الرَّاجِفَةُ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ وَ الرَّادِفَةُ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام وَ هُوَ أَوَّلُ مَن يَنفُضُ رَأسَهُ مِنَ التُّرَابِ الحُسَينُ بنُ عَلِيٍّ فِي خَمسَةٍ وَ تِسعِينَ أَلفًا وَ هُوَ قَولُ اللهِ: ﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ * يَوْمَ لاَ يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ[1] ﴾.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: لرزاننده، حسین بن علی عليه السلام و لرزانندهٔ دیگری که به دنبال آن می‌آید، علی بن ابی‌طالب عليه السلام است و حسین بن علی عليه السلام نخستین کسی است که خاک مزار از سر می‌زداید و در میان نودوپنج هزار تن برانگیخته می‌شوند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «به راستی ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند

---

۱. غافر، ۵۲-۵۱

در زندگی دنیا روزی که گواهان [برای گواهی] بر پای ایستند یاری می‌کنیم.
روزی که ستمکاران را عذرخواهی‌شان سود ندهد و برای آنان لعنت است و
بدی آن سرای.»



وَ مِن سُورَةِ عَبَسَ

(سورهٔ عبس، آیهٔ ۳۴ ـ ۳۶)

﴿ یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخیهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبیهِ * وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنیهِ ﴾

روزی که آدمی از برادرش می‌گریزد. و از مادر و پدرش. و از همسر و پسرانش.

۴۷۱. عَن أَبی‌هُرَیرَةَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا القَاسِمِ یَقُولُ فِی هَذِهِ الآیَةِ: **﴿ یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخیهِ * وَ أُمِّهِ وَ أَبیهِ * وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنیهِ ﴾** إِلَّا مَن تَوَلَّی بِوَلَایَةِ عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طَالِبٍ علیه السلام فَإِنَّهُ لَا یَفِرُّ مَن وَالَاهُ وَ لَا یُعَادِی مَن أَحَبَّهُ وَ لَا یُحِبُّ مَن أَبغَضَهُ وَ لَا یُوَدُّ مَن عَادَاهُ، عَلِیٌّ لَهُ فِی الجَنَّةِ قَصرٌ مِن یَاقُوتَةٍ حَمرَاءَ وَ ثُلُثَا القَصرِ مُرَصَّعٌ بِأَنوَاعِ الیَاقُوتِ وَ الجَوهَرِ، عَلَیهِ شَرَفٌ یُعرَفُ بِتَسبِیحِهِ وَ تَقدِیسِهِ وَ تَحمِیدِهِ وَ تَمجِیدِهِ، لَهُ سَقفٌ یَا أَبَاهُرَیرَةَ مَا هُوَ؟ قَالَ أَبُوهُرَیرَةَ: مَا أَدرِی یَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: هُوَ العَرشُ وَ أَرضُهُ الزَعفِرَانُ قَالَهُ لَهُ الرَّحمَانُ: کُن فَکَانَ لَا یَسکُنُهُ إِلَّا عَلِیٌّ وَ أَصحَابُهُ وَ أَنَا وَ عَلِیٌّ فِی دَارٍ وَاحِدَةٍ وَ عَلِیٌّ مَعَ الحَقِّ وَ غَیرُهُ مَعَ البَاطِلِ.

ابی هریره گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که دربارهٔ آیه «روزی که آدمی از برادرش می‌گریزد و از مادر و پدرش و از همسر و پسرانش» فرمود: مگر کسی که ولایت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را پذیرفته باشد. آن کس که یار علی علیه السلام بوده،

نمی‌گریزد و آن کس که او را دوست می‌داشته، دشمن برشمرده نمی‌شود و آن کس که کینهٔ او می‌داشته، دوست برشمرده نمی‌شود و آن کس که با او دشمنی کرده باشد دوست داشته نمی‌شود. برای علی ﷺ در بهشت قصری از یاقوت سرخ است که یک‌سوم آن قصر به گونه‌های یاقوت و گوهر آراسته شده و بلندایی بر آن است که از تسبیح و تقدیس و تحمید و تمجید او شناخته می‌شود و سقفی دارد؛ ای اباهریره! آن سقف چیست؟ ابوهریره عرض کرد: نمی‌دانم ای رسول خدا! فرمود: سقف آن عرش است و زمینش زعفران. خداوند رحمان می‌گوید: باش، پس موجود می‌گردد و در این قصر جز علی ﷺ و یارانش ساکن نمی‌گردند و من و علی در یک خانه هستیم و علی با حق است و غیر او با باطل.



وَ مِن سُورَةِ كُوِّرَت

(سورهٔ كوّرت، آيهٔ ۷)

﴿ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴾

و هنگامی که اشخاص [با یکدیگر] قرین شوند.

۴۷۲ . عَن مُحَمَّدِبنِ عَلِیِّ ابنِ الحَنَفِیَّةِ أَنَّهُ قَرَءَ: ﴿ وَ إِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴾ قَالَ: بِحَقِّ الَّذِی نَفسِی بِیَدِهِ لَو أَنَّ رَجُلًا عَبَدَ اللهَ بَینَ الرُّکنِ وَ المَقَامِ حَتَّی تَلتَقِیَ تَرقُوَتَاهُ لَحَشَرَهُ اللهُ مَعَ مَن یُحِبُّ.
محمّد بن علی بن حنفیّه این آیه را خواند و چنین گفت: به حق آن خدایی که جانم به دست اوست، اگر مردی از بندگان خدا بین رکن و مقام آن‌قدر خدا را عبادت کند که دو استخوان سینه‌اش به هم بچسبد، خداوند او را با کسی که دوستش دارد، محشور می‌کند.

(سورهٔ كوّرت، آيهٔ ۸ ـ ۹)

﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ✽ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾

و هنگامی که از آن دختر زنده به گور شده سؤال شود. به کدامین گناه کشته شده است؟

۴۷۳ . عَن مُحَمَّدِبنِ الحَنَفِیَّةِ فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ﴾ قَالَ: مَوَدَّتُنَا.

محمّد بن حنفیه گفت: در این آیه آن‌چه از آن سؤال خواهد شد، مودّت ما (اهل بیت) است.

۴۷۴. جَعفَرُ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ عليه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: مَن قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا.

جعفر روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: منظور کسی است که در راه دوستی ما کشته شود.

۴۷۵. عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عَلِیِّ‌بنِ عُمَرَ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِی قَولِهِ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: هُم قَرَابَةُ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

علی بن محمّد بن علی بن عمر زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: ایشان نزدیکان رسول خدایند.

۴۷۶. جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ بنِ یُوسُفَ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ یَقُولُ: أَسأَلُکُم عَنِ المَودَةِ الَّتِی أُنزِلَت عَلَیکُم وَصَلَهَا مَوَدَّةُ القُربَی بِأَیِّ ذَنبٍ قَتَلتُمُوهُم.

جعفر بن احمد بن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام دربارهٔ این آیات فرمود: خداوند می‌فرماید: از مودّتی که بر شما نازل شده است، که همان مودّت ذی القربی است، از شما می‌پرسم: به کدامین گناه آنان را کشتید؟!

۴۷۷. جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ الفَزَارِیُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ عليه السلام فِی قَولِ اللهِ عَزَّ ذِکرُهُ: ﴿ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ ﴾ یَعنِی: مَوَدَّتُنَا أَهلَ البَیتِ ﴿ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴾ قَالَ: ذَلِكَ حَقُّنَا الوَاجِبُ عَلَى النَّاسِ وَ حُبُّنَا الوَاجِبُ عَلَی الخَلقِ قَتَلوا مَوَدَّتَنَا.

جعفر بن محمّد فزاری گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند عزّ ذکره «و هنگامی که از آن دختر زنده‌به‌گور شده سؤال شود» پرسیدم، فرمود: منظور دوستی ما اهل بیت است. «به کدامین گناه کشته شده» آن، حق واجب ما بر مردم است. با این‌که دوستی ما بر آفریدگان واجب است، مودّت ما را کشتند.



وَ مِن سُورَةِ المُطَفِّفِينَ

(سورهٔ مطففین، آیهٔ ۷ ـ ۹ و ۱۸ و ۲۰ ۲۵ ـ ۲۶ و ۲۸)

﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الفُجّٰارِ لَفي سِجّينٍ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مٰا سِجّينٌ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ * كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الْأَبْرٰارِ لَفي عِلِّيّينَ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ * يُسْقَوْنَ مِنْ رَحيقٍ مَخْتُومٍ * خِتٰامُهُ مِسْكٌ وَ في ذٰلِكَ فَلْيَتَنٰافَسِ الْمُتَنٰافِسُونَ * عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾

چنین نیست، بی‌گمان کتاب (نامهٔ عمل) بدکاران قطعاً در سجّین است. و تو چه می‌دانی که سجّین چیست؟ کتابی است نوشته شده... چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است. کتابی است نوشته شده... از شرابی مُهر شده نوشانده شوند که مُهرش مشک است و در این [نعمت] رقابت‌کنندگان باید رقابت کنند... چشمه‌ای که مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند.

۴۷۸ . عَن سَعِيدِبنِ عُثمَانَ الجَزَّارِ قَالَ: سَمِعتُ أَبَاسَعِيدٍ المَدَائِنِیَّ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: **﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الفُجّٰارِ لَفي سِجّينٍ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مٰا سِجّينٌ * كِتٰابٌ مَرْقُومٌ﴾** بِبُغضِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله **﴿كَلاّٰ إِنَّ كِتٰابَ الْأَبْرٰارِ لَفي عِلِّيّينَ كِتٰابٌ مَرْقُومٌ﴾** بِحُبِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

سعیدبن عثمان گفت: از ابوسعید مدائنی شنیدم که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که ایشان فرمود: در کلام خداوند متعال «چنین نیست، بی‌گمان کتاب (نامهٔ عمل) بدکاران قطعاً در سجّین است و تو چه می‌دانی که سجّین چیست؟ کتابی نوشته شده است»، منظور کینه‌توزی محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله است. «چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است... کتابی نوشته شده است»، منظور دوستی محمّد و آل محمّد علیهم السلام است.

۴۷۹. قَالَ: حَدَّثَنِی مُحَمَّدُبنُ الحَسَنِ‌بنِ إِبرَاهِیمَ عَن جَعفرٍ علیه السلام قَالَ: نَزَلَتِ الآیَاتُ: ﴿**كَلاَّ إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ**﴾ إِلَی قَولِهِ: ﴿**يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ**﴾ وَ هِیَ خَمسُ آیَاتٍ وَ هُم رَسُولُ اللهِ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ ـ عَلیهُمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ وَ التَّحِیَّةُ وَ الإِکرَامُ.

محمّد بن حسن بن ابراهیم گفت: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: آیات «چنین نیست، به راستی کتاب (نامهٔ عمل) نیکوکاران در علّیّین است و تو چه می‌دانی که علّیّین چیست» تا آنجا که می‌فرماید «مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند» پنج آیه است و ایشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن و حسین علیهما السلام هستند که درود و سلام و تحیّت و ارجمندی بر آنها باد.

۴۸۰. عَن عَطاءِبنِ أَبی‌رِبَاحٍ قَالَ: قُلتُ لِفَاطِمَةَ بِنتِ الحُسَینِ أَخبِرِینی جُعِلتُ فِدَاكِ بِحَدِیثٍ أُحَدِّثُ بِهِ وَ احتَجُّ بِهِ عَلَی النَّاسِ. قَالَت: نَعَم أَخبَرَنی أَبی أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله بَعَثَ إِلَی عَلِیِّ‌بنِ أَبی‌طَالِبٍ علیه السلام أَن اصعَدِ المِنبَرَ وَ ادعُ النَّاسَ إِلَیكَ ثُمَّ قَالَ قُلتُ: أَیُّهَا النَّاسُ مَنِ انتَقَصَ أَجِیراً أَجرَهُ فَلیَتَبَوَّء مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ مَن ادَّعَی إِلَی غَیرِ مَوَالِیهِ فَلیَتَبَوَّء مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ مَنِ انتَفَی مِن وَالِدَیهِ فَلیَتَبَوَّء مَقعَدَهُ مِنَ النَّارِ[1].

قَالَ: فَقَالَ رَجُلٌ: یَا أَبَا الحَسَنِ مَا لَهُنَّ مِن تَأوِیلٍ؟ فَقَالَ: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. ثُمَّ أَتَی

---

۱. نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۲۱۰

رَسُولَ اللهِ ﷺ فَأَخبَرَهُ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: وَيلٌ لِقُرَيشٍ مِن تَأوِيلِهِنَّ ـ ثَلاثَ مَرَّاتٍ ـ ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ انطَلِق فَأَخبِرهُم إِنِّي أَنَا الأَجِيرُ الَّذِي أَثبَتَ اللهُ مَوَدَّتَهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَنَا وَ أَنتَ مَولَى المُؤمِنِينَ وَ أَنَا وَ أَنتَ أَبَوَا المُؤمِنِينَ.

ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَقَالَ: يَا مَعشَرَ قُرَيشٍ وَالمُهَاجِرِينَ وَالأَنصَارِ، فَلَمَّا اجتَمَعُوا قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُكُم إِيمَانًا بِاللهِ وَ أَوفَاكُم بِعَهدِ اللهِ وَ أَقوَمُكُم بِأَمرِ اللهِ وَأَعلَمُكُم بِالقَضِيَّةِ وَ أَقسَمُكُم بِالسَّوِيَّةِ وَ أَرحَمُكُم بِالرَّعِيَّةِ وَ أَفضَلُكُم عِندَ اللهِ مَزِيَّةً.

عطاء بن ابی رياح گفت: به فاطمه دختر امام حسین ؑ عرض كـردم: فـدايت شوم! مرا از حديثی آگاه ساز تا آن را بازگويم و با آن بـر مـردم حـجت آورم. ايشان گفت: پدرم مرا خـبر داد كـه رسـول خـدا ﷺ كسـی را نـزد حـضرت علی ؑ فرستاد كه بر منبر بالا رود و مردم را سـوی خـود فـرا خـوان. آن‌گـاه حضرت علی ؑ چنين فرمود: ای مردم! هر كه در پرداختن مزد مزدگيری كم گذارد، نشيمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته می‌كند و هر كه به جز موالی خود ديگران را به خود نسبت دهد، نشيمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته مـی‌كند و هر كه از سوی پدر و مادرش رانده شود، نشيمن‌گاهش را آتش دوزخ انباشته می‌كند. در آن دم كسی پرسيد: ای ابا حسن! تأويل اين سخن چيست؟ فرمود: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. سپس حـضرت نـزد رسـول خـدا ﷺ رفت و ايشان را از سخن آن مرد خبر داد. رسول خدا ﷺ سـه بـار فـرمود: وای بـر قريش با تأويل كردنشان! سپس فرمود: ای علی! سوی آنان برو و بـاخبرشان كن كه من آن مزدگيرم كه خداوند دوستی‌اش را از آسمان استوار داشت و من و تو مولای مؤمنان هستيم و مـن و تـو پـدران مـؤمنان هستيم. سـپس رسـول خدا ﷺ بيرون رفت و فرمود: ای جماعت قريش و مهاجران و انصار! وقتی آنان گرد آمدند، فرمود: ای مردم! همانا علی ؑ نخستين كس از شما در ايمان و وفادارترين شما به پيمان خداوند و پايدارترين شما در فـرمان خـداونـد و

داناترین شما در قضاوت و دادگرترین شما در مساوات و مهربان‌ترین شما در حق رعیت و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است.

ثُمَّ قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: إنَّ اللهَ مَثَّلَ لِی أُمَّتِی فی الطِّینِ وَ عَلَّمَنِی أسماءَهُم کَما عَلَّمَ آدَمَ الأَسمَاءَ کُلَّهَا فَمَرَّ بِی أصحَابُ الرَّایَاتِ فَاستَغفَرتُ لِعَلِیٍّ وَ شِیعَتِهِ وَ سَأَلتُ رَبِّی أن یَستَقِیمَ أُمَّتِی عَلی عَلِیِّ بنِ أَبِی طالِبٍ مِن بَعدِی فَأَبَی رَبِّی إلّا أن یُضِلَّ مَن یَشَاءُ وَ یَهدِی مَن یَشَاء. ثُمَّ ابتَدَأَنِی رَبِّی فِی عَلِیٍّ بِسَبعِ خِصَالٍ أمّا أُولاهُنَّ فَإنَّه أوَّلُ مَن یَنشَقُّ عَنهُ الأَرضَ مَعِیَ وَ لا فَخرَ، وَ أمَّا الثَّانِیَةُ فَإنَّه یَذُودُ عَن حَوضِی کَمَا یَذُودُ الرُّعَاةُ غَرِیبَةَ الإبِلِ، وَ أمَّا الثَّالِثَةُ فَإنَّ مِن فُقَرَاءِ شِیعَةِ عَلِیٍّ لَیُشَفَّعُ فِیَّ مِثلِ رَبِیعَةَ وَ مُضَرَ، وَ أمَّا الرَّابِعَةُ فَإنَّهُ أوَّلُ مَن یَقرَعُ بَابَ الجَنَّةِ مَعِیَ وَ لا فَخرَ، وَ أمَّا الخَامِسَةُ فَإنَّهُ أوَّلُ مَن یَزَوَّجُ مِنَ الحَورِ العِینِ وَ لا فَخرَ، وَ أمَّا السَّادِسَةُ فَإنَّهُ أوَّلُ مَن یَسکُنُ مَعِیَ فِی عِلِّیِّینَ وَ لا فَخرَ، وَ أمَّا السَّابِعَةُ فَإنَّهُ اَوَّلُ مَن یُسقَی مِن رَحِیقٍ مَختُومٍ خِتَامُهُ مِسکٌ وَ فِی ذَلِکَ فَلیَتَنَافَسِ المُتَنَافِسُونَ.

سپس رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند تمثال امت مرا در سرشت گِل به من نشان داد و نام‌های ایشان را به من آموخت؛ همچنان‌که تمامی نام‌ها را به آدم علیه‌السلام آموخت. آن‌گاه همهٔ سردمداران بر من گذر کردند و من برای علی علیه‌السلام و شیعیانش آمرزش طلبیدم و از پروردگارم خواستم تا امتم را پس از من در راه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام استوار دارد. اما پروردگارم نپذیرفت جز این‌که هر که را خود خواست هدایت کند و هر که را خواست گمراه نماید. سپس پروردگارم هفت خصلت را در مورد علی علیه‌السلام برای من بنا نهاد؛ نخست این‌که او نخستین کسی است که همراه من سر از زمین برمی‌آورد و فخر نمی‌فروشم. دوم آن‌که او کسانی را از حوض من بازمی‌دارد، چنان‌که ساربان شتران ناآشنا را می‌راند. سوم آن‌که از فقیران شیعه علی علیه‌السلام به خاطر من به شمار قبیله‌های ربیعه و مضر شفاعت شوند. چهارم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من بر در بهشت

می‌کوبد و فخر نمی‌فروشم. پنجم آن‌که او نخستین کسی است که از پریان سیاه‌چشم همسر می‌گیرد و فخر نمی‌فروشم. ششم آن‌که او نخستین کسی است که همراه من در آسمان هفتم سکنا می‌گزیند و فخر نمی‌فروشم. هفتم آن‌که او نخستین کسی است که از شرابی مُهر شده که مُهرش مشک است، می‌نوشد و رقابت‌کنندگان در این (نعمت) باید رقابت کنند.

۴۸۱. عَن كَعبٍ فِي قَولِ اللهِ تَعالَى: **﴿يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾** فَهَنِيئًا لَهُم ثُمَّ قَالَ كَعبٌ: وَاللهِ لَا يُحِبُّهُم إِلَّا مَن أَخَذَ اللهُ مِنهُ المِيثَاقَ.

کعب دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «از شرابی مُهرشده نوشانده شوند که مُهرش مشک است و در این [نعمت] رقابت‌کنندگان باید رقابت کنند. چشمه‌ای که مقرّبان [درگاه الهی] از آن می‌نوشند.» پس گوارا باد بر آنان؛ به خدا سوگند تنها کسانی ایشان را دوست می‌دارند که خداوند از آنان پیمان گرفته است.

(سورهٔ مطففین، آیهٔ ۲۹)

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾

بی‌تردید کسانی که گناه می‌کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند....

۴۸۲. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى: **﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾** قَالَ: فَهُوَ حَارِثُ بنُ قِيسٍ وَ أُنَاسٌ مَعَهُ كَانُوا إِذَا مَرَّ عَلَيهِم عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالُوا: أُنظُرُوا إِلَى هَذَا الَّذِي اصطَفَاهُ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله وَ اختَارَهُ مِن أَهلِ بَيتِهِ وَ كَانُوا يَسخَرُونَ مِنهُ، وَ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ فُتِحَ بَينَ الجَنَّةِ وَ النَّارِ بَابٌ فَعَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلَى الأَرِيكَةِ مُتَّكِئٌ فَيَقُولُ هَلُمَّ لَكُم، فَإِذَا جَاؤُوا سَدَّ بَينَهُمُ البَابُ فَهُوَ كَذَلِكَ لِيَسخَرَ مِنهُم وَ يَضحَكَ، قَالَ اللهُ: **﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ *

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفّٰارُ مٰا كٰانُوا يَفْعَلُونَ﴾.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «بی تردید کسانی که گناه می‌کردند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌خندیدند.» منظور، حارث‌بن قیس است و مردمانی که با او همراه بودند. آنان وقتی حضرت علی عليه‌السلام بر آنان گذر می‌کرد، می‌گفتند: به کسی که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله او را برگزیده و از میان اهل بیتش انتخابش کرده، بنگرید. و این‌چنین حضرت را ریشخند می‌کردند. پس چون روز قیامت فرا رسد، دری میان بهشت و دوزخ گشوده شود و حضرت علی عليه‌السلام تکیه زده بر تختی به آنان می‌فرماید: سوی ما بشتابید! وقتی آنان می‌آیند، آن در پیش رویشان بسته می‌شود و این بار حضرت علی عليه‌السلام آنان را ریشخند می‌کند و می‌خندد. خداوند متعال می‌فرماید: «پس امروز کسانی که ایمان آوردند، به کافران می‌خندند. بر روی تخت‌ها می‌نگرند. آیا کافران به آن‌چه انجام می‌دادند، پاداش داده شدند؟»



وَ مِن سُورَةِ الإنشِقَاقِ

(سورهٔ انشقاق، آیهٔ ۸)

﴿ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴾

و به زودی به حسابش به آسانی رسیدگی می‌شود.

۴۸۳. عَن مُعَاذِبنِ جَبَلٍ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ خَرَجَ مِنَ الغَارِ فَأَتی مَنزِلَ خَدِیجَةَ کَئِیباً حَزِیناً فَقَالَت خَدِیجَةُ: یَا رَسُولَ اللهِ مَا الَّذِی أَرَی بِكَ مِنَ الكَآبَةِ وَ الحُزنِ مَا لَم أَرَهُ فِیكَ مُنذُ صَحِبتَنِی؟ قَالَ: یَحزُنُنِی غَیبُوبَةِ عَلِیٍّ، قَالَت: یَا رَسُولَ اللهِ تَفَرَّقَتِ المُسلِمُونَ فِی الآفَاقِ وَ إِنَّمَا بَقِیَ ثَمانُ رِجَالٍ کَانَ مَعَكَ اللَّیلَةَ سَبعَةُ نَفَرٍ فَتحزَنُ لِغَیبُوبَةِ رَجُلٍ!؟ فَغَضِبَ النَّبِیُّ ﷺ وَ قَالَ: یَا خَدِیجَةُ إِنَّ اللهَ أَعطَانِی فِی عَلِیٍّ ثَلَاثَةً لِدُنیَایَ وَ ثَلَاثَةً لِآخِرَتِی فَأَمَّا الثَّلَاثَةُ الَّتِی لِدُنیَای فَمَا أَخَافُ عَلَیهِ أَن یَمُوتَ وَ لَا یُقتَلَ حَتَّی یُعطِیَنِیَ اللهُ مَوعِدَهُ إِیَّایَ، وَلَکِن أَخَافُ عَلَیهِ وَاحِدَةً.

قَالَت: یَا رَسُولَ اللهِ إِن أَنتَ أَخبَرتَنِی مَا الثَّلَاثَةُ لِدُنیَاكَ وَ مَا الثَّلَاثَةُ لِآخِرَتِكَ وَ مَا الوَاحِدَةُ الَّتِی تَتَخَوَّفُ عَلَیهِ لَاحتَوِیَنَّ عَلَی بَعِیرِی وَ لَأَطلُبَنَّهُ حَیثُمَا کَانَ إِلَّا أَن یَحُولَ بَینِی وَ بَینَهُ المَوتُ.

معاذ بن جبل گفت: پیامبر ﷺ از غار خارج شد و در حالی‌که ناراحت و غمگین

بود، به خانه خدیجه ﷺ وارد شد. خدیجه ﷺ فرمود: ای رسول خدا! چه چیز این چنین ناراحتی و اندوه شما شده است که من از زمان آشنایی‌ام با شما چنین غمی در شما ندیده بودم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: نبودنِ علی ﷺ مرا غمگین کرده است. خدیجه ﷺ فرمود: ای رسول خدا! مسلمانان در جهان پراکنده شده‌اند و همراه شما هشت نفر مانده‌اند. شبی را با هفت نفر به سر بردید، حال به‌خاطر نبودن یکی از آن‌ها ناراحت می‌شوید؟ پیامبر ﷺ خشمگین شد و فرمود: ای خدیجه! خداوند دربارهٔ علی ﷺ سه چیز برای دنیایم و سه چیز برای آخرتم به من عطا فرمود. من از ترس از دست دادن آن‌چه که خداوند به واسطهٔ او در دنیا به من می‌دهد در این اندیشه نیستم که مبادا او جان دهد یا کشته شود، بلکه به سببی دیگر درباره او از این اندیشه در هراسم.

خدیجه ﷺ فرمود: ای رسول خدا! اگر به من بگویی آن سه امر دنیا و آخرت از برای شما و نیز آن امری که بر آن می‌ترسید چیست، بر شترم سوار می‌شوم و در پی حضرت علی ﷺ در هر کجا می‌گردم، حتی اگر بمیرم.

قَالَ: يَا خَدِيجَةُ إِنَّ اللهَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِدُنيَايَ أَنَّهُ يُوَارِي عَورَتِي عِندَ مَوتِي وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِدُنيَايَ أَنَّهُ يَقتُلُ بَينَ يَدَيَّ أَربَعَةَ وَ ثَلَاثِينَ مُبَارِزاً قَبلَ أَن يَمُوتَ أَو يُقتَلَ، وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنَّهُ مُتَّكَأُ يَومَ الشَّفَاعَةِ وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنَّهُ صَاحِبُ مَفَاتِيحِي يَومَ أَفتَحُ أَبوَابَ الجَنَّةِ وَ أَعطَانِي فِي عَلِيٍّ لِآخِرَتِي أَنِّي أُعطِيَ يَومَ القِيَامَةِ أَربَعَةَ أَلوِيَةٍ فَلِوَاءُ الحَمدِ بِيَدِي وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّهلِيلِ لِعَلِيٍّ وَ أُوجِهُهُ فِي أَوَّلِ فَوجٍ وَ هُمُ الَّذِينَ يُحَاسِبُونَ حِسَاباً يَسِيراً وَ يَدخُلُونَ الجَنَّةَ بِغَيرِ حِسَابٍ عَلَيهِم، وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّكبِيرِ إِلَى حَمزَةَ وَ أُوجِهُهُ فِي الفَوجِ الثَّانِي، وَ أَدفَعُ لِوَاءَ التَّسبِيحِ إِلَى جَعفَرٍ وَ أُوجِهُهُ فِي الفَوجِ الثَّالِثِ، ثُمَّ أُقِيمُ عَلَى أُمَّتِي حَتَّى أَشفَعَ لَهُم، ثُمَّ أَكُونُ أَنَا القَائِدُ وَ إِبرَاهِيمُ السَّائِقُ حَتَّى أُدخِلَ أُمَّتِيَ الجَنَّةَ، وَلَكِن أَخَافُ عَلَيهِ إِضرَارَ جَهلَةِ قُرَيشٍ.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای خدیجه! آن سه چیزی که خداوند با علی ﷺ برای

دنیایم به من عطا کرده این است که او در هنگام مرگم مرا می‌پوشاند و پیش از آن‌که بمیرد یا کشته شود، در کنار من سی‌وچهار مبارز را از پای در می‌آورد و برای آخرتم نیز خداوند با وجود علی ﷺ چنین به من عطا کرده که او در روز شفاعت تکیه‌گاه است و برای آخرتم با وجود او چنین به من عطا کرده که او در روزی که من درهای بهشت را می‌گشایم، کلیددار من است و برای آخرتم با وجود او چنین به من عطا کرده که چون در روز قیامت به من چهار بیرق عطا شود، من بیرق «الحمد لله» را خود به دست می‌گیرم و بیرق «لا اله الا الله» را به علی می‌سپارم و او را به جلوداری گروهی روانه می‌دارم که به آسانی محاسبه می‌شوند و بدون آن‌که حسابی بر ایشان باشد، به بهشت وارد می‌شوند. و امّا بیرق «الله اکبر» را به حمزه می‌سپارم و او را سوی گروه دوم روانه می‌دارم و بیرق «سبحان الله» را به جعفر می‌سپارم و او را سوی گروه سوم روانه می‌دارم و آن‌گاه خود در برابر امّتم می‌ایستم تا ایشان را شفاعت کنم. سپس من رهبر می‌شوم و ابراهیم هدایت‌کننده می‌شود تا امّتم را به بهشت داخل کنم؛ با این همه از آسیب رساندن نادانی قریش به او می‌ترسم.

فَاحتَوَت عَلَى بَعِيرِهَا وَ قَدِ اختَلَطَ الظَّلَامُ فَخَرَجَت فَطَلَبَتهُ فَإِذَا هِيَ بِشَخصٍ فَسَلَّمَت لِيُرُدَّ السَّلَامَ لِتَعلَمَ عَلِيٌّ هُوَ أَم لَا فَقَالَ: وَ عَلَيكِ السَّلَامُ أَ خَدِيجَةُ؟ قَالَت: نَعَم: فَأَنَاخَت ثُمَّ قَالَت: بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي إِركَب قَالَ: أَنتِ أَحَقُّ بِالرُكُوبِ مِنِّي إِذهَبِي إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَبَشِّرِي حَتَّى آتِيكُم فَأَنَاخَت عَلَى البَابِ وَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مُستَلقٍ عَلَى قَفَاهُ يَمسَحُ فِيمَا بَينَ نَحرِهِ إِلَى سُرَّتِهِ بِيَمِينِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ فَرِّج هَمِّي وَ بَرِّد كَبِدِي بِخَلِيلِي عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثاً: قَالَت لَهُ خَدِيجَةُ: قَدِ استَجَابَ اللهُ دَعوَتَكَ فَاستَقَلَّ قَائِمًا رَافِعًا يَدَيهِ يَقُولُ: شُكرًا لِلمُجِيبِ - حَتَّى قَالَهَا أَحَد عَشرة مَرَّةً.

حضرت خدیجه در تاریکی بر شترش سوار و به دنبال حضرت علی ﷺ روانه شد. ناگهان با شخصی روبه‌رو شد. به او سلام کرد تا با پاسخش دریابد که او

حضرت علی ﷺ است یا نه. حضرت علی ﷺ فرمود: سلام بر تو، آیا تو خدیجه هستی؟ خدیجه فرمود: آری و شتر را نشانید. سپس عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت، سوار شو! حضرت علی ﷺ فرمود: شما در سوار بودن بر من مقدّمی، به سوی پیامبر ﷺ برو و به او بشارتِ دیدنِ مرا بده، تا من نیز نزد شما بیایم. خدیجه به درِ خانه رسید حال آن‌که رسول خدا ﷺ بر پشت دراز کشیده بود و با دست راست بر گلو تا ناف مبارکش می‌کشید و می‌فرمود: پروردگارا! با دیدار دوستم علی بن ابی‌طالب ﷺ اندوهم را از میان ببر و جگرم را خنک گردان. و سه بار این جمله را تکرار فرمود. خدیجه به ایشان عرض کرد: خداوند دعایت را مستجاب کرده است. رسول خدا ﷺ از جا برخاست و دستان خویش برافراشت و فرمود: سپاس از برای خداوندی که دعایم را اجابت نمود. و این جمله را یازده مرتبه تکرار فرمود.



وَ مِن سُورَةِ الغَاشِيَةِ

(سورهٔ غاشیه، آیهٔ ۲ ـ ۵)

﴿ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۞ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۞ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ۞ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴾

در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده و رنج‌کشنده‌اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.

۴۸۴ . فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام قَالَ: كُلُّ عَدُوٍّ لَنَا نَاصِبٍ مَنسُوبٌ إلَى هَذِهِ الآيَةِ: **﴿ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۞ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۞ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ۞ تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴾**.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام فرمود: هر که دشمن ما باشد و ناصبی (برافروزندهٔ جنگ) علیه ما باشد، به این آیات منسوب است: «در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده و رنج‌کشنده (ناصب) اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.»

۴۸۵ . جَعفَرُ بنُ أحمَدَ مُعَنعَنًا: عَن أبِی عَبدِ اللهِ عليه‌السلام قَالَ: خَرَجتُ أنَا وَ أبِی ذَاتَ يَوم فَإذَا هُوَ بِأُنَاسٍ مِن أصحَابِنَا بَينَ المِنبَرِ وَ القَبرِ فَسَلَّمَ عَلَيهِم ثُمَّ قَالَ: أمَا وَاللهِ إنِّی لَأُحِبُّ رِيحَكُم

وَ أَرواحَکُم فَأَعِینُونی عَلَی ذَلِكَ بِوَرَعٍ وَ إِجتِهَادٍ، مَنِ ائتَمَّ بِعَبدٍ فَلیَعمَل بِعَمَلِهِ، أَنتُم شِیعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ أَنتُم شَرطُ اللهِ وَ أَنتُم أَنصارُ اللهِ وَ أَنتُمُ السَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ وَ السَّابِقُونَ الآخِرُونَ فِی الدُّنیا وَ السَّابِقُونَ فِی الآخِرَةِ إِلَی الجَنَّةِ، قَد ضَمِنَّا لَکُمُ الجَنَّةَ بِضَمَانِ اللهِ وَ ضَمَانِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَهلِ بَیتِهِ، أَنتُمُ الطَّیِّبُونَ وَ نِساؤُکُمُ الطَّیِّباتُ، کُلُّ مُؤمِنَةٍ حَوراءُ وَ کُلُّ مُؤمِنٍ صِدِّیقٌ.

کَم مَرَّةً قَد قَالَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طالِبٍ علیه السلام لِقَنبَرٍ: یَا قَنبَرُ أَبشِر وَ بَشِّر وَ استَبشِر وَاللهِ لَقَد قُبِضَ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ هُوَ سَاخِطٌ عَلَی جَمِیعِ أُمَّتِهِ إِلَّا الشِّیعَةَ.

أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ شَرَفًا وَ إِنَّ شَرَفَ الدِّینِ الشِّیعَةُ، أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ عُروَةً وَ إِنَّ عُروَةَ الدِّینِ الشِّیعَةُ، أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ إِمَامًا وَ إِمَامُ الأَرضِ أَرضٌ یَسکُنُ فِیهَا الشِّیعَةُ، أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ سَیِّدًا وَ سَیِّدُ المَجَالِسِ مَجَالِسُ الشِّیعَةِ، أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ شَهوَةً وَ إِنَّ شَهوَةَ الدُّنیا سُکنَی شِیعَتِنَا فِیهَا، وَ اللهِ لَو لَا مَا فِی الأَرضِ مِنکُم مَا استَکمَلَ أَهلُ خَلَافِکُم طَیِّبَاتِ مَالِهِم، وَ مَا لَهُم فِی الآخِرَةِ مِن نَصِیبٍ.

جعفربن احمد روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: روزی من و پدرم به مسجد پیامبر ﷺ وارد شدیم و جمعی از یارانمان را دیدیم که میان منبر و قبر رسول خدا ﷺ نشسته بودند. پدرم به آن‌ها سلام کرد و سپس فرمود: به خدا سوگند من بوی شما و جان‌هایتان را دوست می‌دارم، مرا با پرهیزکاری و کوشش در این دوستی یاری کنید، چه هر که از امامی پیروی می‌کند، باید کرداری همچون او داشته باشد شما شیعه خاندان محمّد ﷺ هستید. شما لشکریان و یاران خداوندید و شما همان پیشی‌گیرندگان نخستین و آخرین در دنیا و پیشتازان آخرت به سوی بهشت هستید. ما به ضمانت خداوند و ضمانت رسول خدا ﷺ و اهل بیتش بهشت را برای شما ضمانت می‌کنیم؛ چه شما و زنانتان پاکدامن هستید و زنان مؤمنتان حوریه‌اند و مردان مؤمنتان راستگویان. حضرت علی علیه السلام بارها به قنبر فرمود: ای قنبر! شاد باش

و شادباش‌گو و مژده ده که به خدا سوگند رسول خداﷺ در حالی جان سپرد که بر تمامی امتش جز شیعیان خشمگین بود.

بدانید که از برای هر چیز ارجی هست و ارج دین، شیعیان‌اند. بدانید که از برای هر چیز ریسمانی هست و ریسمان دین شیعیان‌اند. بدانید که از برای هر چیز پیشوایی هست و پیشوای زمین، سرزمینی است که شیعیان در آن سکنا گزیده‌اند. بدانید که از برای هر چیز سروری هست و سرور مجلس‌ها، مجالس شیعیان است. بدانید که از برای هر چیز لذتی هست و لذّت دنیا سکنا گزیدن شیعیان در آن است. به خدا سوگند اگر چنین نبود که شما در زمین باشید، نعمت‌ها به مخالفانتان به تمام نمی‌رسید و در آخرت بهره‌ای نصیبشان نمی‌شد.

كُلُّ نَاصِبٍ وَإن تَعَبَّدَ مَنسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ **وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ * تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً * تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ** ﴾، وَ مَن دَعَا مِن مُخَالِفٍ لَكُم فَإِجَابَةُ دُعَائِهِ لَكُم، وَ مَن طَلَبَ مِنكُم إِلَى اللهِ حَاجَةً فَلَزِمَتهُ وَ مَن سَأَلَ مَسأَلَةً فَلَزِمَتهُ وَ مَن دَعَا بِدَعوَةٍ فَلَزِمَتهُ، وَ مَن عَمِلَ مِنكُم حَسَنَةً فَلا يُحصَى تَضَاعُفُهَا، وَ مَن أَسَاءَ سَيِّئَةً فَمُحَمَّدٌ ﷺ حَجِيجُهُ يَعنِي يُحَاجُّ عَنهُ قَالَ أَبُو جَعفَرٍ ﷺ: حَجِيجُهُ مَن تَبِعَتهَا.

وَاللهِ إِنَّ صَائِمَكُم لَيَرعَى فِي رِيَاضِ الجَنَّةِ تَدعُو لَهُ المَلائِكَةُ بِالعَونِ حَتَّى يُفطِرَ، وَ إِنَّ حَاجَّكُم وَ مُعتَمِرَكُم لَخَاصُّ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، وَ إِنَّكُم جَمِيعًا لَأَهلُ دَعوَةِ اللهِ وَ أَهلُ إِجَابَتِهِ وَ أَهلُ وَلَايَتِهِ، لَا خَوفٌ عَلَيكُم وَ لَا حُزنٌ، كُلُّكُم فِي الجَنَّةِ، فَتَنَافَسُوا فِي فَضَائِلِ الدَّرَجَاتِ.

وَاللهِ مَا مِن أَحَدٍ أَقرَبُ مِن عَرشِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى تَقَرُّبًا يَومَ القِيَامَةِ مِن شِيعَتِنَا، مَا أَحسَنَ صُنعَ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيكُم، وَ لَو لَا أَن تُفتَنُوا فَيَشمَتَ بِكُم عَدُوُّكُم وَ يَعلَمَ النَّاسُ ذَلِكَ لَسَلَّمَت عَلَيكُمُ المَلائِكَةُ قُبُلًا.

هر که ناصبی (برافروزندهٔ جنگ) علیه ما باشد، گرچه بسیار عبادت کند، به این آیات منسوب است: «در آن روز چهره‌هایی خوار و زبون‌اند. کارکننده

و رنج‌کشنده (ناصب)اند. به آتشی سوزنده درآیند. از چشمه‌ای بسیار داغ به آن‌ها نوشانده شود.» هر یک از مخالفان شما اگر دعایی کند، اجابت دعایش به شما بسته است و هر یک از شما اگر سوی خدا حاجتی بطلبد یا درخواستی کند یا دعایی کند، برایش بایسته باشد و نیز هر یک از شما چون کار نیکی انجام دهد، پاداشِ چند برابرش به شمار نیاید و چون کار بدی انجام دهد، آن‌گاه حضرت محمّد ﷺ مدافع او می‌شود و از او دفاع می‌کند؛ حضرت امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: مدافع او کسی است که پیروی‌اش کرده است. به خدا سوگند روزه‌دار شما هر آینه در گلستان‌های بهشت می‌خرامد و فرشتگان برایش یاری می‌طلبند تا آن‌که روزه‌اش را بگشاید و حج‌گزار شما و عمره‌گزار شما نزد خداوند تبارک و تعالی زایری ویژه است و شما همگی شایستهٔ دعوت خداوند و شایستهٔ اجابت او و شایستهٔ ولایت اویید که هیچ ترسی بر شما نیست و هیچ اندوهی نخواهید خورد و همگی در بهشت جای دارید و برای درجات برتر از هم پیشی می‌گیرید. به خدا سوگند در روز قیامت هیچ کس به عرش خداوند تبارک و تعالی از شیعیان ما نزدیک‌تر نیست. چه نیکوست لطف خداوند تبارک و تعالی در حق شما! اگر نبود که شیفته گردید و دشمنانتان به نکوهشتان بنشینند و مردم باخبر شوند، هر آینه فرشتگان بر شما درود می‌فرستادند.

وَ قَد قَالَ أَمیرُ المُؤمِنِینَ علیه‌السلام: یَخرُجُ أَهلُ وَلَایَتِنَا مِن قُبُورِهِم یَومَ القِیَامَةِ مُشرِقَةً وُجُوهُهُم قَرَّت أَعیُنُهُم، قَد أُعطُوا الأَمَانَ، یَخَافُ النَّاسُ وَ لَا یَخَافُونَ، وَ یَحزَنُ النَّاسُ وَ لَا یَحزَنُونَ.

وَ اللهِ مَا مِن عَبدٍ مِنکُم یَقُومُ إِلَی صَلَاتِهِ إِلَّا وَ قَدِ اکتَنَفَتهُ المَلَائِکَةُ مِن خَلفِهِ یُصَلُّونَ عَلَیهِ وَ یَدعُونَ لَهُ حَتَّی یَفرُغَ مِن صَلَاتِهِ.

أَلَا وَ إِنَّ لِکُلِّ شَیءٍ جَوهَرًا وَ جَوهَرُ وُلدِ آدَمَ علیه‌السلام مُحَمَّدٌ ﷺ وَ نَحنُ وَ شِیعَتُنَا.

قَالَ سَعدَانُ بنُ مُسلِمٍ: وَ زَادَ فِی الحَدِیثِ عَثیَمُ بنُ أَسلَمَ عَن مُعَاوِیَةَ بنِ عَمَّارٍ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه‌السلام: قَالَ: قَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ علیه‌السلام: وَ اللهِ لَولَاکُم مَا زُخرِفَتِ الجَنَّةُ، وَ اللهِ

لَولَا کُم مَا خُلِقَت حَورَاءُ وَاللهِ لَولَا کُم مَا نَزَلَت قَطرَةٌ ، وَاللهِ لَولَا کُم مَا نَبَتَت حَبَّةٌ ، وَاللهِ لَولَا کُم مَا قَرَّت عَینٌ ، وَاللهِ لَلّٰهُ أَشَدُّ حُبًّا لَکُم مِنِّی ، فَأَعِینُونَا عَلَی ذَلِكَ بِالوَرَعِ وَ الإِجتِهَادِ وَ العَمَلِ بِطَاعَتِهِ.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام فرمود: در روز قیامت اهل ولایت ما در حالی از قبرهایشان بیرون می‌آیند که چهره‌هایشان تابناک و چشمانشان روشن است و امان یافته‌اند و آن‌گاه که مردمان در هراس‌اند، ایشان نمی‌هراسند و چون مردمان در اندوه‌اند، ایشان اندوه نمی‌خورند. به خدا سوگند هیچ بنده‌ای از میان شما نیست جز آن‌که چون به نماز ایستد، فرشتگان از پشتش او را در جلو گیرند و بر او درود فرستند و دعایش کنند تا این‌که نمازش را به پایان رساند. بدانید که از برای هر چیز گوهری هست و گوهر فرزندان آدم حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و ما و شیعیان ما هستیم.

سعدان‌بن مسلم می‌گوید: عیثم‌بن اسلم از معاویة‌بن عمّار از قول امام جعفر صادق علیه‌السلام بر این حدیث افزوده و روایت کرده که ایشان فرمود: به خدا سوگند اگر شما نبودید، حوریان بهشتی آفریده نمی‌شدند و به خدا سوگند اگر شما نبودید، قطره‌ای فرود نمی‌آمد و به خدا سوگند اگر شما نبودید، دانه‌ای نمی‌رویید و به خدا سوگند اگر شما نبودید، چشمی روشن نمی‌گشت و به خدا سوگند که خداوند بیش از من شما را دوست می‌دارد؛ پس ما را در این راه با پرهیزکاری و تلاش و عمل به اطاعت از خدا یاری رسانید.

(سورهٔ غاشیه، آیهٔ ۲۵ ـ ۲۶)

﴿ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴾

بی‌تردید بازگشت آنان تنها به سوی ماست. سپس بی‌شک حساب آنان [نیز] تنها بر عهدهٔ ماست.

۴۸۶ . عَن صَفوَانَ قَالَ: سَمِعتُ أَبَا الحَسَنِ علیه‌السلام یَقُولُ: إِنَّ إِلَینَا إِیَابَ هَذَا الخَلقِ وَ عَلَینَا حِسَابُهُم.

صفوان گفت: از امام موسی کاظم ﷺ شنیدم که فرمود: بی‌تردید بازگشت این خلق به سوی ماست و حساب آنان (نیز) تنها بر عهدهٔ ماست.

۴۸۷. عَن قَبِيصَةَ بنِ يَزِيدَ الجُعفِيِّ قَالَ: دَخَلتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عِندَهُ البوسُ بنُ أَبِي الدَّوسِ وَابنُ ظَبيَانَ وَ القَاسِمُ الصَّيرَفِيُّ فَسَلَّمتُ وَ جَلَستُ وَ قُلتُ: يَا ابنَ رَسُولَ اللهِ قَد أَتَيتُكَ مُستَفِيدًا. قَالَ: سَل وَ أَوجِز.

قُلتُ: أَينَ كُنتُم قَبلَ أَن يَخلُقَ اللهُ سَمَاءً مَبنِيَّةً وَ أَرضًا مَدحِيَّةً وَ طَودًا أَو ظُلمَةً وَ نُورًا.

قَالَ: يَا قَبِيصَةُ لِمَ سَأَلتَنَا عَن هَذَا الحَدِيثِ فِي مِثلِ هَذَا الوَقتِ أَمَا عَلِمتَ أَنَّ حُبَّنَا قَد اكتُتِمَ وَ بُغضَنَا قَد فَشَا، وَ أَنَّ لَنَا أَعدَاءً مِنَ الجِنِّ يُخرِجُونَ حَدِيثَنَا إِلَى أَعدَائِنَا مِنَ الإِنسِ، وَ أَنَّ الحِيطَانَ لَهَا آذَانٌ كَآذَانِ النَّاسِ. قَالَ: قُلتُ: قَد سَأَلتُ عَن ذَلِكَ.

قَالَ: يَا قَبِيصَةُ كُنَّا أَشبَاحَ نُورٍ حَولَ العَرشِ نُسَبِّحُ اللهَ قَبلَ أَن يَخلُقَ آدَمَ بِخَمسَةَ عَشَرَ أَلفَ عَامٍ فَلَمَّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ فَرَّغَنَا فِي صُلبِهِ فَلَم يَزَل يَنقُلُنَا مِن صُلبٍ طَاهِرٍ إِلَى رَحِمٍ مُطَهَّرٍ حَتَّى بَعَثَ اللهُ مُحَمَّدًا ﷺ فَنَحنُ عُروَةُ اللهِ الوُثقَى؛ مَنِ استَمسَكَ بِنَا نَجَا وَ مَن تَخَلَّفَ عَنَّا هَوَى، لَا نُدخِلُهُ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ وَ لَا نُخرِجُهُ مِن بَابِ هُدًى، وَ نَحنُ رُعَاةُ شَمسِ اللهِ، وَ نَحنُ عِترَةُ رَسُولِ اللهِ ﷺ، وَ نَحنُ القُبَّةُ الَّتِي طَالَت أَطنَابُهَا وَ اتَّسَعَ فِنَاؤُهَا، مَن ضَوَا إِلَينَا نَجَا إِلَى الجَنَّةِ، وَ مَن تَخَلَّفَ عَنَّا هَوَى إِلَى النَّارِ.

قُلتُ: لِوَجهِ رَبِّي الحَمدُ أَسأَلُكَ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ **إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ** ﴾؟ قَالَ: فِينَا التَّنزِيلُ. قَالَ: قُلتُ: إِنَّمَا أَسأَلُكَ عَنِ التَّفسِيرِ.

قَالَ: نَعَم يَا قَبِيصَةُ إِذَا كَانَ يَومُ القِيَامَةِ جَعَلَ اللهُ حِسَابَ شِيعَتِنَا عَلَينَا فَمَا كَانَ بَينَهُم وَبَينَ اللهِ استَوهَبَهُ مُحَمَّدٌ ﷺ مِنَ اللهِ، وَ مَا كَانَ فِيمَا بَينَهُم وَ بَينَ النَّاسِ مِنَ المَظَالِمِ أَدَّاهُ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَ مَا كَانَ فِيمَا بَينَنَا وَ بَينَهُم وَهَبنَاهُ لَهُم حَتَّى يَدخُلُونَ الجَنَّةِ بِغَيرِ حِسَابٍ.

قبیصة‌بن یزید جعفی گفت: خدمت حضرت امام صادق ﷺ رسیدم و حال آن‌که بوس بن ابی‌الدوس و ابن ظبیان و قاسم صیرفی نزد ایشان بودند. سلام

کردم و نشستم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خدمتتان رسیده‌ام تا بهره‌مند شوم. ایشان فرمود: بپرس امّا مختصر! عرض کردم: پیش از آن‌که خداوند آسمانِ برافراشته و زمینِ گسترانده و کوه‌های برپا و یا تاریکی و نور را بیافریند، شما کجا بودید؟ فرمود: ای قبیصه! چرا در چنین هنگامی از ما دربارهٔ این حدیث می‌پرسی؟ آیا نمی‌دانی دوستی با ما پنهان داشته شده و دشمنی با ما آشکار شده است؟ و آیا نمی‌دانی که ما دشمنانی از جنس جنیان داریم که حدیث ما را به دشمنان ما از جنس انسان‌ها می‌رسانند و این‌چنین دیوارها گوش‌هایی چون گوش مردمان دارند؟ عرض کردم: حال این سؤال را پرسیده‌ام. فرمود: ای قبیصه! پانزده هزار سال پیش از آن‌که خداوند آدم را بیافریند، ما اشباحی گرداگرد عرش خداوند بودیم و تسبیح او می‌گفتیم. چون خداوند آدم را آفرید، ما را در پشت او جای داد و از آن پس پیوسته ما را از پشتی پاک به رحمی پاکیزه منتقل کرد تا این‌که حضرت محمّد ﷺ را برانگیخت؛ پس ما ریسمان استوار خداوندیم که هر که به ما چنگ اندازد، نجات یابد و هر که از ما برجا ماند، سقوط کند. ما او را به درِ گمراهی درنمی‌آوریم و از درِ هدایت بیرونش نمی‌کنیم. ما نگاهبانان خورشید خداوندیم و ما خاندان رسول خداییم و ما خیمه‌گاهی بلندپایه و پردامنه‌ایم که هر که سوی ما پناه آورد، سوی بهشت نجات یابد و هر که از ما سرپیچی نماید، سوی دوزخ سقوط کند. عرض کردم: سپاس و ستایش برای وجه پروردگارم است. دربارهٔ کلام خداوند متعال «بی‌تردید بازگشت آنان تنها به سوی ماست. سپس بی‌شک حساب آنان [نیز] تنها بر عهدهٔ ماست» چه می‌فرمایید؟ فرمود: دربارهٔ ما نازل شده است. عرض کردم: دربارهٔ تفسیرش پرسیدم. فرمود: ای قبیصه! چون روز قیامت فرا رسد، خداوند حساب شیعیان ما را بر عهدهٔ ما می‌گذارد. آن‌گاه هر چه میان ایشان و خداوند باشد، حضرت محمّد ﷺ آن را

از خداوند درخواست می‌کند و هر آن‌چه از مظالم میان ایشان و مردم باشد، حضرت محمّد ﷺ آن را می‌پردازد و هر آن‌چه میان ما و ایشان باشد، ما آن را به ایشان می‌بخشیم تا بی‌هیچ محاسبه به بهشت درآیند.



وَ مِن سُورَةِ الفَجرِ

(سورهٔ فجر، آیهٔ ۲۷ ـ ۳۰)

﴿ يٰا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعي إِلىٰ رَبِّكِ رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلي في عِبٰادي * وَ ادْخُلي جَنَّتي ﴾

ای نفس آرام یافته! به سوی پروردگارت خشنود و پسندیده بازگرد. سپس در میان بندگانم درآی. و به بهشتم داخل شو.

۴۸۸ . عَن أَبی بَصِیرٍ قَالَ: قُلتُ لِأَبی عَبدِ اللهِ عليه‌السلام: جُعِلتُ فِدَاكَ یَستَكرِهُ المُؤمِنُ عَلَى خُرُوجِ نَفسِهِ؟ قَالَ: فَقَالَ: لا وَاللهِ ، قَالَ: قُلتُ: وَ كَیفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ المُؤمِنَ إِذَا حَضَرَتهُ الوَفَاةُ حَضَرَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله وَ أَهلُ بَیتِهِ اَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طَالِبٍ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ جَمِیعُ الأَئِمَّةِ عليهم‌السلام وَ لكِن إِلتَوَا عَنِ اسمِ فَاطِمَةَ وَ یَحضُرُهُ جَبرَئِیلُ وَ مِیكَائِیلُ وَ إِسرَافِیلُ وَ عِزرَائِیلُ عليهم‌السلام قَالَ: فَیَقُولُ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ: یَا رَسُولَ اللهِ إِنَّهُ كَانَ مِمَّن یُحِبُّنَا وَ یَتَوَلَّانَا فَأَحِبَّهُ. قَالَ: فَیَقُولُ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله: یَا جَبرَئِیلُ إِنَّهُ كَانَ مِمَّن یُحِبُّ عَلِیًّا وَ ذُرِّیَّتَهُ فَأَحِبَّهُ ، قَالَ: فَیَقُولُ جَبرَئِیلُ لِمِیكَائِیلَ وَ إِسرَافِیلَ مِثلَ ذلِكَ قَالَ: ثُمَّ یَقُولُونَ جَمِیعًا لِمَلَكِ المَوتِ: إِنَّهُ كَانَ یُحِبُّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ وَ یَتَوَلَّى عَلِیًّا وَ ذُرِّیَّتَهُ فَارفُق بِهِ. قَالَ: فَیَقُولُ مَلَكُ المَوتِ: وَ الَّذِی اختَارَكُم وَ كَرَّمَكُم وَ اصطَفَى مُحَمَّداً صلى‌الله‌عليه‌وآله

بِالنُّبُوَّةِ وَ خَصَّهُ بِالرِّسَالَةِ لَأَنَا أَرفَقُ بِهِ مِن وَالِدٍ رَفِيقٍ وَ أَشفَقُ مِن أَخٍ شَفِيقٍ.
ثُمَّ مَالَ إِلَيهِ مَلَكُ المَوتِ فَيَقُولُ لَهُ: يَا عَبدَ اللهِ أَخَذتَ فَكَاكَ رَقَبَتِكَ؟ أَخَذتَ رِهَانَ أَمَانِكَ؟ فَيَقُولُ: نَعَم. فَيَقُولُ. فَبِمَاذَا؟ فَيَقُولُ: بِحُبِّي مُحَمَّداً وَ آلِهِ وَ بِوَلَايَتِي عَلِيًّا وَ ذُرِّيَّتَهُ. فَيَقُولُ: أَمَّا مَا كُنتَ تَحذَرُ فَقَد آمَنَكَ اللهُ مِنهُ وَ أَمَّا مَا كُنتَ تَرجُو فَقَد أَتَاكَ اللهُ بِهِ، اِفتَح عَينَيكَ فَانظُر إِلَى مَا عِندَكَ قَالَ: فَيَفتَحُ عَينَيهِ فَيَنظُرُ إِلَيهِم وَاحِدًا وَاحِدًا وَ يُفتَحُ لَهُ بَابٌ إِلَى الجَنَّةِ فَيَنظُرُ إِلَيهَا فَيَقُولُ لَهُ: هَذَا مَا أَعَدَّ اللهُ لَكَ وَ هَؤُلَاءِ رُفَقَاؤُكَ أَفَتُحِبُّ اللِّحَاقَ بِهِم أَوِ الرُّجُوعَ إِلَى الدُّنيَا؟ قَالَ: فَقَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ عليه السلام: أَمَا رَأَيتَ شَخصَتَهُ وَ رَفَعَ حَاجِبَيهِ إِلَى فَوقٍ مِن قَولِهِ: لَا حَاجَةَ لِي إِلَى الدُّنيَا وَ لَا الرُّجُوعِ إِلَيهَا، وَ يُنَادِيهِ مُنَادٍ مِن بُطنَانِ العَرشِ يَسمَعُهُ وَ يَسمَعُ مَن بِحَضرَتِهِ: ﴿ **يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ﴾ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ وَصِيِّهِ وَ الأَئِمَّةِ مِن بَعدِهِ ﴿ **ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً** ﴾ بِالوَلَايَةِ ﴿ **مَرْضِيَّةً** ﴾ بِالثَّوَابِ فَادخُلِي فِي عِبَادِي مَعَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَهلِ بَيتِهِ علیهم السلام ﴿ **وَ ادْخُلِي جَنَّتِي** ﴾ غَيرَ مَشُوبَةٍ.

ابی‌بصیر گفت: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مؤمن جان سپردن را ناپسند می‌شمارد؟ فرمود: به خدا سوگند نه! عرض کردم: چگونه چنین است؟ فرمود: هنگامی‌که زمان مرگش فرا می‌رسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان او یعنی امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و تمامی امامان علیهم السلام و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم السلام در نزد او حاضر می‌شوند. در این هنگام امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! او از کسانی است که ما را دوست می‌دارد و ولایت ما را پذیرفته است، پس دوستش بدار. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ای جبرئیل! او از کسانی است که علی علیه السلام و فرزندانش را دوست می‌دارد پس دوستش بدار. جبرئیل نیز همین کلام را به میکائیل و اسرافیل می‌گوید. سپس همگی به فرشتهٔ مرگ می‌گویند: او محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش را دوست می‌داشته

و ولایت حضرت علی علیه‌السلام و فرزندان او را پذیرفته است، با او به مهربانی رفتار کن. آن‌گاه فرشتهٔ مرگ می‌گوید: سوگند به خدایی که شما را انتخاب نمود و گرامی داشت و محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به پیامبری برگزید و با رسالت مخصوصش گرداند، من نسبت به او از پدری مهربان مهربان‌تر و از برادری دلسوز دلسوزترم. سپس فرشتهٔ مرگ به سوی او می‌رود و می‌گوید: ای بندهٔ خدا! آیا آزادکننده‌ات از بردگی و شرط امان یافتنت را گرفته‌ای؟ او می‌گوید: آری. فرشتهٔ مرگ می‌گوید: چگونه؟ می‌گوید: با دوستی محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندانش و ولایت حضرت علی علیه‌السلام و فرزندانش. آن‌گاه فرشتهٔ مرگ می‌گوید: از هر چه که می‌ترسیدی، خداوند از آن تو را ایمن کرده و هر چه که آرزو داشتی، خداوند به تو عطا کرده است. چشمانت را باز کن و به آن‌چه در نزدت است نگاه کن. او چشمانش را باز می‌کند و به تک‌تک ایشان نگاه می‌کند. در این هنگام دری از بهشت به رویش باز می‌شود و او به بهشت می‌نگرد. سپس فرشتهٔ مرگ به او می‌گوید: این همان چیزی است که خداوند برای تو آماده کرده و اینان دوستان تو هستند، آیا دوست داری که به آنان بپیوندی یا به دنیا بازگردی؟ پاسخ می‌دهد: نه نیازی به دنیا دارم و نه می‌خواهم بدان بازگردم. در آن دم ندادهنده‌ای از دو سوی عرش چنان او را ندا می‌دهد که او و هر کس در کنار اوست بشنود و می‌گوید: «ای نفس آرام یافته» از وجود محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و وصیّ او و امامان پس از او «بازگرد به سوی پروردگارت خشنود» از ولایت، «و پسندیده» برای پاداش، «سپس در میان بندگانم درآی» به همراه محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیتش «و به بهشتم داخل شو» بی‌هیچ دلواپسی.

۴۸۹. عَن مُحَمَّدِبنِ سُلَيمَانَ الدَّيلَمِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: سَمِعتُ الأَفرِيقِي: يَقُولُ: سَأَلتُ أَبَاعَبدِ اللهِ عليه‌السلام عَنِ المُؤمِنِ أَيَستَكرِهُ عَلَى قَبضِ رُوحِهِ؟ قَالَ: لَا وَاللهِ. قُلتُ: وَكَيفَ ذَاكَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ إِذَا حَضَرَهُ مَلَكُ المَوتِ جَزِعَ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكُ المَوتِ: لَا تَجزَع فَوَاللهِ لَأَنَا أَبَرُّ

بِكَ وَ أَشفَقُ عَلَيكَ مِن وَالِدٍ رَحِيمٍ لَو حَضَرَكَ إفتَح عَينَيكَ فَانظُر قَالَ: وَ يَتَمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ وَ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ الأَئِمَّةُ مِن بَعدِهِم وَ فَاطِمَةُ عليها السلام قَالَ: فَينظُرُ إِلَيهِم فَيستَبشِرُ بِهِم ، فَمَا رَأَيتَ شَخصَتَهُ تِلكَ؟ قُلتُ: بَلَى قَالَ: فَإِنَّمَا يَنظُرُ إِلَيهِم.

قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ قَد يُشَخَّصُ المُؤمِنُ وَالكَافِرُ؟! قَالَ: وَيحَكَ أَنَّ الكَافِرَ يُشَخَّصُ مُنقَلِباً إِلَى خَلفِهِ لِأَنَّ مَلَكَ المَوتِ إِنَّمَا يَأتِيهِ لِيَحمِلَهُ مِن خَلفِهِ ، وَ المُؤمِنُ يَنظُرُ أَمَامَهُ ، وَ يُنَادِي رَوحَهُ مُنَادٍ مِن قِبَلِ رَبِّ العِزَّةِ مِن بَطنَانِ العَرشِ فَوقَ الأُفُقِ الأَعلَى وَ يَقُولُ: ﴿ **يٰا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ** ﴾ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ﴿ **ارْجِعِي إِلىٰ رَبِّكِ رٰاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبٰادِي * وَ ادْخُلِي جَنَّتِي** ﴾ فَيَقُولُ مَلَكُ المَوتِ: إِنِّي قَد أُمِرتُ أَن أُخَيِّرَكَ الرُّجُوعَ إِلَى الدُّنيَا وَ المُضِيَّ فَلَيسَ شَيءٌ أَحَبُّ إِلَيهِ مِنِ انسِلَالِ رُوحِهِ.

محمّد بن سلیمان دیلمی گفت: پدرم برایم نقل کرد که از افریقی شنیدم که می‌گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسیدم آیا مؤمن جان سپردن را ناپسند می‌شمارد؟ فرمود: به خدا سوگند نه. عرض کردم: چگونه چنین است؟ فرمود: هنگامی که فرشتهٔ مرگ برای گرفتن جان مؤمن می‌آید، مؤمن بی‌تابی می‌کند. فرشتهٔ مرگ به او می‌گوید: بی‌تابی مکن، به خدا سوگند من نسبت به تو از پدری مهربان که نزدت آمده باشد، دلسوزتر و نیکوکارترم، چشم‌هایت را باز کن و ببین. در این هنگام وجود مبارک رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان عليه السلام و امام حسن و امام حسین عليهما السلام و امامان پس از ایشان و حضرت فاطمه عليها السلام برایش نمایان می‌شود. او به ایشان می‌نگرد و از دیدارشان شادمان می‌شود. عرض کردم: آری، فرمود: او تنها به ایشان می‌نگرد. عرض کردم: فدایت شوم، آیا مؤمن و کافر خیره می‌شوند؟ فرمود: وای بر تو، همانا کافر موقع مرگ پشت سرش را می‌نگرد تا فرشتهٔ مرگ جانش را بگیرد؛ و مؤمن به مقابلش نگاه می‌کند، و از جانب پروردگار عزیز از دو سوی عرش بر فراز افق

اعلی نداده‌نده‌ای روحش را ندا می‌دهد و می‌گوید: «ای نفس آرام یافته» از وجود محمّد ﷺ و خاندانش «به سوی پروردگارت خشنود و پسندیده بازگرد. سپس در میان بندگانم درآی و به بهشتم داخل شو».

در آن دم فرشتهٔ مرگ می‌گوید: به من امر شده است که تو را در بازگشت به دنیا و ترک کردن آن مخیّر گذارم. اما برای مؤمن، چیزی خوشایندتر از این نیست که روح از بدنش خارج شود.





وَ مِن سُورَةِ البَلَدِ

(سورهٔ بلد، آیهٔ ۱ ـ ۲)

﴿ لاٰ أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾

سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال آن‌که تو در این شهر سکونت داری.

۴۹۰. عَن إبرَاهِيمَ بنِ أَبِي يَحيَى قَالَ: سُئِلَ أَبُوعَبدِ اللهِ عليه السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ لاٰ أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾ قَالَ: إنَّ قُرَيشًا كَانُوا يُحَرِّمُونَ البَلَدَ وَ يَتَقَلَّدُونَ اللِّحَاءَ الشَّجَرِ قَالَ حَمَّادُ: أَغصَانَهَا إذَا خَرَجُوا مِنَ الحَرَمِ فَاستَحَلُّوا مِن نَبِيِّ اللهِ صلى الله عليه و آله الشَّتمَ وَ التَّكذِيبَ فَقَالَ: ﴿ لاٰ أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴾ إنَّهُم عَظَّمُوا البَلَدَ وَ استَحَلُّوا مَا حَرَّمَ اللهُ.

ابراهیم بن ابی‌یحیی گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال آن‌که تو در این شهر سکونت داری» پرسیدند. ایشان فرمود: قریشیان هر نوع آزار و اذیتی را در مکه حرام می‌دانستند و لیف درخت را ـ حمّاد گفته است شاخه‌های درخت را ـ به هنگام خروج از حرم بر گردن می‌آویختند، امّا ناسزاگویی و دروغ بستن به پیامبر خدا صلى الله عليه و آله را حلال می‌دانستند. خداوند نیز فرمود: «سوگند یاد می‌کنم به این شهر، و حال

آن‌که تو در این شهر سکونت داری»؛ چرا که آن‌ها به مکه احترام می‌گذاشتند امّا آن‌چه را که خداوند حرام کرده بود، حلال می‌دانستند.

(سورهٔ بلد، آیهٔ ۱۱ ـ ۱۳)

﴿ فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مٰا أَدْرٰاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُّ رَقَبَةٍ ﴾

پس به آن گردنه وارد نشد. و تو چه می‌دانی که آن گردنه چیست؟ آزادکردن برده‌ای.

۴۹۱. عَن يُوسُفَ‌بنِ بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلَ أَبَانُ أَبَاعَبدِ اللهِ عليه السلام عَن هَذِهِ الآيَةِ: ﴿ فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴾ قَالَ: يا أَبَانُ بَلَغَكَ عَن أَحَدٍ فِيهَا شَيءٌ؟ فَقُلتُ: لَا. فَقَالَ: يَا أَبَانُ نَحنُ العَقَبَةُ وَ لَا يَصعَدُ إِلَينَا إِلَّا مَن كَانَ مِنَّا، ثُمَّ قَالَ: إِلَّا أَزِيدُكَ حَرفًا هُوَ خَيرٌ لَكَ مِنَ الدُّنيَا وَ مَا فِيهَا؟ قُلتُ: بَلَى جُعِلتُ فِدَاكَ قَالَ: النَّاسُ مَمَالِيكُ النَّارِ غَيرَكَ وَ غَيرَ أَصحَابِكَ‌فكَكتُم مِنهَا. قُلتُ: بِمَاذَافككنَا مِنهَا. قَالَ: بِوَلَايَتِكُم أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام.

یوسف‌بن بصیر گفت: ابان دربارهٔ آیهٔ «پس به آن گردنه وارد نشد» از امام جعفر صادق عليه السلام پرسید. ایشان فرمود: ای ابان! آیا در این مورد از کسی چیزی شنیده‌ای؟ عرض کردم: نه. فرمود: ای ابان! ما همان گردنه هستیم که تنها کسی که از ما باشد می‌تواند به سمت ما بالا رود. سپس فرمود: آیا سخنی برایت بگویم که برایت از دنیا و آن‌چه در آن است بهتر باشد؟ عرض کردم: آری فدایت شوم. فرمود: مردم، زیردستان آتش‌اند، غیر از تو و یارانت که خداوند شما را از آتش آزاد کرده است. گفتم: به‌خاطر چه چیزی ما را از آتش آزاد کرد؟ فرمود: به‌خاطر ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام.

۴۹۲. عَن أَبَانِ‌بنِ تَغلِبَ عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ عليه السلام قَالَ: قُلتُ لَهُ: جُعِلتُ فِدَاكَ! مَا فَكُّ رَقَبَةٍ؟ قَالَ: النَّاسُ كُلُّهُم عَبِيدُ النَّارِ غَيرَكَ وَ غَيرَ أَصحَابِكَ فَإِنَّ اللهَ فَكَّ رِقَابَكُم مِنَ النَّارِ بِوَلَايَتِنَا أَهلَ البَيتِ.

ابان بن تغلب از قول امام جعفر صادق عليه السلام نقل می‌کند که به امام عليه السلام عرض

کردم: فدایت شوم! آزاد کردن برده به چه معناست؟ ایشان فرمود: همهٔ مردم بردهٔ آتش هستند، غیر از تو و یارانت؛ چراکه خداوند به‌خاطر ولایت ما اهل بیت ﷺ شما را از بردگی آتش آزاد کرده است.





وَ مِن سُورَةِ الشَّمسِ

(سورهٔ شمس، آیهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحٰاهٰا * وَالْقَمَرِ إِذٰا تَلاٰهٰا * وَالنَّهٰارِ إِذٰا جَلاّٰهٰا * وَ اللَّيْلِ إِذٰا يَغْشٰاهٰا ﴾

سوگند به خوشید و روشنایی آن؛ و سوگند به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید؛ و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکارش سازد؛ و سوگند به شب، آن‌گاه که می‌پوشاندش.

۴۹۳. عَلِیُّ بنُ مُحَمَّدِبنِ عُمَرَ الزُّهرِیُّ مُعنعَنًا: عَن أَبِی جَعفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ الحَارِثُ الأَعوَرُ لِلحُسَینِ عليه السلام: یا ابنَ رَسُولِ اللهِ جُعِلتُ فِدَاكَ أَخبِرنِی عَن قَولِ اللهِ فِی کِتَابِهِ: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحٰاهٰا ﴾ قَالَ: وَیحَكَ یا حَارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله. قَالَ: قُلتُ: جُعِلتُ فِدَاكَ: قَولُهُ: ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذٰا تَلاٰهٰا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام یَتلُو مُحَمَّداً صلى الله عليه وآله. قَالَ: قُلتُ: ﴿ وَ النَّهٰارِ إِذٰا جَلاّٰهٰا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ القَائِمُ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله یَملأُ الأَرضَ عَدلاً وَ قِسطًا.

علی بن محمّد بن عمر زهری روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: حارث اعور به امام حسین عليه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلى الله عليه وآله فدایت شوم! مرا از این سخن خداوند در قرآن که می‌فرماید «قسم به خورشید و روشنایی

آن» آگاه کن. فرمود: وای بر تو ای حارث! منظور از آن حضرت محمّد رسول خدا ﷺ است. حارث گفت: عرض کردم: فدایت شوم، آیه «قسم به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید» به چه معناست؟ فرمود: آن امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام است که در پی حضرت محمّد ﷺ می‌آید. عرض کردم: «و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» به چه معناست؟ فرمود: آن قائم آل محمّد ﷺ است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند.

۴۹۴. أَحمَدُبنُ مُحَمَّدِبنِ أَحمَدَبنِ طَلحَةَ الخُرَاسَانِيُّ مُعَنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِي قَولِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحٰاهٰا ﴾ يَعنِي رَسُولَ اللهِ ﷺ، ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذٰا تَلاٰهٰا ﴾ يَعنِي أَمِيرَالمُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ علیه السلام. ﴿ وَ النَّهٰارِ إِذٰا جَلاّٰهٰا ﴾ يَعنِي الأَئِمَّةَ أَهلَ البَيتِ يَملِكُونَ الأَرضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَملَؤُنَها عَدلًا وَ قِسطًا المُعِينُ لَهُم كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرعَونَ وَ المُعِينُ عَلَيهِم كَمُعِينِ فِرعَونَ عَلَى مُوسَى.

احمدبن محمّد بن احمدبن طلحه خراسانی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: در سخن خداوند بلندمرتبه «قسم به خورشید و روشنایی آن» منظور رسول خدا ﷺ است. «و سوگند به ماه آن‌گاه که از پی آن درآید» یعنی امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام. و منظور از «سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» امامان اهل بیت هستند که در آخر الزمان مالک زمین می‌شوند و آن را از عدل و داد پر می‌کنند. هر که یاور ایشان باشد، مانند یاور موسی در برابر فرعون است و هر که دشمن ایشان را یاری کند، مانند آن است که فرعون را در برابر موسی یاری کرده است.

۴۹۵. عَن سُلَيمَانَ ـ يَعنِي الدَّيلَمِيَّ ـ عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلتُهُ عَن قَولِ اللهِ تَعَالَى: ﴿ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحٰاهٰا ﴾ قَالَ: اَلشَّمسُ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَوضَحَ لِلنَّاسِ دِينَهُم. قُلتُ: ﴿ وَ الْقَمَرِ إِذٰا تَلاٰهٰا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ أَمِيرُالمُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي‌طَالِبٍ علیه السلام تَلَا رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ نَفَثَهُ بِالعِلمِ نَفثًا ﴿ وَ النَّهٰارِ إِذٰا جَلاّٰهٰا ﴾ قَالَ: ذَلِكَ الإِمَامُ مِن ذُرِّيَّةِ فَاطِمَةَ علیها السلام.

سلیمان دیلمی گفت: از امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «قسم به خورشید و روشنایی آن» پرسیدم. ایشان فرمود: خورشید رسول خدا ﷺ است که برای مردم دینشان را روشن ساخت. عرض کردم: آیه «و سوگند به ماه، آن‌گاه که از پی آن درآید» به چه معناست؟ فرمود: آن امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ است که به دنبال رسول خدا ﷺ می‌آید و دانش را در وجودش نهاده است. «و سوگند به روز، آن‌گاه که آشکار سازد» منظور، امامان زادهٔ فاطمه ﷺ می‌باشند.

(سورهٔ شمس، آیهٔ ۹)

﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴾

مسلّماً هرکس آن را پاک گردانید، رستگار شد.

۴۹۶. مُحَمَّدُ بْنُ القَاسِمِ بْنِ عُبَيدٍ عَن أَبِي عَبدِ اللهِ ﷺ فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴾ قَالَ: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيٌّ زَكَّاهُ النَّبِيُّ ﷺ.

محمّد بن قاسم بن عبید گفت: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام حق تعالی «مسلّماً هر کس آن را پاک گردانید، رستگار شد» فرمود: منظور امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ است که پیامبر ﷺ او را پاک گردانید.



وَ مِن سُورَةِ اللَّيلِ

(سورهٔ لیل، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * وَ اللَّيْلِ إِذٰا يَغْشىٰ * وَ النَّهٰارِ إِذٰا تَجَلّٰى * وَ مٰا خَلَقَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثىٰ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به شب هنگامی که
می‌پوشاند و سوگند به روز هنگامی‌که آشکار می‌شود.
و سوگند به آن‌که نر و ماده را آفرید.

۴۹۷. فُرَاتُ بنُ إبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَنِ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهما السلام قَالَ: كَانَ رَجُلٌ مُوسِرٌ عَلَى عَهدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي دَارِهِ حَدِيقَةٌ وَ لَهُ جَارٌ لَهُ صِبيَةٌ فكَانَ يَتَسَاقَطُ الرُّطَبُ عَنِ النَّخلَةِ فَيَشُدُّونَ صِبيَانُهُ يَأكُلُونَهُ فَيَأتِي المُوسِرُ فَيُخرِجُ الرُّطَبَ مِن جَوفِ أفوَاهِ الصِّبيَةِ، فَشَكَى الرَّجُلُ ذَلِكَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَأقبَلَ وَحدَهُ إِلَى الرَّجُلِ فَقَالَ: بِعنِي حَدِيقَتَكَ هَذِهِ بِحَدِيقَةٍ فِي الجَنَّةِ. فَقَالَ لَهُ المُوسِرُ: لَا أُبِيعُكَ عَاجِلاً بِآجِلٍ فَبَكَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ رَجَعَ نَحوَ المَسجِدِ فَلَقِيَهُ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله مَا يُبكِيكَ لَا أَبكَى اللهُ عَينَيكَ فَأَخبَرَهُ خَبَرَ الرَّجُلِ الضَّعِيفِ وَ الحَدِيقَةِ، فَأَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ حَتَّى استَخرَجَهُ مِن مَنزِلِهِ وَ قَالَ لَهُ: بِعنِي دَارَكَ. قَالَ المُوسِرُ: بِحَائِطِكَ

الحِسَی! فَصَفَقَ عَلی یَدِهِ وَ دَارَ إلَی الضَّعِیفِ فَقَالَ لَهُ: دُر إلَی دَارِكَ فَقَدمَلَّکَکَهَا اللهُ رَبُّ العَالَمِینَ وَ أقبَلَ أمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه‌السلام وَ نَزَلَ جَبرَئِیلُ علیه‌السلام عَلَی النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ لَهُ: یَا مُحَمَّدُ إقرَء: ﴿ **وَ اللَّیْلِ إِذا یَغْشیٰ * وَ النَّهارِ إِذا تَجَلّٰی * وَ ما خَلَقَ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثیٰ**[1] ﴾ إلَی آخِرِ السُّورَةِ. فَقَامَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَبَّلَ بَینَ عَینَیهِ ثُمَّ قَالَ: بِأَبِی أَنت وَ أُمِّی قَد أنزَلَ اللهُ فِیكَ هَذِهِ السُّورَةَ کَامِلَةً.

فرات بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام سجاد علیه‌السلام فرمود: در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی ثروتمند بود که در خانه‌اش درخت رطبی داشت و مردی با فرزندانی کوچک در همسایگی‌اش به سر می‌برد. هرگاه از شاخهٔ آن درخت خرمایی در منزل آن‌ها می‌افتاد و آن کودکان می‌خوردند، آن مرد می‌آمد و آن خرما را از دهان آن‌ها بیرون می‌آورد. پدر کودکان نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از این مطلب شکایت کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود نزد آن مرد رفت و به او فرمود: این باغت را در ازای باغی در بهشت به من بفروش. مرد ثروتمند عرض کرد: من نقد را در ازای نسیه به تو نمی‌فروشم. پیامبر گریست و به سمت مسجد بازگشت. علی علیه‌السلام ایشان را دید و عرض کرد: ای رسول خدا! خدا چشمانت را گریان نسازد، چرا گریه می‌کنی؟! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله خبر آن مرد بیچاره و آن درخت را برای علی علیه‌السلام نقل کرد. امیرمؤمنان علیه‌السلام راهی شد و آن مرد را به بیرون فراخواند و به او فرمود: خانه‌ات را به من بفروش. عرض کرد: در ازای زمینت در حاشیهٔ شهر. حضرت با او معامله کرد و به خانهٔ مرد بیچاره رفت و به او فرمود: به خانه‌ات رو که پروردگار جهانیان آن خانه را به ملک تو درآورده است. امیرمؤمنان علیه‌السلام بازگشت و جبرئیل علیه‌السلام بر پیامبر نازل شد و عرض کرد: ای محمّد! بخوان «سوگند به شب هنگامی که می‌پوشاند و سوگند به روز هنگامی که آشکار می‌شود و سوگند به آن‌که نر و ماده را آفرید» تا آخر سوره. آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. لیل، ۳-۱

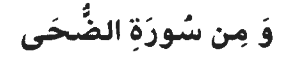
برخاست و میان دو چشم علی ﷺ را بوسید و سپس فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد! به راستی این سوره را به‌طور کامل خداوند دربارهٔ تو نازل فرمود.

۴۹۸. قَالَ حَدَّثَنا مُحَمَّدُبنُ القاسمِبنِ عُبَيدٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبِى‌عَبدِ اللهِ ﷺ فِى قَولِ اللهِ تَعالَى: ﴿ وَ كَذَّبَ بِالحُسنَى ﴾ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ ﷺ ﴿ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلعُسرَىٰ ﴾ النّارُ ﴿ وَ مٰا يُغْني عَنْهُ مٰالُهُ إِذٰا تَرَدّٰى ﴾ وَ مَا يُغنِى إِذَا مَاتَ ﴿ إِنَّ عَلَيْنٰا لَلْهُدىٰ ﴾ إِنَّ عَلِيًّا هَذَا الهُدَى ﴿ وَ إِنَّ لَنٰا لَلْآخِرَةَ وَ الْأُولىٰ * فَأَنْذَرْتُكُمْ نٰارًا تَلَظّٰى ﴾ القَائِمُ ـ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيهِ ـ إِذَا قَامَ بِالغَضَبِ فَقَتَلَ مِن كُلِّ أَلفٍ تِسعِمِاءَةٍ وَ تِسعَةً وَ تِسعِينَ ﴿ لٰا يَصْلٰاهٰا إِلاَّ الْأَشْقَى * الَّذي كَذَّبَ ﴾ بِالوَلَايَةِ ﴿ وَ تَوَلّٰى ﴾ عَنهَا ﴿ وَ سَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴾ المُؤمِنُ ﴿ الَّذي يُؤْتي مٰالَهُ يَتَزَكّٰى ﴾ الَّذِى يُعطِى العِلمَ أَهلَهُ ﴿ وَ مٰا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزىٰ ﴾ مَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مُكَافَأَةٌ ﴿ إِلاَّ ابْتِغٰاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلىٰ ﴾ القُربَةُ إِلَى اللهِ تَعالَى ﴿ وَ لَسَوْفَ يَرْضىٰ ﴾ إِذَا عَايَنَ الثَّوابَ.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و نیکوترین را تکذیب کرد» فرمود: یعنی ولایت علی ﷺ را تکذیب کرد. «پس به زودی برای او پیمودن دشوارترین راه را آسان خواهیم کرد» منظور راه جهنم است «و هرگاه به هلاکت بیفتد، دارایی‌اش به او سودی نمی‌بخشد» و چون بمیرد، به حال او سودی ندارد. «بی‌تردید هدایت تنها بر [عهدهٔ] ماست» این هدایت، علی ﷺ است. «بی‌شک آخرت و دنیا برای ماست، پس شما را از آتشی که زبانه می‌کشد بیم می‌دهم» منظور، حضرت قائم ﷺ است که چون قیام کند از هر هزار نفر، نهصدونودونه نفر را می‌کشد. «که جز بدبخت‌ترین داخل آن نمی‌شود، همان کسی که [آیات خدا را] تکذیب کرد» ولایت را «و روی برتافت» از ولایت «به زودی پرهیزکارترین افراد از آن دور داشته می‌شود» یعنی مؤمن «همان کسی که مالش را می‌بخشد تا پاک شود» منظور کسی است که علم را به اهلش می‌بخشد «و هیچ کس را نزد او [حق] نعمتی نیست که [به سبب بخشش مال] آن نعمت پاداش داده شود»

هیچ غرامتی از برای کسی بر عهدهٔ او نیست. «[پس انفاق نمی‌کند] مگر برای طلب رضایت پروردگار بلندمرتبه‌اش» یعنی برای نزدیکی به خدا «و مسلماً به زودی خشنود می‌شود» یعنی هنگامی که به پاداش الهی می‌رسد.





وَ مِن سُورَةِ الضُّحَی

(سورهٔ ضحی، آیهٔ ۱ ـ ۱۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ * وَ الضُّحیٰ * وَ اللَّیْلِ إِذٰا سَجیٰ * مٰا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مٰا قَلیٰ * وَ لَلْآخِرَةُ خَیْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولیٰ * وَ لَسَوْفَ یُعْطیكَ رَبُّكَ فَتَرْضیٰ * أَ لَمْ یَجِدْكَ یَتیمًا فَآویٰ * وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ فَهَدیٰ * وَ وَجَدَكَ عٰائِلاً فَأَغْنیٰ * فَأَمَّا الْیَتیمَ فَلاٰ تَقْهَرْ * وَ أَمَّا السّٰائِلَ فَلاٰ تَنْهَرْ * وَ أَمّٰا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به روشنایی روز و سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد. پروردگارت نه تو را واگذاشته و نه دشمن داشته است و مسلماً آخرت برای تو بهت از دنیاست و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی. آیا تو را یتیم نیافت پس بی‌نیاز گردانید. پس یتیم را خوار مکن و درخواست‌کننده را با تندی مران و امّا نعمت پروردگارت را بازگوی.

۴۹۹ . عَنِ السُّدِیِّ فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ وَ لَسَوْفَ یُعْطیكَ رَبُّكَ فَتَرْضیٰ[1] ﴾ قَالَ: رِضَاهُ أَن

---

۱. ضحی، ۵.

يَدخُلَ أَهلُ بَيتِهِ الجَنَّةَ.

سدیّ دربارهٔ کلام خداوند متعال «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی» گفت: خشنودی او در این است که اهل بیت او به بهشت درآیند.

۵۰۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ: ﴿ **وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ**[1] ﴾ عَنِ النُّبُوَّةِ ﴿ **فَهَدىٰ** ﴾ إِلَى النُّبُوَّةِ ﴿ **وَ وَجَدَكَ عَائِلاً فَأَغْنىٰ**[2] ﴾ بِخَدِيجَةَ.

ابن عباس گفت: آیهٔ «و تو را راه گم کرده یافت»، یعنی راه گم کرده از نبوت و پیامبری؛ «پس راه نمود» سوی نبوت، «و تو را نیازمند یافت، پس بی‌نیاز گردانید» به وسیلهٔ حضرت خدیجه علیها السلام.

۵۰۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ: ﴿ **وَ لَلآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ** ﴾ يَقُولُ: لَلجَزَاءُ لَكَ فِي الآخِرَةِ خَيرٌ ﴿ **مِنَ الْأُولىٰ** ﴾ يَقُولُ: ثَوَابُ الآخِرَةِ خَيرٌ لَكَ مِمَّا أُعطِيتَ مِنَ الدُّنيَا ﴿ **وَ لَسَوْفَ** ﴾ وَ هَذِهِ عِدَةٌ مِنهُ ﴿ **يُعْطِيكَ رَبُّكَ** ﴾ مِنَ الثَّوَابِ فِي الآخِرَةِ ﴿ **فَتَرْضىٰ** ﴾ يَقُولُ: فَتَقَنَّعُ ثُمَّ عُدَّت عَلَيهِ ﴿ **أَ لَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً** ﴾ عِندَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي حَجرِهِ يَتِيمًا ﴿ **فَآوىٰ** ﴾ يَقُولُ: يَكفُلُ عَنهُ ﴿ **وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ** ﴾ يَقُولُ: فِي قَومٍ ضَالٍّ - يَعنِي بِهِ الكُفَّارَ - ﴿ **فَهَدىٰ** ﴾ لِلتَّوحِيدِ ﴿ **وَ وَجَدَكَ عَائِلاً** ﴾ يَقُولُ: فَقِيراً ﴿ **فَأَغْنىٰ** ﴾ يَقُولُ: قَنَّعَكَ بِمَا أَعطَاكَ مِنَ الرِّزقِ.

ابن عباس گفت: در این سخن خداوند «و مسلّماً آخرت برای تو بهتر است» یعنی پاداشی که در آخرت برای توست بهتر است «از دنیا»، یعنی ثوابی که در آخرت به تو داده می‌شود، بهتر است از آن‌چه که در این دنیا به تو داده شده، «و قطعاً» این وعده‌ای از جانب اوست که «پروردگارت به تو خواهد بخشید» از ثواب در آخرت «که خشنود شوی» تا قانع شوی. سپس آیه برای ایشان می‌شمارد: «آیا تو را یتیم نیافت» نزد ابوطالب تنها در اتاقش «پس پناه داد» از

---

۱. ضحی، ۷
۲. ضحی، ۸

او بی‌نیاز کرد، «و تو را راه گم‌کرده یافت» در میان قوم گمراهان ـ منظور کافران است ـ «پس هدایت کرد» برای یکتاپرستی «و تو را نیازمند یافت»، یعنی فقیر «پس بی‌نیاز گردانید» با آن‌چه از روزی به تو عطا کرد، قانعت گردانید.

۵۰۲. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ فِی قَولِهِ: ﴿ **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ** ﴾ قالَ: يُدخِلُ اللهُ ذُرِّيَّتَهُ الجَنَّةَ.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی» گفت: خداوند فرزندانش را وارد بهشت می‌نماید.

۵۰۳. عُبَيدُبنُ كَثيرٍ: عَن أَميرِالمُؤمِنينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبي‌طالِبٍ عليه السلام قالَ: خُلِقَتِ الأَرضُ لِسَبعَةٍ بِهِم يُرزَقُونَ وَ بِهِم يُنصَرُونَ وَ بِهِم يُمطَرُونَ عَبدُاللهِ‌بنِ مَسعُودٍ وَ أَبُوذَرٍ وَ عَمّارٌ وَ سَلمانُ الفارِسِيُّ وَ مِقدادُ ابنُ الأَسوَدِ وَ حُذَيفَةُ وَ أَنا إِمامُهُم السّابِعُ قالَ اللهُ تَعالَى ﴿ **وَ أَمّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ**[1] ﴾.

عبیدبن کثیر گفت: امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب عليه السلام فرمود: زمین به خاطر هفت نفر آفریده شد که مردم به خاطر آن‌ها روزی داده می‌شوند و یاری می‌شوند و به خاطر آن‌ها باران می‌بارد: عبدالله‌بن مسعود و ابوذر و عمار و سلمان فارسی و مقدادبن اسود و حذیفه و من که امام آن‌ها و هفتمین آن‌ها هستم. خداوند متعال فرمود: «و اما نعمت پروردگارت را بازگوی».

۵۰۴. عَن حَربِ‌بنِ شُرَيحٍ البَصرِيِّ قالَ: قُلتُ لِمُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَيُّ آيَةٍ فِی كِتابِ اللهِ أَرجَى؟ قالَ: ما يَقُولُ فِيها قَومُكَ؟ قالَ: قُلتُ: يَقُولُونَ: ﴿ **يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ**[2] ﴾ قالَ: لٰكِنّا أَهلَ البَيتِ لا نَقُولُ ذٰلِكَ قالَ: قُلتُ: فَأَيُّ شَيءٍ تَقُولُونَ فِيها؟ قالَ: نَقُولُ: ﴿ **وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضىٰ** ﴾ الشَّفاعَةُ وَاللهِ الشَّفاعَةُ وَ اللهِ الشَّفاعَةُ.

---

۱. ضحی، ۱۱

۲. زمر، ۵۳

حرب بن شریح بصری گفت: به امام محمّد باقر ؈ عرض کردم: کدام آیه در قرآن امیدوارکننده‌تر است؟ حضرت فرمود: قوم تو در این باره چه می‌گویند؟ عرض کردم: این آیه را می‌گویند: «ای بندگان من! کسانی که دربارهٔ نفس‌های خود زیاده‌روی کرده‌اید! از رحمت خداوند ناامید نشوید». ایشان فرمود: اما ما خاندان پیامبر ﷺ این‌گونه نمی‌گوییم. عرض کردم: شما کدام آیه را می‌گویید؟ فرمود: ما این آیه را می‌گوییم که می‌فرماید: «و قطعاً پروردگارت [آن مقدار] به تو خواهد بخشید که خشنود شوی»، منظور شفاعت است، به خدا سوگند که شفاعت است، به خدا سوگند که شفاعت است.

وَ مِن سُورةِ اَلم نَشرَح



(سورهٔ شرح، آیهٔ ۱ ـ ۷)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ * وَ وَضَعْنٰا عَنْكَ وِزْرَكَ * الَّذي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ * وَ رَفَعْنٰا لَكَ ذِكْرَكَ * فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * فَإِذٰا فَرَغْتَ فَانْصَبْ * وَ إِلىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟ و بار گرانت را از [دوش] تو بر نداشتیم؟ همان [باری] که پشت تو را شکست. و یاد تو را بلندآوازه گردانیدیم. پس به یقین با دشواری آسانی است. بی‌تردید با دشواری آسانی است. پس هر گاه [از نماز] فراغت یافتی، سخت [در دعا] بکوش. و فقط به سوی پروردگارت روی آور.

۵۰۵. قَالَ: حَدَّثَنَا أَبوالقَاسِم عَبدُالرَّحمَانِبنِ مُحَمَّدِبنِ عَبدُالرَّحمَانِ العَلَوِيِّ الحَسَنِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِی‌عَبدِ اللهِ علیه‌السلام: ﴿ فَإِذٰا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ عَلِيًّا لِلوَلَايَةِ.

ابوالقاسم عبدالرحمان‌بن محمّد روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: «پس هرگاه فراغت یافتی، سخت بکوش (و یا منصوب کن)» یعنی علی علیه‌السلام را به ولایت منصوب کن.

۵۰۶. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبَيدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام قَولُهُ تَعالَى: ﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴾ قَالَ: بِعَلِيٍّ ﴿ وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ * الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ عَلِيًّا علیه السلام ﴿ وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴾ فِی ذَلِكَ.

محمّد بن القاسم‌بن عبید گفت: امام جعفر صادق علیه السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال فرمود: «آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟» به وسیلهٔ حضرت علی علیه السلام. «و بار گرانت را از [دوش] تو برداشتیم. همان [باری] که پشت تو را شکست... پس هرگاه فراغت یافتی سخت بکوش (و یا منصوب کن)» حضرت علی علیه السلام را به ولایت منصوب کن «و در این امر فقط به سوی پروردگارت روی آور.»

۵۰۷. قَالَ: حَدَّثَنَا جَعفَرُبنُ مُحَمَّدٍ مُعنعَنًا عَن أَبی‌جَعفَرٍ علیه السلام فِی قَولِهِ: ﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴾ قَالَ: أَلَم نَعلَمكَ مَن وَصِيُّكَ؟

امام جعفر صادق علیه السلام به نقل از امام محمّد باقر علیه السلام فرمود: «آیا سینه‌ات را برای تو گشاده نکردیم؟» آیا تو را آگاه نکردیم که وصی تو چه کسی است؟

۵۰۸. قَالَ: حَدَّثَنِی جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ بنِ يُوسُفَ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: لَا يَزَالُ يَخرُجُ لَهُم حَدِيثًا فِی فَضلِ وَصِيِّهِ حَتَّى نَزَلَت عَلَيهِ هَذِهِ السُّورَةُ فَاحتَجَّ عَلَيهِم عَلَانِيَةً حِينَ أُعلِمَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله بِمَوتِهِ وَ نُعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ فَقَالَ: ﴿ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴾ يَقُولُ: إِذَا فَرَغتَ مِن نُبُوَّتِكَ فَانصَب عَلِيًّا مِن بَعدِكَ وَ عَلِيٌّ وَصِيُّكَ فَأَعلِمهُم فَضلَهُ عَلَانِيَةً فَقَالَ: مَن كُنتُ مَولَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَولَاهُ وَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَن وَالَاهُ وَ عَادِ مَن عَادَاهُ وَ انصُر مَن نَصَرَهُ وَاخذُل مَن خَذَلَهُ ـ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

وَكَانَ قَبلُ ذَلِكَ إِنَّمَا يُرَاوِدُ النَّاسَ بِفَضلِ عَلِيٍّ بِالتَّعرِيضِ فَقَالَ: أَبعَثُ رَجُلًا يُحِبُّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللهُ وَ رَسُولُهُ لَيسَ بِفَرَّارٍ. يُعَرِّضُ وَ قَد كَانَ يَبعَثُ غَيرَهُ فَيَرجِعُ يُجَبِّنُ أَصحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ وَ يَقُولُ إِنَّهُ لَيسَ مِثلُ غَيرِهِ مَن رَجَعَ يُجَبِّنُ أَصحَابَهُ وَ يُجَبِّنُونَهُ. وَقَالَ قَبلَ ذَلِكَ: عَلِيٌّ سَيِّدُ المُسلِمِينَ. وَ قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام عَمُودُ الإِيمَانِ وَ هُوَ

يَضرِبُ النَّاسَ مِن بَعدِي عَلَى الحَقِّ ، وَ عَلِيٌّ مَعَ الحَقِّ مَا زَالَ عَلِيٌّ فَالحَقُّ مَعَهُ. فكَانَ حَقُّهُ الوَصِيَّةَ الَّتِي جَعَلَت لَهُ الإِسمَ الأَكبَرَ وَ مِيرَاثَ العِلمِ.

جعفربن احمدبن یوسف روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله پیوسته در فضل وصی خود برای آنان حدیث می‌فرمود، تا این‌که این آیه بر ایشان نازل شد. پس چون رسول خدا صلى الله عليه وآله به وفات خویش آگاه شد و خبر جان‌دادنشان به ایشان رسید، آشکارا در این باره نزد آنان حجت آورد و فرمود: «پس هرگاه فراغت یافتی، سخت بکوش (و یا نصب کن)».

می‌فرماید: پس هر گاه از پیامبری‌ات فراغت یافتی، حضرت علی عليه السلام را پس از خود منصوب کن؛ او وصی توست، پس آشکارا آنان را از برتری او آگاه ساز. سپس فرمود: هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. خداوندا! دوست بدار هر که او را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن می‌دارد و یاری کن هر که او را یاری می‌کند و خوار کن هر که او را خوار می‌کند. و سه مرتبه این سخن باز فرمود. حال آنکه پیش از آن رسول خدا صلى الله عليه وآله از برتری حضرت علی عليه السلام با مردم به کنایه سخن می‌گفت و باری فرمود: کسی را روانه (جنگ) خواهم کرد که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش او را دوست می‌دارند و [در موقع کارزار] اهل فرار نیست. و این‌گونه با کنایه کسی جز حضرت علی عليه السلام را روانه می‌کرد و او در حالی باز می‌گشت که یارانش را ترسانده بود و یارانش او را ترسانده بودند. سپس می‌فرمود: او همچون دیگری نیست که بازگشت و حال آنکه یارانش را ترسانده بود و یارانش او را ترسانده بودند. و پیش از این می‌فرمود: علی عليه السلام سرور مسلمانان است، و می‌فرمود: علی بن ابی‌طالب عليه السلام ستون ایمان است و اوست که پس از من مردمان را به راه حق در می‌آورد و تا زمانی که برجاست با حق است و حق با اوست.

از این رو وصایتی که اسم اکبر و میراث علم را برای حضرت علی عليه السلام قرار داد، حق او بود.





وَ مِن سُورَةِ التِّين

(سورهٔ تین، آیهٔ ۱ ـ ۸)

﴿ بِسْمِ‌اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيم * وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سينينَ * وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْأَمينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في أَحْسَنِ تَقْويمٍ * ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِينَ * إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ * فَما يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ * أَ لَيْسَ اللهُ بِأَحْكَمِ الْحاكِمينَ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * سوگند به انجیر و زیتون و سوگند به کوه سینا و سوگند به این شهر امن، قطعاً انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست‌ترین [مراحل] پستی‌ها بازگردانیدیم. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است. پس بعد از این [آیات روشن] چه چیزی تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟ آیا خداوند حاکم‌ترین حاکمان نیست؟

۵۰۹. قَالَ أَبو القَاسِمِ العَلَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنا فُراتُ بنُ إِبرَاهِيمَ الكُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي عَبدِ اللهِ عليه السلام فِي قَولِهِ تَعَالَى: ﴿ فَما يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴾ قَالَ: عَلِيُّ بنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام.

ابوالقاسم علوی به نقل از روایت فرات‌بن ابراهیم کوفی گفت: امام جعفر

صادق عليه‌السلام فرمود: در کلام خداوند متعال «چه چیزی تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟» منظور از دین علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام است.

۵۱۰. قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّهرِیُّ مُعَنعَنًا: عَنْ أَبِی‌عَبدِ اللهِ عليه‌السلام فِی قَولِهِ تَعَالَی: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ** ﴾ قَالَ: المُؤمِنُونَ هُم سَلمَانُ الفَارِسِیُّ وَ المِقدَادُ وَ عَمَّارٌ وَ أَبُوذَرٍ ـ رَضِیَ اللهُ عَنهُم ـ وَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه‌السلام ﴿ **فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ** ﴾ قَالَ: هُوَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه‌السلام.
علی بن محمّد زهری روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، که برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است» فرمود: منظور از مؤمنان سلمان فارسی و مقداد و عمّار و ابوذر ـ که خدا از ایشان راضی شد ـ و امیرمؤمنان حضرت علی عليه‌السلام است «پس برای آنان پاداشی پایان‌ناپذیر است» منظور، امیرمؤمنان حضرت علی عليه‌السلام است.

۵۱۱. عَن مُحَمَّدِبنِ الفُضَيلِ الصَّيرَفِیِّ قَالَ: سَأَلتُ أَبَا الحَسَنِ مُوسَی‌بنِ جَعفَرٍ عليهما‌السلام عَن قَولِ اللهِ تَعَالَی ﴿ **وَالتِّينِ وَ الزَّيْتُونِ** ﴾؟ قَالَ: أَمَّا التِّينُ الحَسَنُ أَمَّا الزَّيتُونُ فَالحُسَينُ. قَالَ: قُلتُ: وَ قَولُهُ ﴿ **طُورِ سِينِينَ** ﴾؟ قَالَ: إِنَّمَا هُوَ طُورُ سِینَا. قُلتُ: وَ مَا يَعنِی بِقَولِهِ: طُورُ سِینَا؟ قَالَ: ذَاكَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه‌السلام قَالَ: فَقُلتُ: فَقَولُهُ: ﴿ **وَ هٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ** ﴾؟ قَالَ: ذَاكَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌عليه‌وآله وَ هُوَ سَبِيلُ آمَنَ اللهُ بِهِ الخَلقَ فِی سَبِيلِهِم وَ مِنَ النَّارِ إِذَا أَطَاعُوهُ. قَولُهُ: ﴿ **إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ** ﴾ قَالَ: ذَاكَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی‌طَالِبٍ عليه‌السلام وَ شِيعَتُهُ ﴿ **فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ** ﴾ يَعنِی وَلَایَتَه.
محمّد بن فضیل صیرفی گفت: از امام موسی کاظم عليه‌السلام دربارهٔ کلام خداوند متعال «سوگند به انجیر و زیتون» پرسیدم. ایشان فرمود: انجیر امام حسین عليه‌السلام و زیتون امام حسین عليه‌السلام است. عرض کردم: «طور سینین» چه؟ فرمود: منظور، طور سیناست. عرض کردم: طور سینا یعنی چه؟ فرمود: منظور،

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام است. عرض کردم: «و سوگند به این شهر امن» چه؟ فرمود: منظور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و ایشان راهی است که خداوند به واسطهٔ آن آفریدگان را در پیمودن راهشان و از درافتادن به دوزخ امان می‌دارد؛ لیک اگر پیروی‌اش کنند. «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند» منظور، امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام و شیعیان اوست. «پس برای ایشان پاداشی پایان‌ناپذیر است، چه چیز تو را به تکذیب دین وامی‌دارد؟» یعنی به تکذیب ولایت او.





وَ مِن سُورَةِ القَدرِ

(سورهٔ قدر، آیهٔ ۱ـ۵)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * إِنّٰا أَنْزَلْنٰاهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مٰا أَدْرٰاکَ مٰا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلاٰئِکَةُ وَ الرُّوحُ فيهٰا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ * سَلاٰمٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است. در آن [شب] فرشتگان و روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری نازل می‌شوند. شبی است که تا وقت طلوع فجر، سلامتی است.

۵۱۲. حَدَّثَنا فُراتُ بنُ إبراهِيمَ الکُوفِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبي‌عَبدِ اللهِ عليه‌السلام أَنَّهُ کَانَ يَقرَأُ هَذِهِ الآيَةَ: ﴿ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ * سَلاٰمٌ ﴾ اَیْ بِکُلِّ أَمرٍ إِلَى مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ عَلِيٍّ عليه‌السلام سَلامٌ.

فرات‌بن ابراهیم کوفی روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه‌السلام دربارهٔ آیه «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل می‌شوند» فرمود: یعنی برای هر امری همراه با سلام به سوی حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام نازل می‌شوند.

۵۱۳. مُحَمَّدُ بنُ القَاسِمِ‌بنِ عُبیدٍ مُعنعَنًا: عَن أَبی‌عَبدِ اللهِ علیه السلام إِنَّهُ قَالَ: ﴿ **إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ** ﴾ اللَّیلَةُ فَاطِمَةُ وَ القَدرُ اللهُ فَمَن عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعرِفَتِهَا فَقَد أَدرَكَ لَیلَةَ القَدرِ، وَ إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَةُ لِأَنَّ الخَلقَ فُطِمُوا عَن مَعرِفَتِهَا ـ أَو مِن مَعرِفَتِهَا الشَّكُّ ـ وَ قَولُهُ: ﴿ **وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** ﴾ یَعنِی خَیرٌ مِن أَلفِ مُؤمِنٍ وَ هِیَ أُمُّ المُؤمِنِینَ ﴿ **تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها** ﴾ وَ المَلَائِکَةُ المُؤمِنُونَ الَّذِینَ یَملِکُونَ عِلمَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ الرُّوحُ القُدُسُ هِیَ فَاطِمَةُ علیها السلام ﴿ **بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلامٌ هِيَ حَتّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ** ﴾ یَعنِی حَتَّی یَخرُجَ القَائِمُ علیه السلام.

محمّد بن قاسم‌بن عبید روایت کرده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم»، شب، حضرت فاطمه علیها السلام و قدر، خداوند متعال است. هر که حضرت فاطمه علیها السلام را چنان‌که سزاوار آن بانو باشد، بشناسد، او شب قدر را درک کرده است. او فاطمه نام گرفت چراکه مردمان از شناختش فطم گشته و بازداشته شده‌اند ـ یا در شناختش به تردید افتادند ـ «و تو چه می‌دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است.» یعنی از هزار مؤمن بهتر است و او مادر مؤمنان است. «در آن [شب] فرشتگان و روح نازل می‌شوند.» فرشتگان، مؤمنانی هستند که علم خاندان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را دارند و روح القُدُس حضرت فاطمه علیها السلام است. «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل می‌شوند. شبی است که تا وقت طلوع فجر، سلامتی است.» یعنی تا آن‌گاه که حضرت قائم علیه السلام به پا می‌خیزد.



وَ مِن سُورَةِ البَيِّنَةِ

(سورهٔ بیّنه، آیهٔ ۷ ـ ۸)

﴿ إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّاتُ عَدْنٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَدًا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴾

به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آنها همان بهترین آفریدگان‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان بهشت‌های پاینده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، جاودانه در آن ماندگارند، خداوند از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنودند. این برای کسی است که از پروردگارش بترسد.

۵۱۴. قَالَ حَدَّثَنا أَبوالقَاسِمُ العَلَوِيُّ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِيٍّ عليهما السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله مِنَ الخَيرِ لِعَلِيِّ بنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام مَا لَم يَقُلهُ لِأَحَدٍ قَالَ: **﴿ إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴾** أَنتَ وَ شِيعَتُكَ يا عَلِيُّ خَيرُ البَرِيَّةِ فَعَلِيٌّ وَاللهِ خَيرُ البَرِيَّةِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله.

ابوالقاسم علوی روایت کرده است: امام محمّد باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله آن‌چه را که دربارهٔ نیکی حضرت علی عليه السلام فرمود، هرگز دربارهٔ کس دیگری به

زبان نیاورد، ایشان فرمود: «به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آن‌ها همان بهترین آفریدگان هستند.» ای علی! تو و شیعیانت بهترین آفریدگان هستید؛ به خدا سوگند پس از فرستادهٔ خدا ﷺ شما بهترین آفریدگان هستید.

۵۱۵. الحُسَینُ بنُ الحَکَمِ عَن أَبی جعفرٍ ﷺ عَنِ النَّبیِّ ﷺ قالَ: یا عَلیُّ ﴿ **إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ** ﴾ أَنتَ وَ شِیعَتُکَ تَرِدُ عَلَیَّ أَنتَ وَ شِیعَتُکَ راضِینَ مَرضِیِّینَ.

حسین‌بن حکم از امام محمّد باقر ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرد که ایشان فرمود: ای علی! «به راستی کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آن‌ها همان بهترین آفریدگان هستند.» تو به همراه شیعیانت در حالی بر من وارد می‌شوید که خشنود هستید و خداوند از شما خشنود است.

۵۱۶. عَن جابِرِ بنِ عَبدِ اللهِ الأَنصارِیِّ قالَ: کُنّا جُلوسًا عِندَ رَسولِ اللهِ ﷺ إِذْ أَقبَلَ أَمیرُ المُؤمِنینَ عَلیُّ بنُ أَبی طالِبٍ ﷺ فَلَمّا نَظَرَ إِلَیهِ النَّبیُّ ﷺ قالَ: قَد أَتاکُم أَخی. ثُمَّ التَفَتَ إِلَی الکَعبَةِ قالَ: وَ رَبِّ هَذِهِ البَنِیَّةِ إِنَّ هَذا وَ شِیعَتَهُ هُمُ الفائِزُونَ یَومَ القِیامَةِ.
ثُمَّ أَقبَلَ عَلَینا بِوَجهِهِ فَقالَ: أَمّا وَ اللهِ أَنَّهُ أَوَّلُکُم إِیمانًا بِاللهِ وَ أَقوَمُکُم لِأَمرِ اللهِ وَ أَوفاکُم بِعَهدِ اللهِ وَ أَقضاکُم بِحُکمِ اللهِ وَ أَقسَمُکُم بِالسَّوِیَّةِ وَ أَعدَلُکُم فِی الرَّعِیَّةِ وَ أَعظَمُکُم عِندَ اللهِ مَزِیَّةً.
قالَ جابِرٌ: فَأَنزَلَ اللهُ تَعالَی هَذِهِ الآیَةَ: ﴿ **إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولٰئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّةِ** ﴾ فَکانَ عَلیٌّ ﷺ إِذا أَقبَلَ قالَ أَصحابُ مُحَمَّدٍ: قَد أَتاکُم خَیرُ البَرِیَّةِ بَعدَ رَسولِ اللهِ ﷺ.

جابر بن عبدالله انصاری گفت: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودیم که ناگاه امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ وارد شد. وقتی پیامبر ﷺ او را دید، فرمود: برادر من نزدتان آمده است. سپس رو سوی کعبه کرد و فرمود: به پروردگار

این بنا سوگند که این مرد و شیعیانش همان رستگاران در روز قیامت هستند. سپس رو سوی ما گرداند و فرمود: به خدا سوگند او نخستین کس از شما در ایمان و پایدارترین شما برای فرمان خداوند و وفادارترین شما به پیمان خداوند و داناترین شما در داوری و دادگرترین شما در مساوات و عادل‌ترین شما در حق رعیت و والامقام‌ترین شما نزد خداوند است. جابر می‌گوید: آن‌گاه خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «به راستی کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند، ایشان همان بهترین آفریدگان هستند.» این چنین بود که هر گاه حضرت علی علیه‌السلام وارد می‌شد، یاران حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌گفتند: بهترین آفریدگان پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدتان آمده است.

۵۱۷. عَن جَابِرِ بنِ عَبدِ اللهِ الأَنصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ لِفَاطِمَةَ علیهاالسلام: بِأَبِي أَنتَ وَ أُمِّي أَرسِلِي إِلَى بَعلِكِ فَادعِيهِ لِي. فَقَالَت فَاطِمَةُ لِلحَسَنِ علیه‌السلام: إِنطَلِق إِلَى أَبِيكَ فَقُل يَدعُوكَ جَدِّي. قَالَ: فَانطَلَقَ إِلَيهِ الحَسَنُ فَدَعَاهُ فَأَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام حَتَّى دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ فَاطِمَةُ علیهاالسلام عِندَهُ وَ هِيَ تَقُولُ: وَاكَربَاهُ لِكَربِكَ يَا أَبَتَاهُ. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله لَا كَربَ لِأَبِيكِ بَعدَ اليَومِ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ النَّبِيَّ لَا يُشَقُّ عَلَيهِ الجَيبُ وَ لَا يُخمَشُ عَلَيهِ الوَجهُ وَ لَا يُدعَى عَلَيهِ بِالوَيلِ، وَلَكِن قُولِي كَمَا قَالَ أَبُوكِ عَلَى إِبرَاهِيمَ: تَدمَعُ العَينَانِ وَ قَد يُوجَعُ القَلبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يُسخِطُ الرَّبُّ وَ إِنَّا بِكَ يَا إِبرَاهِيمُ لَمَحزُونُونَ وَ لَو عَاشَ إِبرَاهِيمُ لَكَانَ نَبِيًّا!

جابربن عبد الله انصاری گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان بیماری ایشان که بر اثرش درگذشت، به حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: پدر و مادرم به فدایت! کسی را سوی شویت بفرست و او را نزد من فراخوان. حضرت فاطمه علیهاالسلام به امام حسن علیه‌السلام فرمود: سوی پدرت برو و به او بگو که پدربزرگم شما را فرا می‌خواند. امام حسن علیه‌السلام سوی او رفت و فراخواندش. امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام به راه افتاد و بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد حال آن‌که حضرت فاطمه علیهاالسلام

نزد ایشان بود و می‌فرمود: وامصیبتا از مصیبت تو ای پدر! رسول خدا ﷺ فرمود: پس از امروز دیگر مصیبتی برای پدرت وجود ندارد ای فاطمه! بدان که بر مرگ پیامبران نباید گریبان چاک زد و پنجه بر رخسار کشید و ناله سر داد؛ لیک تو نیز آن بگو که پدرت بر مرگ ابراهیم گفت: چشم‌ها گریان است و دل به درد آمده است اما سخنی نمی‌گوییم که خشم پروردگار را برانگیزد. به راستی ای ابراهیم ما بر تو اندوهگین هستیم و اگر تو زنده می‌بودی، هر آینه (همچون) پیامبری بودی!

ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ أُدنُ مِنِّي فَدَنَا مِنهُ فَقَالَ: أَدخِل أُذُنَكَ فِي فِيَّ. فَفَعَلَ وَ قَالَ: يَا أَخِي أَلَم تَسمَع قَولَ اللهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ**﴾؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: هُوَ أَنتَ وَ شِيعَتُكَ غُرًّا مُحَجَّلُونَ شِبَاعَ مَروِيِّينَ أَوَ لَم تَسمَع قَولَ اللهِ فِي كِتَابِهِ: ﴿**إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ**﴾؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: هُم عَدُوُّكَ وَ شِيعَتُهُم يَجِيئُونَ يَومَ القِيَامَةِ مُسوَدَّةً وُجُوهُهُم ظِمَاءً مُظمَئِينَ أَشقِيَاءَ مُعَذَّبِينَ كُفَّارًا مُنَافِقِينَ، ذٰلِكَ لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ، وَ هَذَا لِعَدُوِّكَ وَ لِشِيعَتِهِم. هٰكَذَا رَوَى جَابِرٌ الأَنصَارِيُّ.

سپس فرمود: ای علی! نزدیک من بیا. حضرت نزدیک ایشان شد و آن‌گاه فرمود: گوشت را نزدیک دهانم آور. حضرت چنین کرد. ایشان فرمود: برادرم! آیا نشنیده‌ای که خداوند در کتابش می‌فرماید: «به راستی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک انجام دادند، آن‌ها همان بهترین آفریدگان‌اند»؟ عرض کرد: آری، ای رسول خدا! فرمود: منظور، تو و شیعیانت هستید که روسفید و سیراب هستید و دیگران را نیز سیراب می‌کنید؛ آیا نشنیده‌ای که خداوند در کتابش می‌فرماید: «بی‌تردید کسانی که از اهل کتاب کافر شدند و مشرکان در آتش جهنّم جاودان‌اند، آن‌ها همان بدترین آفریدگان‌اند»؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا! فرمود: آنان دشمنان تو و شیعیان آنان هستند که در

روز قیامت روسیاه می‌آیند و تشنه و نگون‌بخت و در شکنجه و کافر و منافق‌اند. آن برای تو و شیعیان توست و این برای دشمنان تو و شیعیان آنان.

۵۱۸. عَن أَبی‌أیُّوبِ الأَنصارِیِّ قالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: لَمّا أُسرِیَ بی إِلَی السَّماءِ وَ انتَهیتُ إِلَی سِدرَةِ المُنتَهی سَمِعتُ وَهَبَت مِنها رِیحُ بَقَّتها فَقُلتُ لِجَبرَئِیلَ: مَا هَذا؟ فَقالَ: هَذِهِ سِدرَةُ المُنتَهی اشتَاقَت إِلَی ابنِ عَمِّكَ حِینَ نَظَرَت إِلَیكَ فَسَمِعتُ مُنادِیًا یُنادِی مِن عِندَ رَبِّی: مُحَمَّدٌ خَیرُ الأَنبِیاءِ وَ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیٌّ خَیرُ الأَولِیاءِ وَ أَهلُ وَلایَتِهِ خَیرُ البَرِیَّةِ ﴿**جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ**﴾ عَن عَلِیٍّ وَ أَهلِ وَلایَتِهِ هُمُ المَخصُوصُونَ بِرَحمَةِ اللهِ المُلَبَّسُونَ نُورَ اللهِ المُقَرَّبُونَ إِلَی اللهِ طُوبَی لَهُم ثُمَّ طُوبَی لَهُم یَغبِطُهُمُ الخَلائِقُ یَومَ القِیامَةِ بِمَنزِلَتِهِم عِندَ رَبِّهِم.

ابوایّوب انصاری گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: چون شبانه به آسمان عروج کردم و به سدرة المنتهی رسیدم، صدای بادی را شنیدم که از میان آن وزیدن گرفت و به لرزه‌اش انداخت. به جبرئیل گفتم: این چیست؟ گفت: این سدرة المنتهی است که با دیدن تو به پسرعمویت شوق می‌ورزد. آن‌گاه شنیدم نداده‌نده‌ای از جانب پروردگارم ندا سرداد: محمّد ﷺ بهترین پیامبران است و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بهترین اولیاست و اهل ولایت او بهترین مردمان‌اند که «پاداش ایشان نزد پروردگارشان بهشت‌هایی پاینده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است و ایشان جاودانه در آن ماندگارند و خداوند [از ایشان] خشنود است» یعنی از علی علیه‌السلام و اهل ولایت او که رحمت خداوند ویژهٔ آنان است و در نور خداوند پوشانده شده‌اند و نزد خداوند مقرّب‌اند. خوشا به حال ایشان و باز خوشا به حال ایشان که آفریدگان در روز قیامت از منزلت ایشان نزد پروردگارشان غبطه می‌خورند.





وَ مِن سُورَةِ الزَّلزَلَةِ



(سورهٔ زلزله، آیهٔ ۴)

﴿ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها ﴾

در آن روز زمین خبرهایش را باز گوید.

۵۱۹. عَن عَمرِو ذِی مَرَّةٍ قَالَ: بَينَا عِندَ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِی طالِبٍ ؑ إذ تَحَرَّكَتِ الأَرضُ فَجَعَلَ يَضرِبُهَا بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ: مَا لَكِ؟ فَلَم تُجِبهُ. ثُمَّ قَالَ: مَا لَكِ فَلَم تُجِبهُ ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَ اللهِ لَو كَانَت هِيَهْ لَحَدَّثَتنِی وَ إِنِّی لَأَنَا الَّذِی تُحَدِّثُ الأَرضُ أَخبَارَهَا أَو رَجُلٌ مِنِّی.

عمرو ذی مره گفت: نزد امیرمؤمنان حضرت علی ؑ بودیم که ناگاه زمین لرزید. حضرت با دستش ضربه‌ای بر زمین زد و فرمود: تو را چه شده؟ امّا زمین پاسخی نداد. باز فرمود: تو را چه شده؟ پاسخی نداد. آن‌گاه فرمود: به خدا سوگند اگر آن زمین‌لرزه (قیامت) بود، به من می‌گفت. همانا من آن کسی هستم که زمین خبرهایش را برای او باز می‌گوید؛ من یا مردی از فرزندان من.





وَ مِن سُورَةِ العَادِيَاتِ

(سورهٔ عادیات، آیهٔ ۱ ـ ۱۱)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ * وَ الْعٰادِيٰاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِيٰاتِ قَدْحًا * فَالْمُغِيرٰاتِ صُبْحًا * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا * إِنَّ الْإِنْسٰانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * وَ إِنَّهُ عَلىٰ ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ * وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ * أَ فَلاٰ يَعْلَمُ إِذٰا بُعْثِرَ مٰا فِي الْقُبُورِ * وَ حُصِّلَ مٰا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * سوگند به اسبان دونده که نفس نفس می‌زنند و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها] و سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان که با آن [هجوم] غباری برانگیزند و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند. به راستی انسان نسبت به پروردگار بسیار ناسپاس است. بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است و به راستی او مال را بسیار دوست دارد. آیا نمی‌داند که هر گاه آن‌چه در قبرهاست برانگیخته شود و آن‌چه در سینه‌هاست آشکار گردد. به راستی در چنین روزی پروردگارشان به آنها آگاه است.

۵۲۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَعَا النَّبِيُّ ﷺ أَبَابَكرٍ إِلَى غَزوَةِ ذَاتِ السَّلَاسِلِ فَأَعطَاهُ الرَّايَةَ

فَرَدَّها ثُمَّ دَعا عُمَرَ فَأعطاهُ الرّايَةَ فَرَدَّها ثُمَّ دَعا خالِدَبنَ الوَليدِ فَأعطاهُ الرّايَةَ فَرَجَعَ فَدَعا أَميرَ المُؤمِنينَ عَلِيَّ بنَ أَبي طالِبٍ عليه السلام فَأمكَنَهُ مِنَ الرّايَةِ فَسَيَّرَهُم مَعَهُ وَ أَمَرَهُم أَن يَسمَعُوا لَهُ وَ يُطيعُوهُ.

قالَ: فَانطَلَقَ أَميرُ المُؤمِنينَ عَلِيُّ بنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام بِالعَسكَرِ وَ هُم مَعَهُ حَتّى انتَهى إِلَى القَومِ فَلَم يَكُن بَينَهُ وَ بَينَهُم إِلّا جَبَلٌ. قالَ: فَأَمَرَهُم أَن يَنزِلوا فِي أَسفَلِ الجَبَلِ فَقالَ لَهُم: إِركَبُوا دَوابَّكُم. فَقالَ خالِدُبنُ الوَليدِ: يا أَبابَكرٍ وَ أَنتَ يا عُمَرُ ما تَرَونَ إِلى هذَا الغُلامِ أَينَ أَنزَلَنا؟! أَنزَلَنا فِي وادٍ كَثيرِ الحَيّاتِ كَثيرِ الهامِّ كَثيرِ السِّباعِ، نَحنُ مِنهُ عَلى إِحدى ثَلاثِ خِصالٍ إِمّا سَبُعٌ يَأكُلُنا وَ يَأكُلُ دَوابَّنا وَ إِمّا حَيّاتٌ تَعقِرُنا وَ تَعقِرُ دَوابَّنا وَ إِمّا يَعلَمُ بِنا عَدُوُّنا فَيَقتُلُنا، قُوموا بِنا إِلَيهِ.

ابن عباس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله ابابکر را فراخواند تا برای غزوهٔ ذات السلاسل آماده شود و پرچم را به او داد، ولی ابوبکر بی‌نتیجه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله عمر را فراخواند و پرچم را به او سپرد. او نیز بی‌نتیجه بازگشت. سپس خالدبن ولید را فراخواند و پرچم را به او داد، او نیز برگشت. سپس امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام را فراخواند و پرچم را به او داد و آنان را به همراه وی راهی کرد و فرمانشان داد تا علی علیه السلام را بشنوند و از او فرمان برند.

امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام با سپاه به راه افتاد و آن‌ها با او بودند تا به نزدیک آن قوم رسیدند، به گونه‌ای که فقط کوهی بین آن‌ها فاصله بود. حضرت دستور داد تا در پایین کوه فرود آیند. سپس به آنان فرمود: بر چهارپایانتان سوار شوید. خالدبن ولید گفت: ای ابابکر و ای عمر! آیا نمی‌بینید این جوان ما را کجا فرود آورده؟! ما را در بیابانی پر از مار و حشرات گزنده و حیوانات درنده فرود آورده و ما به یکی از این سه مصیبت گرفتار می‌شویم؛ ما و اسب‌هایمان طعمهٔ درندگان می‌شویم و یا مارها ما و اسب‌هایمان را نیش می‌زنند و یا دشمن از وجود ما آگاه می‌شود و ما را به قتل

می رساند. برخیزید تا با هم سوی او برویم.

قَالَ: فَجَاؤُوا إِلَى عَلِيٍّ وَ قَالُوا: يَا عَلِيُّ أَنزَلتَنَا فِي وَادٍ كَثِيرِ السِّبَاعِ كَثِيرِ الهَامِّ كَثِيرِ الحَيَّاتِ نَحنُ مِنهُ عَلَى إِحدَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: إِمَّا سَبُعٌ يَأكُلُنَا وَ يَأكُلُ دَوَابَّنَا أَو حَيَّاتٌ تَعقِرُنَا وَ تَعقِرُ دَوَابَّنَا أَو يَعلَمُ عَدُوُّنَا فَيَلِينَا فَيَقتُلُنَا قَالَ: فَقَالَ لَهُم عَلِيٌّ: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُونِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَانزِلُوا.

قَالَ: فَرَجَعُوا فَأَبَت تَحمِلُهُمُ الأَرضُ فَاستَفَزَّهُم خَالِدُبنُ الوَلِيدِ قَالَ: قُومُوا بِنَا إِلَيهِ قَالَ: فَجَاؤُوا إِلَيهِ فَرَدُّوا عَلَيهِ ذَلِكَ الكَلَامَ فَقَالَ: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُونِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَارجِعُوا قَالَ: فَأَبَوا أَن يَنقَادُوا وَ استَفَزَّهُم خَالِدُبنُ الوَلِيدِ ثَالِثَةً فَقَالُوا لَهُ مِثلَ ذَلِكَ الكَلَامِ فَقَالَ لَهُم: أَلَيسَ قَد أَمَرَكُم رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن تَسمَعُوا لِي وَ تُطِيعُوا أَمرِي؟ قَالُوا: بَلَى قَالَ: فَانزِلُوا بَارَكَ اللهُ فِيكُم لَيسَ عَلَيكُم بَأسٌ. قَالَ: فَنَزَلُوا وَ هُم مَرعُوبِينَ.

آن‌ها نزد علی ؑ آمدند و عرض کردند: ای علی! ما را در بیابانی پر از حیوانات درنده و حشرات گزنده و مار فرود آورده‌ای؟ ما به کیی از این سه بلا گرفتار می‌شویم؛ ما و اسب‌هایمان طعمهٔ درندگان می‌شویم، یا مارها و اسب‌هایمان را نیش می‌زنند و یا دشمن از وجود ما آگاه می‌شود و سر می‌رسد و ما را می‌کشد. علی ؑ فرمود: مگر پیامبر شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس فرود آیید. آنان بازگشتند امّا زمین از تحمل آن‌ها سر باز زد و خالدبن ولید باز آن‌ها را تحریک کرد و گفت: برخیزید تا با هم سوی او برویم. باز نزد حضرت آمدند و آن سخن بازگفتند و ایشان فرمود: مگر پیامبر شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس بازگردید. امّا آنان سرپیچی کردند و خالدبن ولید برای بار سوم آنان را تحریک کرد و باز رفتند و همانند آن سخن بازگفتند و حضرت فرمود: مگر رسول خدا ﷺ شما را فرمان نداد تا سخن مرا بشنوید و مرا

اطاعت کنید؟! عرض کردند: بله. فرمود: پس فرود آیید، خداوند برکتتان دهد، هیچ غمی نیست! آن‌ها پایین آمدند در حالی‌که ترسیده بودند.

قَالَ: وَ مَا زَالَ عَلِیٌّ ﷺ لَیلَةً قَائِمًا یُصَلِّی حَتَّی إِذَا کَانَ فِی السَّحرِ قَالَ لَهُم: إِرکَبُوا بَارِكَ اللهُ فِیکُم قَالَ: فَرَکَبُوا وَ اطَّلَعَ الجَبَلَ حَتَّی إِذَا انحَدَرَ عَلَی القَومِ وَ أَشرَفَ عَلَیهِم قَالَ لَهُم: اِنزَعُوا أَکِمَّةَ دَوَابِّکُم قَالَ: فَشَمَّتِ الخَیلُ رِیحَ الإِنَاثِ قَالَ: فَصَهَلَت فَسَمِعَ الخَیلُ صَهِیلَ خُیُولِهِم فَوَلَّوا هَارِبِینَ. قَالَ: فَقَتَلَ مُقَاتِلَهُم وَ سَبَی ذَرَارِیَهُم.

قَالَ: فَهَبَطَ جَبرَئِیلُ ﷺ عَلَی رَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ ﴿ **وَ الْعادِیاتِ ضَبْحًا * فَالْمُورِیاتِ قَدْحًا * فَالْمُغیراتِ صُبْحًا * فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا * فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا**[1] ﴾ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ تَخَالَطَ القَومُ وَ رَبِّ الکَعبَةِ. قَالَ: وَ جَاءَهُ البِشَارَةُ.

علی ﷺ تمام شب را پیوسته نماز می‌گزارد. هنگامی که سحر شد، فرمود: خدا به شما برکت دهد! بر مرکب‌هایتان سوار شوید. آنان سوار شدند و از کوه بالا رفتند و از سراشیبی آن پایین آمدند. چون بر دشمن مسلط شدند، حضرت فرمود: دهان‌بندهای چهارپایانتان را باز کنید. در آن دم اسب‌های نر بوی ماده اسب‌ها را استشمام کردند و شیهه کشیدند و چون اسب‌ها صدای شیهه آنان را شنیدند، رو بر تافتند و گریختند. آن‌گاه آنان جنگجویان دشمن را از پا درآوردند و خاندانشان را به اسارت گرفتند.

جبرئیل بر رسول خدا ﷺ فرود آمد و عرض کرد: ای محمّد! «سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند، و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها] و سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان، که با آن [هجوم] غباری برانگیزند، و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند.» و رسول خدا ﷺ فرمود: «به خدای کعبه سوگند! آنان در هم آمیختند.» و مژدهٔ پیروزی به ایشان رسید.

---

۱. عادیات، ۵-۱

۵۲۱. عَن سَلمَانَ الفَارِسِيِّ قَالَ: بَينَمَا نَحنُ أَجمَعُ مَا كُنَّا حَولَ النَّبِيِّ ﷺ مَا خَلَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ ﷺ فَإِنَّهُ كَانَ فِي مِنبَرٍ فِي الحَارِ إِذ أَقبَلَ أَعرَابِيٌّ بَدَوِيٌّ يَتَخَطَّأُ صُفُوفَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ حَتَّى جَثَىٰ بَينَ يَدَي رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيكَ يَا رَسُولَ اللهِ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَ عَلَيكَ السَّلَامُ مَن أَنتَ يَا أَعرَابِيُّ؟ قَالَ: رَجُلٌ مِن بَنِي لَجِيمٍ يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا وَرَاكَ يَا أَخَا لَجِيمٍ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ خَلَّفتُ خَثعَمًا وَ قَد تَهَيَّؤُا وَ عَبَؤُا كَتَائِبَهُم وَ خَلَّفتُ الرَّايَاتِ تَخفِقُ فَوقَ رُؤُوسِهِم يَقدِمُهُم الحَارِثُ‌بنُ مَكِيدَةَ الخَثعَمِيِّ فِي خَمسِمِاءَةٍ مِن رِجَالِ خَثعَمٍ يَتَأَلَّونَ بِاللَّاتِ وَ العُزَّى أَن لَا يَرجِعُوا حَتَّى يَرِدُّوا المَدِينَةَ فَيَقتُلُونَكَ وَ مَن مَعَكَ يَا رَسُولَ اللهِ.

سلمان فارسی گفت: ما همگی دور پیامبر ﷺ جمع بودیم به غیر از امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب ﷺ که در جمع ما نبود. حضرت رسول ﷺ در گرما بر روی منبر بودند که عربی بدوی در حالی‌که صفوف مهاجرین و انصار را کنار می‌زد جلو آمد و پیش روی پیامبر ﷺ زانو زد و عرض کرد: سلام بر شما ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمود: سلام بر تو، کیستی ای اعرابی؟ عرض کرد: ای رسول خدا! مردی از بنی‌لجیم هستم. فرمود: ای برادر لجیمی! چه شده؟ گفت: ای رسول خدا! قبیلهٔ خثعم را پشت سر گذاشته‌ام حال آن‌که مسلّح شده بودند و لشکرشان را بسیج کرده بودند و علم‌هایی را پشت سر گذاشته‌ام که بر فراز سرهایشان در اهتزاز بود و حارث‌بن مکیده خثعمی پیشاپیش پانصد مرد خثعمی در حرکت بود. ای رسول خدا! آنان به لات و عزّی سوگند خورده‌اند که تا وارد مدینه نشده‌اند و شما و همراهانتان را نکشته‌اند، بازنگردند.

قَالَ: فَدَمَعَت عَينَا النَّبِيِّ ﷺ حَتَّى أَبكَىٰ جَمِيعَ أَصحَابِهِ ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ سَمِعتُم مَقَالَةَ الأَعرَابِيِّ؟ قَالُوا: كُلٌّ قَد سَمِعنَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: فَمَن مِنكُم يَخرُجُ إِلَى هَؤُلَاءِ

القَوم قَبلَ أَن يَطؤُنا فِي دِيارِنا وَ حَرِيمِنا لَعَلَّ اللهُ يَفتَحُ عَلَى يَدَيهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَى اللهِ الجَنَّةَ؟ قَالَ: فَوَاللهِ مَا قَالَ أَحَدُنا يَا رَسُولَ اللهِ.

قَالَ فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَى قَدَمَيهِ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ أَصحَابِي هَل سَمِعتُم مَقَالَةَ الأَعرَابِيِّ؟ قَالُوا: كُلُّ قَد سَمِعنَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ: فَمَن مِنكُم يَخرُجُ إِلَيهِم قَبلَ أَن يَطؤُنا فِي دِيارِنا وَ حَرِيمِنا لَعَلَّ اللهُ أَن يَفتَحَ عَلَى يَدَيهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَى اللهِ اثنَي عَشَرَ قَصرًا فِي الجَنَّةِ؟ قَالَ: فَوَاللهِ مَا قَالَ أَحَدُنا يَا رَسُولَ اللهِ.

در آن دم اشک از چشمان پیامبر جاری شد و همهٔ اصحاب پیامبر گریستند. سپس فرمود: ای جماعت مردم! آیا سخن اعرابی را شنیدید؟ عرض کردند: ای رسول خدا! همه آن را شنیدیم. فرمود: چه کسی از شما به سوی این قوم خارج می‌شود پیش از آنکه به سرزمین و حریم ما تجاوز کنند؟ امید است که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خدا برای او بهشت را تضمین می‌کنم. سلمان گفت: به خدا سوگند هیچ یک از ما پاسخ نداد.

پیامبر بر روی دو پای مبارکش ایستاد و فرمود: ای جماعت یاران من! آیا سخن اعرابی را شنیدید؟! عرض کردند: ای رسول خدا! همه آن را شنیدیم. فرمود: چه کسی از شما به سوی این قوم خارج می‌شود پیش از آنکه به سرزمین و حریم ما تجاوز کنند؟ امید است که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خدا برای او دوازده قصر در بهشت را تضمین می‌نمایم. سلمان گفت: به خدا سوگند هیچ یک از ما پاسخ نداد.

قَالَ: فَبَينَمَا النَّبِيُّ ﷺ وَاقِفٌ إِذ أَقبَلَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى النَّبِيِّ وَ هُوَ وَاقِفٌ وَ دُمُوعُهُ تَنحَدِرُ كَأَنَّهَا جُمَانٌ انقَطَعَ سِلكُهُ عَلَى خَدَّيهِ لَم يَتَمَالَك أَن رَمىٰ بِنَفسِهِ عَن بَعِيرِهِ إِلَى الأَرضِ ثُمَّ أَقبَلَ يَسعَى نَحوَ النَّبِيِّ ﷺ يَسمَحُ بِرِدَائِهِ الدُّمُوعَ عَن وَجهِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ: مَا الَّذِي أَبكَاكَ لَا أَبكَى اللهُ عَينَيكَ يَا حَبِيبَ اللهِ هَل نَزَلَ فِي أُمَّتِكَ شَيءٌ مِنَ السَّمَاءِ؟ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَا نَزَلَ فِيهِم إِلَّا خَيرٌ وَلٰكِن هٰذَا

الأَعرَابِیُّ حَدَّثَنِی عَن رِجَالِ خَثعَمٍ بِأَنَّهُم قَد عَبَؤُا کَتَائِبَهُم وَ خَفَقَتِ الرَّایَاتُ فَوقَ رُؤُوسِهِم، یُکَذِّبُونَ قَولِی وَ یَزعُمُونَ بِأَنَّهُم لَا یَعرِفُونَ رَبِّی یَقدِمُهُم الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ الخَثعَمِیُّ فِی خَمسِمِاءَةٍ مِن رِجَالِ خَثعَمٍ یَتَأَلَّونَ بِاللَّاتِ وَ العُزَّی لَا یَرجِعُونَ حَتَّی یَرُدُّوا المَدِینَةَ فَیَقتُلُونِی وَ مَن مَعِی وَ إِنِّی قُلتُ لِأَصحَابِی: مَن مِنکُم یَخرُجُ إِلَی هَؤُلَاءِ القَومِ مِن قَبلِ أَن یَطَؤُنَا فِی دِیَارِنَا وَ حَرِیمِنَا لَعَلَّ اللهُ أَن یَفتَحَ عَلَی یَدَیهِ وَ أَضمَنُ لَهُ عَلَی اللهِ اثنَی عَشَر قَصرًا فِی الجَنَّةِ.

در همان حال که پیامبر ایستاده بود، علی علیه السلام از راه رسید. چون پیامبر صلی الله علیه و آله را دید ایستاده و همچون مرواریدهای رشته گسیخته اشک بر گونه‌هایش جاری است، بی‌هیچ خودداری از شتر بر زمین پرید و سوی پیامبر شتافت و با پیراهنش اشک‌های پیامبر را از صورتش پاک کرد و عرض کرد: ای حبیب خدا! چرا گریه می‌کنید؟ خدا چشمانتان را گریان نسازد! آیا دربارهٔ امتتان چیزی از آسمان نازل شده است؟ فرمود: ای علی! جز خوبی دربارهٔ ایشان چیزی نازل نشده، ولی این اعرابی برای من از مردان خثعم خبر آورده که آن‌ها لشکرشان را بسیج کرده‌اند و علم‌هایشان را بر فراز سرهایشان به اهتزاز درآورده‌اند و گفتار مرا تکذیب می‌کنند و گمان می‌کنند که پروردگار مرا نمی‌شناسند و حارث‌بن مکیده خثعمی پیشاپیش پانصد مرد خثعمی در حرکت است و به لات و عزّی سوگند خورده‌اند که تا به مدینه بازنگشته‌اند و من و همراهانم را نکشته‌اند، بازنگردند و من به یارانم گفتم چه کسی از ایشان پیش از آن‌که آنان به دیار و حریم ما تجاوز کنند، به سوی آن قوم خارج می‌شود بدان امید که خداوند به دست او گشایشی حاصل کند و من نزد خداوند دوازده قصر در بهشت برای او تضمین می‌کنم؟!

فَقَالَ عَلِیٌّ علیه السلام: فِدَاکَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ صِف لِی هَذِهِ القُصُورَ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ بِنَاءُ هَذِهِ القُصُورِ لَبِنَةٌ مِن ذَهَبٍ وَ لَبِنَةٌ مِن فِضَّةٍ مَلَاطُهَا

المِسكُ الأَذفَـرُ وَ العَـنبَرُ ، حَـصبَاؤُهَا اَلدُّرُ وَ اليـاقُوتُ تُـرَابُـهَا اَلزَعـفرَانُ وَ كَـثِيبُهَا الكَافُورُ ، فِى صَحنِ كُلِّ قصرٍ مِن هَذِهِ القُصُورِ أَربَعَةُ أَنهَارٍ نَهرٌ مِن عَسَلٍ وَ نَهرٌ مِن خَمرٍ وَ نَهرٌ مِن لَبَنٍ وَ نَهرٌ مِن مَاءٍ ، مَحفُوفٌ بِالأَشجَارِ ، وَ المَرجَانُ عَلَى حَافَّتَى كُلِّ نَهرٍ مِن هَذِهِ الأَنهَارِ ، وَ خُلِقَ فِيهَا خَيمَةٌ مِن دُرَّةٍ بَيضَاءَ لَا قَطعٌ فِيهَا وَ لَا فَصلٌ قَالَ لَـهَا كُـونِى فَكَانَت ، يُرَى بَاطِنُها مِن ظَاهِرِهَا وَ ظَاهِرُهَا مِن بَاطِنِهَا ، فِى كُلِّ خَيمَةٍ سَرِيرٌ مُفَضَّضٌ بِاليَاقُوتِ الأَحمَرِ ، قَوَائِمُهُ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ ، عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ حَورَاءُ مِنَ الحُورِ العِينِ ، عَلَى كُلِّ حَورَاءَ سَبعُونَ حُلَّةً خَضرَاءَ وَ سَبعُونَ حُلَّةً صَفرَاءَ ، يُرَى مُخُّ سَاقِهَا خَلفَ عِظَامِهَا وَ جِلدِهَا وَ حُلِيهَا وَ حُلَلِهَا كَمَا تَرَى الخَمرَةَ الصَّافِيَةَ فِى الزُّجَاجَةِ البَيضَاءِ ، مُكَلَّلَةٌ بِالجَوهَرِ ، لِكُلِّ حَورَاءَ سَبعُونَ ذُؤَابَةً كُلُّ ذُؤَابَةٍ بِيَدِ وَصِيفٍ ، وَ بِيَدِ كُلِّ وَصِيفٍ مِجمَرٌ تُبَخِّرُ تِلكَ الذُّؤَابَةَ ، يَفُوحُ مِن ذَلِكَ المِجمَرِ بُخَارٌ لَا يَفُوحُ بِنَارٍ وَلكِن بِقُدرَةِ الجَبَّارِ.

علی ﷺ فرمود: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا! این قصرها را برایم توصیف فرما. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! بنای این قصرها خشتی از طلا و خشتی از نقره و ساروجش از مشک تندبوی و عنبر و سنگریزه‌هایش مروارید و یاقوت و خاکش زعفران و ریگ‌هایش کافور است. در شبستان هر یک از آن قصرها چهار رود است که یکی از عسل و یکی از شراب و یکی از شیر و یکی از آب است و همه در میان درختان‌اند و کناره‌های هر یک از آن رودها از مرجان است و بر آن‌ها خیمه‌هایی از مروارید سفید آفریده شده که نه کسی را از آن‌ها می‌رانند و نه کسی را باز می‌دارند. خداوند متعال به آن‌ها فرمود: باشید! پس هست شدند. درونشان از بیرونشان پیداست و بیرونشان از درونشان. در هر خیمه تختی آراسته به یاقوت سرخ با پایه‌هایی از زبرجد سبز است و بر هر تخت سیاه‌چشمی از پریان سیاه‌چشم است و هر پری هفتاد دیبای سبز و هفتاد دیبای زرد و مغز ساق‌ها در ورای زیور و دیبا دیده می‌شود؛

همچنان‌که شرابی ناب را در شیشه‌ای سفید می‌بینی و از گونه‌های جواهر تاج بر سر دارند و هر یک از آنان هفتاد طرّه گیسو دارد که هر طرّه‌ای به دست ندیمی است و هر ندیم به دست دیگرش مجمری دارد که آن طرّه را بخار می‌دهد و بخار آن منجمر نه از آتش بلکه به قدرت خداوند جبّار عطر می‌افشاند.

قَالَ: فَقَالَ عَلِیٌّ علیه السلام: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ أَنَا لَهُم فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ هَذَا لَكَ وَ أَنتَ لَهُ، إِنجَد إِلَی القَومِ فَجَهَّزَهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِی خَمسِینَ وَ مِاءَةِ رَجُلٍ مِنَ الأَنصَارِ وَ المُهَاجِرِینَ فَقَامَ ابنُ عَبَّاسٍ وَ قَالَ: فِدَاكَ أَبِی وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللهِ تَجَهَّزُ ابنَ عَمِّی فِی خَمسِینَ وَ مِاءَةِ رَجُلٍ مِنَ العَرَبِ إِلَی خَمسِمِاءَةِ رَجُلٍ وَ فِیهِم الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ یُعَدُّ بِخَمسِمِاءَةِ فَارِسٍ؟! فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِمطِ عَنِّی یَا ابنَ عَبَّاسٍ فَوَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ لَو کَانُوا عَلَی عَدَدَ الثَّرَی وَ عَلِیٌّ وَحدَهُ لَأَعطَی اللهُ عَلِیًّا عَلَیهِم النُّصرَةَ حَتَّی یَأتِینَا بِسَبیِهِم أَجمَعِینَ. فَجَهَّزَهُ النَّبِیُّ وَ هُوَ یَقُولُ: إِذهَب یَا حَبِیبِی حَفَظَ اللهُ مِن تَحتِكَ وَ مِن فَوقِكَ وَ عَن یَمِینِكَ وَ عَن شِمَالِكَ وَ اللهُ خَلِیفَتِی عَلَیكَ.

فَسَارَ عَلِیٌّ بِمَن مَعَهُ حَتَّی نَزَلُوا بِوَادٍ خَلفَ المَدِینَةِ بِثَلَاثَةِ أَمیَالٍ یُقَالُ لَهُ: وَادِی ذِی خَشَبٍ قَالَ: فَوَرَدُوا الوَادِیَّ لَیلًا فَضَلُّوا الطَّرِیقَ قَالَ: فَرَفَعَ عَلِیٌّ رَأسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ: یَا مَهدِیَّ کُلِّ ضَالٍّ وَ یَا مُنقِذَ کُلِّ غَرِیقٍ وَ یَا مُفَرِّجَ کُلِّ مَغمُومٍ، لَا تُقَوِّ عَلَینَا ظَالِمًا وَ لَا تَظفَر بِنَا عَدُوَّنَا وَ اهدِنَا إِلَی سَبِیلِ الرَّشَادِ.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت! من از برای آن‌ها. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! این از برای تو و تو از برای آنی. سوی آن قوم بشتاب. آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را با صدوپنجاه مرد از انصار و مهاجرین راهی نبرد کرد. ابن‌عباس برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! پسرعموی مرا با صدوپنجاه مرد از عرب آمادهٔ نبرد با پانصد تن می‌کنی حال آن‌که حارث‌بن مکیده در میان آنان است و خود پانصد سوار به شمار می‌رود؟!

پیامبر ﷺ فرمود: ای ابن عباس! از نزد من به نبرد بشتاب که سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، اگر آنان به شمار ستارگان باشند و علی ؑ یکّه و تنها باشد، خداوند علی ؑ را بر همهٔ آنان یاری و نصرت می‌بخشد تا این‌که همهٔ آن‌ها را به اسارت گیرد و نزد ما آورد. سپس پیامبر او را تجهیز کرد و فرمود: ای دوست من! برو، خدا تو را از پایین و بالا و راست و چپ حفظ کند، تو را به خدا می‌سپارم.

علی ؑ با همراهانش حرکت کرد تا این‌که سه میل پس از مدینه در بیابانی فرود آمدند که ذی‌خشب نام داشت. چون شب وارد بیابان شدند و راه را گم کردند، حضرت سرش را سوی آسمان گرفت و چنین فرمود: ای هدایتگرِ هر گمراه و ای نجات‌بخشِ هر غریق و ای گشایش‌دهندهٔ هر اندوهناک! بر ما ستمگر را چیره مساز و دشمن را بر ما پیروز مفرما و ما را به راه درست هدایت فرما.

قَالَ: فَإِذَا الخَيلُ تَقدَحُ بِحَوَافِرِهَا مِنَ الحِجَارَةِ النَّارَ حَتَّى عَرَفُوا الطَّرِيقَ فَسَلَكُوهُ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ ﴿ **وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحًا** ﴾ يَعنِي الخَيلَ ﴿ **فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا** ﴾ قَالَ: قَدَحَتِ الخَيلُ بِحَوَافِرِهَا مِنَ الحِجَارَةِ النَّارَ ﴿ **فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا** ﴾ قَالَ: صَبَّحَهُم عَلِيٌّ مَعَ طُلُوعِ الفَجرِ وَ كَانَ لَا يَسبِقُهُ أَحَدٌ إِلَى الأَذَانِ فَلَمَّا سَمِعَ المُشرِكُونَ الأَذَانَ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: يَنبَغِي أَن يَكُونَ رَاعٍ فِي رُؤُوسِ هَذِهِ الجِبَالِ يَذكُرُ اللهَ فَلَمَّا أَن قَالَ: أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: يَنبَغِي أَن يَكُونَ الرَّاعِي مِن أَصحَابِ السَّاحِرِ الكَذَّابِ وَ كَانَ عَلِيٌّ ؑ لَا يُقَاتِلُ حَتَّى تَطلُعَ الشَّمسُ وَ تَنزِلَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ.

قَالَ: فَلَمَّا أَن تَرَجَّلَ النَّهَارُ اِلتَفَتَ عَلِيٌّ إِلَى صَاحِبِ رَايَةِ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ لَهُ: إِرفَعهَا فَلَمَّا أَن رَفَعَهَا وَ رَآهَا المُشرِكُونَ عَرَفُوهَا وَ قَالَ بَعضُهُم لِبَعضٍ: هَذَا عَدُوُّكُمُ الَّذِي جِئتُم تَطلُبُونَهُ، هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَصحَابُهُ قَالَ: قَالَ: فَخَرَجَ غُلَامٌ مِنَ المُشرِكِينَ مِن أَشَدِّهِم بَأسًا وَ أَكثَرِهِم كُفرًا فَنَادَى أَصحَابَ النَّبِيِّ ﷺ: يَا أَصحَابَ السَّاحِرِ الكَذَّابِ أَيُّكُم مُحَمَّدٌ فَلْيَبرُز إِلَى فَخَرَجَ إِلَيهِ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ؑ وَ هُوَ يَقُولُ:

ثَكَلَتكَ أُمُّكَ وَ أنتَ السّاحِرُ الكَذّابُ ، مُحَمَّدُ جاءَ بِالحَقِّ مِن عِندَ الحَقِّ. قالَ لَهُ: مَن أنتَ؟ قالَ: أَنا عَلِيُّ بنُ أَبی طالِبٍ أخو رَسولِ اللهِ وَ ابنُ عَمِّهِ وَ زَوجُ ابنَتِهِ. قالَ: لَكَ هَذِهِ المَنزِلَةُ مِن مُحَمَّدٍ؟ قالَ لَهُ عَلِیٌّ: نَعم.

ناگهان سم اسبان نر بر سنگ‌ها جرقه افکند و آنان راه را یافتند. در آن دم خداوند متعال بر پیامبرش نازل فرمود: «و سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند.» یعنی اسبان نر «و سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها]». اسبان نر با زدن سم‌هایشان به سنگ‌ها جرقه می‌افکندند. «و سوگند به هجوم‌آورندگان در صبحگاهان». حضرت علی علیه‌السلام صبحگاه آنان را بیدار کرد و پیش از همه به اذان گفتن شتافت. وقتی مشرکان اذان را شنیدند، به یکدیگر گفتند: شاید چوپانی بر قلهٔ کوه است که نام خدا را ذکر می‌کند. زمانی که حضرت فرمود: شهادت می‌دهم که محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله رسول خداست، بعضی از آن‌ها گفتند: پیداست که چوپان از یاران آن جادوگر دروغگو است. علی علیه‌السلام جنگ را شروع نکرد تا خورشید طلوع کند و فرشتگان روز فرود آیند. چون روز برآمد، علی علیه‌السلام به سوی صاحب پرچم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رو کرد و به او فرمود: آن را بالا ببر. وقتی آن را بالا برد و مشرکان دیدند، آن را شناختند و به یکدیگر گفتند: این همان دشمنتان است که در پی‌اش آمده‌اید، اینان محمّد و یاران اویند. در آن هنگام نوجوانی از مشرکان که از زورمندترین و کفرپیشه‌ترین آنان بود، یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ندا داد: ای یاران جادوگر دروغگو! کدام‌یک از شما محمّد است، بایست خود را به من نشان دهد. آن‌گاه امیرمؤمنان علی علیه‌السلام سوی او بیرون آمد و فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، تو خود جادوگر دروغگویی، محمّد به حق از نزد حق آمده است. گفت: تو کیستی؟ فرمود: من علی بن ابی‌طالب برادر رسول خدا و پسرعمو و شوی دختر اویم. گفت: تو با محمّد چنین نسبت‌هایی داری؟ علی علیه‌السلام فرمود: آری.

قَالَ: فَأَنتَ وَ مُحَمَّدُ شَرعٌ وَاحِدٌ مَاكُنتُ أُبَالِى لَقِيتُكَ أَو لَقِيتُ مُحَمَّدًا قَالَ ثُمَّ شَدَّ عَلى عَلِيٍّ وَ هُوَ يَقُولُ:

لاقَيتَ لَيثًا يا عَلِيُّ ضَيغَما قرمًا كَرِيمًا فِى الوَغى مُشرَما

لَيثًا شَدِيدًا مِن رِجَالِ خَثعَمَا يَنصُرُ دِينًا مُعلَمًا وَ مُحكَمَا

مَن يَلقَنِى يَلقَ غُلَامًا طَالَ مَا كَادَ القُرُومَ فَأَتَتهُ سِلما

فَأَجَابَه عَلِيٌّ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ:

لَاقَيتَ قِرمًا هَاشِمِيًّا ضَيغَما لیثًا شَدِيدًا فِى الوَغى غَشَمشَما

أَنَا عَلِيٌّ سَأُبِينُ خَثعَما بِكُلِّ خُطى يَرَى النَّقعَ دَما

وَكُلِّ صَارِمٍ ضَرُوبٍ قُمَما

قَالَ: ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلى صَاحِبِهِ فَاختَلَفَ بَينَهُمَا ضَربَتَانِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ ﷺ ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَبَرَزَ أَخٌ لِلمَقتُولِ وَ هُوَ يَقُولُ:

أُقسِمُ بِاللَّاتِ وَ العُزَّى قَسَمُ إِنِّى لَدَى الحَربِ صَبُورٌ مَا أَرَم

مَن يَلقَنِى أَذِقهُ أَنوَاعَ الأَلَم

فَأَجَابَهُ عَلِيٌّ ﷺ وَ هُوَ يَقُولُ:

بِاللهِ رَبِّى إِنَّنِى لَأَقسِمُ قَسَمٌ حَقٌّ لَيسَ فِيهِ مَأثَم

إِنَّكُم مِن شَرِّنا لَن تَسلَمُوا

گفت: پس تو و محمّد بر یک دین هستید و اکنون فرقی برایم نمی‌کند که او را ببینم یا تو را. سپس سوی علی ﷺ یورش برد و گفت:

ای علی به دیدار شیری اوژن و شتری تنومند آمده‌ای که از برای پیکار بینی‌اش را بریده‌اند. شیری سهمگین از مردان خثعم که آیینی استوار را یاری می‌دهد. هر که مرا بیند، جوانی را دیده که بسیار بر شتران تنومند دام نهاده و آنان تسلیمش شده‌اند.

و علی ﷺ در پاسخش فرمود:
به دیدار شتری تنومند و شیری سهمگین از بنی‌هاشم آمده‌ای که در پیکار بسی دلیر است. من علی‌ام و به زودی چون شیری پدید خواهم آمد که به هر گام پستی‌ها و بلندی‌ها را پُر خون و شمشیرها را چون لقمه‌ای می‌بینند.
سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و دو ضربه بین آنان ردّوبدل شد و علی ﷺ با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی ﷺ ندا سر داد: آیا مبارزی هست؟ ناگاه برادر آن کشته‌شده پیش آمد و گفت: به لات و عزّی سوگند می‌خورم که من در جنگ شکیبایم و هر که به دیدارم آید، گونه‌های درد را به او می‌چشانم. و علی ﷺ در پاسخش گفت: به پروردگارم الله سوگندی بر حق یاد می‌کنم که هیچ جای گناهی در آن نیست که شما از دست ما سالم نخواهید ماند.
وَ حَمَلَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَی صَاحِبِهِ فَضَرَبَهُ عَلِیٌّ ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللهُ بِرُوحِهِ إِلَی النَّارِ، ثُمَّ نَادَی عَلِیٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَبَرَزَ لَهُ الحَارِثُ بنُ مَکِیدَةَ وَ کَانَ صَاحِبُ الجَمعِ وَ هُوَ یُعَدُّ بِخَمسِمِاءَةِ فَارِسٍ وَ هُوَ الَّذِی أَنزَلَ اللهُ تَعَالَی فِیهِ: ﴿ **إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ** ﴾ قَالَ: کَفُورٌ ﴿ **وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ** ﴾ قَالَ: شَهِیدٌ عَلَیهِ بِالکُفرِ ﴿ **وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ** ﴾ قَالَ: أَمِیرُ المُؤمِنِینَ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ ﷺ یَعنِی بِاتِّبَاعِهِ مُحَمَّدًا ﷺ. قَالَ: فَبَرَزَ الحَارِثُ وَ هُوَ یَحرِضُ عَلَی اللهِ وَ عَلَی رَسُولِهِ وَ هُوَ یَقُولُ:

لَأَنصُرَنَّ اللَّاتَ نَصرًا حَقًّا   بِکُلِّ عَضبٍ وَ أَزَالَ الحَلقَا
بِکُلِّ صَارِمٍ یُرَی مُنعَقَا

فَأَجَابَهُ عَلِیٌّ ﷺ وَ هُوَ یَقُولُ:

أَذُودُکُم بِاللهِ عَن مُحَمَّدٍ   بِقَلبِ سَیفٍ قَاطِعٍ مُهَنَّدٍ
أَرجُو بِذَاکَ الفَوزَ یَومًا أَرِدُ   عَلَی إِلهِی وَ الشَّفِیعُ أَحمَدُ

و هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی ﷺ با ضربه‌ای او را از پا

درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی (ع) ندا سرداد: آیا مبارزی هست؟ در آن دم حارث‌بن مکیده که بزرگ آن جمع بود و خود پانصد سوار به شمار می‌رفت، پیش آمد. او همان کسی بود که خداوند متعال درباره‌اش نازل فرمود: «همانا انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است.» یعنی بسیار کفر می‌ورزد «و بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است.» یعنی گواه بر کفر او «و به راستی او خیر را بسیار دوست دارد». یعنی امیرمؤمنان علی (ع) با دنباله‌روی محمّد (ص). حارث پیش آمد و در حالی که همه را علیه خداوند و رسولش می‌شوراند، می‌گفت: لات را به نیکی یاری خواهم داد، با بُرنده‌هایی تیز که سپرها را می‌افکند و با شمشیرهایی برّان که نعره‌کشان پیش می‌آیند. و علی (ع) در پاسخش فرمود:

به خدا سوگند که با تیزی شمشیری برّا و آب دیده دستتان را از محمّد (ص) به دور می‌دارم. و با این پیروزی به روزی که بر خدایم وارد می‌شوم و محمّد (ص) شفیع است، امیدوار هستم.

ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ ضَربَةً قَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَبَرَزَ إِلَيهِ ابنُ عَمٍّ لَهُ يُقَالُ لَهُ: عَمرُوبنُ الفَتَّاكِ وَهُوَ يَقُولُ:

إِنِّي عَمرُوٌ، وَ أَبِي الفَتَّاكُ — وَ نَصلُ سَيفٍ بِيَدِي هَتَّاكُ

يَقطَعُ رَأسًا لَم يَزَل كَذَاكَ!

فَأَجَابَهُ عَلِيٌّ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ:

فَهَاكَهَا مُترَعَةً دِهَاقًا — كَأسُ دِهَاقٌ مَزَجَت زُعَاقًا

إِنِّي أَنَا المَرءُ الَّذِي إِن لَاقَى — أَقُدُّ هَامًا وَ أَجُذُّ سَاقًا

سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی (ع) با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی (ع) ندا سرداد: آیا

مبارزی هست؟ ناگاه پسرعموی حارث که عمرو بن فتّاک نام داشت، پیش آمد و گفت: من عمرو فتّاک هستم و با تیزی شمشیری بی‌پروا که در دست دارم چنان‌که خواهی دید سر می‌برم. و علی ﷺ در پاسخش فرمود: من آن مردی هستم که در نبرد سر می‌برم و پا می‌شکنم.

ثُمَّ حَمَلَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ فَضَرَبَهُ عَلِيٌّ ضَربَةً فَقَتَلَهُ وَ عَجَّلَ اللّهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ ، ثُمَّ نَادَى عَلِيٌّ: هَل مِن مُبَارِزٍ؟ فَلَم يَبرُزْ إِلَيهِ أَحَدٌ فَشَدَّ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ﷺ حَتَّى تَوَسَّطَ جَمعَهُم فَذَلِكَ قَولُ اللّهِ: ﴿ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴾ فَقَتَلَ عَلِيٌّ مُقَاتَلَهُم وَسَبَى ذَرَارِيَهُم وَ أَخَذَ أَموَالَهُم وَ أَقبَلَ بِسَبيِهِم إِلَى رَسُولِ اللّهِ ﷺ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ فَخَرَجَ وَ جَمِيعُ أَصحَابِهِ حَتَّى استَقبَلَ عَلِيًّا عَلَى ثَلاثَةِ أَميَالٍ مِنَ المَدِينَةِ وَ أَقبَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَمسَحُ الغُبَارَ عَن وَجهِ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ بِرِدَائِهِ وَ يُقَبِّلُ بَينَ عَينَيهِ وَ يَبكِي وَ هُوَ يَقُولُ: الحَمدُ لِلّهِ يَا عَلِيُّ الَّذِي شَدَّ بِكَ أَزرِي وَ قَوَّى بِكَ ظَهرِي يَا عَلِيُّ إِنَّنِي سَأَلتُ اللّهَ فِيكَ كَمَا سَأَلَ أَخِي مُوسَى بنُ عِمرَانَ ﷺ أَن يُشرِكَ هَارُونَ فِي أَمرِهِ وَ قَد سَأَلتُ رَبِّي أَن يَشُدَّ بِكَ أَزرِي.

ثُمَّ إِلتَفَتَ إِلَى أَصحَابِهِ وَ هُوَ يَقُولُ: مَعَاشِرَ أَصحَابِي لَا تَلُومُونِي فِي حُبِّ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّمَا حُبِّي عَلِيًّا مِن أَمرِ اللّهِ وَ اللّهُ أَمَرَنِي أَن أُحِبَّ عَلِيًّا وَ أُدنِيهِ ، يَا عَلِيُّ مَن أَحَبَّكَ فَقَد أَحَبَّنِي وَ مَن أَحَبَّنِي فَقَد أَحَبَّ اللّهَ وَ مَن أَحَبَّ اللّهَ أَحَبَّهُ اللّهُ وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللّهِ أَن يُسكِنَ مُحِبِّيهِ الجَنَّةَ ، يَا عَلِيُّ مَن أَبغَضَكَ فَقَد أَبغَضَنِي وَ مَن أَبغَضَنِي فَقَد أَبغَضَ اللّهَ وَ مَن أَبغَضَ اللّهَ أَبغَضَهُ اللّهُ وَ لَعَنَهُ ، وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللّهِ أَن يُوقِفَهُ يَومَ القِيَامَةِ مَوقِفَ البُغضَاءِ وَ لَا يُقبَلُ مِنهُ صَرفٌ وَ لَا عَدلٌ وَ لَا إِجَارَةٌ.

سپس هر یک سوی هماورد خود حمله‌ور شد و علی ﷺ با ضربه‌ای او را از پا درآورد و خداوند روحش را سوی آتش شتابانید. آن‌گاه علی ﷺ ندا سرداد: آیا مبارزی هست؟ دیگر هیچ کس پیش نیامد. ناگاه امیرمؤمنان ﷺ تاخت تا به میان جمعشان درآمد و این کلام خداوند متعال است: «و با آن [هجوم] در

میان گروهی درآیند.» این‌چنین علی علیه السلام جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گرفت و دارایی‌شان را بگرفت و اسیرانشان را سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله راهی کرد. این خبر به پیامبر رسید و ایشان به همراه تمامی یارانش برای استقبال از علی به سه میل پس از مدینه رفت و با ردای خود غبار از چهرهٔ امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌زدود و میان چشمانش را می‌بوسید و می‌گریست و می‌فرمود: ای علی! سپاس و ستایش از آنِ خداوندی است که با تو پشت مرا محکم کرد و با تو مرا توان بخشید. ای علی! من دربارهٔ تو همچنان که برادرم موسی‌بن عمران از خداوند خواست تا هارون را در کارش شریک گرداند، از خداوند خواستم که پشت مرا با تو محکم کند. سپس پیامبر رو سوی یاران خود کرد و فرمود: ای جماعت یاران من! مرا به خاطر دوست داشتن علی بن ابی‌طالب سرزنش نکنید؛ چراکه دوستی من با علی فرمان خداوند است و خداوند به من فرمان داد که علی را دوست بدارم و به خود نزدیکش کنم. ای علی! هر که تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر که مرا دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر که خدا را دوست بدارد، خدا دوستش می‌دارد و این حقّی است بر خدا که دوستداران خود را به بهشت درآورد. ای علی! هر که تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته و هر که مرا دشمن دارد، خدا را دشمن داشته و هر که خدا را دشمن دارد، خدا دشمنش دارد و لعنتش گوید و این حقّی است بر خدا که روز قیامت او را در جایگاه نفرت بازایستاند و هیچ عملی را از او نپذیرد.

۵۲۲. عَبدُ اللهِ‌بنِ بَحرِبنِ طَیفُورٍ مُعنعَنًا: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَولِ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالَی: ﴿وَ الْعادِیاتِ ضَبْحًا﴾ قالَ: هَذِهِ السُّورَةْ فِی أَهلِ وَادِی الیابِسِ. قِیلَ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ وَ مَا کَانَ حَالُهم وَ قِصَّتُهم؟ قَالَ: إِنَّ أَهلَ وَادِی الیَابِسِ إجتَمَعُوا اثنَی عَشَرَ أَلف فَارِسٍ وَ تَعَاهَدُوا وَ تَعَاقَدُوا أَن لَا یَتَخَلَّفَ رَجُلٌ عَن رَجُلٍ وَ لَا یَخذُلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَا یَفِرُّ رَجُلٌ

عَن صَاحِبِهِ حَتَّى يَمُوتُوا كُلُّهُم عَلَى خَلقٍ وَاحِدٍ وَ يَقتُلُونَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا، فَنَزَلَ جَبرَئِيلُ عليه السلام عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فَأَخبَرَهُ بِقِصَّتِهِم وَ مَا تَعَاهَدُوا عَلَيهِ وَ تَوَافَقُوا وَأَمَرَهُ أَن يَبعَثَ أَبَابَكرٍ إِلَيهِم فِي أَربَعَةِ آلَافِ فَارِسٍ مِنَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ فَصَعِدَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعشَرَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ إِنَّ جَبرَئِيلَ عليه السلام أَخبَرَنِي أَنَّ أَهلَ الوَادِي اليَابِسِ اثنَى عَشَرَ أَلفَ فَارِسٍ قَدِ استَعَدُّوا وَ تَعَاهَدُوا وَ تَوَافَقُوا أَن لَا يَغدِرَ رَجُلٌ بِصَاحِبِهِ وَ لَا يَفِرَّ عَنهُ وَ لَا يَخذُلَهُ حَتَّى يَقتُلُونِي أَو يَقتُلُونَ أَخِي عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِيًّا وَ أَمَرَنِي أَن أُسِيرَ إِلَيهِم أَبَابَكرٍ فِي أَربَعَةِ آلَافِ فَارِسٍ، فَخُذُوا فِي أَمرِكُم وَ استَعِدُّوا لِعَدُوِّكُم وَ انهَضُوا إِلَيهِم عَلَى اسمِ اللهِ وَ بَرَكَتِهِ يَومَ الإِثنَينِ إِن شَاءَ اللهُ.

عبدالله‌بن بحربن طیفور روایت کرده است: امام جعفر صادق عليه السلام دربارهٔ کلام خداوند تبارک و تعالی «سوگند به اسبان دونده که نفس‌نفس می‌زنند» فرمود: این سوره در مورد اهل وادی یابس است. عرض شد: ای پسر رسول خدا! حال و قصهٔ آن‌ها چگونه بود؟ فرمود: دوازده هزار سوار از اهالی وادی یابس جمع شدند و با هم عهد بستند و قرار گذاشتند تا هیچ مردی مرد دیگر را جا نگذارد و هیچ‌یک دیگری را رها نکنند و هیچ کس از همراه خود دوری نکند تا آن‌گاه که همگی با هم جان ببازند و محمّد صلى الله عليه وآله و علی عليه السلام را به قتل برسانند. جبرئیل عليه السلام بر پیامبر صلى الله عليه وآله نازل شد و پیامبر صلى الله عليه وآله را از ماجرای آنان و آن‌چه بر آن عهد بسته و درباره‌اش به توافق رسیده بودند باخبر ساخت و به پیامبر صلى الله عليه وآله امر کرد تا ابابکر را با چهار هزار سوار از مهاجرین و انصار به سوی آنان بفرستد. پیامبر صلى الله عليه وآله بالای منبر رفت و خدا را حمد و ثنا گفت. سپس فرمود: ای گروه مهاجرین و انصار! جبرئیل عليه السلام مرا از اهل بیابان یابس باخبر ساخته است که با دوازده هزار سوار آماده شدند و با هم عهد بسته و به توافق رسیدند که هیچ مردی رفیقش را نفریبد و از او فرار نکند و او را تنها نگذارد تا این‌که

مرا یا برادرم علی بن ابی‌طالب را بکشند و به من امر کرد تا ابابکر را با چهار هزار سوار به سوی آنان روانه کنم. پس دست به کار شوید و برای نبرد با دشمنتان آماده شوید و ان‌شاءالله به اسم و برکت خداوند روز دوشنبه سویشان حمله کنید.

فَأَخَذَ المُسلِمُونَ عِدَّتَهُم وَ تَهَيَّأُوا وَ أَمَرَ رَسُولُ اللهِ ﷺ أَبَابَكرٍ بِأَمرٍ وَكَانَ فِيمَا أَمَرَهُ بِهِ: أَن إِذَا رَآهُم أَن يُعرِضَ عَلَيهِمُ الإِسلَامَ فَإِن تَابَعُوهُ وَ إِلَّا وَاقَعَهُم فَقَتَلَ مُقَاتِلِيهِم وَ سَبَى ذَرَارِيَهُم وَ استَبَاحَ أَموَالَهُم وَ أَخرَبَ دِيَارَهُم.

فَمَضَى أَبُوبَكرٍ وَ مَن مَعَهُ مِنَ المُهَاجِرِينَ وَ الأَنصَارِ فِي أَحسَنِ عُدَّةٍ وَ أَحسَنِ هَيئَةٍ يَسِيرُ بِهِم سِيرًا رَفِيقًا حَتَّى انتَهُوا إِلَى أَهلِ الوَادِي اليَابِسِ فَلَمَّا بَلَغَ القَومَ نُزُولُ القَومِ عَلَيهِم وَ نُزُولُ أَبِي‌بَكرٍ وَ أَصحَابِهِ قَرِيبًا مِنهُم خَرَجَ إِلَيهِم مِن وَادِي اليَابِسِ مِاءَتَا رَجُلٍ مُدَجَّجِينَ فِي السِّلَاحِ فَلَمَّا صَادَفُوهُم قَالُوا لَهُم: مِن أَينَ أَقبَلتُم وَ أَينَ تُرِيدُونَ لِيَخرُجَ إِلَينَا صَاحِبُكُم حَتَّى نُكَلِّمَهُ فَخَرَجَ إِلَيهِم أَبُوبَكرٍ وَ نَفَرٌ مِنَ المُسلِمِينَ فَقَالَ لَهُم أَبُوبَكرٍ: أَنَا صَاحِبُ رَسُولِ اللهِ. فَقَالُوا: مَا أَقدَمَكَ عَلَينَا؟ قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللهِ ﷺ أَن أُعرِضَ عَلَيكُمُ الإِسلَامَ أَن تَدخُلُوا فِيمَا دَخَلَ فِيهِ المُسلِمُونَ وَ لَكُم مَا لَهُم وَ عَلَيكُم مَا عَلَيهِم وَ إِلَّا فَالحَربُ بَينَنَا وَبَينَكُم. قَالُوا لَهُ: أَمَا وَ اللَّاتِ وَ العُزَّى لَولَا رَحِمٌ بَينَنَا وَ بَينَكَ وَ قَرَابَةٌ قَرِيبَةٌ لَقَتَلنَاكَ وَ جَمِيعَ أَصحَابِكَ حَتَّى يَكُونَ حَدِيثًا لِمَن يَأتِي بَعدَكُم إِرجِع أَنتَ وَ أَصحَابُكَ وَ مَن مَعَكَ وَ ارغَبُوا فِي العَافِيَةِ فَإِنَّا نُرِيدُ صَاحِبَكُم بِعَينِهِ وَ أَخَاهُ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ.

مسلمانان ساز و برگ برگرفتند و مسلّح شدند و رسول خدا ﷺ دستوراتی به ابوبکر داد که از جمله آن بود که چون آنان را دید، اسلام را بر ایشان عرضه دارد، اگر پیروی‌اش کردند که هیچ، وگرنه با آنان نبرد کند و جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گیرد و دارایی‌شان را مباح و سرزمینشان را ویران کند. ابوبکر با آنان که از مهاجرین و انصار همراهش

بودند، با بهترین سازوبرگ و بهترین هیئت به راه افتاد و آنان را به نرمی رهسپار کرد تا آن‌که به اهل وادی یابس رسیدند. چون آن قوم از فرود آمدن این قوم باخبر شدند و دانستند که ابوبکر و یارانش در نزدیکی آنان فرود آمده‌اند، دویست مرد از وادی یابس تا دندان مسلّح سوی آنان بیرون شدند و چون به آنان رسیدند، گفتند: از کجا آمده‌اید و به کجا می‌روید؟ بزرگتان باید سوی ما آید تا با او سخن گوییم. آن‌گاه ابوبکر با چند تن از مسلمانان سویشان بیرون آمدند و ابوبکر به آنان گفت: من یار رسول خدا ﷺ هستم. گفتند: چه چیز تو را سوی ما روانه کرده؟ گفت: رسول خدا به من فرمان داده تا اسلام را به شما عرضه دارم تا در آن‌چه که مسلمانان بدان درآمده‌اند، شما نیز درآیید و هر آن‌چه از برای آنان است، برای شما و هر آن‌چه علیه آنان است علیه شما نیز باشد وگرنه بین ما و شما جنگ حکم کند. گفتند: به لات و عزی سوگند اگر نبود پیوند و خویشاوندی نزدیکی که بین ما و توست، هر آینه تو و تمامی یارانت را می‌کشتیم تا درس عبرتی باشد برای آنان که پس از شما می‌آیند. اکنون تو و یاران و همراهانت بازگردید و قدر عافیت را بدانید که ما تنها بزرگتان را و برادرش علی بن ابی‌طالب را می‌خواهیم.

فَقَالَ أَبُوبَكرٍ لِأَصحَابِهِ: يَا قَومُ أَكثَرُ مِنَّا اَضعَافًا وَ أَعَدُّ مِنكُم عِدَّةً وَ قَد نَأَت دَارُكُم عَن إِخوَانِكُم مِنَ المُسلِمِينَ فَارجِعُوا نُعلِمُ رَسُولَ اللهِ ﷺ بِحَالِ القَومِ فَقَالُوا لَهُ جَمِيعًا: خَالَفتَ يَا أَبَابَكرٍ رَسُولَ اللهِ ﷺ وَ مَا أُمِرتَ بِهِ فَاتَّقِ اللهَ وَ وَاقِعِ القَومَ وَ لَا تُخَالِف قَولَ رَسُولِ اللهِ ﷺ. قَالَ: إِنِّي أَعلَمُ مَا لَا تَعلَمُونَ وَ الشَّاهِدُ يَرىَ مَا لَا يَرَى الغَائِبُ فَانصَرَفَ النَّاسُ وَ انصَرَفُوا أَجمَعِينَ.

فَأَخبَرَ جَبرَئِيلُ ؑ النَّبِيَّ ﷺ بِمَا بِمَقَالَةِ القَومِ وَ مَا رَدَّ عَلَيهِم أَبُوبَكرٍ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَابَكرٍ خَالَفتَ أَمرِي وَ لَم تَفعَل مَا أَمَرتُكَ بِهِ وَ كُنتَ لِي عَاصِيًا فِيمَا أَمَرتُكَ. فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ وَ صَعِدَ المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ وَ أَثنَى عَلَيهِ ثُمَّ قَالَ: يَا مَعَاشِرَ

الْمُسلِمِينَ إِنِّي أَمَرتُ أَبَابَكرٍ أَن يَسِيرَ إِلَى أَهلِ وَادِي الْيَابِسِ وَ أَن يَعرِضَ عَلَيهِمُ الإِسلَامَ وَ يَدعُوهُم إِلَى اللهِ وَ إِلَى فَإِن أَجَابُوا وَ إِلَّا وَاقَعَهُم وَ أَنَّه سَارَ إِلَيهِم فَخَرَجَ إِلَيهِ مِنهُم مِاءَتَا رَجُلٍ فَلَمَّا سَمِعَ كَلَامَهُم وَ مَا استَقبَلُوهُ بِهِ انفَتَحَ سِحرُهُ وَ دَخَلَهُ الرُّعبُ مِنهُم وَ تَرَكَ قَولِي وَ لَم يُطِع أَمرِي وَ إِنَّ جَبرَئِيلَ عليه السلام أَمَرَنِي عَنِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَن أَبعَثَ عُمَرَ مَكَانَهُ فِي أَصحَابِهِ فِي أَربَعَةِ آلَافِ فَارِسٍ فَسِر يَا عُمَرُ بِاسمِ اللهِ وَ لَا تَعمَل مَا عَمِلَ أَبُوبَكرٍ أَخُوكَ فَإِنَّهُ قَد عَصَى اللهَ وَ عَصَانِي. وَ أَمَرَهُ بِمَا أَمَرَ بِهِ أَبَابَكرٍ.

ابوبکر به یارانش گفت: ای قوم! شمار آنان بیشتر از ماست و تجهیزات آنان بیشتر است و شما از برادران مسلمانتان فاصله دارید، پس برگردید تا رسول خدا را از حال این قوم باخبر کنیم. همگی در پاسخش گفتند: ای ابوبکر! از رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرمانش سرپیچی کردی، تقوای الهی پیشه کن و با این قوم بجنگ و از سخن رسول خدا سرپیچی نکن. او گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید و حاضر چیزی می‌بیند که غایب نمی‌بیند. این‌گونه آن جمع صرف‌نظر کردند و همگی برگشتند.

جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را از سخن آن قوم و پاسخ ابوبکر به آنان خبر داد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوبکر! از فرمان من سرپیچی کردی و آن‌چه تو را بدان فرمان داده بودم، انجام ندادی و از من در آن‌چه به تو فرمان دادم، نافرمانی کردی. آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و بر منبر رفت و خداوند را حمد و ثنا گفت و سپس فرمود: ای جماعت مسلمانان! من به ابوبکر فرمان دادم که سوی اهل وادی یابس روانه شود و اسلام را به آنان عرضه دارد و آنان را سوی خدا و من فراخواند. اگر پذیرفتند که هیچ وگرنه با آنان بجنگند. او سویشان روانه شده و دویست تن از آنان سوی او بیرون آمده‌اند و چون سخن آنان را شنیده و آن‌چه را که روبه‌رویش چیده بوده‌اند، دیده، خود را باخته و ترس از آنان در او راه یافته و سخن مرا واگذاشته و فرمان مرا اطاعت نکرده است. حال جبرئیل از

سوی خداوند متعال به من فرمان داده تا عمر را به جای او به همراه یارانش با چهار هزار سوار بفرستم. پس ای عمر! به اسم خداوند راهی شو و آن مکن که برادرت ابوبکر کرد که او از خدا و از من نافرمانی کرد. آن‌گاه پیامبر همان فرمانی را که به ابوبکر داده بود، به او نیز داد.

فَخَرَجَ عُمَرُ وَ المُهَاجِرُونَ وَ الأَنصَارُ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ أَبِي‌بَكرٍ يَقصُدُ بِهِم فِي مَسِيرِهِ حَتَّى شَارَفَ القَومَ حَيثُ يَرَاهُم وَ يَرَونَهُ حَتَّى خَرَجَ إِلَيهِم مِاءَتَا رَجُلٍ مِن أَهلِ وَادِي اليَابِسِ فَقَالُوا لَهُ وَ لِأَصحَابِهِ مِثلَ مَقَالَتِهِم لِأَبِي‌بَكرٍ فَانصَرَفَ عَنهُم وَ انصَرَفَ النَّاسُ مَعَهُ وَ كَادَ أَن يَطِيرَ قَلبُهُ لَمَّا رَأَى مِن نَجدَةِ القَومِ وَ جَمعِهِم وَ رَجَعَ.

فَنَزَلَ جِبرَئِيلُ عليه السلام عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ أَخبَرَهُ بِمَا صَنَعَ عُمَرُ وَ أَنَّهُ قَدِ انصَرَفَ وَ انصَرَفَ المُسلِمُونَ مَعَهُ فَصَعِدَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله المِنبَرَ فَحَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ وَ أَخبَرَ بِمَا صَنَعَ عُمَرُ وَ مَا كَانَ مِنهُ وَ أَنَّهُ قَدِ انصَرَفَ بِالمُسلِمِينَ مَعَهُ مُخَالِفًا لِأَمرِي عَاصِيًا لِقَولِي فَقَامَ إِلَيهِ عُمَرُ.

وَ أَخبَرَهُ بِمِثلِ مَا أَخبَرَهُ بِهِ صَاحِبُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: يَا عُمَرُ قَد عَصَيتَ اللهَ فِي عَرشِهِ وَ عَصَيتَنِي وَ خَالَفتَ أَمرِي وَ عَمِلتَ بِرَأيِكَ إِلَّا قَبَّحَ اللهُ رَأيَكَ وَ إِنَّ جِبرَئِيلَ عليه السلام أَمَرَنِي عَنِ اللهِ أَن أَبعَثَ عَلِيَّ بنَ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام فِي هَؤُلَاءِ المُسلِمِينَ وَ أَخبَرَنِي أَنَّ اللهَ تَعَالَى يَفتَحُ عَلَيهِ وَ عَلَى أَصحَابِهِ. ثُمَّ نَزَلَ فَدَعَا عَلِيَّ‌بنَ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام فَأَوصَاهُ بِمَا أَوصَى بِهِ أَبَابَكرٍ وَ عُمَرَ وَ أَصحَابَهُ أَربَعَةَ آلَافِ فَارِسٍ وَ أَخبَرَهُ أَنَّ اللهَ سَيَفتَحُ عَلَيهِ وَعَلَى أَصحَابِهِ.

عمر بیرون شد و مهاجران و انصاری که همراه ابوبکر بودند، در راه به او پیوستند تا این‌که به دیدرس آن قوم رسید؛ چنان‌که او آنان را می‌دید و آنان نیز او را می‌دیدند. آن‌گاه دویست تن از اهل وادی یابس سوی او بیرون آمدند و به او و یارانش همان سخنی را گفتند که به ابوبکر گفته بودند. او نیز از آنان روی گرداند و آن جماعت نیز به همراهش بازگشتند و چیزی نمانده بود که از

چونان دلیری و جمعیتی که از آنان دیده بود، قلبش از جا درآید و بازگشت.
در آن هنگام جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و او را از آن‌چه عمر کرد، خبر داد و گفت که او بازگشته و مسلمانان نیز به همراهش بازگشته‌اند. پیامبر ﷺ بر منبر رفت و خداوند متعال را حمد و ثنا گفت و همه را از کار عمر و آن‌چه از او سر زده بود خبر داد و گفت که او مسلمانان را با خود بازگردانده و از فرمان من سرپیچی و از سخن من نافرمانی کرده است. در آن دم عمر نزد پیامبر رسید و همان خبری را که ابوبکر به ایشان داده بود، داد. پیامبر ﷺ به او فرمود: ای عمر! خداوند را در عرشش و نیز مرا نافرمانی کردی و از فرمان من سرپیچی کردی و خودرأیی نمودی که خداوند رأیت را زشت شمرد. جبرئیل ﷺ از سوی خداوند مرا فرمان داده که علی بن ابی‌طالب ﷺ را با آن مسلمانان بفرستم و مرا خبر داده که خداوند پیروزی را نصیب او و یارانش می‌کند. سپس از منبر پایین آمد و علی بن ابی‌طالب ﷺ را فراخواند و همان سفارشی را که به ابوبکر و عمر کرده بود، به وی نیز کرد و یارانش چهار هزار سوار بودند و به او خبر داد که خداوند پیروزی را نصیب او و یارانش می‌کند.
فَخَرَجَ عَلِيٌّ ﷺ وَ مَعَهُ المُهاجِرُونَ وَ الأَنصارُ فَسارَبِهِم سيرَ أَبِي‌بَكرٍ وَ عُمَرَ وَ ذٰلِكَ أَنَّهُ أَعنَفَ بِهِم فِي السِّيرِ حَتَّى خَافُوا أَن يَتَقَطَّعوا مِنَ التَّعَبِ وَ تَحفِي دَوابُّهُم فَقالَ لَهُم: لَا تَخَافُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ أَمَرَنِي بِأَمرٍ وَ أَنَا مَنتَهٍ إِلَى أَمرِهِ، وَ أَخبَرَنِي أَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالَى سَيَفتَحُ عَلَيَّ وَ عَلَيكُم، اَبشِرُوا فَإِنَّكُم غادُونَ إِلَى خَيرٍ. فَطابَت أَنفُسُهُم وَ سَكَنَت قُلُوبُهُم فَساروا كُلَّ ذٰلِكَ فِي السِّيرِ وَ التَّعَبِ الشَّدِيدِ حَتَّى بَاتُوا قَرِيبًا مِنهُم حَيثُ يُراهُم وَ يَرَونَهُ وَ أَمَرَ أَصحَابَهُ أَن يَنزِلُوا وَ سَمِعَ أَهلَ الوَادِي اليَابِسِ بِقُدومِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَخَرَجَ مِنهُم إِلَيهِ مِاءَتَا فَارِس شاكِين فِي السِّلاحِ فَلَمَّا رَآهُم عَلِيٌّ ﷺ خَرَجَ إِلَيهِم فِي نَفَرٍ مِن أَصحَابِهِ فَقَالُوا لَهُم: مَن أَنتُم وَ مِن أَينَ أَقبَلتُم وَ أَينَ تُرِيدُونَ؟ قَالَ: أَنَا أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ اِبنُ عَمِّ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَ أَخُوهُ وَ رَسُولُهُ

إِلَيكُم أَن نَدعُوكم إِلَى شَهَادَةِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَ لَكُم مَا لِلمُسلِمِينَ وَ عَلَيكُم مَا عَلَيهِم مِنَ الخَيرِ وَ الشَّرِّ.

فَقَالوا: إِيَّاكَ أَرَدنَا وَ أَنتَ طُلِبَتَنَا قَد سَمِعنَا مَقَالَتَكَ وَ مَا أَرَدتُ وَ هَذَا الأَمرُ لَا يُوَافِقُنَا وَ تَبًّا لَكَ وَ لِأَصحَابِكَ وَ خُذ حَذرَك وَ استَعِدَّ لِلحَربِ وَ لَكِنَّا قَاتَلوك وَ قَاتَلوا أَصحَابَكَ، وَ المَوعِدُ فِيمَا بَينَنَا وَ بَينَكُم غَدًا سَحَرًا وَ قَد أَعذَرنا فِيمَا بَينَنَا وَ بَينَكُم.

حضرت امام علی علیه السلام به همراه مهاجرین و انصار راهی شد و ایشان را به شیوه‌ای غیر از شیوهٔ ابوبکر و عمر به راه درآورد. به این ترتیب که در پیمودن راه چنان به ایشان سخت گرفت که ترسیدند از خستگی نفسشان بند آید و چهارپایانشان از پا درآیند. در آن دم حضرت علیه السلام به آنان فرمود: نترسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمانی به من داده و مرا خبر داده است که خداوند من و شما را پیروز خواهد کرد، پس مژده باد بر شما که به راه خیر و به سوی خیر هستید. پس جان و دل ایشان شاد شد و نیرو گفتند و به این ترتیب، ایشان آن راه سخت را پیمودند تا این‌که به نزدیکی آنها رسیدند، چنان‌که می‌توانستند یکدیگر را ببینند. حضرت علیه السلام به یارانش فرمان داد تا فرود آیند و خبر آمدن حضرت امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام و یارانش به گوش اهل وادی یابس رسید. پس دویست مرد تا دندان مسلّح از اهل وادی یابس به سوی ایشان بیرون آمدند و چون حضرت علیه السلام آنان را دید، ایشان نیز به همراه چند تن از یارانش به سوی آنان بیرون شد. آنها عرض کردند: شما کیستید؟ از کجا آمده‌اید و به کجا می‌روید؟ حضرت علیه السلام فرمود: من علی بن ابی‌طالب، عموزاده و برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرستادهٔ ایشان به سوی شما هستم. شما را دعوت می‌کنم که گواهی دهید هیچ خدایی جز الله نیست و حضرت محمّد صلی الله علیه و آله فرستادهٔ اوست، اگر ایمان آورید، هر آن‌چه از برای مسلمانان است، از برای شماست و هر آن‌چه از خیر و شر بر آنهاست، بر شماست. آنان عرض کردند: ما خود تو را می‌خواستیم و در پی تو

بودیم، سخت را و آن‌چه را بر ما عرضه داشتی، شنیدیم. این چیزی است که ما نمی‌پسندیم، پس به هوش باش و برای سخت‌ترین نبرد آماده شو و بدان که ما تو و یارانت را می‌کشیم و وعدهٔ ما با تو بامداد فرداست و در آن‌چه بین ماست، حجّت را تمام کردیم.

فَقَالَ لَهُم عَلِيٌّ عليه‌السلام: وَيلَكُم تُهَدِّدُونِي بِكَثرَتِكُم وَ جَمعِكُم؟! وَ أَنَا أَستَعِينُ بِاللهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ بِالمُسلِمِينَ عَلَيكُم وَ لَا حَولَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ. فَانصَرَفُوا إِلَى مَرَاكِزِهِم وَ انصَرَفَ عَلِيٌّ إِلَى مَركَزِهِ.

فَلَمَّا جَنَّهُ اللَّيلُ أَمَرَ عَلِيٌّ أَصحَابَهُ أَن يَحُسُّوا دَوَابَّهُم وَ يَقضِمُونَهَا وَ يُسرِجُونَهَا، فَلَمَّا أَسفَرَ عَمُودُ الصُّبحِ صَلَّى بِالنَّاسِ بِغَلَسٍ فَمَرَّ عَلَيهِم بِأَصحَابِهِ فَلَم يَعلَمُوا حَتَّى تَوَطَّأَتهُم الخَيلُ فَمَا أَدرَكَ آخِرَ أَصحَابِهِ حَتَّى قَتَلَ مُقَاتِلِيهِم وَ سَبىٰ ذَرارِيَهُم وَ استَبَاحَ أَموَالَهُم وَ أَخرَبَ دِيَارَهُم وَ أَقبَلَ بِالأُسَارَى وَ الأَموَالِ مَعَهُ.

وَ نَزَلَ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام فَأَخبَرَ النَّبِيَّ رَسُولَ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله بِمَا فَتَحَ اللهُ عَلَى يَدَى أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام وَ جَمَاعَةِ المُسلِمِينَ فَصَعِدَ المِنبَرَ وَ حَمِدَ اللهَ تَعَالَى وَ أَثنَى عَلَيهِ وَ أَخبَرَ النَّاسَ بِمَا فَتَحَ اللهُ تَعَالَى عَلَى المُسلِمِينَ وَ أَعلَمَهُم أَنَّهُ لَم يُصِب مِنهُم إِلَّا رَجُلَانِ.

حضرت علی عليه‌السلام به آنان فرمود: وای بر شما! مرا به انبوهی و جمعیتتان تهدید می‌کنید حال آن‌که من از خداوند و فرشتگانش و مسلمانان در برابرتان یاری می‌جویم و هیچ قدرت و توانی نیست جز از سوی خداوند والای بلندمرتبه. این‌چنین آنان به جایگاه‌هایشان بازگشتند و حضرت علی عليه‌السلام نیز به جایگاهش بازگشت.

چون شب پرده افکند، حضرت علی عليه‌السلام به یارانش فرمان داد تا چهارپایانشان را قشو کنند و علف خورانند و زین کنند و چون سپیدی صبح رخ نمود، در گرگ و میش پیشاپیش مردم نماز گزارد و با یارانش بر آن قوم تاخت و آنان

بی‌خبر بودند تا آن‌که اسبان به زیرشان گرفتند و هنوز آخرین یاران حضرت فرا نرسیده بودند که جنگجویانشان را از پا درآورد و فرزندانشان را به اسارت گرفت و دارایی‌شان را به غنیمت گرفت و سرزمینشان را ویران کرد و با اسیران و اموالشان به راه افتاد. در آن دم جبرئیل نازل شد و پیامبر ﷺ را خبر داد که خداوند به دست امیرمؤمنان علی عليه‌السلام و مسلمانان گشایش حاصل کرده است. آن‌گاه پیامبر بر منبر رفت و خداوند متعال را حمد و ثنا گفت و مردم را خبر داد که خداوند متعال برای مسلمانان پیروزی حاصل کرده و آگاهشان کرد که تنها دو تن از ایشان زخم خورده‌اند.

فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ يَستَقبِلُ عَلِيًّا وَ جَمِيعُ أَهلِ المَدِينَةِ مِنَ المُسلِمِينَ حَتَّى لَقِيَهُ عَلَى ثَلاثَةِ أَميَالٍ مِنَ المَدِينَةِ فَلَمَّا رَآهُ عَلِيٌّ مُقبِلًا نَزَلَ عَن دَابَّتِهِ وَ نَزَلَ النَّبِيُّ ﷺ حَتَّى إِلتَزَمَهُ وَ قَبَّلَ النَّبِيُّ ﷺ بَينَ عَينَيهِ وَ نَزَلَ جَمَاعَةُ المُسلِمِينَ إِلَى عَلِيٍّ حَيثُ نَزَلَ النَّبِيُّ ﷺ وَ أَقبَلَ بِالغَنِيمَةِ وَ الأُسَارَى وَ مَا رَزَقَهُم اللهُ تَعَالَى مِن أَهلِ الوَادِي اليَابِسِ. ثُمَّ قَالَ جَعفَرُ بنُ مُحَمَّدٍ عليه‌السلام: فَمَا غَنَمَ المُسلِمُونَ مِثلَهَا قَطُّ إِلَّا أَن يَكُونَ خَيبَرُ فَإِنَّهَا مِثلُ خَيبَرَ وَ أَنزَلَ اللهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ اليَومِ: ﴿ **وَ الْعٰادِيٰاتِ ضَبْحًا** ﴾ يَعنِي بِالعَادِيَاتِ الخَيلَ تَعدُو بِالرِّجَالِ وَ الضَّبحُ ضَبحًا فِي أَعِنَّتِهَا وَ لُجُمِهَا، ﴿ **فَالْمُورِيٰاتِ قَدْحًا** ﴾ قَالَ: قَدَّحَتِ الخَيلُ، ﴿ **فَالْمُغِيرٰاتِ صُبْحًا** ﴾ أَخبَرَكَ أَنَّهَا أَغَارَت عَلَيهَا صُبحًا، ﴿ **فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا** ﴾ يَعنِي بِالخَيلِ أَثَرنَ بِالوَادِي نَقعًا، ﴿ **فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا** ﴾: جَمعَ القَومِ، ﴿ **إِنَّ الْإِنْسٰانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ** ﴾ قَالَ: لَكَفُورٌ ﴿ **وَ إِنَّهُ عَلىٰ ذٰلِكَ لَشَهِيدٌ** ﴾ قَالَ: يَعنِيهُمَا جَمِيعًا قَد شَهِدَا جَمعَ وَادِي اليَابِسِ وَ تَمَنَّيَا الحَيَاةَ، ﴿ **وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ** ﴾ يَعنِي أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عليه‌السلام، ﴿ **أَ فَلٰا يَعْلَمُ إِذٰا بُعْثِرَ مٰا فِي الْقُبُورِ * وَ حُصِّلَ مٰا فِي الصُّدُورِ * إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ** ﴾ قَالَ: نَزَلَت هَاتَانِ الآيَتَانِ فِيهِمَا خَاصَّةً كَانَا يَضمِرَانِ ضَمِيرَ السَّوءِ وَ يَعمَلَانِ بِهِ فَأَخبَرَ اللهُ تَعَالَى خَبَرَهُمَا. فَهَذِهِ قِصَّةُ أَهلِ وَادِي اليَابِسِ وَ تَفسِيرُ السُّورَةِ.

سپس پیامبر ﷺ برای استقبال از حضرت علی عليه‌السلام به همراه همهٔ مسلمانان

مدینه بیرون شد تا این‌که ایشان را پس از سه میل از مدینه دید. چون حضرت علی ؑ دید که ایشان به استقبالش می‌آیند، از چهارپایش پیاده شد و پیامبر نیز پیاده شد تا به یکدیگر رسیدند و پیامبر ﷺ میان چشمان حضرت را بوسید و جماعت مسلمانان نیز در پی پیامبر سوی حضرت پیاده شدند و رو سوی غنایم و اسیران و هر آن‌چه که خداوند از اهل وادی یابش نصیبشان کرده بود، گذاشتند.
سپس حضرت امام جعفر صادق ؑ فرمود: مسلمانان هیچ‌گاه چونان غنیمتی نگرفته بودند جز در خیبر و آن غنایم همانند غنایم خیبر بود. خداوند متعال در آن روز نازل فرمود: «سوگند به اسبان دونده که نفس نفس می‌زنند.» یعنی به اسبان دونده که مردان را می‌دوانند و در دهان‌بندها و لجام‌هایشان نفس نفس می‌زنند. «سوگند به آتش افروزندگان با زدن [سم‌هایشان به سنگ‌ها].» اسبان آتش افروختند «سوگند به [هجوم] آورندگان در صبحگاهان.» خبر می‌دهد که اسبان صبح هنگام بر آنان تاختند «که با آن [هجوم] غباری برانگیزانند.» یعنی اسبان در آن وادی غبار برانگیختند «و با آن [هجوم] در میان گروهی درآیند.» در میان آن قوم «به راستی انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است» بسیار کفر پیشه «و بی‌تردید او بر این [ناسپاسی] گواه است» آن دو نفر را منظور دارد که جماعت وادی یابس را دیدند و خواستند زنده بمانند. «و به راستی او خیر را بسیار دوست دارد» یعنی امیرمؤمنان ؑ «آیا نمی‌داند که هرگاه آن‌چه در قبرهاست برانگیخته شود، و آن‌چه در سینه‌هاست آشکار گردد. به راستی در چنین روزی پروردگارشان به آن‌ها آگاه است.» این دو آیه ویژهٔ آن دو نفر نازل شد که در دلشان بدی نهان می‌کردند و به آن عمل می‌کردند و خداوند این‌گونه از آنان خبر داد.
این بود قصهٔ اهل وادی یابس و تفسیر این سوره.



وَ مِن سُورَةِ التَّکَاثُرِ

(سورهٔ تکاثر، آیهٔ ۸)

﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ ﴾

آن‌گاه در آن روز حتماً از شما دربارهٔ آن نعمت سؤال خواهد شد.

۵۲۳. عَن أَبی حَفصِ الصَّائِغِ قَالَ: سَمِعتُ جَعفَرَبنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ فِی قَولِ اللهِ تَعَالَی: ﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعيمِ ﴾ قَالَ: نَحنُ مِنَ النَّعِيمِ الَّذِی ذَكَرَ اللهُ ثُمَّ قَرَأَ جَعفَرُ: ﴿ وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذي أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ[1] ﴾.

ابی‌حفص صائغ گفت: از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که دربارهٔ این آیه فرمود: ما از جمله نعمتی هستیم که خداوند از آن یاد کرد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و [به یاد آور] هنگامی را که به آن کسی که خداوند به او نعمت داده بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می‌گفتی.»

۵۲۴. عَن حَنَانِ‌بنِ سَدِيرٍ قَالَ: حَدَّثَنِی أَبِی قَالَ: كُنتُ عِندَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فَقَدِمَ إِلَينَا طَعَامًا مَا أَكَلتُ طَعَامًا مِثلَهُ قَطُّ فَقَالَ لِی: يَا سَدِيرُ كَيفَ رَأَيتَ طَعَامَنَا هَذَا؟ قُلتُ: بِأَبِی

---

۱. احزاب، ۳۷

أَنتَ وَ أُمِّی یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ مَا أَکَلتُ مِثلَهُ قَطُّ وَ لَا أَظُنُّ آکُلُ أَبَدًا مِثلَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَینِی تَغرغَرَت فَبَکَیتُ فَقَالَ: یَا سَدِیرُ مَا یُبکِیكَ؟ قُلتُ: یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ ذَکَرتُ آیَةً فِی کِتابِ اللهِ تَعَالَی. قَالَ: وَ مَا هِیَ؟ قُلتُ: قَولُ اللهِ فِی کِتَابِهِ: ﴿ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴾ فَخِفتُ أَن یَکُونَ هَذَا الطَّعَامُ مِنَ النَّعِیمِ الَّذِی یَسأَلُنَا اللهُ عَنهُ. فَضَحِكَ حَتَّی بَدَت نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ: یَا سَدِیرُ لَا تُسأَلُ عَن طَعَامٍ طَیِّبٍ وَ لَا ثَوبٍ لَیِّنٍ وَ لَا رَائِحَةٍ طَیِّبَةٍ، بَل لَنَا خُلِقَ وَ لَهُ خُلِقنَا وَ لنعمَل فِیهِ بِالطَّاعَةِ. قُلتُ لَهُ: بِأَبِی أَنتَ وَ أُمِّی یَا ابنَ رَسُولِ اللهِ فَمَا النَّعِیمُ؟ قَالَ: حُبُّ عَلِیٍّ وَ عِترَتِهِ یَسأَلُهُم یَومَ القِیَامَةِ: کَیفَ کَانَ شُکرُکُم لِی حِینَ أَنعَمتُ عَلَیکُم بِحُبِّ عَلِیٍّ وَ عِترَتِهِ؟

حنّان بن سدیر از قول پدرش گفت: خدمت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که طعامی برایمان آوردند؛ طعامی که هرگز همانندش را نخورده بودم. ایشان فرمود: ای سدیر! این غذای ما چگونه بود؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا! هرگز مثل آن را نخورده‌ام و گمان نمی‌کنم مثل آن در آینده نیز نصیبم شود. آن‌گاه اشک در چشمانم حلقه زد و گریستم. ایشان علیه السلام فرمود: ای سدیر! چرا گریه می‌کنی؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا! به یاد آیه‌ای در قرآن افتادم. فرمود: کدام آیه؟ عرض کردم: آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید: «آن‌گاه در آن روز حتماً از شما دربارهٔ آن نعمت سؤال خواهد شد.» ترسیدم این طعام از جمله نعمتی باشد که خدا درباره آن از ما سؤال خواهد کرد. امام خندید به گونه‌ای که دندان‌های ایشان نمایان شد. سپس فرمود: ای سدیر! از هیچ طعام پاک و لباس نرم و بوی خوشی سؤال نخواهد شد؛ چراکه این‌ها برای ما آفریده شده و ما برای این‌ها آفریده شده‌ایم و تنها بایست با استفاده از این نعمت‌ها فرمان‌بردار خدا باشیم. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا! پس آن نعمت چیست؟ فرمود: دوستی با علی علیه السلام و خاندان او، خداوند در روز قیامت سؤال می‌کند: چگونه شکر مرا به جا آوردید هنگامی که با دوستی علی علیه السلام و خاندانش بر شما نعمت بخشیدم؟

وَ مِن سُورَةِ العَصرِ

(سورهٔ عصر، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسانَ لَفي خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ ﴾

سوگند به عصر. به راستی انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و به شکیبایی توصیه نمودند.

۵۲۵. قَالَ: حَدَّثَنَا أَبوالقَاسِمُ العَلَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ مُعَنعَنًا: عَن أَبِي‌عَبدِ اللهِ الصَّادِقِ ﷺ فِي قَولِهِ تَعَالَى: **﴿ إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ ﴾** قَالَ: إِستَثنَى اللهُ تَعَالَى أَهلَ صَفوَتِهِ مِن خَلقِهِ حَيثُ قَالَ: **﴿ إِنَّ الْإِنْسانَ لَفي خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ ﴾** أَدُّوا الفَرَائِضَ **﴿ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ ﴾** الوَلَايَةَ وَ أَوصُوا ذَرَارِيَهُم وَ مَن خَلَّفُوا بِالوَلَايَةِ وَ بِالصَّبرِ عَلَيهَا.

ابوالقاسم علوی به نقل از روایت فرات کوفی گفت: امام جعفر صادق ﷺ دربارهٔ این آیه «مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و به شکیبایی توصیه نمودند» فرمود:

خداوند متعال اهل برگزیدهٔ خود را از آفریدگانش استثنا کرد، آنجا که فرمود: «به راستی انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند». واجبات را به جا آوردند. «و یکدیگر را به حق سفارش کردند». یعنی به ولایت، آنان فرزندان خود و نسل‌های پس از خود را به ولایت و به شکیبایی در راه ولایت سفارش کردند.



وَ مِن سُورَةِ الکَوثَرِ

(سورهٔ کوثر، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ * إِنّٰا أَعْطَیْنٰاکَ الْکَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شٰانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. بی‌گمان دشمن تو، خود مقطوع النسل است.

۵۲۶. عُبَیدُبنُ کَثِیرٍ مُعَنعَنًا: عَن أَبی جَعفَرٍ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ علیه السلام قالَ: لَمّا أَنزَلَ اللهُ تَعالَی عَلَی نَبِیِّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله: ﴿ إِنّٰا أَعْطَیْنٰاکَ الْکَوْثَرَ[۱] ﴾ قالَ لَهُ أَمیرُ المُؤمِنینَ عَلِیُّ بنُ أَبی طالِبٍ علیه السلام: یا رَسُولَ اللهِ لَقَد شَرَّفَ اللهُ هَذَا النَّهرَ وَ کَرَّمَهُ فَانعَتهُ لَنا؟ قالَ: نَعَم یا عَلِیُّ الکَوثَرُ نَهرٌ یَجری مِن تَحتِ عَرشِ اللهِ، مَاؤُهُ أَبیَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحلَی مِنَ العَسَلِ وَ أَلیَنُ مِنَ الزُّبدِ، حَصباؤُهُ الدُّرُّ وَ الیاقُوتُ وَ المَرجانُ، تُرابُهُ المِسکُ الأَذفَرُ وَ حَشیشُهُ الزَّعفَرانُ، سِنخُ قَوائِمِهِ عَرشُ رَبِّ العالَمینَ، ثَمَرُهُ کَأَمثالِ القِلالِ مِنَ الزَّبَرجَدِ الأَخضَرِ وَ الیاقُوتِ الأَحمَرِ وَ الدُّرِّ الأَبیَضِ یَستَبینُ ظاهِرُهُ مِن باطِنِهِ وَ باطِنُهُ مِن ظاهِرِهِ. فَبَکَی النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله

---

۱. کوثر، ۱.

وَ أَصحَابُهُ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيِّ‌بنِ أَبِي‌طالِبٍ فَقَالَ: وَاللهِ يَا عَلِيُّ مَا هُوَ لِي وَحدِي وَ إِنَّمَا هُوَ لِي وَ لَكَ وَ لِمُحِبِّيكَ مِن بَعدِي.

عبید بن کثیر روایت کرده است: امام محمّد باقر علیه‌السلام فرمود: چون خداوند متعال بر پیامبرش حضرت محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل کرد: «به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم»، حضرت علی علیه‌السلام به ایشان فرمود: ای رسول خدا! به راستی خداوند به این نهر شرافت بخشید و آن را گرامی داشت، پس آن را برای ما توصیف فرما. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: البته، ای علی! کوثر نهری است که از زیر عرش خداوند جاری می‌گردد و آب آن سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره است. سنگ‌های کفِ آن از مروارید و یاقوت و مرجان است و خاکش از مشک خوشبو و گیاه کنارهٔ آن از زعفران و بن‌ستون‌هایش عرش پروردگار جهانیان است. میوهٔ آن همچون جواهرهای کمیاب از زبرجد سبز و یاقوت قرمز و مروارید سفید است. ظاهرش باطنش را می‌نمایاند و باطنش ظاهرش را. آن‌گاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحابش گریستند و پیامبر با دست مبارک خویش به علی علیه‌السلام زد و فرمود: به خدا سوگند ای علی! آن‌چه وصف کردم، تنها برای من نیست، بلکه برای من و تو و دوستداران تو پس از من است.

۵۲۷. **عَنِ المُختَارِبنِ فُلفُلٍ قَالَ: سَمِعتُ عَن أَنَسٍ يَقُولُ: أَغفَى رَسُولُ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله إِغفَاءَةً فَرَفَعَ رَأسَهُ مُتَبَسِّمًا فَقَالَ لَهُم وَ قَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللهِ لِمَ ضَحِكتَ؟ قَالَ نَزَلَت عَلَيَّ آنِفًا سَورَةٌ فَقَرَأَهَا ﴿بسم الله الرّحمن الرّحيم إِنّا أعطَينَاكَ﴾ حَتَّى خَتَمَهَا.**

مختار بن فلفل گفت: از انس شنیدم که می‌گفت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به حالت خواب بود که ناگاه خندان سربرآورد و لب به سخن گشود. به ایشان عرض کردند: ای رسول خدا! چرا می‌خندید؟ فرمود: هم‌اکنون سوره‌ای بر من نازل شد. و شروع به تلاوت آن فرمود: «به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان. به راستی ما به تو کوثر عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. بی‌گمان دشمن تو، خود مقطوع النسل است.»




وَ مِن سُورَةِ الكَافِرُونَ

(سورهٔ کافرون، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ * لاٰ أَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونَ * وَ لاٰ أَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا أَعْبُدُ * وَ لاٰ أَنَا عٰابِدٌ مٰا عَبَدْتُّمْ * وَ لاٰ أَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا أَعْبُدُ ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * بگو: ای کافران! نمی‌پرستم آن‌چه را شما می‌پرستید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. و نه من پرستنده‌ام آن‌چه را شما پرستیده‌اید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. دین شما از آنِ شما و دینِ من از آنِ من است.

۵۲۸. حَدَّثَنَا أَبُوحَفصٍ الصَّائِغُ: عَن جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا نَزَلَت عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ﴿ **وَ لَوْ لاٰ أَنْ ثَبَّتْنٰاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلاً * إِذًا لَأَذَقْنٰاكَ ضِعْفَ الْحَيٰاةِ وَ ضِعْفَ الْمَمٰاتِ**[1] ﴾ قَالَ: تَفسِيرُهَا قَالَ قَومُهُ تَعَالِ حَتَّى نَعبُدَ إِلٰهَكَ سَنَةً وَ تَعبُدَ إِلٰهَنَا سَنَةً. قَالَ: فَأَنزَلَ اللهُ عَلَيهِ: ﴿ **قُلْ يٰا أَيُّهَا الْكٰافِرُونَ * لاٰ أَعْبُدُ مٰا تَعْبُدُونَ * وَ لاٰ أَنْتُمْ عٰابِدُونَ مٰا أَعْبُدُ**[2] ﴾ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ.

---

۱. إسراء، ۷۵ ـ ۷۴   ۲. کافرون، ۵ ـ ۱

ابوحفص صائغ گفت: امام جعفر صادق ﷺ فرمود: آن‌گاه که بر پیامبر ﷺ نازل شد: «و اگر نه آن بود که [قلب] تو را استوار داشتیم، بی‌تردید نزدیک بود که اندکی به سوی آنان میل پیدا کنی. آن‌گاه مسلماً تو را دوچندان [عذاب] دنیا و دوچندان [عذاب] پس از مرگ می‌چشاندیم»، تفسیرش چنین بود که قوم ایشان گفتند بیا تا سالی ما خدای تو را بپرستیم و سالی تو خدای ما را بپرست. پس خداوند بر پیامبر ﷺ نازل فرمود: «بگو ای کافران! نمی‌پرستم آن‌چه را شما می‌پرستید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. و نه من پرستنده‌ام آن‌چه را شما پرستیده‌اید. و نه شما پرستنده‌اید آن‌چه را من می‌پرستم. دین شما از آنِ شما و دینِ من از آنِ من است.»




وَ مِن سُورةِ النَّصرِ

(سورهٔ نصر، آیهٔ ۱ ـ ۳)

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ * وَ رَأَيْتَ النّٰاسَ يَدْخُلُونَ في دينِ اللّٰهِ أَفْوٰاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كٰانَ تَوّٰابًا ﴾

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان * هنگامی که یاری خدا و فتح فرا رسد * و چون در آن روز مردم را ببینی که گروه گروه به دین خدا داخل می‌شوند * پس خدای خود را تسبیح و حمد کن و از او مغفرت بخواه؛ به درستی که او خدای بسیار توبه‌پذیر است.

۵۲۹. عَن أَنسِ بنِ مَالِكٍ قَالَ: كُنَّا إِذَا أَرَدنَا أَن نَسأَلَ رَسُولَ اللهِ ﷺ عَن شَيءٍ أَمَرنَا أَمِيرَ المُؤمِنِينَ عَلِيَّ بنَ أَبِي طَالِبٍ ؑ أَو سَلمانَ الفَارِسِيَّ أَو ثَابِتَ بنَ مَعاذٍ الأَنصارِيَّ فَلَمَّا نَزَلَتِ الآيَةُ ﴿ إِذٰا جٰاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ ﴾ وَ عَلِمنَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَد نُعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ قُلنَا لِسَلمَانَ: سَل رَسُولَ اللهِ ﷺ مَن نَسنِدُ إِلَيهِ أَمرَنَا وَ أَو يَكُونُ إِلَيهِ مَفزَعُنَا وَ مَن أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيهِ فَلَقِيَهُ فَسَأَلَهُ فَأَعرَضَ عَنهُ ثُمَّ سَأَلَهُ فَأَعرَضَ عَنهُ ـ ثَلاثَ مَرَّاتٍ ـ فَخَشِيَ سَلمانُ أَن يَكونَ النَّبِيُّ ﷺ قَد مَقتَهُ وَ وَجَدَ فِي نَفسِهِ فَلَمَّا كَانَ بَعدَ لُقِيِّهِ فَقَالَ:

يَا سَلمَانُ يَا أَبَاعَبدِ اللهِ أَلَا أُنَبِّئُكَ عَمَّا كُنتَ سَأَلتَنِي؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللهِ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَكونَ قَد مَقَتَنِي وَجَدتَ فِي نَفسِكَ عَلَيَّ. قَالَ: كَلَّا يَا سَلمَانُ إِنَّ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهلِي وَ خَيرَ مَن أُترِكُ بَعدِي يَقضِي دَينِي وَ يُنجِزُ مَوعِدِي أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ.

انس‌بن مالک گفت: هرگاه می‌خواستیم از رسول خدا ﷺ سؤالی بپرسیم، از امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ یا سلمان فارسی و یا ثابت‌بن معاد انصاری می‌خواستیم آن را از ایشان بپرسد. از این رو چون نازل شد «آن‌گاه که یاری خداوند و پیروزی آید» و دانستیم که جان سپردن رسول خدا ﷺ نزدیک شده است، به سلمان فارسی گفتیم از رسول خدا ﷺ بپرس که در امورمان به چه کسی تکیه کنیم تا پناهگاهمان باشد و نیز چه کسی نزد ایشان از دیگر مردمان دوست‌داشتنی‌تر است؟ سلمان به دیدار رسول خدا ﷺ رفت و سؤال ما را پرسید، اما ایشان پاسخی نداد. باز او از ایشان جویای پاسخ شد اما نشنید و این سه بار تکرار شد. سلمان ترسید که مبادا رسول خدا ﷺ از او دلگیر شده باشد و دیگر هیچ نگفت. چون آن دیدار گذشت، رسول خدا ﷺ به او فرمود: ای سلمان! ای اباعبدالله! می‌خواهی تو را از آن‌چه پرسیدی باخبر کنم؟ عرض کرد: آری ای رسول خدا. می‌ترسیدم که مبادا از من دلگیر شده باشید. فرمود: هرگز ای سلمان! همانا برادر و وزیر و جانشین من در میان اهل بیتم و بهترین کسی که من پس از خود بر جای می‌گذارم و او دِین مرا می‌پردازد و به وعدهٔ من جامهٔ عمل می‌پوشاند، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ است.

۵۳۰. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِي قَولِهِ تَعَالَى ﴿ **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ** ﴾ يَقُولُ: عَلَى الأَعدَاءِ مِن قُرَيشٍ وَ غَيرِهِم وَ الفَتحُ فَتحُ مَكَّةَ ﴿ **وَ رَأَيْتَ النَّاسَ** ﴾ يَقُولُ الأَحيَاءُ ﴿ **يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْوَاجًا** ﴾ يَقُولُ: جَمَاعَاتٍ وَ قَبلُ ذَلِكَ إِنَّمَا كَانَ يَدخُلُ الوَاحِدُ بَعدَ الوَاحِدِ فَقِيلَ إِذَا رَأَيتَ الأَحيَاءَ تَدخُلُ جَمَاعَاتٍ فِي الدِّينِ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، نُعِيَت إِلَيهِ نَفسُهُ ﴿ **فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ** ﴾

يَقُولُ: فَصَلِّ بِأَمرِ رَبِّكَ ﴿ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كانَ تَوّاباً ﴾ يَقُولُ: مُتَجَاوِزًا.

ابن عباس دربارهٔ کلام خداوند متعال گفت: «هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد» یعنی یاری علیه دشمنان قریشی و غیر آنان و پیروزی، یعنی فتح مکه «و مردم را می‌بینی» یعنی زندگان «که گروه گروه به دین خدا در می‌آیند» یعنی دسته‌جمعی؛ چراکه پیش از آن مردم یکی یکی به اسلام می‌گرویدند. آیه چنین می‌گوید که وقتی دیدی زندگان دسته‌جمعی به دین خدا در می‌آیند، زمان جان دادن توست؛ یعنی هنگام جان سپردن رسول خدا ﷺ فرا می‌رسد. «پس با سپاس و ستایش پروردگارت تسبیح گوی» یعنی به فرمان پروردگارت نماز بگزار «و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است» بسیار پذیرای توست.

۵۳۱. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَت هَذِهِ السُّورَةَ دَعَا رَسُولُ اللهِ ﷺ فَاطِمَةَ ؏ فَقَالَ: إِنَّهُ قَد نَعِيتُ إِلَى نَفسِي فَبَكَت فَقَالَ: لَاتَبكِينَ فَإِنَّكَ أَوَّلُ أَهلِي لِحَاقًا بِي فَضَحِكَت.

ابن عباس گفت: زمانی که این سوره نازل شد، رسول خدا ﷺ، حضرت فاطمه ؏ را فرا خواند و فرمود: زمان مرگ من فرا رسیده است. چون حضرت فاطمه ؏ گریست، پیامبر فرمود: گریه نکن؛ از خاندانم تو نخستین کسی هستی که به من می‌پیوندی، آن وقت بود که حضرت فاطمه ؏ خندید.

۵۳۲. فُرَاتُ قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بنُ مُحَمَّدِ بنِ إِسمَاعِيلَ الخَزَّازِ الهَمدَانِيُّ مُعنعَنًا: قَالَ: رَجُلٌ كَانَ قَد أَدرَكَ سِتَّةً أَو سَبعَةً مِن أَصحَابِ النَّبِيِّ ﷺ قَالُوا: لَمَّا نَزَلَ: ﴿ إِذا جاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ ﴾ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةُ قَد ﴿ جاءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ وَ رَأَيْتَ النّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ أَفْواجاً ﴾ فَسُبحَانَ رَبِّي وَ بِحَمدِهِ وَاستَغفِرُ رَبِّي ﴿ إِنَّهُ كانَ تَوّاباً ﴾.

يَا عَلِيُّ إِنَّ اللهَ قَضَى الجِهَادَ عَلَى المُؤمِنِينَ فِي الفِتنَةِ مِن بَعدِي فَقَالَ عَلِيُّ بنُ أَبِي طَالِبٍ: يَا رَسُولَ اللهِ وَ كَيفَ نُجَاهِدُ المُؤمِنِينَ الَّذِينَ يَقُولُونَ فِي فِتنَتِهِم آمِنًا؟ قَالَ: يُجَاهِدُونَ عَلَى الإِحدَاثِ فِي الدِّينِ إِذَا عَمِلُوا بِالرَّأيِ فِي الدِّينِ إِنَّمَا الدِّينُ مِنَ الرَّبِّ أَمرُهُ وَ نَهيُهُ.

قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ ؏: يَا رَسُولَ اللهِ أَرَأَيتَ إِذَا نَزَلَ بِنَا أَمرٌ لَيسَ فِيهِ كِتَابٌ وَلَا سُنَّةٌ مِنكَ

مَا نعمَلُ فِيهِ؟ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إجعَلُوهُ شُورَى بَينَ المُؤمِنِينَ وَ لَا تَقصُرُونَهُ بِأَمرِ خَاصَّةً. قَالَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّكَ قَد قُلتُ لِي ـ حِينَ خَزَلَت عَنِّي الشَّهَادَةُ وَاستُشهِدَ مَنِ استُشهِدَ مِنَ المُؤمِنِينَ يَومَ أُحُدٍ: الشَّهَادَةُ مِن وَرَائِكَ؟ قَالَ: فَكَيفَ صَبرُكَ إِذَا خَضَبَت هَذِهِ مِن هَذَا؟ وَ وَضَعَ رَسُولُ اللهِ ﷺ يَدَهُ عَلَى رَأسِهِ وَ لِحيَتِهُ قَالَ عَلِيٌّ: يَا رَسُولَ اللهِ لَيسَ حِينَئِذٍ هُوَ مِن مَوَاطِنِ الصَّبرِ وَلَكِن مِن مَوَاطِنِ البُشرَى قَالَ عَلِيُّ أَعِدَّ خُصُومَتَكَ فَإِنَّكَ مُخَاصِمُ قَومَكَ يَومَ القِيَامَةِ.

فرات گفت: علی بن محمّد بن اسماعیل خزاز همدانی روایت کرده است: مردی که شش یا هفت نفر از اصحاب پیامبر ﷺ را درک کرده بود، گفت که ایشان گفتند: چون نازل شد «هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسید» پیامبر ﷺ فرمود: ای علی و ای فاطمه! «یاری خداوند و پیروزی» فرا رسیده است «و مردم را می‌بینی که گروه گروه به دین خدا در می‌آیند» پس سپاس و ستایش از برای پروردگار من است و او را می‌ستایم و از او آمرزش می‌خواهم «که او بسیار توبه‌پذیر است». ای علی! همانا خداوند در فتنه‌ای پس از من جهاد را بر مؤمنان جاری می‌سازد. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! چگونه با مؤمنانی جهاد کنیم که در آن فتنه می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم؟ فرمود: با آنان به‌خاطر بدعت‌گذاری در دین جهاد کنید؛ در آن هنگام که در دین به رأی خود عمل کردند؛ چراکه دین پروردگار من تنها امر و نهی اوست. امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! اگر امری بر ما رخ داد که در کتاب و سنت شما سخنی در آن نیست، با آن چه کنیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: آن را میان مؤمنان به شورا گذارید و آن رابه امری خاص محدود نکنید. امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! شما در روز جنگ احد وقتی شهادت از من روبرتافت و مؤمنان دیگری به آن رسیدند، به من فرمودی که شهادت در پی توست. رسول خدا ﷺ فرمود: بردباری‌ات چگونه خواهد بود چون اینجا به

خون خضاب می‌شود؟ و رسول خدا ﷺ دست بر سر و ریش حضرت علی ﷺ نهاد. حضرت علی ﷺ عرض کرد: ای رسول خدا! آن هنگام جای بردباری نیست بلکه جای مژده است. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی! حجّت‌های خویش فراهم ساز که در روز قیامت با قومت مخاصمه خواهی داشت.

وَ مِن سُورَةِ الإخلَاصِ

(سورهٔ اخلاص، آیهٔ ۱ ـ ۴)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ * اللهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * بگو: او خداوند یکتاست. خداوند آن بی‌نیازی است که همهٔ نیازمندان قصد او کنند. نه زاده است و نه زاده شده. و برای او همتایی نبوده است.



۵۳۳. عَنِ ابنِ عَبّاسٍ قَالَ: إنَّ قُرَيشًا سَأَلُوا النَّبِيَّ ﷺ مِنهُم جُبَيرُبنُ مُطعِمٍ وَ أَبُوجَهلِ بنِ هِشَامٍ وَ رُؤَسَاءُ مِن قُرَيشٍ: يَا مُحَمَّدُ أَخبِرنَا عَن رَبِّكَ مِن أَيِّ شَيءٍ هُوَ؟ مِن خَشَبٍ أَم مِن نُحَاسٍ أَم مِن حَدِيدٍ؟!

وَ قَالَتِ اليَهُودُ: إنَّه قَد أُنزِلَ نَعتُهُ فِي التَّوراةِ فَأَخبِرنَا عَنهُ؟ فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَى إلَى نَبِيِّهِ ﷺ ﴿ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ ﴾ يَعنِي الصَّمَدَ الَّذِي لَا جَوفَ لَهُ. وَ قَالَ بَعضُهُم: الصَّمَدُ السَّيِّدُ الَّذِي يُسنَدُ إلَيهِ الأَشيَاءُ ﴿ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ ﴾ قَالَ: وَ ذَلِكَ أَنَّ المُشرِكِينَ قَالُوا: المَلَائِكَةُ بَنَاتُ اللهِ وَ قَالَتِ اليَهُودُ: عُزَيزٌ ابنُ اللهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى المَسِيحُ ابنُ اللهِ فَأَنزَلَ اللهُ ﴿ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴾ يَعنِي لَا مِثلَ لَهُ فِي الإلَهِيَّةِ وَ لَا ضِدَّ لَهُ وَ لَا نِدَّ لَهُ

وَ لَا شِبهَ لَهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ لَا إِلَه إِلَّا اللهُ.
قَالَ أَبُو جَعفَرٍ عليه السلام: هِيَ مَكِّيَّةٌ كُلُّهَا نَزَلَت.

ابن عباس گفت: قریشیان از جمله جبیربن مطعم و ابوجهل‌بن هشام و برخی دیگر از سران قریش از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ای محمّد! ما را از پروردگارت خبر ده که او از چیست؟ از چوب است یا از مس یا آهن؟ و یهودیان گفتند: وصف او در تورات نازل شده است، پس تو نیز ما را از او خبر ده! آن‌گاه خداوند بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل فرمود: «بگو او خداوند یکتاست. خداوند آن بی‌نیازی است که همهٔ نیازمندان قصد او کنند.» یعنی بی‌نیازی که هیچ کاستی درون خود ندارد. برخی نیز گفته‌اند صمد، سروری است که چیزها به آن استوار شود. نه زاده است و نه زاده شده. و این بدان سبب گفته شد که مشرکان می‌گفتند فرشتگان دختران خداوندند و یهودیان می‌گفتند عزیر پسر خداوند است و نصاریون می‌گفتند حضرت مسیح علیه السلام پسر خداوند است. آن‌گاه خداوند نازل فرمود «و برای او همتایی نبوده است» یعنی او هیچ همانندی در خداوندی ندارد و هیچ ضدّ و مانند و شبیه و شریکی ندارد و هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست.

وَ مِن سُورَةِ الفَلَقِ

(سورهٔ فلق، آیهٔ ۱ ـ ۵)

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ * وَ مِنْ شَرِّ غٰاسِقٍ إِذٰا وَقَبَ * وَ مِنْ شَرِّ النَّفّٰاثٰاتِ فِي الْعُقَدِ * وَ مِنْ شَرِّ حٰاسِدٍ إِذٰا حَسَدَ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح. از شرّ آن‌چه آفریده است. و از شرّ تاریکی، آن‌گاه که درآید و از شرّ دمندگان در گره‌ها و از شرّ حسود، آن‌گاه که حسد ورزد.

۵۳۴. ابنُ مُحَمَّدِبنِ مَيمُونٍ عَن عِيسَى يَعنِى ابنَ مُحَمَّدٍ عَن جَدِّهِ: عَن أَمِيرِالمُؤمِنِينَ عَلِيِّ‌بنِ أَبِى طالِبٍ عليه‌السلام قالَ: سَحَرَ لَبِيدُبنُ أَعصَمَ اليَهُودِىُّ وَ أُمُّ عَبدِ اللّٰهِ اليَهُودِيَّةُ رَسُولَ اللّٰهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله فِى عَقدٍ مِن قَزٍّ أَحمَرَ وَ أَخضَرَ وَ أَصفَرَ فَعَقَدُوهُ لَهُ فِى إِحدَى عَشَرَ عُقدَةً ثُمَّ جَعَلُوهُ فِى جُفٍّ مِن طلعٍ ـ قالَ: يَعنِى قُشُورَ اللُّوزِ الكُفِّ ـ ثُمَّ أَدخَلُوهُ فِى بِئرٍ بِوادٍ فِى المَدِينَةِ فِى مَراقِى البِئرِ تَحتَ رَاعُوفَةِ ـ يَعنِى الحَجَرَ الخارِجَ ـ فَأَقامَ النَّبِىُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله ثَلاثًا لا يَأكُلُ وَ لا يَشرَبُ وَ لا يَسمَعُ وَ لا يُبصِرُ وَ لا يَأتِى النِّساءَ فَنَزَلَ عَلَيهِ جَبرَئِيلُ عليه‌السلام وَ نَزَلَ مَعَهُ بِالمُعَوَّذَتَينَ فَقالَ لَهُ: يا مُحَمَّدُ ما شَأنُكَ؟ قالَ: ما أَدرِى أَنا بِالحالِ الَّذِى تَرى فَقالَ: إِنَّ أُمَّ

عَبدِ اللهِ وَ لَبیدَ بنَ أَعصَمَ سَحرَاكَ ، وَ أَخبَرَهُ بِالسِّحرِ وَ حَیثُ هُوَ. ثُمَّ قَرَءَ جبرَئیلُ ﷺ:
﴿ **بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** ﴾ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ ذٰلِكَ فَانحَلَّت عُقدَةٌ ثُمَّ لَم یَزَل یَقرَءُ آیَةً وَ یَقرَءُ النَّبِیُّ ﷺ وَ تَنحَلُّ عُقدَةٌ حَتّی أَقرَأَهَا عَلَیهِ إِحدَی عَشَرَ آیَةً وَ انحَلَّت إِحدَی عَشَرَ عُقدَةً وَ جَلَسَ النَّبِیُّ وَ دَخَلَ أَمِیرُ الْمُؤمِنِینَ ﷺ فَأَخبَرَهُ بِمَا جَاءَ بِهِ جبرَئیلُ وَ قَالَ لَهُ: إِنطَلِق فَأتِنِی بِالسِّحرِ فَخَرَجَ عَلِیٌّ فَجَاءَ بِهِ فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللهِ ﷺ فَنَقَضَ ثُمَّ تَفَلَ عَلَیهِ وَ أَرسَلَ إِلَی لَبِیدِبنِ أَعصَمَ وَ أُمِّ عَبدِ اللهِ الیَهُودِیَّةِ فَقَالَ: مَا دَعَاكُم إِلَی مَا صَنِعتُم؟! ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللهِ ﷺ عَلَی لَبِیدٍ وَ قَالَ: لَا أَخرَجَكَ اللهُ مِنَ الدُّنیَا سَالِماً قَالَ: وَ کَانَ مُوسِرًا کَثِیرَ المالِ فَمَرَّ بِهِ غُلَامٌ یَسعَی فِی أُذُنِهِ قُرطُ قِیمَتُهُ دِینَارٌ فَجَاذَبَهُ فَخَرَمَ أُذُنَ الصَبِیِّ فَأَخَذَ وَ قُطِعَت یَدُهُ فَمَاتَ مِن وَقتِهِ.

ابن محمّد بن میمون از عیسی ابن محمّد از جدّش از امیرمؤمنان حضرت علی ﷺ روایت کرده است که ایشان فرمود: لبیدبن اعصم یهودی و اُم عبدالله یهودی، رسول خدا ﷺ را درگره‌هایی از پارچه‌های ابریشمی قرمز و سبز و زرد جادو کردند و آن را در یازده گره افکندند و سپس در پوست دم موش قرار دادند و در چاهی در یکی از دشت‌های مدینه در تورفتگی‌های چاه به زیر سنگی قرار دادند. این شد که پیامبر ﷺ سه روز هیچ چیز نخورد و نیاشامید و نمی‌شنید و نمی‌دید و نزد همسرانش نمی‌رفت، این‌که جبرئیل فرود آمد و با خود معوّذتین را آورد و عرض کرد: ای محمّد! تو را چه شده؟ فرمود: نمی‌دانم، چنینم که می‌بینی. عرض کرد: ام عبدالله و لبیدبن اعصم تو را جادو کرده‌اند. و این‌گونه جبرئیل ایشان را از جادو و مکانش باخبر کرد. سپس جبرئیل قرائت کرد: «به نام خداوند بخشندهٔ مهربان بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح.» و پیامبر نیز این بگفت و گره‌ای باز شد. سپس با خواندن آیه‌ای دیگر و باز خواندن پیامبر ﷺ گره‌ها یکی یکی باز شد تا این‌که جبرئیل یازده آیه برایشان قرائت کرد و آن یازده گره باز شد. پیامبر ﷺ نشسته

بود که امیرمؤمنان علی ﷺ داخل شد و حضرت او را از خبری که جبرئیل آورده بود، آگاه کرد و فرمود: راهی شو و آن جادو را برایم بیاور. حضرت علی ﷺ بیرون رفت و آن را آورد. رسول خدا ﷺ فرمود تا آن را از میان بردند و سپس این برایشان دشوار آمد و کسی را نزد لبید و ام عبدالله فرستاد و فرمود: چه باعث شد چنین کنید؟ سپس لبید را نزد خود فراخواند و فرمود: خدا تو را تندرست از دنیا بیرون نبرد! پس از آن لبید که مردی بسیار ثروتمند بود روزی کودکی را دید که می‌دوید و در گوش گوشواره‌ای به ارزش یک دینار داشت. او را نزد خود آورد و گوشش را پاره کرد و در این بین دست او شکست. مرگ او نیز در ان وقت رسید.






وَ مِن سُورةِ الناس

(سورهٔ الناس، آیهٔ ۱ ـ ۶)

﴿ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلٰهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوٰاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذي يُوَسْوِسُ في صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان * بگو: پناه می‌برم بـه پـروردگار مـردم، فرمانروای مردم، معبود مردم، از شرّ آن وسوسه‌گر پنهان. [همان] کسی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند. از جنّیان و مردم.

۵۳۵. عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ فِی قَولِهِ تَعَالَی ﴿ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴾ يَقُولُ: يَا مُحَمَّدُ قُل أَعُوذُ بِـرَبِّ النَّاسِ (يَعنِی بِخَالِقِ) النَّاسَ ﴿ مَلِكِ النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ ﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ مَعَهُ ﴿ مِنْ شَرِّ الْوَسْوٰاسِ ﴾ يَعنِی الشَّيطَانَ ﴿ الْخَنَّاسِ ﴾ يَقُولُ: يُوَسوِسُ عَلَى قَلبِ ابنِ آدَمَ فَإِذَا ذَكَرَ ابنِ آدَمَ اللهَ خَنَسَ مِن قَلبِهِ فَذَهَبَ ثُمَّ قَالَ ﴿ الَّذي يُوَسْوِسُ في صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ ﴾ يُدخِلُونَ فِی صُوَرِ الجِنِّ فَيُوَسوِسُونَ عَلَى قَلبِهِ كَمَا يُوَسوِسُ عَلَى قَلبِ ابنِ آدَمَ وَ يَدخُلُ مِنَ الجِنِّی كَمَا يَدخُلُ مِنَ الإِنسِیِّ وَ هَاتَانِ السُّورَتَانِ نَزَلَتَا عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ حِينَ سُحِرَ وَ أُمِرَ أَن يَتَعَوَّذَ بِهِمَا.

ابن عباس دربارهٔ کلام حق تعالی گفت: «بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم» می‌فرماید: ای محمّد! بگو پناه می‌برم به پروردگار مردم؛ یعنی آفرینندهٔ مردم. «فرمانروای مردم، معبود مردم» هیچ شریک و همراهی ندارد. «از شر آن وسوسه‌گر» یعنی شیطان «پنهان»، می‌فرماید: بر قلب آدمیزاد وسوسه می‌کند و چون خداوند را یاد کند، پنهان می‌شود و از قلب او رخت برمی‌بندد «کسی که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، از جنّیان و مردم» در صورت جن وارد می‌شود و بر قلب او وسوسه می‌کند همان‌گونه که بر قلب آدم وسوسه می‌کند و همچنان‌که وارد انسان می‌شود، وارد جن می‌شود. این دو سوره، ناس و فلق، زمانی بر رسول خدا ﷺ نازل شد که ایشان جادو شده بود و فرمان رسید که خود را به آن دو تعویذ کند.

صَدَقَ اللهُ العَلِيُّ العَظِيمُ وَ صَدَقَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الكَرِيمُ وَ نَحنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَ لِآلَاءِ رَبِّنَا حَامِدِينَ وَ الحَمدُ لِلهِ رَبِّ العَالِمِينَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَيرِ خَلقِهِ وَ آلِهِ وَ أَهلِ بَيتِهِ وَ عِترَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ أَجمَعِينَ.

راست گفت خداوند والای بلندمرتبه و راست گفت فرستادهٔ او پیامبر کریم و ما از گواهان این سخنیم و ستایشگر نعمت‌های پروردگارمانیم و سپاس و ستایش از برای پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر سرور ما حضرت محمّد ﷺ برترین آفریدگان خداوند و نیز بر تمامی خاندان و اهل بیت و عترت و فرزندان او ﷺ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ و الِهِ، واجعَلنا مِمَّن يَعتَصِمُ بِحَبلِهِ، و يَأوى مِنَ المُتَشابِهَاتِ اِلى حِرزِ مَعقِلِهِ و يَسكُنُ فِی ظِلِّ جَناحِهِ، و يَهتَدى بِضَوء صَبَاحِهِ، و يَقتَدى بِتَبَلُّجِ اِسفَارِهِ، و يَستصبِحُ بِمِصبَاحِهِ، و لا يَلتَمِسُ الهُدَى فی غَيرِهِ. اَللّٰهُمَّ و كَما نَصَبتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلالَةِ عَلَيكَ، وانهَجتَ بِالِهِ سُبُلَ الرِّضَا اِلَيكَ، فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَاجعَلِ القُرانَ وَسيلَةً لَنا اِلَى اَشرَفِ مَنازِلِ الكَرامَةِ، و سُلَّمًا نَعرُجُ فيهِ اِلى مَحَلِّ السَّلامَةِ[1].

بار خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می‌زنند، و در امور شبهه‌انگیز به پناهگاه آیات این کتاب پناهنده می‌گردند و در سایهٔ بال رحمت آن سکنا می‌گزینند، و از نور صبحش راه می‌یابند و از رخشندگی سپیده‌اش پیروی می‌نمایند، و از چراغش چراغ می‌افروزند، و از غیر آن هدایت نمی‌جویند. بار الها! همچنان که حضرت محمّد ﷺ را نشانه‌ای برای دلالت به خودت قرار دادی و به آلِ آن‌جناب (اهل بیت ﷺ) مسیر خشنودی خود را روشن نمودی، پس بر محمّد و آلش درود فرست، و قرآن را برای ما وسیلهٔ رسیدن به والاترین منازل کرامت و نردبان اوج گرفتن ما به محل سلامت قرار ده.

---

۱. برگزیده‌ای از دعای امام سجاد ؑ به وقت ختم قرآن. (صحیفه سجادیه، دعای ۴۲، ص ۲۰۹)



کتاب‌شناسی

۱. **قرآن‌کریم**، ترجمهٔ دکتر امیر توحیدی، انتشارات حافظ نوین.

۲. **نهج‌البلاغه**، ترجمهٔ محمّد دشتی، چاپ ظهور قم، ۱۳۷۹.

۳. **صحیفه‌کامله سجادیه**، ترجمهٔ حسین انصاریان، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۴.

۴. **تفسیر فرات‌کوفی**، تحقیق محمّد الکاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۴۱۰ ق.

۵. اردوبادی، محمّد علی، **تفسیر فرات‌کوفی** (مقدمه)، نجف اشرف، ۱۳۵۴ ق.

۶. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، ج ۴۲، تحقیق حسن امین، بیروت، مطبعة الانصاف، ۱۳۷۸ ق.، ۱۹۵۸ م.

۷. البحرانی، سید هاشم، **تفسیر البرهان**، ترجمهٔ ناظمیان، گنجیان، صادق خورشا، تهران، انتشارات کتاب صبح، ۱۳۸۹.

۸. البنانی، یوسف، **ثمرة الفؤاد**

۹. توحیدی، امیر، **خطبهٔ غدیریه**، تهران، انتشارات زراره، ۱۳۸۴.

۱۰. الحاکم الحسکانی، عبیدالله‌بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت** علیهم‌السلام، تحقیق محمّد باقر المحمودی، چاپ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۱. حسینی استرآبادی، **تأویل الآیات الظاهره**، انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۴۰۹ ق.

۱۲. حرّ عاملی، محمّد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۳۰، تحقیق مؤسسهٔ آل البیت ﷺ لاحیاء التراث، الطبعة الثانیة، قم، مطبعة مهر، ۱۴۱۴ق.
۱۳. زرقانی، عبدالعظیم، **مناهل العرفان**
۱۴. الصدر، السید الحسن، **تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام**، بغداد، مرکز النشر و الطباعة العراقیه المحدودة، ۱۳۸۱ق.، ۱۳۴۱ق.
۱۵. الصدر، السید الحسن، **نهایة الدرایة فی شرح الرسالة الموسومة بالوجیزه للبهائی**، تحقیق ماجد الغرباوی، قم، نشر المشعر، ۱۴۱۳ق.
۱۶. الصفّار، محمّد بن الحسن‌بن فروخ، **بصائر الدرجات**، تحقیق میرزا محسن کوچه‌باغی، تهران، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. طباطبایی، محمّدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**
۱۸. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تحقیق احمد حسینی، مکتب مرتضویه، ۱۳۸۶ق.
۱۹. عبدالباقی، محمّد فؤاد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**
۲۰. کلینی، یعقوب‌بن اسحاق، **اصول‌کافی**، ترجمه و شرح مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ۱۳۴۸.
۲۱. فیروزآبادی، **القاموس المحیط**
۲۲. قبادی، مریم، **بازشناسی میراث‌کهن شیعه**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
۲۳. قمی، عباس، **الفوائد الرضویه**، بی‌نا، بی‌تا.
۲۴. قمی، عباس، **کلیات مفاتیح الجنان**، ترجمهٔ مهدی الهی قمشه‌ای، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات پارسیان، قم، ۱۳۸۰.
۲۵. القمی المشهدی، محمّد بن محمّد رضا، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق حسین درگاهی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات و زارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۶. المامقانی، عبدالله، **تنقیح المقال**، چاپ سنگی، ابواب فاء.
۲۷. مجلسی، محمّد باقر، **بحارالانوار**، ج ۳۲ و ۸۹، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۲۸. مدیرشانه‌چی، کاظم، **علم الحدیث**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.

۲۹. مستنبط، احمد، **القطره**، قم، نشر حاذق، ۱۴۲۸ ق.

۳۰. معارف، مجید، **تاریخ عمومی حدیث**

۳۱. معرفت، **تفسیر و مفسران**

۳۲. الموسوی الخوئی، ابوالقاسم، **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**، الطبعة الخامسة، قم، منشورات مدینة العلم، ۱۴۱۳ ق.، ۱۹۹۲ م.

۳۳. نوری طبرسی، حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.